

جزوه جامع زبان انگلیسی:

Vision 1-3

تقویتی - کنکوری

(طرح اولیه - بدون ویرایش نهایی)

"صرفاً جهت مطالعه در تعطیلات کرونایی"

تألیف و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای شهرستان بوکان - مدرس کلاسهای کنکور

اسفند ۹۸ - فروردین ۹۹

IN THE NAME OF ALLAH

توجه: هدف اصلی از به اشتراک گذاری این جزوه به صورت رایگان، کمک به دانش آموزان در تعطیلات اجباری "کروناوی" است. اما متأسفانه به دلیل کمبود وقت، فرصت تهیه پاسخنامه تشریحی برای تمامی تستها مقدور نشد که در ویرایش نهایی پاسخ تشریحی اضافه خواهد شد.

همچنین در این جزوه، گاهی از مثال ها و تستهای تعدادی از کتاب ها و جزوات عالی موجود در بازار استفاده شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تست و مثالهای جدید (کنکوری - استاندارد) جایگزین خواهند شد.

در نسخه اصلی، چنانچه از منابعی استفاده شود، حتماً نام مؤلف و کتاب مربوطه ذکر شده و جنبه امانت داری کاملاً رعایت خواهد شد. پس از مؤلفین بزرگوار تقاضا دارم جسارت این شاگرد کوچکشان را ببخشند.

"با آرزوی سلامتی و موفقیت برای همه - التماس دعا"

پیشنهادات و انتقادات:

09141800310

@Jamalahmadi1984

Table of Contents:

Part One: Review: Prospects (1-3)

<i>Prospect 1 (7th Grade)</i>	8
<i>Prospect 2 (8th Grade)</i>	11
<i>Prospect 3 (9th Grade)</i>	14
<i>Prospects 1 - 3 (Grammar)</i>	19
<i>Prospects 1 - 3 (Grammar Tests)</i>	34

Part Two: Vision One

<i>Lesson 1</i>	39
<i>Lesson 2</i>	55
<i>Lesson 3</i>	71
<i>Lesson 4</i>	87
<i>Grammar Tests (Lesson 1- 4)</i>	105
<i>Vocabulary Tests (Lesson 1- 4)</i>	113

Part Three: Vision Two

<i>Lesson 1</i>	135
<i>Lesson 2</i>	163
<i>Lesson 3</i>	189
<i>Grammar Tests (Lesson 1- 3)</i>	213
<i>Vocabulary Tests (Lesson 1- 3)</i>	235

Part Four: Vision Three

Lesson 1	259
- Grammar Tests	297
- Vocabulary Tests	308
Lesson 2	319
- Grammar Tests	353
- Vocabulary Tests	363
Lesson 3	373
- Grammar Tests	404
- Vocabulary Tests	416

Part Five: Appendix

Parts of Speech	428
Synonyms (12th Grade)	439
Antonyms (12th Grade)	442
Other Essential Words	445
Vocabulary Words	489
Close Test	507
Reading Comprehension	527
Irregular Verbs	598

ویژگیهای جزوه صفر تا صد زبان انگلیسی کنکور:

- ۱- مرور زبان انگلیسی متوسطه یک (پایه هفتم تا نهم)
- ۲- واژه نامه مفصل درس به درس
- ۳- درسنامه جامع درس به درس (با نکات تکمیلی)
- ۴- ترجمه تمامی مکالمه ها و ریدینگهای کتابهای درسی (متوسطه دوم)
- ۵- آموزش کلوز تست و درک مطلب (با متنهای آموزشی و کنکوری)
- ۶- تستهای دستگرمی گرامر با پاسخ تشریحی و ترجمه (درس به درس)
- ۷- تستهای واژگان و گرامر متنوع با پاسخنامه کلیدی
- ۸- ۲۵۰۰ واژه تکمیلی کنکور
- ۹- بخش ضمیمه (مترادف، متضاد، نقش کلمات در جمله، افعال بی قاعده و...)

Part One: “Review”

Prospects (1-3)

Grades: (7th, 8th & 9th)

- *Key Words of Prospect: “One” ----- 8*
- *Key Words of Prospect: “Two” ----- 11*
- *Key Words of Prospect: “Three” ----- 14*

Key Words of Prospect 1 (7th Grade) لغات مهم پایه هفتم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
about	درباره - در حدود	come	آمدن
again	دوباره	correct	درست، صحیح
answer	جواب ، جواب دادن	date	تاریخ - خرما - قرار ملاقات
appearance	ظاهر ، قیافه	dentist	دندان پزشک
around	دور و بر - در حدود	describe	توصیف کردن
ask	پرسیدن، سؤال کردن	desk	میز تحریر
aunt	خاله - عمه - زن دایی - زن عمو	dictionary	فرهنگ لغت
backpack	کوله پشتی	dress	لباس زنانه
baker	نانوا	drink	نوشیدن، نوشیدنی
bathroom	حمام	driver	راننده
bedroom	اتاق خواب	each	هر
belt	کمر بند	eraser	پاک کن
bench	نیمکت	employee	کارمند
between	ما بین، بین	engineer	مهندس
birthday	تولد	enough	کافی، به اندازه کافی
black	سیاه	excuse me	ببخشید
blanket	پتو	famous	مشهور، معروف
blue	آبی	favorite	مورد علاقه ، مطلوب
bookcase	قفسه کتاب	feel	احساس کردن
boy	پسر	fine	خوب، سرحال، تندرست
bread	نان	fix	ثابت، تعمیر کردن
brown	قهوه ای	flat	آپارتمان
call	تلفن کردن - نامیدن - صدا زدن	florist	گل فروش
can	توانستن	follow	دنبال کردن
cap	کلاه لبه دار	food	غذا
carrot	هویج	friend	دوست
chair	صندلی	fruit	میوه
chicken	مرغ - گوشت مرغ	garage	گاراژ ، پارکینگ
classmate	همکلاسی	garden	باغ ، باغچه
clock	ساعت دیواری	girl	دختر
clothes	لباس	glasses	عینک
coconut	نارگیل	gloves	دستکش
color	رنگ	go	رفتن
comb	شانه	good	خوب

Key Words of Prospect 1 (7th Grade) لغات مهم پایه هفتم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
gray	خاکستری	mirror	آینه
great	عالی	month	ماه (تقویمی)
green	سبز - (میوه) خام، کال	new	جدید، تازه
greeting	سلام و احوالپرسی	newspaper	روزنامه
group work	کار گروهی	nice	خوب، قشنگ
hand	دست	notebook	دفتر، دفترچه
have	داشتن - خوردن	now	الان
height	ارتفاع، بلندی	nurse	پرستار
help	کمک کردن	office	اداره، مطب
honey	عسل	onion	پیاز
house	خانه	other	دیگر، دیگری
housewife	زن خانه دار	over there	آنجا
hungry	گرسنه	painter	نقاش
introduce	معرفی کردن	pair work	کار دو نفری
jelly	ژله - مربا	pants	شلوار
job	شغل	pencil case	جا مدادی
juice	آب میوه	people	مردم، نفرات
kitchen	آشپز خانه	person	شخص، نفر
know	دانستن - شناختن	phone	تلفن
leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن	picture	عکس، تصویر
library	کتابخانه	pilot	خلبان
librarian	کتابدار	pink	صورتی
like	مثل، شبیه - دوست داشتن	pineapple	آناناس
listen	گوش دادن	please	لطفاً
live	زندگی کردن، زنده	potato	سیب زمینی
living room	اتاق نشیمن	quince	میوه به
long	دراز	read	خواندن
look	نگاه کردن - به نظر رسیدن	really	واقعاً
look like	شبیه بودن	rice	برنج
lunch	نهار	ruler	خط کش - حاکم
marker	ماژیک	sandals	کفش راحتی - دمپایی
math	ریاضی	Saturday	شنبه
meet	ملاقات کردن	say	گفتن
milk	شیر	scarf	روسری - شال گردن

لغات مهم پایه هفتم *Key Words of Prospect 1 (7th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
school	مدرسه	tree	درخت
secretary	منشی	trousers	شلوار
shirt	پیراهن	Tuesday	سه شنبه
shoes	کفش	uncle	عمو - دایی - شوهر خاله - شوهر عمه
shopkeeper	مغازه دار	visit	ملاقات کردن
short	کوتاه، کوتاه قد	waiter	گارسون، خدمتکار
sit down	نشستن	wall	دیوار
socks	جوراب	wash	شستن
something	چیزی	watch	تماشا کردن - ساعت مچی
sorry	متاسف بودن	wear	پوشیدن - به تن کردن
spell	هجی کردن، هجی، املاء کلمه	Wednesday	چهارشنبه
stairs	پلکان، پله	well	خوب، به خوبی
stand up	ایستادن	what	چه، چه چیز، چکاره
street	خیابان	when	چه زمانی، کی
student	دانش آموز	where	کجا
study	مطالعه کردن	who	چه کسی
suggest	پیشنهاد دادن	white	سفید
suit	کت و شلوار	whose	مال چه کسی
Sunday	یکشنبه	wife	همسر، زن
sure	مطمئن بودن، حتماً	window	پنجره
sweater	بلوز، پلیور - عرقگیر	woman	خانم، زن
table	میز	word	کلمه، لغت، واژه
take	برداشتن، بردن	work	کار، کار کردن
talk	حرف زدن	worker	کارگر
tea	چای	write	نوشتن
teacher	معلم	writer	نویسنده
thank	تشکر کردن	year	سال
thirsty	تشنه	yellow	زرد
Thursday	پنج شنبه	yoghourt	ماست
today	امروز	young	جوان
tower	برج	zebra	گور خر
try	سعی کردن، تلاش	zucchini	کدو

Key Words of Prospect 2 (8th Grade) لغات مهم پایه هشتم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
ability	توانایی	cinema	سینما
ache	درد	city	شهر
act	عمل کردن	clean	تمیز کردن
activity	فعالیت	climb	بالا رفتن
advise	نصیحت	cold	سرد
again	دوباره	come back	برگشتن
airport	فرودگاه	complete	کامل کردن - تکمیل کردن
a little	یه کم - مقداری	continent	قاره
a lot of	خیلی زیاد	cook	پختن - آشپز
a.m.	قبل از ظهر	correct	درست ، صحیح
animal	حیوان	cough	سرفه، سرفه کردن
another	دیگر	country	کشور
as	همچون - از آنجائیکه	cousin	عمو زاده - دایی زاده
average	متوسط - معدل - میانگین	cow	گاو
backache	پشت درد	crossword puzzle	جدول کلمات متقاطع
be going to	قصد داشتن	decide	تصمیم گرفتن
beautiful	زیبا - قشنگ	different	متفاوت
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	double	دو تایی - دوبر
beginning	آغاز - شروع	downtown	مرکز شهر
boulevard	بلوار	draw	نقاشی کشیدن
bread	نان	drawing	نقاشی
bridge	پل	drink	نوشیدن - نوشیدنی
bring	آوردن	drugstore	داروخانه
browse	جستجو کردن	dry	خشک
building	ساختمان	during	در طی - در خلال
but	اما - به جز - به غیر از	earache	گوش درد
call	نامیدن - صدا زدن - تلفن کردن	east	شرق
capital	پایتخت - بزرگ - سرمایه	enjoy	لذت بردن
cattle	گله	example	مثال
center	مرکز	excellent	عالی - معرکه
change	عوض کردن - تغییر دادن	fall	پاییز
chess	شطرنج	farm	مزرعه
chicken	جوجه - مرغ - گوشت مرغ	feel	احساس کردن
church	کلیسا	fever	تب

Key Words of Prospect 2 (8th Grade) لغات مهم پایه هشتم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
field	میدان - مزرعه - زمین	kitchen	آشپز خانه
first	اول - اولین	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
flower	گل	let's	بیا - اجازه بده
flu	آنفولانزا	location	موقعیت مکانی
for	برای - به جای - به مدت	madam	بانو - خانم
fruit	میوه	many	زیاد
garden	باغ - باغچه	math	ریاضی
geographical	جغرافیایی	measles	بیماری سرخک
geography	جغرافی	midnight	نصف شب
gloves	دستکش	minaret	مناره
gray	رنگ خاکستری	minute	دقیقه
guess	حدس - حدس زدن	mood	حوصله - حال
guest	مهمان	moon	ماه (آسمان)
gym	باشگاه	mosque	مسجد
have	داشتن ، خوردن	mountain	کوه
headache	سر درد	movie	فیلم سینمایی
health	سلامتی	mumps	بیماری اوریون
hear	شنیدن	nationality	ملیت
hen	مرغ	near	نزدیک
hill	تپه	nearby	نزدیک
history	تاریخ - تاریخچه	news	اخبار
hobby	سرگرمی	north	شمال
holy	مقدس، پاک	northeast	شمال شرقی
hospital	بیمارستان	office	اداره
hot	گرم	originally	اصالتاً
hungry	گرسنه	over there	آنجا
icy	یخی - خنک	page	صفحه
imagine	تصور کردن	pain	درد
important	مهم، با اهمیت	palace	قصر، کاخ
information	اطلاعات	parents	والدین
interesting	جالب - جذاب	patient	بیمار - صبور
interview	مصاحبه	person	شخص، نفر
journalist	روزنامه نگار	photo	عکس
keep away	دور نگه داشتن	place	مکان، جا

Key Words of Prospect 2 (8th Grade) لغات مهم پایه هشتم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
plow	شخم زدن	special	ویژه ، مخصوص
poem	شعر	start	شروع کردن
position	موقعیت، وضعیت	station	ایستگاه
prayer	نماز - عبادت - دعا، تقاضا	stomach	شکم، معده
problem	مشکل	store	مغازه ، فروشگاه
province	استان	story	داستان
puzzle	معما، پازل	summer	تابستان
quiet	ساکت ، آرام	sun	خورشید
rain	باران	sunflower	گل آفتاب گردان
raise	پرورش دادن - افزایش دادن	sunny	آفتابی
recite	از بر خواندن - حفظ کردن	sunrise	طلوع خورشید
relax	استراحت کردن	sunset	غروب خورشید
relationship	رابطه	swim	شنا کردن
search	جستجو کردن	take photos	عکس گرفتن
shopping	خرید	tell	گفتن
shrine	آرامگاه، مقبره، حرم	temperature	درجه حرارت - تب
sneeze	عطسه کردن، عطسه	thermometer	دماسنج
snowy	برفی	toothache	دندان درد
sometimes	بعضی اوقات	warm	گرم
soon	به زودی	weak	ضعیف، ناتوان
sore	درد - زخم، جراحت	weather	آب و هوا
south	جنوب	why	چرا

یادداشت:

Key Words of Prospect 3 (9th Grade) لغات مهم پایه نهم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
accident	تصادف	bruise	کبودی
account	حساب	burn	سوختن، سوزاندن
actually	در واقع، در حقیقت	business	حرفه - تجارت
advice	نصیحت - پند	busy	مشغول - گرفتار
again	دوباره	buy	خریدن
ago	پیش، قبل	by	به وسیله - با
airport	فرودگاه	bye	خداحافظ
also	همچنین	call	نامیدن - صدا زدن - تلفن کردن
always	همیشه	careful	مواظب - دقیق
amazing	شگفت انگیز	careless	بی دقت
angry	عصبانی	celebrate	جشن گرفتن
ankle	قوزک پا	ceremony	جشن
anniversary	سالگرد	chalk	گچ
anthem	سرود - ترانه	change	تغییر دادن - عوض کردن
antivirus	ویروس کش	channel	کانال - شبکه
anyone	هر کسی	charity	خیریه
around	دور ویر - اطراف	cheap	ارزان
ask for	درخواست کردن برای	check in	ثبت نام کردن - نام نویسی کردن
at first	در ابتدا	check out	تسویه حساب کردن
attend	شرکت کردن در - رفتن به	children	بچه ها
baggage	چمدان - وسایل سفر	clean	تمیز کردن - تمیز
back	پشت	clear	پاک کردن - شفاف
bake	پختن	clever	باهوش
beautiful	زیبا	climb	بالا رفتن
because	زیرا	clothes	لباس
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	color	رنگ - رنگ آمیزی کردن
best	بهترین	connect	متصل شدن
big	بزرگ	come	آمدن
bleed	خونریزی کردن	comedy	کمدی - طنز
board	سوار شدن	commemorate	گرامی داشتن
brave	شجاع	company	شرکت، کارخانه
break	شکستن - زنگ تفریح	cookie	شیرینی، بیسکویت، کلوچه
brilliant	خارق العاده - محشر	corner	گوشه
bring	آوردن	could	توانستن (شکل گذشته فعل can)

لغات مهم پایه نهم *Key Words of Prospect 3 (9th Grade)*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
course	دوره - کلاس	fill out	پر کردن
crash	تصادف	find	پیدا کردن
cruel	ظالم - ستمگر	finger	انگشت
cry	گریه کردن - جیغ کشیدن	fire	آتش - اخراج کردن
culture	فرهنگ	firefighter	آتش نشان
cut	بریدن، قطع کردن	firework	آتش بازی
dictionary	فرهنگ لغت	first aids	کمکهای اولیه
different	متفاوت	flower	گل
dinner	شام	florist	گل فروش
dish	ظرف - غذا	fruit	میوه
do homework	تکلیف انجام دادن	fun	تفریح - سرگرمی
donate blood	اهدا کردن خون	forget	فراموش کردن
don't worry	نگران نباش	French	فرانسوی
do voluntary work	کار داوطلبانه انجام دادن	friendly	دوستانه - صمیمی
drive	رانندگی کردن - راندن	from	از - اهل
easy	آسان	funny	بامزه، خنده دار، مضحک
eat	خوردن	gas station	پمپ بنزین
egg	تخم مرغ	generous	بخشنده، سخاوتمند
emergency	اضطراری، اورژانسی	Germany	آلمان
enjoy	لذت بردن	get	به دست آوردن - گرفتن
envelope	پاکت نامه	get off	پیاده شدن
environment	محیط زیست	get on	سوار شدن
e-ticket	بلیط الکترونیکی	get out	بیرون آوردن
every	هر	gift	کادو- هدیه
everybody	هر کسی	give	دادن
event	رویداد، حادثه	go out	بیرون رفتن
excellent	عالی، محشر	grandparents	پدربزرگ و مادر بزرگ
excuse me	ببخشید - شرمنده	guess	حدس زدن
express train	قطار سریع السیر	guest	مهمان
fall	افتادن، سقوط کردن - پاییز	guide book	کتاب راهنما
fantastic	شگفت انگیز	hair	موی سر
fast	سریع - روزه، روزه گرفتن	happen	اتفاق افتادن
festival	جشنواره - مراسم	happy	خوشحال

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
hard	سخت - سفت	just	فقط - تنها
hard - working	سخت کوش	just a moment	فقط یک لحظه
has	داشتن - خوردن	keep	نگه داشتن - نگه داری کردن
have	داشتن - خوردن	keep clean	تمیز نگه داشتن
head	سر	keep on	ادامه دادن
health	سلامتی	key	کلید
heart attack	حمله قلبی - سکت قلبی	kid	بچه
help charity	به امور خیریه کمک کردن	kind	مهربان - نوع
helpful	یاری رسان - مفید	knee	زانو
here you are.	بفرمایید	lake	دریاچه
hire	کرایه کردن	land	زمین، سرزمین - خشکی
hit	زدن - برخورد کردن به	last	آخرین - گذشته
hold	نگه داشتن - برگزار کردن	late	دیر، دیر کردن - تاخیر
holiday	تعطیلی	later	بعداً
homework	تکلیف	learn	یادگرفتن
hope	امیدوار بودن - امید	leave	ترک کردن - گذاشتن - جا گذاشتن
house	خانه	leg	پا
housewife	زن خانه دار	letter	نامه - حرف
housework	کار منزل	life	زندگی
hurry up!	عجله کن	live	زنده - زندگی کردن
hurt	صدمه دیدن - آسیب رساندن	lock	قفل - قفل کردن
I'd like	من مایلیم - دوست دارم	look after	مراقبت کردن
if	اگر - اگر	look at	نگاه کردن به
important	مهم	look for	گشتن به دنبال
information	اطلاعات	look up	بالا نگاه کردن به
injury	زخم، جراحت	lost	گمشده
install	نصب کردن	love	عشق ورزیدن
interested in	علاقمند به	luck	شانس - بخت
interesting	جالب - جذاب	lunch	نهار
international	بین المللی	mail box	جعبه پستی
interview	مصاحبه کردن	make	ساختن، درست کردن - مجبور کردن
invite	دعوت کردن	map	نقشه
I see.	می فهمم - پس که اینطور	match	وصل کردن - مسابقه - کبریت
job	شغل	meal	وعده غذایی

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
media	رسانه	stand	ایستادن
member	عضو	stick	چسپیدن - چسپاندن
message	پیام	sure	مطمئن
military	ارتشی - نظامی - جنگی	suitable	مناسب
money	پول	take	گرفتن - بردن
nature	طبیعت	take care of	مراقبت کردن از
neat	تمیز	take off	کندن - لحظه برخاستن هواپیما
nervous	عصبی - مضطرب	take out	بیرون بردن - بیرون کشیدن
never	هرگز	talkative	پر حرف
normally	عادی - معمولی	text	پیام فرستان - متن
often	اغلب	That's nice!	خوبه - قشنگه
on shifts	نوبتی - شیفتی	the same	یکسان - مشابه
pack	وسایل سفر را بستن	things	اشیاء - وسایل - چیزها
participate	شرکت کردن، حضور یافتن	think	فکر کردن
patient	بیمار - صبور	those	آنها
pay toll	پرداخت عوارض	ticket	بلیط - برگ جریمه
plaster	چسب	timetable	برنامه زمانی - جدول زمانی
pleasant	خوشایند - مطلوب	together	با هم
possible	ممکن - احتمالی	too	همچنین - بیش از حد
prayer	عبادت - نماز	tourist	گردشگر - توریست
receptionist	متصدی پذیرش	travel	سفر - مسافرت
relative	قوم و خویش	trip	سفر - مسافرت
religious	مذهبی	upset	غمگین - ناراحت
selfish	خودخواه - مغرور	us	به ما - ما را
serious	جدی - عبوس	use	استفاده کردن
shy	خجالتی	usually	معمولا
sing	آواز خواندن	voyage	سفر
sir	قربان - آقا	wake up	بیدار شدن
soldier	سرباز	war	جنگ
somebody	شخصی - کسی	weather	آب و هوا
something	چیزی	weigh	وزن کردن - وزن داشتن
sometimes	بعضی اوقات	wish	آرزو کردن
special	مخصوص - سفارشی	wound	زخم
stamp	مهر - تمپر - مهر زدن	well done!	آفرین
start	شروع کردن	wheel	چرخ

Other Key Words of Prospects

سایر لغات مهم پایه هفتم تا نهم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
welcome	خوش آمد گویی	fill	پر کردن
start	شروع کردن	circle	دایره - دور چیزی دایره کشیدن
ambulance	آمبولانس	wife	همسر - زن
alphabet	حروف الفبا	mechanic	مکانیک
number	شماره - عدد	mantle	رو پوش - عبا - ردا
each other	همدیگر	yard	حیاط
lesson	درس	yesterday	دیروز
get	به دست آوردن	check	بررسی کردن
tell	گفتن	delete	حذف کردن
morning	صبح	letter	نامه - حرف
welcome	خوش آمد گویی	song	آهنگ - ترانه
conversation	مکالمه	objects	اشیاء
with	با - همراه	then	انگاه - سپس - بعد
how	چطور - چگونه	afternoon	بعد از ظهر
example	مثال	yourself	خودت
practice	تمرین - تمرین کردن	sound	صدا - به نظر رسیدن
item	فقره - بخش - آیت	below	زیر - پائین
height	ارتفاع - بلندی	any	هیچ - هیچی - هر
pants	شلوار (پارچه ای)	breakfast	صبحانه
pardon	بخشید؟ - بخشیدن	personality	شخصیت
understand	فهمیدن - درک کردن	any	هیچ - هیچی - هر
mime	تقلید - نمایش بدون حرف زدن	sharpener	مداد تراش
before	قبل - قبل از - قبل از اینکه	cheese	پنیر
polite	مؤدب	rode	گستاخ، پر رو

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

مرور گرامرهای پایه (هفتم تا نهم)

در زبان انگلیسی ۲۶ حرف وجود دارد که به دو دسته "حروف بزرگ" و "حروف کوچک" تقسیم میشوند. اولین حرف اسامی خاص (اسم، فامیلی، اسم شهر یا کشور و...) و اولین حرف اولین کلمه جمله با حرف بزرگ و بقیه حروف با حروف کوچک نوشته میشوند.

حروف بزرگ:

A - B - C - D - E - F - G - H - I - J - K - L - M - N - O - P - Q - R - S - T - U - V - W - X - Y - Z

حروف کوچک:

a - b - c - d - e - f - g - h - i - j - k - l - m - n - o - p - q - r - s - t - u - v - w - x - y - z

ترتیب اجزای جمله در جملات مثبت زبان انگلیسی:

فاعل	فعل کمکی	فعل اصلی	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	----------	----------	-------	----------	----------	----------

نکته ۱: مهمترین و اصلی ترین افعال کمکی در زبان انگلیسی عبارتند از:

am, is, are, was, were, will, would, have, has, had

(به مرور، هنگام بررسی زمانهای مختلف، با تمامی افعال کمکی و کاربردهای آنها در جمله آشنا می شویم.)

نکته ۲: در جملات منفی، فعل کمکی، قید منفی ساز "not" و یا مخفف آن "n't" را میگیرد و در جملات سؤالی، فعل کمکی به قبل از فاعل منتقل میشود. (به مرور با تمامی اجزای جمله آشنا خواهیم شد.)

فاعل: کسی یا چیزی است که جمله درباره ی آن صحبت میکند و کننده فعل میباشد. فاعل همواره در "ابتدای جمله" میآید. ضمایر فاعلی: این ضمایر جانشین "فاعل" جمله شده و در "ابتدای جمله" بکار برده میشوند و از تکرار فاعل جلوگیری مینمایند.

ضمایر فاعلی مفرد		ضمایر فاعلی جمع	
I	من	we	ما
you	تو	you	شما
he	او (مذکر)	they	آنها
she	او (مونث)		
it	آن (غیرانسان)		

Raman is a clever student. **He** gets good marks.

فاعل

ضمیر فاعلی

"رامان دانش آموز باهوشی است. او نمرات خوبی میگیرد."

مقدمه ای بر افعال to be (مصدر بودن):

این دسته از افعال جز پرکاربردترین افعال زبان انگلیسی هستند و عبارتند از:

زمان حال: **am, is, are** (هستم، هستی، ...) زمان گذشته: **was, were** (بودم، بودی، ...)

زمان آینده: **will be** (خواهم بود، خواهی بود،...) زمان آینده در گذشته: **would be** (میخواستم ... باشم، میخواستی... باشی، ...)

رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمان حال:

ضمایر فاعلی مفرد		ضمایر فاعلی جمع	
I am	من هستم	We are	ما هستیم
You are	تو هستی	You are	شما هستید
He is	او هست (مذکر)	They are	آنها هستند
She is	او هست (مونث)		
It is	آن هست (غیرانسان)		

رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمان گذشته:

ضمایر فاعلی مفرد		ضمایر فاعلی جمع	
I was	من بودم	We were	ما بودیم
You were	تو بودی	You were	شما بودید
He was	او بود (مذکر)	They were	آنها بودند
She was	او بود (مونث)		
It was	آن بود (غیرانسان)		

رابطه ضمائر فاعلی با افعال to be در زمان آینده:

ضمایر فاعلی مفرد		ضمایر فاعلی جمع	
I will be	من خواهم بودم	We will be	ما خواهیم بود
You will be	تو خواهی بودی	You will be	شما خواهید بود
He will be	او خواهد بود (مذکر)	They will be	آنها خواهند بود
She will be	او خواهد بود (مونث)		
It will be	آن خواهد بود (غیرانسان)		

نکته ۱: اگر در جمله ای یک فعل to be وجود داشته باشد و بخواهیم آن جمله را سؤالی کنیم، تنها کافیست که آن فعل to را به قبل از فاعل منتقل کنیم و برای منفی کردن جمله به بعد از فعل to be, قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه کنیم.

نکته ۲: افعال to be هم میتوانند تنها فعل جمله باشند، هم بعدها خواهیم خواند که بعد از آنها، فعل میتواند بصورت ing دار بیاید (زمانهای استمراری) و هم بعد از آنها شکل سوم فعل بکار برده شود. (جملات مجهول).

مقدمه ای بر حروف تعریف (Articles)

حروف تعریف نامعین (نکره)

a pen یک خودکار

an apple یک سیب

حرف تعریف معین (معرفه)

the pen این خودکار

the apple این سیب

حروف تعریف نامعین (نکره) "a, an": فقط قبل از اسمهای مفرد قابل شمارش به کار می‌رود. کلمه ای که قبل از آن این حروف تعریف آمده باشد برای شنونده یا گوینده مشخص یا شناخته شده نیست.

توجه: چنانچه حرف اول اسم مفردی با حروف صدادار (a-e-i-o-u) شروع شده باشد، به جای "a" از "an" استفاده می‌شود:

a book - a pen

an egg - an apple

حرف تعریف معین "the": این حرف تعریف قبل از اسم‌های قابل شمارش مفرد یا جمع و نیز اسم‌های غیرقابل شمارش کاربرد دارد. در واقع اسمی که پس از "the" به کار می‌رود، اسمی معین یا شناخته شده است:

the pen
اسم مفرد

the books
اسم جمع

the milk
غیر قابل شمارش

نکته: در درس اول پایه دهم بیشتر در مورد حروف تعریف یاد خواهیم گرفت.

مقدمه ای بر طریقه ی جمع بستن اسامی در زبان انگلیسی:

برای جمع بستن اسم‌های مفرد، به آخر آن‌ها "s" یا "es" اضافه می‌شود: a boy ⇒ boys

نکته: اگر حرف آخر اسم مفرد باقاعده به یکی از حروف "s - ss - sh - ch - x - o - z" ختم شود، به جای "s" باید به آن اسم "es" اضافه کرد تا به صورت جمع تبدیل شود. a class ⇒ classes

ساختارهای وجود داشتن با There:

در زمان حال

There is وجود دارد
There are وجود دارند

در زمان آینده

There will be وجود خواهد داشت

در زمان گذشته

There was وجود داشت
There were وجود داشتند

در زمان آینده در گذشته

There would be میخواست وجود داشته باشد

بعد از there is, there was, there are, there were, اسم به صورت "مفرد" و بعد از there is, there was, there are, there were, اسم به صورت "جمع" خواهد آمد. چنانچه جمله ای با ساختارهای بالا شروع شده باشد و بخواهیم آن جمله را سؤالی کنیم، تنها کافیست که آن فعل to be را به قبل از فاعل منتقل کنیم و برای منفی کردن جمله، به بعد از فعل to be, قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه کنیم.

There is **a clock** in the class.

اسم مفرد

There are **5 people** in our family.

اسم جمع

"یک ساعتی در کلاس وجود دارد."

"پنج نفر در خانواده ما وجود دارد."

چند تست دستگرمی: بهترین گزینه را انتخاب کنید.

- He's an ----- kid.
a. brave b. rude c. angry d. quiet
- are not in the garage.
a. A car b. An car c. Cars d. Cares
- There ----- a whiteboard in the class.
a. are b. is c. are many d. were
- What ----- doing?
a. they are b. are they c. she is d. I am
- A: Do young children like to play football?
a. they b. I c. we d. you
B: Yes, ----- do.
- A: ----- German?
a. Are you b. Is Maryam c. Is Ali d. Am I
B: Yes, he is.

1.(C) 2.(C) 3.(B) 4.(B) 5.(A) 6.(C)

صفات اشاره:

صفات اشاره به نزدیک

this این
these اینها

صفات اشاره به دور

that آن
those آنها

"**this, that**" هر دو با "اسم قابل شمارش مفرد" و "غیرقابل شمارش" به کار می‌روند. از "this" (این) برای اشاره به نزدیک و از "that" (آن) برای اشاره به دور استفاده می‌شود.

That money **was** on the table. "آن پول بر روی میز بود."
فعل مفرد اسم غ ق ش

This **is** a book. "این یک کتابی است."
اسم مفرد فعل مفرد

"**these, those**" شکل جمع "this, that" می‌باشند. هر دو با "اسم قابل شمارش جمع" به کار می‌روند. "these" (این‌ها) برای اشاره به نزدیک و "those" (آن‌ها) برای اشاره به دور به کار می‌روند.

These students **are** my friends.
فعل جمع اسم جمع

"این دانش آموزان دوستهای من هستند."

Those boys **play** football very well.
فعل جمع اسم جمع

"آن پسرها به خوبی فوتبال بازی میکنند."

مقدمه ای بر افعال have, has, had

این افعال چنانچه به تنهایی در جمله ای بکار برده شوند، به معنی "داشتن" می‌باشند:

I **have** a pencil.

"من یک مداد دارم."

He **has** some good friends.

"او تعدادی دوست خوب دارد.."

have و has مشخصه زمان حال می‌باشند. has برای فاعلهای سوم شخص مفرد و برای سایر فاعلهای have. این افعال چنانچه با وعده های غذایی بکار برده شوند به معنی "خوردن" ترجمه میشوند.

had شکل گذشته هر دو فعل بالا بوده برای تمامی فاعلهای بکار برده میشود:

He **had** a meeting last night.

"او شب گذشته جلسه داشت."

They **had** a big tree at their yard.

"آنها درخت بزرگی در حیاطشان داشتند."

نکته: بعدها با کاربردهای دیگر افعال بالا در درس چهار سال دهم، درس دوم سال یازدهم (زمان حال کامل) و درس سوم سال دوازدهم (زمان گذشته کامل) آشنا خواهیم شد.

بیان مالکیت (of, 's):

۱) برای نشان دادن مالکیت انسان از **'s** استفاده می‌کنیم:

Farhad's car. ماشین فرهاد

Ali's book کتاب علی

۲) برای نشان دادن مالکیت غیرانسان از **of** استفاده می‌کنیم:

The hand **of** the door. دسته در

The leg **of** the table. پایه میز

نکته (منحصراً زبان): میتوان مالکیت اشیاء بر اشیاء را میتوان به صورت رابطه دو اسم بلافاصله پشت سر هم بکار برد که در این حالت اسم اول برای اسم دوم در نقش "صفت" خواهد بود. (مضاف و مضاف الیه در زبان فارسی)

table leg
اسم اول در نقش صفت

door hand
اسم اول در نقش صفت

صفات ملکی: (Possessive Adjectives)

این دسته از صفات، جانشین "مالک" جمله شده و همواره "قبل از اسم" به کار می‌روند و مالکیت را نشان می‌دهند:

صفات ملکی جمع		صفات ملکی مفرد	
my	مال من	our	مال ما
your	مال تو	your	مال شما
his	مال او (مذکر)	their	مال آنها
her	مال او (مؤنث)		
its	مال آن غیر انسان		

1) **My** students are really clever.

"دانش آموزان من خیلی باهوشند."

اسم صفت ملکی

2) I helped **my** mother yesterday.

"من دیروز به مادرم کمک کردم."

اسم صفت ملکی

چند تست دستگرمی: بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. The door ----- my teacher ----- car is open.
a. of_of b. 's_of c. of_'s d. 's_'s
 2. Our English teacher Mr. Amini reads ----- books every day.
a. her b. his c. their d. it
 3. Raman reads ----- English book carefully.
a. my b. our c. his d. her
 4. They read ----- English books at home.
a. my b. our c. your d. their
 5. They are my brother ----- pens.
a. 's b. of c. for d. from
 6. Milad and his brothers are cleaning ----- house.
a . his b. her c. their d. our
- 1.(C) 2.(B) 3. (C) 4.(D) 5. (A) 6. (C)

ضمایر ملکی (زبان تخصصی): این ضمایر جانشین "صفت ملکی" و "اسم بعد از آن" میشوند و به تنهایی مالکیت را بیان میکنند:

ضمایر ملکی جمع		ضمایر ملکی مفرد	
mine	مال من	ours	مال ما
yours	مال تو	yours	مال شما
his	مال او (مذکر)	theirs	مال آنها
hers	مال او (مؤنث)		
its	مال آن غیر انسان		

This is **my** book.

"این کتاب مال منه."

اسم صفت ملکی

This is **mine**.

"این مال منه."

ضمیر ملکی

ضمایر مفعولی (Objective Pronouns)

این ضمایر جانشین مفعول جمله می‌شوند و "بعد از فعل" و "حروف اضافه" می‌آیند. عبارتند از:

ضمایر مفعولی مفرد		ضمایر مفعولی جمع	
me	من را	us	ما را
you	تو را	you	شما را
him	او را (مذکر)	them	آنها را
her	او را (مؤنث)		
it	آن را (غیر انسان)		

The teacher asked **them** a question.

"معلم از آنها یک سؤال پرسید."

ضمیر مفعولی فعل

نکته: بعد از حروف اضافه (on, in, at, by, with, up, down, ...) ضمایر به صورت "مفعولی" بکار برده میشوند:

He looked at **me** angrily.

"او با عصبانیت به من نگاه کرد."

حرف اضافه

چند تست دستگرمی: بهترین گزینه را انتخاب کنید.

1. A: Did Saman hurt the cat? B: No, he didn't hurt -----.
 a. me b. him c. her d. it
2. A: Do you like your grandparents? B: Yes, I like ----- very much.
 a. her b. him c. them d. us
3. Please give the notebook to me. Please give ----- to me.
 a. you b. it c. me d. him
4. A: When did they read the books? B: They read ----- in the morning.
 a. me b. them c. him d. it
5. A: Do you like your English teacher? B: Yes, we like -----.
 a. us b. them c. him d. you

1.(D) 2.(C) 3.(B) 4.(B) 5.(C)

یادداشت:

انواع زمانها در زبان انگلیسی:

در زبان انگلیسی جمعاً "۱۶ زمان" مختلف داریم :

زمانهای حال	زمانهای گذشته	زمانهای آینده	زمانهای آینده در گذشته
حال ساده	گذشته ساده	آینده ساده	آینده در گذشته ساده
حال استمراری	گذشته استمراری	آینده استمراری	آینده در گذشته استمراری
حال کامل	گذشته کامل	آینده کامل	آینده در گذشته کامل
حال کامل استمراری	گذشته کامل استمراری	آینده کامل استمراری	آینده در گذشته کامل استمراری

ترتیب اجزای جمله در جملات مثبت زبان انگلیسی:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل اصلی	فعل کمکی	فاعل	زمان
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	-	فاعل	حال ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل دوم فعل	-	فاعل	گذشته ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	will	فاعل	آینده ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	would	فاعل	آینده در گذشته ساده
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	am / is / are	فاعل	حال استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	was / were	فاعل	گذشته استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	will be	فاعل	آینده استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	would be	فاعل	آینده در گذشته استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل	have / has	فاعل	حال کامل
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل	had	فاعل	گذشته کامل
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل	will have	فاعل	آینده کامل
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل	would have	فاعل	آینده در گذشته کامل
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	have / has been	فاعل	حال کامل استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	had been	فاعل	گذشته کامل استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	will have been	فاعل	آینده کامل استمراری
قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	فعل ing دار	would have been	فاعل	آینده در گذشته کامل استمراری

نکته: در بین زمانهای زبان انگلیسی، فقط زمان "حال ساده" و "گذشته ساده" دارای فعل کمکی نیستند. برای سؤالی کردن سایر زمانها، جای فعل کمکی و فاعل را با هم عوض میکنیم و برای منفی کردن آنها، بعد از فعل کمکی قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** را اضافه میکنیم.

زمان حال استمراری *Present Continuous Tense*

برای بیان کاری که هم اکنون در حال انجام آن هستیم از "زمان حال استمراری" استفاده می‌کنیم:

فرمول جملات مثبت زمان حال استمراری:

فاعل	فعل کمکی am / is / are	فعل ing دار	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	-------------------------------	--------------------	-------	----------	----------	----------

نکته: برای فاعل‌های سوم شخص مفرد (he, she, it) از **is** و برای I از **am** و برای بقیه فاعل‌ها از **are** استفاده می‌کنیم.

They **are drinking** orange juice. "آنها دارند آب پرتقال می‌نوشند."

I **am studying** my lessons hard now. "من الان دارم سخت درس‌هایم را مطالعه می‌کنم."

سؤالی و منفی کردن حال استمراری: برای سؤالی کردن جمله am, is, are را به ابتدای جمله می‌آوریم و برای منفی کردن جمله بعد از آنها قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را مینویسیم.

Is she speaking English now? "آیا او الان دارد انگلیسی صحبت می‌کند؟"

She **isn't speaking** English now. "او الان در حال صحبت کردن انگلیسی نیست."

کلمات و عبارات زمانی زیر مشخصه زمان حال استمراری هستند:

<i>at the moment</i>	در حال حاضر	<i>at the present</i>	در حال حاضر
<i>now</i>	حالا	<i>right now</i>	همین حالا

تمرین: شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.

1. They ----- to the Europe **at the present**. (travel)
2. What ----- she ----- in the kitchen **now**? (do)
3. "What are you doing **right now**?" "I ----- a book." (read)
4. "Where are they going **at the moment**?" "They ----- to the park." (go)

چند تست دستگرمی: بهترین گزینه را انتخاب کنید.

5. Are you ----- Iran for five days?
 a. visiting b. to visit c. visits d. visit
6. A: How is your brother's finger? B: Not bad, but it is -----.
 a. bleed b. bleeding c. bleeds d. bled
7. Where is the plane-----?
 a. land b. lands c. to land d. landing
8. You're ----- a book .
 a. study b. to study c. studies d. studying

- | | | | |
|--------------------|-----------------|-----------------|----------------|
| 1. (are traveling) | 2. (is – doing) | 3. (Am reading) | 4. (Are going) |
| 5. (A) | 6. (B) | 7. (D) | 8. (D) |

زمان حال ساده Simple Present Tense

برای بیان کارهای روزمره، تکرار، عادات و حقایق علمی از "زمان حال ساده" استفاده می‌کنیم.

فرمول جملات مثبت زمان حال ساده:

فاعل	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	--------------	-------	----------	----------	----------

I **study** my lessons in the library **every** afternoon. من همیشه کتابهایم را در کتابخانه می‌خوانم.

He **plays** football in the park **every** day. "او هر روز در پارک فوتبال بازی میکند."

I **visit** my grandmother on **Fridays**. "روزهای جمعه به مادریزگم سر می‌زنم."

نکته ۱: در زمان حال ساده همیشه برای فاعل‌های سوم شخص مفرد که ضمیر فاعلی آنها (it/ she / he) میباشد، به فعل جمله «s» یا «es» سوم شخص اضافه می‌کنیم (مانند مثال ۲ در بالا)

مشخصه های زمان حال ساده عبارتند از:

(۱) ترکیب **every** و **each** (هر) با قید زمان مثال: هر هفته every week

(۲) ایام هفته به صورت جمع مثال: on Sundays روزهای یکشنبه

(۳) قیدهای تکرار

اغلب	often	معمولاً	usually	همیشه	always
هرگز	never	به ندرت	hardly	گاهی اوقات	sometimes

در درس یک سال یازدهم به طور کامل با قیدهای تکرار آشنا خواهیم شد.

I **usually** go to the park on Thursdays. "من معمولاً روزهای پنجشنبه به پارک می‌روم."

قید تکرار

سؤالی و منفی کردن حال ساده: این زمان دارای فعل کمکی نمیباشد و برای سؤالی کردن زمان حال ساده از "do" به معنی (آیا) و برای منفی کردن از فعل کمکی "don't" به معنی (ن) استفاده می‌کنیم:

They **speak** English in class every session. "آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می‌کنند."

Do they **speak** English in class every session? "آیا آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می‌کنند؟"

They **don't speak** English in class every session. "آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت نمی‌کنند."

نکته ۲: در جملات زمان حال ساده هر گاه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای مفرد باشد برای سؤالی کردن جمله از "does" و برای منفی کردن جمله از "doesn't" استفاده می‌کنیم:

She usually **eats** pizza for lunch. "او معمولاً برای نهار پیتزا می‌خورد."

Does she usually **eat** pizza for lunch? "آیا او معمولاً برای نهار پیتزا می‌خورد؟"

She **doesn't** usually **eat** pizza for lunch. "او معمولاً برای نهار پیتزا نمی‌خورد."

پس دقت کنیم که در هنگام سؤالی کردن و منفی این زمان، برای فاعل‌های سوم شخص مفرد (it / she / he) از **does** و **doesn't** و برای بقیه فاعل‌ها از **do** و **don't** استفاده می‌کنیم.

نکته ۳: سوم شخص مفرد فقط در جملات "مثبت زمان حال ساده" برای فاعلهای سوم شخص مفرد بکار برده میشود و هرگز در هیچ یک از زمانهای دیگر بکار برده نمیشود.

نکته ۴: بعد از افعال کمکی do و does ، don't و doesn't همواره شکل ساده فعل بکار برده میشود. و وجود آنها در تستها، مشخصه زمان حال ساده میباشد.

نکته ۵: برای سؤالی و منفی کردن جملات زمان حال ساده که فعل آنها am, is, are باشد از همین افعال to be استفاده می‌کنیم (چون فعل کمکی هم هستند یعنی نیازی به آوردن do و does و حالت منفی آنها نیست).

They **are** very clever and kind.

آنها خیلی باهوش و مهربان هستند."

Are they very clever and kind?

"آیا آنها خیلی باهوش و مهربان هستند؟"

They **aren't** very clever and kind.

"آنها خیلی باهوش و مهربان نیستند."

نکته ۶ (منحصراً زبان): برای عناوین و سرتیترهای روزنامه ها و مجلات از زمان حال ساده استفاده میکنیم.

تمرین: شکل صحیح افعال داخل پرانتز را بنویسید.

- 1- I ----- cartoons in the afternoon **every** day. (watch)
- 2- She ----- the table for dinner **every** night. (make)
- 3- ----- you **usually** ----- prayers in the mosque? (say)
- 4- They **often** ----- a nice ceremony here. (hold)
- 5- Where ----- they ----- on **Fridays**? (go)
- 6- When ----- she ----- her lessons **every** day? (study)

چند تست دستگرمی: بهترین گزینه را انتخاب کنید.

7. My father and his friend ----- tennis every Saturday.
a. play b. plays c. are playing d. is playing
8. ----- those soldiers sing the national anthem every morning?
a. Does b. Do c. Are d. Is
9. My children ----- like rainy weather.
a. doesn't b. isn't c. aren't d. don't
10. Muslims ----- fast on Fitr Eid.
a. aren't b. don't c. doesn't d. isn't
11. A: What time ----- the bank open in the morning?
a. does b. is c. do d. are
12. Our mother ----- buy new clothes for the New Year.
a. isn't b. doesn't c. don't d. aren't
13. It ----- rain a lot in Zahedan.
a. doesn't b. isn't c. aren't d. don't
14. My older brother usually ----- me with my math.
a. helps b. help c. helping d. helped

1. (watch) 2. (makes) 3. (do - say) 4. (hold) 5. (do - go) 6. (does - study)

7. (A) 8. (B) 9. (D) 10. (B) 11. (A) 12. (B) 13. (A) 14. (A)

زمان گذشته ساده Simple Past Tense

برای بیان کاری که در زمان گذشته انجام شده و به پایان رسیده (تمام شده) از "گذشته ساده" استفاده می‌کنیم.

فرمول جملات مثبت زمان گذشته ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل دوم فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	-------------	------

"دیروز در پارک فوتبال بازی کردم." I **played** football in the park yesterday.

طریقه ساختن زمان گذشته ساده: قاعده کلی این است که به آخر فعل «**ed**» اضافه کنیم (مانند مثال بالا) اما بعضی افعال از این قاعده پیروی نمی‌کنند که به آنها "افعال بی قاعده" می‌گوییم و باید گذشته آنها را حفظ کنیم. (لیست مهمترین افعال بی قاعده زبان انگلیسی در آخر همین جزوه همراه با معنی آمده اند) به مثال زیر توجه کنید:

"دیشب در یک رستوران ایتالیایی شام خوبی خوردیم." We **ate** a good dinner at an Italian restaurant **last** night.

در این مثال از فعل بی قاعده **ate** استفاده کردیم که گذشته eat است.

مشخصه زمان گذشته ساده در تستها عبارتند از:

۱) yesterday (دیروز) و قیده‌های زمان گذشته

۲) ترکیب last (گذشته) با یک قید زمان، مانند: last night دیشب

۳) ترکیب ago با یک قید زمان، مانند two years ago (دو سال پیش)

سؤالی و منفی کردن گذشته ساده: این زمان هم همانند زمان حال ساده فعل کمکی ندارد و برای سؤالی کردن جمله از فعل کمکی **did** (آیا) و برای منفی کردن جمله از فعل کمکی **didn't** (ن) استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

"او دیشب مقداری شیر نوشید." She **drank** some milk last night.

شکل دوم فعل

"آیا او دیشب مقداری شیر نوشید؟" **Did** she **drink** some milk last night?

شکل ساده فعل

"او دیشب مقداری شیر ننوشید." She **didn't drink** some milk last night.

شکل ساده فعل

نکته ۱: هنگام سؤالی و منفی کردن زمان گذشته ساده باید فعل اصلی جمله را به "شکل ساده" تبدیل شود. پس شکل دوم فعل فقط در جملات مثبت این زمان بکار برده میشود.

نکته ۲: برای سؤالی و منفی کردن جملات زمان گذشته ساده که فعل آنها was و were باشد از خود همین افعال to be استفاده می‌کنیم (چون خودشان فعل کمکی هم هستند یعنی نیازی به آوردن did و didn't نیست):

They **were** very clever and kind. "آنها خیلی باهوش و مهربان بودند."

Were they very clever and kind? "آیا آنها خیلی باهوش و مهربان بودند؟"

They **weren't** very clever and kind. "آنها خیلی باهوش و مهربان نبودند."

- 1- "What did he do **yesterday**?" "He ----- his grandfather." (visit)
- 2- They ----- to the park **last** night. (go)
- 3- She ----- in the library all the **last** night. (be)
- 4- Where ----- you ----- your old friend **last** week? (visit)
- 5- ----- she ----- a new dress two days **ago**? (buy)
- 6- I ----- a great book **last** Sunday. (buy)
- 7- We ----- a delicious food **yesterday**. (eat)
- 8- "What **did** you drink?" "I ----- some orange juice." (drink)
- 9- "**Did** you arrive on time?" "Yes, we ----- on time." (arrive)
- 10- "**Did** he send a message?" "Yes, he ----- a long message." (send)

11. I didn't ----- to the radio.
a. listens b. listened c. listening d. listen
12. A: Did she have an accident? B: Yes, she ----- an accident.
a. had b. have c. has d. is having
13. My father ----- a new laptop for me last week.
a. bought b. is buying c. buys d. buy
14. A: What did you do last Nowruz? B: We ----- a voyage.
a. made b. make c. makes d. making
15. We watched the reports on TV -----.
a. every night b. tomorrow night c. last night d. tonight
16. She ----- her mother and cleaned the house.
a. helped b. helps c. helping d. help
17. A: Did they ----- the movie yesterday? B: Yes, they didn't.
a. watched b. watch c. watches d. watching
18. Ali cut his finger -----.
a. every day b. yesterday c. now d. on Fridays

1. (visited) 2. (went) 3. (was) 4. (did - visit) 5. (did - buy)
6. (bought) 7. (ate) 8. (drank) 9. (arrived) 10. (sent)
11. (D) 12. (A) 13. (A) 14. (A) 15. (c) 16. (A) 17. (B) 18. (B)

جملات امری Imperative Sentences

در جملات امری معمولاً جمله دارای فاعل نبوده (چون مخاطب یا مخاطبین در کنار ما هستند و معمولاً اسم آنها را ذکر نمیکنیم) و با "شکل ساده فعل" شروع میشود.

Open *the* book, please.

شکل ساده فعل

"لطفاً کتاب را بازکن."

Please به معنی "لطفاً" مشخصه جملات امری - خواهشی بوده که در ابتدا یا انتهای جملات امری بکار برده میشود.

نکته ۱: برای منفی کردن جملات امری فقط از "**Don't**" به معنی "ن" استفاده میکنیم.

Don't close the window, please.

شکل ساده فعل

"لطفاً پنجره را نبند."

نکته ۲: در جملات امری از حرف تعریف **the** قبل از اسم استفاده میکنیم تا اسم، برای مخاطب معلوم و مشخص باشد.

نکته کنکوری: چنانچه بعد از جملات امری جمله دیگری بیاید معمولاً در "**زمان حال استمراری**" خواهد بود:

Look at me, please. I **am talking** to you.

جمله امری

زمان حال استمراری

"لطفاً به من نگاه کن. من در حال صحبت کردن با تو هستم."

یادداشت:

طریقه سؤالی کردن جمله با کلمات استفهامی wh دار

مهمترین کلمات استفهامی wh دار عبارتند از:

کلمه پرسشی	مورد سؤال
who (چه کسی)	یک شخص (معمولا فاعل یا مفعول جمله)
what (چه چیزی)	یک شیء (معمولا فاعل یا مفعول جمله)
what color (چه رنگی)	یک رنگ (معمولا به عنوان صفت)
where (کجا)	یک مکان (قید مکان جمله)
when/ what time (چه موقع/چه ساعتی)	یک زمان (قید زمان جمله)
why (چرا)	یک دلیل (دلیل انجام کار)
how (چطور)	چگونگی انجام کار (قید حالت/وسیله نقلیه)
how many (چه تعداد)	تعداد چیزی (صفت های کمی تعداد)
how much (چه مقدار)	مقدار چیزی (صفت های کمی مقدار)
how often (هر چند وقت یک بار)	تعداد دفعات انجام کاری (قید های تکرار)
whose (برای چه کسی)	مالکیت چیزی (معمولا صفت های ملکی و «s» مالکیت)

معمولا برای سؤالی کردن جمله با کلمات استفهامی wh دار سه مرحله ی زیر را انجام می دهیم:

۱- کلمه پرسشی را می نویسیم.

۲- با توجه به معنی کلمه پرسشی، یک کلمه یا یک عبارت را که در اصل پاسخ آن کلمه پرسشی است حذف می کنیم.

۳- باقی مانده جمله را سؤالی میکنیم (برای این کار اگر در جمله فعل کمکی یا یکی از فعل های ناقص وجود داشت آن را به اول جمله می آوریم؛ در زبان انگلیسی ۱۶ زمان مختلف داریم که ۱۴ زمان دارای فعل کمکی میباشند). اما زمانهای "حال ساده" و "گذشته ساده" فعل کمکی ندارند و برای سؤالی کردن آنها باید فعلهای کمکی (*do, does, did*) را قبل از فاعل جمله اضافه کنیم.

حالا با توجه به توضیحات ارائه شده، می خواهیم با استفاده از کلمه های پرسشی داده شده سؤال مناسب بسازیم:

We should visit them in the morning. (When) «ما باید صبح آن ها را ملاقات کنیم.» (چه موقع)

۱) ابتدا کلمه پرسشی را می نویسیم:

When

۲) با توجه به معنی کلمه ی پرسشی (در اینجا «چه موقع») عبارت «in the morning» (در صبح) را حذف میکنیم:

We should visit them in the morning.

۳) چون در جمله فعل وجهی «should» وجود دارد، آن را به اول جمله می آوریم و کل جمله را به «When» اضافه میکنیم:

«ما باید چه موقع آن ها را ملاقات کنیم؟»
When should we visit them?

سؤال زیر را نیز با هم بسازیم:

All the people went to the library by taxi. (How) « همه مردم با تاکسی به کتابخانه رفتند. » (چه طور)

(۱) ابتدا کلمه پرسشی را می نویسیم:

How

(۲) با توجه به معنی کلمه پرسشی (در اینجا « چه طور ») عبارت « by taxi » (با تاکسی) را حذف می کنیم:

All the people went to the library ~~by taxi~~.

(۳) چون در جمله فعل « went » وجود دارد، جمله را با « did » سوالی می کنیم و کل جمله را به « How » اضافه می کنیم:

How **did** all the people go to the library? "همه مردم چه طور به کتابخانه رفتند؟"

نکته: دقت کنید که در سوالی کردن جمله با سه کلمه ی پرسشی « how many, how much, whose » باید ابتدا اسم مورد

نظر در جمله را بعد از این سه کلمه پرسشی بنویسیم و سپس سه مرحله ی ذکر شده را انجام دهیم.

1. We see many tourists there. (How many) "ما در آنجا تعداد زیادی گردشگر می بینیم."

How many **tourists** do you see there? "شما در آنجا چه تعداد گردشگر می بینید؟"

2. I needed a lot of **money** for the car. (How much) "من برای اتومبیل به مقدار زیادی پول نیاز داشتم."

How much **money** did you need for the car? "تو برای اتومبیل چه مقدار پول نیاز داشتی؟"

3. This is my brother's artwork. (Whose) "این اثر هنری برادر من است."

Whose artwork is this? "این اثر هنری چه کسی است؟"

نکته: اگر کلمه یا عبارت مورد سؤال در « اول جمله » باشد، برای ساختن سؤال، فقط « یک کار » انجام می دهیم. آن عبارت را حذف

می کنیم و به جای آن کلمه پرسشی را می نویسیم، بقیه جمله بدون تغییر می ماند.

مثال: سؤال مناسب بسازید.

My father had a car accident yesterday "پدر من دیروز تصادف کرد."

Who had a car accident yesterday? "چه کسی دیروز تصادف کرد؟"

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

18. A: How do you go to school? B: -----.
 a. By bus b. I'm a student c. At 7:00. d. In Boukan
19. Mr. Noori ----- English every day.
 a. to read b. read c. reads d. reading
20. I usually ----- a book before I go to bed.
 a. am reading b. to read c. reading d. read
21. A fire fighter puts out fire and ----- people's lives.
 a. saves b. save c. saving d. to save
22. My mother ----- the cookies on the table 2 hours ago.
 a. puts b. to put c. is putting d. put
23. My sisters ----- so clever and neat.
 a. is b. are c. am d. does
- 24 A: Do young children like football? B: Yes, -----.
 a. they do b. you don't c. we don't d. I do
25. A: When ----- she wake up in the morning? B: At 7:00.
 a. is b. are c. do d. does
26. ----- the farmers raise animals?
 a. Is b. Do c. Does d. Are
27. There is ----- in the street.
 a. a lot of people b. one car c. some trees d. many apartments
28. They are my friend ----- pencils.
 a. 's b. of c. for d. from
29. We never ----- to school on Fridays.
 a. goes b. go c. to go d. went
30. A: Did you watch the cartoon? B: Yes, -----.
 a. we did b. we didn't c. I am d. we aren't
31. Listen, please! I ----- to you now.
 a. talking b. talk c. am talking d. talks
32. ----- you have a bicycle when you were young?
 a. Do b. Did c. Does d. Are
33. Mr. Alavi's daughter is so clever. ----- grades are wonderful.
 a. Her b. His c. Their d. Our
34. My father and his friend ----- tennis every Saturday.
 a. play b. plays c. are playing d. is playing
35. A: ----- do you learn English? B: Because I like it.
 a. Where b. When c. Who d. Why
36. ----- those soldiers sing the national anthem every morning?
 a. Does b. Do c. Are d. Is

37. Their father ----- to sports news every day.
a. listens b. listen c. is listening d. to listen
38. My friends and I ----- buy new clothes from that store.
a. aren't b. am not c. doesn't d. don't
39. Mobin and his sister are cleaning ----- room.
a. his b. her c. their d. our
40. Ali and I wash ----- hands and face in the morning.
a. his b. our c. my d. their
41. Please paint ----- walls of your room.
a. a b. the c. an d. _
42. I'm sitting and ----- a newspaper.
a. read b. reads c. reading d. to read
43. A----- is she going to Shiraz? B: By plane
a. Who b. What c. How d. Where
44. You're ----- a book.
a. study b. to study c. studies d. studying
45. This is the ----- of the -----.
a. leg, chair b. teachers, son c. sons, teacher d. chair, legs
46. Do----- wear new clothes for this ceremony?
a. their son b. his aunts c. our teacher d. your brother
47. ----- your teacher ----- your homework?
a. is , check b. does , check c. is ,checks d. does ,checks
48. My friends are very kind. I like -----.
a. them b. him c. it d. her
49. I ----- buy new clothes for this ceremony.
a. doesn't b. do c. am not d. don't
50. Attention! ----- programs aren't suitable for little children.
a. This b. These c. That d. It

پاسخنامه سؤالات گرامر پایه (متوسطه اول):

1	C	11	D	21	A	31	C	41	B
2	D	12	C	22	D	32	B	42	C
3	B	13	D	23	B	33	A	43	C
4	A	14	A	24	A	34	A	44	D
5	C	15	C	25	D	35	D	45	A
6	C	16	A	26	B	36	B	46	B
7	B	17	D	27	B	37	A	47	B
8	B	18	A	28	A	38	D	48	A
9	C	19	C	29	B	39	C	49	D
10	B	20	D	30	A	40	B	50	B

Part Two:

“Vision 1”

English for 10th Grade

- *Lesson One: Saving Nature* 39
- *Lesson Two: Wonders of Creation* 55
- *Lesson Three: The Value of Knowledge* 71
- *Lesson Four: Traveling the World* 87

“I never quit until I get what I’m after.”

Lesson One:

“Saving Nature”

نجات طبیعت

And in the creation of yourselves and the fact that animals are scattered (through the Earth) are signs for those of assured.

“Al- Jathiyah 4”

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که در سراسر خلقت پراکنده شده اند نشانه
هایی
از قدرت آفریدگار برای اهل یقین وجود دارد. "سوره الجاثیه ، آیه ۴"

لغات مهم درس ۱ پایه دهم (Key Words of Vision One (lesson One))

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
a few	تعداد کمی	foot	پا (جمع آن feet)
air	هوا	fox	روباه
alive	زنده	forest	جنگل
amazing	شگفت انگیز	for example	به عنوان مثال، برای مثال
among	از جمله، (در) میان	free	بیکار، آزاد، رایگان
anymore	دیگه، بیش از این	future	آینده
appropriate	شایسته، مناسب	get ready	آماده شدن، حاضر بودن
average	میانگین، متوسط - معدل	giraffe	زرافه
bear	خرس	goat	بز
based on	بر اساس، بر طبق	go hunting	به شکار رفتن
be going to	قصد داشتن	graph	نمودار
bird	پرند	group	گروه، دسته
boring	کسل کننده	gulf	خلیج
build	ساختن	high	بلند، بلند مرتبه، رفیع
chart	نمودار - چارت	hope	امیدوار بودن، امید داشتن
cheetah	یوزپلنگ	hopeful	امیدوار
child	بچه (جمع آن children)	hopefully	امیدوارانه
common	عام، عمومی	hour	ساعت (از نظر زمانی)
complete	کامل کردن	however	اما، در هر صورت
consider	در نظر گرفتن	hunter	شکارچی، صیاد
conversation	مکالمه	idea	نظر، عقیده، ایده
cut down	قطع کردن	identify	شناسایی کردن
danger	خطر	important	مهم
daughter	دختر	increase	افزایش یافتن
dead	مرد	injured	مجروح، زخمی
decrease	کاهش یافتن	injury	زخم، جراحت
destroy	نابود کردن، تخریب کردن	instead	در عوض، به جای
die out	منقرض شدن، از بین رفتن	intonation	لحن صدا، آهنگ صدا
divide into	تقسیم کردن به	irregular	بی نظم - بی قاعده
duck	اردک	kill	کشتن
earth	(کره) زمین	knife	چاقو
elephant	فیل	lake	دریاچه
else	دیگر، دیگری	leaf	برگ
end	پایان هدف، مقصود	leopard	پلنگ
endangered	در معرض خطر	lifespan	طول عمر
especially	مخصوصاً، به ویژه	like	مثل، شبیه، دوست داشتن
expression	عبارت - بیان	lion	(حیوان) شیر
false	غلط - اشتباه	living	زنده
fly	پرواز کردن - مگس	longer	بیش تر، طولانی تر

لغات مهم درس ۱ پایه دهم (Key Words of Vision One (lesson One))

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
lose	از دست دادن، گم کردن - باختن	schedule	برنامه
low	پائین - پست، کم ارتفاع	singular	مفرد
mean	معنی دادن، منظور داشتن - بدجنس	sky	آسمان
mice	موشها	someone	کسی، شخصی
mouse	موش	stay	ماندن، اقامت کردن
mouth	دهان	strategy	راهکار، استراتژی
nature	طبیعت	then	سپس، آنگاه - بعد
natural	طبیعی	tiger	(حیوان) ببر
next	بعد، بعدی، آینده	till	تا - تا اینکه، تا زمانیکه
nowadays	امروزه، این روزها	tomorrow	فردا
number	تعداد، عدد، شماره	tonight	امشب
only	فقط - تنها	town	شهر کوچک، شهرک
orally	به طور شفاهی	type	نوع، گونه - تایپ کردن
order	نظم، ترتیب - سفارش	tower	برج
past	گذشته، پیش	take care of	مراقبت کردن از
pattern	الگو - نمونه	unscramble	مرتب کردن
pay attention to	توجه کردن به	visitor	بازدید کننده، ملاقات کننده
people	مردم - نفرات	voluntary	داوطلبانه
phrase	عبارت	way	راه، مسیر، روش، طریقه
pilot	خلبان	weather	آب و هوا
plain	دشت، جلگه - واضح، آشکار	weight	وزن
plant	گیاه - کاشتن	whale	نهنگ، وال
plural	جمع	whenever	هر زمانی که
point	نکته - نقطه - اشاره کردن	which	کدام، کدامین، که
protect	محافظت کردن	wild	وحشی، درنده
protection	محافظت، پاسداری	wildlife	حیات وحش
recently	اخیراً، به تازگی	wolf	گرگ
regular	منظم - با قاعده	wonderful	شگفت انگیز
relative	قوم و خویش، بستگان	wood	چوب
right	درست، صحیح	wooden	چوبی
road	جاده	wool	پشم
Rome	شهر رم (پایتخت کشور ایتالیا)	woolen	پشمی
rule	قاعده، قانون، حکومت کردن	world	دنیا، جهان
safe	امن، ایمن. بی خطر	would like	مایل، بودن، دوست داشتن
save	نجات دادن - ذخیره کردن	yet	هنوز، تاکنون، تا به حال، با این حال
sea	دریا	zebra	گورخر
sheep	گوسفند، گوسفندان	zoo	باغ وحش
simple	ساده، آسان، راحت	zookeeper	مأمور باغ وحش، مسئول باغ وحش

Conversation (Student Book : Page 19)

Maryam is visiting the museum of Nature and Wildlife. She's talking to Mr. Razavi who works in the museum.

مریم در حال بازدید از موزه طبیعت و حیات وحش است. او با آقای رضوی که در موزه کار می کند، صحبت می کند.

Maryam: Excuse me, what is it? Is it a leopard?

مریم: ببخشید، اون چیه؟ آیا یک پلنگ است؟

Mr. Razavi: No, it is a cheetah.

آقای رضوی: نه، آن یک یوزپلنگ است.

Maryam: Oh, a cheetah?

مریم: اوه، یک یوزپلنگ؟

Mr. Razavi: Yeah, an Iranian cheetah. It is an endangered animal

آقای رضوی: بله، یک یوزپلنگ ایرانی که یک حیوان در معرض خطر است.

Maryam: I know. I heard around 70 of them are alive. Yes?

مریم: می دانم. من شنیدم که حدود ۷۰ تا از آن ها زنده هستند، بله؟

Mr. Razavi: Right, but the number will increase.

آقای رضوی: درسته، اما این تعداد افزایش خواهد یافت.

Maryam: Really?! How?

مریم: واقعا؟! چگونه؟

Mr. Razavi: Well, we have some plans. For example, we are going to protect their homes, to make movies about their life, and to teach people how to take more care of them.

آقای رضوی: خوب، ما تعدادی برنامه داریم. به عنوان مثال، ما قصد داریم از زیستگاه های آن ها مراقبت کنیم، فیلم هایی راجع به زندگی آن ها بسازیم، و به مردم آموزش دهیم که چگونه بیشتر از آن ها مراقبت کنند.

یادداشت:

"Endangered Animals" حیوانات در معرض خطر

Today, there are some endangered animals on Earth. It means that we can find only a few of them around us. Some examples are whales, tigers and Asian elephants.

امروزه، تعدادی حیوان‌های در معرض انقراض روی (کره) زمین وجود دارند. این بدان معنی است که ما فقط تعداد کمی از آن‌ها را می‌توانیم در اطراف خود پیدا کنیم. تعدادی از این نمونه‌ها: نهنگ‌ها، پانداها، ببرها و فیل‌های آسیایی هستند.

Humans destroy the natural homes of the animals in the forests, lakes and plains. When the number of people on earth increases, they need more places for living. They cut trees and destroy lakes. They make home and roads instead. Then the animals don't have a place to live. They will die out.

انسان‌ها زیستگاه‌های طبیعی حیوان‌ها را در جنگل‌ها، دریاچه‌ها و دشت‌ها تخریب می‌کنند. هنگامی که تعداد افراد روی (کره) زمین افزایش می‌یابد، آن‌ها به مکان‌های بیش‌تری برای زندگی نیازمندند. آن‌ها درخت‌ها را قطع و دریاچه‌ها را نابود می‌کنند. آن‌ها در عوض، خانه و جاده می‌سازند. در این صورت حیوان‌ها مکانی برای زندگی کردن نخواهند داشت و از بین خواهند رفت.

The Iranian cheetah is among these animals. This wild animal lives only in the plain of Iran. Now there are only a few Iranian cheetahs alive. If people take care of them, there is hope for this beautiful animal to live.

یوزپلنگ ایرانی از جمله این حیوان‌ها است. این حیوان وحشی فقط در دشت‌های ایران زندگی می‌کند. اکنون فقط تعداد کمی از یوزپلنگ‌های ایرانی زنده هستند. اگر مردم مراقب آن‌ها باشند، امید است این حیوان زیبا زنده بماند.

Recently, families pay more attention to nature, students learn about saving wildlife, and some hunters don't go hunting anymore. Hopefully, the number of cheetahs is going to increase in the future.

اخیراً، خانواده‌ها توجه بیش‌تری به طبیعت می‌کنند، دانش‌آموزان درباره نجات و حیات وحش (مطالبی) می‌آموزند و برخی شکارچی‌ها دیگر به شکار نمی‌روند. خوشبختانه تعداد یوزپلنگ‌ها در آینده افزایش خواهد یافت.

گرامر درس یکم:

زمان آینده ساده "Simple Future Tense"

تعریف زمان آینده ساده: به عملی اشاره می‌کند که در آینده صورت می‌گیرد. آینده‌ای که بدون تصمیم و برنامه‌ریزی قبلی انجام خواهد شد و با فعل کمکی "will" ساخته می‌شود. مخفف will بصورت (ll) نوشته می‌شود.

ساختار جملات مثبت زمان آینده ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	فعل کمکی will	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	---------------	------

They **will save** nature in the future. آنها طبیعت را در آینده نجات خواهند داد.

He **will travel** to Europe soon. او به زودی به اروپا سفر خواهد کرد.

برای سؤالی کردن زمان «آینده ساده» فعل کمکی "will" را به ابتدای جمله منتقل کرده و برای منفی کردن زمان «آینده ساده» بعد از فعل کمکی "will"، از "not" استفاده می‌کنیم یا آن را به صورت مخفف یعنی "won't" به کار برد.

Will Ali **save** his money to buy a new book? آیا علی پولش را برای خرید یک کتاب جدید ذخیره خواهد کرد؟

Raman **will not** (won't) **have** an exam tomorrow. رامان فردا امتحان نخواهد داشت.

مشخصه زمان آینده ساده در تستها:

- ۱- will - won't
- ۲- soon (به زودی)
- ۳- later (بعداً)
- ۴- قید زمان آینده مانند tomorrow
- ۵- future (آینده)
- ۶- next با قید زمان مانند: next week

نکته ۱: از ساختار "be going to" به معنای «قصد داشتن» برای اشاره به برنامه‌ریزی و تصمیم قبلی که قرار است در آینده صورت بگیرد. استفاده می‌شود. (برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده). این ساختار جانشین Will شده و پس از این ساختار هم، «شکل ساده فعل» می‌آید.

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ساده فعل	(am / is / are) going to	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------	--------------------------	------

My parents have enough money. They **are going to buy** a big house in Mahabad next month.

"والدینم پول کافی دارند. آنها قصد دارند در ماه آینده در مهاباد یک خانه بزرگ بخرند."

When I see you this afternoon, I **am going to show** you my new car.

"اگر امروز غروب تو را ببینم، ماشین جدیدم را به تو نشان خواهم داد."

نکته ۲: برای بیان پیش‌بینی عملی در آینده که نشانه‌های وقوع آن در زمان حال وجود دارد. (با دلیل و مدرک).

There are a lot of dark clouds in the sky! It is going to **rain**.

"ابره‌ای تیره خیلی زیادی در آسمان وجود دارد. می‌خواهد باران ببارد."

نکته ۳: فعل "be" با توجه به فاعل جمله به "am/is/are" تبدیل می‌شود. برای سؤالی کردن be going to کافی است یکی از فعل‌های کمکی "am/is/are" به ابتدای جمله منتقل شود و برای منفی کردن هم بعد از "am/is/are" از "not" استفاده می‌شود.

Raman **is** going to **study** tomorrow. رامان قصد دارد فردا مطالعه کند.

Is Raman going to **study** tomorrow evening? آیا رامان قصد دارد فردا مطالعه کند؟

Raman **isn't** going to **study** tomorrow evening. رامان قصد ندارد فردا مطالعه کند.

تفاوت فعل کمکی " will " با ساختار " be going to " :

کاربردهای "will":

(۱) برای بیان عملی که در زمان آینده، از قبل برای آن برنامه ریزی نشده باشد:

Call me next week. Maybe I'll **be** free. "هفته آینده بهم زنگ بزن. شاید وقتم آزاد باشه."

در این مثال **Maybe** (شاید) نشان میدهد که هیچگونه برنامه ریزی انجام نشده است.

(۲) برای بیان یک تصمیم آنی و بدون فکر قبلی:

A: The phone is ringing. "تلفن داره زنگ میخوره."

B: I **will answer** it. "من جواب خواهم داد."

A: I don't have enough money. "من پول کافی ندارم."

B: No problem. I **will give** you some. "مشکلی نیست. من بهت قرض خواهم داد."

(۳) برای بیان پیشنهاد، خواهش و تقاضا:

Raman **will help** you tomorrow if you like. "اگه دوست داشته باشی رامن فردا بهت کمک خواهد کرد."

(۴) برای بیان درخواست مؤدبانه و دعوت از **will you** استفاده میشود.

Will you attend my birthday celebration on Monday? "آیا در روز دوشنبه در جشن تولدم حضور پیدا میکنید؟"

Will you get me a newspaper? "میشه برام یک روزنامه بخرید؟"

(۵) اگر از روی دادن حالتی یا انجام عملی در آینده اطمینان داشته باشیم:

Alfred is in grade 7 this year. He **will be** in grade 8 next year.

"آلفرد امسال کلاس هفتمه. سال آینده در کلاس هشتم خواهد بود."

(۶) برای پیش بینی احتمالی آینده بر طبق حدس و نظر شخصی خودمان:

Do you think they **will win** the match on Monday? "آیا فکر میکنی آنها روز دوشنبه برنده رقابت خواهند شد؟"

I **will be** rich one day. "من یک روزی ثروتمند خواهم شد."

I'm not sure. Maybe he **will like** my idea. "مطمئن نیستم. احتمال داره او از ایده من خوشش بیاد."

(۷) در جواب شرط، جملات شرطی نوع اول (درس ۳ سال یازدهم) از فعل کمکی **will** استفاده میکنیم.

If you study hard, you **will pass** your exams. "اگه به سختی مطالعه کنی، در امتحانات قبول خواهی شد."

کاربردهای ساختار "be going to":

این ساختار به قصد و نیت و برنامه از پیش تعیین شده و برای پیش بینی حوادث آینده بر اساس شواهد موجود بکار میرود.

She **is going to** buy a nice car in next week. "او قصد دارد هفته آینده یک ماشین خوب بخرد."

نکته: هرگاه در یک تست "**I know**" یا معادلهای آن آمده باشد بدان معنیست که گوینده جمله، از آن مسأله یا موضوع از قبل مطلع بوده و برای آن برنامه ریزی کرده یا تصمیماتی اندیشیده است. پس در این حالت فقط از "be going to" استفاده میکنیم.

A: The windows are dirty. "پنجره ها کثیف هستند."

B: Yes, I **know**, I **am going to clean** them later. "میدونم. قصد دارم بعداً آنها را تمیز کنم."

اما اگر از کلمه نمیدانستم "**I didn't know**" و یا فراموش کردم "**I forgot**" استفاده شود، بدان معناست که شخص در لحظه

تصمیم میگیرد پس در این حالت فقط "**will**" درست میباشد که بیانگر تصمیم آنی فرد برای انجام کاری میباشد.

A: Did you mail that letter for me? "آیا نامه را برایم پست کردی؟"

B: Sorry, I completely **forgot**, I **will do** it soon. "شرمنده، کاملاً فراموش کردم. بزودی آنها را انجام خواهم داد."

نکاتی مخصوص کنکور منحصرأ زبان:

(۱) هر وقت لازم باشد در مورد یک برنامه تلویزیونی، رادیویی و... یا جدول زمانی قطار، هواپیما و... مربوط به آینده صحبت کنیم و در جمله، قید زمان آینده، آمده باشد بجای "آینده ساده" از "زمان حال ساده" استفاده میکنیم:

The movie **starts** at 8:30 tonight. "فیلم امشب ساعت ۸:۳۰ شروع میشود."

What time **does** the plane **arrive** tomorrow "فردا هواپیما چه زمانی میرسد؟"

The train **arrives** at 5 this afternoon. "قطار در ساعت ۵ بعد از ظهر خواهد رسید."

(۲) برای اشاره به تهدید یا دستوری قطعی از **will** استفاده میکنیم.

I'll **break** his neck. He is very rude and impolite. "گردنش را میشکنم. او خیلی گستاخ و بی ادبه."

(۳) نمایانگر قول و قسمی است که توسط فاعل جمله داده شده است: (تمایل یا عدم تمایل)

I **promise** I won't **come** back home late. "قول میدم دیگه دیر به خانه برنگردم."

I **swear** I'll **pay** you back soon. "قسم میخورم به زودی پولت را برگردانم."

(۴) هنگامیکه صحبت از برنامه ریزی های شخصی و قطعی است و در مورد مکان و زمان انجام آن عمل از قبل تصمیم گیری شده باشد، میتوانیم به جای **be going to** از "زمان حال استمراری" هم استفاده کنیم. در این حالت حتماً باید قید زمان مربوط به آینده در جمله وجود داشته باشد:

They **are traveling** to Europe next summer. "آنها قصد دارند تابستان آینده به اروپا سفر کنند."

What **are** you **doing** tonight? "امشب چکار میکنی؟ (برنامه ت چیه)."

I'm **meeting** my friends for dinner tonight. "من امشب دوستانم را برای شام خواهم دید."

(۵) حرف اضافه (**in**) چنانچه قبل از قید زمان بکار برده شود، جمله در "زمان آینده ساده" خواهد بود:

He **will be** at home **in** 3 hours. "او سه ساعت دیگر در خانه خواهد بود."

(۶) هر گاه بخواهیم که دستور بدهیم تا یک نفر حتماً کاری را انجام بدهد، یا وقتی که بخواهیم با شدت، مخالفت خود را در مورد چیزی نشان دهیم از **be going to** استفاده میکنیم:

You're **going to** finish that soup even if you sit there all the afternoon. "تو آگه کل بعد از ظهر را هم اینجا بشینی باید آن سوپ را بخوری."

The children **aren't going to** play football in my garden. "بچه ها قصد ندارند در باغ ما فوتبال بازی کنند." (نباید فوتبال بازی کنند.)

(۷) در جمله های مرکب که با استفاده از حروف ربط (**conjunctions**) ساخته میشوند، اجازه نداریم در جمله بعد از این کلمات ربط از **will** برای نشان دادن زمان آینده استفاده کنیم بلکه در این موارد از "زمان های حال" کمک میگیریم:

I'll tell you **when** I **find** him. (NOT: ~~when I will find him.~~)
زمان حال ساده " آگه او را پیدا کنم، به تو خواهم گفت."

They **will** come to meet us **if** they **have** time. (NOT: ~~if they will have time.~~)
زمان حال ساده " آنها برای دیدن ما خواهند آمد آگه وقت داشته باشند."

انواع اسم و کاربردهای مختلف آن

"noun" (اسم) کلمه ای است که برای نامیدن انسان‌ها (**people**)، حیوان (**animal**)، مکان (**place**)، شیء (**thing**) و یک نظر یا عقیده (**idea**) به کار می‌رود.

اسم برای انسان	Maryam, Mr. Amini, farmer, doctor, sister, uncle,
اسم حیوان	cow, goat, gazelle, tiger, lion, ...
اسم مکان	park, school, city, village, country, sea, lake, cinema, ...
اسم شیء	car, computer, dictionary, apple, desk, bicycle, ...
اسم عقیده یا نظر	attention, pain, danger, like, love, opinion, ...

انواع اسم‌ها "Types of Nouns"

اسم‌ها را به شکل‌های مختلف می‌توان تقسیم‌بندی کرد. در یک نوع تقسیم‌بندی اسم‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱- اسم‌های عام: "Common Nouns"

این گونه اسم‌ها به طور کلی برای نامیدن افراد، اشیاء، حیوان‌ها، مکان‌ها و عقیده‌هایی به کار می‌روند که جنبه عمومی دارند و می‌تواند برای اسم‌های مختلف و به تعداد زیاد به کار رود که جنبه خاص نداشته باشند. مانند:

boy, girl, desk, tree, jungle, tiger, pen, aunt, train

حرف اول این گونه اسم‌ها با حروف کوچک نوشته می‌شوند، مگر اینکه در ابتدای جمله قرار بگیرند.

I see some **cars** in the street.

«من تعدادی اتومبیل را در خیابان می‌بینم.»

There are many **computers** in the **shop**.

«تعداد زیادی کامپیوتر در این فروشگاه وجود دارد.»

۲- اسم‌های خاص: "Proper Nouns"

این گونه اسم‌ها برای نامیدن افراد، اشیاء، مکان‌ها و عقیده‌های خاص به کار می‌روند که در دنیا یکی از آن‌ها وجود دارد نه بیش‌تر. به همین علت به آن‌ها «اسم خاص» می‌گویند. حرف اول اسم‌های خاص همیشه به صورت "Capital letter" (حرف بزرگ) به کار می‌رود.

Raman, Ali, Pari, Boukan, Italy, Milad Tower

نکته: اسامی خاص همیشه همچون اسم مفرد در نظر گرفته میشوند و فعل همراه آنها همواره به صورت مفرد خواهد بود. اسامی خاص معمولاً حروف تعریف، صفت، صفات ملکی، صفت اشاره نمیگیرند:

My Raman

the Boukan

an Ehsan

مفرد و جمع "Singular and plural"

برای جمع بستن اسم‌های مفرد آن‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کنند:

گروه اول: اسم‌های با قاعده: "Regular Nouns"

گروه دوم: اسم‌های بی‌قاعده: "Irregular Noun"

گروه اول: اسم‌های با قاعده "Regular Nouns"

برای جمع بستن اسم‌های مفرد با قاعده، به آخر آن‌ها "s" یا "es" اضافه می‌شود
 a boy ⇒ boys
نکته: اگر حرف آخر اسم مفرد با قاعده به یکی از حروف "s - ss - sh - ch - x - z - o" ختم شود، به جای "s" باید به آن اسم "es" اضافه کرد تا به صورت جمع تبدیل شود:

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a bus	buses اتوبوس‌ها	a bench	benches نیمکت‌ها
a dish	dishes ظرف‌ها	a box	boxes جعبه‌ها

گروه دوم: اسم‌های بی‌قاعده "Irregular Nouns"

برای جمع بستن اسم‌های مفرد بی‌قاعده، قاعده خاصی وجود ندارد و باید شکل جمع آن‌ها را حفظ کرد. مثال:

اسم مفرد بی‌قاعده	اسم جمع بی‌قاعده	اسم مفرد بی‌قاعده	اسم جمع بی‌قاعده
a man	men مردان	a mouse	mice موش‌ها
a woman	women زنان	a person	people مردم
a child	children بچه‌ها	a tooth	teeth دندان‌ها
a foot	feet پاها	a sheep	sheep گوسفندان

نکته: معمولاً اسم‌های مفردی که به حرف‌های "f / fe" ختم می‌شوند، هنگام جمع بستن، f / fe به "ves" تبدیل می‌شود:

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a wife	wives زن‌ها (همسر‌ها)	a wolf	wolves گرگ‌ها
a life	lives زندگی‌ها	a knife	knives چاقو‌ها
a shelf	shelves قفسه‌ها	half	halves نیمه‌ها

نکته: اسم‌های مفردی که به حرف "y" ختم می‌شوند، هنگام جمع بستن، چنانچه قبل از یک حرف بی صدا بیاید، y به "i" تبدیل می‌شود آنگاه اسم "es" می‌گیرد. اما چنانچه قبل از حرف y یک حرف صدادار آمده باشد، آن اسم مفرد فقط s جمع می‌گیرد.

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a key	keys کلیدها	a city	cities شهرها
a boy	boys پسر‌ها	a country	countries کشورها
a toy	toys اسباب بازی‌ها	a baby	babies بچه‌ها

طریقه جمع بستن اسامی مرکب:

در این کلمات فقط اسم دوم s یا es جمع می‌گیرد و اسم اول که در این حالت در نقش صفت خواهد بود، بدون تغییر و بصورت **مفرد** باقی خواهد ماند.

اسم مفرد	اسم جمع	اسم مفرد	اسم جمع
a workbook	workbooks	a taxi driver	taxi drivers
a bus stop	bus stops	a police station	police stations
a book store	book stores	a post office	post offices

تعیین کننده‌های اسمی "Noun Markers"

قبل از اسم‌ها غالباً یک «تعیین کننده» طبق جدول زیر به کار می‌رود.

Noun Markers		Examples
حرف‌های تعریف نامعین	a / an	a mouse / a tiger / an apple
حرف تعریف معین	the	the children / the park
صفت‌های اشاره مفرد (در گرامر نهم تدریس شد)	this / that	this chair/ that book
صفت‌های اشاره جمع (در گرامر نهم تدریس شد)	these / those	these palaces/ those matches
صفت‌های ملکی (در گرامر نهم تدریس شد)	my/ your/ his, ...	my father/ his town
حروف اضافه (درس اول پایه یازدهم)	at, in, on, up, by, ...	by train / at school
اعداد (درس اول پایه یازدهم)	one, two, three, ...	five students / ten apples
صفات (درس دوم سال دهم)	nice, brave, ...	kind man / nice car
کمیت‌های شمارشی (درس اول پایه یازدهم)	some, many, a few, ...	some pens / a few cheetahs

حروف تعریف "Articles"

حروف تعریف نامعین (نکره)

a pen یک خودکار
an apple یک سیب

حرف تعریف معین (معرفه)

the pen این خودکار
the apple این سیب

یادآوری: حروف تعریف نامعین (نکره) "a, an": فقط **قبل از اسم‌های مفرد قابل شمارش** به کار می‌رود. کلمه ای که قبل از آن، حروف تعریف نامعین، آمده باشد برای شنونده یا گوینده مشخص یا شناخته شده نیست.

توجه: چنانچه حرف اول اسم مفردی با حروفِ صدادار (a-e-i-o-u) شروع شده باشد، به جای "a" از "an" استفاده می‌شود:

a book - a pen an egg - an apple

نکته ۱ (زبان تخصصی): اگر کلمه مفرد قابل شمارشی با یکی از حروف u, o, h شروع شده باشد، باید به تلفظ آن حرف دقت کنیم نه املاي آن. اگر در ابتدای کلمه، مصوت یا صدای حرف صداداری را شنیدیم، an را انتخاب می‌کنیم و اگر آن حرف تلفظ نشد یا اینکه ما صامت یا تلفظ حرف بی صدایی را شنیدیم، a را انتخاب می‌کنیم.

مصوت (صدادار)	معنی	صامت (بی صدا)	معنی
an orange	یک پرتقال	a one- pound coin	یک سکه یک پوندی
an hour	یک ساعت	a history book	یک کتاب تاریخ
an umbrella	یک چتر	a university	یک دانشگاه

نکته ۲ هنگامیکه منظورمان از یک اسم مفرد، تمام اعضای آن گروه و طبقه باشد از a و an استفاده می‌کنیم:

A child needs love.

A computer is very useful.

نکته ۳ برای اشاره به شغل و یا تعریف یک اسم و یا بیان کاربرد آن اسم از a و an استفاده میکنیم:

Alireza is **a** doctor.

The lion is **an** animal.

نکته ۴ قبل از ملیتها، مذہبها و نام بعضی از بیماریها از a و an استفاده میکنیم :

He is **an** American Professor.

She became **a** Muslim.

یادآوری: حرف تعریف معین "**the**": این حرف تعریف قبل از اسمهای قابل شمارش مفرد یا جمع و نیز اسمهای غیرقابل شمارش کاربرد دارد. در واقع اسمی که پس از "the" به کار می‌رود، اسمی معین یا شناخته شده است :

the pen
اسم مفرد

the books
اسم جمع

the milk
غیر قابل شمارش

نکته ۵: هر گاه اسمی برای بار اول ذکر شود، نکره یا نا معین میباشد. اما چنانچه برای بار دوم ذکر شود تبدیل به اسم معین یا معرفه میشود و حرف تعریف the میگیرد:

I saw **a man** at school. **The man** was my friend's teacher.

بار اول (نکره)

بار دوم (معرفه)

" من مردی را در مدرسه دیدم. آن مرد معلم دوستم بود."

نکته ۶: همان طور که میدانیم اسمی خاص حرف تعریف نمیگیرند: **the Raman** - **the Iran** - **the Boukan**

اما چنانچه اسم کشوری بصورت مخفف همراه با عباراتی مثل مثالهای زیر بکار برده شود، حرف تعریف the میگیرد:

the **IRI** = the Islamic Republic of Iran

"جمهوری اسلامی ایران"

the **USA** = the United States of America

"ایالات متحده آمریکا"

توجه: این حرف تعریف کاربردهای فراوانی دارد که در کتابهای نظام جدید به آنها اشاره نشده است. در درسهای بعد و به مرور با کاربردهای ذکر شده حرف تعریف معین the در نظام جدید آشنا خواهیم شد.

یادداشت:

۲۰. تست آموزشی و دستگرمی گرامر درس یک دهم Grammar Tests (Lesson 1)

- 1- Mr. Kazemi ----- his relatives next Monday.
a) visit b) visiting c) will visit d) visited
 - 2- When will Mary and Sara ----- the tickets for the trip?
a) to buy b) buy c) buys d) buying
 - 3- The zookeepers are going to ----- the animals more seriously.
a) protects b) protect c) protecting d) to protect
 - 4- Their old laptops don't work. They ----- some new ones next Monday.
a) be going to buy b) bought c) buying d) are going to buy
 5. A: Did you write that letter for me? B: sorry, I completely forgot, I ----- it soon.
a) will write b) am going to write c) write d) wrote
 6. A: I don't know how to use this camera. B: It's easy. I ----- you.
a) am going to show b) will show c) am showing d) show
 7. A: I don't have any money. B: Really? Well, don't worry. I ----- you some.
a) am going to lend b) am lending c) will lend d) lent
 8. I'm trying to reserve my hotel. Next Friday I ----- to Shiraz.
a) am going to travel b) will travel c) traveled d) travel
 9. I have decided to have a birthday party. I ----- lots of my friends next Wednesday.
a) invite b) will invite c) are going to invite d) have invited
 10. A: Why did you buy a lot of paint? B: I ----- my bedroom tomorrow.
a) paint b) painted c) will paint d) am going to paint
 11. A: The windows are dirty. B: Yes, I know, I ----- them later.
a) am going to wash b) have washed c) will wash d) wash
 12. Dad has bought some wood. So, he ----- a new table for the kitchen tomorrow.
a) build b) have built c) will build d) is going to build
 13. Raman helped me fix my car. He ----- me fix my computer next week.
a) will help b) helps c) is going to help d) is helping
 14. When I see you tomorrow, I ----- you my new book.
a) am going to show b) will show c) show d) showed
-
15. Mark has three -----, ----- boy and two girls. ----- boy is 7 years old and their girls are 3.
a) children / a / A b) children / a / The c) child / the / A d) child / the / The
 16. ----- apartments are all very expensive, because they're in ----- center of the town.
a) That / the b) This / a c) These / a d) These / the
 17. Peter and I have ----- English class together. ----- teacher is ----- Ms. Smith.
a) a / Our / the b) a / His / - c) an / Our / - d) an / His / the
 18. The people we met on holiday in the north of ----- Canada came from ----- USA.
a) a / the b) - / the c) - / an d) the / an
-
19. My flight ----- at 10:30 tomorrow, so I need to get to the airport by 9:00. (کنکور منحصرآ زبان)
a) leaves b) will leave c) is leaving d) left
 20. Do you know what time the movie ----- tonight? (کنکور منحصرآ زبان)
a) is beginning b) will begin c) begins d) began

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس اول (پایه دهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

توجه ۱: هرگاه به گزینه های یک تست نگاه کردیم و گزینه ها حالتیهای مختلف "**فعل**" بود، آن تست مربوط به "**زمان**" میباشد، پس در تست دنبال قید زمان یا مشخصه زمانی در قبل و بعد از جای خالی میگردیم.

- ۱- (c) با توجه به قید زمان (next Monday) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. ترجمه: "**آقای کاظمی دوشنبه هفته آینده از اقوام خود دیدت خواهد کرد.**"
- ۲- (b) گزینه های این تست، حالتیهای مختلف فعل buy میباشد پس این تست مربوط به زمانها میباشد. قبل از جای خالی will آمده که بعد از آن باید **شکل ساده فعل** بیاید. (زمان آینده ساده) ترجمه: "**چه زمانی مری و سارا برای سفر، بلیطها را خواهند خرید؟**"
- ۳- (b) بعد از ساختار are going to **شکل ساده فعل** میآید. ترجمه: "**نگهبانان باغ وحش قصد دارند به طور جدی تر از حیوانات مراقبت کنند.**"
- ۴- (d) جمله در زمان آینده ساده میباشد پس گزینه های b و c اشتباه هستند. در گزینه a نباید خود be بکار برده شود. ترجمه: "**لب تاپهای قدیمی آنها کار نمیکند. آنها قصد دارند تعدادی لب تاپ جدید را دوشنبه آینده بخرند.**"
- ۵- (a) با توجه به وجود soon جمله در زمان آینده ساده میباشد (گزینه های c و d حذف میشوند). چنانچه قبل از تستی مربوط به زمان آینده کلمه forgot (گذشته) (forget) آمده باشد جواب فقط **will** خواهد بود چون برنامه ریزی قبلی ندارد و آنی تصمیم میگیرد. ترجمه: "**آیا آن نامه را برایم نوشتی؟ - شرمند. کاملاً فراموش کردم. به زودی آن را خواهم نوشت.**"
- ۶- (b) چنانچه آنی تصمیمی برای آینده گرفته شود و در جمله نشانی از برنامه ریزی قبلی وجود نداشته باشد، جواب فقط **will** با شکل ساده فعل خواهد بود. ترجمه: "**نمیدونم چطور از این دوربین استفاده کنم. - آسونه. من بهت نشان خواهم داد.**"
- ۷- (c) چنانچه از قبل در مورد عملی اطلاع نداشته باشیم و در لحظه صحبت کردن تصمیمی گرفته شود، جواب فقط **will** خواهد بود. ترجمه: "**من هیچ پولی ندارم. - واقعاً؟ نگران نباش. من بهت کمی (پول) قرض خواهم داد.**"
- ۸- (a) با توجه به قید زمان (next Friday) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. پس گزینه های c و d اشتباه هستند. چنانچه برای انجام کاری در زمان آینده برنامه ریزی شود، از ساختار **be going to** استفاده میکنیم. ترجمه: "**سعی میکنم که هتلم را رزرو کنم. جمعه آینده قراره به شیراز مسافرت کنم.**"
- ۹- (c) با توجه به قید زمان (next Monday) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. پس گزینه های c و d اشتباه هستند. چنانچه برای انجام کاری در زمان آینده تصمیم گیری شود، از ساختار **be going to** استفاده میکنیم. ترجمه: "**من تصمیم گرفته ام یک مهمانی تولد بگیرم. قراره تعداد زیادی از دوستانم را برای چهارشنبه آینده دعوت کنم.**"
- ۱۰- (d) چنانچه برای انجام کاری در زمان آینده برنامه ریزی شود، از ساختار **be going to** استفاده میکنیم. ترجمه: "**چرا آن همه رنگ را خریدی؟ - قصد دارم اتاق خوابم را فردا رنگ آمیزی کنم.**"
- ۱۱- (a) با توجه به قید زمان (later) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. پس گزینه های c و d اشتباه هستند. چنانچه قبل از جای خالی know آمده باشد، بدین معنی است که از انجام آن عمل در آینده از قبل خبر داشته ایم پس ساختار **be going to** درست میباشد. ترجمه: "**پنجره ها کثیف هستند. - میدونم. قراره بعداً آنها را بشورم.**"

- **۱۲- (d)** با توجه به قید زمان (tomorrow) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. پس گزینه های a و b اشتباه هستند. چنانچه برای انجام کاری در زمان آینده برنامه ریزی شود، از ساختار **be going to** استفاده میکنیم.
ترجمه: "پدر کمی چوب خریده است. او قصد دارد برای آشپزخانه یک میز جدیدی را درست کند."
- **۱۳- (c)** با توجه به قید زمان (next week) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. پس گزینه های b و d اشتباه هستند. چنانچه برای انجام کاری در زمان آینده تصمیم گیری شود، از ساختار **be going to** استفاده میکنیم.
ترجمه: "رامان بهم کمک کرد تا ماشینم را تعمیر کنم. او قصد داره بهم کمک کنه تا هفته آینده کامپیوترم را تعمیر کنم."
- **۱۴- (a)** با توجه به قید زمان (tomorrow) جمله در زمان **آینده ساده** میباشد. پس گزینه های c و d اشتباه هستند. چنانچه برای انجام کاری در زمان آینده برنامه ریزی شود، از ساختار **be going to** استفاده میکنیم.
ترجمه: "اگه (زمانیکه) فردا تو رو ببینم، قراره کتاب جدیدم را به تو نشان بدهم."

توجه ۲: هرگاه به گزینه های یک تست نگاه کردیم و در گزینه ها "اسم مفرد یا جمع" بود، و یا اینکه حروف تعریف، صفات اشاره و ... وجود داشت، آن تست مربوط به "اسم و کاربردهای آن" میباشد، پس در تست دنبال نکات مربوطه در قبل و بعد از جای خالی میگردیم.

- **۱۵- (b)** قبل از جای خالی اول عدد Three آمده، پس اسم باید جمع باشد در نتیجه گزینه c و d حذف میشوند. هر گاه اسمی برای بار اول ذکر شود، نکره یا نا معین میباشد اما چنانچه برای بار دوم ذکر شود تبدیل به اسم معین یا معرفه میشود و حرف تعریف the میگیرد.
ترجمه: "مارک ۳ تا فرزند داره. یه پسر و دوتا دختر. پسر ۷ سال دارد و دخترها سه ساله هستند."
- **۱۶- (d)** کلمه apartments جمع است پس صفت اشاره آن هم باید جمع باشد. (گزینه a و b حذف میشوند). برای بیان مالکیت غیر انسان، هر دو اسم باید معرفه باشند (حرف تعریف the میگیرند). مثال:
The door of the class is brown.
ترجمه: "این آپارتمانها همگی خیلی گران قیمت اند چونکه در مرکز شهر هستند."
- **۱۷- (c)** کلمه English با حرف صدادار شروع شده پس an میگیرد. (حذف گزینه های a و b). در جای خالی دوم، صفت ملکی Peter and I باید our باشد. (حذف گزینه d و b). جای خالی سوم: اسامی خاص، حرف تعریف نمیگیرند. (حذف گزینه های a و d).
ترجمه: "من و پیتر به یک کلاس انگلیسی میریم و معلم ما خانم اسمیت است."
- **۱۸- (b)** اسامی خاص، حرف تعریف نمیگیرند. (حذف گزینه های a و d). چنانچه اسم کشوری همراه با عباراتی مثل United States (US) بکار برده شود، حرف تعریف the میگیرد. (حذف گزینه c و d).
ترجمه: "افرادی را که ما در تعطیلات در شمال کانادا ملاقات کردیم، اهل ایالات متحده آمریکا هستند."
- **۱۹- (a)** (زبان تخصصی) هر وقت لازم باشد در مورد جدول زمانی قطار، هواپیما و... مربوط به آینده صحبت کنیم و در جمله، قید زمان آینده، آمده باشد بجای "زمان آینده ساده" از زمان حال ساده استفاده میکنیم.
ترجمه: "پروازم در ساعت خواهد بود (حرکت میکنه). بنابراین لازمه که تا ساعت ۹ در فرودگاه باشم."
- **۲۰- (c)** (زبان تخصصی) چنانچه بخواهیم در مورد یک برنامه تلویزیونی و... مربوط به آینده صحبت کنیم و در جمله، قید زمان آینده، آمده باشد بجای "آینده ساده" از زمان حال ساده استفاده میکنیم.
ترجمه: "آیا میدونی امشب فیلم سینمایی ساعت چند شروع میشود. (شروع خواهد شد).؟"

Lesson Two:

“Wonders of Creation”

“شگفتی های خلقت”

It is Allah who has made for you the Earth as a resting place and the sky as a canopy.

“Al- Ghafir 64”

خداوند آن ذات اقدس است که زمین را محل سکونت و استقرار شما انسانها مقرر فرمود و آسمان

“سوره الغافر، آیه ۶۴”

را چون سقفی بر فراز سرتان قرار داد.

لغات مهم درس دوم پایه دهم (Lesson Two) Key Words of Vision One

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
above	بالای، بر بالای	carry	حمل کردن، با خود بردن
abroad	خارج (از کشور)	cell	سلول - زندان انفرادی - باطری
actually	در واقع - در حقیقت	choose	انتخاب کردن
adjective	صفت (در گرامر)	city	شهر
against	در مقابل، بر علیه	clear	شفاف، زلال - پاک کردن
age	سن، پایه - عصر، دوره	close	بستن - نزدیک
alike	مشابه، همانند	cloudy	ابری
all around	در سرتاسر	cold	سرد - سرما - سرماخوردگی
all day long	تمام طول روز	collect	جمع آوری کردن
amazing	شگفت انگیز	cooking	آشپزی
animal	حیوان	comparative	مقایسه ای - تفضیلی
angry	عصبانی	compare	مقایسه کردن
another	دیگر، دیگری	control	کنترل کردن
ant	مورچه	create	خلق کردن
appropriate	شایسته، مناسب	creator	خالق
area	ناحیه، منطقه	creation	خلقت، آفرینش
around	دور و بر، اطراف	cross	عبور کردن
arrow	تیر، علامت فلش	daily	روزانه
Asian	آسیایی	danger	خطر
attack	حمله کردن، یورش بردن	dangerous	خطرناک
become	شدن، تبدیل شدن	dark	تیره - تاریک - پر رنگ
beautiful	زیبا	deep	عمیق
bed	تختخواب	defend	دفاع کردن
best	بهترین (صفت عالی good)	definition	تعریف
better	بهتر (صفت برتری good)	delicious	خوشمزه
blood	خون	describe	توصیف کردن - شرح دادن - تعریف کردن
blood stream	جریان خون	details	جزئیات
body	بدن، تن - جسد، لاشه	difficult	سخت، مشکل
boring	کسل کننده	disease	بیماری
both	هر دو	different	متفاوت، مختلف
brain	مغز	donate	اهدا کردن، بخشیدن
brave	شجاع، دلیر	downward	رو به پائین، به طرف پائین
butter	کره	draw	کشیدن، ترسیم کردن
camel	شتر	dress	لباس زنانه - لباس پوشیدن
carefully	با دقت	drop	قطره - لکه
carbon dioxide	دی اکسید کربن	each	هر، هر کدام

لغات مهم درس دوم پایه دهم (Lesson Two) Key Words of Vision One

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
earth	کره زمین	healthy	سالم، تندرست
easy	آسان	heart	قلب
element	عنصر - قسمت	heaven	بهشت - آسمان، عرش
energy	انرژی	hint	اشاره - نکته - سر نخ - توصیه
enough	کافی	How many...?	چه تعداد
Europe	قاره اروپا	How much...?	چه مقدار
even	مسطح، صاف - حتی	How wonderful!	چقدر شگفت انگیزه!
everywhere	هر جاییکه	Hubble	تلسکوپ هابل
example	مثال	human	انسان، بشر
exercise	ورزش - تمرین	hundred	صد
expect	انتظار داشتن، توقع داشتن	important	مهم
expensive	گران	in fact	در واقع - در حقیقت
experience	تجربه، تجربه کردن	information	اطلاعات
expression	عبارت - بیان	insect	حشره
extra	اضافی، زائد - زیاد، خیلی	inside	داخل
fact	حقیقت	interest	علاقه - سود، منفعت
famous	مشهور، معروف	interesting	جالب - جذاب
far	دور	in terms of	از لحاظ - از نظر
farther	دورتر	Japanese	ژاپنی
farthest	دورترین	Jupiter	سیاره مشتری
fatty	چرب، پر چرب	keep	نگه داشتن
fight	جنگیدن - دعوا کردن	kind	مهربان - نوع
fill in	پر کردن	land	زمین، سرزمین - خشکی
following	زیرین - پیرو	large	بزرگ، وسیع
form	شکل، شکل دادن	late	دیر، دیر کردن - تأخیر
fresh	تازه (میوه، هوا و...)	laugh	خندیدن
funny	بامزه، خنده دار	lens	لنز، عدسی
gift	کادو، هدیه	light	نور، چراغ - روشنایی - روشن کردن - سبک
go around	گشتن به دور...، چرخیدن	liquid	مایع
gold	طلا	listening	گوش دادن
golden	طلایی	lots of	خیلی زیاد
good	خوب	many	زیاد (قبل اسم جمع قابل شمارش)
grow	پرورش دادن، رشد کردن	mark	نمره - علامت، نشان، مارک
half	نصف، نیم	Mars	سیاره مریخ
handwriting	دستخط	material	ماده - جنس
happen	اتفاق افتادن	medium	متوسط
hard	سخت - سفت	Mercury	سیاره عطارد

لغات مهم درس دوم پایه دهم *(Lesson Two)* Key Words of Vision One

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
metal	فلز، فلزی	powerful	قدرتمند، قوی
modern	مدرن، امروزی	protect	محافظت کردن
monkey	میمون	practice	تمرین - تمرین کردن
mountain	کوه	quality	کیفیت
more than	بیشتر از	question	سؤال - سؤال پرسیدن
most	بیشترین	really	واقعاً
much	زیاد (قبل اسم غیر قابل شمارش)	ring	حلقه - زنگ خوردن - دایره
nation	ملت	rising	رو به بالا - خیزان، صعودی
near	نزدیک	river	رودخانه
neighbor	همسایه	rock	سنگ، صخره
Neptune	سیاره نپتون	rocky	سنگی، سنگلاخی
nothing	هیچ، هیچی	round	اطراف - گرد، دایره ای
observe	مشاهده کردن	Russia	کشور روسیه
observer	مشاهده کننده	Saturn	سیاره زحل
observatory	رصد خانه	sea	دریا
of all	از همه، از بقیه	seafood	غذای دریایی
on one's own	تنها - به تنهایی	shark	کوسه
opinion	عقیده - نظر	sick	بیمار، مریض
orbit	مدار - چرخیدن	sign	علامت - تابلو - نشانه - امضاء
organ	عضو - اندام	silk	ابریشم، ابریشمی
order	نظم، ترتیب - دستور، سفارش	silver	نقره
Oxygen	اکسیژن	situation	وضعیت - موقعیت
pair	جفت - دو تا	sky	آسمان
pepper	فلفل	sleep	خواب
picture	عکس - تصویر	soldier	سرباز
planet	سیاره	spelling	املاء - هجی
plasma	پلازما - مایعی در خون	stay	ماندن، اقامت کردن
plastic	پلاستیک - پلاستیکی	strange	عجیب
Pluto	سیاره پلوتون	strong	قوی، قدرتمند
player	بازیکن	such as	مثل - مانند - همچون
polite	مؤدب	suitable	مناسب
pump	پمپاژ کردن - پمپ	summer	تابستان
power	قدرت - نیرو - توان	sun	خورشید

Conversation (Student Book: Page 47)

Alireza is visiting an observatory. He is talking to Ms. Tabesh who works there.
علیرضا در حال دیدن کردن از یک رصد خانه است. او داره با خانم تابش که در آنجا کار میکنه، صحبت میکنه.

Ms.Tabesh: Are you interested in the planets?

خانم تابش: آیا به سیارات علاقمند هستی؟

Alireza: Yes! They are really interesting for me, but I don't know much about them.

علیرضا: بله برای من واقعا جذاب هستند. ولی چیز زیادی در مورد آنها نمیدونم.

Ms.Tabesh: Planets are really amazing but not so much alike. Do you know how they are different?

خانم تابش: سیاره ها واقعا شگفت انگیز هستند اما زیاد بهم شبیه نیستند. آیا میدونی فرقی در چیه؟

Alireza: Umm... I know they go around the Sun in different orbits.

علیرضا: من میدونم که اونا در مدارهای مختلفی به دور خورشید میچرخند.

Ms.Tabesh: That's right. They have different colors and sizes, too. Some are rocky like Mars, some have rings like Saturn and some have moons like Uranus.

خانم تابش: درسته. اونا همچنین رنگها و اندازه های متفاوتی دارند. برخی مانند کره مریخ، سنگلاخی هستند. بعضی همانند سیاره زحل حلقه دارند و بعضی مثل سیاره اورانوس، قمر دارند.

Alireza: How wonderful! Can we see them without a telescope?

علیرضا: چقدر شگفت انگیزه! ما میتونیم بدون تلسکوپ آنها را ببینیم؟

Ms.Tabesh: Yeah..., we can see the planets nearer to us without a telescope, such as Mercury, Venus, Mars, Jupiter and Saturn. We can see Uranus and Neptune only with powerful telescopes.

خانم تابش: بله ... ما بدون تلسکوپ میتونیم سیاره های نزدیک تر به خودمون مانند سیاره های عطارد، ونوس، مریخ، مشتری و زحل را ببینیم. ولی فقط با تلسکوپهای قوی میتوانیم سیارات اورانوس و نپتون در ببینیم

Alireza: And which planet is the largest of all?.

علیرضا: کدام سیاره از همه سیارات بزرگتره؟

Ms. Tabesh: Jupiter is the largest one. It has more than 60 moons. Do you want to look at it?

خانم تابش: سیاره مشتری بزرگترین سیاره است. بیش از ۶۰ قمر داره. میخواهی بهش نگاه کنی؟

Alireza: I really like that.

علیرضا: واقعا دوست دارم (که نگاه کنم.)

A Wonderful Liquid

یک مایع شگفت انگیز

The human body is a real wonder. It is sometimes good to think about our body and how it works. Our body is doing millions of jobs all the time.

بدن انسان ها واقعا شگفت انگیز است. بعضی مواقع خوبه که در مورد بدنمان و اینکه چگونه کار می کند، فکر کنیم. بدن ما داره میلیونها کار رو به طور هم زمان انجام میده.

One of the most important parts of the body is blood. The heart pumps this red liquid around the body. This keeps us healthy and alive.

یکی از مهمترین بخش های بدنمان خون است. قلب این مایع قرمز رنگ را در سرتاسر بدن پمپاژ میکند. این کار ما را سالم و زنده نگه میدارد.

More than half of blood is plasma. This is a clear and yellow liquid. It carries red and white cells. There are millions of red blood cells in one small drop of blood. They carry oxygen round the body and collect carbon dioxide from body parts. There are thousands of white cells in a drop of blood. They are bigger than red cells. They defend our body against microbes.

بیش از نصف خون پلاسما است. پلاسما یک مایع شفاف و زرد هست که سلول های سفید و قرمز را حمل می کند. میلیون ها سلول قرمز خونی در یک قطره ی کوچک از خون وجود دارد. آنها اکسیژن را در سرتاسر بدن حمل می کنند و کربن دی اکسید را از قسمت های بدن جمع آوری می کنند. هزاران سلول سفید در یک قطره از خون وجود دارد. آنها بزرگتر از سلول های قرمز هستند که از بدن در برابر میکروب ها محافظت می کنند.

This wonderful liquid is a great gift from Allah. We can thank Allah by keeping our body healthy. One way to do that is eating healthy food and doing daily exercises. Another way is to donate our blood to those who need it.

این مایع شگفت انگیز یک هدیه ی بزرگ از خداوند است. ما می توانیم از خداوند با سالم نگه داشتن بدنمان تشکر کنیم. یک روش برای این کار، خوردن غذاهای سالم و انجام دادن ورزش های روزانه است. راه دیگر، اهدا کردن خونمون به کسانی است که به آن نیاز دارند.

گرامر درس دوم:

صفت و کاربردهای آن:

تعریف صفت: صفات کلماتی هستند که کیفیت و چگونگی اسم افراد، اشیاء، مکانها و ... را بیان می کنند. صفت همیشه بصورت "مفرد" بوده و حالت جمع ندارد (S جمع نمیگیرد). ما بین اسم و صفت هیچگاه حرف اضافه و یا عدد نمیآید.

محل صفت در جمله:

This is a nice car.

اسم صفت

۱- قبل از یک اسم:

These flowers are beautiful.

صفت فعل to be

۲- پس از فعل to be:

The weather got cold.

صفت فعل ربطی

۳- بعد از افعال ربطی، (در سال یازدهم با افعال ربطی آشنا خواهیم شد).

انواع صفت از نظر کاربرد:

هر گاه سخن از یک اسم یا یک گروه اسمی باشد.	الف) صفت ساده:
دو اسم یا دو گروه اسمی را با هم مقایسه میکند.	ب) صفت برتری یا تفضیلی:
برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی	ج) صفت برترین یا عالی:
هرگاه دو اسم یا دو گروه اسمی ، دارای صفت یکسانی باشند	د) صفت برابری:

My father is old.

صفت ساده

"پدر من مسن است."

My father is older than your father.

صفت برتری

"پدر من از پدر تو مسن تر است."

My father is the oldest man in our family.

صفت برترین

"پدر من مسن ترین مرد در خانواده ماست."

صفت برابری: چنانچه دو اسم یا دو گروه اسمی ، دارای صفت یکسانی باشند یعنی وقتی که هیچ تفاوتی میان آنها وجود نداشته

باشد از ساختار **as صفت مشترک as** به معنی "به یک اندازه" استفاده می کنیم:

I'm as tall as you.

صفت مشترک

"من به اندازه تو قد بلند هستم."

Farhad is as rich as Ali.

صفت مشترک

"فرهاد به اندازه علی ثروتمند است."

نکته ۱ (زبان تخصصی): در جملات منفی به جای اولین **as** میتوان از **so** استفاده کرد:

Our house is not so expensive as your house.

صفت مشترک

"خانه ما به گرانی خانه شما نیست."

نکته ۲) یاد گرفتیم که هر گاه دو اسم در یک صفت یا ویژگی با هم برابر باشند، از ساختار برابری **as ... as** استفاده میکنیم که در

این حالت ما بین این ساختار، **صفت ساده** میآید. اما چنانچه حالت برابری برای دو فعل بکار برده شود، ما بین این ساختار **قید حالت** خواهد آمد. (در درس چهارم سال دهم به طور مفصل با قیدهایی حالت آشنا خواهیم شد).

My brother can sing as beautifully as a famous singer. برادرم میتواند به زیبایی یک خواننده مشهور آواز میخواند.

قید حالت

انواع صفات از نظر تعداد بخش:

hot – tall – large – short	الف) صفت یک بخشی
heavy- happy – easy - busy	ب) صفت دو بخشی که آخر آن "y" میباشد:
careful – useless - careless	ج) دو بخشی که آخر آن "y" نمیباشد:
beautiful – expensive – difficult	د) صفت چند بخشی
good – bad – little – far	ی) صفات بی قاعده

الف) صفت یک بخشی: برای درست کردن صفت برتری از این نوع صفات به آخر آنها "er" به معنی "تر" اضافه کرده و در ادامه جمله "than" به معنی "از" را مینویسیم و برای درست کردن صفت برترین به انتهای صفت ساده "est" به معنی "ترین" و قبل از آن صفت، حرف تعریف معین "the" را مینویسیم:

صفت ساده یک بخشی	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
tall قد بلند	taller than قد بلندتر از	the tallest قد بلندترین
clean تمیز	cleaner than تمیزتر از	the cleanest تمیزترین

Alireza is tall. "علیرضا قد بلند است."

صفت ساده

Mehran is taller than Alireza. "مهران از علیرضا قد بلندتر است."

صفت برتری

Shahin is the tallest student in our class. "شاهین قد بلندترین دانش آموز در کلاس ما است."

صفت برترین

چند نکته املايي:

۱- هنگام اضافه کردن er یا est به انتهای صفات یک هجایی که دارای یک حرف صدا دار هستند و به یک حرف بی صدا ختم می شوند حرف بی صدای آخر تکرار می شود:

big, bigger, biggest

ولی اگر صفتی دارای بیش از یک حرف صدا دار بود، در این صورت حرف بی صدای آخر تکرار نمی شود:

great, greater, greatest

۲- صفاتی که به e ختم می شوند، هنگام اضافه کردن er یا est، e خود را از دست می دهند:

large, larger, largest

ب) صفت دو بخشی که آخر آن "y" میباشد: برای درست کردن صفت برتری از این نوع صفات، مانند صفات یک بخشی به آخر آنها "er" به معنی "تر" اضافه کرده و در ادامه جمله "than" به معنی "از" را مینویسیم و برای درست کردن صفت برترین به انتهای صفت ساده "est" به معنی "ترین" و قبل از آن صفت حرف تعریف معین "the" را مینویسیم اما در هر دو حالات "y" به "i" تبدیل میشود:

صفت ساده دو بخشی با y	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
easy آسان	easier than آسانتر از	the easiest آسانترین
happy شاد	happier than شادتر از	the happiest شادترین

Lesson one was easy. "درس یک آسان بود."

صفت ساده

Lesson two is easier than lesson one. "درس دو از درس یک آسانتر است."

صفت برتری

Lesson four is the easiest lesson in book. "درس چهار آسانترین درس در کتاب است."

صفت برترین

ج) دو بخشی که آخر آن "y" نمیباشد: این نوع صفات چون از حالت ساده به حالت برتری تبدیل شوند قبل از آنها "more" و در ادامه بعد از آنها "than" را مینویسیم و برای درست کردن صفت برترین قبل از آنها "the most" به معنی "ترین" را اضافه میکنیم.

صفت ساده دو بخشی بدون y	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
useful مفید	more useful than مفید تر از	the most useful مفیدترین
careless بی دقت	more careless than بی دقتتر از	the most careless بی دقت ترین

My father is a **careful** driver. پدرم یک راننده با دقتی است.

صفت ساده

My brother is **more careful than** my father. برادرم از پدرم با دقت تر است.

صفت برتری

Raman is **the most careful** driver in our city. رامان با دقت ترین راننده در شهرمان است.

صفت برترین

د) صفت چند بخشی: صفات چند بخشی به صفاتی گفته میشود که در آنها بیشتر از دو بخش وجود داشته باشد. این نوع صفات چون از حالت ساده به حالت برتری تبدیل شوند، دقیقاً مثل صفات دو بخشی که آخر آنها "y" نباشد عمل میکنیم:

صفت ساده چند بخشی	صفت برتری یا تفضیلی	صفت برترین یا عالی
expensive گران	more expensive than گرانتر از	the most expensive گرانترین
beautiful زیبا	more beautiful than زیباتر از	the most beautiful زیباترین

Gold is a very **expensive** metal. طلا یک فلز خیلی گران قیمتی است.

صفت ساده

Gold is **more expensive than** gold. طلا گران قیمت تر از نقره است.

صفت برتری

Gold is **the most expensive** metal of the world. طلا گران قیمت ترین فلز دنیا است.

صفت برترین

ی) صفات بی قاعده: این نوع صفات همان طور که از اسمشان معلوم است، چنانچه به حالت برتری یا برترین تبدیل شوند از قواعد بالا پیروی نمیکنند و در عوض تغییر شکل میدهند و باید آنها را حفظ کرد.

صفت ساده	معنی	صفت برتری	معنی	صفت برترین	معنی
good	خوب	better than	خوبتر از	the best	خوبترین
bad	بد	worse than	بد تر از	the worst	بدترین
far	دور	farther than	دورتر از	the farthest	دورترین
far	بیش	further than	بیشتر از	the furthest	بیشترین
little	کم	less than	کمتر از	the least	کمترین
little	کوچک	smaller than	کوچکتر از	the smallest	کوچکترین
many	زیاد	more than	بیشتر از	the most	بیشترین
much	زیاد	more than	بیشتر از	the most	بیشترین

His handwriting is as **good** as my handwriting. دستخط او به اندازه دستخط من خوب است.

صفت ساده

Our car is **better than** their car.

"ماشین ما بهتر از ماشین آنها است."

صفت برتری

It's **the best** food in the restaurant.

"این بهترین غذا در این رستوران است."

صفت برترین

نکته (۱) چنانچه در حالت تفضیلی یا برتری تنها یکی از طرفین مقایسه را ذکر کنیم، نیازی به استفاده از **than** نمیباشد.

Ali is 23 years old. Mehdi is 21 years old. Ali is **older**. (than Mehdi)

"علی ۲۳ ساله است. مهدی ۲۱ ساله است. علی بزرگتر است."

Let's go by bus. It's **cheaper**. (than taxi)

"بیا با اتوبوس برویم. ارزان تر است."

نکته (۲) صفاتی که آخر آنها به پسوندهای **ed** یا **ing** ختم شده باشد، در حالت تفضیلی یا عالی **more** و **most** میگیرند.

tired	→	more tired than	→	the most tired
confusing	→	more confusing than	→	the most confusing

I'm very tired today. I'm **more tired than** you.

"من امروز خیلی خسته ام. من از تو خسته ترم."

نکته (۳) برای مقایسه اعضای خانواده به جای **older** و **oldest** میتوانیم از **elder** و **eldest** همراه با اسم استفاده میکنیم:

My **older / elder** brother is a nurse.

"برادر بزرگترم پرستار است."

نکته (۴) (منحصراً زبان): برخی از صفات حالت تفضیلی و عالی آنها هم با **er** و **est** و هم با **more** و **most** صحیح میباشد.

صفت	معنی	صفت	معنی	صفت	معنی	صفت	معنی
clever	باهوش	gentle	نجیب	quiet	ساکت	polite	مؤدب
common	رایج	cruel	ظالم	stupid	نادان	narrow	باریک
pleasant	خوشایند	simple	ساده	likely	احتمالی	handsome	خوشتیپ
happy	خوشحال	lively	سرزنده	true	درست	shallow	کم عمق

This river is **shallower / more shallow** than that one.

"این رودخانه از آن یکی کم عمق تر است."

نکته (۵) هر گاه قبل از صفت برتری از قید "**خیلی**" استفاده کنیم باید از "**much**" و "**a lot**" استفاده کنیم (استفاده از **very** صحیح نیست). و اگر لازم باشد قبل از صفت برتری، قید "**کمی**" را بکار ببریم، باید از کلمات "**a bit**" و یا "**a little**" استفاده کنیم.

Going by bus is **much cheaper than** taking a taxi.

"با اتوبوس رفتن از تاکسی گرفتن خیلی ارزان تر است."

صفت برتری

This table is **a bit bigger than** that brown one.

"این میز از آن میز قهوه ای به کم بزرگتر است."

صفت برتری

نکته (۶) حالت تفضیلی و عالی قیدهایی حالت با **more** و **most** میباشد.

carefully	→	more carefully than	→	the most carefully
-----------	---	----------------------------	---	---------------------------

He writes English **more beautifully than** me.

"او به زیبایی من، انگلیسی را مینویسد."

قید حالت

نکته کنکوری بسیار مهم: ترتیب صفات قبل از اسم

می‌دانیم که صفت‌ها معمولاً قبل از اسم می‌آیند، اما اگر بیش از یک صفت اسمی را توصیف کنند، در اینصورت صفت‌ها معمولاً به ترتیب خاصی قرار می‌گیرند. هر چند ترتیب قرار گیری صفت‌ها پیش از یک اسم همیشه ثابت نیست، اما مثال زیر به شما کمک می‌کند تا نحوه‌ی جایگیری کلی آنها را یاد بگیرید:

I bought a nice big new blue Italian cotton shirt last week.

اسم جنس ملیت رنگ سن اندازه کیفیت

"من هفته گذشته یک پیراهن کتانی، ایتالیایی، آبی، تازه، بزرگ قشنگ خریدم."

جنس	ملیت	رنگ	سن / قدمت	اندازه	کیفیت / عقیده
wooden	Italian	blue	new	big	beautiful
metal	German	red	old	small	nice
silk	Iranian	yellow	young	large	lovely
cotton	American	black	ancient	short	expensive

نکته مهم "معرف ها": حروف تعریف (a, an, and)، صفات اشاره (this, that, these, those)، صفات ملکی (my, your, ...)، اعداد (one, two, three, ...) و کمیتهای شمارشی (some, many, a few, ...) همواره **قبل از تمامی صفات** در جمله بکار برده میشوند:

Raman has two expensive small old black Iranian bicycles.

اسم صفات معرف (عدد)

صفت کیفیت: صفتی است که نظر و عقیده شخصی ما را درباره آن اسم بیان میکند. طراحان سؤال به این نوع از صفات علاقه زیادی دارند و اکثراً در تستها آنها را میبینیم.

برای به خاطر سپردن ترتیب صفات قبل از اسم، رمز "**جم رساک**" را استفاده نمائید. (این رمز از سمت راست به چپ میباشد.)

نکته: چنانچه بخواهیم در ساختار بالا، صفت "**شکل**" را اضافه کنیم، این صفت ما بین صفت رنگ و سن خواهد بود. پس فرمول ما به صورت "**جم رشا ساک**" در خواهد آمد.

نکته ای مخصوص کنکور منحصراً زبان:

علاوه بر صفات بالا، صفت **هدف** یا **کاربرد** هم داریم که همیشه **نزدیکترین** صفت به اسم مورد نظر میباشد:

historic - sports - chemistry - sleeping

یادداشت:

۲۰. تست آموزشی و دستگرمی گرامر درس دو (Lesson 2) Grammar Tests

1. Her handwriting is not as ----- as my handwriting.
a) worse b) the worst c) the best d) bad
2. His car was very cheap. I expected it to be ----- than my car.
a) the most expensive b) more expensive c) expensive d) as expensive as
3. It's a very good room. It is ----- room in this hotel.
a) the worst b) the best c) better d) worst
4. It's a terrible hospital. It's ----- hospital in the city.
a) the worst b) the best c) better d) worse
5. Don't worry. The exam was very difficult. Your mark isn't so bad. It could be ----- than this.
a) better b) worse c) well d) the best
6. It's a very delicious food. It's ----- food in the restaurant.
a) better b) the best c) the worst d) worse
7. Our hotel was ----- than all the others in the town.
a) the cheapest b) as cheap as c) cheaper d) cheap
8. It was a terrible experience. It was ----- experience of my life.
a) the worst b) the best c) better d) worse
9. The red car is ----- than the black car.
a) expensive b) more expensive c) as expensive as d) the most expensive
10. The man is 70 kilos. The woman is 67 kilos. The man is ----- the woman.
a) the heaviest b) as heavy as c) heavier than d) heavier
11. Robert does not write well. He has ----- handwriting in our class.
a) bad b) worse c) the worst d) as bad as
12. My brother has a ----- cat.
a) pretty big brown Asian b) pretty big Asian brown
c) big pretty brown Asian d) big brown pretty Asian
13. There's a ----- box in our house.
a) small nice metal black b) small nice black metal
c) nice black small metal d) nice small black metal
14. They live in a ----- house.
a) beautiful wooden old b) beautiful old wooden c) old beautiful wooden d) wooden beautiful old
15. My friend never lets his little brother drive his ----- car.
a) old expensive big b) big old expensive c) big expensive old d) expensive big old
16. Which sport is ----- dangerous of all the sports in the Olympics?
a.) least b) more c) the most d) many
17. Did the tall young woman look in that ----- dress?
a) long green silk b) green long silk c) silk long green d) long silk green
18. That ----- bicycle is ----- expensive than this motorcycle.
a) German nice / most b) nice German / most c) German nice / more d) nice German / more
19. There are many cheap things in the shop, but the cake is ----- thing.
a) cheap b) cheaper than c) cheaper d) the cheapest
20. I had ----- time than I needed to finish that work.
a) little b) less c) the least d) many

پاسخنامه تست‌های آموزشی و دستگرمی گرامر درس دوم (پایه دهم):

شیوه کلی حل تست‌های گرامر: عموماً برای حل تست‌های گرامر ابتدا به گزینه‌های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (d) با توجه به قبل و بعد از جای خالی این تست مربوط به صفت برابری میباشد. ما بین as...as **صفت ساده** می‌آید. (حذف گزینه a, b, c)
ترجمه: "دستخط او به اندازه دستخط من بد نیست."
- ۲- (b) بعد از جای خالی than آمده پس به صفت برتری نیاز داریم. (صفت برتری er یا more میگیرد).
ترجمه: "ماشین او ارزان بود. انتظار داشتم از ماشین من گران تر باشد."
- ۳- (b) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم (حذف گزینه c و d). از بین گزینه‌های a و b که هر دو صفت عالی هستند، با توجه به معنی جمله، گزینه b صحیح میباشد.
ترجمه: "اتاق خیلی خوبیه، بهترین اتاق در این هتل است."
- ۴- (a) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم (حذف گزینه c و d). از بین گزینه‌های a و b که هر دو صفت عالی هستند، با توجه به معنی جمله، گزینه a صحیح میباشد.
ترجمه: "بیمارستان خیلی افتضاحیه. بدترین بیمارستان در این شهر است."
- ۵- (b) بعد از جای خالی than آمده پس به صفت برتری نیاز داریم. (حذف گزینه c و d). با توجه به معنی جمله، به یک صفت منفی نیاز داریم پس گزینه b صحیح میباشد.
ترجمه: "نگران نباش. امتحان خیلی سخت بود. نمره تو خیلی بد نبود. میتونست از این هم بدتر باشه."
- ۶- (b) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم (حذف گزینه a و d). از بین گزینه‌های c و b که هر دو صفت عالی هستند، با توجه به معنی جمله، گزینه b صحیح میباشد.
ترجمه: "غذای خیلی خوشمزه ایه، بهترین غذا در این رستوران است."
- ۷- (c) بعد از جای خالی than آمده پس به صفت برتری نیاز داریم.
ترجمه: "هتل ما از همه هتل‌های دیگر شهر ارزان تر است."
- ۸- (a) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم (حذف گزینه c و d). از بین گزینه‌های a و b که هر دو صفت عالی هستند، با توجه به معنی جمله، گزینه a صحیح میباشد.
ترجمه: "تجربه خیلی بدی بود. بدترین تجربه زندگیم بود."
- ۹- (b) بعد از جای خالی than آمده پس به صفت برتری نیاز داریم. (مقایسه یک اسم با اسمی دیگر).
ترجمه: "ماشین قرمز از ماشین سیاه گران تر است."
- ۱۰- (c) قبل و بعد از جای خالی دو اسم داریم پس جواب یا صفت برابری و یا صفت برتری میباشد. (حذف گزینه a و d) با توجه به جمله اول، به صفت برتری نیاز است.
ترجمه: "مرد ۷۰ کیلو وزن دارد. زن ۶۷ کیلو وزن دارد. مرد از زن سنگین وزن تر است."
- ۱۱- (c) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم.
ترجمه: "رابرت به خوبی نمینویسد. او بدترین دستخط کلاس را دارد."

- ۱۲- (a) با توجه به گزینه ها و عوض شدن جای کلمات در آنها، این تست مربوط به ترتیب صفات میباشد. (رمز از سمت راست: **جم رساک**):

صفت جنس نداریم. ملیت (Asian) در گزینه b درست نیست. رنگ (brown) در گزینه d اشتباه است. صفت رنگ و سن نداریم. صفت اندازه (big) در گزینه c بعد از صفت کیفیت (pretty) آمده که غلط میباشد:

pretty big brown Asian
ملیت رنگ اندازه کیفیت

ترجمه: "برادرم یک گربه آسیایی قهوه ای بزرگ قشنگ داره."

- ۱۳- (d) با توجه به گزینه ها و عوض شدن جای کلمات، این تست مربوط به ترتیب صفات میباشد. (رمز: **جم رساک**). توضیحات مثل سؤال ۱۲

nice small black metal
جنس رنگ اندازه کیفیت

ترجمه: "در خانه ما یک جعبه فلزی سیاه کوچک زیبا وجود دارد."

- ۱۴- (b) با توجه به گزینه ها و عوض شدن جای کلمات، این تست مربوط به ترتیب صفات میباشد. (رمز: **جم رساک**). توضیحات مثل سؤال ۱۲

beautiful old wooden
جنس سن کیفیت

ترجمه: "آنها در یک خانه چوبی قدیمی زیبا زندگی میکنند."

- ۱۵- (d) با توجه به گزینه ها و عوض شدن جای کلمات، این تست مربوط به ترتیب صفات میباشد. (رمز: **جم رساک**). توضیحات مثل سؤال ۱۲

expensive big old
سن اندازه کیفیت

ترجمه: "دوستم هرگز به برادرش اجازه نمیدهد که ماشین قدیمی بزرگ گران قیمتش را براند."

- ۱۶- (c) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم. ترجمه: "کدام ورزش به نسبت همه ورزشهای دیگر المپیک خطرناکترین است؟"

- ۱۷- (a) با توجه به گزینه ها و عوض شدن جای کلمات، این تست مربوط به ترتیب صفات میباشد. (رمز: **جم رساک**). توضیحات مثل سؤال ۱۲

long green silk
جنس رنگ اندازه

ترجمه: "آیا آن خانم قدبلند به آن پیراهن ابریشمی سبز بلند نگاه کرد؟"

- ۱۸- (d) جای خالی اول: بر طبق رمز "جم رساک" گزینه a,c اشتباه هستند. جای خالی دوم: با توجه به وجود than بعد از جای خالی به صفت برتری نیاز داریم.

ترجمه: "آن دوچرخه آلمانی قشنگ از آن موتور سیکلت گران تر است."

- ۱۹- (d) برای مقایسه یک اسم با گروهی از اسامی به صفت عالی نیاز داریم. ترجمه: "وسایل ارزان زیادی در این مغازه وجود دارد اما کیک ارزانتین آنهاست."

- ۲۰- (b) بعد از جای خالی than آمده پس به صفت برتری نیاز داریم. (مقایسه یک اسم با اسمی دیگر). حالت برتری صفت little چون بی قاعده است، less than میباشد.

ترجمه: "من وقت کمتری از اون چیزی که برای تمام کردن آن کار لازم، را دارم."

Lined writing area with horizontal dashed lines.

Lesson Three:

“The Value of Knowledge”

“ارزش دانش”

Say: are those equal, those who know and those who do not know.
“ Zumar 9”

بگو: آیا کسانی که میدانند با کسانی که نمیدانند برابرند. “سوره الزمر ، آیه ۹”

لغات مهم درس سوم پایه دهم (Lesson Three) Key Words of Vision One

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
action	اقدام، عمل، حرکت	emphasis	تأکید - تکیه - اصرار
airplane	هواپیما	emphatic	تأکیدی
anything	هیچی - هیچ چیزی - هر چیزی	energetic	پر انرژی، فعال، پر جنب و جوش
ashamed	شرمنده، خجالت زده	everything	هر چیزی - هر کاری
at all	اصلاً، ابداً	experience	تجربه
at first	در ابتدا	experiment	آزمایش
at that time	در آن زمان	express	بیان کردن، اظهار کردن - سریع السیر
at the moment	در حال حاضر	face	صورت، چهره - مواجه شدن، روبرو شدن
background	پس زمینه	farmer	کشاورز
be after	به دنبال... بودن	feel	احساس کردن
become	شدن - تبدیل شدن	finally	سرانجام، در نهایت
behave	رفتار کردن	flu	آنفولانزا
being	بودن	fortunately	خوشبختانه
belief	عقیده، باور، ایمان	full of	پر از
believe	باور داشتن، ایمان داشتن	gain	کسب کردن - بدست آوردن
break	شکستن - زنگ تفریح	get around	پخش شدن - شایع شدن
build	ساختن، درست کردن	given	داده شده - ارائه شده
bulb	حباب - لامپ	give up	تسلیم شدن - رها کردن
camera	دوربین	go out	بیرون رفتن - قطع شدن (برق)
carry out	انجام دادن	grave	گور، قبر
change into	تغییر دادن به، عوض کردن به	grow up	رشد کردن، بزرگ شدن
column	ستون	hall	راهرو - تالار
come in	وارد شدن، داخل شدن	have fun	خوش گذراندن، تفریح داشتن
cookie	بیسکویت، کلوچه	head	سر، کله
cool	عالی، محشر - خنک	hearing	شنوایی
cradle	گهواره - مهد	heavily	به شدت، به سنگینی
description	توصیف	herself	خودش (خانم)
destroy	تخریب کردن، نابود کردن	himself	خودش (آقا)
destructive	مخرب، ویرانگر	history	تاریخ
develop	توسعه دادن، گسترش دادن	historian	تاریخ نویس، تاریخ دان، مورخ
do research	تحقیق انجام دادن	holiday	تعطیل، تعطیلی
drive	رانندگی کردن	holy	مقدس
driver	راننده	hospital	بیمارستان
emotion	احساس، عاطفه	hungry	گرسنه
emotional	احساسی	idea	ایده، نظر، عقیده
emotionless	بی احساس	ideal	آرمانی، ایده آل، دلخواه، کمال مطلوب

لغات مهم درس سوم پایه دهم (Lesson Three) Key Words of Vision One

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
interrogative	(جملات) سؤالی	pass away	فوت کردن، مردن، از دنیا رفتن
into	داخل، به درون	past progressive	(زمان) گذشته استمراری
invent	اختراع کردن	patient	بیمار - صبور
inventor	مخترع	peace	صلح - آرامش
invention	اختراع	place	مکان - جا - قرار گرفتن، قرار دادن
itself	خودش (غیر انسان)	poem	شعر
jump out	بیرون پریدن	poet	شاعر
key	کلید	possible	ممکن - احتمالی
kill	کشتن	power	قدرت، نیرو - برق
kitty	بچه گربه	problem	مشکل - مسأله
knowledge	دانش، علم آگاهی	profit	سود، نفع، مزیت، برتری - منفعت کردن
laboratory	آزمایشگاه	prophet	پیامبر، پیغمبر، نبی
language	زبان	publish	منتشر کردن - چاپ کردن
light bulb	لامپ برق	put aside	کنار گذاشتن
jump out	بیرون پریدن	quickly	به سرعت
math	ریاضی	quit	ترک کردن - رها کردن
meaning	معنی	rainy	بارانی
medicine	دوا، دارو پزشکی	rapidly	به سرعت
must	باید	rather	نسبتاً
myself	خودم	refinery	پالایشگاه
narrate	نقل کردن - روایت کردن	relate	مربوط بودن - ربط داشتن
narrator	نقل کننده، راوی، روایت کننده	remember	به یاد آوردن
near	نزدیک - کنار	researcher	محقق
negative	منفی	rich	ثروتمند
next door	خانه همسایه - در بغلی	sadly	متأسفانه - با ناراحتی، بدبختانه، متأسفانه
noise	سر و صدا	science	علم - دانش
noisy	پر سر و صدا، شلوغ	scientist	عالم، دانشمند
no one	هیچ کسی	seek	جستجو کردن - گشتن به دنبال
notice	توجه کردن	sense	حس، احساس
novel	رمان، داستان بلند	situation	موقعیت - وضعیت
observe	مشاهده کردن	skill	مهارت، فن
ourselves	خودمان	skillful	ماهر، استاد
over there	آنجا	slowly	به آرامی
pain	درد - ناراحتی، رنج	smoke	دود، استعمال دخانیات
painful	دردناک	smoking	سیگار کشیدن
painless	بی درد	solve	حل کردن

لغات مهم درس سوم پایه دهم (Lesson Three) *Key Words of Vision One*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
solution	راه حل	try	سعی، تلاش - امتحان کردن
speaker	گوینده	under	زیر
special	ویژه - خاص	unfortunately	بدبختانه، متأسفانه
state	حالت - استان	universe	جهان، دنیا
still	هنوز - آرام ، ساکت	university	دانشگاه
story	داستان	until	تا، تا اینکه
success	موفقیت، کامیابی	value	ارزش، بها، قیمت
successful	موفق، کامیاب	valuable	با ارزش
successfully	با موفقیت	wait	صبر کردن، منتظر ماندن
themselves	خودشان	weak	ضعیف - نحیف
think	فکر کردن	week	هفته
thinker	متفکر، اندیشمند	when	چه زمانی، کی - زمانیکه، هنگامیکه
thought	فکر، تفکر	while	در حالیکه، حال آنکه - هنگامیکه، در حین
Thousands of...	هزاران از...	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
together	با هم	yard	حیاط، محوطه - یارد (واحد طول)
translate	ترجمه کردن	yeah	بله، آری
translator	مترجم	yourself	خودت
translation	ترجمه	yourselves	خودتان

یادداشت:

Conversation (Student Book: Page 76)

Roya and Mahsa are leaving the library.

رؤیا و مهسا در حال ترک کردن کتابخانه هستند.

Roya: When I came in, you were reading a book. What was it?

رؤیا: وقتی من وارد شدم تو یک کتاب می خواندی ، چه بود؟

Mahsa: I was reading a book about famous Iranian scientists.

مهسا: من داشتم یک کتاب درمورد دانشمندان ایرانی می خواندم،

Roya: But such books are not very interesting.

رؤیا: اما چنین کتاب هایی خیلی جالب نیستند.

Mahsa: At first I had the same idea, believe me!

مهسا: ابتدا من هم همچین فکری داشتم باور کن.

Roya: Did you find it useful?

رؤیا: آیا آن را مفید یافتی؟

Mahsa: Oh yes. Actually I learned many interesting things about our scientists' lives.

مهسا: اووه بله در واقع من چیز های زیاد جالبی درمورد زندگی دانشمندانمان یاد گرفتم.

Roya: Like what?

رؤیا: مثل چی؟

Mahsa: For example Razi1 taught medicine to many young people while he was working in Ray Hospital. Or Nasireddin Toosi built Maragheh Observatory when he was studying the planets.

مهسا: برای مثال، رازی علم پزشکی را به بسیاری از افراد جوان، وقتی که در بیمارستان شهر "ری" کار می کرد ، آموزش داد. یا نصیرالدین توسی رصدخانه ی شهر "مراغه" را هنگامی که بر روی سیاره ها مطالعه می کرد، ساخت.

Roya: Cool! What was the name of the book?

رؤیا: عالیه، اسم کتاب چه بود؟

Mahsa: Famous Iranian Scientists.

مهسا: دانشمندان معروف ایرانی.

Human knowledge develops with scientists' hard work. Many great men and women try hard to find facts, solve problems and invent things.

دانش بشری با سخت کوشی دانشمندان توسعه می یابد. بسیاری از زنان و مردان بزرگ برای پیدا کردن حقایق، حل کردن مسائل و اختراع وسایل، سخت تلاش می کنند.

Some of these scientists did not have easy lives. But they tried hard when they were working on problems. They never felt weak when they were studying. They never gave up when they were doing research.

بسیاری از این دانشمندان زندگی راحتی نداشتند. اما هنگامی که بر روی مسائل کار می کردند، سخت تلاش کردند. آنها هرگز زمانی که مطالعه می کردند احساس ضعف نمی کردند. آنها هرگز هنگامی که در حال انجام دادن تحقیقات بودند، تسلیم نمیشدند.

There are great stories about scientists and their lives. One such a story is about Thomas Edison. As a young boy, Edison was very interested in science. He was very energetic and always asked questions. Sadly, young Edison lost his hearing at the age of 12. He did not attend school and learned science by reading books in the library himself.

داستان های بزرگی در مورد دانشمندان و زندگی آنها وجود دارد. یکی از این داستان ها در مورد توماس ادیسون است. به عنوان یک پسر جوان، ادیسون به علوم بسیار علاقه مند بود. او بسیار پرانرژی بود و همیشه سوال هایی میپرسید. متأسفانه ادیسون جوان شنوایی اش را در سن دوازده سالگی از دست داد. او در مدرسه حضور نیافت و علوم را خودش با خواندن کتاب در کتابخانه یاد گرفت.

When he grew up he worked in different places, but he never lost his interest for making things. Edison was famous for doing thousands of experiments to find answers to problems. He said, "I never quit until I get what I'm after".

وقتی بزرگ شد، او در مکان های مختلف کار کرد. اما او هرگز علاقه اش را برای درست کردن وسایل از دست نداد. ادیسون برای انجام دادن هزاران آزمایش برای پیدا کردن جواب مسائل معروف بود. او میگفت: من هرگز تسلیم نمیشم تا زمانی که به آنچه دنبالش هستم، برسم.

Edison had more than 1,000 inventions and was very successful at the end of his life. Many great names had stories like this.

ادیسون بیش از هزار اختراع داشت و در پایان زندگی اش بسیار موفق بود. بسیاری از بزرگان داستان هایی اینچنین دارند.

But the key to their success is their hard work and belief in themselves. If you want to get what you want, work hard and never give up.

اما کلید موفقیت شان، سخت کوشی و ایمان داشتن به خودشان است. اگر می خواهی به آنچه می خواهی برسی، سخت تلاش کن و هرگز تسلیم نشو.

گرامر درس سوم

Past Continuous Tense زمان گذشته استمراری

از این زمان برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار گرفته باشد، استفاده میشود.

ساختار جملات مثبت زمان گذشته استمراری:

فاعل	افعال کمکی was / were	شکل ing دار فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	------------------------------	------------------------	-------	----------	----------	----------

فعل کمکی "**was**" برای فاعلهای مفرد و فعل کمکی "**were**" برای فاعلهای جمع و مخاطب بکار میرود.

I was working	من در حال کار کردن بودم	We were working	ما در حال کار کردن بودیم
You were working	تو در حال کار کردن بودی	You were working	شما در حال کار کردن بودید
He was working	او در حال کار کردن بود (مذکر)	They were working	آنها در حال کار کردن بودند
She was working	او در حال کار کردن بود (مؤنث)		
It was working	او در حال کار کردن بود (غیرانسان)		

"او دیروز از ساعت ۶ تا ۸ مشغول تماشای یک فیلم بود." He **was watching** a movie yesterday from 6 to 8.

"سال گذشته همین موقع ما داشتیم از برزیل دیدن میکردیم." This time last year we **were visiting** Brazil.

سؤالی و منفی کردن زمان گذشته استمراری: برای سؤالی کردن این زمان تنها کافیسست که (**was/were**) را به ابتدای جمله بیآوریم و برای منفی کردن بعد از این افعال کمکی، قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن یعنی **n't** را بلافاصله بعد آنها اضافه کنیم:

Were you watching television at 10 o'clock last night?

"آیا در ساعت ده دیشب مشغول تماشای تلویزیون بودی؟"

او دیروز ساعت ده مشغول مطالعه کردن نبود. He **wasn't studying** at 8 o'clock yesterday.

مهمترین کاربردهای زمان گذشته استمراری (کاربردها خیلی شبیه هم هستند!!!):

(۱) برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته انجام شده و برای مدتی ادامه داشته است. (زمان دقیق شروع و پایان مشخص نیست)

"دیروز این موقع داشتم با دوستم حرف می زدم." I **was talking** to my friend at this time yesterday.

(۲) برای اشاره به عملی که در گذشته در حال انجام شدن بوده است و در این بین عمل دیگری اتفاق افتاده باشد.

She **was cleaning** her room **when** somebody **knocked** at the door.

"او داشت اتاقش را تمیز می کرد که یک نفر در زد."

(۳) برای بیان کاری است که در یک زمان مشخص در حال انجام بوده است ولی تمام شدن آن را در آن لحظه بیان نمیشود:

We **heard** a horrible noise outside **while** we **were shopping**.

"موقعی که داشتیم خرید می کردیم، صدای مهیبی را از بیرون شنیدیم."

(۴) برای اشاره به عملی ناتمام در گذشته که پایان آن ذکر نشده باشد:

"من در طی پرواز یک فیلم خوبی را تماشا میکردم." I **was watching** a good movie during my flight.

When we arrived in London, the sun **was shinin**. "هنگامیکه به لندن رسیدم، خورشید در حال درخشیدن بود."

نتیجه گیری مهم: زمان گذشته استمراری اکثراً با جمله های زمان "گذشته ساده" ترکیب میشود تا نشان دهد که در خلال انجام کاری در گذشته، یک عمل کوتاه و لحظه ای انجام گرفته است. در این حالت جمله ی گذشته استمراری نقش پس زمینه، برای جمله زمان گذشته ساده را بازی میکند. فعل استفاده شده در عباراتی که با **when** می آید، معمولاً "گذشته ساده" و با **while** معمولاً **گذشته استمراری** به کار می رود.

"داشتم تنیس بازی می کردم که دوستم زنگ زد." **When** my friend **phoned** me, I **was playing** tennis.

"موقعی که داشتم تنیس بازی می کردم، دوستم تلفن زد." **While** I **was playing** tennis, my friend **phoned** me.

نکته ۱: به جای **while** میتوان در ساختار بالا از **as** هم استفاده کرد:

"هنگامیکه آنها خواب بودند، پدرشان به خانه برگشت." **As** they **were sleeping**, their father **came** home

نکته ۲: چنانچه دو عمل در گذشته هر دو به صورت همزمان در حال انجام گرفتن باشند، هر دو طرفین کلمه ربط **while** و یا **as** به صورت زمان **گذشته استمراری** بیان میشوند.

They ----- to the radio **while** their mother ----- them their breakfast.

a) were listening / was preparing

b) were listening / prepared

c) listened / was preparing

d) listened / prepared

"آنها در حال گوش دادن به رادیو بودند در حالیکه مادرشان مشغول آماده کردن صبحانه بود."

جواب این تست با توجه به نکته شماره دو، یعنی دو عمل که به طور موازی در حال انجام گرفتن بوده اند، گزینه **a** خواهد بود.

While my mother **was cooking** dinner at the kitchen, I **was studying** my lessons.

"در حالیکه مادرم در آشپزخانه مشغول پختن شام بود، من در حال مطالعه کردن درسهایم بودم."

نکته ۳: برای بیان عملی که در گذشته چندین بار تکرار شده باشد از زمان گذشته ساده استفاده میکنیم:

Mr. Kazemi **went** to Paris five times last year. "سال گذشته آقای کاظمی ۵ بار به پاریس رفت."

دانش آموزان عزیز لطفاً سعی کنید فرمولهای مهم زیر را حفظ کنید:

گذشته استمراری , گذشته ساده When
گذشته ساده when گذشته استمراری
گذشته ساده , گذشته استمراری While
گذشته استمراری While گذشته ساده

ضمایر انعکاسی و تأکیدی:

ضمایر انعکاسی و تأکیدی مفرد		ضمایر انعکاسی و تأکیدی جمع	
myself	خودم، خود را	ourselves	خودمان، خودمان را
yourself	خودت، خودت را	yourselves	خودتان، خودتان را
himself	خودش، خودش را	themselves	خودشان، خودشان را
herself	خودش، خودش را		
itself	خودش، خودش را		

۱- ضمایر تأکیدی: "Emphatic Pronouns":

از این ضمایر برای تأکید بر انجام کار توسط فاعل استفاده میشوند. بدین معنی که تأکید میشود که شخص یا اشخاص خودشان فعل جمله را انجام داده اند نه شخص یا افراد دیگر. این ضمایر باید با فاعل جمله از نظر مفرد و جمع، مذکر و مؤنث و... مطابقت داشته باشند.

محل ضمایر تأکیدی در جمله:

الف) بعد از فاعل: "They themselves cleaned the room. " آنها خودشان اتاق را تمیز کردند. "
 ضمایر تأکیدی فاعل

ب) بعد از مفعول: "They cleaned the room themselves. "
 ضمایر تأکیدی مفعول فعل فاعل

نکته ۱: چنانچه جمله ای با **let's** شروع شده باشد، ضمیر تأکیدی آن جمله "**ourselves**" خواهد بود.

"Let's clean these rooms ourselves. " بیا خودمان اتاقها را تمیز کنیم. "

نکته ۲: حرف اضافه "**by**" قبل از ضمایر تأکیدی به معنی "**به تنهایی**" خواهد بود که در این حالت این حرف اضافه برای تأکید بیشتر بکار برده میشود.

"She washed all the dishes **by** herself. " او خودش به تنهایی همه ظرفها را شست. "

"If you can't do this exercise **by** yourself, ask the teacher for help. "
 "اگه خودت به تنهایی نمیتوانی این تمرین را انجام بدی از معلم درخواست کمک کن. "

۲- ضمایر انعکاسی "Reflexive Pronouns":

اگر در جمله ای فاعل و مفعول یکی باشند یا به عبارت دیگر، چنانچه فاعل کار جمله را روی خودش یا برای خودش انجام دهد، به جای ضمیر مفعولی از ضمیر انعکاسی استفاده میکنیم: در این حالت محل این ضمایر در جمله "**بعد از فعل اصلی**" جمله و در نقش "**مفعول**" خواهد بود:

"I saw myself in the mirror. " من خودم را در آینه دیدم. "
 ضمایر انعکاسی فعل فاعل

"He is cooking himself a good meal. " او داره برای خودش یک غذای خوب میپزه. "
 ضمایر انعکاسی فعل فاعل

"Mina made herself a dress. " مینا برای خودش یک لباس دوخت. "
 ضمایر انعکاسی فعل فاعل

نکته ۳: در حالت انعکاسی مفهوم (برای) وجود دارد و نمی توان ضمیر انعکاسی را از جمله حذف کرد (چون این نوع از ضمیر جانشین مفعول جمله میشوند و مفعول جزء اجزای اصلی جمله به حساب میآید). ولی ضمیر تأکیدی را می توان از جمله حذف کرد و خللی در مفهوم جمله به وجود نمی آید چون فقط برای تأکید در جمله میآیند.

They **themselves** cleaned the room. "آنها **خودشان** اتاق را تمیز کردند."

نکته ۴ (زبان تخصصی): حروف اضافه مربوط به مکان برای نشان دادن مکان یا همراهی به کار میروند. در این حالت، کاری بر روی مفعولی که بعدشان آمده، روی نمیگیرد. به همین خاطر، نیازی به استفاده از ضمیر انعکاسی نیست، چون بعد از حروف اضافه، ضمیر به صورت مفعولی بکار برده میروند. (هر چند که در زبان فارسی، معمولاً از ضمیر انعکاسی استفاده میکنیم).

They divided the money **among them**. (NOT: the money among themselves.)
ضمیر مفعولی "آنها پول را بین خودشان پخش کردند."

She didn't take her bag **with her**. (NOT: take her bag with herself.)
ضمیر مفعولی "او کیفش را با خودش نبرد."

Please close the door **after you**. (NOT: close the door after yourself.)
ضمیر مفعولی "لطفاً در را پشت سر خودت ببند."

نکته ۵ (زبان تخصصی): بعد از افعال **enjoy** و **make** ، **help** در ترکیب با ضمیر انعکاسی، سه اصلاحات مهم زیر ساخته میشوند:

I really enjoy **myself** at the party yesterday. "دیروز در مهمانی بهم واقعاً خوش گذشت."

Please help **yourself** with sandwiches. "لطفاً با ساندویچ از خودتان پذیرایی کنید."

Please make **yourself** at home. "لطفاً اینجا را خانه ی خودت بدان."

نکته ۶ (زبان تخصصی): مواظب تفاوت کاربرد **each other** و **one another** (همدیگر، یکدیگر) با ضمیر انعکاسی باشید.

Jack and John write to **each other** / **one another** every week.
"جک و جان هر هفته به همدیگر نامه مینویسند."

بیادداشت

تعریف فعل: فعل عملی یا حالتی است که از فاعل بر روی مفعول روی میدهد.

در زبان انگلیسی، افعال به دو گروه کنشی (action verbs) و حالتی (state verbs) تقسیم می‌شوند.

افعال کنشی (action verbs): افعال کنشی یا حرکتی، وظیفه توصیف یک عمل را برعهده دارند. این افعال بیانگر عملی هستند که انجام می‌دهیم یا اتفاقی که واقع می‌شوند و می‌توانند در زمانهای مختلف همچون زمانهای ساده و زمانهای استمراری بکار برد. (یعنی میتوانند ing بگیرند):

She **watches** TV every night. (زمان حال ساده)

She **is watching** a good movie at the moment. (زمان حال استمراری)

I **wrote** a letter to my boss three days ago. (زمان گذشته ساده)

I **was writing** a letter last night when the phone rang. (زمان گذشته استمراری)

افعال حالتی (state verbs): این گروه از افعال غالباً بر وجود داشتن حالتی دلالت دارند نه اینکه به انجام کار یا عمل پردازند. این فعلها معمولاً به عواطف، تفکرات، احساسات، هوش و ادراک و مالکیت دلالت داشته و در کل به افعالی ابلاغ میشود که بدون حرکت و عمل باشند. این افعال در زمانهای استمراری بکار برده نمیشوند (یعنی ing نمیگیرند):

They **own** a big house.

"آنها خانه بزرگی دارند."

(**NOT:** They **are owning** a big house.)

"آنها در حال داشتن خانه بزرگی هستند."

دسته بندی افعال حالتی: افعال حالتی عموماً چهار گونه هستند:

۱- افعالی که افکار و عقاید و حالت‌های ذهنی را نشان میدهند:

recognize	تشخیص دادن	understand	فهمیدن	believe	باور داشتن
forget	فراموش کردن	imagine	تصور کردن	remember	به یاد آوردن
mean	منظور داشتن	notice	توجه کردن	know	شناختن

۲- افعالی که مالکیت و داشتن را نشان میدهند:

possess	دارا بودن	belong	متعلق بودن	own	دارا بودن
have	داشتن	contain	شامل بودن	consist	شامل بودن
include	شامل بودن	depend on	وابسته بودن	owe	بدهکار بودن

۳- افعال ربطی و حسی:

appear	شدن	look	به نظر رسیدن	seem	به نظر رسیدن
get	شدن	grow	شدن	become	شدن
go	شدن	feel	احساس کردن	be	بودن
taste	مزه دادن	stay	ماندن	remain	ماندن
sound	به نظر رسیدن	turn	شدن	smell	بو دادن
keep	نگه داشتن	hear	شنیدن	see	فهمیدن

۴- افعالی که احساسات و عواطف را نشان میدهد:

need	نیاز داشتن	love	دوست داشتن	wish	آرزو کردن
want	خواستن	mind	اهمیت دادن	doubt	شک داشتن
hate	متنفر بودن	hope	امیدوار بودن	like	دوست داشتن

تفاوت افعال کنشی و حالتی:

مهمترین تفاوت افعال کنشی و حالتی این است که افعال کنشی را می‌توان به صورت استمراری بکار برد، (یعنی **ing** میگیرند) ولی افعال حالتی را نمی‌توان در حالت استمراری استفاده کرد. (یعنی **ing** نمیگیرند.)

I am reading a book. "من در حال خواندن یک کتاب هستم."
این جمله صحیح است؛ زیرا **read** یک فعل کنشی است و به درستی در حالت استمراری بکار رفته است.

I **need** a new phone. "من به یک موبایل جدید نیاز دارم."
(**NOT**: I am ~~needing~~ a new phone.) "من در حال نیاز داشتن به یک موبایل جدید هستم."

جمله فوق اشتباه است؛ زیرا **need** یک فعل حالتی است که نباید به شکل استمراری بکار رود.

نکته ای مربوط به کنکور منحصراً زبان:

برخی از افعال هم میتوانند فعل حالت باشند و هم فعل کنشی. که در این دو حالت معانی آنها با هم متفاوت خواهد بود:

فعل	معنای حالتی (ing نمیگیرند)	معنای کنشی (ing میگیرد)
appear	به نظر رسیدن	ظاهر شدن
look	به نظر رسیدن	نگاه کردن (به)
taste	مزه داشتن	چشیدن
smell	بو داشتن	بوئیدن
turn	شدن	چرخیدن
go	شدن	رفتن
grow	شدن	رشد کردن
see	فهمیدن	دیدن
have	داشتن	خوردن
think	باور داشتن	فکر کردن
feel	عقیده داشتن	لمس کردن
weigh	وزن داشتن	وزن کردن

یادداشت:

۲۰ تست گرامر آموزشی و دستگرمی درس سه *Grammar Tests (Lesson 3)*

1. While I ----- yesterday, my brother called.
a) am going to study b) was studying c) studied d) study
2. When I ----- my hand, the teacher was talking.
a) am going to rise b) was raising c) raised d) raise
3. A tree fell on my father's car while he ----- home yesterday.
a) is going to drive b) was driving c) drove d) drive
4. We were having dinner at the restaurant when we ----- an old friend.
a) saw b) see c) were seeing d) are going to see
5. My little sister ate some chocolate while she ----- to school yesterday.
a) is going to walk b) was walking c) walked d) walk
6. When Mr. Saeedi ----- on the radio in his car, he was driving home.
a) turn b) turned c) was turning d) is going to turn
7. While he was swimming in the river, he ----- a big black fish.
a) saw b) see c) was seeing d) am going to see
8. Narin was watching a movie about Newton when I ----- in.
a) come b) came c) was coming d) am going to come
9. While Zahra was walking along the street, she ----- a noise behind her.
a) was hearing b) is going to hear c) heard d) hear
10. Raman ----- television at 8 o'clock yesterday when we -----.
a) was watching-arrived b) watched-arrived
c) was watching-were arriving d) watched-were arriving
11. The sun was shining at the sky ----- they went out for a walk.
a) as b) while c) when d) so
12. Their father arrived home ----- they were arguing loudly.
a) when b) because c) while d) so

13. Let's clean all the building ----- . It's important to help others.
a) by myself b) yourselves c) themselves d) ourselves
14. Sara and Mina made the house tidy by ----- .
a) ourselves b) yourselves c) themselves d) herself
15. Maryam and I washed all the dishes ----- last night.
a) herself b) ourselves c) myself d) themselves
16. Pari's father is going to repair his car ----- next week.
a) herself b) himself c) ourselves d) myself
17. Every morning my little brother wash his face and brash his teeth by ----- .
a) yourself b) herself c) myself d) himself
18. If you and your classmates can't do this exercise by ----- , ask the teacher for help.
a) yourselves b) himself c) herself d) yourself

19. I really ----- some new clothes for next winter.
a) need b) needed c) am needing d) was needing
20. That boy who was standing next to your brother ----- very tired.
a) was looking b) looked c) is looking d) looks

پاسخنامه تست‌های آموزشی و دستگرمی گرامر درس سوم (پایه دهم):

شیوه کلی حل تست‌های گرامر: عموماً برای حل تست‌های گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (b) چنانچه یک عملی در گذشته در حال انجام گرفتن بوده و عمل دیگر در خلال آن روی دهد از ساختار زیر استفاده میکنیم:
گذشته ساده , گذشته استمراری **While**
ترجمه: "دیروز در حالی که مشغول مطالعه کردن بودم، برادرم زنگ زد."
- ۲- (c) چنانچه عملی در زمان گذشته عملی دیگر را که در حال انجام گرفتن بوده است را قطع کند، از ساختار زیر استفاده میکنیم:
گذشته ساده استمراری , گذشته ساده **When**
ترجمه: "زمانیکه دستم را بالا بردم، معلم در حال صحبت کردن بود."
- ۳- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته استمراری **while** گذشته ساده
ترجمه: "درختی بر روی ماشین پدرم افتاد، درحالی که به سمت منزل در حال رانندگی کردن بود."
- ۴- (a) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "ما مشغول خوردن شام در رستوران بودیم زمانیکه یکی از دوستان قدیمیم را دیدم."
- ۵- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته استمراری **while** گذشته ساده
ترجمه: "دیروز خواهر کوچیکم مقداری شکلات خورد در حالی که پیاده به مدرسه میرفتیم."
- ۶- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته استمراری **when** گذشته ساده
ترجمه: "زمانیکه آقای سعیدی رادیو را در ماشینش روشن کرد، در حال رانندگی کردن به سمت خانه بود."
- ۷- (a) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته ساده , گذشته استمراری **While**
ترجمه: "در حالیکه او مشغول شنا کردن در رودخانه بود، یک ماهی بزرگی را دید."
- ۸- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "نارین مشغول تماشای یک فیلم سینمایی در مورد نیوتن بود زمانیکه من وارد شدم."
- ۹- (c) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته ساده , گذشته استمراری **While**
ترجمه: "در حالیکه زهرا در امتداد خیابان در حال قدم زدن بود، صدایی را در پشت سرش شنید."
- ۱۰- (a) رجوع به توضیحات سؤال ۲:
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "رامان مشغول تماشای تلویزیون بود زمانیکه ما وارد شدیم."
- ۱۱- (c) برای توصیف شرایط و اوضاع در زمان گذشته از زمان گذشته استمراری استفاده میکنیم و عملی که در خلال آن روی میدهد، زمان گذشته ساده خواهد بود.
گذشته ساده **when** گذشته استمراری
ترجمه: "زمانیکه آنها برای پیاده روی به بیرون رفتند، خورشید در آسمان در حال درخشیدن بود."
- ۱۲- (c) رجوع به توضیحات سؤال ۱:
گذشته استمراری **while** گذشته ساده
ترجمه: "در حالیکه آنها مشغول جر و بحث کردن بودند، پدرشان به خانه وارد شد."

- **۱۳ - (d)** چنانچه جمله ای با let's شروع شده باشد، ضمیر تأکیدی آن جمله *ourselves* خواهد بود. ترجمه: "بیا خودمان همه ساختمان را تمیز کنیم. مهمه که به همدیگر کمک کنیم."
- **۱۴ - (c)** ضمیر تأکیدی برای (Sara and Mina) *themselves* یعنی "خودشان" خواهد بود. ترجمه: "سارا و مینا خودشان به تنهایی خانه را مرتب کردند."
- **۱۵ - (b)** ضمیر تأکیدی برای (Maryam and I) *ourselves* یعنی "خودمان" خواهد بود. ترجمه: "شب گذشته من و مریم همه طرفها را خودمان شستیم."
- **۱۶ - (b)** ضمیر تأکیدی برای (Pari's father) *himself* یعنی "خودش" خواهد بود. (منظور پدر پری است نه خود پری!!!!) ترجمه: "پدر پری قصد دارد که خودش هفته آینده ماشینش را تعمیر کند."
- **۱۷ - (d)** ضمیر تأکیدی برای (my little brother) *himself* یعنی "خودش" خواهد بود. (برادر کوچک من) ترجمه: "برادر کوچک من هر روز صبح خودش به تنهایی صورتش را می شوید و دندانهایش را مسواک میکند."
- **۱۸ - (a)** ضمیر تأکیدی برای (you and your classmates) *yourselves* یعنی "خودتان" خواهد بود. (تو و همکلاسیهایت) ترجمه: "اگه تو و همکلاسی هایت نمیتوانید خودتان به تنهایی این تمرین را انجام دهید از معلم در خواست کمک کنید."
- **۱۹ - (a)** گزینه های این تست، حالتهای مختلف فعل *need* میباشد. این فعل، یک فعل حالتی بوده پس حالت استمراری ندارد و *ing* نمیگیرد. (حذف گزینه های *ing* و *ed*). گزینه *b* در زمان گذشته بوده و نادرست میباشد. ترجمه: " من واقعاً به لباسهایی جدید برای زمستان آینده نیاز دارم."
- **۲۰ - (b)** گزینه های این تست، حالتهای مختلف فعل *look* به معنی "به نظر رسیدن" میباشد. این فعل، با این معنی، یک فعل حالتی بوده پس حالت استمراری ندارد و *ing* نمیگیرد. (حذف گزینه های *ed*). گزینه *d* در زمان حال بوده و نادرست میباشد. ترجمه: " اون پسری که نزدیک برادرت ایستاده است، به نظر خسته میرسد."

یادداشت:

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing notes.

Lesson Four:

“Traveling the World”

سفر در دنیا

Say: Travel through the Earth and see how Allah did originate creation.
“ Al-Ankabut 20”

بگو: در زمین به سیر و سیاحت بپردازید و در خلقت موجودات و اشیاء تفکر کنید و بنگرید که خداوند چگونه خلقت را آغاز نموده است.
"سوره عنكبوت ، آیه ۲۰"

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Lesson Four) Key Words of Vision One

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
across	در امتداد - از وسط	cultural	فرهنگی
add	اضافه کردن	culture	فرهنگ
adverb	قید، عبارت قیدی	desert	بیابان - ترک کردن
air	هوا	destination	مقصد - سرنوشت، تقدیر
air ticket	بلیط هوایی	distance	فاصله - مسافت
ancient	باستانی، قدیمی	distant	دور، دور دست
arrive	وارد شدن - رسیدن	domestic	داخلی - اهلی، خانگی
a set of	یک مجموعه از	dress	لباس زنانه - به تن کردن
attract	جذب کردن، جلب کردن	education	آموزش - تحصیل
attraction	جاذبه	educated	با سواد، تحصیل کرده
attractive	جذاب	Egypt	کشور مصر
author	نویسنده	Egyptian	مصری - اهل کشور مصر
baggage	وسایل سفر - چمدان	embassy	سفارت، سفارتخانه
behavior	رفتار	emphasis	تأکید
be located	واقع شده	emphases	تأکید کردن
billion	میلیارد	entertainment	سرگرمی
boat	قایق	especially	مخصوصاً، به ویژه
booklet	دفترچه، کتابچه، جزوه	exactly	دقیقاً
bravely	شجاعانه - دلیرانه	experienced	با تجربه
bravery	شجاعت، دلیری	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن
burning	در حال سوختن	familiar	آشنا
camel	شتر	feed	غذا دادن به
carelessly	با بی دقتی	feel	احساس کردن
ceremony	جشن	find (found)	پیدا کردن - یافتن
Chile	کشور شیلی	finish	پایان دادن
choice	انتخاب	flight	پرواز
choose	انتخاب کردن	foreign (adj)	خارجی، بیگانه - نامناسب، ناجور
come back	برگشتن	foreigner (n)	بیگانه، اجنبی، غریبه، خارجی
comfortable	راحت، آسوده	forget	فراموش کردن
considering	با توجه به - با در نظر گرفتن	forgetful	فراموشی
continent	قاره	four - season	چهار فصل
contrast	مقایسه کردن - سنجیدن	garden	باغ، باغچه
contrastive	متضاد گونه - دارای تضاد، مقایسه ای	generous	سخاوتمند، بخشنده
cruel	ظالم، ستمگر	guess	حس زدن
cruelly	ظالمانه، بی رحمانه	guest	مهمان - مهمان کردن، مسکن گزیدن
cruelty	بی رحمی، ظلم، ستم، بیداد	historical	تاریخی

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Lesson Four) Key Words of Vision One

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
hit	زدن - ضربه زدن	north	شمال
holiday	تعطیلی	obligation	اجبار
holy	مقدس، پاک	offline	خارج از خط (اینترنت)
home - made	خانگی	organization	سازمان
honest	صادق، درستکار	own	مال خود - صاحب بودن، داشتن
honestly	صادقانه	page	صفحه، برگ
hospitable	مهمان نواز	paradise	بهشت
host	میزبان، صاحب خانه - مجری	passport	پاسپورت، گذر نامه، اجاه مسافرت
illness	بیماری، ناخوشی	patiently	صبورانه - با شکیبایی
image	تصور، تصویر، عکس	phrase	عبارت
in fact	در حقیقت	pilgrim	زائر، مسافر (مذهبی)
in front of	روبروی، در جلوی	point	نکته - نقطه - امتیاز، نمره
inside	داخل	poor	فقیر - بیچاره
international	بین المللی	popular	محبوب، پر طرفدار
journey	سفر، مسافرت، سیاحت	popularity	محبوبیت
junk food	غذای بی ارزش، هله هوله	possibility	امکان - احتمال
Korean	کره ای، اهل کشور کره	possibly	شاید، احتمالاً
language	زبان (فارسی، انگلیسی و...)	prefer	ترجیح دادن
learn about	مطلع شدن درباره، یادگرفتن درباره	prepare	آماده کردن
lift	بلند کردن، بالا بردن - آسانسور	preposition	حرف اضافه
local	محلی، بومی	price	قیمت، بها، نرخ
loud	بلند (برای صدا)	prize	جایزه، پاداش
main	عمده، اصلی، اساسی	probable	ممکن، احتمالی
mainly	عمدتاً، اساساً	probably	احتمالاً، شاید
manner	حالت، شیوه، روش	pyramid	هرم
may	ممکن بودن، احتمال داشتن	range	حدود، محدوده، دسته، طیف
meal	وعده غذایی	ready	آماده، مهیا، حاضر
means	وسیله، ابزار	relating to	مربوط به، در ارتباط با
member	عضو	relation	رابطه، ارتباط
might	احتمال، ممکن بودن	respect	احترام، احترام گذاشتن
ministry	وزارت	respected	محترم، آبرومند
mostly	عمدتاً، اساساً	rest	استراحت کردن - بقیه (با حرف تعریف the)
most often	غالباً - اکثراً	risk	خطر، ریسک، خطر کردن
neatly	به طور مرتب - آراسته	road	جاده - خیابان
next to	کنار، نزدیک	role	نقش، وظیفه - بخش - طومار
nobody = no one	هیچ کسی	rule	قاعده، قانون

لغات مهم درس چهارم پایه دهم (Lesson Four) Key Words of Vision One

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
safe	ایمن، بی خطر	take time	زمان بردن، طول کشیدن
save	نجات دادن، ذخیره کردن	tour	سفر تفریحی، گردش، اردو
search	جستجو کردن	tourist	گردشگر، توریست
seem	به نظر رسیدن	tourism	گردشگری، توریسم
sell (sold)	فروختن	town	شهر، شهرک
shrine	آرامگاه - مرقد	travel	سفر، مسافرت
should	باید، بهتره	travel agency	آژانس مسافرتی
similar	مشابه، مانند	travel agent	صاحب آژانس مسافرتی
sick	بیمار، مریض	traveler	مسافر
smoke	دود - سیگار کشیدن	tradition	سنت، آئین، رسم
solve	حل کردن	traditional	سنتی، قدیمی
south	جنوب	transportation	حمل و نقل
souvenir	سوغاتی، یادگاری	understand	فهمیدن، درک کردن
speed	سرعت - سبقت گرفتن	vacation	تعطیلی
spend spent)	خرج کردن - سپری کردن	vegetables	سبزیجات
stand	ایستادن	wake up	از خواب بیدار شدن
station	ایستگاه	wall	دیوار
stick	چسپیدن، چسپاندن	war	جنگ، درگیری، نزاع
suggest	پیشنهاد دادن	well	خوب، به خوبی - چاه، چاله، چشمه
suggestion	پیشنهاد	waste	هدر دادن، تلف کردن - آشغال، زباله
suitable	مناسب، شایسته	wide	گسترده، وسیع، عریض
suitably	به طور مناسب	wind	باد
sunset	غروب آفتاب	windy	طوفانی، بادی
sunrise	طلوع آفتاب	winter	زمستان

یادداشت:

Conversation (Student Book Page 102)

“Diego” is a Spanish tourist who is planning for his summer vacation. He is talking to “Carlos Sabato”, a travel agent in Madrid.

"دیگو" یک گردشگر اسپانیایی است که داره برای تعطیلات تابستانی برنامه ریزی میکنه و در حال صحبت کردن با "کارلوس ساباتو" میباشه که صاحب یک آژانس مسافرتی در شهر "مادرید" است.

Diego: Excuse me, sir! I am planning for my summer vacation.

دیگو: ببخشید آقا من در حال برنامه ریزی کردن برای تعطیلات تابستانم هستم.

Carlos: How can I help you?

کارلوس: چطور میتونم کمکت کنم؟

Diego: Actually, I want to visit Asia, but I am not sure about my destination. Do you have any suggestion?

دیگو: در واقع من میخوام از قاره آسیا بازدید کنم ، اما درباره مقصد مطمئن نیستم آیا هیچ پیشنهادی دارید؟

Carlos: Well, you may have some choices. You can visit China. It's famous for the Great Wall.

کارلوس: بله تو احتمالا چند انتخاب داشته باشی، میتونی از کشور "چین" بازدید کنی که به "دیوار بزرگش" معروف است.

Diego: Yes, but I was in Beijing two years ago.

دیگو: بله اما من دو سال پیش در شهر "پکن" بودم.

Carlos: What about India? In fact, the Taj Mahal is a popular destination, but it is hot in summer. Probably Iran is the best choice.

کارلوس: هند چطوره؟ در واقع تاج محل یک مقصد پر طرفداریه اما در تابستان گرم است. شاید ایران بهترین انتخاب باشه.

Diego: I heard Iran is a great and beautiful country, but I don't know much about it.

دیگو: من شنیده ام ایران یک کشور بزرگ و زیبا است. اما من زیاد در موردش نمی دانم.

Carlos: Well, Iran is a four-season country. It has many historical sites and amazing nature. Also, its people are very kind and hospitable.

کارلوس: خوب. ایران یک کشور چهار فصل است که مکان های تاریخی و طبیعت جذاب و شگفت انگیز داشته و همچنین مردمش بسیار مهربان و مهمان نواز اند.

Diego: It seems a suitable choice. But how can I get more information about Iran?

دیگو: به نظر می آید انتخاب مناسبی باشد. اما من چطور می توانم در مورد ایران اطلاعات بیشتری کسب کنم؟

Carlos: You can check this booklet or may see our website.

کارلوس: تو می توانی این کتابچه راهنما را بررسی کنی یا میتوانی از وبسایت ما دیدن نمایی.

Every year, about one billion tourists travel around the world. Tourism is traveling for entertainment, health, sport or learning about the culture of a nation. Tourism can be domestic or international. Domestic tourists travel to different parts of their own country. International tourists travel abroad.

هر ساله حدود یک میلیارد توریست به دور دنیا مسافرت میکند. توریست ها برای سرگرمی، سلامتی و ورزش یا برای یاد گیری فرهنگ یک ملت، مسافرت میکنند. گردشگری میتواند داخلی یا بین المللی باشد. توریست های بومی به مکان های مختلف کشورشان مسافرت می کنند. توریست های بین المللی به خارج از کشور مسافرت می کنند.

Some countries attract a lot of tourists every year. Egypt is one of the oldest countries of Africa. It is famous for its wonderful pyramids.

تعدادی از کشور ها همه ساله توریست های زیادی را جذب می کنند. مصر یکی از قدیمی ترین کشور های آفریقا است که به خاطر هرم های شگفت انگیزش معروف است.

France, Italy and Spain are three beautiful European countries. They attract many tourists from other parts of the world. Brazil, Peru and Chile are in South America. They are famous for their ancient history and amazing nature.

فرانسه ایتالیا و اسپانیا سه کشور زیبای اروپایی هستند. آنها گردشگر های زیادی را از جاهای مختلف دنیا جذب میکنند. برزیل، پرو و شیلی در آمریکای جنوبی هستند. آنها برای تاریخ باستانی و طبیعت جذاب و شگفت انگیزشان معروف هستند.

In Asia, Iran is a great destination for tourists. This beautiful country is a true paradise for people of the world. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's attractions. Iran is a four- season country and tourists can find a range of activities from skiing to desert touring in different parts of the country. Many Muslims also travel to Iran and go to holy shrines in Mashhad, Qom and Shiraz. Iranian people are hospitable and kind to travelers and tourists.

در آسیا ایران یک مقصد خوب و عالی برای توریست ها هست. این کشور زیبا برای مردم جهان درست مثل بهشت واقعی است. هر ساله بسیاری از مردم نقاط مختلف دنیا از جاذبه های ایران دیدن میکنند. ایران یک کشور چهار فصل است و توریست ها می توانند طیفی از فعالیت ها از اسکی تا صحرا نوردی را در بخش های مختلف کشور پیدا کنند. بسیاری از مسلمانان به ایران مسافرت می کنند و به حرم های مقدس در مشهد، قم و شیراز می روند. مردم ایران با مسافران و توریست ها مهربان و مهمان نواز هستند.

گرامر درس چهارم:

افعال ناقص یا وجهی "Modals"

معنی	شکل سوم	شکل دوم	شکل اول
توانستن	-	could	can
ممکن بودن	-	might	may
باید، بهتره	-	-	should
باید	-	-	must
خواستن	-	would	will

این دسته از افعال تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند و خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد زیر میباشند:

(۱) این افعال هرگز علامت مصدری to ، ing استمرار، ed برای زمان گذشته و s سوم شخص مفرد نمیگیرند و همیشه در جمله بصورت "شکل ساده" (مصدر بدون to) بکار برده میشوند.

(۲) بعد از افعال ناقص، فعل همواره به صورت "شکل ساده" (مصدر بدون to) می آید.

(۳) افعال ناقص همانند افعال کمکی در جمله بکار میروند یعنی "ما بین فاعل و فعل اصلی" جمله میآیند.

(۴) هر گاه جمله ای داشته باشیم که در آن یک فعل ناقص بکار رفته باشد، برای سؤالی کردن آن جمله فعل ناقص را به قبل از فاعل انتقال میدهیم و برای منفی کردن بعد از آن فعل ناقص قید منفی ساز not و یا مخفف آن یعنی n't را اضافه میکنیم.

(۵) این افعال شکل سوم فعل (p.p.) ندارند.

موارد کاربرد فعل ناقص "Can" به معنی "توانستن":

الف- توانایی انجام کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

I can speak French.

"من میتوانم فرانسوی صحبت کنم."

She can swim well.

"او به خوبی میتواند شنا کند."

ب- درخواست و اجازه انجام کار یا عملی:

Can you help me lift this box?

"میتوانی بهم کمک کنی که این جعبه را بردارم."

You can stop work early today.

"تو میتوانی امروز کارت را زودتر متوقف کنی."

A: "Can I use your car?"

"میتوانم از ماشینت استفاده کنم؟"

نکته ۱: "be able to" به معنی "قادر بودن" برای توانایی انجام کار بکار می رود. در برخی موارد به جای "can" بکار می رود. بعد

از ساختار to be able to هم "شکل ساده فعل" میآید. در جمله be با توجه به زمان و نوع فاعل به شکلهای مختلف افعال to be

تغییر میکند. (در زمان حال به: am, is, are و در زمان گذشته به: was, were)

She can speak English well.

"او میتواند انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

She is able to speak English well.

"او قادر است که انگلیسی را به خوبی صحبت کند."

نکته ۲: شکل گذشته این فعل ناقص، **could** میباشد که توانایی انجام کار در گذشته را نشان میدهد.

When I was a child, I **could climb** the trees easily. "وقتیکه بچه بودم به راحتی از درختان بالا میرفتم."

شکل ساده فعل

موارد کاربرد فعل ناقص "May" به معنی "ممکن بودن":

الف- برای بیان احتمال کار یا عملی در زمان حال یا آینده:

It may **rain** tomorrow. "فردا احتمال داره باران بباره."

It may **be** late, so don't wait for me. "احتمالاً دیر بشه، پس منتظر من نشو."

ب- اجازه انجام کار یا عملی:

May I **use** your cellphone? "ممکنه از موبالیت استفاده کنم؟"

May I **leave** the classroom? "ممکنه کلاس را ترک کنم؟"

نکته ۱: شکل گذشته این فعل ناقص، **might** میباشد که احتمال انجام کار در گذشته را نشان میدهد. اگر این فعل ناقص در زمان حال بکار برده شود به نسبت **may** احتمال آن ضعیف تر خواهد بود.

موارد کاربرد فعل ناقص "Should" به معنی "باید" یا "بهبتره":

الف- برای بیان نصیحت، پیشنهاد، توصیه و بهتر بودن انجام کار یا عملی:

You look tired. You **should go** to bed. "به نظر خسته میرسی. بهتره بری بخوابی."

The government **should help** poor people. "حکومت باید به افراد فقیر کمک کند."

ب- برای بیان انجام وظیفه و مسئولیت:

You **should visit** your parents more than this. "تو بهتره بیشتر از این از والدینت دیدن کنی."

He **shouldn't waste** your money. "تو نباید پولت را هدر بدی."

نکته ۱ (زبان تخصصی): عبارت (**had better = 'd better**) موقعی استفاده می شود که فرد، چیزی را که مطلوب و دلخواه باشد را انجام ندهد، نتایج و تاثیرات منفی خواهد داشت. بعد از این فعل ناقص هم "شکل ساده فعل" بکار برده میشود.

It's five o'clock. I **had better go** now before the traffic gets too heavy.

شکل ساده فعل

"ساعت ۵ است. بهتره الان بروم تا قبل از اینکه ترافیک خیلی شدید بشود."

نکته ۲ (زبان تخصصی): کلمه (**ought to**) برای چیزی که مطلوب و ایده آل باشد، به ویژه در سبک رسمی انگلیسی بریتانیا بکار می رود. بعد از این فعل ناقص هم "شکل ساده فعل" بکار برده میشود.

We **ought to eat** lots of fruit and vegetables every day. "تو باید هر روزه میوه و سبزیجات زیادی بخوری."

شکل ساده فعل

موارد کاربرد فعل ناقص "Must" به معنی "باید":

الف - برای بیان الزام و ضرورت شدید شخصی:

"من باید لباسهای تازه بخرم. لباسهای من خیلی کهنه هستند." I **must buy** some new clothes. My clothes are so old.

ب - برای بیان استنباط و نتیجه گیری (احتمال خیلی زیاد):

"مری میبایستی مشکلی داشته باشه. همش داره گریه میکنه." Mary **must have** a problem. She keeps crying.

ج - در اطلاعیه های عمومی و علائم هشداردهنده که نشانگر قوانین، امر و نهی و می باشد.

You **must wash** your hands before returning to work.

"تو میبایستی دستهایت را قبل از برگشتن به سر کار بشوئی."

نکته ۱: برای الزام بیرونی (یعنی الزام از طرف بیرون) به جای (must) از (has to , have to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود. بعد از آنها هم همواره شکل ساده فعل می آید. در این حالت have و has به معنی "داشتن" یا "خوردن" نیستند. از has to برای فاعلهای سوم شخص مفرد و برای سایر فاعلها از have to استفاده میشود.

I **have to wear** formal clothes. I have a new job as a teacher.

"من مجبورم لباس رسمی بپوشم. من شغل جدیدی رو به عنوان یک معلم دارم."

You **have to pass** your exam or (وگرنه) the university will not accept you.

"تو مجبوری در امتحانات قبول بشی و گرنه دانشگاه تو را اخراج خواهد کرد."

نکته ۲: فعل ناقص must شکل گذشته ندارد و برای الزام و ضرورت به انجام کاری در گذشته از (had to) به معنی "مجبور بودن" استفاده می شود که اجبار در گذشته را نشان میدهد و شکل گذشته have to و has to میباشد.

The car broke down. We **had to get** a taxi. "ماشین خراب شد. ما مجبور شدیم تاکسی بگیریم."

When she got home, she **had to cook** dinner before everyone arrived.

"وقتی که او به خانه رسید، قبل از اینکه همه وارد شوند، مجبور بود شام بپزد."

نکته مهم ۳: چنانچه بعد از افعال ناقص، شکلی از افعال to be بیاید آن فعل to be, فقط خود be خواهد بود.

It **may be** rain today. "امروز احتمال داره باران بباره."

فعل ناقص

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

حروف اضافه مربوط به زمان (*Preposition of Time*):

کاربردهای حرف اضافه "in"	
قسمتهای مختلف روز	<u>in</u> the morning / <u>in</u> the afternoon / <u>in</u> the evening
ماه	<u>in</u> April / <u>in</u> January / <u>in</u> February
فصل	<u>in</u> (the) spring / <u>in</u> summer / <u>in</u> autumn / <u>in</u> winter
سال، دهه و قرن	<u>in</u> 1998 / <u>in</u> 1980s / <u>in</u> 18 th century
مناسبت ها	<u>in</u> Norooz

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

in a week "در یک هفته" in the past "در گذشته"
in a few minutes "در چند دقیقه" in the future "در آینده"

کاربردهای حرف اضافه "on"	
روز	<u>on</u> Sunday / <u>on</u> Saturday
تاریخ	<u>on</u> April 18 th / <u>on</u> the first of June
قسمتی از روز با ذکر نام	<u>on</u> Tuesday evening / <u>on</u> Monday morning
تعطیلی، آخر هفته	<u>on</u> holiday / <u>on</u> vacation

کاربردهای حرف اضافه "at"	
ساعت	<u>at</u> 2 o'clock / <u>at</u> 7:45
طلوع و غروب آفتاب	<u>at</u> sunrise [طلوع آفتاب] / <u>at</u> sunset [غروب آفتاب]
ظهر و نصف روز	<u>at</u> noon / <u>at</u> midday [نیمه روز]
شب و نصف شب	<u>at</u> night / <u>at</u> midnight [نیمه شب]
هنگام صرف غذا	<u>at</u> lunch / <u>at</u> dinner time
کریسمس	<u>at</u> Christmas

❖ برخی از کاربردهای دیگر (at) برای زمان در کتاب های درسی و در حد کنکور:

at present [در حال حاضر] at the moment [همین الان]
at once [فورا] at first [ابتدا]
at the same time [بطور همزمان] at last [سرانجام]
at the beginning [در شروع] at least [حداقل]

حروف اضافه مربوط به مکان (Preposition of Place):

کاربردهای حرف اضافه "in"	
روستا	<u>in</u> Dashband
شهر	<u>in</u> Rasht / <u>in</u> Tehran / <u>in</u> London
استان	<u>in</u> Mazandaran
کشور	<u>in</u> Iran / <u>in</u> the USA / <u>in</u> France
قاره	<u>in</u> Asia / <u>in</u> Africa
درون، داخل	<u>in</u> the garden / <u>in</u> my hand

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<u>in</u> a village	<u>in</u> a town	<u>in</u> a city
<u>in</u> the world	<u>in</u> mountains	<u>in</u> a hurry (در عجله بودن)
<u>in</u> a forest	<u>in</u> the yard	<u>in</u> the street
<u>in</u> the river	<u>in</u> the lake [در دریاچه]	<u>in</u> the sea
<u>in</u> ocean [در اقیانوس]	<u>in</u> bed	<u>in</u> hospital
<u>in</u> prison [در زندان]	<u>in</u> a book	<u>in</u> the picture
<u>in</u> the middle [در وسط]	<u>in</u> a line [در یک صف]	<u>in</u> a country

کاربردهای حرف اضافه "on"

بر روی (با داشتن تماس)	<u>on</u> the table / <u>on</u> the desk
جهت، سمت	<u>on</u> the left [سمت چپ] / <u>on</u> the right [سمت راست]
صفحه	<u>on</u> page 5
رادیو، تلویزیون	<u>on</u> TV / <u>on</u> the radio
طبقه ساختمانی	<u>on</u> the second floor
قبل از تلفن	<u>on</u> the phone

❖ برخی از کاربردهای دیگر (on) برای مکان در کتابهای درسی و در حد کنکور:

<u>on</u> a chair	<u>on</u> the wall [بر روی دیوار]
<u>on</u> the ground [بر روی زمین]	<u>on</u> the way [در راه]
<u>on</u> the floor [کف اتاق]	<u>on</u> the bus
<u>on</u> the train	<u>on</u> the table
<u>on</u> the farm [بر روی مزرعه]	<u>on</u> the map [بر روی نقشه]

موارد کاربرد (next to) {جنب، کنار} برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

next to police station / **next to** the post office / **next to** the hospital
next to the window / **next to** the drugstore

نکته: به جای حرف اضافه next to میتوان از معادل‌های آن یعنی **near, by, beside** هم استفاده کرد.

موارد کاربرد (in front of) {جلوی} برای مکان:

کاربرد این حرف اضافه هم، مانند **next to** از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

in front of the hospital / **in front of** the post office / **in front of** police station
in front of the drugstore / **in front of** the window

نکته اضافی: حروف اضافه (at)، (under زیر)، (over روی)، (behind پشت)، (at / in the back of) و (between بین)، (among ما بین)، برای مکان استفاده می شوند.

→ **at** home / **at** work / **at** school / **at** the station / **at** the airport / **at** the seaside

→ **under** the desk / **under** table / **under** the bed / **under** the water

→ **over** the table / **over** the door / **over** the body (بدون تماس)

→ **behind** a chair / **behind** the door / **behind** the car

→ **between** Rasht and Tehran / **between** the two countries (بین دو اسم)

→ **among** the students / **among** the animals (ما بین چندین اسم)

At Azadi Street.

نکته: حرف اضافه مربوط به آدرس at میباشد:

by car - **by** bus

نکته: حرف اضافه مربوط به وسایل نقلیه **by** میباشد.

یادداشت:

قیدهای حالت (Adverbs of manners)

حالت، چگونگی و نحوه انجام فعل (اصلی) را نشان می دهد. قید های حالت با اضافه کردن (-ly) به آخر صفت درست می شوند.

محل قید حالت در جمله:

(۱) بعد از فعل و مفعول

"او ماشینش را با دقت میراند."

(۲) قبل از فعل اصلی جمله

He drives his car carefully.

فعل مفعول قید حالت

The tourists spoke English perfectly.

فعل مفعول قید حالت

"گردشگرها به طور عالی انگلیسی صحبت کردند."

An airplane is quickly flying in the sky.

فعل قید حالت

"هواپیما به سرعت در آسمان در حال پرواز کردن است."

صفت	معنی	قید حالت	معنی	صفت	معنی	قید حالت	معنی
slow	کند	slowly	به کندی	final	آخر	finally	سرانجام
bad	بد	badly	به بدی	real	واقعی	really	واقعاً
easy	آسان	easily	به آسانی	rude	پرو	rudely	با پروپی
happy	خوشحال	happily	با خوشحالی	polite	مؤدب	politely	مؤدبانه
comfortable	آسوده	comfortably	به راحتی	possible	ممکن	possibly	احتمالاً
probable	احتمالی	probably	احتمالاً	audible	شنیدنی	audibly	با صدای رسا

قید های حالت بی قاعده: برخی از صفت ها و قید ها به یک شکل هستند. یعنی در حالت قیدی، -ly نمی گیرند.

صفت	معنی	قید حالت	معنی
fast	سریع	fast	به سرعت
hard	سخت	hard	به سختی
good	خوب	well	به خوبی
late	دیر	late	با تأخیر
right	صحیح	right	به درستی
wrong	غلط	wrong	به طور اشتباه
early	زود	early	به زودی
high	بلند	high	در بالا
straight	مستقیم	straight	بطور مستقیم
free	مجانی	free	به طور مجانی
loud	بلند	loud / loudly	با صدای بلند

Reza is a hard worker. He works hard.

صفت قید حالت

رضا کارگر سخت کوشی است. او به سختی کار میکند.

Ali is a fast driver. He drives fast.

صفت قید حالت

علی راننده سریعی است. او به سرعت رانندگی میکند.

نکته های اضافی در مورد قید ها :

در اکثر کلمات، اگر (-ly) به آخر اسم اضافه شود آن کلمه صفت است. برای فهم بیشتر به نکات زیر توجه شود.

(۱) کلماتی که **-ly** دارند و به اسم افزوده می شوند و صفت محسوب می شوند عبارتند از:

صفت	معنی	صفت	معنی
friendly	صمیمی	manly	مردانه
lovely	دوست داشتنی	curly	فرفری
costly	گران بها	earthly	زمینی
cowardly	ترسو	sisterly	خواهرانه
heavenly	بهشتی	chilly	سرد
womanly	زنانه	brotherly	برادرانه

(۲) صفت هایی که مثل قید ها، در خود کلمه **-ly** دارند، اما صفت محسوب می شوند عبارتند از:

ugly [زشت] holy [مقدس] silly [احمق-احمقانه]

نکات اضافی در مورد املائی قید ها:

موقع افزودن **-ly** به آخر صفت، در برخی از کلمات، یک سری تغییرات املائی صورت می گیرد.

lazy → lazily happy → happily تبدیل y به i

comfortable → comfortably حذف **e** از آخر کلمه: (اگه آخر صفت پسوند **able** یا **ible** باشد).

scientific → scientifically economic → economically تبدیل ic به ically

اکثر کلماتی که به حرف **(e)** ختم می شوند، موقع افزودن **(-ly)**، حرف **(e)** حذف نمی شود.

complete → completely polite → politely
 استثناء: true → truly whole → wholly

اکثر کلماتی که به پسوند **(-ful)** ختم می شوند، موقع افزودن **(-ly)**، به شکل **(-fully)** نوشته می شود.

beautiful → beautifuly hopeful → hopefully careful → carefully
 استثناء: full → fully

اکثر کلماتی که به حرف **(l)** ختم می شوند، موقع افزودن **(-ly)**، به شکل **(-lly)** نوشته می شود.

formal → formally final → finally cruel → cruelly

1. When I was a child I ----- climb the trees easily but now I can't.
a) might b) should c) can d) could
2. A: Why isn't Ali in class? B: I don't know. He ----- be sick today.
a) Can b) should c) may d) must
3. Don't touch my school things. When I'm not at home, you ----- use my books.
a) should b) could c) might d) can
4. I don't allow you to leave the class. You ----- go out after doing your homework.
a) should b) must c) may d) will
5. A: I'm going to be late for the bus, what ----- I do? B: You can take a taxi.
a) can b) may c) should d) must
6. All foreign passengers ----- present their passports at the airport.
a) should b) must c) can d) cloud
7. A: Why isn't Raman at home? B: I'm not sure. He ----- be in the library.
a) can b) must c) may d) should
8. A: ----- I borrow your pen? B: Yes, of course.
a) Should b) would c) Must d) Can

9. She's a good writer. She writes interesting novels -----.
a) good b) well c) quiet d) worse
10. My brother is a fast driver. He always drives -----.
a) fast b) good c) slowly d) polite
11. The teacher didn't ask an easy question. I answered it -----.
a) quick b) good c) easy d) hard
12. Ali spoke with the tourists well. Actually, he answered all their questions -----.
a) good b) polite c) politely d) carelessly

13. I always go to the park ----- the sunset to walk and do exercise.
a) in b) at c) to d) on
14. When I was ----- work yesterday, I had an important phone call.
a) in b) at c) on d) to
15. The children were ----- home this morning.
a) to b) in c) at d) on
16. We are going to visit Esfahan ----- Tir 20, 1399.
a) on b) in c) to d) at
17. They will visit their cousins ----- the holiday ----- spring.
a) on - in b) in - in c) on - at d) at - in
18. Are you going to invite your friends ----- your birthday ----- Khordad?
a) in - in b) in - on c) on - in d) at - in
19. I always go to the gym ----- bus ----- the afternoon.
a) by - in b) at - in c) at - at d) by - on
20. Next year, we will be ----- Korea ----- holiday.
a) in - in b) in - on c) in - at d) at - in

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس چهارم (پایه دهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

• ۱- (d) توانایی انجام کار در گذشته را با فعل ناقص could نشان می دهیم.
ترجمه: "وقتیکه بچه بودم میتوانستم به آسانی از درختان بالا بروم اما الان نمیتوانم."

• ۲- (c) وجود جمله I don't know بیانگر "احتمال" است. برای نشان دادن احتمال از may استفاده میکنیم.
ترجمه: "چرا علی در کلاس نیست؟ - نمیدونم. شاید امروز مریض باشد."

• ۳- (d) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
ترجمه: "به وسائل مدرسه ام دست نزن. وقتی در خانه نیستم تو اجازه داری از کتابهایم استفاده کنی."

• ۴- (c) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
ترجمه: "من به تو اجازه نمیدهم که کلاس را ترک کنی. وقتی که تکالیفت را انجام دادی، اجازه داری بیرون بری."

• ۵- (c) برای پیشنهاد و توصیه از should استفاده میکنیم.
ترجمه: "داره برای اتوبوس دیرم میشه. چکار باید بکنم؟ - تو میتوانی تاکسی بگیری."

• ۶- (b) برای اجبار شدید و قانون و مقررات از must استفاده میکنیم.
ترجمه: "همه مسافران خارجی باید پاسپورتهایشان را در فرودگاه ارائه دهند."

• ۷- (c) وجود جمله I'm not sure بیانگر "احتمال" است. برای نشان دادن احتمال از may استفاده میکنیم.
ترجمه: "چرا رامان در خانه نیست؟ - مطمئن نیستم. شاید در کتابخانه باشد."

• ۸- (d) برای اجازه گرفتن از can و may استفاده میکنیم.
ترجمه: "میتونم (اجازه دارم) از خودکارت استفاده کنم؟ - بله، البته."

• ۹- (b) برای نشان دادن حالت و چگونگی انجام فعل جمله از قید حالت استفاده میکنیم که محل آن معمولاً بعد از فعل و مفعول جمله میباشد.

She writes interesting novels well.
قید حالت مفعول فعل

ترجمه: "او نویسنده خوبی است. او رمان های جالبی را به خوبی مینویسد."

• ۱۰- (a) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. تنها قید حالت در بین گزینه ها fast میباشد. (صفت fast هنگام تبدیل شدن به قید حالت ly نمیگیرد).
He always drives fast.
قید حالت فعل

ترجمه: "برادرم راننده سریعی است. او همیشه به سرعت رانندگی میکند."

• ۱۱- (d) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. تنها قید حالت در بین گزینه ها hard میباشد. (صفت hard هنگام تبدیل شدن به قید حالت ly نمیگیرد).

I answered it hard.
قید حالت مفعول فعل

ترجمه: "معلم سوال آسانی را نپرسید. من آن را به سختی جواب دادم."

- ۱۲- (c) در جای خالی به قید حالت نیاز داریم. (حذف گزینه b و a). با توجه به معنی جمله اول، جواب فقط گزینه C میباشد. ترجمه: "علی با گردشگران به خوبی صحبت کرد. در واقع او همه سؤالات آنها را مؤدبانه جواب داد."

- ۱۳- (b) حرف اضافه مربوط به طلوع و غروب آفتاب at است. ترجمه: "من همیشه در هنگام غروب آفتاب برای قدم زدن و ورزش کردن به پارک میروم."
- ۱۴- (b) حرف اضافه مربوط به work (سرکار) at است. ترجمه: "دیروز هنگامیکه در سرکار بودم، یک تماس تلفنی مهمی داشتم."
- ۱۵- (c) حرف اضافه مربوط به home (در منزل) at است. ترجمه: "امروز صبح بچه ها در خانه بودند."
- ۱۶- (a) حرف اضافه مربوط به تاریخ on است. ترجمه: "ما قصد داریم در ۲۰ تیر ماه ۹۹ از اصفهان دیدن کنیم."
- ۱۷- (a) حرف اضافه مربوط به تعطیلی on و حرف اضافه فصلها in میباشد. ترجمه: "آنها در تعطیلات در فصل بهار عموزاده های خود را ملاقات خواهند کرد."
- ۱۸- (c) حرف اضافه مربوط به روز تولد on و حرف اضافه ماه ها in میباشد. ترجمه: "آیا قصد داری که دوستانت را در روز تولدت در خرداد ماه دعوت کنی؟"
- ۱۹- (a) حرف اضافه مربوط به وسایل نقلیه by و حرف اضافه قسمتهای مختلف روز in میباشد. ترجمه: "من همیشه در بعد از ظهرها با اتوبوس به باشگاه میروم."
- ۲۰- (b) حرف اضافه مربوط به کشورها in و حرف اضافه تعطیلی on میباشد. ترجمه: "سال آینده در تعطیلات ما در کشور کره خواهیم بود."

یادداشت:

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

Grammar Tests

“Vision One”

(Lesson 1 - 4)

۱۰۰ تست آموزشی گرامر درس ۱ تا ۴ پایه دهم (Lesson 1 - 4) Grammar Tests

توجه: سطح این تستها "ساده" و "متوسط" میباشد که میبایستی بعد از مرور گرامرها، تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای کنکور و تألیفی استاندارد جایگزین خواهند شد.

- I don't know where Kelly is. She ----- in the garden, but I'm not sure.
a) may is b) may be c) must is d) must be
- they increase the number of the houses tomorrow?
a) Do b) Did c) Will d) Are
- You ----- drive when you are very tired. It's so dangerous.
a) would not b) must not c) could not d) might not
- My ----- has ----- young aunt. She is going to start learning ----- Chinese in April.
a) friend / a / - b) friend / an / the
c) friends / a / the d) friends / a / -
- I was driving fast when the car ----- me stopped suddenly and I hit it.
a) next to b) behind c) above d) in front of
- I ----- carry this box- it's too -----! Would you help me?
a) can't / heavy b) can't / heavily c) can / heavy d) can / heavily
- Unfortunately, sally ----- her leg while she -----.
a) broke / skied b) broke / was skiing
c) was breaking / was skiing d) was breaking / skied
- I really want to answer the questions in the exam ----- . So I'm studying ----- .
a) correctly / hardly b) correct / hardly
c) correctly / hard d) correct / hard
- It started to rain so I opened my ----- umbrella.
a) large new red and yellow b) new large red and yellow
c) red and yellow large new d) large red and yellow new
- I ----- cooked a meal and then I watched television by ----- .
a) me / myself b) myself / myself c) myself / me d) me / me
- I finished all of my homework this afternoon. I ----- study tonight.
a) shouldn't b) couldn't c) wouldn't d) don't have to
- You are eating too -----, please eat ----- .
a) quickly / slow b) fast / slowly
c) slowly / quick d) rapid / slowly
- A: "Where are you going on holiday?" B: "I'm not sure, maybe I ----- to India.
a) go b) am going c) will go d) went
- I'm a good swimmer and ----- swim very well these days, but I ----- 10 years ago.
a) can / couldn't b) can / could c) can't / could d) could / can't
- Don't ride so ----- . You ----- have an accident.
a) quick / should b) fast / may c) quickly / can d) rapidly / must
- He eats in restaurants all ----- Sunday afternoons because he can't ----- .
a) in / cook b) on / cooks c) in / cooks d) on / cook
- I like to tell jokes and ----- people laugh. I tell jokes ----- .
a) always make/ badly b) make always/ good
c) always make/ well d) make always/ bad

18. You ----- sit so ----- the TV. It's bad for your eyes.
 a) may not/ in front of b) won't / by
 c) shouldn't / near d) can't/ next to
19. Mike is only nine months old. He ----- eat food yet, but he ----- drink milk.
 a) can/can't b) can/ can c) can't/ can't d) can't/ can
20. Helen and her son drive ----- to work every day. They don't take the bus.
 a) herself b) themselves c) himself d) yourselves
21. It's a hospital. You ----- smoke and talk -----.
 a) shouldn't / loud b) mustn't / loudly
 c) can't / loud d) may not / loudly
22. I'm very tired today. I ----- clean my room now, but I ----- do it tomorrow.
 a) can't / won't b) shouldn't / will c) should / won't d) can't / will
23. They can speak French very ----- . They lived ----- France for two years.
 a) good / in b) good /at c) well / in d) well / at
24. My classmate behaves ----- towards me. I think I ----- talk to the teacher about it.
 a) rude / am going to b) rudely /will
 c) rudely / am going to d) rude / will
25. We worked really ----- midday ----- Thursday.
 a) hard at / on b) hardly at / on c) hard at / in d) hardly in / on
26. Sally and Kate are both 22 years old. Sally is ----- Kate.
 a) the oldest b) older than c) as old as d) very old
27. Rebecca has the flu. She must rest at home and take care of ----- .
 a) you b) yourself c) herself d) her
28. Ali finally got a car, so now he drives to work. He ----- take the bus.
 a) doesn't have to b) shouldn't c) couldn't d) wouldn't
29. A: There is no coffee. Would you like a cup of tea, instead?
 B: No, thanks. I----- some orange juice.
 a) drink b) will drink c) drank d) am going to drink
30. A: Are you able to speak Chinese? B: No, I ----- . It's not easy.
 a) won't b) can't c) may not d) shouldn't
31. She lives ----- 805 Azadi street.
 a) on b) in c) at d) to
32. Jack: Do you want to play tennis on Friday? Jill: I can't. I ----- my mother in hospital.
 a) will visit b) can visit c) visited d) am going to visit
33. Sometimes I walk to work and sometimes I go ----- bus.
 a) on b) in c) at d) by
34. A: Do you like Swimming?
 B: Yes, I ----- swim very well. I have practiced it for 5 years.
 a) must b) may c) should d) can
35. I saw my close friend yesterday while she ----- a nice red dress.
 a) wears b) wore c) was wearing d) is going to wear
36. A: There's no milk at home. B: I know. I ----- some milk from Mr. Amini's shop soon.
 a) will get b) got c) am going to get d) get

37. My dad was ----- at me when I got home late ----- last night.
 a) angry / at b) angry / - c) angrily / - d) angrily / at
38. Don't help us, Dad! Sarah and I can paint the car all by -----.
 a) themselves b) herself c) himself d) ourselves
39. Alice is really a ----- girl. She talked ----- to the interviewer.
 a) polite / politely b) politely / polite c) polite / polite d) politely / politely
40. He has an interesting hobby, but my sister has ----- hobby in the family.
 a) more interesting b) as interesting as
 c) the most interesting d) the more interesting
41. A: Do you like French? B: Yes, I do. And I ----- speak French well.
 a) could b) can c) may d) would
42. I think Switzerland is one of ----- countries in the world.
 a) richer b) the richest c) as rich as d) richest
43. He's always ----- a hurry. I don't understand why he walks so -----.
 a) in / slowly b) on / fast c) in / quickly d) at / rapidly
44. He's a very good manager. I think he ----- any mistakes.
 a) isn't going to make b) is going to make c) won't make d) will make
45. The hotel was very small. I expected it to be ----- than the hotel of my town.
 a) bigger b) smaller c) the biggest d) the smallest
46. You ----- forget to turn off the lights when you go to bed.
 a) couldn't b) mustn't c) can't d) may not
47. My uncle likes to practice his English by talking to -----.
 a) hers b) his c) himself d) herself
48. Yesterday, his older brother bought a ----- shirt which was very nice.
 a) Chinese small white b) white Chinese small
 c) small white Chinese d) white small Chinese
49. I think Diana ----- her exam. She's very intelligent.
 a) is going to pass b) will pass c) passes d) passed
50. Both my parents are working, but my mother makes ----- money than my father.
 a) little b) more c) the most d) much
51. A: What would you like to drink, sir? B: I ----- a glass of milk, please.
 a) will have b) am going to drink c) am drinking d) drink
52. Where did your older ----- put the -----? They put them on that -----.
 a) sisters / knives / shelf b) sisters / knife/ shelf
 c) sister / knives / shelves d) sister / knife / shelves
53. She has made the dress for -----.
 a) her b) herself c) himself d) myself
54. ----- boys sitting over there like football. ----- favorite team is ----- Liverpool.
 a) These / Their / the b) Those / Their / -
 c) This / His / - d) That / His / -
55. My father ----- at 70 km/h when a policeman ----- him.
 a) drove / stopped b) drove / stops
 c) was driving / stopped d) was walking / was stopping

56. It's raining -----, you ----- take your own umbrella.
a) heavily / may b) heavily / must c) heavy /should d) heavy / can
57. She put the plates on the table and told Mary and ----- to help ----- to the food.
a) him / yourselves b) you / themselves
c) me / ourselves d) her / herself
58. My older sister has three children. Peter is ----- of all.
a) younger than b) youngest c) the youngest d) younger
59. A: There is a good movie on TV tonight. B: Yes, I know. I ----- it.
a) am going to watch b) will watch c) watched d) watching
60. Which hotel ----- you staying in when you ----- your passport?
a) were / were losing b) were / lost c) did / were losing d) did / lost
61. Be careful with that sharp knife, Mehran! You are going to hurt ----- if you are not careful.
a) ourselves b) himself c) yourselves d) yourself
62. I'm too tired to walk home. I think I ----- a taxi.
a) am going to take b) will take c) take d) took
63. Be -----! You are speaking too ----- . The baby is sleeping in the next room.
a) quiet / loud b) quietly / loudly c) quiet / loudly d) quietly / loud
64. A: "Did you send an e-mail to Marry?" B: "NO, I forgot. I ----- her tomorrow.
a) am going to send b) will send c) send d) sent
65. People living here are very -----, but people in Africa are ----- people in the world.
a) poorer / poor b) the poorest / poorer
c) poor / the poorest d) poor / poorer
66. A: Why do you need to borrow my suitcase? B: I ----- Mr. Kane in Scotland next month.
a) visited b) visit c) will visit d) am going to visit
67. Can you read this for me? My eyes aren't ----- yours.
a) better b) weaker than c) as weak as d) as good as
68. Look! There is not a cloud in the sky. It ----- a beautiful day.
a) will be b) is going to be c) is d) was
69. We should be careful about our behavior when traveling ----- a foreign country.
a) next to b) on c) by d) in
70. A: I don't know how to use this computer. B: OK, ----- you.
a) I'm going to show b) I showed c) I'm showing d) I'll show
71. The phone and the doorbell rang ----- the same time and I didn't know which one to answer first.
a) by b) at c) with d) to
72. Mum: I told you to clean your room. Son: Sorry, Mum, I forgot, ----- it after lunch.
a) I'm going to do b) I'll do c) I did d) I do
73. What is ----- sport in your country?
a) better b) as popular as c) more popular d) the most popular
74. My ----- live in ----- old house in ----- London. There is a beautiful garden near the house.
a) grandparent / an / - b) grandparents / a / the
c) grandparents / an / - d) grandparent / a / the
75. Did you know that December is ----- month of the year in my country?
a) the coldest b) colder than c) as cold as d) much cold

76. Is your ----- going to invite his -----, David and Mike, and their ----- to the wedding tomorrow?
 a) uncles / sons / wives b) uncles / son / wife
 c) uncle / son / wife d) uncle / sons / wives
77. I usually visit my grandparents ----- Sunday afternoons.
 a) on b) in c) with d) to
78. You should go to the doctor. Your cold is ----- than it was a few days ago.
 a) as bad as b) worst c) worse d) very bad
79. The writer sat down ----- her desk, turned on her computer and worked for a few hours.
 a) on b) above c) in d) at
80. Their school isn't as ----- as our school.
 a) nearer b) farther c) nearest d) far
81. Which sentence is grammatically **WRONG**?
 a) He will wait until three o'clock.
 b) He went to a new school at London.
 c) I can't sleep at night these days.
 d) We often go on holiday in summer.
82. Will she ----- our grandmother next week?
 a) visits b) visit c) visiting d) to visit
83. ----- they swimming when the phone rang?
 a) Were b) Are c) Do d) Did
84. Blue whales can weigh 120 tons. No other whales are so heavy. Blue whales are ----- the other whales. They are ----- animals in the world.
 a) the heaviest / heavier than b) the heaviest / the heaviest
 c) heavier than / the heaviest d) heavier than / heavier than
85. Mehran is always late. I'm sure he ----- late tomorrow evening.
 a) will be b) is going to be c) is d) was
86. His handwriting is as ----- as my handwriting.
 a) good b) better than c) worse than d) worse
87. My job is a bit ----- sometimes. I'd like to do something ----- interesting.
 a) more boring / more b) boring / more
 c) the most boring / most d) boring / most
88. My grandparents are living in a(n) ----- house in a ----- village.
 a) old wooden / small lovely b) old wooden / lovely small
 c) wooden old / small lovely d) wooden old / lovely small
89. ----- Behnam was doing his homework, he got a text message from his friend.
 a) When b) While c) However d) If
90. Yesterday John told me a ----- joke. This joke was ----- joke I've ever heard.
 a) funnier / funnier than b) funny / the funniest
 c) funny/ as funny as d) funnies/much funny
91. While Reza was eating dinner, Kamran ----- and ----- about the events of the day.
 a) came-speaking b) came-was speaking
 c) came-spoke d) was coming-spoke

92. I ----- my hand while I ----- dinner last night.
 a) burned - was cooking b) burned - am going to cook
 c) burned - cooked d) burn - cook
93. We were running to the station exactly when the train -----.
 a) were leaving b) was leaving c) left d) leaving
94. Ali and I washed all the yard -----.
 a) themselves b) myself c) himself d) ourselves
95. I really ----- some new clothes for next winter.
 a) need b) needed c) am needing d) was needing
96. Which sentence is grammatically **WRONG**?
 a) Look at the picture on the wall.
 b) I found my keys on the desk.
 c) Most students have lunch on school.
 d) What are you doing on Saturday?
97. My parents live in a ----- apartment.
 a) beautiful big wooden new b) beautiful big new wooden
 c) new big beautiful wooden d) wooden beautiful big new
98. If you and your classmates can't do this exercise by -----, ask the teacher for help.
 a) yourselves b) himself c) herself d) yourself
99. Mark has three -----, ----- boy and two girls. ----- boy is 7 years old and their girls are 3.
 a) children / a / A b) children / a / The
 c) child / the / A d) child / the / The
100. That boy who was standing next to your brother ----- very tired.
 a) was looking b) looked c) is looking d) looks

پاسخنامه تست‌های گرامر درس یک تا چهار

Grammar Tests

Page (106 – 111)

1	B	11	D	21	B	31	C	41	B	51	A	61	D	71	B	81	B	91	C
2	C	12	B	22	D	32	D	42	B	52	A	62	B	72	B	82	B	92	A
3	B	13	C	23	C	33	D	43	C	53	B	63	C	73	D	83	A	93	C
4	A	14	A	24	B	34	D	44	C	54	B	64	B	74	C	84	C	94	D
5	D	15	B	25	A	35	C	45	A	55	C	65	C	75	A	85	B	95	A
6	A	16	D	26	C	36	C	46	B	56	B	66	D	76	D	86	A	96	C
7	B	17	C	27	C	37	B	47	C	57	A	67	D	77	A	87	B	97	B
8	C	18	C	28	A	38	D	48	C	58	C	68	B	78	C	88	B	98	A
9	A	19	D	29	B	39	A	49	B	59	A	69	D	79	D	89	B	99	B
10	B	20	B	30	B	40	C	50	B	60	B	70	D	80	D	90	B	100	B

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

Vocabulary Tests

“Vision One”

(Lesson 1 - 4)

Vocabulary Tests (*Lesson 1-4*) ۳۶۰ تست آموزشی واژگان درس ۱ تا ۴ پایه دهم

توجه: سطح این تستها "ساده" و "متوسط" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات پایه دهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای کنکور و تألیفی استاندارد جایگزین خواهند شد.

1. We didn't have enough money for a movie, so we went to the park -----.
a. instead b. anymore c. tomorrow d. nowadays
2. Some people ----- weight when they stop smoking.
a. seek b. carry c. donate d. gain
3. I became very nervous when I couldn't ----- my passport.
a. find b. lose c. carry d. donate
4. Those who have never thought about the ----- of life should not study medicine.
a. skill b. moment c. value d. belief
5. The wolf may ----- his teeth, but never his nature.
a. carry b. grow c. lose d. hunt
6. After a busy day, all I want is ----- and quiet.
a. power b. interest c. science d. peace
7. There are a lot of dark ----- in the sky. It seems it will rain.
a. sites b. clouds c. ranges d. images
8. Do you ----- money to buy a new laptop?
a. cut b. save c. hope d. mean
9. They don't like the plan to build the road through the -----.
a. chart b. nation c. world d. forest
10. The museum hopes to attract both foreign and ----- visitors.
a. home-made b. international c. domestic d. popular
11. We can become familiar with the culture of the ----- people from the wall painting.
a. patient b. comfortable c. ancient d. actual
12. The last bear in this forest ----- one hundred years ago.
a. died out b. cut c. put out d. hurt
13. Unfortunately, the ----- from Chicago will arrive at the airport thirty minutes late.
a. airplane b. cradle c. power d. interest
14. To understand Japanese -----, you should learn the language.
a. image b. culture c. range d. behavior
15. My grandfather can ----- people's faces, but not their names.
a. observe b. believe c. remember d. behave
16. Ants work a lot all day long. They are ----- animals.
a. interested b. important c. hard-working d. favorite
17. Mina came home While her brother was watching his ----- movie at the living room.
a. interested b. building c. hard-working d. favorite
18. "Do you know where the Taj Mahal is -----?" "Yes, in India."
a. prepared b. located c. attracted d. planned
19. Smoking can ----- the risk of developing heart disease.
a. fill b. increase c. bore d. fight
20. Buckingham Palace is one of London's most popular tourist -----.
a. entertainments b. suggestions c. choices d. attractions

21. My sister is very kind. She always ----- animals from danger.
 a. hurts b. hunts c. cuts d. saves
22. Planets ----- the sun in different orbits.
 a. look like b. go around c. fill out d. carry out
23. You can take and ----- pictures by a camera very easily.
 a. solve b. keep c. attend d. key
24. Isfahan has many interesting historical -----.
 a. price b. agents c. hosts d. sites
25. Look at the pretty little baby sleeping in the -----.
 a. shelf b. cradle c. noise d. grave
26. My study showed that working in a garden is the most ----- activity for old people.
 a. hospitable b. popular c. domestic d. comfortable
27. Some people ----- the trees and don't take care of the nature.
 a. save b. protect c. increase d. cut
28. Penicillin is a/an ----- for killing bacteria that are in your body and making you ill.
 a. medicine b. experiment c. science d. laboratory
29. Are you interested ----- planets and stars?
 a. for b. to c. at d. in
30. I forgot to take my ----- with me to Portugal, so I couldn't take any photos.
 a. passport b. cradle c. camera d. ticket
31. An airplane helps us travel very fast to ----- places.
 a. same b. first c. clear d. far
32. Every year millions of ----- come to the holy shrines in Iran.
 a. pilgrims b. nations c. destinations d. attractions
33. My older uncle cannot run because he has a ----- heart.
 a. heavy b. powerful c. healthy d. weak
34. My brother is a brave firefighter. He always ----- the fire very fast.
 a. forgets b. puts out c. cuts d. saves
35. I was sitting ----- in that chair beside the fire in the living room, reading a newspaper.
 a. politely b. hungrily c. generously d. comfortably
36. A: Are animals really ----- for you?
 B: I'd like to know more about them.
 a. interesting b. powerful c. alike d. clear
37. When I asked his name after the accident, he ----- that he could not remember.
 a. answered b. observed c. behaved d. believed
38. I was reading a book about ----- Iranian scientists, Farabi and Toosi.
 a. first b. last c. famous d. possible
39. A: "Are you ----- for your summer vacation?"
 B: "Yes, I want to travel."
 a. spending b. enjoying c. planning d. visiting
40. I played football yesterday and I ----- my foot badly.
 a. hurt b. took c. planed d. hoped

41. Some planets are ----- . They have many mountains.
a) amazing b) useful c) rocky d) dry
42. A: "Was the book -----?" B: "Yes, I learned many interesting things."
a) energetic b) useful c) possible d) natural
43. I'm going to visit Africa, but I'm not sure about my ----- . I don't know Africa well.
a) ceremony b) behavior c) destination d) passport
44. Did you know that children often cry just to ----- attention?
a) attract b) spend c) check d) plan
45. Mary had a terrible car accident last night and she was ----- badly.
a) special b) helpful c) injured d) cruel
46. Some planets have ----- around them like our planet, Earth.
a) rocks b) moons c) types d) systems
47. Razi taught ----- to young doctors while he was working in Ray Hospital.
a) medicine b) invention c) translation d) novels
48. "I'm going on a trip to England tomorrow. Do you have any----- to tell me?"
a) suggestion b) departure c) destination d) entertainment
49. In ----- times, people believed that the earth was not round.
a) traditional b) ancient c) historical d) local
50. Our grandmother died at the age of 83 after a long -----,
a) behavior b) entertainment c) risk d) illness
51. Some Sough American countries ----- many tourists because of their amazing nature.
a) prepare b) spend c) attract d) break
52. Planets go around the sun in different ----- .
a) kinds b) systems c) orbits d) abilities
53. Sadly, he lost his hearing at the age of 12. "Sadly" is a synonym for ----- .
a) unfortunately b) successfully c) rapidly d) easily
54. A: "Is China famous for The Great Wall?" B: "Yes, it's really -----."
a) hospitable b) suitable c) domestic d) popular
55. The train station is ----- between these two towns. It's far from here.
a) attended b) located c) planned d) developed
56. Pay attention! Don't swim here. It's ----- .
a) natural b) dangerous c) safe d) alive
57. We can see the planets ----- to us without telescope.
a) wonderful b) strong c) true d) nearer
58. "Who came to the school -----, you or your friend?" "I came first."
a) sadly b) sooner c) easily d) finally
59. A large number of people visited this historical----- yesterday afternoon.
a) desert b) season c) site d) fact
60. The children have a six week ----- during the summer.
a) culture b) flight c) vacation d) destination

61. We got up early in the morning to see the -----.
- a) destination b) sunset c) season d) sunrise
62. If I'm late, please ----- for me in the train station.
- a) save b) gain c) create d) wait
63. I bought a model of the Eiffel Tower as a ----- of my trip to Paris.
- a) destination b) pyramid c) souvenir d) suggestion
64. "I will not let that kind of ----- in my class," the teacher said angrily.
- a) suggestion b) culture c) choice d) behavior
65. Iran was the ----- home of Persian lion.
- a) wild b) dangerous c) endangered d) natural
66. "Is your brother -----?" "Yes, he's playing and running all the time."
- a) successful b) useful c) energetic d) famous
67. Is Isfahan a popular ----- in Asia for tourists?
- a) information b) destination c) nation d) vacation
68. We can see some planets like Neptune only with ----- telescopes.
- a) powerful b) wonderful c) useful d) interesting
69. Red blood cells ----- oxygen round the body.
- a) keep b) collect c) carry d) seem
70. After the accident she had a terrible harm. "harm" is a synonym for-----.
- a) injury b) safety c) living d) protect
71. I read a useful book and I learned many things. The synonym for "useful" is -----.
- a) powerful b) energetic c) helpful d) famous
72. Some countries attract tourists from other parts of the world because of their ----- nature.
- a) hospitable b) amazing c) similar d) foreign
73. You should give money ----- to the poor people who need help.
- a) generously b) hungrily c) bravely d) patiently
74. I'd like to get more information about India. It seems a suitable ----- for traveling.
- a) nation b) choice c) behavior d) continent
75. How are the planets different? Are they so much -----?
- a) rocky b) useful c) nearer d) alike
76. The students do ----- in the school laboratory.
- a) knowledge b) experiment c) science d) success
77. We ----- to help the injured animals. It's really good.
- a) hope b) save c) cut d) hurt
78. A: "Can you finish painting all the rooms today?" B: "Sorry. ----- not."
- a) Quietly b) rudely c) Probably d) Patiently
79. Ants are wonderful ----- . They work a lot in groups.
- a) systems b) rings c) cells d) insects
80. My little sister is taller than last month. Children grow up -----.
- a) sadly b) finally c) rapidly d) at first

81. There are more than 100 pyramids in Egypt, so it's really -----.
- a) wonderful b) honest c) brave d) probable
82. A: "Are there many students in your class? B: "No, there are -----."
- a) around b) instead c) a few d) anymore
83. He is a brave soldier who ----- most of his life fighting his enemies.
- a) attacked b) saved c) spent d) defended
84. A: "Why is Isfahan -----?" B: "Because there are many attractive old buildings."
- a) familiar b) ancient c) safe d) holy
85. No ----- is possible without hard work.
- a) noise b) pain c) problems d) success
86. He ----- the heavy box alone. Now he has a terrible backache.
- a) carried b) collected c) orbited d) seemed
87. Helicopters saved about 20 people from the roof of the ----- building.
- a) similar b) burning c) traditional d) comfortable
88. There's no milk. Would you like a glass of orange juice -----?
- a) anymore b) instead c) a few d) many
89. When I was a child, I ----- different types of natural flowers.
- a) hoped b) pumped c) carried d) collected
90. Wind towers in Yazd are really ----- for tourists because no place in the world has got something like this.
- a) international b) domestic c) familiar d) attractive
91. Everyone needs to ----- for the future.
- a) cut b) plan c) destroy d) hurt
92. Edison ----- the first light bulb and became famous.
- a) felt b) quitted c) invented d) published
93. He had no ----- but to give up school because his family was very poor.
- a) choice b) suggestion c) rule d) site
94. Are there many domestic animals ----- your house?
- a) again b) anymore c) instead d) around
95. Do you know the ----- about this event?
- a) orbits b) facts c) creations d) exercises
96. I can help you ----- your math problem.
- a) develop b) solve c) grow d) build
97. I play the guitar only for my ----- in summer.
- a) information b) entertainment c) destination d) suggestion
98. -----, I don't know where your money is.
- a) Honestly b) Politely c) Bravely d) Safely
99. I don't remember my grandmother's face -----.
- a) probably b) exactly c) patiently d) nicely
100. Many people think that hunting is ----- to animals.
- a) actual b) cruel c) attractive d) popular

101. I want to buy a new car, but I don't have much money to -----.
- a) create b) spend c) check d) seek
102. A strong person has a powerful body, and can ----- heavy things.
- a) defend b) carry c) control d) cross
103. Tom didn't want to hear about all of Mary's problems, but he sat ----- and listened.
- a) suitably b) honestly c) quietly d) generously
104. The bed I slept in last night was so ----- and warm that I didn't want to get up.
- a) dangerous b) burning c) familiar d) comfortable
105. It's not an English word. It's French. What does it -----?
- a) hunt b) save c) mean d) increase
106. The system of our body is a -----.
- a) type b) ring c) wonder d) liquid
107. This book can ----- your speaking skill.
- a) develop b) invent c) feel d) solve
108. "Why are domestic flights cheaper than ----- flights?" "Because of the distance."
- a) foreign b) attractive c) ancient d) historical
109. This shop sells a wide ----- of amazing wild flowers.
- a) risk b) range c) image d) price
110. Humans destroy the nature and make homes and roads -----.
- a) instead b) anymore c) around d) again
111. Our body is doing ----- of jobs all the time.
- a) rings b) facts c) millions d) systems
112. Schools must try to make science more ----- to children.
- a) similar b) familiar c) attractive d) historical
113. A ----- is one of the seven areas of land on the earth, such as Asia, Africa.
- a) desert b) country c) world d) continent
114. His -----in Allah gave him hope during difficult times.
- a) key b) end c) belief d) flight
115. One of the most ----- facts about our body is the heart.
- a) strong b) interesting c) healthy d) daily
116. Tourism is traveling for -----, health, sport or learning about other cultures.
- a) suggestion b) destination c) entertainment d) behavior
117. He -----his work without saying anything to us.
- a) solved b) felt c) gave up d) went out
118. Is there any ----- to save Iranian cheetahs?
- a) future b) nature c) hope d) plain
119. Human knowledge -----with scientist's hard work.
- a) feels b) cheers c) quits d) develops
120. Plasma is a ----- and yellow liquid that carries red and white cells in our blood.
- a) useful b) healthy c) alive d) clear

121. You know that ----- tourists travel abroad.
 a) international b) historical c) familiar d) domestic
122. Many kind people are interested in ----- the injured animals.
 a) saving b) destroying c) cutting d) hurting
123. Doctors say useful foods keep us healthy and -----.
 a) clear b) alive c) different d) famous
124. The ----- dentist gave two billion yen to charity.
 a) ancient b) generous c) comfortable d) usual
125. You'll----- yourself a lot of time if you take the car.
 a) plan b) save c) solve d) prepare
126. Some countries -----a lot of tourists every year.
 a) spend b) prepare c) break d) attract
127. She's very kind and everybody speaks about her good nature. "nature" means -----.
 a) safety b) injury c) living d) personality
128. Many great men and women try hard to find -----.
 a) facts b) novels c) cradles d) buildings
129. Some scientists never give up while they are doing research. "give up" means -----.
 a) grow b) quit c) seek d) use
130. Egypt in Africa is famous for its ----- pyramids.
 a) similar b) wonderful c) hospitable d) international
131. We speak Persian at home so that the boys don't forget their language and -----.
 a) behavior b) image c) destination d) culture
132. In one small drop of blood there are millions of red -----.
 a) rings b) cells c) liquid d) facts
133. I hurt my hand when I was playing volleyball yesterday. "hurt" means -----.
 a) cut b) injured c) saved d) hunted
134. You should go to the Australian ----- to get a visa.
 a) destination b) airport c) embassy d) laboratory
135. There are thousands of white ----- in a drop of blood.
 a) liquid b) rings c) facts d) cells
136. Iran is a great ----- for tourists from other parts of the world.
 a) embassy b) continent c) destination d) behavior
137. White cells in our blood ----- our body against microbes.
 a) carry b) defend c) keep d) collect
138. Tigers are wild animals of the Asian cat family. "wild" is an opposite of -----.
 a) hurtful b) domestic c) safe d) dead
139. She's energetic. She's always doing something. "energetic" means -----.
 a) interested b) famous c) useful d) active
140. When you are going abroad, you should get to the airport 2 hours before ----- flight.
 a) domestic b) local c) popular d) international

141. Please speak more ----- so that everybody can hear you.
 a) loudly b) quietly c) bravely d) politely
142. Everybody knows my brother. Actually he's -----.
 a) interested b) possible c) natural d) famous
143. Each year, many people from all parts of the world visit Iran's -----.
 a) information b) attractions c) language d) vacation
144. London's airports ----- one hundred thousand domestic flights a year.
 a) save b) plan c) attract d) attend
145. Blood is a ----- gift from Allah. It's really amazing.
 a) wonderful b) healthy c) famous d) powerful
146. Many Muslims from other parts of the world travel to Iran and go to holy ----- in Mashhad.
 a) shrines b) cultures c) behavior d) suggestion
147. We can thank Allah by ----- our body healthy.
 a) collecting b) carrying c) keeping d) defending
148. They had a car accident, but they are alive. "alive" is an opposite of -----.
 a) safe b) wild c) dead d) hurtful
149. There isn't much ----- for young people in this town- just the cinema and a park.
 a) experiment b) suggestion c) entertainment d) interest
150. This homework can develop your writing -----.
 a) key b) end c) shelf d) skill
151. Some scientists tried hard while they were working on -----.
 a) answers b) problems c) skills d) pains
152. When we have different idea, we should ----- their opinions without any problem.
 a) attract b) respect c) locate d) spend
153. I don't remember -----, but I think it was last Friday.
 a) exactly b) quietly c) suitably d) neatly
154. We can ----- Allah by saving the nature and wildlife.
 a) keep b) thank c) seem d) defend
155. Some people destroy beautiful jungles in our country. "jungle" means -----.
 a) lake b) earth c) forest d) plain
156. She's interested in medicine. She wants to work in a hospital and helps -----.
 a) writers b) builders c) patients d) beliefs
157. Why don't you pay attention to me? "attention" is a synonym for -----.
 a) safe b) care c) injury d) harm
158. The translator was great and wonderful. He could speak five -----.
 a) cultures b) languages c) ceremonies d) behavior
159. children must not eat ----- food. It's not good for their health.
 a) wide b) safe c) neat d) junk
160. They returned the African elephants to their ----- home.
 a) amazing b) natural c) endangered d) easy

161. Camels are ----- they do not drink water all day long.
 a) neat b) fresh c) medium d) fantastic
162. Do you know the ----- of knowledge? It develops our lives.
 a) light b) cradle c) value d) pain
163. Tom didn't see any ----- faces at the party. He didn't know anybody.
 a) hospitable b) similar c) familiar d) attractive
164. I have an information ----- that can help me to know about different countries.
 a) activity b) embassy c) booklet d) departure
165. There are a few trees in our garden. "a few" is an opposite of -----.
 a) around b) instead c) near d) many
166. Planets and stars are different from each other. They aren't so much -----.
 a) rocky b) near c) alike d) alive
167. It's important to ----- science to students at schools.
 a) recite b) teach c) rest d) quit
168. Cats and dogs are domestic animals. "domestic" is an opposite of -----.
 a) dead b) safe c) hurtful d) wild
169. You can see our website or ----- this booklet to get more information.
 a) locate b) attract c) spend d) check
170. Our holy prophet (PBUH) said, "----- knowledge from cradle to the grave."
 a) attend b) quit c) seek d) solve
171. One of the smallest ----- of our body is the cell.
 a) parts b) orbits c) facts d) types
172. Some ----- do not pay attention to the wild life. They hunt all the animals.
 a) trips b) programs c) advice d) hunters
173. The best way to learn a ----- language is to live in a country where it is spoken.
 a) domestic b) foreign c) popular d) successful
174. Tell me -----, Kate, what do you think of John?
 a) suitably b) probably c) honestly d) suitably
175. My father is a good person. He never ----- the animals in the jungle.
 a) hunts b) cuts c) hopes d) protects
176. It's ----- that our body is one of the wonders of creation.
 a) clever b) clear c) alive d) alike
177. A: "Is your little brother taller than last year?" B: "Yes, children ----- rapidly."
 a) put aside b) grow up c) look for d) look like
178. Can camels travel ----- hot and dry deserts with little food and water?
 a) against b) during c) across d) without
179. Did you know that most of the world's ----- countries are in Africa?
 a) ugliest b) deepest c) poorest d) farthest
180. A: "Would you like to have dinner with us?" B: "I can't. -----, I have to study tonight."
 a) especially b) unfortunately c) easily d) luckily

181. "Raman" decided to----- city life and live in a small village.
 a) grow up b) give up c) protect d) increase
182. She suddenly ----- that her keys were in her other bag.
 a) attended b) observed c) remembered d) behaved
183. You know that ----- tourists travel to different parts of their own country.
 a) international b) historical c) familiar d) domestic
184. What do you ----- when you say everything is possible?
 a) destroy b) hurt c) cut d) mean
185. You can take pictures with this camera easily and fast because it's really -----.
 a) absent b) energetic c) successful d) modern
186. Planets are really amazing but not so much ----- . They are different.
 a) nearer b) alike c) useful d) rocky
187. The villagers were very kind and ----- to anyone who visited their village.
 a) traditional b) hospitable c) domestic d) historical
188. One of the smallest ----- of our body is the cell. There are millions of them in our body.
 a) liquid b) parts c) facts d) signs
189. "Oromia" ----- is in the north west of Iran and is the biggest one inside our country.
 a) plain b) jungle c) lake d) trip
190. Living abroad is the best way to learn a foreign ----- ,
 a) embassy b) flight c) language d) suggestion
191. He never ----- his interest for making new things. Finally, he became a great inventor.
 a) developed b) published c) grew d) lost
192. The waiter was too rude. He didn't speak ----- .
 a) rudely b) loudly c) comfortably d) nicely
193. His shoe was very dirty. There were some ----- of blood on it.
 a) rings b) drops c) systems d) rocks
194. If you do exercise, you will be healthy and ----- .
 a) interesting b) useful c) strong d) true
195. My older brother was angry, but he sat down and listened to me ----- .
 a) angrily b) bravely c) patiently d) rudely
196. She was famous for doing thousands of experiments to find ----- to problems.
 a) answers b) cradles c) values d) novels
197. Vegetable sandwiches are easy to ----- , so they are useful for short trips.
 a) spend b) prepare c) attract d) locate
198. When you go on a long trip, there is a(n) ----- of illnesses, so take care of yourself.
 a) plan b) risk c) host d) image
199. My five-year-old daughter always goes to kindergarten happily and is full of ----- .
 a) oxygen b) fact c) sign d) energy
200. The Russian soldiers ----- the country against foreign enemies many times.
 a) attacked b) defended c) fought d) taught

201. I always run all the way home, so my heart is ----- fast.
a) orbiting b) carrying c) pumping d) doing
202. She didn't sleep last night, so no ----- she's tired.
a) wonder b) power c) sign d) fact
203. Do you think a computer will ever be as powerful as your -----?
a) organ b) heart c) nation d) brain
204. It's ----- for you to cross the street when the light is red.
a) powerful b) useful c) rocky d) dangerous
205. It's ----- that the system of our body is among the wonders of creation.
a) alike b) alive c) clever d) clear
206. When you go to the nature on your holiday, don't forget to ----- the fire.
a) fill out b) take care c) put out d) pay attention
207. The ----- to scientists' success is their hard work.
a) gain b) pain c) end d) key
208. My father thinks that Spain is a very popular ----- for traveling in summer.
a) attraction b) pyramid c) entertainment d) destination
209. The policeman answered the tourists politely and -----.
a) patiently b) probably c) rudely d) hungrily
210. He's going to stay at least three weeks, ----- longer.
a) possibly b) safely c) quietly d) neatly
211. Doctors helped people with penicillin while the flu was -----.
a) putting aside b) getting around c) going out d) filling out
212. You should go to the ----- of a foreign country to get visa.
a) agency b) embassy c) booklet d) sites
213. It's not health to eat junk food during your trip. You should ----- your meals yourself.
a) spend b) locate c) attract d) prepare
214. My brother ----- his foot while he was playing football.
a) saved b) hurt c) protected d) heard
215. The cells of our body can get oxygen by every ----- of the heart.
a) pump b) orbit c) ring d) wonder
216. Because of a serious illness, he can't ----- his body as most people can.
a) carry b) collect c) move d) grow
217. It's important to read and to ----- the holy Quran during childhood.
a) publish b) recite c) attend d) cheer
218. At this time of the year, most animals are ----- for winter.
a) spending b) preparing c) checking d) solving
219. Firemen always ----- endangered people from danger.
a) put out b) increase c) hurt d) save
220. My mother knows French. She's going to ----- the holy Quran into French.
a) feel b) solve c) translate d) attend

221. It's important to become ----- with your destination before your trip.
 a) familiar b) popular c) attractive d) similar
222. I participate in an online course to learn about ----- the nature.
 a) hurting b) saving c) increasing d) hunting
223. They have carpets in wide range of colors in their store, so its difficult to make a -----.
 a) suggestion b) choice c) tour d) price
224. She ----- her first book when she was a young student.
 a) solved b) quitted c) believed d) published
225. She always eat healthy food. She ----- strong.
 a) defends b) seems c) carries d) moves
226. You should know your destination before your trip by reading travel -----.
 a) prices b) hosts c) booklets d) paradises
227. I don't know all the ----- about your sister. Is it true that she is a famous person?
 a) rings b) creations c) facts d) types
228. She's an excellent teacher and I have the greatest ----- for her.
 a) plan b) behavior c) respect d) suggestion
229. If you want to succeed, you have to take a lot of -----.
 a) risks b) behaviors c) respects d) prices
230. We must not break any rules in a foreign country. If we want to have a good and ----- trip.
 a) holy b) ready c) safe d) polite
231. I do a research about how to ----- animals from danger.
 a) protect b) hurt c) hunt d) increase
232. One of the most interesting ----- about our body is blood.
 a) orbits b) wonders c) rings d) types
233. We opened an account to ----- money to help injured animals.
 a) mean b) destroy c) attend d) save
234. I really like math. I can ----- math problems fast.
 a) develop b) solve c) grow d) quit
235. My father is a good firefighter. He ----- the fire fast and helps the people.
 a) pays attention b) puts out c) destroys d) protects
236. Firefighters always work quickly. The opposite of "quickly" is -----.
 a) rapidly b) easily c) slowly d) sadly
237. It's important to ----- nature and people and everything during our trip.
 a) spend b) respect c) locate d) prepare
238. The firefighters always ----- of their car fast.
 a) fill out b) put aside c) put out d) jump out
239. Doctors say suitable and useful foods ----- us healthy and alive.
 a) collect b) carry c) seem d) keep
240. You're breaking the ----- if you touch the ball with your hands.
 a) prices b) skills c) shelves d) rule

241. A: "In which ----- can we visit the ancient pyramids?" B: "I think Africa."
 a) suggestion b) entertainment c) continent d) country
242. A: "What's your advice about the nature?" B: "Never ----- wildlife."
 a) protect b) put out c) hunt d) destroy
243. Red blood cells ----- carbon dioxide from body parts.
 a) carry b) collect c) defend d) keep
244. White cells in our blood defend our body ----- microbes.
 a) like b) without c) around d) against
245. If you don't have an accident on the snowy roads, you should be able to return -----.
 a) loudly b) bravely c) safely d) neatly
246. His family had a terrible accident, all of them are -----.
 a) natural b) special c) injured d) domestic
247. Yesterday a careless driver ----- me and hurt my hand.
 a) put b) hit c) lost d) grew
248. You should make a/an ----- between your family and your job.
 a) choice b) trip c) vacation d) pyramid
249. I work in a company that ----- children's books.
 a) publishes b) believes c) observes d) behaves
250. My older brother wants to go to ----- to study medicine when he finishes high school.
 a) laboratory b) university c) drugstore d) hospital
251. -----, fire destroyed most of their house in 1828.
 a) Fortunately b) Especially c) Sadly d) Naturally
252. The ----- of the French novel into Chinese took him more than three months.
 a) research b) translation c) knowledge d) success
253. My friend is very upset because her father ----- in a car accident last week.
 a) forgot b) attended c) passed away d) put aside
254. The earth is ----- to an orange in shape.
 a) familiar b) attractive c) similar d) actual
255. He never lost his interest for making new things. Finally, he became a great -----.
 a) translate b) inventor c) experiment d) knowledge
256. Is this film appropriate for small children? The underlined word means -----.
 a) amazing b) weak c) suitable d) successful
257. When I went to Egypt, I kept my ticket as a ----- of my trip.
 a) booklet b) rule c) souvenir d) suggestion
258. Blood is an amazing ----- from Allah. We really thank Allah.
 a) drop b) gift c) cell d) type
259. I love the animals and I always take care of the -----.
 a) humans b) present c) wildlife d) plains
260. The key to scientists' success is their ----- in themselves.
 a) research b) experiment c) belief d) invention

261. I have a bad headache. I want to buy some -----.
- a) research b) medicine c) experiment d) invention
262. We can ----- our body healthy by doing exercise.
- a) keep b) collect c) defend d) seem
263. We can thank Allah by keeping our body -----.
- a) different b) interesting c) healthy d) daily
264. We had an exam but we couldn't ----- on time and failed it.
- a) arrive b) value c) feel d) need
265. A: "What's your favorite hobby?" B: "Going to the ----- and looking at the flowers."
- a) future b) earth c) nature d) spring
266. If anyone has a better -----, let's hear it.
- a) choice b) culture c) suggestion d) image
267. She thought a lot about how to ----- this winter vacation.
- a) spend b) wait c) save d) attract
268. Ancient places of Iran are ----- for the tourists.
- a) rapid b) attractive c) religious d) kind
269. Tom usually eats ----- fruits and vegetables, and doesn't eat meat.
- a) fresh b) actual c) familiar d) local
270. I watched a film about the ----- of the blood stream.
- a) exercise b) body c) system d) part
271. When you can't do something the first time you should try -----.
- a) again b) little c) before d) one time
272. My friend is really brave. She plays with ----- animals in the jungle.
- a) wild b) domestic c) helpful d) important
273. Culture is the special belief and ----- of a group of people.
- a) behavior b) journey c) experiment d) fun
274. My mother uses ----- vegetables for cooking so our dinner is always great.
- a) true b) clear c) medium d) fresh
275. The students should wear ----- clothes for attending the classes.
- a). dirty b) metal c) appropriate d) old
276. It was too late to save the sick woman, and she -----.
- a) attacked b) died c) worried d) swam
277. I was ----- to show my bad marks in math to my parents.
- a) happy b) ashamed c) running d) glad
278. She always ----- herself with the best students of the class.
- a) surf b) respect c) compare d) invite
279. The French word 'bonjour' ----- as 'hello' in English.
- a) publishes b) develops c) translates d) believes
280. What did people do for ----- at home before inventing TV?
- a) behavior b) entertainment c) culture d) attraction

281. Some people do not ----- to the nature and they cut the trees in the jungles.
 a) pay attention b) put out c) die out d) protect
282. Humans change some metals into ----- by making them hot.
 a) sign b) liquid c) fact d) cell
283. If you water this plant too much, you'll ----- it.
 a) kill b) quit c) create d) hunt
284. A: "How are they ----- the jungles?" B: "By putting out the fire."
 a) destroying b) burning c) saving d) cutting
285. Our knowledge ----- by studying new books.
 a) develops b) cleans c) invents d) drops
286. Children usually learn foreign languages very -----.
 a) suddenly b) recently c) finally d) quickly
287. Telescopes and microscopes are every ----- machines for working on different creations.
 a) daily b) true c) useful d) medium
288. Everybody should respect other people's -----.
 a) site b) pain c) flight d) culture
289. To get a visa, you should go to the Swedish -----.
 a) embassy b) history c) culture d) museum
290. You can go to the ----- to see planets or stars.
 a) systems b) wonders c) villages d) observatories
291. "How can you help ----- animals like Iranian cheetahs?"
 a) natural b) favorite c) terrible d) endangered
292. The police ----- a man leaving the house this morning.
 a) attended b) behaved c) observed d) developed
293. Schools here put ----- on listening and speaking.
 a) health b) care c) emphasis d) medicine
294. Wonders of creation like our blood or our bones are ----- of God's power.
 a) signs b) rings c) nature d) rocks
295. A: "What's your ----- for the future?" B: "I'd like to be a good teacher."
 a) safe b) danger c) wildlife d) plan
296. My sister studied ----- at one of the best universities in the country. She is a famous doctor.
 a) translation b) medicine c) science d) disease
297. They ----- all the employees before starting their job.
 a) interview b) ask c) answer d) develop
298. He will easily find a job with his knowledge and ----- soon.
 a) beliefs b) values c) skills d) facts
299. In summer, its ----- until about eight o'clock.
 a) power b) light c) deep d) fresh
300. Everybody should be careful about his behavior in a ----- country.
 a) proper b) wonderful c) probable d) foreign

301. Honey is a ----- and yellow liquid that is really useful for our health.
 a) medium b) true c) clear d) alike
302. A: "How can you help the endangered animals? B: "By ----- their homes."
 a) protecting b) destroying c) cutting d) putting out
303. Doctors try to find new ----- to save the lives of the people.
 a) hospitals b) places c) tests d) medicines
304. Her parents are really generous. The synonym of the underlined word means -----.
 a) mean b) kind c) hospitable d) angry
305. A ----- is a person who does experiment to find answers to the problems.
 a) scientist b) sportsman c) driver d) policeman
306. It's so ----- that all the parts of our body are wonders of creation.
 a) alike b) clear c) alive d) next
307. A: "Are they ----- animals?" B: "Yes, they are Iranian cheetahs."
 a) injured b) endangered c) domestic d) lost
308. I wanted to take my friend's ----- to take pictures of tom's new house.
 a) cradle b) shelf c) lens d) camera
309. -----, the firefighters put out the fire before it became too serious.
 a) Especially b) Fortunately c) Patiently d) Sadly
310. If you look at the sky at night, you can see ----- of stars easily.
 a) beliefs b) science c) values d) thousands
311. Do not worry about winning or losing, think of what you will -----.
 a) quit b) attend c) gain d) seek
312. My doctor told me to stay in bed ----- I feel better.
 a) against b) like c) during d) until
313. Do you believe that computer is one of the most important ----- of the human?
 a) translation b) invention c) knowledge d) research
314. We waited for him until two o'clock and ----- we went home.
 a) suddenly b) easily c) finally d) hopefully
315. You must always have the ----- that you can be successful.
 a) interest b) skill c) belief d) power
316. He didn't want to be left on his own. The underlined part means -----.
 a) strong b) worried c) alive d) alone
317. My older brother is able to ----- Persian into English very easily.
 a) translate b) take c) send d) turn
318. Chips and cookies are not ----- foods for little children.
 a) healthy b) ancient c) cultural d) local
319. The doctor gave my younger sister some ----- to take for her cough this morning.
 a) medicine b) liquid c) metal d) experiment
320. Tom told me that Mary was good at playing the piano, but I didn't really ----- him until I heard her play.
 a) observe b) stop c) believe d) remember

321. He drove so fast that I really felt my life was in -----.
 a) care b) danger c) health d) hope
322. My uncle brought some nice ----- from his holiday in Shiraz.
 a) souvenirs b) winds c) pilgrims d) flights
323. My friend was ----- in math so I helped him a lot.
 a) weak b) strong c) angry d) happy
324. Don't ----- if you can't finish all the questions.
 a) defend b) worry c) fight d) attack
325. Something you keep to help you remember a place is called a -----.
 a) shop b) souvenir c) booklet d.) pyramid
326. My friend didn't come on time and wanted me to ----- for him a long time.
 a) wait b) count c) invent d) waste
327. Viruses need to be inside a ----- cell to live and grow.
 a) deaf b) liquid c) clean d) living
328. Tom had a ----- in his stomach, so he went to the hospital.
 a) pain b) cell c) wall d) pen
329. Suddenly, she ----- laughing and looked serious.
 a) forgot b) stopped c) gained d) behaved
330. Tradition and ----- are sometimes different with the needs of modern living.
 a) culture b) nature c) program d) information
331. These animals sleep in the day and ----- at night.
 a) burn b) hunt c) run d) plant
332. Bacteria and viruses are two important ----- of microbes.
 a) types b) elements c) drops d) areas
333. A small bed for a baby, especially one that moves from side to side is a / an -----.
 a) grave b) shelf c) cradle d) orbit
334. Finally, after many years of war, people on both sides wanted -----.
 a) fight b) peace c) attack d) value
335. The teacher ----- the importance of education and hard working.
 a) collected b) donated c) dropped d) emphasized
336. The Hubble Telescope ----- the Earth every 97 minutes.
 a) defends b) protects c) pumps d) orbits
337. When I have a ----- I ask my father to help me.
 a) gain b) notice c) device d) problem
338. I don't want to ----- when I don't know the answer to a problem.
 a) give up b) pass away c) look for d) turn on
339. I asked him a simple question but he gave me a long and boring -----.
 a) test b) knowledge c) answer d) experiment
340. She does ----- work for the Red Cross two days a week.
 a) hopeless b) voluntary c) harmful d) soft

341. The national football team will ----- in Tokyo tomorrow afternoon.
a) keep b) bore c) arrive d) move
342. The bomb will probably ----- the soldiers and destroy the bridge.
a) water b) find c) kill d) cut
343. We ----- out of the class when we heard the loud noise.
a) searched b) needed c) visited d) jumped
344. I'm sure my uncle hasn't gone ----- since 2010. He has always been in Iran.
a) across b) abroad c) above d) inside
345. Every year, we ----- our blood to those who need it.
a) donate b) protect c) take care of d) pump
346. I feel ----- that I brought to you so much trouble.
a) ashamed b) happy c) cold d) safe
347. My grandfather remembered the names from seventy years ago - isn't that very -----?
a) natural b) boring c) amazing d) tiring
348. My older brother was thirsty so he asked me ----- for a glass of water.
a) safely b) patiently c) politely d) probably
349. He wants to do ----- into the nature of human cells.
a) science b) knowledge c) research d) interest
350. We don't exactly know if he is ----- or dead.
a) suitable b) famous c) fake d) alive
351. The film was so ----- that I left the cinema in the middle of it.
a) dry b) correct c) boring d) new
352. The Great Wall of China is one of the seven ----- of the world.
a) signs b) details c) abilities d) wonders
353. I can't ----- the meeting but I'll send my friend instead.
a) attempt b) focus c) attend d) destroy
354. Don't ----- all your money on the first day of your holiday!
a) spend b) check c) gain d) shop
355. Tom has the flu and he's feeling ----- now.
a) poor b) energetic c) weak d) fresh
356. Keeping the house ----- and clean is a very difficult work.
a) heavy b) common c) neat d) deep
357. The book was written in a style ----- to the age of the children.
a) rocky b) late c) fresh d) appropriate
358. In the -----, camels are more important than cars for travelling.
a) embassy b) desert c) pyramid d) airport
359. A: "Where the Milad Tower is -----?" B: "In Tehran."
a) prepared b) located c) attracted d) planned
360. Did you know that Hamadan has many interesting historical -----?
a) price b) agents c) hosts d) sites

1	A	41	C	81	A	121	A	161	D	201	C	241	C	281	A	321	B
2	D	42	B	82	C	122	A	162	C	202	A	242	D	282	B	322	A
3	A	43	C	83	C	123	B	163	C	203	D	243	B	283	A	323	A
4	C	44	A	84	B	124	B	164	C	204	D	244	D	284	C	324	B
5	C	45	C	85	D	125	B	165	D	205	D	245	C	285	A	325	B
6	D	46	B	86	A	126	D	166	C	206	C	246	C	286	D	326	A
7	B	47	A	87	B	127	D	167	B	207	D	247	B	287	C	327	D
8	B	48	A	88	B	128	A	168	D	208	D	248	A	288	D	328	A
9	D	49	B	89	D	129	B	169	D	209	A	249	A	289	A	329	B
10	C	50	D	90	D	130	B	170	C	210	A	250	B	290	C	330	A
11	C	51	C	91	B	131	D	171	A	211	B	251	C	291	D	331	B
12	A	52	C	92	C	132	B	172	D	212	B	252	B	292	C	332	A
13	A	53	A	93	A	133	B	173	B	213	D	253	C	293	C	333	C
14	B	54	D	94	D	134	C	174	C	214	B	254	C	294	A	334	B
15	C	55	B	95	B	135	D	175	A	215	A	255	B	295	D	335	D
16	C	56	B	96	B	136	C	176	B	216	C	256	C	296	B	336	D
17	D	57	D	97	B	137	B	177	B	217	B	257	C	297	A	337	D
18	B	58	B	98	A	138	B	178	C	218	B	258	b	298	C	338	A
19	B	59	C	99	B	139	D	179	C	219	D	259	C	299	B	339	C
20	D	60	C	100	B	140	D	180	B	220	C	260	c	300	d	340	B
21	D	61	D	101	B	141	A	181	B	221	A	261	B	301	C	341	C
22	B	62	D	102	B	142	D	182	C	222	B	262	A	302	A	342	C
23	B	63	C	103	C	143	B	183	D	223	B	263	C	303	D	343	D
24	D	64	D	104	D	144	B	184	D	224	D	264	A	304	B	344	B
25	B	65	D	105	C	145	A	185	D	225	B	265	C	305	A	345	A
26	B	66	C	106	C	146	A	186	B	226	C	266	C	306	B	346	A
27	D	67	B	107	A	147	C	187	B	227	C	267	A	307	B	347	C
28	A	68	A	108	A	148	C	188	B	228	C	268	B	308	D	348	C
29	D	69	C	109	B	149	C	189	C	229	A	269	A	309	B	349	C
30	C	70	A	110	A	150	D	190	C	230	C	270	C	310	D	350	D
31	D	71	C	111	C	151	B	191	D	231	A	271	A	311	C	351	C
32	A	72	B	112	C	152	B	192	D	232	B	272	A	312	D	352	D
33	D	73	A	113	D	153	A	193	B	233	D	273	A	313	B	353	C
34	B	74	B	114	C	154	B	194	C	234	B	274	D	314	C	354	A
35	D	75	D	115	B	155	C	195	C	235	B	275	C	315	C	355	C
36	A	76	B	116	C	156	C	196	A	236	A	276	B	316	D	356	C
37	A	77	A	117	C	157	B	197	B	237	B	277	B	317	A	357	D
38	C	78	C	118	C	158	B	198	B	238	D	278	C	318	A	358	B
39	C	79	D	119	D	159	D	199	D	239	D	279	C	319	A	359	B
40	A	80	C	120	D	160	B	200	B	240	D	280	B	320	C	360	D

Part Three:

“Vision 2”

English for 11th Grade

- **Lesson 1:** *Understanding people* 135
- **Lesson 2:** *A Healthy Lifestyle* 163
- **Lesson 3:** *The power of Art* 189

“No success is possible without hard work”

Lesson One:

“Understanding People”

“فهم مردم”

And among His signs is the creation of the heavens and the earth, and the variations in your languages and your colors: verily in that are signs for those who know. *“The Roman 22”*

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین و گوناگونی رنگ پوست و اختلاف زبانهای شماست، همانا در این امر نشانهایی برای دانایان وجود دارد. (سوره روم آیه ۲۲)

لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) *Key Words of Vision Two*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
ability	توانایی - لیاقت ، شایستگی	completely	کاملاً
absolutely	کاملاً ، قطعاً	confident	مطمئن
access	دسترسی، دستیابی - اضافی	consider	بررسی کردن، در نظر گرفتن
across	از عرض ، در امتداد	context	(جمله) بافت
action	اقدام، عمل	continent	قاره
add	اضافه کردن، جمع بستن	create	ایجاد کردن
additional	اضافی	cultural	فرهنگی
afraid	ترسیدن، نگران بودن	culture	فرهنگ
age	سن، عمر - عصر ، دوره	danger	خطر
always	همیشه	day-to-day	روزانه
amazing	شگفت انگیز، حیرت برانگیز	deaf	کر، ناشنوا
amount	مقدار، میزان	despite	علی رغم - با وجود ، با اینکه
appear	آشکار شدن - به نظر رسیدن	destroy	تخریب کردن، نابود کردن
appropriate	مناسب، شایسته ، درخور	develop	توسعه دادن، گسترش دادن
artist	هنرمند ، هنرپیشه	development	توسعه
at least	حداقل	dictionary	فرهنگ لغت
available	موجود، در دسترس	die	(زبان) از بین رفتن ، مردن
beginner	مبتدی، تازه کار	die out	از بین رفتن، منقرض شدن
beginning	شروع، آغاز، ابتدا	difference	تفاوت، اختلاف
belief	اعتقاد، باور، ایمان	disappear	ناپدید شدن
belong	تعلق داشتن به، وابسته بودن به	early	زود، به زودی - اولیه
besides	به غیر از، علاوه بر	endangered	در معرض خطر
broadcast	پخش (برنامه تلویزیونی و...)	enjoy	لذت بردن
borrow	قرض گرفتن	escape	فرار کردن
bottle	بطری	exchange	مبادله کردن، عوض کردن
call	نامیدن، صدا زدن - تماس گرفتن	exercise	تمرین(درس) - ورزش
candle	شمع	explanation	توضیح
capital letter	حرف بزرگ	exist	وجود داشتن، هستی داشتن
century	قرن	experience	تجربه
certainly	قطعاً ، مسلماً	fall down	افتادن، سقوط کردن
choose	انتخاب کردن	farming	کشاورزی
circle	دور ... خط کشیدن، چرخیدن	favorite	مطلوب، مورد علاقه
communicate	ارتباط برقرار کردن	feeling	احساس
comb	شانه (برس موی سر)	finally	در نهایت، سرانجام
communication	ارتباط	fluent	(سخن) روان، سلیس
complete	کامل کردن، تکمیل کردن	fluently	به طور روان

لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
foreigner	خارجی	matter	مسئله، مشکل
form	تشکیل دادن	mean	معنی دادن، منظور داشتن
fortunately	خوشبختانه	means	وسیله، ابزار
frequently	اغلب، پی در پی، به طور مکرر	measure	اندازه گیری کردن
give up	رها کردن، تسلیم شدن	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
grade	نمره - درجه، کلاس	mental	ذهنی
greatly	زیاد، به طور عمده	mention	بیان کردن، ذکر کردن
happen	اتفاق افتادن، روی دادن	mind	ذهن
hint	اشاره، نکته	mother tongue	زبان مادری
holy	مقدس	museum	موزه
honest	درستکار، صادق، راستگو	nation	ملت، کشور
honestly	به درستی، صادقانه	native	بومی، مادری، محلی
host	میزبان، مجری تلویزیونی	nearly	تقریباً، تا حدودی
imagine	تصور کردن	neighbor	همسایه
impossible	غیر ممکن	never	هرگز
increase	افزایش دادن	notebook	دفترچه یادداشت
institute	مؤسسه	notice	توجه
intent	قصد، تمایل	nowadays	این روزها، امروزه
interest	علاقه	number	عدد، رقم - شماره
international	بین المللی	object	مفعول - شیء
interview	مصاحبه کردن، مصاحبه	often	اغلب
invite	دعوت کردن	orally	به طور شفاهی
knowledge	دانش	order	سفارش دادن - نظم، ترتیب
label	نشان، برچسب، برچسب زدن	pattern	الگو، روش
language	زبان	period	نقطه - دوره زمانی
largely	زیاد، به طور عمده	photograph	عکس
laugh	خندیدن	phrase	عبارت
less	کمتر	physical	جسمی، بدنی
list	فهرست کردن، فهرست، لیست	pick	برداشتن
loaf	(نان) قرص	popular	محبوب - پر طرفدار
lose	از دست دادن، گم کردن - باختن	power	قدرت، توان - نیروی برق
loudly	با صدای بلند	predictive	قابل پیش بینی
luckily	خوشبختانه	price	قیمت، نرخ، بها - ارزش
make up	تشکیل دادن	percent	درصد
mark	علامت گذاری کردن، نشانه، علامت	probable	محتمل، احتمالی
master	یادگرفتن، مسلط شدن، استاد	project	پروژه، طرح، برنامه

لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) Key Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
pronounce	تلفظ کردن	strong	قوی
pronunciation	تلفظ	subject	فاعل - موضوع
protect	حمایت کردن، محافظت کردن	suggest	پیشنهاد دادن
protection	حمایت، محافظت	suitable	مناسب - شایسته
quiet	ساکت، آرام، بی صدا	surf	گشتن در (اینترنت)
quit	ترک کردن	surprising	تعجب آور - شگفت انگیز
range	امتداد داشتن - در نوسان بودن	syllable	هجا بخش (کلمه)
ready	آماده - حاضر	synonym	هم معنی - مترادف
receive	بدست آوردن، دریافت کردن	system	سیستم
remember	به خاطر آوردن	take	گرفتن - برداشتن
repeat	تکرار کردن	therefore	بنابراین
respect	احترام گذاشتن	through	از طریق - از میان ، از وسط
save	ذخیره کردن	tiny	کوچک، ریز
scan	نگاه سریع انداختن	tongue	زبان - بر زبان آوردن
seek	جستجو کردن	translate	ترجمه کردن
sign	نشانه	translator	مترجم
sign language	زبان اشاره	turn off	خاموش کردن
similar	مشابه، یکسان	twice	دوبار
simple	ساده، آسان	type	نوع ، دسته - تایپ کردن
simply	به سادگی	under	زیر
skill	مهارت - استادی - هنرمندی	underline	زیر... خط کشیدن
slice	تکه - قاچ ، برش	understand	فهمیدن، متوجه شدن، درک کردن
smart	باهوش، زرنگ	unfortunately	متأسفانه
society	جامعه، اجتماع	usually	معمولاً
sometimes	گاهی، بعضی اوقات	valuable	با ارزش، گران بها
space	فضا - فاصله	value	ارزش، بها ، نرخ
speaker	سخنران. گوینده	vary	تغییر دادن، نوسان کردن، عوض کردن
specific	ویژه، خاص	visit	دیدن ، ملاقات کردن
step	مرحله ، قدم	way	روش، راه، شیوه ، طریقه
storybook	کتاب داستان	wish	آرزو
strategy	راهکار - استراتژی	written	کتبی، نوشتاری
stress	تأکید - استرس	wrongly	به اشتباه، غلط

سایر لغات مهم درس اول پایه یازدهم (Lesson One) *Other Words of Vision Two*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
happiness	خوشحالی	survive	زنده ماندن
vocabulary	واژگان	compare	مقایسه کردن
honesty	صداقت ، درستکاری	training	آموزش
fear	ترس	layer	لایه
luck	شانس ، بخت	straight	مستقیم ، راست
patience	صبر	willing	مایل، مشتاق
cement	سیمان	continuously	پیوسته ، همیشگی
grass	چمن	firmly	محکم ، ثابت
butter	کره	transfer	انتقال دادن
toothpaste	خمیر دندان	advance	پیشرفت ، پیش بردن
steam	بخار ، بخار آب	population	جمعیت
wrestling	کشتی گرفتن	run	دویدن، اداره کردن
flour	آرد	carelessness	بی فکری ، بی توجهی ، بی مبالاتی
dust	گرد و غبار	doubt	شک داشتن
chalk	گچ	reach	رسیدن به ، دست یافتن
sand	شن	promise	قول دادن
salt	نمک	admit	پذیرفتن ، اجازه دادن
transportation	حمل و نقل	entirely	کاملا
furniture	اسباب ، وسایل	actually	در واقع
equipment	تجهیزات	lie	دروغ گفتن
jewelry	جواهر فروشی	suffer from	رنج بردن از
machinery	دستگاه	during	در زمان ، در طی

یادداشت:

Conversation (student Book: Page 19 - 20)

Babak Saberian is a translator who works for IRIB1. Today, he is hosting Meysam in his office. Meysam is a high school student. He is interviewing Mr. Saberian for his school project.

بابک صابریان یک مترجم است که برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران کار می کند. او امروز در دفتر کارش میزبان میثم است. میثم یک دانش آموز دبیرستانی است. او در حال مصاحبه با آقای صابریان برای پروژه ی مدرسه اش است.

Meysam: Thank you Mr. Saberian for inviting me to your office.

میثم: آقای صابریان از دعوت من به دفتر کارتون متشکرم.

Mr. Saberian: You're welcome!

آقای صابریان: خواهش می کنم!

Meysam: I heard you know three languages. Is that right?

میثم: من شنیدم شما ۳ زبان بلدید. درسته؟

Mr. Saberian: Well, actually four languages.

آقای صابریان: خُب. راستش چهار زبان (بلدم).

Meysam: Four! Really?! What languages do you know?

میثم: چهار (زبان)! واقعاً؟ چه زبان هایی را می دونید؟

Mr. Saberian: Besides my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well

آقای صابریان: من علاوه بر زبان مادری ام فارسی، انگلیسی، فرانسوی و روسی رو به خوبی می دونم.

Meysam: Interesting! And when did you learn them?

میثم: جالبه! و شما چه موقع اونا (این زبانها) رو یاد گرفتید؟

Mr. Saberian: I began learning English at school when I was thirteen. Then I began learning French in a language institute when I was fifteen. And I learned Russian when I was a university student in Moscow.

آقای صابریان: من در مدرسه وقتی سیزده ساله بودم شروع به یادگیری انگلیسی کردم. بعد، وقتی پانزده ساله بودم در یک مؤسسه ی زبان شروع به یادگیری فرانسوی کردم و هنگامی که در مسکو دانشجو بودم روسی یاد گرفتم.

Meysam: Can you use all of them fluently?

میثم: آیا شما می تونید از همه ی اونا روان استفاده کنید؟

Mr. Saberian: I know all of them well, but I use English more.

آقای صابریان: من همه ی اونا رو خوب بلدم. اما از انگلیسی بیشتر استفاده می کنم.

Meysam: OK. Do you think language learning should start as early as possible?

میثم: بسیار خُب. آیا شما فکر می کنید یادگیری زبان باید خیلی زود شروع بشه؟

Mr. Saberian: My experience says interest and hard work are really more important than age.

آقای صابریان: تجربه ی من می گه علاقه و سخت کوشی واقعاً مهم تر از سن هستند.

Meysam: Hmm... that's an important point. May I know what your favorite language is? English, French, or Russian?

میثم: هووووم این نکته ی مهمیه. آیا ممکنه بدونم زبان مورد علاقه ی شما چیه؟ انگلیسی، فرانسوی یا روسی؟

Mr. Saberian: To be honest, I enjoy using them all, but my favorite language is absolutely my mother tongue!

آقای صابریان: صادقانه (بگم) ، من از به کار بردن همه ی اونا لذت می برم. اما زبان مورد علاقه ی من قطعاً زبان

مادریمه!

یادداشت:

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

زبان سیستم برقراری ارتباط است. آن از کلمه های نوشتاری و گفتاری استفاده می کند. مردم در جامعه از زبان استفاده می کنند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. آن ها از طریق آن (زبان) تبادل دانش ، عقاید ، آرزوها و احساسات می کنند.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

زبان ها از یک منطقه به منطقه ی دیگر خیلی فرق می کنند. آن ها ان قدر متفاوت هستند که یک شخص ممکن است زبان یک نفر از یک منطقه ، کشور یا قاره ی دیگر را درک نکند. جای تعجب نیست که بشنویم امروزه حدود ۷۰۰۰ زبان در دنیا وجود دارند. در آفریقا بیش از ۲۰۰۰ (زبان) ، در آمریکا ۱۰۰۰ (زبان) ، در آسیا بیش از ۲۲۵۰ (زبان) ، در اروپا حدود ۲۳۰ (زبان) و در اقیانوسیه بیش از ۱۳۰۰ زبان وجود دارند.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese. More than one billion people in the world speak Chinese.

صحبت کننده های بومی این زبانها از نظر تعداد از خیلی زیاد، با صدها میلیون صحبت کننده، تا خیلی کم، با کم تر از ۱۰ صحبت کننده متغییر هستند. پرطرفدارترین زبان دنیا چینی است. بیش از یک میلیارد نفر در دنیا چینی صحبت می کنند.

Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world. They learn English as an international language.

جالب این که انگلیسی صحبت کننده های بومی کم تری از چینی دارد اما در سرتاسر جهان حدود یک میلیارد فراگیر انگلیسی وجود دارد. آن ها زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان بین المللی یاد می گیرند.

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers. The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them 'endangered languages'. As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

حدود پنجاه درصد از زبان های دنیا کمتر از ۵۰۰۰ صحبت کننده دارند. در ابتدای این قرن، ۲۰۴ زبان کم تر از ۱۰ صحبت کننده و ۳۴۴ زبان بین ۱۰ تا ۹۹ صحبت کننده داشتند. ۸۴۸ زبان با کمتر از ۹۹ صحبت کننده حدود ۸ درصد زبان های دنیا را تشکیل می دهند. ما ان ها را «زبان های در معرض خطر» می نامیم. هم چنان که صحبت کننده های چنین زبان هایی پیر می شوند و می میرند، زبان هایشان نیز خواهند مرد.

All languages are really valuable, despite their differences. Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its own speakers. It is impossible to imagine the world without language. Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.

همه ی زبان ها علی رغم اختلاف هایشان واقعاً با ارزش هستند. هر زبانی یک وسیله ی ارتباطی شگفت انگیز است که نیاز های صحبت کننده هایش را بر آورده می کند. غیر ممکن است که دنیا را بدون زبان تصور کرد. بنابراین، ما باید به همه ی زبان ها احترام بگذاریم، مهم نیست که آنها چقدر متفاوت هستند و چه تعداد صحبت کننده دارند.

یادداشت:

گرامر درس اول:

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

در درس اول سال دهم به طور مفصل با اسم و انواع آن آشنا شدیم. در این درس با یک تقسیم بندی دیگر اسامی آشنا خواهیم شد. از نظر اینکه آیا اسمها را میتوان شمرد یا نه، اسامی به دو دسته ی "قابل شمارش" و "غیر قابل شمارش" تقسیم میشوند.

۱) اسمهای قابل شمارش (Countable Nouns):

اسمهای قابل شمارش اسم هایی هستند که بتوان آنها را شمارش کرد. این اسم ها میتوانند به دو صورت "مفرد" و "جمع" باشند. قبل از اسمهای قابل شمارش میتوان از اعداد برای شمارش آنها استفاده کرد. مثلا اسم "کتاب". ما می توانیم بگوئیم ۱ کتاب، ۲ کتاب. اسم مفرد قابل شمارش، هیچ وقت به صورت تنها در جمله آورده نمیشود و حتماً باید قبل از آن تعیین کنندهایی مثل a، an، the، صفات ملکی و... استفاده شود:

I have a book. → من یک کتاب دارم (Not: I have ~~book~~.)

۲) اسمهای غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns):

اسم های غیر قابل شمارش اسم هایی هستند که قابل شمارش نیستند و نمیتوان آنها را شمرد. در نتیجه این گونه اسمها به صورت مفرد دیده میشوند و حالت جمع ندارند. پس اسم های غیر قابل شمارش رو نمیتوان جمع بست و این کار در انگلیسی مصطلح نیست. انگلیسی ها برای اندازه گیری اسم های غیر قابل شمارش از واحدها و اندازه گیری هایی استفاده می کنند که این واحدها قابل شمارش هستند و قبل از اسم های غیر قابل شمارش آورده میشوند تا مفاهیم را انتقال بدهند. مثلاً "cheese" که غیر قابل شمارش میباشد، برای آن از واحد کیلوگرم استفاده میشود. مثلاً میگوئیم ۱ کیلو یا ۲ کیلو پنیر می خواهیم که انگلیسی آن به صورت زیر خواهد بود:

I want one kilo of that cheese. → I want two kilos of that cheese.
"من دوکیلو از آن پنیر میخوام." اسم غیر قابل شمارش واحد شمارش

توجه مهم: واحدهای اندازه گیری که قبل از اسم غیر قابل شمارش بکار میروند جمع بسته میشوند نه اسم غیر قابل شمارش. تعدادی از واحدهایی که برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش استفاده میشوند عبارتند از:

معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش	معنی	واحد شمارش
یک کیلو از	a kilo of	یک بطری از	a bottle of	یک قرص	a loaf of
یک قطره از	a drop of	یک تکه از	a piece of	یک فنجان	a cup of
یک بسته از	a packet of	یک کیسه	a bag of	یک کارتن	a carton of
یک برگه از	a sheet of	یک لیوان از	a glass of	یک برش، یک تکه	a slice of
یک قوطی	a can of	یک لوله	a tube of	یک شیشه از	a jar of
یک جعبه از	a box of	یک کاسه از	a bowl of	یک قالب / شمش	a bar of

"سه بطری آب" three bottles of water → "یک بطری آب" a bottle of water

نکته: باید به این مسأله هم اشاره کنیم چون زبان فارسی و انگلیسی دو زبان متفاوت هستند، این احتمال وجود دارد که اسمی در زبان فارسی قابل شمارش باشد اما در زبان انگلیسی غیر قابل شمارش محسوب گردد.

تقسیم بندی اسم های غیر قابل شمارش:

۱- اسمهای انتزاعی که به طور فیزیکی قابل لمس کردن نیستند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
علاقه	interest	خوشبختی	happiness	نور خورشید	sunshine
فضا	space	دانش	knowledge	نصیحت	advise
توجه	notice	عشق	love	خطر	danger
نیرو	power	ترس	fear	درد	pain
شانس	luck	موسیقی	music	سلامتی	health
صداقت	honesty	تجربه	experience	آموزش	education
پول	money	صبر	patience	کمک	help

۲- اسمهایی که برای تشکیل آنها چند مواد ترکیب شده تا آن اسم بوجود آید:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
هوا	air	کاغذ	paper	سوپ	soup
شکر	sugar	پنیر	cheese	سیمان	cement
لغت	vocabulary	کیک	cake	نان	bread

۳- اسم زبانها:

German	French	Italian	English	Japanese	Italian
--------	--------	---------	---------	----------	---------

۴- اسمهایی که به ظاهر اسم جمع هستند ولی در واقع اسم های غیر قابل شمارش می باشند.

news	physics	mathematics
------	---------	-------------

۵- مایعات و نیمه جامدات و گازها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
آهن	iron	شیر	milk	گوشت	meat
اکسیژن	oxygen	خون	blood	آب	water
دود	smoke	قهوه	coffee	مربا	jam
بخار	steam	یخ	ice	نوشابه	soda
چوب	wood	طلا	gold	خمیر دندان	toothpaste
چای	tea	شکلات	chocolate	کره	butter
روغن	oil	هوا	air	پنیر	cheese

۶- ورزشها و سرگرمیها مثل:

wrestling	shopping	basketball	fishing	swimming	tennis
-----------	----------	------------	---------	----------	--------

۷- ذرات و دانه ها:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
شکر	sugar	آرد	flour	برف	snow
گچ	chalk	گرد و خاک	dust	شن	sand
برنج	rice	موی سر	hair	نمک	salt

۸- اسامی که به یک مجموعه (واحد کل) اشاره دارند:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
مبلمان منزل	furniture	تکلیف	homework	پوشاک	clothing
ماشین آلات	machinery	جواهرات	jewelry	حمل و نقل	transportation
میوه	fruit	وسایل سفر	baggage	تجهیزات	equipment

۹- اسامی رشته های تحصیلی و عناوین درسها:

art	biology	history	geography	mathematics	chemistry
-----	---------	---------	-----------	-------------	-----------

۱۰- پدیده های طبیعی:

معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش	معنی	کلمه غ ق ش
رعد و برق	thunder	گرما	heat	آب و هوا	weather
آتش	fire	برف	snow	نور خورشید	sunshine
نور	light	طوفان	storm	سرما	cold
باد	wind	باران	rain	مه	fog

نکته مهم: از آنجایی که اسم های غیر قابل شمارش حالت جمع ندارند و همیشه همچون اسمهای مفرد در نظر گرفته میشوند، فعلهایی که با آنها به کار میروند باید به صورت مفرد باشند.

"در مورد تصادف ماشین خبرهای زیادی وجود دارد." There **is** a lot of **news** about the car accident.
(Not: There **are** a lot of news about the car accident.)

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم جمع قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	several	many	some	a few	few
---------	----------	-----------	---------	------	------	-------	-----

نکته: این تعیین کننده ها باید حتما قبل از **اسم جمع قابل شمارش** باشند نه مفرد.

تعیین کننده های کمیتی که قبل از اسم غیر قابل شمارش قرار می گیرند:

lots of	a lot of	plenty of	much	some	a little	little
---------	----------	-----------	------	------	----------	--------

تعیین کننده های کمیتی مشترک: برخی از تعیین کننده هایی که قبل اسم های جمع قابل شمارش و اسم های غیر قابل شمارش مشترک هستند که عبارتند از: lots of, a lot of, plenty of, some

کاربرد plenty of , a lot of, lots of: این سه تعیین کننده هم "قبل از اسم های جمع قابل شمارش" مورد استفاده قرار میگیرند و هم "قبل از اسمهای غیر قابل شمارش". اگر قبل از اسمهای جمع قابل شمارش مورد استفاده قرار بگیرند "تعداد زیاد" را نشان میدهند و اگر قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بیایند "مقدار زیاد" آن اسم را مشخص میکنند.

"علی در ریاضی مشکلات خیلی زیادی دارد." (قبل از اسم جمع قابل شمارش) Ali has a lot of **problems** in math.

"من کتابهای خیلی زیادی را برای برادرم خریدم." (قبل از اسم جمع قابل شمارش) I bought **lots of books** for my brother.

"ماه گذشته او پول خیلی زیادی را خرج کرد." (قبل از اسم غ ق ش) Last month, he spent **lots of money**.

"این روزها رمان خیلی سرش شلوغه و وقت خیلی زیادی برای ورزش کردن ندارد." (قبل از اسم غ ق ش) These days, Raman is very busy and he doesn't have a lot of **time** to exercise.

کاربرد many: میتواند در جملات مثبت، سؤالی و منفی قبل از اسم "جمع قابل شمارش" مورد استفاده قرار بگیرد.

نکته: قبل از اسامی سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشوند به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشود.

"آنها خیلی وقت پیش در انگلستان بوده اند." They have been to England **many years** ago.

(**Not**: They have been to England **a lot of** years ago).

کاربرد much: به معنای مقدار "زیاد" میباشد و تنها قبل از اسمهای "غیر قابل شمارش" مورد استفاده قرار می گیرد. much بیشتر در جملات منفی و سؤالی مورد استفاده قرار می گیرد.

I didn't have **much money** to buy a present for my mother.

"من پول زیادی برای خرید کادو برای مادرم نداشتم."

"او معمولاً زیاد برای رفتن به باشگاه وقت نمیگذارد." She usually doesn't spend **much time** to go to the gym.

نکته: در جمله مثبت به جای آوردن much از "a lot of" یا "lots of" استفاده میشود.

"برادرم معمولاً قهوه ی زیادی را در شب میخورد." My brother usually drinks **a lot of coffee** at night.

(**Not**: My brother usually drinks **much** coffee at night.)

کاربرد some: به معنی "تعدادی"، قبل از اسامی "جمع قابل شمارش" و به معنی "مقداری" قبل از اسامی "غیر قابل شمارش" بکار برده میشود. از some اکثراً در جملات مثبت استفاده میکنیم:

"در بطری کمی شیر وجود دارد." There is **some milk** in the bottle. (قبل از اسامی غیر قابل شمارش)

"من در کیفم تعدادی خودکار دارم." I have **some pens** in my bag. (قبل از اسامی جمع قابل شمارش)

اما برای "درخواست" و "پیشنهاد" از some در جملات "سؤالی" هم بهره میگیریم:

"آیا کمی شیر میل دارید؟" Would you like **some** milk?

کاربرد a few و few: هردو قبل از اسم "جمع قابل شمارش" استفاده میشوند. در جملاتی که در آن از a few استفاده میشود مفهوم "مثبت" را می رساند (به معنای تعداد کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از few استفاده بشود جمله "منفی" میشود. (به معنای تعداد خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

There are **a few students** in the class. There are enough people to hold the class.

تعداد کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی هستند. (کلاس تشکیل میشود)

There are **few students** in the class. There are not enough people to hold the class.

تعداد خیلی خیلی کمی دانش آموز سر کلاس هستند. برای تشکیل کلاس کافی نمیباشند (کلاس تشکیل نمیشود)

کاربرد a little و little: بعد از هردوی اینها از اسم "غیر قابل شمارش" استفاده میکنیم. در جملاتی که در آن از a little

استفاده میشود مفهوم "مثبت" را می رساند (به معنای مقدار کم در حدی که کافی باشد) و برعکس در جملاتی که در آنها قبل اسم از little استفاده بشود جمله "منفی" میشود. (به معنای مقدار خیلی خیلی کم در حدی که کافی نباشد و در حد صفر میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **a little** fruit in the fridge.

"والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال یه مقدار میوه داریم." (میوه کم است اما به اندازه کافی میباشد).

My parents are going to visit us tonight. We have **little** fruit in the fridge.

"والدینم امشب میخواهند از ما دیدن کنند. در یخچال مقدار خیلی خیلی کمی میوه داریم." (میوه خیلی کم است به اندازه کافی نمیباشد).

نتیجه گیری: در جمله ای که در آن از few و یا little استفاده شده باشد، مفهوم آن "منفی" بوده و نشان میدهد که تعداد یا مقدار آن اسم بیش از حد کم میباشد پس جمله "منفی" میشود.

اعداد "Numbers"

همانطور که در بخش های قبل اشاره کردیم اعداد هم جزئی از تعیین کننده ها محسوب میشوند. ما می توانیم قبل از اسم های قابل شمارش از اعداد برای مشخص کردن تعداد آن اسم استفاده کنیم. نکته ای که اینجا وجود دارد این است که به غیر از عدد یک، بعد از سایر اعداد باید اسم "جمع قابل شمارش" بکار برده شود.

اعداد هم به عنوان تعیین کننده های قبل از اسم به کار میروند. زمانی که اعداد دارای دهگان و یکان باشند و به صورت حرفی نوشته بشوند، چه قبل از اسم و یا بدون اسم بیایند، باید بین دهگان و یکان یک خط تیره قرار داده بشود. این موضوع فقط در مورد اعدادی هست که دهگان و یکان دارند و شامل اعداد بزرگتر نمیشود. پس باید اعداد "بیست و یک" تا "نود و نه" که قبل از اسم برای تعیین تعداد آن اسم قابل شمارش به کار میروند، خط تیره ای بین دهگان و یکان آنها قرار داده شود.

eighty- three horses

forty- seven books

twenty- five languages

نکته مهم ۱: اما اعداد صد، هزار، میلیون و بالاتر (اگر به صورت حرفی نوشته شوند)، گذاشتن خط تیره ما بین آنها لازم نیست و همیشه بصورت "مفرد" نوشته میشوند و حالت جمع ندارند: **three hundred horses** **one million books**

one million of books

نکته مهم ۲: ما بین عدد و اسم هرگز حرف اضافه ای نمی آید.

نکته مهم ۳: برای اشاره به مفاهیم کلی مثل صدها، هزاران، میلیونها و... میتوان اعداد را جمع بست و قبل از آن اسم از حرف اضافه **of** استفاده کرد: **hundreds of students - thousands of books - millions of birds**

نکته مهم ۴: اگر هر عددی بالاتر از صد تا بی نهایت، دارای عددی باشد که دهگان و یکان دارد، فقط ما بین عدد دهگان و یکان خط تیره گذاشته می شود:

two hundred **thirty-five** books

دویست و سی و پنج کتاب

one thousand **sixty-eight** books

یک هزار و شصت و هشت کتاب

یادآوری مهم: همانطور که می دانید در انگلیسی صفت می تواند قبل از اسم قرار بگیرد. در اسمهایی که قابل شمارش باشند و قبل از آنها صفت آمده باشد می توانیم برای شمردنشان قبل از آنها از اعداد استفاده کنیم. "**صفت ما بین عدد و اسم**" می آید. اگر اسم مفرد باشد می توانیم از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم مفرد قابل شمارش + صفت + one

I bought **one interesting** book.

"من یک کتاب جالب خریدم."

و اگر اسم قابل شمارش جمع باشد باید از ترکیب زیر استفاده کنیم:

اسم قابل شمارش جمع + صفت + two/three/

I bought **two interesting** books

"من دو کتاب جالب خریدم."

نحوه استفاده از How many: زمانی از How many در جمله برای سوالی کردن استفاده می کنیم که بخواهیم از تعداد اسم قابل شمارش جمع در جمله باخبر شویم. پس باید حواسمان باشد که بعد از How many فقط اسم "**قابل شمارش جمع**" مورد استفاده قرار می گیرد و ما نمی توانیم از اسم مفرد قابل شمارش استفاده کنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می کنیم:

ساختار سوالی جمله + اسم قابل شمارش جمع + How many

How many **children** do you have?"

"شما چه تعداد بچه دارید؟"

نحوه استفاده از How much: زمانی که بخواهیم از مقدار اسم "**غیر قابل شمارش**" در جمله مطلع شویم برای سوالی کردن جمله از How much استفاده می کنیم. پس به این نکته توجه کنید که بعد از How much از اسم غیر قابل شمارش استفاده می کنیم. برای سوالی کردن از ترکیب زیر استفاده می شود:

ساختار سوالی جمله + اسم غیر قابل شمارش + How much

How much **money** do you need?

"چه مقدار پول لازم دارید؟"

یادگیری نکات زیر در حل تستهای این درس میتوانند خیلی یاری رسان باشند.

one of: به معنی "**یکی از**" قبل از "**اسم جمع قابل شمارش**" می آید اما فعل همراه آن همواره بصورت "**مفرد**" خواهد آمد: (بعد از آن هم چنانچه صفتی بیاید، آن صفت، "**صفت عالی یا برترین**" خواهد بود.)

One of my best students **has** a lot of story books.

فعل مفرد اسم جمع صفت عالی

"یکی از بهترین دانش آموزانم کتابهای داستان خیلی زیادی دارد."

both: به معنی "**هر دو**" قبل از اسامی "**جمع قابل شمارش**" می آید و فعل همراه آن بصورت "**جمع**" می باشد.

I have two brothers. **Both of my brothers** are doctors.

فعل جمع اسم جمع

each / every: به معنی "هر" میباشند و هر دو قبل از اسم "مفرد قابل شمارش" می آیند و فعل همراه آنها همواره به صورت "مفرد" خواهد بود:

There are a lot of cars on the street but **every car has** a different color.
فعل مفرد اسم مفرد

any: به معنی "هیچ، هیچی" در جملات "منفی و سؤالی" بکار برده میشود: (قبل از هر نوع اسمی میآید).
Are there **any** cars in the street? No, there aren't **any** cars.

نکته: any به معنی "هر" در جملات "مثبت قبل از اسامی مفرد قابل شمارش" میآید:
It is necessary for **any member** of the club to be on time.
اسم مفرد

نکته مهم و کنکوری: **only** به معنی "فقط" قبل از "a little" و "a few" استفاده میشود.
The village was very small. There were **only a few houses**.
اسم جمع قابل شمارش

Why don't you hurry? We have **only a little time**.
اسم غیر قابل شمارش

نکته ای مهم (منحصراً زبان):

ممکن است که اسامی غیر قابل شمارش در معنی دیگری بکار رفته باشند که در این صورت قابل شمارش محسوب میشوند و می توانند جمع بسته شوند. پس این اسامی دارای دو معنی متفاوت هستند و چنانچه در یک تست با آنها مواجه شدیم ابتدا باید تعیین کنیم که در آن جمله در نقش غیر قابل شمارش خود بکار رفته اند و یا قابل شمارش.
مهمترین اسامی که هم میتوانند قابل شمارش باشند و هم غیر قابل شمارش عبارتند از:

اسم	قابل شمارش	غیر قابل شمارش	اسم	قابل شمارش	غیر قابل شمارش
work	اثر هنری	کار	wood	جنگل	چوب
time	دفعه - بار	وقت ، زمان	food	غذا	خوراک
room	اتاق	فضا	play	نمایش نامه	بازی
light	چراغ	نور	chicken	جوجه (پرنده)	گوشت مرغ
hair	تار مو	مو	glass	لیوان	شیشه
paper	روزنامه	کاغذ	water	جویبار - جوی	آب
iron	اتو	آهن	experience	حادثه ، رویداد	تجربه

ترتیب اجزای جمله در زبان انگلیسی

تعریف جمله ساده: جمله ساده به جمله ای گفته میشود که حداقل دارای "فاعل" و "فعل" باشد. البته در این جملات می توانیم از مفعول و قید هم استفاده کنیم. در این گونه جملات ما داریم درباره یک کسی یا یک چیزی صحبت می کنیم که به آن "فاعل" جمله میگویند. به تعریف دیگر فاعل انجام دهنده آن کار یا عمل فعل است. به کلمه ای که فاعل آن را انجام میدهد "فعل" میگویند.

They are singing.
فاعل فعل

He fell down.
فاعل فعل

My brother is sleeping.
فاعل فعل

فاعل: می تواند شامل موارد زیر باشد:

Hassan, Jack, Zahra, David, Parsa

اسم شخص :

I, you, he, she, it, we, they

ضمیر فاعلی :

house, mountain, road, shop, school, class

اسم مکان :

computer, car, book, airplane

اسم شی یا وسیله :

توجه کنید: در زبان انگلیسی اولین حرف اولین کلمه هر جمله ای باید با حرف بزرگ نوشته شود و در انتهای جمله ی خبری باید "نقطه" گذاشته شود .

مفعول: یک جمله ساده به غیر از فاعل و فعل می تواند مفعول هم داشته باشد و مفعول اسمی است که کار بر روی آن انجام میشود. مفعول بعد از فعل اصلی جمله یا بعد از حروف اضافه بکار برده میشود.

He is drinking water.

چنانچه نخواهیم مفعول در جمله ای تکرار شود به جای آن از ضمائر مفعولی استفاده میکنیم.

me, you, him, her, it, us, you, them

انواع فعل ها:

He plays football.

فعل متعدی: فعلی است که در جمله به مفعول نیاز دارد.

He came.

فعل لازم: فعلی است که نیازی به مفعول ندارد.

تعریف قید: قید کلمه ای است که برای توصیف نحوه، زمان، مکان و تعداد دفعات تکرار فعل در جمله مورد استفاده قرار می گیرد. یک جمله ساده میتواند علاوه بر داشتن فاعل، فعل و مفعول اطلاعات دیگری رو به شکل قید های مکان، زمان، حالت و قیدهایی تکرار در جمله به ما بدهد.

He is studying English hard.

"او دارد به شدت انگلیسی می خواند."

انواع قید: ۱- قید حالت ۲- قید مکان ۳- قید زمان ۴- قید تکرار

۱- قید حالت: قید های حالت "چگونگی و نحوه انجام و اتفاق افتادن فعل" را بیان میکنند. مثلاً آن فعل به چه صورتی انجام شده است. برای مثال ۲ دونه را در نظر بگیرید. هر دوی آنها در حال دویدن هستند اما ممکن است یکی از آنها "سریع" بدود و یکی از آنها "آرام" بدود. در اینجا فعل ما "دویدن" است. اما آن کلمه ای که میآید و درباره نحوه انجام شدن آن فعل یعنی سریع یا آرام دویدن صحبت می کند قید حالت نامیده میشود. مثال:

They are running. Jack is running **fast**, but his friend is running **slowly**.

" آنها دارن میدوند. جک دارد **سریع** میدود ولی دوستش دارد **آهسته** میدود."

برای پیدا کردن قید حالت می توانیم با پرسیدن سؤال "how" یا "چطور" متوجه قید حالت در جمله بشویم.

How is Jack running? He is running fast.

جک داره چطور میدود؟ اون داره **سریع** میدود

با اضافه کردن پسوند "ly" به آخر برخی از صفت ها، قید حالت ساخته میشود.

جایگاه قرارگیری قیدهای حالت در جمله:

قیدهای حالت که برای توصیف حالت فعل می باشند به طور معمول قبل یا پس از فعلی که می خواهد حالتش را بیان کند قرار می گیرند. اگر فعلی، فعل متعددی باشد یعنی دارای مفعول باشد این قیدها می توانند پس از مفعول قرار بگیرند.

"او به آرامی در حال خواندن نامه است." She's **slowly** reading the letter. **slowly** She is reading the letter.
فعل اصلی قید حالت قید حالت مفعول فعل فاعل

باید به این نکته توجه کنید که قید حالت نمی تواند بین فعل و مفعول قرار بگیرد:

~~She read slowly the letter.~~

این جمله نادرست می باشد چون قید حالت slowly بین فعل و مفعول قرار گرفته است.

۲- قید مکان: قیدهای مکان قیدهایی هستند که درباره مکان انجام شدن و اتفاق افتادن فعل صحبت میکنند. پس به عبارت دیگر قیدهای مکان در واقع کلماتی هستند که "مکان و جای" انجام شدن فعل را نشان میدهند. همان مثال دونه را در نظر بگیرید.

Jack is running **on the street**.

"جک در حال دویدن در خیابان است."

برای اینکه در یک جمله قید "مکان" را شناسایی کنیم می توانیم سؤال "where" یا "کجا" را بپرسیم:

Where is jack running?

Jack is running **on the street**.

قیدهای مکان غالباً در انتهای جمله به کار می روند. اگر در جمله فقط قید مکان داشته باشیم می تواند پس از فعل یا مفعول آن قرار بگیرد. اما این قید نمی تواند ما بین فعل و مفعولش بیاید.

I met my friend **on the street**.

NOT: ~~I met on the street my friend.~~

۳- قید زمان: قیدهای زمان قیدهایی هستند که درباره "زمان انجام شدن فعل" به ما اطلاعاتی را ارائه می کنند. این قیدها به ما میگویند که چه زمانی آن کار (فعل) اتفاق افتاده است. پس می توانیم بگوئیم که قیدهای زمان کلماتی هستند که زمان اتفاق افتادن یک کاری را به ما نشان میدهند و میگویند که این کار چه زمانی رخ داده است:

Jack was running **yesterday**

برای اینکه در یک جمله ای بخواهیم قید زمان را مشخص کنیم می توانیم سؤال "when" یا "کی"، "چه موقع"، یا "چه زمانی" را بپرسیم تا قید زمان در جمله مشخص شود. (از **what time** برای سؤال پرسیدن در مورد ساعت استفاده میشود).

When was Jack running?

He was running **yesterday**.

قیدهای زمان به طور معمول می توانند هم در "ابتدای جمله" و هم در "انتهای جمله" قرار بگیرند.

I saw my friend **yesterday**.

Yesterday I saw my friend.

نحوه و ترتیب قرار گرفتن قیدهای حالت، مکان و زمان:

He was walking slowly on the street this morning.

قید زمان قید مکان قید حالت

۴- قید های تکرار: (Adverbs of Frequency) برخی از قیدهای تکرار عبارتند از:

always	همیشه	usually	معمولاً	generally	معمولاً	often	اغلب
sometimes	گاهی اوقات	normally	معمولاً	hardly	به ندرت	never	هرگز
scarcely	به ندرت	barely	به ندرت	seldom	به ندرت	occasionally	گاهگاهی
frequently	اغلب	rarely	به ندرت	hardly ever	به ندرت		

چرا به قیدهای فوق قید تکرار میگویند؟ چون این قیدها تعداد دفعات تکرار و انجام شدن فعل را بیان می کنند. مثلاً قید تکرار always نشان میدهد که عمل انجام شدن فعل همیشگی بوده و آن کار همیشه اتفاق میافتد.

۱- قیدهای تکرار در زمان حال ساده که دارای یک فعل هستند "قبل از فعل اصلی" قرار می گیرند. مفهوم این جمله این است که اگر یک فعل در جمله باشد و فعل کمکی وجود نداشته باشد، قید تکرار "قبل از آن فعل" قرار میگیرد.

"او معمولاً در شنبه ها فوتبال بازی میکند." He **usually** plays football on Saturday.
فعل اصلی قید تکرار

۲- اگر در جمله فعل to be داشته باشیم، قید تکرار "بعد از فعل to be" قرار میگیرد. "او اغلب تأخیر دارد."

He **is often** late.
قید تکرار فعل to be

۳- جملاتی که دارای یک، دو و یا سه فعل کمکی باشند، قیدهای تکرار "بعد از اولین فعل کمکی" قرار میگیرد.

"او همیشه جورابه های کثیفش را روی کف اتاق جا میگذارد." She **is always** leaving his dirty socks on the floor.

"من هرگز نمیتوانم اسمش را به یاد بیاورم." I **can never** remember his name.

نکته ای بسیار مهم: چنانچه در جمله ای یکی از قیدهای تکرار :

rarely - barely - seldom - scarcely - hardly - hardly ever - never

بکار رفته باشد، آن جمله جمله ای "منفی" بحساب میآید و دیگر در آن جمله قید منفی ساز not و یا no بکار برده نمیشود. "من به ندرت به شنا میروم." (به شنا نمیروم)

I **rarely** go swimming.

نکته: قید تکرار sometimes در "ابتدا و انتهای جمله" هم میآید اما جمله از نظر معنی تغییر نخواهد کرد:

"بعضی اوقات من نهار را در سر کار میخورم." **Sometimes** I have lunch at work.

"بعضی اوقات من نهار را در سر کار میخورم." = I have lunch at work **sometimes**.

نکته: برای سؤالی کردن قیدهای تکرار از "How often" به معنی "چند وقت به چند وقت" استفاده میکنیم:

"چند وقت به چند وقت ریاضی دارید؟" **How often** do you have Math?

"ما در دوشنبه ها و چهارشنبه ها ریاضی داریم." We **always** have math on Mondays and Wednesdays.

کلمات مترادف *Synonyms*

کلمات مترادف کلماتی هستند که از نظر معنی با همدیگر برابر هستند و میتوانند در جمله به جای هم قرار بگیرند و جمله از نظر معنی تغییر نکند. مهمترین کلمات مترادف پایه **دهم** و **یازدهم** عبارتند از:

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
مراقبت کردن از	take care of	look after	قطعاً - حتماً	surely	absolutely
مسابقه	race	match	اضافی	extra	additional
لازم - ضروری	essential	necessary	علاوه بر	in addition	besides
پیش بینی کردن	foresee	predict	علی رغم	in spite of	despite
جلوگیری کردن	stop	prevent	سریع	quick	fast
تولید کردن	make	produce	شکل دادن	make up	form
به درستی	appropriately	properly	خوشبختانه	luckily	fortunately
به ندرت	seldom	rarely	رها کردن	give up	quit
به ندرت	barely	hardly	عمدتاً - اساساً	mostly	greatly
اخیر - تازه	new	recent	تصور کردن	think of	imagine
راز - رمز	mystery	secret	عمدتاً - اکثراً	greatly	largely
شرکت کردن در	attend	take part in	تقریباً	about	nearly
عنوان	title	topic	توجه کردن	attention	notice
متأسفانه	unluckily	unfortunately	تکه - قطعه	slice	piece
جلوگیری کردن	prevent	avoid	قدرتمند	strong	powerful
وسيله	tools	means	ناحیه - منطقه	area	region
هدایت کردن	guide	direct	جستجو کردن	search for	seek
تأثیر	influence	effect	ویژه - خاص	certain	special
به ویژه	especially	in particular	مناسب	appropriate	suitable
عصبی	angry	nervous	کوچک	small	tiny
متخصص	expert	specialist	یکسان - مشابه	similar	same
به دست آوردن	gain	achieve	با ارزش	expensive	valuable
متعجب	surprised	amazed	عالی	fantastic	excellent
شرمنده	embarrassed	ashamed	یه خورده	a little	a bit
تلاش - سعی	try	attempt	در واقع	in fact	actually
تنوع - گوناگونی	difference	diversity	آب نبات	sweet	candy
ترسیده	afraid	frightened	ویژه - خاص	particular	specific
سفر	travel	tour	هدف - مقصد	aim	goal
لذت، خوشی	enjoyment	pleasure	تک، تنها	single	unique
به طور کامل	entirely	totally	تجارت	trade	business

کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
effective	efficient	مؤثر - مفید	recognize	understand	فهمیدن
famous	well-known	مشهور - معروف	vast	wide	وسیع
general	normal	کلی - معمولی	essay	article	مقاله
happening	event	رویداد - واقعه	available	at hand	موجود - در دسترس
harmful	harmless	مضر	sign	symbol	علامت - نشانه
keep on	continue	ادامه دادن	besides	furthermore	علاوه بر
early	soon	زود - به زودی	sociable	friendly	اجتماعی - صمیمی
project	scheme	پروژه - طرح	creative	inventive	خلاق
range	vary	متغیر بودن	craft	art	صنعت - هنر
reduce	decrease	کاهش دادن	price	value	ارزش - بها
type	kind	نوع - دسته	touching	emotive	تاثیر برانگیز
earn	obtain	کسب کردن	frightened	scared	ترسیده
calm	quiet	آرام - ساکت	reflect	show	نشان دادن
harmful	hurtful	مضر	humankind	mankind	بشر
alarm	warn	هشدار	confused	mixed up	گیج
risk	danger	خطر	attempt	endeavor	تلاش - سعی
expect	hope for	انتظار داشتن	simple	easy	آسان
contain	include	شامل بودن	artificial	hand-made	مصنوعی
disease	illness	بیماری	practice	exercise	تمرین
attend	participate	شرکت کردن	custom	tradition	رسم - آیین
behave	treat	رفتار کردن	depend on	rely on	وابسته بودن به
endangered	at risk	در خطر	increase	enhance	افزایش دادن
defend	protect	دفاع کردن	forest	jungle	جنگل
human	person	انسان، شخص	common	ordinary	عادی، رایج
boring	uninteresting	کسل کننده	really	actually	واقعاً
lose	miss	از دست دادن	rule	law	قاعده، قانون
pain	ache	درد	injured	damaged	زخمی، مجروح
save	protect	نجات دادن	instead of	in place of	در عوض، به جای
strategy	plan	طرح، نقشه	amazing	surprising	تعجب برانگیز
regular	normal	منظم، مرتب	movie	film	فیلم
however	although	اگر چه	climb	mount	بالا رفتن
cheerful	glad	شاد	satisfied	gratified	راضی، خرسند
custom	tradition	رسم، سنت	diversity	variety	تنوع

کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
identify	recognize	تشخیص دادن	pattern	method	الگو، روش
road	path	جاده. مسیر	average	medium	متوسط
around	surrounding	اطراف، دور و بر	near	close	نزدیک
comprehension	understanding	درک، فهم	microbe	germ	میکروب
orbit	rotation	چرخیدن	brave	fearless	شجاع، نترس
fresh	recent	تازه، جدید	paint	color	رنگ، رنگ کردن
delicious	tasty	خوشمزه	hint	clue	نکته
strange	uncommon	عجیب، غیر عادی	ring	circle	دایره، حلقه
heaven	paradise	بهشت	creation	formation	خلق، شکل گیری
organ	part	قسمت، بخش	keep	hold	نگه داشتن
opinion	attitude	عقیده، نظر	expensive	costly	گران
element	component	عنصر	compare	weigh	مقایسه کردن
describe	explain	توصیف کردن	sickness	illness	بیماری
arrow	indicator	نشانگر، کمان	device	tools	وسیله، ابزار
skill	ability	مهارت، توانایی	gain	get	به دست آوردن
require	demand	نیاز داشتن	similar	alike	مشابه، شبیه
at once	immediately	فوراً	site	location	محل
vacation	holiday	تعطیلی	ancient	old	قدیمی
entertainment	amusement	سرگرمی	native	local	بومی، محلی
probably	perhaps	احتمالاً	main	chief	عمده، اصلی
recreation	hobby	سرگرمی	popular	famous	مشهور
war	fighting	جنگ، دعوا	return	come back	برگشتن
midday	noon	ظهر، نصف روز	patiently	calmly	با خونسردی
train	educate	آموزش دادن	quiet	silent	ساکت
rudely	impolitely	گستاخانه، با پر رویی	society	community	جامعه
nearly	almost	تقریباً	respect	regard	احترام
farming	agriculture	کشاورزی	smart	clever	با هوش
depressed	unhappy	ناراحت	balance	stability	متوازن، پایدار
calm	relaxed	آرام، خون سرد	physical	bodily	بدنی، جسمی
emotional	sensitive	احساساتی، حساس	relationship	connection	ارتباط
condition	situation	موقعیت	reason	cause	دلیل
destructive	damaging	مخرب	subject	topic	موضوع

۲۰. تست آموزشی و دستگرمی گرامر درس اول Grammar Tests (Lesson 1)

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

- We didn't have sugar and my mother asked me to buy -----.
a. two bag of white sugar b. two bags of sugar white
c. two bags of white sugar d. two bag of white sugars
4. In Alaska in the winter, there ----- a lot of ----- on the ground.
a. is-snows b. is-snow c. are-snow d. are-snows
3. My children usually drink ----- in the morning. It keeps them healthy.
a. two glass of milk b. two glass of milks
c. two glasses of milk d. two glasses of milks
4. Many people know two languages, but ----- people speak more than -----.
a. very few - ten languages b. very little - ten languages
c. very a few - ten language d. very a little - ten language
5. Is there ----- traffic in your town?
a. a few b. many c. some d. much
6. A: Do you have five dollars?"
B: "No, I don't, but David has ----- money with him."
a. a lot of b. much of c. many d. lots
7. Spain is a beautiful country. It is ----- the countries I want to visit.
a. a b. a lot of c. one of d. a little of
8. Since I started my new job, it seems like I've got ----- time to do the things I enjoy.
a. very few b. very little c. very a lot d. very many
9. We invited ----- member of the club to the party last night.
a. all b. both c. each d. a little
10. A: "How ----- do you have to do tonight?" B: "I've got a lot."
a. many homework b. a few homework
c. a little homework d. much homework
11. A: "Have you ever travelled to Shiraz?" B: "Yes I have been there ----- years ago."
a. a little b. many c. a lot of d. much
12. I had ----- soup and ----- sandwich for lunch. They were really delicious.
a. some - some b. a - some c. some - a d. a - a
13. How much ----- on English last week?
a. did you spend time b. did time you spend
c. time did you spend d. time you spend
14. There were too many cars ----- and people had to drive -----.
a. yesterday in the street - slow
b. in the street yesterday - slowly
c. in the street yesterday - slow
d. yesterday in the street - slowly

15. ----- I saw him riding a horse -----.
- a. Yesterday-fast in the countryside
 - b. Fast- yesterday in the countryside
 - c. Yesterday- fastly in the countryside
 - d. Fast- in the countryside yesterday
16. Choose the sentence with the best order.
- a. An airplane slowly was flying in the sky yesterday at this time.
 - b. In the sky an airplane was slowly flying at this time yesterday.
 - c. An airplane was yesterday flying slowly in the sky at this time.
 - d. An airplane was slowly flying in the sky at this time yesterday.
17. Choose the sentence with the best order.
- a. Do usually you go to work by car or by bus?
 - b. Do you usually go to work by car or by bus?
 - c. Work to do you usually go by car or by bus?
 - d. By car or by bus to work do you usually go?
18. Choose the sentence with the best order.
- a. Do you so fast often drink a lot of milk in the morning?
 - b. Often do you drink in the morning a lot of milk so fast?
 - c. Do you often drink a lot of milk so fast in the morning?
 - d. Do you often drink so fast a lot of milk in the morning?
19. Choose the sentence with the best order.
- a. I bought thirty seven pencils for my students.
 - b. He lent one hundred-sixty one dollars to his brother.
 - c. He borrowed one thousand thirty-nine dollars from his friend.
 - d. There are two-hundred seventy two apple trees in that jungle.
20. Choose the sentence with the best order.
- a. There are some fresh bread in the refrigerator.
 - b. My father bought three bags of rices last evening.
 - c. There were not much rain in last spring.
 - d. I ate two slices of Italian pizza at the restaurant.

یادداشت:

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس اول (پایه یازدهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (c) با نگاه کردن به گزینه ها در مییابیم که این تست مربوط به اسامی غیر قابل شمارش (sugar) است که حالت جمع ندارند و برای شمارش آنها از واحدهای شمارش (bag) استفاده میکنیم. چون عدد از یک بیشتر است پس باید واحد شمارش جمع باشد. (حذف گزینه d و a). در ضمن در درس دو پایه یازدهم یادگرفتیم که صفت (white) قبل از اسم میآید نه بعد از آن (حذف گزینه b)
ترجمه: " ما شکر نداشتیم و مادرم ازم خواست دو کیلو شکر سفید بخرم."
- ۲- (b) snow به معنی "برف" غیر قابل شمارش میباشد پس s جمع نمیگیرد و فعل همراه آن نیز باید مفرد باشد.
ترجمه: "در فصل زمستان در آلاسکا برف بسیار زیادی بر روی زمین وجود دارد."
- ۳- (c) رجوع شود به توضیحات سؤال ۱. Milk غیر قابل شمارش میباشد
ترجمه: "بچه های من معمولاً دو لیوان شیر را در صبحها میخورند. این (شیر خوردن) آنها را سالم نگه میدارد."
- ۴- (a) بعد از جای خالی اول یک اسم جمع قابل شمارش (people) آمده است. پس گزینه های b و d حذف میشوند چون a little با اسم قابل شمارش بکار برده نمیشوند. بعد از عددهایی که از یک بیشتر باشند حتما اسم باید به صورت جمع بکار برده شود. (حذف گزینه c).
ترجمه: "بسیاری از مردم دو زبان را بلد هستند. اما تعداد خیلی خیلی کمی از مردم بیشتر از ده زبان را صحبت میکنند."
- ۵- (d) در زبان انگلیسی کلمه traffic غیر قابل شمارش محسوب میشود پس گزینه های a و b اشتباه میباشند (a few و many با اسامی غیر قابل شمارش بکار برده نمیشوند). some در جمله سؤالی (مگر برای پیشنهاد و درخواست) بکار برده نمیشود. (حذف گزینه c)
ترجمه: "آیا ترافیک زیادی در شهر شما وجود دارد؟"
- ۶- (a) money غیر قابل شمارش میباشد (حذف گزینه c). گزینه d ناقص است چون lots با حرف اضافه of بکار برده میشود. در گزینه b حرف اضافه of لازم نیست.
ترجمه: "آیا ۵ دلار داری؟ - نخیر ندارم. اما "دیوید" پول خیلی زیادی با خودش دارد."
- ۷- (c) حرف تعریف نامعین a همیشه با اسم مفرد قابل شمارش بکار برده میشود. (حذف گزینه a). گزینه d هم با اسامی جمع (countries) بکار نمیروند. چون فعل جمله مفرد است پس در اینجا کاربرد a lot of اشتباه میباشد. (چنانچه با اسامی جمع بیاید فعل جمله حتما باید بصورت جمع بیاید). در ضمن one of همیشه با فعل مفرد بکار میروند.
ترجمه: "اسپانیا کشور زیبایی است. یکی از کشورهای است که میخوام از آن دیدن کنم."
- ۸- (b) time چنانچه به معنی "وقت و زمان" باشد غیر قابل شمارش میباشد (حذف گزینه d و a). در گزینه سوم باید بعد از a lot حرف اضافه of میآید. little به تنهایی جمله را منفی میکند.
نکته: a lot یک قید محسوب شده و معمولاً بعد از فعل و مفعول جمله بکار میروند و هرگز بلافاصله بعد از آن اسم نمیآید.
ترجمه: "از زمانیکه که شغل جدیدم را شروع کرده ام چنین به نظر میرسد که وقت خیلی خیلی کمی برای انجام کارهایی که از آنها لذت میبردم، دارم."
- ۹- (c) بعد از جای خالی یک اسم مفرد قابل شمارش (member) آمده و تنها گزینه ای که با اسم مفرد میآید فقط گزینه c میباشد.
گزینه b و a با اسم جمع و گزینه d با اسم غیر قابل شمارش بکار میروند.
ترجمه: "من شب گذشته هر یک از اعضای باشگاه را به مهمانی دعوت کردم."
- ۱۰- (d) کلمه غیر homework قابل شمارش است پس گزینه a و b که همراه با اسم قابل شمارش میآیند، اشتباه هستند. برای سوال کردن در مورد مقدار یک اسم غیر قابل شمارش از how much استفاده میکنیم.
ترجمه: "چه مقدار تکلیف را تو مجبوری امشب انجام بدهی؟ - من (تکلیف) خیلی زیادی دارم."

• ۱۱- (b) قبل از اسامی جمع سال، ماه، هفته و روز و عباراتی که به زمان مربوط میشوند به جای **a lot of** و **lots of** فقط از **many** استفاده میشود.

ترجمه: "آیا تا به حال به شیراز سفر کرده ای؟ - بله من خیلی سالها پیش در آنجا بوده ام."

• ۱۲- (c) کلمه **soup** غیر قابل شمارش است (حذف گزینه b و d). بعد از جای خالی دوم کلمه **sandwich** به صورت مفرد بکار رفته پس گزینه a اشتباه است.

ترجمه: "من کمی سوپ و یک ساندویچ برای نهار خوردم. آنها خیلی خوشمزه بودند."

• ۱۳- (c) برای سوال کردن در مورد مقدار یک اسم غیر قابل شمارش از **how much** استفاده میکنیم که بلافاصله بعد از آن باید اسم غیر قابل شمارش (در اینجا **time**) می آید و آنگاه ادامه جمله باید حالت سؤالی داشته باشد.

ترجمه: "چه مدت زمانی را (در) هفته گذشته برای انگلیسی صرف کردی؟"

• ۱۴- (b) در جای خالی اول با ترتیب قیده‌ها مواجهیم (قید زمان - قید مکان - قید حالت). پس گزینه a و d اشتباه هستند و هرگز قید زمان قبل از قید مکان نمی‌آید. برای نشان دادن حالت فعل (drive) از قید حالت (slowly) استفاده میکنیم. (slow صفت میباشد).

ترجمه: "ماشینهای خیلی زیادی دیروز در خیابان وجود داشتند و مردم مجبور بودند به آرامی رانندگی کنند."

• ۱۵- (a) قید زمان (yesterday) میتواند در ابتدای جمله بیاید اما قید حالت (fast) بعد از فعل و مفعول و یا قبل از فعل اصلی جمله بکار میرود. (حذف گزینه b و c). قید حالت (fast) هرگز ly نمیگیرد. (حذف گزینه c)

ترجمه: "من او را دیروز دیدم که به سرعت در حومه شهر در حال اسب سواری بود."

• ۱۶- (d) در این تست با ترتیب اجزای جمله مثبت روبرو هستیم:

(قید زمان - قید مکان - قید حالت - مفعول - فعل اصلی - قید تکرار - فعل کمکی - فاعل)

نکته: قید حالت میتواند قبل از فعل اصلی جمله بکار برده شود. پس تنها گزینه d درست میباشد.

ترجمه: "دیروز در همین وقتها، یک هواپیما به آرامی در آسمان در حال پرواز کردن بود."

• ۱۷- (b) رجوع به توضیحات سؤال ۱۶. برای سؤالی کردن جملات زبان انگلیسی فعل کمکی را به قبل از فاعل منتقل میکنیم. در این جا چون جمله در زمان حال ساده میباشد از فعل کمکی استفاده شده است. (حذف گزینه c و d). قید تکرار (usually) قبل از فاعل بکار نمی‌رود. (حذف گزینه a)

ترجمه: "تو معمولاً با ماشین به سرکار میروی یا با اتوبوس؟"

• ۱۸- (c) رجوع به توضیحات سؤال ۱۶ و ۱۷.

Do you often drink a lot of milk so fast in the morning?

قید زمان قید حالت مفعول فعل اصلی قید تکرار فاعل فعل کمکی

ترجمه: "آیا تو اغلب در صبحها، شیر خیلی زیادی را خیلی به سرعت مینوشی؟"

• ۱۹- (c) با نگاه به گزینه‌ها میبینیم که در تمامی آنها یک عدد بصورت حروف نوشته شده است. فقط در گزینه c نوشتن عدد به حروف به درستی صورت گرفته. در گزینه a ما بین دهگان و یکان باید "خط تیره" باشد. در گزینه b نباید ما بین صدگان و دهگان خط تیره نوشته شود. در گزینه d بین **two-hundred** خط تیره لازم نیست.

ترجمه: "او هزار و سی و نه دلار را از دوستش قرض گرفت."

• ۲۰- (d) با نگاه به گزینه‌ها میبینیم که در تمامی آنها یک اسم غیر قابل شمارش وجود دارد. در گزینه‌های a و c اسم غیر قابل شمارش (bread و rain) نباید فعل جمع بگیرند. در گزینه b اسم غیر قابل شمارش (rice) نباید s جمع بگیرد.

ترجمه: "من دو تکه پیتزای ایتالیایی را در رستوران خوردم."

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

1. Our ----- to think and speak makes us different from other animals.
a. ability b. activity c. research d. memory
2. Everyone needs to have both ----- and physical health.
a. mental b. religious c. careful d. reasonable
3. Like so many other companies at that time, we had to ----- to survive.
a. borrow b. exist c. master d. form
4. These days it is very difficult to predict what will ----- next year.
a. respect b. communicate c. imagine d. happen
5. To be quite -----, I don't think your son will be successful in this field of study.
a. honest b. worry c. strange d. familiar
6. The police ----- the copy with the original, but there was not much difference.
a. combined b. connected c. compared d. considered
7. Most of the ancient languages have ----- because they have no speakers.
a. gone out b. died out c. given up d. come in
8. That book is appropriate for young children. "appropriate" means -----.
a. efficient b. various c. suitable d. explicit
9. Education and training are the most effective ----- of importing a nation's culture.
a. layers b. results c. means d. functions
10. Every month the group meets so its members can ----- their opinions.
a. contrast b. range c. exchange d. imagine
11. I didn't believe his ----- that he had stolen the money to give it to charity.
a. space b. notice c. value d. explanation
12. At my mom's birthday, I booked a table for four at her ----- restaurant.
a. extra b. native c. favorite d. impossible
13. Mother ----- is the first language that you learn when you are a baby.
a. interest b. tongue c. sign d. experience
14. The road was very busy and we lost ----- time in heavy traffic.
a. wrong b. valuable c. probable d. mental
15. It would not be most ----- for all of us to discuss it now before we make any decision.
a. public b. straight c. willing d. appropriate
16. Galileo was ----- the first person to use the telescope to observe the sky.
a. continuously b. firmly c. recently d. probably

17. Computers have given banks the ----- to do millions of transfers a day.
a. variety **b. process** **c. power** **d. voluntary**
18. Because of advances in the world, the ----- of family life has changed recently.
a. choices **b. patterns** **c. schedules** **d. actions**
19. Average temperatures in April ----- from 15 to 25 degrees.
a. scan **b. master** **c. range** **d. imagine**
20. It's clear that fluency and ----- are more important than grammar when speaking.
a. pattern **b. tongue** **c. step** **d. communication**
21. I couldn't communicate with him in English, -----, I had to use body language.
a. besides **b. therefore** **c. in addition** **d. however**
22. When preparing meals, you need to think about variety, taste and nutritional -----.
a. values **b. points** **c. beliefs** **d. prices**
23. We must also consider the needs of the younger members of population to have a good -----.
a. society **b. grade** **c. history** **d. experience**
24. By practicing regularly, her piano playing has ----- improved.
a. greatly **b. honestly** **c. wrongly** **d. probably**
25. -----, most of the road accidents happen because of the drivers' carelessness.
a. Luckily **b. Nowadays** **c. Fortunately** **d. Wrongly**
26. Reza is not happy with his income, so he is ----- a new job in a larger city.
a. turning on **b. turning up** **c. looking for** **d. looking after**
27. Ali and Mehdi run a large company together and are very good business -----.
a. winners **b. students** **c. patterns** **d. beginners**
28. He travelled all ----- ranged from Europe to Asia to raise money for charity.
a. cities **b. towns** **c. continents** **d. states**
29. He had no doubts about his team's ----- to reach the World Cup Finals.
a. ability **b. region** **c. pattern** **d. grade**
30. I know from ----- that Tony never keeps his promises.
a. communication **b. experience** **c. society** **d. mind**

پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان درس اول

Vocabulary Tests (lesson 1)											
1	A	6	C	11	D	16	D	21	B	26	C
2	A	7	B	12	C	17	C	22	A	27	C
3	A	8	C	13	B	18	B	23	A	28	C
4	D	9	C	14	B	19	C	24	A	29	A
5	A	10	C	15	D	20	D	25	B	30	B

Lesson Two:

“A healthy Lifestyle”

"یک شیوه زندگی سالم"

*Eat of the things which Allah hath provided for you, lawful and good;
but fear Allah, in whom ye believe.* “Al-Ma’idah, 88”

و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از خدایی که بدو ایمان
دارید پروا دارید. (آیه ۸۸)
(سوره مائده)

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
a bit	یه خورده، یه کم	cycling	دوچرخه سواری
active	فعال	dead	مرده
activity	فعالیت	death	مرگ
addict	معتاد	defend	دفاع کردن از، حمایت کردن
addictive	اعتیادآور	definition	تعریف، معنی - مشخصات
addiction	اعتیاد	depressed	نا امید
all right	درسته، بسیار خوب	describe	توصیف کردن
anti- cancer	ضد سرطان	description	توصیف
asleep	خوابیده	details	جزئیات
attend	شرکت کردن، حضور یافتن در	diet	رژیم غذایی
attention	توجه	direct	هدایت کردن، مستقیم
avoid	خودداری کردن - اجتناب کردن	discuss	بحث کردن
balanced	متوازن - متعادل	disease	بیماری
bear	تحمل کردن - به دنیا آوردن - خرس	disagree	مخالفت کردن
behave	رفتار کردن	dislike	دوست نداشتن
behavior	رفتار	disorder	بی نظمی، ناهماهنگی
blood pressure	فشار خون	drug	دارو، مواد مخدر
boat	قایق	educate	با سواد کردن
business	تجارت - حرفه - کار	education	تحصیلات، آموزش
call sb back	تماس گرفتن	educated	با سواد، تحصیل کرده
calm	آرام، خونسرد	effect	اثر، نتیجه - مفهوم - نیت
candy	آب نبات - شیرین کردن	effective	مؤثر
case	حالت، مورد، قضیه، نمونه	emergency	اورژانسی
certain	مطمئن - مشخص	emotion	احساس
check in	پذیرش شدن	emotional	احساسی، عاطفی
clear	واضح، شفاف - پاک کردن	enable	قادر ساختن
climb	بالا رفتن	even	حتی
come back	برگشتن	event	رویداد، حادثه، رخداد
common	عادی، رایج، متداول	ever	تا به حال - هرگز
conditions	شرایط	excellent	عالی، محشر
confuse	گیج کردن	exciting	هیجان بر انگیز
contain	شامل بودن، در بر داشتن	exercise	تمرین - ورزش
cook	آشپز - پختن	factor	عامل، فاکتور
couch potato	معتاد تلویزیون	fat	چاق - چربی
cure	معالجه کردن، درمان کردن	fight	جنگ، دعوا، درگیری
cycle	دوچرخه سواری کردن - چرخه، دوره	flat	مسطح، هموار، آپارتمان - پنچر

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) Key Words of Vision Two

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
flight	پرواز	hurt	صدمه زدن ، آسیب رساندن
forbid	ممنوع کردن - قدغن کردن	idea	ایده ، نظر ، عقیده
forbidden	ممنوع، قدغن	identify	شناسایی کردن، تشخیص دادن
frequency	تکرار	identification	شناسایی
fully	پر ، مملو	illness	بیماری
function	عملکرد ، کاربرد	improve	بهبود بخشیدن
gain	به دست آوردن، کسب کردن	include	شامل بودن ، در بر داشتن
general	معمولی ، عادی	incomplete	ناکامل ، ناتمام، ناقص
gerund	اسم مصدر	incorrect	نادرست ، غلط
get away	فرار کردن - ترک کردن	increase	افزایش دادن
get up	از خواب بیدار شدن	influence	تحت تاثیر قرار دادن
give up	رها کردن ، تسلیم شدن	invention	اختراع
goal	هدف ، مقصد ، منظور	invitation	دعوت
go away	دور شدن ، رفتن	jog	آهسته دویدن - هل دادن، تنه زدن
good at	خوب در	join	پیوستن ، ملحق شدن، متصل شدن
groceries	خوار و بار	junk food	غذای ناسالم ، هله هوله
grow up	رشد کردن ، بالغ شدن	keep on	ادامه دادن
guess	حدس زدن	laugh	خندیدن
guest	مهمان	laughter	خنده
habit	عادت	lazy	تنبل
hang out	وقت گذراندن	leave	ترک کردن ، جا گذاشتن
happen	اتفاق افتادن	lifestyle	شیوه زندگی
happening	اتفاق ، رویداد	limit	محدود کردن ، منحصر کردن
harm	ضرر	line	خط - سطر ، ردیف - ریسمان
harmful	مضر	look after	مراقبت کردن از
harmless	بی ضرر	main	عمده ، اصلی ، اساسی
health	سلامتی ، تندرستی	mainly	عمدتاً ، اساساً
healthy	سالم ، تندرست	make up	تشکیل دادن . جبران کردن
heart attack	سکته قلبی	manner	شیوه ، حالت
heartbeat	ضربان قلب	measure	اندازه گیری کردن
hiking	کوه نوردی، پیاده روی	medical	پزشکی
history	تاریخ ، تاریخچه	medicine	دوا ، دارو - پزشکی
hobby	سرگرمی	member	عضو
homeless	بی خانمان	midday	نصف روز
however	اما ، در هر صورت	middle	وسط ، میانه
hurry up	عجله کردن	midterm	میان ترم

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) *Key Words of Vision Two*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
miracle	معجزه	quickly	به سرعت
mission	مأموریت	quince	میوه ی به
natural	طبیعی	rarely	به ندرت
necessary	لازم ، ضروری	reality	واقعیت
neighbor	همسایه	reason	دلیل ، علت
noise	سر و صدا ، شلوغی	recent	اخیر ، تازه
Nope!	نه!	recreational	تفریحی ، سرگرمی
normal	عادی ، معمولی	relate	ربط دادن ، مربوط بودن
object	مفعول - شیء	relationship	رابطه
onion	پیاز	replay	باز پخش
opinion	عقیده ، نظر	rethink	تجدید نظر کردن
paper	کاغذ - روزنامه	retire	بازنشسته
part	قسمت ، بخش	rewrite	بازنویسی کردن
partly	تا حدی ، نسبتاً	risk	خطر کردن ، ریسک کردن
patient	بیمار - صبور	sadly	متأسفانه ، با ناراحتی
perfect	عالی، کامل ، تمام	sail	سفر دریایی، حرکت در دریا - بادبان
plan	طرح ، نقشه ، برنامه	secret	راز ، رمز
plain	دشت. جلگه - ساده ، آشکار	serious	جدی ، عبوس ، اخمو
plane	هواپیما	serving	پرس (غذا)
plant	گیاه - کاشتن	situation	موقعیت ، وضعیت
positive	مثبت	skim	سرسرکی خواندن، اجمالی خواندن
possible	ممکن . احتمالی	smartphone	تلفن هوشمند
pray	نماز - عبادت ، دعا	smoker	سیگاری
predict	پیش بینی کردن	social	اجتماعی
prefer	ترجیح دادن	serving	پرس (غذا)
prefix	پیشوند	socialize	معاشرت کردن - اجتماعی کردن
prepare	مهیا کردن ، آماده کردن	special	ویژه ، خاص ، سفارشی
preposition	حرف اضافه	specialist	متخصص ، کارشناس
pressure	فشار	sportsperson	ورزشکار
prevent	جلوگیری کردن، خودداری کردن	stage	مرحله - صحنه
produce	تولید کردن	step	مرحله ، قدم
producer	تولید کننده	stress	استرس
production	تولید	subject	فاعل ، موضوع
proportion	نسبت	suffix	پسوند
properly	به درستی	take	برداشتن ، بردن
pyramid	هرم	take part in	شرکت کردن در

لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson Two) Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
taste	مزه ، بو کردن	unsafe	نا امن ، خطرناک
thought	فکر، تفکر	upward	رو به جلو
tired of	خسته از	vacuum cleaner	جارو برقی
title	عنوان - لقب، مقام	wake up	از خواب برخاستن
topic	موضوع، عنوان ، سر فصل	watch out	مراقب بودن
towards	به طرف ، به سوی ، نسبت به	weight	وزن
turn around	دور زدن ، چرخیدن	worth	ارزش، بها، قیمت - ثروت
unfortunately	متأسفانه ، بدبختانه	worthy	ارزشمند ، شایسته ، سزاوار
unimportant	بی اهمیت	yet	هنوز

سایر لغات مهم درس دوم پایه یازدهم (Lesson 2) Other Key Words of Vision Two

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
marriage	جشن ازدواج، ازدواج	trouble	مشکل، درد سر ، زحمت
ceremony	جشن ، مراسم	steal	دزدیدن
briefly	به طور خلاصه. مختصر	civil war	جنگ داخلی
formally	رسماً ، به طور رسمی	variety	تنوع، گوناگونی
suffered	رنج بردن ، درد کشیدن	voice	صدا
as soon as	به محض اینکه	ocean	اقیانوس
widely	زیاد ، در بسیاری جاها	crowded	شلوغ - پر جمعیت
speech	گفتار ، سخن	retirement	بازنشستگی
complex	پیچیده	claim	ادعا کردن، مطالبه کردن
particularly	منحصراً	return	برگرداندن. برگشتن
stuff	ماده، کالا - پر کردن، چپاندن	gift	کادو، هدیه

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

Sina and Behzad are old friends. They have not seen each other for about three months. Behzad has called Sina.

سینا و بهزاد دوستان قدیمی هستند. آنها حدود سه ماه است که یکدیگر را ندیده اند. بهزاد به سینا زنگ زده است.

Behzad: Hi Sina. How is it going? I haven't seen you since Norooz.

بهزاد: سلام سینا. حالت چطوره، من تو را از نوروز ندیده ام.

Sina: Hi Behzad. Thanks for calling. I am home most of the time. I do different things like surfing the net and playing computer games.

سینا: سلام بهزاد. از تماس متشکرم. من بیشتر اوقات در خانه هستم. من چیزهای مختلفی انجام می دم مثل گشت و گذار در اینترنت و انجام بازی های کامپیوتری.

Behzad: How about your free time? Going out, jogging, playing football, ...?

بهزاد: در اوقات فراغت چطور؟ بیرون می ری، می دوی، فوتبال بازی می کنی ، ...؟

Sina: Nope. I rarely go out and hang out with my friends.

سینا: نه، من به ندرت بیرون می رم و با دوستانم وقت می گذرونم.

Behzad: I see. Reza and I are going to Darband for climbing and walking this Thursday. We really like to see you. Will you come with us?

بهزاد: متوجه شدم. رضا و من این پنج شنبه قصد داریم برای کوهنوردی و پیاده روی به دربند برویم. ما واقعاً دوست داریم تو را ببینیم. آیا با ما خواهی اومد؟

Sina: What?! Oh, no, I haven't been there for a long time. I prefer to stay home and watch my movies on the weekend. I've bought lots of things to eat, too.

سینا: چی؟ اوه، نه، من برای مدتی طولانی که اونجا نرفته ام. من ترجیح می دم در آخر هفته در خانه بمونم و فیلم هام رو تماشا کنم. من هم چنین چیزهای زیادی برای خوردن خریده ام.

Behzad: Come on! Stop being a couch potato! I guess you haven't exercised for a long time. I think you are a bit fat now.

بهزاد: برو بابا! این قدر خوره ی تلویزیون نباش! من حدس می زنم تو برای مدت طولانی ورزش نکرده ای. من فکر می کنم الان کمی چاق هستی.

Sina: Um... actually, you're right. I've gained five kilos in three months. I really do not like to move!

سینا: اوم ... راستش رو بخوای، درست می گی. من در ۳ ماه چند کیلو چاق شدم. من واقعاً دوست ندارم تحرک داشته باشم!

Behzad: See? I told you. Working with computers for a long time makes people sick and depressed. I've read about this somewhere.

بهزاد: می بینی! من به تو گفتم. کار کردن با کامپیوتر برای مدت طولانی افراد رو بیمار و افسرده می کنه. من در این باره در جایی (مطلبی) خوانده ام.

Sina: All right. You won!... When and where should we meet?

سینا: باشه، تو بردی. کی و کجا باید همدیگر رو ببینیم؟

یادداشت:

Having a Healthier and Longer Life

داشتن یک زندگی سالمتر و طولانی تر

Have you ever thought of a healthy lifestyle to live longer? People can do many things to have a healthier life. Most people have a special diet or do lots of exercise; however, without a careful plan they may hurt themselves.

آیا تا کنون به یک سبک زندگی سالم برای بیش تر زندگی کردن فکر کرده اید؟ مردم می توانند چیزهای زیادی انجام دهند تا زندگی سالم تری داشته باشند. بیش تر مردم رژیم خاصی دارند یا زیاد ورزش می کنند؛ اما بدون یک برنامه ی دقیق، آن ها ممکن است به خودشان صدمه بزنند.

To have a healthier lifestyle, people need to do certain things. First, they should check their general health. Measuring blood pressure and heartbeat is the most important thing to do. They also need to check their family health history. In this way, they understand if anyone in the family has had a special illness.

برای داشتن یک سبک زندگی سالم تر، مردم باید چیزهای خاصی را انجام دهند. ابتدا، آنها باید سلامتی عمومی شان را چک کنند. اندازه گیری فشار خون و ضربان قلب مهم ترین چیز برای انجام دادن است. آن ها همچنین باید سابقه ی سلامت خانواده ی خود را بررسی کنند. به این طریق، آنها می فهمند که آیا هیچ کسی در خانواده بیماری خاصی داشته است (یا نه).

Another thing is paying attention to physical health. For example, eating healthy food helps people live longer and prevents diseases. Eating junk food makes people gain weight, and increases the risk of heart attack. Eating balanced servings of bread, vegetables, fruits, protein, and oil is necessary for everyone. Also, daily exercises improve people's health condition.

مطلب دیگر توجه کردن به سلامت جسمی است. برای مثال، خوردن غذای سالم به مردم کمک می کند طولانی تر عمر کنند و از بیماری ها پیشگیری می کند. خوردن غذاهای بی ارزش (هله هوله) باعث چاقی افراد می شود و خطر سکته ی قلبی را افزایش می دهد. خوردن پُرس های متعادل از نان، سبزی، میوه، پروتئین و روغن برای همه ضروری است. هم چنین، ورزش روزانه وضعیت سلامت افراد را بهبود می بخشد.

An effective way to enjoy a better lifestyle is having healthy relationships with others. Recent research has shown that a good social life decreases the risk of death. Sadly, some people do not visit their relatives very often these days. They are really busy with their work and usually use technology to communicate.

یک روش مؤثر برای لذت بدن از سبک زندگی بهتر، داشتن روابط سالم با دیگران است. تحقیق اخیر نشان داده است که زندگی اجتماعی خوب خطر مرگ را کاهش می دهد. متأسفانه این روزها بعضی از مردم خیلی اوقات

خویشاوندان شان را ملاقات نمی کنند. آنها خیلی مشغول کارشان هستند و معمولاً برای ارتباط برقرار کردن از فناوری استفاده می کنند.

Bad habits and addiction can be harmful to health. One day of smoking can take around 5 hours away from the smoker's life. Addiction to technology such as using computers for a long time is also dangerous.

عادت های بد و اعتیاد می تواند برای سلامتی مضر باشد. یک روز سیگار کشیدن می تواند ۵ ساعت از عمر فردی که سیگار می کشد را بگیرد. اعتیاد به فناوری مانند استفاده از رایانه به مدت طولانی نیز خطرناک است.

Above all, the most important thing to enjoy a good life is having emotional health. Praying decreases stress and gives people a calm and balanced life. People with this lifestyle have had a better life.

مهم تر از همه، مهم ترین چیز برای داشتن یک زندگی خوب، داشتن سلامت عاطفی است. نماز خواندن (دعا کردن) اضطراب را کاهش می دهد و به افراد یک زندگی آرام و متعادل می دهد. افراد با این سبک زندگی، زندگی بهتری داشته اند.

There are many other things people can do to live healthier and longer. The key point, however, is having a plan for the way they want to live and take care of their physical and emotional health.

چیزهای بیشتر دیگری وجود دارند که مردم می توانند انجام دهند تا زندگی سالم تر و طولانی تر داشته باشند. نکته ی کلیدی، به هر حال، داشتن یک برنامه برای روش زندگی ایی است که می خواهند داشته باشند و مراقبت از سلامت جسمی و عاطفی شان است.

یادداشت:

گرامر درس دوم:

زمان حال کامل (ماضی نقلی) Present Perfect Tense

از این زمان برای اشاره به عملی که در گذشته انجام گرفته و اثر و نتیجه آن تا زمان حال باقی مانده باشد، یا آن عمل تا حال ادامه پیدا کرده باشد استفاده میکنیم. فرمول این زمان عبارت است از:

فاعل	افعال کمکی have / has	شکل سوم فعل (p.p.)	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	------------------------------	--------------------	-------	----------	----------	----------

"ما از سال ۱۳۵۶ در بوکان زندگی کرده ایم." We **have lived** in Boukan since 1356.

"پدرش به مدت ۱۵ سال در آن اداره کار کرده است." His father **has worked** in that office for 15 years.

نکته ۱: چنانچه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای فرد باشد از فعل کمکی **has** و برای سایر فاعلها از **have** استفاده میکنیم. مخفف **have** بصورت (**'ve**) و مخفف **has** بصورت (**'s**) نوشته میشوند.

I have worked	من کار کرده ام	We have worked	ما کار کرده ایم
You have worked	تو کار کرده ای	You have worked	شما کار کرده اید
He has worked	او کار کرده است (مذکر)	They have worked	آنها کار کرده اند
She has worked	او کار کرده است (مؤنث)		
It has worked	آن کار کرده است (غیرانسان)		

سؤالی و منفی کردن این زمان: برای سؤالی کردن این زمان افعال کمکی **have / has** را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان ، بعد از افعال کمکی قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** را اضافه میکنیم.

"آیا تکلیفت را انجام داده ای؟" **Have you done** your homework?

"در چند ماه گذشته باران نباریده است." It **hasn't rained** in the last few months.

نکته ۲: شکل سوم فعل همان اسم مفعول میباشد (past participle). چنانچه فعلی با قاعده باشد، شکل سوم آن "**ed**" میگیرد و چنانچه بی قاعده باشد تغییر ظاهر داده و میبایستی آنها را حفظ کرد.

کاربردهای زمان حال کامل:

۱- برای بیان عملی که در گذشته آغاز شده و همچنان ادامه دارد: (در این کاربرد اغلب از **since** و **for** استفاده میکنیم)
"آقای کریمی از سال ۱۳۸۷ انگلیسی تدریس کرده است." Mr. Karimi **has taught** English since 1387.

۲- برای بیان تجربه ای که زمانی در زندگی شما اتفاق افتاده است. در واقع این عمل در گذشته اتفاق افتاده و به پایان رسیده اما آثار آن هنوز احساس میشود. زمان آن عمل مهم نیست:
"آنها اخیراً به یک آپارتمان جدید اسباب کشی کرده اند." They **have moved** into a new apartment recently.

نکته مهم ۱: اگر بخواهیم زمان دقیق آن عمل را ذکر کنیم دیگر نمیتوانیم از زمان حال کامل استفاده کنیم و حتماً باید از "**زمان گذشته ساده**" بهره بگیریم:

"آنها هفته گذشته به یک آپارتمان جدید اسباب کشی کردند." They **moved** into a new apartment last week.

نکته مهم ۲: اگر عملی مربوط به گذشته باشد ولی اثری در زمان حال نداشته باشد، از زمان **گذشته ساده** استفاده میکنیم:

"هیتلر خیلی سالها پیش از دنیا رفت."
Hitler **died** many years ago.

۳- برای اشاره به عملی که تازه به پایان رسیده است:

"همسرش تازه نهار را پخته است."
His wife **has just cooked** lunch.

۴- پایان کاری که بر زمان حال تاثیر داشته است:

"پسرم کلیدهایش را گم کرده است."
My son **has lost** his keys.

۵- برای اشاره به عملی که یک یا چند بار تا لحظه یی که در آن هستیم انجام گرفته و یا روی نداده است.

"من هرگز در استرالیا نبوده ام"
I **'ve never been** in Australia.

"دانش آموزانم دو بار آن کتاب را خوانده اند."
My students **have read** that book *twice*.

۶- بیان تجربیات شخصی:

"او خیلی به آفریقا سفر کرده است."
He **'s traveled** to Africa a lot.

علائم زمان حال کامل در تستها:

۱- since: به معنی "از" در این زمان "مبدأ زمان" را نشان میدهد. یعنی برای اشاره به شروع کاری که در گذشته انجام گرفته و تا به حال ادامه یافته باشد:

"من از سال ۱۳۹۲ انگلیسی را مطالعه کرده ام."
I **'ve studied** English **since** 1392.
مبدأ زمان زمان حال کامل

نکته ای بسیار مهم: اگر در جملات زمان حال کامل بخواهیم بعد از **since** به جای عبارات زمانی مانند سال و روز، از جمله استفاده کنیم زمان آن جمله به صورت زمان **گذشته ساده** خواهد بود:

"او از ساعت ۸ صبح اتاقها را تمیز کرده است."
She **'s cleaned** the rooms **since** 8 a.m.
مبدأ زمان زمان حال کامل

"او از صبح که از خواب بیدار شد، اتاقها را تمیز کرده است."
She **has cleaned** the rooms **since** she **got up** in the morning.
زمان گذشته ساده زمان حال کامل

۲- for: به معنی "**به مدت**" در زمان حال کامل "مدت زمان انجام کار" را نشان میدهد و غالباً پس از **for** از کلماتی که نشان دهنده طول زمان هستند همانند: ..., a long time, year, month, hour, second استفاده میشود.

"آقای امینی به مدت ۱۰ سال اسپانیایی را مطالعه کرده است."
Mr. Amini **has studied** Spanish **for** 10 years.
مدت زمان زمان حال کامل

نکته ای مخصوص کنکور منحصر آ زبان: در جملات مثبت میتوان **for** را حذف کرد اما در جملات منفی نمیتوانیم:

"آقای کریمی (به مدت) ۳ سال انگلیسی تدریس کرده است."
Mr. Karimi **has taught** English (**for**) three years.
جمله مثبت

"آنها برای یک سال هیچ تعطیلاتی نداشته اند."
They **haven't had** any holiday **for** a year.
جمله منفی

نکته ای مخصوص کنکور منحصراً زبان ۲: در جملات منفی میتوان به جای for از حرف اضافه in استفاده کرد:

او این اتاق را به مدت ۳ هفته تمیز نکرده است." "He hasn't cleaned his room **in / for** three weeks.
جمله منفی

۳- just به معنی (تازه) قبل از فعل اصلی جمله و برای اشاره به عملی که تازه تمام یا متوقف شده است:

پدرم تازه به خانه رسید." "My Father has just arrived.
زمان حال کامل

۴- already به معنی (هم اکنون) در جملات مثبت قبل از فعل اصلی جمله برای اشاره به عملی که قبلاً تکمیل شده است:

"ما هم اکنون کارمان را تمام کرده ایم." "We have already finished our work.
زمان حال کامل

۵- yet به معنی (هنوز) در انتهای جملات منفی و سؤالی میآید:

"من هنوز به لیورپول سفر نکرده ام." "I haven't traveled to Liverpool **yet**.
زمان حال کامل

۶- ever به معنی (هرگز، تا بحال) در جملات منفی و سؤالی زمان حال کامل قبل از فعل اصلی بکار میروند.

"آیا تا به حال در انگلیستان بوده ای؟" "Have you ever been in England?
زمان حال کامل

نکته ای کنکوری مهم: کلمه ی ever گاهی در جملات مثبت هم میآید (معمولاً بعد از صفت عالی یا برترین) طبق الگوی زیر:

"این بهترین کتابی است که تا به حال خوانده ام." "It is the best book **that** I have ever read.
زمان حال کامل صفت عالی

"این زیبا ترین منظره ای بود که او تا به حال دیده بود." "This is the most beautiful view **that** he have ever seen.
زمان حال کامل صفت عالی

۷- never (هرگز)، always (همیشه)، قبل از فعل اصلی جمله این زمان هم میتوانند بکار برده شوند:

"او هرگز آن کتاب را نخوانده است." "She 's never read this book.
زمان حال کامل

"ما همیشه به فوتبال علاقمند بوده ایم." "We 've always been interested in football.
زمان حال کامل

۸- until now , so far , till now , up to now به معنی "تاکنون، تا به حال" در انتها یا در اول جملات این زمان میآیند:

"او تا به حال دو نامه را نوشته است." "He 's written two letters **so far**.
زمان حال کامل

۹- recently = lately به معنی "اخیراً" در ابتدا، قبل از فعل اصلی ، یا در انتهای جمله زمان حال کامل میآیند:

"آیا اخیراً به او نامه داده ای؟" "Have you written to him **lately**?
زمان حال کامل

"آلیسون اخیراً یک شغل پاره وقت پیدا کرده است." "Alison has recently found a part- time job.
زمان حال کامل

۱۰- **in the last few days (weeks,...)** نشان دهنده یک دوره از زمان گذشته تا زمان حال میباشد:

"من در چند ماه گذشته افراد زیادی را ملاقات کرده ام." **I've met** a lot of people **in the last few months.**
زمان حال کامل

۱۱- بعد از عبارات **This / That/ It is the (first, second, third, ..) time** زمان حال کامل میآید:

This is **the second time** you **have lost** your pencil at school.

مرتببت اعداد

زمان حال کامل

"این دومین بار است که تو مدادت را در مدرسه گم کرده ای."

It's **the third time** he **has phoned** me this morning.

مرتببت اعداد

زمان حال کامل

"این سومین باره که او از صبح به من زنگ زده است."

۱۲- کلمات زیر هم معمولاً در جملات **زمان حال کامل** بکار برده میشوند:

once	یک بار	twice	دوبار	thrice	سه بار
4 times	چهار بار	5 times, ...	پنج بار و...	several times	چندین بار
over and over	دوباره و دوباره	again and again	دوباره و دوباره	many times	دفعات زیادی

We **have seen** this movie **several times.**

"ما این فیلم را چندین بار دیده ام."

۱۳- **during** به معنی (**در طی / در خلال**)

They **haven't built** any hospitals in our city **during** the last 5 year.

"آنها در طی ۵ سال گذشته در شهر ما هیچ بیمارستانی را نساخته اند."

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

اسم مصدر Gerund

اسم مصدر یا "جرند" فعلی است که ing گرفته و در نقش "اسم" بکار رفته باشد. پس اسم مصدر دیگر فعل محسوب نمیشود و همچون اسم میتواند "فاعل" یا "مفعول" جمله باشد.

محل اسم مصدر یا فعل ing دار در جمله:

۱- در ابتدای جمله در نقش "فاعل"، فعل به صورت "اسم مصدر" یا ing دار میآید.

Swimming in this part of the river is very dangerous. Be careful!

اسم مصدر

فعل مفرد

"شنا کردن در آن قسمت رودخانه خیلی خطرناک است. مواظب باشید.

توجه: گاهی در تستها میبینیم که برای فریب ما، ساختار بالا را در وسط جمله ای دیگر مانند مثال زیر میآورد. پس مواظب باشیم که گول نخوریم!!!

I think that Learning a foreign language isn't difficult.

اسم مصدر

فعل مفرد

"من فکر میکنم که یادگیری یک زبان خارجی مشکل نیست."

نکته کنکوری و مهم: اسم مصدر همواره همچون اسم مفرد در جمله در نظر گرفته میشود و فعل همراه آن همواره به صورت

"مفرد" خواهد بود. اما چنانچه در جمله ای بیشتر از یک اسم مصدر داشته باشیم، فعل همراه آن بصورت "جمع" میآید:

Fishing and swimming are my favorite hobbies. "ماهیگیری و شنا کردن سرگرمیهای مورد علاقه من هستند."

اسم مصدر

اسم مصدر

فعل جمع

۲- بعد از go و اشکال آن، برای اشاره به تفریحات و سرگرمیها، فعل به صورت "ing دار" میآید.

go shopping - goes hunting - go swimming

Yesterday, my mother went shopping to buy some meat.

اسم مصدر

"دیروز مادرم به خرید رفت تا کمی گوشت بخرد."

۳- در تابلوها و هشدارها بعد از NO : No smoking - No fishing

۴- بعد از حروف اضافه (در نقش مفعول) چنانچه فعلب بیاید آن فعل به صورت "اسم مصدر" یا فعل ing دار خواهد بود. مهمترین حروف اضافه عبارتند از:

in	off	from	with	of	up
into	for	by	at	to	down
on	after	among	between	through	against
before	without	about	towards	out	over

She is interested in reading history books in her free time.

اسم مصدر

۵- بعد از افعال بسیار مهم زیر (در نقش مفعول) فعل دوم بصورت "اسم مصدر" بکار برده میشود:

معنی	فعل	معنی	فعل	معنی	فعل
تمرین کردن	practice	پایان دادن	stop	لذت بردن	enjoy
بحث کردن	discuss	تصور کردن	imagine	پایان دادن	finish
ترک کردن	quit	از دست دادن	miss	دوست داشتن	love
نگه داشتن	keep	اهمیت دادن	mind	دوست داشتن	like
خود داری کردن	avoid	انکار کردن	deny	متنفر بودن	dislike
خطر کردن	risk	در نظر گرفتن	consider	متنفر بودن	hate
ادامه دادن	keep on	پیشنهاد دادن	suggest	توجه کردن	notice
ادامه دادن	go on	به تعویق انداختن	postpone	قدردانی کردن	appreciate
جلوگیری کردن	prevent	ممنوع کردن	forbid	رها کردن	give up

"او از قدم زدن در پارک در بعد از ظهرها لذت میبرد." He **enjoys walking** at the park in the afternoon.

اسم مصدر

توجه: فعل دوم بعد برخی از افعال بالا، هم بصورت "اسم مصدر" و هم بصورت "مصدر با to" خواهد بود. که مربوط به کنکور منحصرأ زبان بوده و در درس سوم به این دسته از افعال اشاره شده است.

۶- (زبان تخصصی): به عنوان متمم برای تکمیل معنای فاعل:

"سرگرمی مورد علاقه من **کوه نوردی** است." My favorite hobby is **hiking**.

فاعل

متمم فاعل

نکته: حالت بالا را با زمان حال استمراری اشتباه نگیریم که در آن فعل ing میگیرد تا استمرار را نشان دهد و در نقش فعلی خود باقی مانده است:

"آنها الان در حال مطالعه کردن انگلیسی هستند." They **are studying** English now.

زمان حال استمراری

۷- (زبان تخصصی): بعد از افعال حسی، فعل هم بصورت شکل ساده و هم بصورت اسم مصدر (ing دار) خواهد آمد. چنانچه تمام

عمل حس شده باشد از شکل ساده فعل ولی چنانچه بخشی از عمل حس شده باشد از اسم مصدر بهره میگیریم:

"من او را دیدم که ظرفها را شست." I **saw her wash** the dishes.

شکل ساده فعل

"من او را در حال شستن ظرفها دیدم." I **saw her washing** the dishes.

اسم مصدر

افعال حسی عبارتند از:

توجه کردن	notice	شنیدن	hear	دیدن	see
احساس کردن	feel	مزه کردن	taste	گوش دادن	listen
پی بردن	find	بو کردن	smell	تماشا کردن	watch

افعال دو کلمه ای جدا نشدنی و (صفات دارای حرف اضافه مخصوص به خود):

صفات و افعال زیر همواره با حرف اضافه مخصوص خود در جمله بکار برده میشوند و هرگز از آن حرف اضافه جدا نمیشوند. حرف اضافه این دسته از افعال و صفات باعث تغییر معنی فعل و صفت نمیشوند و معنی خود را هم حفظ میکنند. مفعول چه اسم باشد و چه ضمیر، همواره "بعد از حرف اضافه" میآید.

Is he **looking for** his pens? → Yes, he is **looking for** them.
مفعول بصورت اسم ضمیر مفعولی

Were they **afraid of** the lion? → Yes, they were **afraid of** it.
مفعول بصورت اسم ضمیر مفعولی

Please **listen to** the radio. → Please **listen to** it.
مفعول بصورت اسم ضمیر مفعولی

مهمترین افعال دو کلمه ای جدا نشدنی و صفاتی که حرف اضافه مخصوص خود را دارند عبارتند از:

معنی	فعل / صفت	معنی	فعل / صفت
متفاوت از	different from	مسئول برای	responsible for
گوش دادن به	listen to	مشابه با	similar to
موافق بودن با / درباره	agree about / with	خوب در	good at
مخالف بودن با / در باره	disagree about / with	برنامه ریزی کردن برای	plan for
متاسف بودن درباره	sorry about / of	فکر کردن درباره ی	think about
مراقب ... بودن	careful about / of	خسته از	tired of
ترسیدن از	afraid of	کسل با	bored with
پافشاری کردن بر روی	insist on	خندیدن به	laugh at
تشکیل شده از	consist of	منتظر ماندن برای	wait for
متکی بودن به	rely on	پراز	full of
متکی بودن به	depend on	نگاه کردن به	look at
شرمنده از	ashamed of	گشتن به دنبال	look for
نگران بودن در باره	worry about	مراقبت کردن از	look after
نگران بودن درباره	concern about	حرف زدن با / درباره ی	talk to / about
ارتباط بر قرارکردن با	communicate with	صحبت کردن با / درباره	speak to / about
درخواست کردن برای	ask for	علاقمند به	interested in
پیاده شدن	get off	سوار شدن	get on
دور نگه داشتن	keep of	درخواست کردن برای	apply for
نوسان داشتن	range from ... to	رفتار کردن نسبت به	behave towards
تحت تاثیر قرار گرفتن بوسیله	influence by	فریاد زدن بر	shout at
ترجمه کردن به	translate into	تشکر کردن برای	thank for
تعجب کردن از	surprise at	جواب دادن به	reply to
اضافه کردن به	add to	تقسیم کردن به	divide into
نگاه کردن به بالا	look up	مطلع شدن درباره	learn about

افعال دو کلمه ای جدا شونده (افعال مرکب)

دسته ای از افعال هستند که از دو قسمت "جزء قیدی + فعل" تشکیل شده اند. به بیانی ساده تر در این حالت حرف اضافه ای که بعد از فعل میآید باعث تغییر معنای فعل شده و معنای جدیدی به وجود میآید و خود آن حرف اضافه هم دیگر هنگام ترجمه نخواهد آمد و معنی ندارد.

مفعول چنانچه اسم باشد هم ما بین فعل و حرف اضافه میآید و هم میتواند بعد از آن حرف اضافه بیاید. اما چنانچه مفعول به صورت ضمیر باشد، فقط "ما بین فعل و حرف اضافه" بکار برده میشود و هرگز بعد از حرف اضافه نمیآید :

Turn on the TV please. = Turn the TV on please.
مفعول بصورت اسم مفعول بصورت اسم

Turn it on please. (**NOT**: Turn on it please.)
مفعول بصورت ضمیر مفعول بصورت ضمیر

Does he put on his glasses? = Yes, he put them on.
مفعول بصورت اسم مفعول بصورت ضمیر

مهمترین افعال دو کلمه ای جدا شدنی:

فعل	معنی	فعل	معنی
turn on	روشن کردن	call up	صدا زدن - تلفن کردن
turn off	خاموش کردن	give back	پس دادن
turn up	صدای چیزی را بالا بردن	pick up	بر داشتن، بلند کردن
turn down	صدای چیزی را پائین آوردن	look up	گشتن به دنبال معنی لغت
put on	پوشیدن	wake up	از خواب بیدار کردن
take off	کندن - در آوردن	take apart	از هم جدا کردن
throw away	دور انداختن	put out	خاموش کردن
add up	اضافه کردن	find out	پی بردن، فهمیدن

Notes:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

پیشوند ها و پسوند ها در انگلیسی:

اسم ها، فعل ها، صفت ها، و قیده‌ها همگی اغلب مستعد استفاده از پیشوندها و پسوندهای مختلف هستند، بنابراین آشنایی با آنها یادگیری کلمات را آسان تر می نماید.

۱- پیشوند ها در انگلیسی (Prefixes):

پیشوند (prefix) به یک حرف یا گروهی از حروف گفته می شود که به "ابتدای کلمه" کامل و معنی دار میچسبد و "معنی کلمه را تغییر داده" و از آن کلمه جدید دیگری میسازد.

در جدول زیر، مهم ترین و رایج ترین پیشوندهای انگلیسی آمده اند:

پیشوند	معنی	مثال		
anti-	مخالف، ضد	antibody	anti-cancer	antibiotic
co-	با، با هم	co-worker	co-pilot	co-operation
dis-	مخالفت، نفی کردن	disagree	disappear	disapprove
ex-	قبلی، قدیمی	ex-president	ex-wife	ex-husband
fore-	قبل، پیش	forecast	foresee	foreword
im-, in-	منفی کردن	impossible	incorrect	impolite
il, ir	منفی کردن	illegal	irresponsible	irritable
im-, in-	داخل	income	inside	insert
inter, intra	بین، میان	intranet	internet	interact
macro-	بزرگ	macrography	macromolecule	macroeconomics
micro-	کوچک	microfilm	microscope	micro battery
mid-	وسط، میان	midsummer	midway	midfielder
mis-	اشتباه، نقص	mislead	mistake	misinterpret
mono-	یک، تک، پیوسته	monotone	monolingual	monoacid
non-	بدون، غیر	nonsense	nonentity	noncount
post-	بعد از، زمان دیگر	post-mortem	postpone	post flight
pre-	پیش از، قبل از	preuniversity	pre-intermediate	prefix
re-	دوباره، مجددا	return	rediscover	reunite
semi-	نصف، نیمه	semicircle	semiconscious	semi-final
sub-	زیر، پایین	submarine	sub-category	subtitle
super-	روی، فوق، بالای	superfood	superstar	supernatural
trans-	در سرتاسر، ماورای..	transport	transnational	transact
tri-	سه تا (معرف عدد ۳)	triangle	tripod	tricycle
un-	نفی کردن	unfinished	unfriendly	unknown
uni-	تک، واحد	unicycle	universal	unanimous

۲- پسوند ها در انگلیسی (Suffixes)

پسوند یک حرف یا گروهی از حروف است که معمولاً به "انتهای کلمه" میچسبد تا یک کلمه جدید را شکل دهی و ایجاد نماید و "عملکرد کلمه را از نظر گرامری تغییر میدهد". حال بسته به اینکه کلمه مزبور اسم، فعل، صفت و یا یک قید باشد، پسوند متفاوتی مورد نیاز خواهد بود.

به عنوان مثال کلمه read به عنوان یک فعل، به معنی "خواندن" را در نظر بگیرید. حال این کلمه با اضافه کردن پسوند er به انتهای آن به صورت reader، تبدیل به یک اسم و به معنی "خواننده کتاب یا متون" و همچنین با اضافه کردن پسوند able به انتهای آن به صورت readable تبدیل به یک صفت و به معنی "خواندنی یا قابل خواندن" می گردد.

مهم است که تعریف پسوندها را همانند پیشوندها به خوبی درک نماییم، چون به ما کمک می کنند تا معنی کلمات جدیدی را که می آموزیم، از طریق آنها حدس زده و استنباط نماییم. در جداول زیر، مهم ترین و رایج ترین پسوندهای اسم ساز، فعل ساز، صفت ساز و قید ساز معرفی شده اند:

جدول رایج ترین پسوندهای اسم ساز - Noun Suffixes

پسوند	معنی	مثال
-acy	وضعیت یا کیفیت	democracy, accuracy
-al	...عمل یا فرآیند	denial, trial, criminal
-ance, -ence	...وضعیت یا کیفیت	guidance, existence, importance
-dom	مکان یا وضعیت بودن	freedom, kingdom, boredom
-er, -or	شخصی که کار را انجام می دهد	reader, teacher, inventor, creator
ics	مربوط به	economics
-ism	عقیده، اصول	capitalism, humanism
-ist	شخصی که کار را انجام می دهد	geologist, scientist, theorist, biologist
-ity, -ty	کیفیت...	extremity, validity, university
-ment	شرایط	enhancement, excitement, argument
-ness	وضعیت بودن	heaviness, highness, sickness
-ship	دارنده موقعیت	friendship, hardship
-tion, -sion	وضعیت بودن	information, promotion, television

جدول رایج ترین پسوندهای فعل ساز - Verb Suffixes

پسوند	معنی	مثال
-ate	شدن، درخور بودن	communicate, educate, create
-en	شدن، درخور بودن	sharpen, strengthen, loosen
-ify, -fy	شدن یا باعث شدن	justify, simplify, magnify, satisfy
-ise -ize ,	شدن، درخور بودن	publicize, socialize, generalize

جدول رایج ترین پسوند قید ساز- Adverb Suffix

پسوند	معنی	مثال
slowly – rudely - politely	طریقه – شیوه ، حالت	-ly

جدول رایج ترین پسوندهای صفت ساز- Adjective Suffixes

پسوند	معنی	مثال
-able, -ible	توانایی و مستعد بودن چیزی	comfortable, readable, audible
-al	مربوط به	national – natural
-ful	جالب توجه و مهم برای...	handful, playful, hopeful, skillful
-ic, -ical	داشتن فرم یا ماهیت...	psychological, methodical, musical
-ous, -ious	توصیف شده توسط...	jealous, famous, religious, nervous
-ish	داشتن کیفیت...	squeamish, sheepish, childish
-ive	داشتن ماهیت...	inquisitive, informative, attentive
-less	بدون، فاقد	meaningless, hopeless, homeless
-y	توصیف شده توسط...	rainy, watery, windy, stormy
-ing	صفت مفعولی	amusing - confusing - boring
-ed	صفت فاعلی	tired – amused – bored
-ant	داشتن کیفیت...	pleasant - important

بنابراین همانطور که ملاحظه نمودید، پسوندها و پیشوندها (affixes) می توانند بصورت کاملا خاص و موثر، تعریف های کلمات را تغییر دهند. دانستن پیشوندها و پسوندهای گوناگون همراه با معانی آنها واقعا می تواند در ارتباط با اینکه چگونه کلمات استفاده می شوند و چگونه هجی می شوند، به شما کمک کند.

اگر چه این گروه از حروف (affixes) مهم هستند و به ما در شکل دهی کلمات یاری می رسانند، اما به خودی خود درست نبوده و نمی توانند به تنهایی در جمله بکار روند.

یادداشت:

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

1. They have won all the other games easily since they ----- the football game to Germany.
 a. lose b. were losing c. lost d. had lost
2. Last week he received an offer for a job in London, but he ----- what to do about it yet.
 a. won't decide b. wasn't deciding
 c. didn't decide d. hasn't decided
3. We think that Raman has the most expensive sport car that we ----- in the town.
 a. have ever seen b. ever saw
 c. was ever going to see d. will ever see
4. I ----- this exam twice up to now. I am hopeful I will pass it.
 a. had taken b. took c. will be taking d. have taken
5. A: "Would you like something to have?" B: "No, thanks. I ----- a sandwich.
 a. have just eaten b. just ate
 c. will just eat d. had just eaten
6. I ----- two poem books since I ----- to this city.
 a. wrote - moved b. have written - have moved
 c. have written - moved d. wrote - have moved
7. I ----- to see him three days ago. I ----- him twice since that day.
 a. want- have called b. wanted- called
 c. wanted- have called d. have wanted- called
8. I often avoid ----- shopping on weekends because the stores are so crowded.
 a. go b. to go c. going d. from going
9. Ali left his job because he was so tired of ----- the same job, day after day.
 a. do b. doing of c. to do d. doing
10. Just imagine ----- in a country where it is always warm and sunny. What will you do?
 a. lived b. living c. to live d. be living
11. ----- fast food ----- not good for your health especially if you eat too much.
 a. Eating - are b. Ate - is
 c. Eating - is d. Ate - are
12. A: "Have you finished ----- that book?" B: "No, I haven't ----- it yet."
 a. read-finished b. reading - finished
 c. to read-finishing d. reading-finishing
13. ----- and finding job ----- not easy in a foreign country.
 a. living - is b. lived - are
 c. living - are d. lives - is
14. ----- helps your body healthy and prevents it from ----- sick.
 a. exercise-being b. exercising-be
 c. exercise-be d. exercising-being

15. Having a balanced diet and ----- healthy food ----- necessary for children to grow.
- a. eat-is** **b. eating- are**
c. eat-are **d. eating-is**
16. My grandfather loves ----- a long walk. He often goes ----- on Sundays.
- a. taking- hike** **b. take- hike**
c. taking-hiking **d. took- hiking**
17. I haven't ----- my brother for a long time. I keep on ----- that he will call me soon.
- a. see-thinking** **b. seen-thinking**
c. see-thought **d. seen-thought**
18. A: "Have you finished ----- the house?" B: "No, I haven't finished it -----.
- a. painted-never** **b. painted-yet** **c. painting-yet** **d. painting-never**
19. My father thinks ----- retiring, but he enjoys his job too much.
- a. for** **b. to** **c. about** **d. with**
20. I'd be very interested ----- knowing more about the services your company offers.
- a. after** **b. in** **c. of** **d. on**

یادداشت:

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس دوم (پایه یازدهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (c) قبل از جای خالی since آمده که مبدأ زمان را در زمان حال کامل (have won) نشان میدهد و جمله بعد از since، زمان گذشته ساده (شکل دوم فعل + فاعل) میآید. فرمول روبرو را حفظ کنید: زمان گذشته ساده since زمان حال کامل
ترجمه: " آنها همه بازیهای دیگر را به آسانی برده اند از زمانیکه بازی فوتبال را به آلمان باختند."
- ۲- (d) yet به معنی "هنوز" در انتهای جملات منفی زمان حال کامل میآید.
ترجمه: " او هفته گذشته پیشنهاد یک شغلی را در لندن دریافت کرد اما هنوز درباره اینکه چه چیزی در مورد آن انجام دهد، تصمیم نگرفته است."
- ۳- (a) ever به معنی "تا به حال" که در گزینه ها آمده، در جملات مثبت زمان حال کامل هم میآید که در این حالت معمولاً صفت عالی (the most expensive) قبل از آن جمله بکار میرود.
ترجمه: " ما فکر میکنیم که "رامان" گران قیمت ترین ماشین اسپرتی را که ما تا به حال در این شهر دیده ایم، را دارد."
- ۴- (d) بعد از جای خالی twice و up to now آمده اند که هر دو از مشخصه های زمان حال کامل میباشند.
ترجمه: " من تا به حال دو بار این امتحان را داده ام. امیدوارم که در آن قبول بشوم."
- ۵- (a) در گزینه ها just به معنی " تازه" آمده است که از مشخصه های زمان حال کامل بوده و به عملی اشاره میکند که در گذشته انجام گرفته و تازه تمام شده است.
ترجمه: " مایلید چیزی برای خوردن بخورید؟ - نه متشکرم. من تازه یک ساندویچ خورده ام."
- ۶- (c) رجوع به توضیحات سؤال یک.
ترجمه: " من از وقتیکه به این شهر نقل مکان کرده ام، دو کتاب شعر را نوشته ام."
- ۷- (c) چنانچه زمان دقیق یک عمل در گذشته ذکر شود (three days ago) آن جمله در زمان گذشته ساده (شکل دوم فعل + فاعل) میباید پس گزینه a و حذف میشوند. بعد از جای خالی دوم since و twice آمده اند که از مشخصه های زمان حال کامل میباشند.
ترجمه: " من ۳ روز قبل خواستم او را ببینم. از آن روز، دو بار به او زنگ زده ام."
- ۸- (c) گزینه ها حالتیهای مختلف فعل go میباشند. قبل از جای خالی هم فعل اول جمله avoid است که بعد از آن فعل بصورت ing دار (اسم مصدر) میآید. باید در تستها خیلی مواظب گزینه هایی مانند گزینه d بود که همراه با فعل ing دار، حرف اضافه ای (from) هم به اشتباه بکار رفته است.
ترجمه: " من اغلب از خرید کردن در آخر هفته ها خودداری میکنم چونکه مغازه ها بیش از حد شلوغ هستند."
- ۹- (d) چنانچه بعد از حروف اضافه (of)، فعلی بیاید آن فعل بصورت ing دار (اسم مصدر) بکار میرود. باید در تستها خیلی مواظب گزینه هایی مانند گزینه b بود که بعد فعل ing دار، حرف اضافه ای (of) هم به اشتباه بکار رفته است.
ترجمه: " علی شغلش را رها کرد چون از انجام یک کار، روز به روز، (به صورت هر روزه) خسته شده بود."
- ۱۰- (b) گزینه ها حالتیهای مختلف فعل live میباشند. قبل از جای خالی هم فعل اول جمله imagine است که بعد از آن فعل بصورت ing دار (اسم مصدر) میآید. در گزینه d همراه با فعل ing دار، be به اشتباه بکار رفته است.
ترجمه: " فقط زندگی کردن در یک کشوری که همیشه گرم و آفتابی باشد را تصور کن. چکاری انجام خواهی داد؟"
- ۱۱- (c) در ابتدای جمله فعل بصورت ing دار (اسم مصدر) میآید. پس گزینه b و حذف میشوند. اسم مصدر در جمله همچون اسم مفرد در نظر گرفته میشود و فعل همراه آن بصورت مفرد میباید (نه جمع) حذف گزینه b.
ترجمه: " خوردن غذای آماده (فست فود) برای سلامتی خوب نیست مخصوصاً آگه تو خیلی بخوری."

- **۱۲- (b)** در جای خالی اول، گزینه ها حالت‌های مختلف فعل read میباشند. قبل از جای خالی هم فعل اول جمله finish است که بعد از آن فعل بصورت ing دار(اسم مصدر) میآید. قبل از جای خالی دوم هم فعل کمکی haven't را داریم که بعد از آن چنانچه فعلی بیاید بصورت شکل سوم (p.p.) میباشد یعنی زمان حال کامل. همچنین میتوان گفت که yet در انتهای جملات منفی زمان حال کامل خواهد آمد.
ترجمه: "آیا خواندن آن کتاب را تمام کرده ای؟ - نه، من هنوز آنرا تمام نکرده ام."

- **۱۳- (c)** در ابتدای جمله فعل بصورت ing دار(اسم مصدر) میآید. پس گزینه b و d حذف میشوند. اسم مصدر در جمله همچون اسم مفرد در نظر گرفته میشود و فعل همراه آن بصورت مفرد میباشد. در صورتیکه اسم مصدر در جمله از یکی بیشتر باشد فعل همراه آن به جمع تبدیل میشود. (حذف گزینه a که فعل آن مفرد است).
ترجمه: "زندگی کردن و پیدا کردن شغل در یک کشور خارجی آسان نیست."

- **۱۴- (d)** در ابتدای جمله فعل بصورت ing دار(اسم مصدر) میآید. پس گزینه a, c حذف میشوند. قبل از جای خالی دوم هم حرف اضافه from را داریم که بعد از آن بصورت ing دار(اسم مصدر) میآید.
ترجمه: "ورزش کردن به سلامتی بدن‌تان کمک میکند و از بیمار شدن آن جلوگیری مینماید."

- **۱۵- (b)** رجوع به توضیحات سؤال ۱۳. همچنین کلمه ربط and به معنی "و" همیشه دو اسم، صفت، فعل و... مثل هم را به یکدیگر ربط میدهد. در این تست، فعل قبل از and بصورت ing دار(اسم مصدر) آمده پس فعل بعد از آن هم بصورت ing دار(اسم مصدر) میباشد.
ترجمه: "داشتن یک رژیم غذایی متعادل و خوردن غذای سالم برای رشد کودکان ضروری هستند."

- **۱۶- (c)** در هر دو جای خالی، گزینه ها حالت‌های مختلف فعل hike و take میباشند. قبل از جاهای خالی هم افعال اول جمله (loves, goes) جز افعالی هستند که بعد از آنها، فعل دوم بصورت ing دار(اسم مصدر) میآید.
ترجمه: "پدربزرگم عاشق پیاده روی طولانی مدت است. او اغلب در یکشنبه ها به کوهنوردی میرود."

- **۱۷- (b)** قبل از جای خالی اول فعل کمکی haven't را داریم که بعد از آن، چنانچه فعلی بیاید بصورت شکل سوم (p.p.) میباشد یعنی زمان حال کامل. همچنین میتوان گفت که حرف اضافه for چنانچه با قید زمان بکار برده شود، مشخصه زمان حال کامل است. قبل از جای خالی دوم هم حرف اضافه on آمده که بعد از آن، فعل بصورت ing دار(اسم مصدر) بکار میرود.
ترجمه: "من خیلی وقت است که برادرم را ندیده ام. دارم به این فکر میکنم که او به زودی به من زنگ خواهد زد."

- **۱۸- (c)** بعد از فعل finish، فعل دوم بصورت ing دار(اسم مصدر) بکار میرود. (حذف گزینه b و a)
Yet در انتهای جملات منفی زمان حال کامل میآید. never هیچگاه در جملات منفی بکار نمیرود.
ترجمه: "آیا رنگ آمیزی آن خانه را تمام کرده ای؟ - نه هنوز آن را تمام نکرده ام."

- **۱۹- (c)** حرف اضافه ای که بعد از فعل think میآید، about میباشد. (به معنی: فکر کردن در باره)
توجه: حتماً سعی کنید حرف اضافه ای که بعد از تعدادی از افعال میآیند را حفظ کنید. (رجوع به صفحه ۱۷۱-۱۷۰ جزوه)
ترجمه: "پدرم به بازنشستگی فکر میکند. اما او از شغلش خیلی لذت میبرد."

- **۲۰- (b)** حرف اضافه ای که بعد از صفت interested میآید، in میباشد. (به معنی: علاقمند به)
توجه: حتماً سعی کنید حرف اضافه ای که بعد از تعدادی از صفات میآیند را حفظ کنید. (رجوع به صفحه ۱۷۱-۱۷۰ جزوه)
ترجمه: "من خیلی علاقه دارم که بیشتر در مورد خدماتی که شرکت شما ارائه میدهد، بدانم."

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

1. I felt quite ----- during the marriage ceremony.
a. economical b. emotional c. artificial d. physical
2. Bahram is not a child anymore; it is time he ----- life more seriously.
a. made b. took c. put d. did
3. This type of plant, which is rare here, is ----- found in the mountains of South America.
a. briefly b. formally c. commonly d. effectively
4. She suffered from an ----- problem after her husband's death, and unfortunately none of her friends were ready to help her.
a. emotional b. effective c. excited d. addictive
5. I want to go back to work if I can find somebody to ----- the children.
a. call up b. call out c. look for d. look after
6. The farmer knows that some insects bring -----, and some others eat the food that he grows.
a. health b. disease c. value d. control
7. The pilot of the airplane had to make a/an ----- landing because of the very bad weather.
a. experiment b. emergency c. strategy d. connection
8. Can you give further ----- of how the accident happened?
a. variety b. details c. experience d. imagination
9. I've got into the ----- of turning on the Tv as soon as I get home.
a. habit b. aspect c. experience d. emotion
10. Now that the term is over, all of the students are widely ----- about the holiday.
a. excited b. bright c. emotional d. available
11. It is ----- knowledge that swimming is one the best forms of exercise.
a. serious b. average c. common d. healthy
12. I ----- situations in which I might have to give an important speech.
a. develop b. avoid c. grow d. insist
13. Without going into -----, I can tell you that we have had a very successful year.
a. details b. events c. terms d. effects
14. Don't be ----- about everything!
a. brilliant b. national c. straight d. emotional
15. If children are -----, they will learn to walk at about eighteen months old.
a. addictive b. special c. complex d. healthy
16. Now, it is hard to ----- what things would be like today without computers.
a. disagree b. contrast c. define d. imagine
17. Scientists believe that ----- activities, particularly mountain climbing, cause good health.
a. formal b. actual c. physical d. rural

18. Too much radiation is ----- to the body.
a. powerful **b. harmful** **c. helpful** **d. careful**
19. John and I became best friends, and he ----- me deeply with his behavior.
a. involved **b. improved** **c. influenced** **d. advised**
20. I have ----- a useful experience from doing that job for years.
a. contained **b. guessed** **c. gained** **d. guided**
21. Ali was sent to a company in China and his ----- was to explain them our goals.
a. dream **b. mission** **c. pattern** **d. offer**
22. This medicine will ----- the illness form getting worse.
a. enhance **b. react** **c. prevent** **d. develop**
23. If Iranian ate fewer food with sugar and salt, their ----- health would be better.
a. general **b. material** **c. mineral** **d. official**
24. People have always used ----- products as medicine.
a. natural **b. emotional** **c. normal** **d. private**
25. He has done lots of crime in his life. He doesn't have a very healthy -----.
a. plan **b. lifestyle** **c. diet** **d. stage**
26. He is a great football player but his knee injury ----- him from playing.
a. prevents **b. rewrites** **c. discusses** **d. predicts**
27. I'm going on a ----- next week and I hope to lose three kilos before summer.
a. habit **b. heartbeat** **c. addiction** **d. diet**
28. Her ----- isn't good with her father, but she's very close to her mother.
a. emotion **b. relationship** **c. serving** **d. habit**
29. Because she had high -----, she had to prevent eating salty food.
a. heart attack **b. addiction** **c. blood pressure** **d. creation**
30. He always watches a lot of television and does nothing. He is a/an -----.
a. couch potato **b. writer** **c. researcher** **d. translator**

پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان درس دوم

Vocabulary Tests (lesson 2)											
1	B	6	B	11	C	16	D	21	B	26	A
2	B	7	B	12	B	17	C	22	C	27	D
3	C	8	B	13	A	18	B	23	A	28	B
4	A	9	A	14	D	19	C	24	A	29	C
5	D	10	C	15	D	20	C	25	B	30	A

Lesson Three:

“The Power of Art”

“قدرت هنر”

“The Believers, 14” So, blessed be Allah, the best to create.

بزرگ است خدایی که بهترین خلق کنندگان است. (سوره مؤمنون آیه ۱۴)

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (Lesson Three) *Key Words of Vision Two*

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
accept	قبول کردن، پذیرفتن	choice	انتخاب
according to	بر طبق، بر اساس	clothing	پوشاک
achieve	بدست آوردن	collection	مجموعه
actually	واقعاً	combination	ترکیب
advice	نصیحت، پند - اعلامیه، آگاهی	combine	ترکیب کردن
agree	موافقت کردن	conditional	شرطی
amazed	حیران، متعجب	confuse	گیج کردن
amused	سرگرم	confused	گیج
antonym	متضاد	confusing	گیج کننده
appreciate	ارج نهادن، قدر...دانستن	craft	مهارت، فن - صنعت
arrow	فلش، تیر، پیکان	craftsman	صنعتگر(مرد)، هنرمند
art	هنر	craftswomen	صنعتگر(زن)، هنرمند
artifact	دست ساز، مصنوعی	create	خلق کردن
artistic	هنرمندانه، هنری	creative	ابتکاری، خلاقانه
artwork	کار هنری	creator	خالق، آفریننده
ashamed	شرمنده، خجالت زده	customer	مشتری، خریدار
at least	حداقل	custom	رسم، آیین
attempt	تلاش کردن، سعی، کوشش	decide	تصمیم گرفتن
attitude	نگرش	decorative	تزیینی
beauty	زیبایی	decrease	کاهش یافتن
be able to	قادر بودن، توانستن	depend on	بستگی داشتن
bite	گاز گرفتن	depressed	افسرده
bleed	خون ریزی کردن	discount	تخفیف
blow	وزیدن - دمیدن - ضربت	diversity	تنوع، گوناگونی
booklet	دفترچه، کتابچه	draw	نقاشی کشیدن. طراحی کردن
bored	خسته، کسل	earn	به دست آوردن، کسب کردن
bow	تعظیم کردن	economy	اقتصاد
brain	مغز	education	آموزش، تحصیل
calligraphy	خوشنویسی	especially	به ویژه، مخصوصاً
carpet	فرش	essay	مقاله، انشاء - تحقیق
catch	گرفتن، به چنگ آوردن	excited	هیجان زده
charity	خیریه	expect	انتظار داشتن، توقع داشتن
cheap	ارزان	face	مواجه شدن، روبرو شدن - صورت، چهره
cheerful	مسرور، خوشحال	fall	پائیز - افتادن، سقوط کردن

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (*Lesson Three*) *Key Words of Vision Two*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
farming	کشاورزی	income	درآمد، عواید - جدیدالورود، ورودیه - ظهور
fingerprint	اثر انگشت	instead	به جای، در عوض
finish	پایان یافتن، پایان دادن	interested in	علاقمند به
forget	فراموش کردن - صرف نظر کردن	introduce	معرفی کردن - آشنا کردن - نشان دادن
forgive	بخشیدن، عفو کردن	item	شی، چیز، فقره
former	قبلی، پیشین، سابق	learn	یاد گرفتن - مطلع شدن
fortunate	خوش شانس، خوشبخت	lend	قرض دادن
frighten	ترساندن، به وحشت انداختن	Look out!	مراقب باش!
frightened	ترسیده	lovely	دوست داشتنی، صمیمی
frightening	ترسناک	lucky	خوش شانس
gallery	گالری، نمایشگاه هنری، سالن	machine	دستگاه - ماشین
get along with	تفاهم داشتن، سازش کردن	market	بازار، محل داد و ستد، مرکز تجارت
get back	برگشتن	material	ماده، جنس، جسم
glad	خوشحال، شاد	meaning	معنا، معنی
golden	طلایی	metal	فلز، فلزی
go well	خوب پیش رفتن	metalwork	فلزکاری
greeting	سلام و احوالپرسی	miss	دلتنگ شدن،
handicrafts	صنایع دستی	mistake	اشتباه، خطا، غلط
hand-made	دستی، دست ساز	moral	اخلاقی، معنوی - معنی، مفهوم
handshake	دست دادن	nearby	حوالی، نزدیکی
hang	آویزان کردن، آویختن	object	چیز، شیء - مفعول
helpful	مفید، یاری رسان	opposite	مخالف، ضد
hide	پنهان کردن، مخفی کردن	opposition	تناقض، مخالفت، دشمنی، تقابل
history	تاریخ، تاریخچه - سابقه، پیشینه	painting	نقاشی
hometown	وطن، سرزمین	palm	کف دست - درخت خرما
hopeful	امیدوار	pass	قبول شدن - عبور کردن - جواز، گذرنامه
How touching!	چقدر تاثیر گذاره	pleasure	مسرت، خوشی، خوشحالی
hug	در آغوش گرفتن	poem	شعر
humankind	بشر، انسان	poet	شاعر
identity	هویت - شناسایی، یگانگی، اصلیت	poetry	شعر و شاعری
imagination	تصور، خیال	pool	استخر، آبگیر، حوض، برکه
include	شامل شدن، در برداشتن	pottery	سفالگری، کوزه گری، ظروف سفالی
including	از جمله، شامل	power	قدرت، توان
infinitive	اسم مصدر	price	قیمت، بها، نرخ

لغات مهم درس سوم پایه یازدهم (*Lesson Three*) *Key Words of Vision Two*

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
prize	جایزه - انعام	sociable	خوش مشرب، اجتماعی (انسان)
produce	تولید کردن	soft	نرم، ملایم
product	محصول	southwest	جنوب غربی
promise	قول دادن	souvenir	سوغاتی، یادگاری
proud	سربلند - مغرور - مفتخر	store	مغازه، ذخیره کردن، انبار کردن
public	عمومی، همگانی	strategy	راهکار، رویه، استراتژی
quickly	به سرعت	successful	موفق
quiet	ساکت، آرام	surprised	متعجب، شگفت زده
quilt	ملافه، روتختی	surprising	تعجب برانگیز
quit	ترک کردن، رها کردن	swing	تاب خوردن، چرخیدن - نوسان
quite	نسبتاً، کاملاً	throw	پرتاب کردن، انداختن، پرتاب
range	طیف، محدوده، حوزه، ناحیه، گستره	tile	کاشی، سفال، موزائیک
recognize	شناختن، دانستن - قدردانی کردن از	tilework	کاشی کاری
refer	رجوع کردن به، اشاره کردن	tired	خسته، بی رمق - بیزار
reference	مرجع، مأخذ، منبع، مراجعه، رجوع	totally	به طور کامل
reference word	کلمه ارجاع	touch	لمس کردن - تحت تاثیر قرار دادن
reflect	منعکس کردن، انعکاس دادن	traditional	سنتی
remember	به یاد داشتن، به یاد آوردن	truth	حقیقت، راستی، درستی
respectful	محترم، با شخصیت	ugly	زشت - بدریخت
result	نتیجه، پیامد، حاصل، اثر	uncertain	نامعین، نامطمئن
rise	بالا آمدن، افزایش یافتن	unique	منحصر به فرد، خاص
rug	قالی، قالیچه	valuable	با ارزش
sadly	متأسفانه، بدبختانه	value	ارزش نهادن، ارزش گذاشتن به...
satisfied	راضی، خوشنود	vast	بزرگ، وسیع
science	علم، علوم، دانش	wait	منتظر ماندن
shared	مشترک، اشتراکی	want	خواستن
shocked	شوکه	weave	بافتن
shut	بستن، تعطیل کردن	well-known	مشهور، معروف
silk	ابریشم	well done	بسیار عالی - آفرین
silver	نقره	wellness	سلامتی - بهداشت - خوشبختی
sink	غرق شدن، نزول کردن، رسوخ	What...for?	برای چه
site	مکان، جا، سایت	workshop	کارگاه
skillful	ماهر	worry about	نگران بودن درباره

Other Key Words of Vision Two (Lesson 3) سایر لغات مهم درس سوم پایه یازدهم

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
radiation	تابش، پرتو، تشعشع، رادیواکتیویته	insect	حشره
deeply	عمیقاً	exact	دقیق، کامل، صحیح، عیناً
private	خصوصی	earthquake	زلزله
crime	جرم، جنایت	refuse	نپذیرفتن، رد کردن
knee	زانو	unemployment	بیکاری
countryside	حومه شهر	pain	درد، رنج، محنت، درد کشیدن
regularly	منظم، مرتباً	difficulties	مشکلات
crossroad	چهار راه، تقاطع	pack	بسته بندی کردن، بسته
mathematics	ریاضیات	inflexible	غیر قابل انعطاف
geography	جغرافی	task	وظیفه، مسئولیت، تکلیف
sunshine	نور آفتاب	process	پردازش، به جریان انداختن
heat	درجه حرارت	delay	به تأخیر انداختن - تأخیر، درنگ، تعلل
storm	طوفان، کولاک - یورش بردن	reasonable	معقول، مناسب
thunder	رعد و برق، تندر	strength	استحکام، قدرت
statement	اظهار، بیان، گفته	remove	برداشتن، انتقال دادن، حذف کردن
government	دولت	separate	جدا کردن - جدا، مجزا، جداگانه
blame	مقصر دانستن - سرزنش کردن	probable	محتمل، احتمالی
performer	مجری، اجرا کننده، بازیگر، ایفا کننده	run out of	تمام شدن، ته کشیدن، تمام کردن
require	نیاز داشتن	ground	زمین، میدان، محوطه - کف زمین
insist on	اصرار کردن، پا فشاری کردن بر روی	wonder	تعجب کردن، با خود اندیشیدن
confidence	اعتماد، اطمینان	passenger	مسافر، عابر
aware	آگاه، مطلع، با خبر	bakery	نانوایی
refrigerator	یخچال	nutrient	مواد مغذی

یادداشت:

Conversation (Student Book: Page 85-86)

A conversation between Reza and a tourist.

به مکالمه ی بین رضا و یک گردشگر توجه کنید.

Reza: How can I help you, sir?

رضا: چطور می تونم به شما کمک کنم، آقا؟

Tourist: I am looking for some Iranian handicrafts.

گردشگر: من به دنبال تعدادی صنایع دستی ایرانی هستم.

Reza: Here you can find a range of Iranian hand-made products, from carpets to pottery and tilework, but we don't sell metalwork.

رضا: این جا می تونید طیفی از محصولات دست ساز ایرانی را پیدا کنید. از فرش (گرفته) تا سفال و کاشی کارشده، اما کارهای فلزی نمی فروشیم.

Tourist: I'd like to buy a Persian carpet, but it seems too expensive.

گردشگر: من دوست دارم فرش ایرانی بخرم، اما به نظر می رسه بیش از حد گرون باشه.

Reza: The price depends on its size. Instead, you can take an Isfahan Termeh or a Qashqai Gabbeh.

رضا: قیمت بستگی به اندازه اش داره به جای آن، می تونید ترمه ی اصفهان یا گبه ی قشقایی بردارید.

Tourist: Wow! How touching this Gabbeh is! How much is it?

گردشگر: وای، این گبه چقدر تاثیر گذاره! قیمت اون چقدره؟

Reza: It is 85 dollars. If you buy more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount. You can take this calligraphic tile for only 30 dollars.

رضا: اون ۸۵ دلاره. اگر بیش تر از ۱۰۰ دلار بخرید، ۲۰ درصد تخفیف خواهید گرفت. شما می توانید این کاشی خوشنویسی شده رو فقط ۳۰ دلار بردارید.

Tourist: Well, I'll take both. Please pack them for me.

گردشگر: خُب ، من هر دو رو بر می دارم. لطفا اونا رو برای من بسته بندی کنید.

Reza: Yes, sure.

رضا: بله ، حتما.

Tourist: Do you work for this shop? Who has made these beautiful items?

گردشگر: آیا شما برای این فروشگاه کار می کنید؟ چه کسی این اشیاء زیبا رو ساخته؟

Reza: Actually, it is my father's workshop and store. I work here after school. All my family members work here to help our family business.

رضا: در واقع، اینجا کارگاه و فروشگاه پدر منه. من بعد از مدرسه این جا کار میکنم. همه ی اعضای خانواده ی من برای کمک به کسب و کار خانواده این جا کار می کنند.

Tourist: Well done! How lucky you are to work in such a lovely shop. I really appreciate the culture and art of Iran.

گردشگر: آفرین! شما چقدر خوش شانس هستید که در چنین فروشگاه قشنگی کار می کنید. من واقعا از فرهنگ و هنر ایرانی قدر دانی می کنم.

Reza: Thank you very much. If you are interested in knowing more about our products, you can check this booklet.

رضا: خیلی متشکرم. اگه علاقمندی که بیشتر در مورد محصولات ما بدانید، میتونید این کتابچه(راهنما) رو مطالعه کنی.

یادداشت:

Art is what people create with imagination and skill. As a part of culture, it shows the way of life and identity of a nation and reflects the history of a society. In fact, the history of humankind is the history of art. If we want to know a country or a nation well, we should study its art.

هنر چیزی است که افراد با تخیل و مهارت خلق می کنند. آن، به عنوان بخشی از فرهنگ، روش زندگی و هویت ملت را نشان می دهد و تاریخ و جامعه را منعکس می کند. در حقیقت، تاریخ بشریت تاریخ هنر است. اگر ما بخواهیم یک کشور یا یک ملت را به خوبی بشناسیم، باید هنر آن را مطالعه کنیم.

Handicrafts are good examples of the art and culture of a country. By handicrafts, we mean making decorative items in a skillful way using our hands. Each country and culture has its own handicrafts.

صنایع دستی مثال هایی خوب از هنر و فرهنگ یک کشور هستند منظور از صنایع دستی، ساختن اشیاء تزئینی به روشی ماهرانه با استفاده از دست هایمان است. هر کشور و فرهنگ صنایع دستی خودش را دارد.

Making and selling handicrafts are good ways to help a country's economy and introduce its culture to other nations. Many people of the world produce handicrafts and sell them to tourists. In some Asia countries a part of the country's income comes from making and selling handicrafts.

ساختن و فروختن صنایع دستی روش های خوبی برای کمک کردن به اقتصاد کشور و معرفی کردن فرهنگش به ملت های دیگر هستند. بسیاری از مردم دنیا صنایع دستی تولید می کنند و آنها را به گردشگرها می فروشند. در بعضی از کشورهای آسیایی بخشی از درآمد یک کشور از درست کردن و فروختن صنایع دستی (به دست) می آید.

Iran has a five-thousand-year-old history of artistic works and handicrafts including pottery, painting, calligraphy, rugs and carpets, etc. If you travel across Iran, you'll get back home with excellent handicrafts as souvenirs for your family and friends.

ایران تاریخ پنج هزار ساله از آثار هنری و صنایع دستی شامل سفال، نقاشی، خطاطی، قالیچه، فرش و غیره دارد. اگر در سراسر ایران سفر کنید، با صنایع دستی عالی به عنوان سوغاتی برای خانواده و دوستانتان به خانه بر می گردید.

Iranian art is also quite famous all around the world. There are very excellent collections of Persian art in many important museums of the world. If we want to name countries with richest art and cultural diversity, Iran is among them. Persian art

is famous in the world for reflecting moral and social values of Iranian people and the natural beauty of this vast country.

هنر ایرانی هم چنین در سرتاسر دنیا کاملاً معروف است. در تعداد زیادی از موزه های مهم دنیا کلکسون های خیلی عالی از هنر ایرانی وجود دارد. اگر بخواهیم کشورهای با غنی ترین تنوع هنر و فرهنگ را نام ببریم ، ایران از جمله ی آن ها است. هنر ایران به خاطر منعکس کردن ارزش های معنوی و اجتماعی مردم ایران و زیبایی طبیعی این کشور پهناور، در دنیا معروف است.

Iranian craftsmen and craftswomen are famous for producing very unique artworks from wood, metal and other simple materials around them. Many people of the world appreciate the art and skill of a young Iranian girl who weaves a beautiful silk carpet in a small village of Azerbaijan or Kurdistan. When tourists buy Persian rugs or carpets, they take a part of Iranian art and culture to their homelands.

استادکاران مرد و زن ایرانی به خاطر تولید کردن آثار هنری خیلی منحصر به فرد از چوب، فلز و مواد ساده ی دیگر در دور و اطرافشان، معروف هستند. بسیاری از مردم دنیا قدر هنر و مهارت یک دختر جوان ایرانی که یک فرش ابریشمی زیبا را در یک روستای کوچک در آذربایجان یا کردستان می بافد، را می دانند. وقتی گردشگرها قالیچه یا فرش های ایرانی را می خرند، بخشی از هنر و فرهنگ ایرانی را به مهین شان می برند.

یادداشت:

گرامر درس سوم:

جملات شرطی Conditional Sentences

این نوع از جملات، جملات مرکبی هستند که در آنها انجام یک عمل، مشروط به انجام کاری دیگری میباشد.

ساختار کلی جملات شرطی: جمله شرط **if** جواب شرط → جواب شرط, جمله شرط **if**

همانطور که ملاحظه می‌نمائید میتوان جواب شرط را به ابتدای جمله منتقل کرد و در این حالت برای معنای جمله مشکلی پیش نخواهد آمد و تنها ویرگول حذف میشود.

انواع جملات شرطی: ۱- شرطی نوع اول ۲- شرطی نوع دوم ۳- شرطی نوع سوم ۴- شرطی نوع صفر

در سال یازدهم فقط به شرطی نوع اول اشاره شده است. (در درس ۲ پایه دوازدهم با جملات شرطی نوع دوم آشنا میشویم).

۱- جملات شرطی نوع اول: در جملات شرطی نوع اول، جمله شرط در زمان حال ساده و جواب شرط در زمان آینده ساده خواهد بود. یعنی عملی را نشان میدهد که به شرط انجام کار دیگری احتمال دارد در آینده انجام شود.

زمان آینده ساده, زمان حال ساده If

If you study more, you will learn a lot. → You will learn a lot if you study more.
حال ساده آینده ساده آینده ساده حال ساده

نکته ۱: در جواب شرط به جای Will میتوان از شکل اول افعال ناقص (can, may, should, must) استفاده کرد.

If you don't go now, you may miss the train. "اگه الان نروی، قطار را از دست خواهی داد."

نکته ۳: برای سؤالی کردن جملات شرطی، **جواب شرط** را سؤالی میکنیم:

"اگه در بعد از ظهر باران ببارد، در خانه خواهی ماند؟" Will you stay home if it rains in the afternoon?

نکته ۳: در جملات شرطی نوع اول میتوان جواب شرط را برای اشاره به توصیه، پیشنهاد یا دستور به صورت امری بیان کرد:

یادآوری: جملات امری با **شکل ساده فعل** شروع شده و با **don't** منفی میشوند:

If he comes here, tell him that I'm not at home. "اگه او به اینجا آمد، بهش بگو که من در خانه نیستم."
جمله امری

نکته ۴: اگر قصد انجام عملی را در آینده بیان کنیم، در جواب شرط، به جای Will میتوان از ساختار **be going to** استفاده کرد:

If Raman wins the competition, he is going to invite us to dinner next Friday.

"اگه رامان در رقابت برنده بشود، جمعه آینده ما را به شام دعوت خواهد کرد."

نکته ۵: در جمله شرط به جای زمان حال ساده میتوان از زمانهای **حال استمراری** برای اشاره به عملی که هم اکنون در حال انجام

میباشد و زمان **حال کامل** برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده و اثر و نتیجه آن باقی مانده باشد، هم استفاده کرد:

If you are studying your final exams, you shouldn't use your cell phone.

"اگه برای امتحانات نهایی در حال مطالعه کردن هستی، نباید از تلفن همراهت استفاده کنی."
حال استمراری

If he has written the letter, I will post it soon.

حال حامل

"اگه او نامه را نوشته است، من آن را پست خواهم کرد."

نکته ۶: بعد از if هرگز will و یا would بکار برده نمیشود:

You will learn a lot if you will study more.

"تو بیشتر یاد خواهی گرفت اگه بیشتر مطالعه کنی."

صفات فاعلی و مفعولی

افعال بسیار مهم زیر: چنانچه **ed** بگیرند تبدیل به صفت مفعولی برای انسان میشوند. (در این حالت اثر و نتیجه و احساس انسان به چیزها یا آدمها را نشان میدهند. این صفات اثر پذیر هستند.)
 چنانچه **ing** بگیرند تبدیل به صفت فاعلی برای غیر انسان میشوند. (در این حالت احساس یا حالتی را ایجاد میکنند.)

معنی	صفت فاعلی (ing)	معنی	صفت مفعولی (ed)	معنی	فعل
سرگرم کننده	amusing	سرگرم	amused	سرگرم کردن	amuse
ناراحت کننده	annoying	ناراحت	annoyed	ناراحت کردن	annoy
خسته کننده	tiring	خسته	tired	خسته کردن	tire
کسل کننده	boring	کسل	bored	کسل کردن	bore
آرام بخش	comforting	آرام	comforted	آرام کردن	comfort
گیج کننده	confusing	گیج	confused	گیج کردن	confuse
قانع کننده	convincing	قانع	convinced	قانع کردن	convince
غم انگیز	depressing	غمگین	depressed	غمگین کردن	depress
نا امید کننده	disappointing	نا امید	disappointed	نا امید کردن	disappoint
خجالت آور	embarrassing	خجالت زده	embarrassed	خجالت زده کردن	embarrass
ترغیب کننده	encouraging	ترغیب شده	encouraged	ترغیب کردن	encourage
هیجان انگیز	exciting	هیجان زده	excited	هیجان زده کردن	excite
ترسناک	frightening	ترسیده	frightened	ترساندن	frighten
جالب	interesting	علاقمند	interested	علاقمند کردن	interest
راضی کننده	satisfying	راضی	satisfied	راضی کردن	satisfy
شوکه کننده	shocking	شوکه	shocked	شوکه کردن	shock
غافلگیر کننده	surprising	غافلگیر	surprised	غافلگیر کردن	surprise
نگران کننده	worrying	نگران	worried	نگران کردن	worry

برای فهم این گرامر، به مثالهای زیر و ترجمه آنها دقت کنید:

The children are **excited** because the cartoon is **exciting**.

انسان

غیر انسان

"بچه ها هیجانزده هستند چونکه کارتون هیجان برانگیز است."

The students were **amused** because the lesson was **amusing**.

انسان

غیر انسان

"دانش آموزان سرگرم بودند چونکه درس سرگرم کننده بود."

Our grandma told us an **interesting** story.

غیر انسان

"مادربزرگم برای ما داستانهای جالبی را تعریف کرد."

The computer had **confusing** instructions that all of us became **confused**.

غیر انسان

انسان

"کامپیوتر دستورالعملهای گیج کننده ای داشت که همه ما گیج شدیم."

نکته ای بسیار مهم (زبان تخصصی): صفت مفعولی (ed دار) را فقط برای توصیف انسان (کلاً موجودات زنده) بکار میبریم اما صفت فاعلی (ing دار) هم برای توصیف اشیاء و هم برای موجودات زنده کاربرد دارد:

I'm very **interested** in physics because I think physics is **interesting**.

انسان غیر انسان
"من خیلی به فیزیک علاقمند هستم چونکه فکر میکنم فیزیک جالب است."

My brother is an **interesting** person. All his jokes are really funny.

انسان (صفت فاعلی - تاثیر گذار)
"برادرم شخص جذابی است. تمامی جکهای او واقعاً با مزه هستند."

نکته (زبان تخصصی): صفت قبل از اسم و بعد از افعال ربطی بکار برده میشود. افعال ربطی افعالی هستند که قبل و بعد از خود را به هم ربط میدهند و بعد از آنها **صفت** میآید نه قید حالت.

مهمترین افعال ربطی عبارتند از (زبان تخصصی):

معنی	فعل ربطی	معنی	فعل ربطی	معنی	فعل ربطی
مزه دادن	taste	به نظر رسیدن	look	شدن	get
بو دادن	smell	به نظر رسیدن	sound	شدن	become
ماندن	remain	به نظر رسیدن	appear	شدن	turn
ماندن	stay	به نظر رسیدن	seem	شدن	go
بودن	to be	احساس کردن	feel	شدن	grow

We **got amused** by the film because it **was** really **amusing**.

"ما با فیلم سرگرم شدیم زیرا واقعاً سرگرم کننده بود."

The weather **became** very **cold** last week.

"هفته گذشته هوا خیلی سرد شد."

(NOT): The weather **became** very **coldly** last week.

نتیجه گیری مهم: بعد از افعال ربطی همیشه صفت میآید و هرگز قید حالت را بکار نمیبریم:

یادداشت:

مصدر با to (infinitive)

چنانچه شکل ساده یا ریشه فعل، علامت مصدری "to" بگیرد، تبدیل به "مصدر با to" میشود:

to play	بازی کردن	to study	مطالعه کردن	to see	دیدن	to swim	شنا کردن
to work	کار کردن	to walk	قدم کردن	to go	رفتن	to meet	ملاقات کردن

محل مصدر با to در جمله:

۱- در حالت عادی، چنانچه جمله ای دارای دو فعل باشد، معمولاً فعل دوم جمله بصورت "مصدر با to" خواهد بود. (به غیر از استثناءهای درس دوم که بعد از آنها فعل ing دار یا اسم مصدر میآید). فعل دوم در نقش "مفعول" برای فعل اول عمل میکنند:
"او تصمیم گرفت تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."
She decided to learn Spanish carefully.

فعل دوم فعل اول (گذشته ساده)

نکته: در این حالت تمامی تغییرات زمانی تنها بر روی "فعل اول" جمله روی خواهد داد و همواره فعل دوم بدون تغییر (بصورت مصدر با to) باقی خواهد ماند:

"او تصمیم میگیرد تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."
She decides to learn Spanish carefully.

فعل دوم فعل اول (حال ساده)

"او تصمیم گرفته است تا اسپانیایی را به دقت یاد بگیرد."
She has decided to learn Spanish carefully.

فعل دوم فعل اول (حال کامل)

۲- چنانچه بعد از کلمات استفهامی Wh دار بلافاصله فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

I don't know where to buy a nice shirt.

مصدر با to کلمه wh دار

۳- بعد صفات چنانچه فعلی بیاید آن فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

He was very careful to look both ways when he crossed the road.

مصدر با to صفت

مهمترین صفاتی که معمولاً بعد از آنها "مصدر با to" می آید عبارتند از:

معنی	صفت	معنی	صفت	معنی	صفت
بی دقت	careless	متاسف	sorry	خوشحال	happy
ترسیده	afraid	ممنوع	forbidden	امن - ایمن	safe
خوشحال	happy	نگران	anxious	متعجب	surprised
مناسب	suitable	خوش شانس	lucky	خوب	good
آسان	easy	مغرور	proud	مهم	important
غمگین	sad	مراقب	careful	مطمئن	certain
خوش شانس	fortunate	خطرناک	dangerous	غمگین	upset
آماده	ready	هیجان زده	amazed	شرمنده	ashamed
مشتاق	willing	سخت - مشکل	difficult	سخت	hard

۴- در ساختار بسیار بسیار مهم زیر فعل همواره بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

It + to be + صفت + (for + مفعول) + to مصدر با ...

It was really difficult (for my students) to answer all the questions correctly.

مصدر با to مفعول صفت فعل to be

۵- در ابتدای جمله (در نقش فاعل)، فعل بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود:

To learn a foreign language isn't difficult.

"یادگرفتن یک زبان خارجی سخت نیست."

To ride a horse can be interesting.

"اسب سواری کردن میتواند جالب باشد."

نکته: در زبان انگلیسی بیشتر به جای مصدر با to در ابتدای جمله، اولویت با اسم مصدر (**فعل ing دار**) میباشد:

Learning a foreign language isn't difficult.

"یادگرفتن یک زبان خارجی سخت نیست."

Riding a horse can be interesting.

"اسب سواری کردن میتواند جالب باشد."

۶- برای بیان مقصد و منظور (هدف) از "**مصدر با to**" استفاده میکنیم:

My father borrowed some money **to buy** that house.

"پدرم کمی پول برای خرید آن خانه قرض کرد."

مصدر با to

۷- بعد از too به معنی "**بیش از حد**" یا "**خیلی**" چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود. در این ساختار

بلافاصله بعد از too، "**صفت**" میآید. (در این حالت، too به تنهایی جمله را "**منفی**" میکند.)

That table was **too heavy** (for him) **to move**.

"آن میز برای او بیش از حد سنگین بود که جابجا کند."

مصدر با to مفعول صفت

۸- بعد از enough به معنی "**کافی**" یا "**به اندازه کافی**" چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود. در این ساختار

بلافاصله بعد از enough، "**اسم**" میآید.

Raman don't have **enough money to buy** that bicycle. "رامان به اندازه کافی پول برای خریدن آن دوچرخه ندارد."

مصدر با to اسم

۹- به عنوان متمم فاعل، میتوان هم از "**اسم مصدر**" و هم از "**مصدر با to**" استفاده کرد:

My favorite hobby is **reading** novels.

My favorite hobby is **to read** novels.

فاعل

اسم مصدر

فاعل

مصدر با to

- دو جمله بالا، دقیقاً بیان مجدد نکته شماره ۵ میباشد.

Reading novels is My favorite hobby.

To read novels is My favorite hobby.

اسم مصدر

مصدر با to

۱۰- چنانچه بعد از ساختار "**مجهول**" فعل دیگری بیاید آن فعل همواره بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود. (در درس یکم سال

دوازدهم به طور مفصل با ساختار جملات مجهول آشنا خواهیم شد.)

They **were forced to leave** the class quickly.

مصدر با to ساختار مجهول

۱۱- بعد از مرتبت اعداد: **the first, the second, the third, the last,...** و نیز بعد از **the only** و **صفات عالی** چنانچه فعلی

بیاید آن فعل به صورت "**مصدر با to**" خواهد بود.

Alfred is always **the last student to come** to class.

"آلفرد همیشه آخرین نفری است که به کلاس میآید."

مرتبت اعداد

مصدر با to

نکته ۱: برای منفی کردن مصدر با to باید قبل از علامت مصدری to قید منفی ساز **not** را اضافه کنیم:

The students promised **not to make** a lot of mistakes.

"دانش آموزان قول دادند که اشتباهات زیادی نکنند."

مصدر با to

نکته ۲: مواظب باشیم که حرف اضافه to که قبل از اسم به معنی "به" بکار برده میشود را با علامت مصدری to که قبل از شکل ساده فعل میآید، اشتباه نگیریم:

I want **to tell** you something about my plan.
 علامت مصدری to

"میخواهم چیزی را در مورد برنامه ام به تو بگویم."

They usually go **to school** by bus.
 اسم حرف اضافه

"آنها معمولاً با اتوبوس به مدرسه میروند."

نکته ۳: بعد از "would like" به معنی "مایل بودن"، فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود:

What would you like **to drink**?

"چی میل دارید بنوشید؟"

نکته ۴ (زبان تخصصی): برای بیان مقصد و منظور میتوان از "in order to" و "so as to" به معنی "به منظور" یا "تا اینکه" هم استفاده کرد که بعد از آنها "شکل ساده فعل" میآید:

Yesterday, she went to the library **so as to / in order to study** her lessons there.

شکل ساده فعل

"دیروز او به کتابخانه رفت تا اینکه در آنجا درسهایش را بخواند."

نکته ۵ (زبان تخصصی): برای بیان مقصد و منظور میتوان از "so that" و "in order that" به معنی "به منظور" یا "تا اینکه" هم استفاده کرد که بعد از آنها "یک جمله کامل با افعال ناقص" میآید:

Yesterday, she went to the library **so that / in order that she could study** her lessons there.

جمله کامل با فعل ناقص

نکته ۶ (زبان تخصصی): بعد از افعال زیر فعل دوم بصورت "شکل ساده" میآید:

let	اجازه دادن	help	کمک کردن	make	مجبور کردن
-----	------------	------	----------	------	------------

The teacher didn't **let** the students **speak** at the class.

شکل ساده فعل

"معلم به دانش آموزان اجازه نداد که در کلاس صحبت کنند."

• بعد از فعل **help**، فعل دوم هم به صورت "مصدر با to" و هم بصورت "شکل ساده" خواهد آمد:

Raman **help** me **repair / to repair** my car.

مصدر با to شکل ساده

"رامان به من کمک کرد تا ماشینم را تعمیر کنم."

• فعل **make** چنانچه به معنی "ساختن" یا "درست کردن"، فعل دوم هم به صورت "مصدر با to" و در صورتیکه به معنی "مجبور کردن" باشد، فعل دوم هم بصورت "شکل ساده" خواهد آمد:

نکته ۷ (زبان تخصصی): بعد از افعال زیر، فعل دوم هم بصورت "مصدر با to" و هم بصورت "ing دار" خواهد آمد:

like	دوست داشتن	prefer	ترجیح دادن	stop	متوقف کردن
love	دوست داشتن	intend	مایل بودن	need	نیاز داشتن
hate	متنفر بودن	remember	به یاد آوردن	continue	ادامه دادن
begin	شروع کردن	start	شروع کردن	forget	فراموش کردن

Fortunately, my father **stopped smoking**.

اسم مصدر

"خوشبختانه پدرم سیگار کشیدن را متوقف کرد." (توقف برای همیشه)

I **stopped to buy** a newspaper.

مصدر با to

"من برای خریدن یک روزنامه توقف کردم." (توقف موقتی)

کلمات متضاد *Antonyms*

کلمات متضاد کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ضد و مخالف یکدیگر هستند و چنانچه در جمله ای به جای کلمه ای از متضاد آن استفاده کنیم "معنی جمله بر عکس میشود".

گاهی دو لغت متضاد ممکن است دو شکل متفاوت داشته باشند مثلا لغات beautiful و ugly. این دو لغت شکلشان کاملا با یکدیگر متفاوت است. گاهی هم دو لغت متضاد با افزودن پیشوند prefix یا پسوند suffix به یک لغت ساخته می شوند. برای مثال دو لغت متضاد useful و useless که با اضافه کردن پسوندهای -ful و -less به کلمه ساخته شده اند

یادگیری متضادها هم مانند یادگیری لغات مترادف به شما کمک می کند تا دایره لغات خود را گسترش دهید. البته در آزمونها به طور مستقیم از متضادها سوال طراحی نمی شود اما با یادگیری آنها می توانید معانی بسیاری از لغات ناآشنایی که در متن وجود دارد را حدس بزنید.

تعدادی از مهمترین کلمات متضاد پایه، سال دهم و یازدهم عبارتند از:

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
ability	توانایی	disability	balanced	متوازن	unbalanced
available	در دسترس	unavailable	calm	خونسرد	angry
borrow	قرض گرفتن	lend	death	مرگ	birth
countable	قابل شمارش	uncountable	decrease	کاهش دادن	increase
die	مردن	live	depressed	ناراحت	glad
appear	ظاهر شدن	disappear	agree	موافق بودن	disagree
exist	وجود داشتن	die	educated	با سواد	uneducated
host	میزبان	guest	exciting	هیجان برانگیز	boring
possible	ممکن	impossible	satisfied	خوشنود	unhappy
luckily	خوش شانس	unluckily	forbid	ممنوع کردن	allow
mental	ذهنی	physical	gain	به دست آوردن	lose
orally	شفاهی	written	healthy	سالم	sick
same	یکسان - مشابه	different	complete	کامل	incomplete
turn on	روشن کردن	turn off	let	اجازه دادن	prevent
useful	مفید	harmful	sadly	متاسفانه	fortunately
honest	صادق	truthful	slowly	به کندی	quickly
tiny	کوچک	huge	direct	هدایت کردن	indirect
receive	دریافت کردن	send	impatient	بی حوصله	patient
weak	ضعیف	powerful	positive	مثبت	negative
careful	مواظب	careless	sell	فروختن	buy

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
catch	گرفتن	miss	soft	نرم	hard
cheerful	شادمان	upset	traditional	سنتی	modern
wrong	اشتباه	correct	ugly	زشت	pretty
fall	افتادن	rise	warm	گرم	cold
former	پیشین	latter	wellness	سلامتی	illness
remember	به یاد آوردن	forget	worried	نگران	relaxed
rich	ثروتمند	cheap	accept	پذیرفتن	reject
safety	امنیت	risk	worthy	با ارزش	unworthy
simple	ساده	difficult	antonym	متضاد	synonym
paradise	بهشت	hell	far	دور	near
attack	حمله کردن	defend	simple	ساده	complicated
future	آینده	past	destroy	تخریب کردن	build
win	برنده شدن	lose	enhance	بالا بردن	reduce
agree	موافقت کردن	disagree	costly	پر هزینه	cheap
cheerful	شادمان	depressed	sure	مطمئن	uncertain

حروف ربط متضاد (زبان تخصصی):

حروف ربط حرفی هستند که از آنها برای وصل کردن جملات یا ربط دادن ساختار جملات استفاده میشود. گاهی در برخی از جملات پیش میآید که دو جمله از طریق حروف ربط تضاد یا علامت گذاری به همدیگر وصل میشوند. در چنین حالتی دو جمله که از این طریق وصل شدند (حروف ربط متضاد یا علامت گذاری) دو امر متضاد را نشان میدهند. حالا ممکن است در یکی از این جمله ها کلمه ای یا مفهومی وجود داشته باشد که برای شما نا آشنا باشد ولی جمله ی بعدی آن را کاملاً متوجه میشوید. چون این دو جمله با هم در تضاد هستند با دانستن لغات و مفهوم یکی از جمله ها می توانید لغات و مفهوم جمله ای که برایتان ناآشناست را به طور متضاد با لغت قبل معنی کنید. کلماتی که برای نشان دادن تضاد استفاده میشود شامل حروف ربط زیر هستند:

but - while - whereas - unlike - on the other hand - however - although

یادداشت:

۳. تست آموزشی و دستگرمی گرامر درس دوم (Lesson 2) Grammar Tests

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

1. If I find a book that is popular among all children, I ----- it for my brother as a birthday present.
a. buy b. will buy c. bought d. would have bought
2. You won't ----- to the theater on time if you ----- home at six.
a. got - didn't leave b. get - don't leave
c. got - don't ha leave d. get - didn't leave
3. If you ----- to bed early tonight, you ----- better in the morning.
a. went-will feel b. go- would feel c. go- will feel d. went- would feel
4. I think I left my watch at your house. If you ----- it, can you call me?
a. found b. find c. will find d. finding
5. I ----- poor people in the future if I ----- a doctor.
a. will help-became b. would help-become
c. will help-become d. help-became
6. We ----- go out today, if it ----- heavily.
a. can't-will rain b. can't-rains
c. couldn't-will rain d. couldn't-rains
7. I think everything will be fine, but if ----- any problem, ----- call you, OK?
a. there is / I'll b. there was / I call
c. there will be / I call d. there was / I called
8. I think if we ----- Ben to the party, we'll have to invite his friends, too.
a. will decide inviting b. decide to invite
c. will decide to invite d. decide inviting
9. We ----- go to Paris on vacation next week if our parents ----- to travel.
a. might-agree b. my-agreed c. might-agrees d. may-agree
10. Please, eat your lunch. If you ----- your soup now, it ----- cold.
a. didn't have - would go b. had - got
c. can eat - doesn't go d. don't have - will go
11. He felt extremely ----- after staying up very late to finish his school project.
a. tiring b. to tire c. tired d. was tired
12. After 10 hours of hard work, Tom did not look -----, so I let him go ahead and finish the job.
a. tired b. tiring c. to tire d. to be tiring
13. I was very ----- at the results of exams when I saw that I got high grades.
a. tired b. surprising c. tiring d. surprised
14. It is a difficult job. I'm so ----- of doing the same job, day after day.
a. interested b. tiring c. interesting d. tired
15. He is getting ----- with doing his job after 26 years.
a. boring b. surprised c. bored d. surprising
16. It was a hard decision but at the end, I decided ----- to the university.
a. going b. goes c. went d. to go

17. The police seem certain ----- the people who are responsible for the attack.
a. find **b. finding** **c. found** **d. to find**
18. I wanted ----- it but it cost too much and I didn't have enough money.
a. to bought **b. to buy** **c. buying** **d. for buying**
19. This program is completely new and I don't know how ----- it.
a. uses **b. to use** **c. will use** **d. using**
20. Do you expect ----- this course? If so, you'd better work harder.
a. to pass **b. pass** **c. passing** **d. that pass**
21. It was a long and dangerous journey. We were glad ----- home safely.
a. getting **b. got** **c. that get** **d. to get**
22. You haven't phoned me for a month. You promised ----- me every week.
a. to call **b. called** **c. call** **d. calling**
23. He is a sociable person. I believe he is fortunate ----- a lot of good friends.
a. of having **b. to have** **c. have** **d. that have**
24. We don't want you ----- Mahdi about going ----- tomorrow.
a. telling-swimming **b. to tell-to swim**
c. telling- to swim **d. to tell-swimming**
25. It was a nice day, so we decided ----- for a walk instead of ----- the TV.
a. going - watching **b. to go - watch**
c. going - to watch **d. to go - watching**
26. Just imagine ----- thirty in a vast desert and ----- no water. What will do to save your life.
a. to be-having **b. being-having**
c. being-to have **d. to be- to have**
27. Did you remember ----- the doors before ----- the house?
a. locking-leaving **b. locking-to leave**
c. to lock-leaving **d. to lock-to leave**
28. It is impossible ----- a poem.
a. that the memorizing **b. that his memorizing**
c. for him to memorize **d. for him memorizing**
29. The man thought that it was absolutely important for everyone in the hotel ----- the lobby as quickly as possible.
a. leave **b. to leave**
c. who leave **d. is leaving**
30. The final English exam questions were too difficult for most of the students in the class -----.
a. answered **b. to answer**
c. for answering **d. that they answer**

پاسخنامه تستهای آموزشی و دستگرمی گرامر درس سوم (پایه یازدهم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

- ۱- (b) با توجه به وجود if با جملات شرطی مواجه هستیم. فعل بعد از if بصورت شکل ساده است (find) پس جمله در شرطی نوع اول است. در جواب شرط، به شکل اول افعال ناقص نیاز داریم. گزینه a و c فعل ناقص ندارند. در گزینه d هم شکل دوم فعل ناقص دارد. ترجمه: "اگر کتابی که در بین بچه ها پر طرفدار است را پیدا کنم، آنرا برای برادرم همچون یک کادوی تولد میخرم."
- ۲- (b) جمله شرطی نوع اول است. بعد از won't شکل ساده فعل (get) میآید. (حذف گزینه a و c). در شرطی نوع اول، زمان حال ساده میآید. (didn't have در زمان گذشته ساده میباشد). ترجمه: "اگر خانه را در ساعت ۶ ترک کنی، سر وقت به تئاتر نمیرسی."
- ۳- (c) با توجه قید زمان (tonight) با شرطی نوع اول مواجه هستیم. پس گزینه a و d که در زمان گذشته هستند، اشتباه میباشند. در جواب شرطی نوع اول باید شکل اول افعال ناقص وجود داشته باشد. ترجمه: "اگر امشب زودتر بری بخوابی، فردا صبح حالت بهتر خواهد بود."
- ۴- (b) فقط در جملات شرطی نوع اول، میتوان جواب شرط را به صورت امری بیان کرد. در شرطی نوع اول، جمله شرط در زمان حال ساده میباشد. فعل زمان حال ساده بصورت شکل ساده (find) است. ترجمه: "فکر کنم ساعتی را در منزلت جا گذاشتم. اگر آنرا پیدا کردی، میتوانی به من زنگ بزنی؟"
- ۵- (c) با توجه قید زمان (future) با شرطی نوع اول مواجه هستیم. پس گزینه a و d که در زمان گذشته هستند، اشتباه میباشند. در جواب شرطی نوع اول باید شکل اول افعال ناقص وجود داشته باشد نه شکل دوم. ترجمه: "اگر دکتر بشوم، در آینده به افراد فقیر کمک خواهم کرد."
- ۶- (b) جمله بعد از if با will بکار نمیروند. (حذف گزینه a و c). در جواب شرطی نوع اول باید شکل اول افعال ناقص وجود داشته باشد. ترجمه: "اگر باران به شدت ببارد، ما نمی توانیم امروز به بیرون برویم."
- ۷- (a) جمله بعد از if با will بکار نمیروند. (حذف گزینه c). در جواب جملات شرطی حتما باید فعل ناقص وجود داشته باشد. پس گزینه b و d که فعل ناقص ندارند اشتباه هستند. ترجمه: "من فکر کنم همه چیز ردیف خواهد شد. اما اگر هر مشکلی وجود داشت، من به تو زنگ خواهم زد. باشه؟"
- ۸- (b) جمله بعد از if با will بکار نمیروند. (حذف گزینه a و c). بعد از فعل decide فعل دوم بصورت مصدر to خواهد بود. ترجمه: "من فکر کنم اگر ما تصمیم بگیریم بن را به مهمانی دعوت کنیم، ما مجبور خواهیم بود همه دوستانش را هم دعوت کنیم."
- ۹- (d) با توجه قید زمان (next week) با شرطی نوع اول مواجه هستیم. پس گزینه b که در زمان گذشته هستند، اشتباه میباشند. در جواب شرطی نوع اول باید شکل اول افعال ناقص وجود داشته باشد. (might شکل دوم میباشد). ترجمه: "ما احتمالاً هفته آینده برای تعطیلات به پاریس سفر می کنیم اگر والدینمان برای سفر کردن موافقت کنند."
- ۱۰- (d) با توجه به قید زمان (now) با شرطی نوع اول مواجه هستیم. پس گزینه a, b که در زمان گذشته هستند، اشتباه میباشند. در گزینه c فعل ناقص can در جمله شرط آمده نه در جواب شرط. ترجمه: "لطفاً نهارت را بخور. اگر الان سوپت را نخوری، سرد خواهد شد."
- ۱۱- (c) گزینه ها صفات فاعلی و مفعولی هستند. فاعل جمله (he) انسان است، پس به صفت مفعولی (ed) نیاز داریم. ترجمه: "او بعد از اینکه تا دیر وقت برای تمام کردن پروژه مدرسه اش بیدار بود، به شدت احساس خستگی کرد."
- ۱۲- (a) گزینه ها صفات فاعلی و مفعولی هستند. فاعل جمله (Tom) انسان است، پس به صفت مفعولی (ed) نیاز داریم. ترجمه: "تام بعد از ۱۰ ساعت کار شدید به نظر خسته نمیرسید بنابراین من به او اجازه دادم ادامه دهد و کار را تمام کند."

- **۱۳- (d)** گزینه ها صفات فاعلی و مفعولی هستند. فاعل جمله (I) انسان است، پس به صفت مفعولی (edدار) نیاز داریم. (حذف گزینه b و c) حرف اضافه (at) بعد از surprised میآید.
ترجمه: "من وقتی که دیدم که نمرات بالایی را گرفتم، از نتایج امتحانات شگفت زده شدم."
- **۱۴- (d)** گزینه ها صفات فاعلی و مفعولی هستند. فاعل جمله (I) انسان است، پس به صفت مفعولی (edدار) نیاز داریم. (حذف گزینه b و c) حرف اضافه (of) بعد از tired میآید.
ترجمه: "شغل سختی است. من از انجام کار یکسان به صورت هر روزه خسته شدم."
- **۱۵- (c)** گزینه ها صفات فاعلی و مفعولی هستند. فاعل جمله (he) انسان است، پس به صفت مفعولی (edدار) نیاز داریم. (حذف گزینه a و d) حرف اضافه (with) بعد از bored میآید.
ترجمه: "او از انجام دادن شغلش بعد از ۲۶ سال دارد خسته میشود."
- **۱۶- (d)** بعد از decide فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "تصمیم گیری سختی بود اما در آخر تصمیم گرفتم که به دانشگاه بروم."
- **۱۷- (d)** بعد از صفت (certain) چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "نیروی پلیس به نظر در پیدا کردن افرادی که مسئول حمله بودند، مطمئن به نظر میرسید."
- **۱۸- (b)** بعد از فعل want فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "من خواستم آنرا بخرم اما قیمتش خیلی زیاد بود و من پول کافی نداشتم."
- **۱۹- (b)** بعد از کلمات استفهامی wh دار چنانچه بلافاصله فعلی بیاید، آن فعل به صورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "این برنامه کاملاً جدید است و من نمیدانم چطور از آن استفاده کنم."
- **۲۰- (a)** بعد از فعل expect، فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "آیا انتظار داری در آن دوره قبول بشوی. آگه اینطور است، تو بهتره سختتر تلاش کنی."
- **۲۱- (d)** بعد از صفت (glad) چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "سفر طولانی و خطرناکی بود. ما خوشحال بودیم که به سلامت به خانه رسیدیم."
- **۲۲- (a)** بعد از فعل promise، فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "یک ماه است که به من زنگ نزده ای. تو به من قول دادی که هر هفته به من زنگ بزنی."
- **۲۳- (b)** بعد از صفت (fortunate) چنانچه فعلی بیاید آن فعل بصورت "مصدر با to" خواهد بود.
ترجمه: "او شخصی اجتماعی است. من باور دارم که خوش شانس که دوستان خوب خیلی زیادی دارد."
- **۲۴- (b)** بعد از فعل want فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود. (حذف گزینه a و c). بعد از فعل go برای اشاره به تفریحات و سرگرمی ها، فعل بصورت ing دار میآید.
ترجمه: "ما نمیخواهیم که تو درباره رفتن به شنا (در) فردا با مهدی حرف بزنی."
- **۲۵- (d)** بعد از decide فعل دوم بصورت "مصدر با to" خواهد بود. (حذف گزینه a و c). بعد از حروف اضافه (of) فعل بصورت ing دار میآید.
ترجمه: "روز قشنگی بود بنابراین ما تصمیم گرفتیم به جای تماشای تلویزیون به پیاده روی برویم."
- **۲۶- (b)** بعد از (imagine) فعل بصورت ing دار میآید. قبل از حرف ربط and، فعل ing دار آمده، پس فعل بعد از آن هم ing دار خواهد آمد.
ترجمه: "فقط تصور کن که در یک بیابان وسیع، تشنه باشی و هیچ آبی نداشته. برای نجات زندگیت چکار میکنی؟"

۳۰ تست واژه درس سوم (Lesson 3) Vocabulary Tests

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

توجه: لطفاً قبل از شروع به تستی زنی، سعی کنید لغات مهم این درس را حفظ کنید.

- In a trip to Isfahan, my father has bought a ----- pot for my sister. It looks really beautiful.
a. satisfied b. decorative c. available d. harmful
- Africa is a big continent, but desert makes up ----- parts of it.
a. opposite b. moral c. emotional d. vast
- After finishing my exam, my teacher seemed ----- with my progress.
a. moral b. handmade c. satisfied d. available
- All of these beautiful plates are made by our skillful ----- in Yazd.
a. metals b. craftsmen c. researchers d. items
- A lot of Iranian craftswomen have great skill to ----- a basket from some plants.
a. reflect b. promise c. weave d. expect
- He is very special in some way. I think he is the most ----- student of this class.
a. unique b. careful c. lucky d. traditional
- In our country Iran, it is the ----- for many people to celebrate New Year.
a. material b. custom c. range d. beauty
- Every country has its own cultural -----, which is very different from other countries.
a. serving b. identity c. imagination d. artwork
- The plane climbed quickly to a height of 30 000 feet. Quickly is an opposite to -----.
a. slowly b. fortunately c. hopefully d. actually
- Modern technology has greatly helped ----- in many different areas.
a. reference b. material c. homeland d. humankind
- There is a 25 percent ----- on all clothes until the end of the week.
a. relationship b. discount c. interest d. meaning
- There is a wide ----- of opinion on the question of which team will win the match.
a. action b. heartbeat c. diversity d. economy
- I'll call you if I finish my homework. "Finish" is an antonym for -----.
a. remember b. forget c. attempt d. start
- Isfahan decorative ----- have attracted many tourists for many years.
a. exercises b. handicrafts c. collection d. patterns
- Our university uses a combination of modern and ----- ways for teaching reading.
a. traditional b. vast c. valuable d. decorative
- There's a valuable stamp ----- at the National Museum in Tehran.
a. custom b. collection c. pyramid d. pottery
- My friend is a very skillful farmer. He gave me some ----- information for farming.
a. opposite b. valuable c. handmade d. well-known
- Any decrease in tourism could have a serious effect on the local-----.
a. economy b. reference c. explanation d. discount

19. I didn't know anybody at the class, but the teacher ----- me to a few people.
 a. reflected b. imagined c. expected d. introduced
20. The report shows that poor families spend a larger part of their ----- on food.
 a. economy b. income c. identity d. diversity
21. ----- a silk carpet may take more than a year for a craftswoman.
 a. repeating b. packing c. reflecting d. weaving
22. We have decreased our involvement in children's books. The antonym of decreased is -----.
 a. started b. preferred c. increased d. woven
23. Your job as a student ----- doing your assignment and attending classes regularly.
 a. earns b. recognizes c. behaves d. includes
24. He put on a large hat and glasses and hoped no one could ----- him.
 a. wait b. recognize c. reflect d. appreciate
25. We should not ----- the mistakes of the past and get lesson from them.
 a. pack b. touch c. appreciate d. repeat
26. In her lifetime, she has produced lots of unique artworks from different -----.
 a. members b. plans c. materials d. regions
27. I didn't know they're sisters. They're completely ----- to each other in every way.
 a. happy b. shocked c. certain d. opposite
28. I was very lucky to get a cheap flight at the last minute. An antonym for "cheap" is -----.
 a. happy b. free c. main d. expensive
29. This drug can be safely used in ----- with other medicines.
 a. education b. combination c. protection d. suggestion
30. I was walking slowly in the dark street when he suddenly shouted at me and I got -----.
 a. confused b. frightened c. bored d. amazed

پاسخنامه کلیدی تستهای واژگان درس سوم

Vocabulary Tests (lesson 3)											
1	B	6	A	11	B	16	B	21	D	26	C
2	D	7	B	12	C	17	B	22	C	27	D
3	C	8	B	13	D	18	A	23	D	28	D
4	B	9	A	14	B	19	D	24	B	29	B
5	C	10	D	15	A	20	B	25	D	30	B

Grammar Tests

“Vision 2”

(Lesson 1 - 3)

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از مرور گرامرها، تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای کنکور و تألیفی استاندارد جایگزین خواهند شد.

1. A: "How ----- apples did you eat?" B: "I ate ----- apples."
a. many - a few b. much - some
c. many - a little d. a lot of - a few
2. You can add variety to your speech by ----- your voice.
a. to raise b. raise c. raising d. rise
3. If you ----- more than 100 dollars, you'll get a 20 percent discount.
a. bought b. buy c. will buy d. are going to buy
4. Our grandma ----- ill ----- last month. That's why my Mom seems so unhappy now.
a. has been - since b. is - for c. was - since d. has been - for
5. A: "Let's go out tonight." B: "Okay. I have ----- money, enough for the cinema at least."
a. a little b. many c. little d. a few
6. Jack had a car accident and could not avoid ----- the other car.
a. hit b. to hit c. hitting d. being hit
7. He was surprised ----- me sitting behind his desk.
a. saw b. see c. to see d. seeing
8. Gary works a lot during the day, so he has very ----- time for his family.
a. much b. few c. lots of d. little
9. I missed ----- the news on TV when I was traveling abroad.
a. watched b. to watch c. watch d. watching
10. There is some ----- on the table.
a. Mice b. rice c. oranges d. bowls
11. Could you please stop ----- so much noise? I am trying to study for my exam tomorrow.
a. having made b. making c. to make d. to be making
12. He had three useful ----- information to tell me.
a. bars of b. some c. pieces of d. much
13. I think I left my watch at your house. If you ----- it, can you call me?
a. found b. find c. will find d. finding
14. We have been advised not to risk ----- in these countries.
a. travel b. traveling c. traveled d. to travel
15. I cannot see ----- birds in the sky.
a. much b. a lot c. any d. some
16. We were amazed ----- that no one was hurt in that accident.
a. finding b. to find c. find d. to found
17. It is sometimes necessary for Peter ----- his parent's car before they give him any pocket money.
a. to clean b. cleaning c. cleans d. cleaned

18. Which of the following sentences is grammatically correct?
- I have so many homeworks to do.
 - I only have a few money left.
 - Henry gave me a useful advice.
 - Add lots of oil to the pan.
19. Many people have stopped ----- because they are afraid that it may be harmful to their health.
- smoking
 - to smoke
 - smoked
 - to smoking
20. My new car doesn't use as ----- gas as my old one, so it's more economical.
- much
 - little
 - many
 - few
21. My mother usually uses ----- to prepare -----.
- butter - cakes
 - butters - cake
 - butter - cake
 - butters - cakes
22. We only have ----- coffee. Won't you buy ----- when you go shopping?
- a little / some
 - a few / some
 - a lot - much
 - a few - a little
23. There ----- on the roads this morning.
- was much traffic
 - was many traffics
 - were much traffic
 - were many traffics
24. Reza and Arash promised ----- me with math. I'm really lucky ----- such good friends.
- helping - having
 - to help - to have
 - helping - to have
 - to help - having
25. For the picnic, my friend and I took some -----.
- chicken, fruit, breads and eggs
 - chicken, fruit, bread and eggs
 - chickens, fruits, breads and eggs
 - chicken, fruits, bread and eggs
26. I always enjoy ----- to the theater but I don't have enough times these days.
- go
 - from going
 - going
 - is going
27. The English news on the radio ----- a little difficult for me to understand, so I didn't get any -----.
- was - information
 - was - informations
 - were - information
 - were - informations
28. He was very careful ----- both ways when he crosses the road.
- look
 - looking
 - to looking
 - to look
29. A drop of water is made up of ----- of atoms.
- million
 - a million
 - millions
 - a millions
30. I try and keep in good shape by ----- every day.
- exercises
 - exercised
 - exercise
 - exercising
31. You can't buy this car if you ----- have enough money.
- can
 - will
 - didn't
 - don't
32. There are more than two ----- languages in Africa and about thirteen ----- in Oceania.
- thousand / hundred
 - thousands / hundreds
 - thousand / hundreds
 - thousands / hundred
33. I think you are really fortunate in one of the most beautiful towns in the country.
- to live
 - living
 - to living
 - live

34. They gave a famous singer three ----- to come to the restaurant to sing: "Happy Birthday".
a. millions tomans **b. million toman**
c. millions toman **d. million tomans**
35. ----- of bread costs more now than it did ten years ago.
a. loaf **b. a loaf** **c. loaves** **d. loave**
36. I believe Leonardo da Vinci's ----- of art ----- the greatest of all.
a. work / is **b. works / is** **c. work / are** **d. works / are**
37. In the first ----- months of life, a baby learns how to lift its head, how to smile and how to make sounds similar to those of its parents.
a. many **b. a lot of** **c. number of** **d. few**
38. "NO -----" means that you cannot catch fish in this area.
a. FISH **b. FISHING** **c. TO FISH** **d. FISHED**
39. We're planning ----- this afternoon. Would you like to join us?
a. to go to jog **b. to go jogging** **c. going jogging** **d. going to jog**
40. According to the studies, dolphins, whales and ----- other sea creatures use special sound waves to communicate with each other.
a. any **b. few** **c. much** **d. many**
41. She told me so ----- lies that I decided to give her up.
a. many **b. a lot** **c. much** **d. few**
42. Which of the following sentences is grammatically wrong?
a. She was happy to see them at the party.
b. You can't learn English without making mistakes.
c. Let me know if you're interested in join the club.
d. Thomas has lived in London since he was born.
43. I was surprised that she left without ----- good-bye to anyone.
a. say **b. to say** **c. saying** **d. being said**
44. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. There are in the street lots of cars.
b. How many sheets of paper do you need?
c. How much bread does need your mother?
d. My grandfather sang yesterday a song.
45. Mike drove for 8 hours, and then stopped ----- for a few minutes.
a. resting **b. to rest** **c. rest** **d. to resting**
46. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. She is going to the TV turn on.
b. We can learn easily new languages.
c. We usually visit our grandmother on Fridays.
d. My brother can speak fluently French.
47. We enjoy ----- parties so we invited Jim and Robert ----- lunch with us.
a. to give / to have **b. to give / having**
c. giving / to have **d. giving/ having**
48. There is only ----- water in the glass. Please give me some more.
a. many **b. much** **c. a few** **d. a little**

49. Which of the following sentences is grammatically wrong?
- She studies at school English every week.
 - On weekends, I read storybooks.
 - I have a math class on Wednesdays.
 - I got good grades on my English exam.
50. It's a great movie. I have ----- it many times.
- saw
 - seen
 - see
 - seeing
51. He is ----- amazing football player because he can use his both ----- to shoot the ball.
- a-feet
 - an-foot
 - an- feet
 - a-foot
52. Amir is very happy because he ----- very good marks in his exam.
- was getting
 - has gotten
 - got
 - would get
53. Has your father ----- a letter in English so far?
- write
 - to write
 - wrote
 - written
54. She is not able to buy this cell phone. She has ----- money.
- many
 - few
 - a lot of
 - little
55. We were able to translate the letter into English without ----- a dictionary.
- using
 - to use
 - uses
 - use
56. I wonder how Jack is. I haven't seen him for -----.
- few month
 - a few months
 - few months
 - a few month
57. My friend is really interested in ----- tennis.
- play
 - playing
 - to play
 - played
58. She felt hurt and ----- when they didn't call to invite her to the party.
- confusing
 - confused
 - confuse
 - confusingly
59. A: "How ----- money do you need?" B: "I need -----."
- much / a little
 - much / a lot of
 - many / a few
 - many / some
60. They have decided against ----- the car because it is too expensive.
- to buy
 - buying
 - buy
 - buys
61. This jar holds ----- water. I will take it.
- fewer
 - any
 - many
 - a lot of
62. Keep ----- until you get to the crossroad and then turn left.
- go
 - to go
 - going
 - be going
63. Which of the following sentences is grammatically wrong?
- Bad weather prevented us from leaving.
 - We're planning to go biking tomorrow.
 - Would you like to come to dinner on Friday?
 - Father promised stopping smoking
64. I'm sure everyone will join me in ----- you a very happy retirement.
- wish
 - that wishing
 - wishing
 - wished
65. Maria just telephoned from Italy. I ----- to her a few minutes ago.
- have spoken
 - had spoken
 - am going to speak
 - spoke

66. Which of the following sentences is grammatically correct?
- I'm going to invite a lot of people to the party tomorrow.
 - I'm going to invite to the party a lot of people tomorrow.
 - I'm going to a lot of people invite to the party tomorrow.
 - I'm going to tomorrow to the party invite a lot of people.
67. My neighbor and I get up six every morning and go -----.
- jogging
 - jog
 - for jogging
 - to jog
68. My mother often puts ----- sugar in her tea, that's why she's getting fat.
- a little
 - a few
 - much
 - any
69. His achievement surprised everyone, because we all expected his business ----- within the first few months.
- fail
 - of failing
 - failing
 - to fail
70. A: "How ----- did you buy?" B: "I bought ----- kilos."
- many fruit-two
 - much fruit-two
 - many fruit-one
 - much fruit-one
71. The concert ----- in two hours but the singers haven't arrived yet.
- started
 - start
 - will start
 - was starting
72. What have you done since you ----- this morning?
- have got up
 - get up
 - got up
 - getting up
73. My sister suggested ----- on a picnic if the weather is nice.
- going
 - to go
 - from going
 - goes
74. There are ----- notebooks on the desk.
- any
 - a few
 - much
 - little
75. I have been to Norway but I haven't been to Sweden -----.
- still
 - yet
 - already
 - recently
76. Hurry up! We only have ----- time before the train leaves.
- a little
 - a few
 - many
 - much
77. I haven't spoken Italian since I ----- a child.
- am
 - was
 - were
 - have been
78. They were careful ----- people who the winner of the prize was until the end.
- don't tell
 - not tell
 - not telling
 - not to tell
79. I ----- much of the book yet, but I have to finish it by the weekend.
- didn't read
 - haven't read
 - will not reading
 - hadn't read
80. I don't know ----- students in this class. Because I am a newcomer.
- a little
 - a few
 - many
 - much
81. She hasn't bought any new clothes ----- the beginning of the year.
- since
 - for
 - as
 - from
82. ----- my room will be the most difficult thing for me to do when I return home.
- clean
 - cleaning
 - cleaned
 - cleans
83. Only ----- people stay calm to help the injured man after the accident.
- much
 - a few
 - many
 - a lot of

84. What a boring film! It's the most boring film -----.
- a. I ever see b. I ever saw c. I've ever seen d. had ever seen
85. The interview went very well. She is certain ----- the job.
- a. getting b. get c. to get d. gets
86. A: "How ----- butter do you need?" B: "I only need a little."
- a. much b. many c. few d. a lot
87. Ali Karimi ----- the national team ----- he was 21.
- a. joined - when b. joined - since
c. has joined - since d. has joined - when
88. He was deeply shocked ----- the truth about his mom's disease.
- a. discovering b. to discovering c. discover d. to discover
89. I gave presents to ----- of the four students in the class.
- a. both b. little c. each d. much
90. Instead of----- mathematics, Jack decided to study history at university.
- a. study b. to study c. studied d. studying
91. This is the third time my car ----- down this month.
- a. breaks b. broke c. breaking d. has broken
92. A: "Were there ----- passengers on the plane?" B: "Not, -----."
- a. much-many b. a lot of-many
c. much- a few d. a lot of- much
93. ----- a lot of sweets when you were a child?
- a. Have you eaten b. Did you eat c. Have you ate d. Did you ate
94. I think Nicola is interested ----- . She has lots of interesting ideas.
- a. talking to b. to talk to c. in talk d. in talking
95. We can all get on the bus. There are only ----- passengers on it now.
- a. many b. much c. a few d. a little
96. Thank you for ----- me solve these difficult math problems.
- a. help b. helps c. to help d. helping
97. I ----- this book two weeks ago. I ----- this book for two weeks.
- a. bought - have had b. have bought - had
c. bought - had d. have bought - have had
98. Which of the following sentences is grammatically correct?
- a. I sometimes listen to radio at night.
b. I listen sometimes at night to radio.
c. I to radio sometimes listen at night.
d. I listen at night to radio sometimes.
99. His French is very good but he needs to practice ----- English very much.
- a. to speak b. spoke c. speaks d. speaking
100. A: "Where ----- for your holiday?" B: "I don't know. I've not decided yet."
- a. have you gone b. did you go c. are you going to go d. were you going

101. I haven't been paid for two ----- . Can I ask you lend me ----- money?
a. months - some b. month - many c. months - a few d. month - few
102. It was nice of you ----- me to the airport. Thank you very much.
a. taking b. take c. to take d. to taking
103. Yesterday we had some ----- and I went to the bakery to buy three -----.
a. guest-loaf of bread b. guests-loaf of bread
c. guest- loaves of bread d. guests-loaves of bread
104. He made wild claims about ----- able to cure cancer.
a. to be b. being c. be d. is being
105. ----- Maryam get a prize if she answers the question correctly?
a. Does b. Did c. Would d. Will
106. A: "Do you mind if I ask you ----- important -----?" B: "No, not all."
a. many - question b. much - question
c. many - questions d. a little - questions
107. They are attempting ----- the first to climb Mt. Everest without oxygen tanks.
a. to becoming b. to become c. becoming d. become
108. I've traveled in Europe a lot, and in 2001 ----- to Africa.
a. I was going b. I've gone c. I went d. I'll go
109. Mom wanted me ----- to the library ----- some books.
a. to go - to borrow b. to go - borrow
c. go - borrow d. go - to borrow
110. A: "Can I borrow your car?" B: "-----?"
a. Did you ever drive a car? b. Did you drive a car yet?
c. Have you ever driven a car? d. Did you already driven a car?
111. Have you seen the new teacher?
a. Yes, I've seen him in his office. b. Yes, I saw him in his office.
c. Yes, I have seen. d. Yes, I saw.
112. I wonder why the students got ----- by the simple explanation I gave about the problem. It seems I have to put it another way.
a. confusing b. to confuse c. have confused d. confused
113. The brave firefighter risked his life ----- to help others escape.
a. to try b. in trying c. trying d. tried
114. New York is a very modern city. There are almost very -----.
a. a few buildings old b. little old building
c. few old buildings d. a little building old
115. It was dark in the room and she got ----- when he shouted at her suddenly.
a. surprised b. frightening c. surprising d. frightened
116. My father was the first person ----- a school in our village ----- our children educated in our village. They used to go to the neighboring village to study.
a. imagine to build - to get b. to imagine to build - getting
c. to imagine building - getting d. to imagine building - to get

117. Our father told us ----- by bus because it was very slow.
a. didn't travel b. not to travel c. not travelled d. not travelling
118. I think everything will be fine, but if ----- any problem, ----- call you, OK?
a. there is - I'll b. there was - I call
c. there will be - I call d. there was - I called
119. I've given up ----- newspapers. I think it's a waste of time.
a. to read b. reading c. read d. reads
120. Thomas already knew ----- before he attended the institute.
a. some grammar English b. many English grammar
c. many grammar English d. some English grammar
121. Why do you keep ----- me questions? Can't you ----- me alone?
a. to ask - to leave b. to ask - leaving
c. asking - leave d. ask - leave
122. He did ----- stomach exercises -----.
a. some - in the gym last evening b. a lot of - last evening in the gym
c. a little - in the gym last evening d. many - last evening in the gym
123. I don't mind ----- alone, but it's better to be with other people.
a. to be b. be c. been d. being
124. I think if we ----- to invite Ben to the party, we'll have to invite his friends, too.
a. will decide b. decide c. decided d. had decided
125. I live in England, so I have learned ----- English easily.
a. speak b. speaking c. spoke d. to speak
126. Can you imagine ----- with someone who never stops talking?
a. to live b. live c. living d. lives
127. Every time I wanted to study a bit my roommate kept -----.
a. the radio listening to b. to listen to the radio
c. and to the radio listened to d. listening to the radio
128. We don't want to risk ----- involved in a civil war.
a. become b. becoming c. of becoming d. to become
129. I think ----- junk food will have an effect on your health.
a. eat b. to eat c. eating d. eats
130. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. He always is watching a lot of TV.
b. He is always watching a lot of TV.
c. He is watching always a lot of TV.
d. He is watching a lot of always TV.
131. He is ashamed ----- his father that he didn't get a high grade in the exam.
a. telling b. tell c. told d. to tell
132. We rushed to the station. We were afraid ----- missing our train.
a. by b. of c. from d. for
133. I heard from my mother that Jack has given up ----- cigarette for two months.
a. of smoking b. smokes c. smoking d. smoked

134. You shouldn't eat ----- butter in the breakfast. It's not good for your health.
a. too much **b. very a little** **c. too many** **d. very few**
135. We think about ----- to England. Instead, we have plans ----- travelling go France.
a. no to go - about **b. not going - about** **c. not to go - for** **d. not going - for**
136. Despite the imagination of many people, over the years, technology ----- amazing tools and put useful information at our fingertips.
a. created **b. has created** **c. creating** **d. will create**
137. I've already made up my mind and you can't stop me ----- doing what I want.
a. by **b. of** **c. from** **d. for**
138. We were all ----- at my grandfather's stories. I always find his stories very -----.
a. amused - interested **b. amusing - interesting**
c. amused - interesting **d. amusing - interested**
139. A: "Would you like ----- with us?" B: "No thank you. I've just had lunch."
a. eating **b. to eating** **c. eat** **d. to eat**
140. She said goodbye and thanked us ----- inviting her to the event.
a. on **b. about** **c. from** **d. for**
141. I think you can stop ----- now because it's quite clear she's in control of the situation.
a. to worry **b. worried** **c. worrying** **d. worry**
142. Which of the following sentences is grammatically wrong?
a. She is frightened of being alone at night.
b. He was happy about winning the prize.
c. To learn a language can be interesting.
d. You hurt yourself if you'll jump into the river
143. We couldn't go to that restaurant without ----- enough money.
a. have **b. to have** **c. having** **d. had**
144. I didn't have any money, but, luckily, my brother had -----.
a. a little **b. many** **c. a few** **d. a lot of**
145. They didn't play well, but they were lucky ----- the match.
a. to win **b. won** **c. of winning** **d. winning**
146. Jane has not visited her relatives since she ----- her hometown.
a. leave **b. am leaving** **c. left** **d. have left**
147. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. Is often it very hot here in summer?
b. Is it often very hot here in summer?
c. Is it very hot often here in winter?
d. Is it here often very hot in winter?
148. I enjoyed ----- with my family at the lake last summer.
a. been **b. being** **c. be** **d. to be**
149. How many ----- of bread should I buy for breakfast, mom?
a. loaves **b. slices** **c. boxes** **d. cans**
150. ----- people think he is shy, but he's actually quite talkative.
a. A lot **b. Few** **c. A lot of** **d. Much**

151. The research is almost over and they hope ----- the results next week.
a. publishing **b. published** **c. publish** **d. to publish**
152. I have been to Sydney ----- times; five times in 1997 and three times last year.
a. many **b. much** **c. few** **d. a little**
153. My friend, Jack, is a better football player than I am, but in the last few months he ----- some trouble with his left knee.
a. has have **b. have had** **c. had have** **d. has had**
154. 'Remember! ----- they don't come soon, I'm not going to wait.'
a. If **b. When** **c. Until** **d. Unless**
155. Which of the following sentences is grammatically wrong?
a. I'm not quite ready yet. Would you mind waiting a little longer?
b. We decided not going out because of the weather.
c. If you go right at the end of this street, you'll see a bank on your left.
d. She became happy to see her classmate after ten years.
156. We were sorry ----- that your father isn't well. We hope he gets better soon.
a. hearing **b. to hear** **c. of hearing** **d. hear**
157. It'll be dangerous to swim in this river even if you ----- a strong swimmer.
a. were **b. will be** **c. are** **d. can be**
158. When I imagine ----- him again, I feel so happy.
a. to see **b. seeing** **c. be seen** **d. see**
159. Which of the following sentences is grammatically wrong?
a. If you mix red and yellow, you get orange.
b. If you decide to have a birthday party, tell me!
c. We'll miss the train if you're late.
d. Paper makes a lot of smoke if it'll burn.
160. Raman wanted study for his final exam. He asked us to stop ----- so much noise?
a. made **b. making** **c. make** **d. to be making**
161. If it rains, -----.
a. I'd get wet **b. he needed an umbrella**
c. I'll go to Jane's house **d. Mike met his friends**
162. We'll be late -----.
a. if you don't hurry **b. if the train didn't come**
c. if we won't take a taxi **d. if you woke up late**
163. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. I was surprised at see my teacher again.
b. Maryam is seventeen and she hopes to be a translator.
c. He spent hours to try to repair the clock.
d. I'm hungry. I haven't eaten anything since a day.
164. I was surprised ----- discovering that he had never learned how to swim.
a. in **b. at** **c. up** **d. to**
165. If you are studying your final exams, you ----- use your cell phone.
a. couldn't **b. Didn't** **c. Wouldn't** **d. shouldn't**

166. Don't forget ----- all of the doors before you go to bed.
a. locking b. of locking c. lock d. to lock
167. If there ----- some nice fish in the supermarket, ----- you ----- some for dinner tonight?
a. had been - would - buy b. were - would - buy
c. is - will - buy d. are - will - buy
168. Justin, as an English professor, ----- to the theatre many times this year.
a. goes b. go c. is going d. has gone
169. A: "Remember ----- Tom tomorrow." B: "OK. I won't forget."
a. calling b. call c. to call d. of calling
170. Ali works very hard. It is not ----- that he has a lot of money.
a. surprise b. surprised c. surprising d. surprisingly
171. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. I take my children to school every day.
b. My children I take it school every day.
c. Take my children I to school every day.
d. I my children take to school every day.
172. The questions in the exam were very difficult. It was impossible ----- them.
a. answering b. to answer c. answer d. answered
173. If you do not see any special thing in an artwork, you ----- appreciate its value.
a. can b. will c. didn't d. won't
174. Some kids love ----- wild animals in zoo, but I think it is very dangerous.
a. feeding b. fed c. be feeding d. of feeding
175. A: "Would you like some more tea?"
B: "No, thanks. I ----- four cups! I think it is enough for my morning!"
a. 've yet had b. just have had c.'ve already had d.'ve usually had
176. Do you really think this water is safe -----?
a. to drink b. drinking c. drink d. to drinking
177. If you ----- to know a country or a nation well, you ----- study its art.
a. want / should b. are going to want / may
c. have wanted / could d. want / will
178. Jack and David ----- together as partners for ten years.
a. have worked b. were working
c. were going to work d. work
179. I'm so sorry ----- that your father isn't well. I hope he gets better soon.
a. about hear b. for hear c. to hear d. of hearing
180. Although I respect my daughter's choice, I ----- let her marry your son, if we don't divide wedding expenses.
a. will not b. do not c. would d. will
181. We're waiting for the rain ----- before we go out.
a. to stopping b. stop c. stopping d. to stop
182. David imagined ----- in his favorite car and driving very -----.
a. sitting - fast b. of sitting - fast c. sitting - fastly d. of sitting - fastly

183. There will be a meeting next week ----- the problem.
 a. discussing b. to discuss c. discuss d. discussed
184. I surfed the net ----- the information I was looking for.
 a. to find b. for find c. finding d. find
185. A: "There is a great competition next month."
 B: "I know. I ----- yet whether to take part in it."
 a. have decided b. didn't decide c. decided d. haven't decided
186. I dislike ----- in one place all day long. It makes me tired.
 a. staying b. stay c. stayed d. to stay
187. To tell the truth, I'm ----- of walking home alone in the dark.
 a. frighten b. frightening c. frightened d. frighteningly
188. We were ----- to hear that they were coming to see us.
 a. excitingly b. excite c. excited d. exciting
189. -----, I have no idea where I would like to vacation this summer.
 a. I am honest b. Be honest c. To be honest d. Honest I am
190. Which of the following sentences is grammatically wrong?
 a. She was happy to see them at the party.
 b. You can't learn English without making mistakes.
 c. Let me know if you're interested in join the club.
 d. Thomas has lived in London since he was born.
191. Julia's ----- to the shops recently so we've got enough food for dinner.
 a. been b. gone c. going d. being
192. Kate is going to miss the bus if she ----- hurry up.
 a. doesn't b. won't c. didn't d. couldn't
193. The company is now planning ----- two new stores in the western's region of the town.
 a. to build b. building c. to building d. build
194. Which of the following sentences is grammatically correct?
 a. My father spent hours to try to repair the clock.
 b. He is very hungry. He hasn't eaten anything for a long time.
 c. She was surprised at see her old friend again.
 d. Raman is four and she hopes being a teacher.
195. Mary hasn't been able to play volleyball since he ----- his arm.
 a. is broking b. broke c. was broking d. had broken
196. If ----- healthy food, you will live longer.
 a. you ate b. you'll eat c. you'd eat d. you eat
197. I think you are really fortunate ----- in one of the most beautiful towns in the country.
 a. to live b. living c. to living d. live
198. We live in a village now. -----.
 a. But we lived in a big city for 5 years.
 b. But we have lived in a big city for 5 years.
 c. But we lived in a big city lately.
 d. But we have already lived in a big city.

199. We are so sorry ----- having to tell you that we sold all the food at the restaurant.
a. about **b. for** **c. to** **d. in**
200. Is it possible for us ----- in this part of the river?
a. to swim **b. swimming** **c. swim** **d. swam**
201. I can't believe that you behaved so rudely. I'm ashamed ----- with you!
a. being **b. to be** **c. of be** **d. of being**
202. How many times have I told you ----- football in the street?
a. not playing **b. don't play** **c. not play** **d. not to play**
203. Imagine ----- next to an ocean where there are a lot of trees! Wouldn't that be wonderful?
a. living **b. to live** **c. that live** **d. yourself to live**
204. It is impossible for an elephant ----- faster than a horse.
a. to go **b. go** **c. goes** **d. going**
205. I ----- her for more than 11 years. It is because I haven't been in her hometown ----- we broke up.
a. haven't seen - for **b. haven't seen - since**
c. didn't see - just don't **d. see - since**
206. If he doesn't stop -----, he is going to get into trouble with the police.
a. stealing **b. to steal** **c. steals** **d. to stealing**
207. The children were so ----- to hear that their father wanted to bring them to the zoo.
a. excitingly **b. excite** **c. excited** **d. exciting**
208. Do you think they will succeed in----- the work this week?
a. finishing **b. finished** **c. finish** **d. to finish**
209. I didn't have ----- trouble buying dollars to go abroad. I only had a problem with my passport because it was an old one.
a. many **b. a lot** **c. no** **d. much**
210. I don't remember when Simon and I started our close friendship. How long -----?
a. you have known your best friend
b. your best friend you have known
c. have your best friend you known
d. have you known your best friend
211. A: "Would you like ----- pizza for dinner?" B: "No, thanks."
a. eating **b. to eating** **c. eat** **d. to eat**
212. Many old people are afraid of ----- an accident when they ----- the road.
a. have - cross **b. has - crossed** **c. having - cross** **d. having - crossed**
213. I haven't cleaned my fridge -----.
a. since two days **b. for two days ago** **c. for a long time** **d. since a week**
214. He has not ----- my book -----.
a. given back - already **b. given back - yet**
c. gave back - yet **d. already - given back**
215. After her little brother was born, Jane's parents expected her to look ----- him.
a. up **b. for** **c. after** **d. at**

216. A: "Would you like some more coffee?"
 B: "No, thanks. I ----- three cups."
 a. never had b. haven't had yet c. have already had d. have ever had
217. How ----- do we need to bake this cake?
 a. much eggs b. many bottle of milk
 c. much cup of oil d. many spoons of sugar
218. We're waiting for the rain ----- before we go out.
 a. to stopping b. stop c. stopping d. to stop
219. I have to run ----- in order to catch my bus to school.
 a. quickly down the street each morning after breakfast.
 b. down the street quickly after each morning breakfast.
 c. after breakfast each morning down the street quickly.
 d. each morning down the street quickly after breakfast.
220. The famous writer hopes ----- his novel next month.
 a. publishing b. published c. publish d. to publish
221. The man ordered the children ----- football at the street.
 a. not playing b. don't play c. not play d. not to play
222. We walked down the road without ----- anybody, just talking about our great past days in the college.
 a. looking at b. to look at c. looking up d. to look up
223. A: "How ----- sugar do you want?"
 B: "I need ----- . My mother is going to bake a cake for my birthday party."
 a. much - two bags b. much - a bag of
 c. many - some d. many - a kilo
224. A: "Are you sure you locked the door when you left?"
 B: "Yes, I am. I clearly remember ----- it."
 a. locking b. to lock c. to have locked d. lock
225. Although she has ----- knowledge on the subject, she has got ----- patience for working with children.
 a. many - little b. many - few
 c. a lot of - few d. a lot of - little
226. I think that it is impossible for the children ----- in this pool.
 a. to swim b. swimming c. swim d. swam
227. Mr. Thomson has just received an offer for a job but he ----- what to do about it yet.
 a. didn't decide b. hadn't decided c. hasn't decided d. won't decide
228. He worked hard ----- a successful member of the national football team, but he was not successful at all.
 a. to become b. become c. became d. becoming
229. My little son was very ----- when he saw a lion at the zoo.
 a. frighten b. frightening c. frightened d. frighteningly
230. A: "Would you like to drink some coffee?" B: "No, thanks. I ----- two cups."
 a. never had b. haven't had yet c. have already had d. have ever had

231. His belief in ----- animals was something he learned from his mother.
a. not to harm b. to not harm c. don't harming d. not harming
232. ----- speak it fluently takes more time than I previously thought.
a. Able to learn a foreign language for
b. I learn a foreign language to be able to
c. Learning a foreign language to be able to
d. Learn to be able for a foreign language for me
233. She is a great painter. She ----- this picture when she was a high school student.
a. was drawing b. drew c. draw d. is drawing
234. Do you believe it is possible for a horse ----- faster than a cheetah.
a. to run b. run c. runs d. running
235. Sorry, sir! my wife doesn't like the jewelry I bought last night. Would you please let me ----- to you?
a. call them up b. give it back c. give them back d. call it up
236. The math teacher ----- let the students leave the class if they don't finish their homework carefully.
a. will not b. do not c. would d. will
237. I like ----- football match on TV with my family.
a. watched b. to watching c. watch d. watching
238. ----- to inform all the managers of the schedule for all the monthly board meetings.
a. It is the secretary's duty
b. The secretary's duty is there
c. The secretary's duty is that
d. Whenever the secretary has the duty
239. I'm sorry I can't come to your party, but thank you very much for ----- me.
a. invited b. to invite c. invites d. inviting
240. Every time I wanted to study a bit my roommate kept -----.
a. the radio listening to b. to listen to the radio
c. and to the radio listened to d. listening to the radio
241. Scientists are doing research on monkeys to get ----- information about them. Each monkey will get three slices of ----- as a reward for participating in the research.
a. many - bananas b. much - banana c. many - banana d. much - bananas
242. I don't know why he quit. I guess he was just bored ----- his job.
a. about b. at c. for d. with
243. A: How long have they known each other? B: Since they ----- at school.
a. are b. were c. have been d. had been
244. A: "What's the matter? Why do you want to see me?"
 B: "Sorry. I don't mean to make you worried. There ----- things I'd like to discuss."
a. is much of b. are much more c. is a few of d. are a few more
245. I'm actually thinking about finding a more exciting job. ----- working in this small and quiet office makes me ----- tired.
a. Always - real b. Never - really
c. Sometimes - really d. Often - real

246. The old man tried ----- the heavy chair by himself.
 a. moving b. to move c. moves d. moved
247. Which sentence is grammatically wrong?
 a. Do we really have to pass this difficult test?
 b. As you see, we're trying to open this door.
 c. What the sentence says about the subject is called the verb.
 d. We have rarely fish for dinner.
248. It is necessary for every student ----- a foreign language.
 a. knew b. knowing c. to know d. know
249. A: "Does your father still smoke?" B: "No, he has ----- smoking."
 a. given up b. gave up c. giving d. give up
250. You cannot be a good teacher because you have ----- patience with little children.
 a. many b. a little c. little d. few
251. These researchers are attempting ----- the first scientists to cure cancer with this medicine.
 a. to becoming b. to become c. becoming d. become
252. I always wish to have a ----- of cake with my coffee.
 a. bar b. slice c. tube d. loaf
253. I'm certain to see Mike tomorrow. ----- I see him, I'll tell him to call you.
 a. If b. When c. Until d. Unless
254. I asked him how he spoke English with great ----- and he promised ----- the secret of his success.
 a. fluently – learning b. fluency - learning c. fluently - to learn d. fluency – to learn
255. She would like ----- to your birthday party, but she is too busy.
 a. come b. to come c. coming d. comes
256. ----- of the children were rude, but most were polite.
 a. A few b. Few c. Little d. A little
257. Which of the following sentences is grammatically wrong?
 a. You'll get a good job if you work hard.
 b. She will pass the exam if I help her.
 c. If we met them tomorrow, we will say your hello.
 d. If all goes well, we will buy the house.
258. Mathematics ----- my favorite subject at school but now I like history ----- more.
 a. were - much b. was - many c. were - a little d. was - a lot
259. I think the air will be clean if people -----.
 a. used public transportation b. will walk to work
 c. would cycle to work d. stop driving their own cars
260. They spent ----- of dollars to help save endangered animals in the region.
 a. hundreds of millions b. a hundred of millions
 c. hundreds of million d. hundred of millions
261. Hamid has never been in Shiraz. He is very ----- about going there.
 a. to excite b. excite c. excited d. exciting

262. I'm surprised ----- the amount of traffic today. I didn't think it would be so busy.
a. of b. for c. at d. in
263. "How ----- of bread do you want?", asked the baker.
a. many bars b. much bar
c. many loaves d. much loaf
264. I surfed the net ----- the information I was looking for.
a. to find b. for find c. finding d. find
265. If you decide to go to the central department store, ----- some shopping for me?
a. will you do b. you will do c. do you do d. you can do
266. He knows ----- Spanish, so we were able to find a nice room in Barcelona and buy the necessary things if we were in need.
a. little b. a few c. a lot d. a little
267. Unfortunately, ----- young people leave their native towns because they can't find work there.
a. a lot b. many of c. much of d. several
268. Which of the following sentences is grammatically wrong?
a. There is less traffic after 9 am than at 8 am.
b. we are going to save the planet, we need to make less car journeys.
c. She seems to have less time these days.
d. Last night, I drank less orange juice than Tom did.
269. There will be an important meeting ----- the problems of country's economy tomorrow.
a. discussing b. to discuss c. discuss d. discussed
270. Which of the following sentences is grammatically wrong?
a. I speak a little French.
b. She has a few relatives living there.
c. We have a little knowledge of this subject.
d. A few animal can survive in the desert.
271. I got up and looked out of the window ----- what the weather was like.
a. see b. seeing c. to see d. saw
272. ----- people attended the stadium to watch the competition.
a. Twelve thousand eight hundred forty two
b. Twelve-thousand-eight-hundred-forty-two
c. Twelve thousand eight-hundred forty-two
d. Twelve thousand eight hundred forty-two
273. I got into the habit of drinking ----- milk; one liter a day!
a. a lot b. many c. few d. much
274. A: "Do you have 100 dollars to lend me?" B: "Sorry, I just have -----."
a. a little b. many c. a few d. a lot of
275. My father usually buy twenty ----- of bread from the bakery.
a. loaves b. slices c. boxes d. cans
276. You ----- the exam unless you ----- a bit harder than before.
a. will pass - try b. won't pass - try
c. pass - will try d. pass - won't try

277. ----- people think he is bad football player, but he's actually a very good one.
a. A lot **b. Few** **c. A lot of** **d. Much**
278. There was not ----- traffic on our way home. We came back just in time.
a. many **b. some** **c. much** **d. little**
279. If the weather is good, we ----- to have a picnic tomorrow.
a. had gone **b. went** **c. were going** **d. are going**
280. I have to run ----- in order to catch my bus to school.
a. An airplane slowly was flying in the sky yesterday at this time.
b. In the sky an airplane was slowly flying at this time yesterday.
c. An airplane was yesterday flying slowly in the sky at this time.
d. An airplane was slowly flying in the sky at this time yesterday.
281. I feel that I really need at least ----- hot tea or ----- chocolate milk just now!
a. a loaf of - a box of **b. a piece of - a glass of**
c. two cups of - a bottle of **d. two cup of - a jar of**
282. I don't think it's physically possible to put ----- candles on your birthday cake.
a. thirty-seven **b. thirty seven** **c. thirty seventh** **d. thirty-seventh**
283. There are no buses to the town. It's difficult to get there unless you ----- a car.
a. won't have **b. will have** **c. have** **d. don't have**
284. I've told you ----- times not to do that and now, there's nothing we can do.
a. thousand **b. thousands** **c. a thousand** **d. a thousands**
285. Which of the following sentences is grammatically correct?
a. Can I borrow that book if you finished it?
b. Let's go to the museum today if you have enough time.
c. If you do your homework, we you would watch TV.
d. I'll ask her about the party if I phoned Mary.
286. You should eat ----- orange every day.
a. a **b. an** **c. a little** **d. a few**
287. We must leave right now if we ----- to get there on time.
a. want **b. wanted** **c. will want** **d. would want**
288. Can you come back later? I need ----- to finish this letter I'm writing.
a. a few more time **b. a little more time** **c. a few more times** **d. a little more times**
289. If you ----- to have a healthy body, you ----- do a lot of exercise.
a. want - should **b. are going to want - may**
c. have wanted - could **d. want - will**
290. I'll do the shopping when I've finished ----- my room.
a. to cleaning **b. clean** **c. cleaning** **d. to clean**
291. I have ----- now than I had this time last year.
a. less works **b. less work** **c. fewer work** **d. fewer works**
292. Using new kinds of technology such as smart phones, tablets ----- bad habits among teenagers.
a. created **b. has created** **c. creating** **d. will create**

293. Which of the following sentences is grammatically correct?
- Do you so fast often drink a lot of milk in the morning?
 - Often do you drink in the morning a lot of milk so fast?
 - Do you often drink a lot of milk so fast in the morning?
 - Do you often drink so fast a lot of milk in the morning?
294. My new car uses ----- gas than my old one so it's more economical.
- less
 - fewer
 - the least
 - the fewest
295. Your mother won't buy that beautiful bicycle you showed us yesterday for you if you ----- your exams. So, study your lessons as much as possible.
- will fail
 - are failing
 - failed
 - fail
296. You see ----- old cars on the road now than you did before.
- less
 - fewer
 - little
 - much
297. You ----- a brilliant and successful teacher in the future if you study hard. To be a good teacher, you also need to be patient and kind enough.
- are become
 - will be became
 - will become
 - have become
298. There wasn't ----- traffic on the road in the winter, but in the spring there was -----.
- many - a lot of
 - a lot of - many
 - much - a lot
 - a lot of - a lot of
299. Jane hasn't been in a good mood recently because of her father's death. I believe she ----- happy if we ----- her to the party.
- becomes - invited
 - will become - invited
 - will be - invite
 - is - invited
300. If we ----- machines, we ----- the work much more easily.
- used - will finish
 - uses - finish
 - were using - may finish
 - use - can finish

یادداشت:

1	A	31	D	61	D	91	D	121	C	151	D	181	D	211	D	241	B	271	C
2	C	32	A	62	C	92	B	122	A	152	A	182	A	212	C	242	A	272	D
3	B	33	A	63	D	93	B	123	D	153	D	183	B	213	C	243	B	273	D
4	A	34	D	64	C	94	D	124	B	154	A	184	A	214	B	244	D	274	A
5	A	35	B	65	D	95	C	125	D	155	B	185	D	215	C	245	C	275	A
6	C	36	D	66	A	96	D	126	C	156	B	186	A	216	C	246	B	276	B
7	C	37	C	67	A	97	A	127	D	157	C	187	C	217	D	247	D	277	C
8	D	38	B	68	C	98	A	128	B	158	B	188	C	218	D	248	C	278	C
9	D	39	B	69	D	99	D	129	C	159	D	189	C	219	A	249	A	279	D
10	B	40	D	70	B	100	C	130	B	160	B	190	C	220	D	250	C	280	D
11	B	41	A	71	C	101	A	131	D	161	C	191	A	221	D	251	B	281	C
12	C	42	C	72	C	102	C	132	B	162	A	192	A	222	A	252	B	282	A
13	B	43	C	73	A	103	D	133	C	163	B	193	A	223	A	253	A	283	C
14	B	44	B	74	B	104	B	134	A	164	B	194	B	224	B	254	D	284	C
15	C	45	B	75	B	105	D	135	D	165	D	195	B	225	D	255	B	285	B
16	B	46	C	76	A	106	C	136	B	166	D	196	D	226	A	256	A	286	B
17	A	47	C	77	B	107	B	137	C	167	C	197	A	227	C	257	C	287	A
18	D	48	D	78	D	108	C	138	C	168	D	198	B	228	A	258	D	288	B
19	A	49	A	79	B	109	A	139	D	169	C	199	A	229	C	259	D	289	A
20	A	50	B	80	C	110	D	140	D	170	C	200	A	230	C	260	A	290	C
21	C	51	C	81	A	111	A	141	C	171	A	201	D	231	D	261	C	291	B
22	A	52	B	82	B	112	D	142	D	172	B	202	D	232	C	262	C	292	B
23	A	53	D	83	B	113	C	143	C	173	D	203	A	233	B	263	C	293	C
24	B	54	D	84	C	114	C	144	A	174	A	204	A	234	A	264	A	294	A
25	B	55	A	85	C	115	D	145	A	175	C	205	B	235	B	265	A	295	D
26	C	56	B	86	A	116	D	146	C	176	A	206	A	236	A	266	D	296	A
27	A	57	B	87	C	117	B	147	B	177	A	207	C	237	D	267	D	297	C
28	D	58	B	88	D	118	A	148	B	178	A	208	A	238	A	268	B	298	C
29	C	59	A	89	C	119	B	149	A	179	C	209	D	239	D	269	B	299	C
30	D	60	B	90	D	120	D	150	C	180	A	210	D	240	D	270	D	300	D

یادداشت:

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

Vocabulary Tests

“Vision 2”

(Lesson 1 - 3)

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات پایه یازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی استاندارد جایگزین خواهند شد.

- 1- The students were totally confused, so they asked the teacher to ----- the problem once more.
a. explain b. prepare c. compare d. experiment
- 2- ----- is an official meeting with someone who asks you questions.
a. interview b. opinion c. research d. practice
3. All four bedrooms, hall and bathroom on the first floor, have wooden floors covered by -----.
a. crafts b. items c. carpets d. poems
4. Maybe the member could explain what she actually meant by using that word in ----- her previous plan.
a. keeping on b. referring to c. searching for d. being familiar
- 5- To find the size, length, or amount of something, using standard units such as meters etc is -----.
a. broadcast b. measure c. access d. predict
- 6- To do sth that sb wants, needs, or expects you to do or be as good as they need, expect etc is -----.
a. run out of b. be familiar with c. take care of d. meet the needs of
7. Describing sb's country or place of birth or sb who was born in a particular place is -----.
a. native b. relative c. cultural d. foreign
8. People in general, considered in relation to the laws, organization etc. that make it possible for them to live together is called -----.
a. society b. population c. communication d. region
9. The soft part inside your mouth that you can move and use for eating and speaking is -----.
a. blood b. tooth c. lip d. tongue
10. Worth a lot of money or sth that is very useful because it helps you to do sth is called -----.
a. valuable b. wonderful c. uncountable d. extra
11. The car parked just on the corner of the street ----- the richest man in the town.
a. belongs to b. depends on c. gives up d. keeps off
12. A manager of a large taxi company said the lowering of ----- is making the job less popular.
a. combinations b. discussions c. incomes d. patients
13. ----- believe that physical activities, particularly mountain climbing and swimming, cause good health.
a. Scientists b. Soldiers c. Pilots d. Volunteers
14. Although Judy is the oldest student in this university, she ----- all her friends and treats them in a good way.
a. kill b. respects c. describes d. laughs
15. Recently, ----- have identified eight genes that can affect different generations.
a. neighbors b. researchers c. translators d. hosts
16. Researchers say that about 30 percent of the ----- of Africa live below the poverty line.
a. culture b. amount c. population d. religion

17. It is such a ----- play that the performance tickets were completely sold after the first day.
a. popular **b. additional** **c. possible** **d. probable**
18. Although Robin was an English teacher, he could speak Chinese the same as a ----- speaker.
a. amazing **b. native** **c. valuable** **d. specific**
19. -----, scientists can also play an important role in improving energy efficiency in laboratories.
a. Nowadays **b. Wrongly** **c. Rudely** **d. Strongly**
20. The use of energy and fuel rises as the countries and ----- become more industrialized.
a. cultures **b. nations** **c. communications** **d. institutes**
21. Because of the ----- in street crime, my old grandpa is afraid to leave his home.
a. order **b. confidence** **c. increase** **d. culture**
22. Are you seriously suggesting that she should ----- her job in order to take after her husband?
a. give up **b. depend on** **c. make up** **d. check in**
23. Although she is an educated person, she is only ----- with the Internet at an elementary level.
a. similar **b. favorite** **c. popular** **d. familiar**
24. ----- is an organization that has a particular purpose such as scientific or educational work, or the building where this organization is based.
a. institute **b. office** **c. education** **d. embassy**
25. In all -----, there are children who join their parents to work in industries and in fields to earn money.
a. respects **b. lifespans** **c. cultures** **d. planets**
26. The committee warned all the nations to reduce the ----- of carbon dioxide released into the air.
a. value **b. amount** **c. region** **d. existence**
27. Nowadays, what is so important is a more flexible health insurance system to ----- the needs of the modern world.
a. make **b. take** **c. vary** **d. meet**
28. It will be even important for a school to have good ----- with parents and the local community.
a. language **b. pattern** **c. communication** **d. object**
29. The success of new airport would ----- heavily on its ability to attract airlines.
a. seek **b. hint** **c. depend** **d. predict**
30. You're the only person who could ----- from the burning building.
a. exchange **b. escape** **c. improve** **d. access**
31. I've already received a few cards from those that have ----- e-mail addresses with me.
a. thought **b. explained** **c. respected** **d. exchanged**
32. I needed to talk with someone who was very smart, someone who I ----- trusted, someone who knew me as well as I knew myself.
a. orally **b. powerfully** **c. wrongly** **d. absolutely**
33. The police were contacted by a number of people who had ----- information about the Manchester bombings.
a. confident **b. native** **c. valuable** **d. delicious**
34. As I ----- earlier, sales this year have been lower than expected.
a. existed **b. mentioned** **c. increased** **d. respected**

35. The laws suggest that relationships between members of ----- are organized in terms of rules.
a. destination **b. society** **c. culture** **d. knowledge**
36. After living in France for a year, I felt much more ----- about my French.
a. cultural **b. confident** **c. physical** **d. favorite**
37. Attending a science ----- is difficult because there is much competition just to get in.
a. candle **b. knowledge** **c. institute** **d. pattern**
38. To make sb feel that they cannot think clearly or do not understand is -----.
a. confuse **b. worry** **c. forbid** **d. rush**
39. Unhappy and without hope or suffering from a medical condition in which you are so unhappy that you cannot live a normal life is -----.
a. confused **b. patient** **c. depressed** **d. strange**
40. To talk about sth with another person or group in order to exchange ideas or decide sth -----.
a. discuss **b. suggest** **c. take part** **d. take care**
41. The number of times that sth happens within a particular period time or within a particular group of people is called -----.
a. frequency **b. mission** **c. addiction** **d. schedule**
42. To tell sb that they are not allowed to do sth, or that sth is not allowed is called -----.
a. describe **b. forbid** **c. prevent** **d. disagree**
43. The power to affect the way someone or something develops, behaves, thinks etc. without directly forcing or ordering them is -----.
a. influence **b. prevent** **c. notice** **d. experience**
44. A written or spoken request to someone, asking them to go somewhere or do sth is -----.
a. invention **b. invitation** **c. opinion** **d. suggestion**
45. An important job that sb is given to do, especially when they are sent to another place is -----.
a. souvenir **b. activity** **c. mission** **d. identification**
46. To like sb or sth more than sb or sth else, so that you would choose it if you could is -----.
a. prefer **b. prepare** **c. offer** **d. nervous**
47. What actually happens or is true, not what is imagined or thought is -----.
a. nature **b. reality** **c. quality** **d. detail**
48. Happening every hour, every week etc. usually with the same amount of time in between is -----.
a. addicted **b. infrequent** **c. regular** **d. nervous**
49. To move very quickly, especially because you need to be somewhere very soon is -----.
a. worry **b. rush** **c. seek** **d. stick**
50. to give sb food or drink, especially as part of a meal or in a restaurant, coffee shop etc is -----.
a. serve **b. gain** **c. develop** **d. discuss**
51. Human languages are so different that a person may not understand someone from another-----, country or continent at all.
a. region **b. religion** **c. experience** **d. experiment**
52. As the speakers of endangered languages grow old and die, their languages will -----, too.
a. disappear **b. disable** **c. grow** **d. develop**
53. We should learn to respect all languages, ----- how different they are.
a. considering **b. comparing** **c. no matter** **d. no trouble**

54. Move your eyes quickly across the text when looking for ----- information such as a number, a name, a word, or a phrase.
a. regional **b. specific** **c. possible** **d. effective**
55. There were four types of sugar in the shop. I ----- one and read the explanations to see if it was the type I was looking for.
a. paid **b. picked** **c. sang** **d. ate**
56. Honestly, I didn't understand the ----- on the drug package, so I decided to check the words in my mobile dictionary.
a. population **b. explanations** **c. suggestion** **d. education**
57. Using sign language made ----- between deaf and hearing people possible in the meeting.
a. communication **b. collection** **c. donation** **d. explanation**
58. Are you ----- with the new computer software they use in the company?
a. popular **b. familiar** **c. honest** **d. patient**
59. She seems -----, but I can't quite remember where I know her from.
a. confident **b. honest** **c. angry** **d. familiar**
60. That summer he got some valuable ----- living all alone in a small town far from home.
a. experiment **b. information** **c. experience** **d. advice**
61. The restaurant is especially ----- with all who enjoy Mexican food.
a. frequent **b. proper** **c. popular** **d. injured**
62. Sometimes, I find it difficult to ----- the problem to beginners.
a. exchange **b. explain** **c. discover** **d. suggest**
63. The cost of a room at the hotel ----- with the season and their comfort level.
a. chooses **b. grows** **c. rises** **d. varies**
64. Bob has decided to buy that Japanese car ----- how much it costs.
a. considering **b. comparing** **c. no matter** **d. no trouble**
65. Seeing real ----- animals in the wildlife is much more exciting than just watching them on television.
a. hint **b. live** **c. loaf** **d. tiny**
66. There are four brightly lit ----- on our cake this year, and we can't wait to blow them out.
a. bottles **b. melons** **c. loaves** **d. candles**
67. You should cut the grass ----- once a week in summer.
a. at least **b. at last the** **c. least** **d. the last**
68. Despite the bad mark in English, she received high ----- in all her science subjects.
a. points **b. loaves** **c. pieces** **d. grades**
69. She went over to the crying child and ----- her up.
a. looked **b. hurried** **c. woke** **d. picked**
70. My health finally began to ----- when I changed to a less stressful job.
a. practice **b. disappear** **c. exchange** **d. improve**
71. At that time, we began to ----- the possibility of moving to Japan forever.
a. consider **b. contact** **c. complete** **d. combine**
72. Be sure to carefully ----- the switches so that you don't confuse them.
a. relate **b. label** **c. retire** **d. share**

73. People have a right to ----- how to spend their own money.
a. carry **b. range** **c. receive** **d. decide**
74. The teacher told that life may ----- in other planets.
a. exist **b. teach** **c. sing** **d. learn**
75. Everyday my grandfather goes out, buys a ----- and starts reading it immediately.
a. media **b. television** **c. radio** **d. newspaper**
76. He had no doubts about his team's ----- to reach the World Cup Finals.
a. ability **b. region** **c. pattern** **d. grade**
77. To be quite ----- with you , I should say that how your behavior towards your mother was not right at all.
a. popular **b. domestic** **c. honest** **d. ancient**
78. They say ----- is the best medicine for our health, so keep calm and smile.
a. honesty **b. education** **c. pressure** **d. laughter**
79. How well a child does at school is ----- by the level of parental education.
a. influenced **b. measured** **c. prepared** **d. experienced**
80. The food pyramid recommends six to eleven ----- of rice weekly.
a. services **b. servings** **c. series** **d. serials**
81. Every morning, she eats a/an ----- diet of toast, cheese, and a glass of orange juice.
a. plenty **b. strong** **c. balanced** **d. effective**
82. People warmly welcomed the national team at the airport after their ----- success in the Asian Games.
a. probable **b. possible** **c. fluent** **d. recent**
83. A nurse should always consider the physical and emotional state of the -----.
a. foreigners **b. pilgrims** **c. patients** **d. believers**
84. Developing drugs that are effective against ----- can be very expensive.
a. candle **b. cancer** **c. candy** **d. cancel**
85. Spoken language contains many ----- sentences, but people usually don't have any problem to communicate the message.
a. attractive **b. generous** **c. incomplete** **d. emotional**
86. The evening meal is a time when all the family can get together and discuss the day's -----.
a. states **b. events** **c. species** **d. pilots**
87. We are going to discuss the need to ----- our understanding of the endangered languages and the ways to save them.
a. disappear **b. dislike** **c. rethink** **d. receive**
88. Interestingly, scientists are still seeking an effective ----- for the common cold.
a. cure **b. gain** **c. media** **d. metal**
89. Children are particularly at risk because of the amount of time they ----- on TV.
a. escape **b. spend** **c. watch** **d. avoid**
90. If I'm going out for a meal, I prefer to ----- something different.
a. find **b. try** **c. cause** **d. cure**
91. It took about ten years to produce the entire comedy ----- 'Friends'.
a. devices **b. series** **c. plans** **d. items**

92. An ambulance was called and the injured boy was ----- to hospital.
a. received **b. improved** **c. advised** **d. taken**
93. The restaurant menu includes a wide range of modern and traditional ----- to suit all tastes.
a. events **b. values** **c. ideas** **d. dishes**
94. Mike helped the old woman carry the bag of ----- from the supermarket to her car.
a. thoughts **b. groceries** **c. predictions** **d. recreations**
95. Her sleeping habits are kind of strange to me. One moment she is sound asleep, the next she is wide -----!
a. sociable **b. patient** **c. direct** **d. awake**
96. Mother ----- is the first language that you learn when you are a baby.
a. interest **b. tongue** **c. sign** **d. experience**
97. This medicine will ----- the illness form getting worse.
a. enhance **b. react** **c. prevent** **d. develop**
98. The teacher ----- the students as they got on to the bus.
a. experienced **b. researched** **c. endangered** **d. counted**
99. We arrived at the hotel around midnight and a polite receptionist greeted us with a ----- smile.
a. worthy **b. cheerful** **c. confused** **d. balanced**
100. We are proud to say that none of our ----- are tested on animals.
a. artifacts **b. incomes** **c. customs** **d. products**
101. I have no idea why some people take ----- in hunting and killing wild animals.
a. time **b. photograph** **c. exam** **d. emotion**
102. You must be very ----- of your son. He is one the best teachers that this city has ever had.
a. proud **b. cheerful** **c. powerful** **d. satisfied**
103. His good ----- is biology reflects that he has been studying carefully throughout the year.
a. notebooks **b. marks** **c. problems** **d. opinions**
104. We have planned some careful programs to ----- our goals by the end of this year.
a. draw **b. understand** **c. achieve** **d. identify**
105. After any large earthquake, most people look -----.
a. bored **b. wonderful** **c. tired** **d. shocked**
106. A lot of people are ----- to go the dentists. I don't know why.
a. confused **b. frightened** **c. surprised** **d. shocked**
107. My boss ----- me to finish his job today.
a. denies **b. expects** **c. continues** **d. insists**
108. We are ----- him to finish the job on Friday.
a. keeping on **b. depending on** **c. thinking of** **d. going out**
109. If I had to choose between fish and chicken, I'd ----- the former.
a. prefer **b. access** **c. bow** **d. achieve**
110. Anyone ----- joining the club should contact us at the address below.
a. interested in **b. careful about** **c. responsible for** **d. influenced by**
111. A book sometimes sells better if it has an introduction written by a ----- person.
a. traditional **b. famous** **c. lucky** **d. calm**

112. My ----- of books and magazines is nothing in comparison with that of a library.
a. collection b. production c. nation d. performance
- 113- The ----- of your citizens enabled the hospital to buy some more beds.
a. poverty b. charity c. energy d. imagination
- 114- Edison is one the most famous inventors in the history of science. "Famous" means -----.
a. clever b. successful c. well-known d. international
- 115- It was no surprise that she wasn't able to ----- me at first; after all, we hadn't met each other for a long time.
a. observe b. imagine c. recognize d. guess
- 116- The old man is very proud of the ----- of valuable stamps he has now available in his album.
a. tradition b. experience c. reality d. collection
117. The room was barely big enough to ----- everyone who came to the meeting.
a. invite b. contain c. produce d. prepare
- 118 . Do you think decreasing the speed limit is a/an ----- means of lowering road accidents?
a. attractive b. decorative c. effective d. infinitive
- 119 . She was forced to ----- early from teaching because of her special medical condition.
a. describe b. decide c. retire d. recite
120. Regional water shortages are causing problems and are ----- to become the cause of wars in the near future.
a. translated b. predicted c. discussed d. observed
121. You should always ----- your oil, water and tires before going on a long trip.
a. prevent b. check c. increase d. decrease
122. The doctor orders him to follow a special diet to control his -----.
a. mission b. secret c. weight d. history
123. He's been a bit ----- after losing his parents in the car accident.
a. excited b. unsafe c. healthy d. depressed
124. It's an important meeting. It is ----- for all of us to be present there this afternoon.
a. emotional b. calm c. necessary d. general
125. A ----- happens when the blood vessels that carry blood to the heart get blocked.
a. heart attack b. blood pressure c. heart beat d. lung cancer
126. These amounts of rice and meat should be enough for three -----.
a. parts b. servings c. details d. manners
127. You should heat food to a high temperature to kill ----- bacteria.
a. physical b. balanced c. necessary d. harmful
128. I haven't exercised for a long time. I've ----- 3 kilos weight in two months.
a. cured b. disagreed c. gained d. predicted
129. I like the idea of living in the countryside but I'm not sure I'd like the -----.
a. business b. risk c. title d. reality
130. Eating healthy food and ----- regularly will keep you both physically and mentally fit.
a. business b. exercising c. rewriting d. creating

131. His recent book has a lot of problems, so he has to ----- it.
a. visit **b. dislike** **c. rewrite** **d. retire**
132. My brother taught me how to drive and unfortunately, I develop some of his bad -----.
a. missions **b. habits** **c. risks** **d. stages**
133. After she ----- the body of her husband in the accident, she started to cry.
a. climbed **b. identified** **c. retired** **d. prevented**
134. He was the first ----- of his family who died in the war.
a. disorder **b. laughter** **c. member** **d. lifestyle**
135. If you have a ----- diet, you will get all the vitamins you need.
a. unhealthy **b. unsafe** **c. balanced** **d. emotional**
136. We want clean rivers and lakes, where recent attacks ----- the local people.
a. influence **b. discuss** **c. save** **d. pray**
137. Like a lot of men, it is hard for my brother to express his -----.
a. emotions **b. stages** **c. missions** **d. creations**
138. Many people have got job recently. It shows that unemployment has ----- in the past years.
a. increased **b. joined** **c. decreased** **d. checked**
139. My ----- is to hire a car when I arrive in London and visit historical places.
a. experience **b. lifestyle** **c. ability** **d. plan**
140. People who are under a lot of ----- may have headaches, pains and sleeping difficulties.
a. secret **b. subject** **c. stress** **d. intent**
141. It is still impossible to ----- the exact time of an earthquake.
a. prevent **b. remember** **c. predict** **d. meet**
142. She refused to tell any ----- of her plan about the company.
a. numbers **b. details** **c. patterns** **d. plans**
143. David had a completely different idea about the project, so I had to ----- with his decision.
a. agree **b. improve** **c. happen** **d. disagree**
144. It is completely ----- for people who don't have driving license to drive.
a. favorite **b. unsafe** **c. appropriate** **d. extra**
145. She should be very careful about his health. Her family has a ----- of heart problems.
a. notice **b. history** **c. pattern** **d. addiction**
146. I want you to keep my illness a ----- . I don't want anyone to know about it.
a. context **b. secret** **c. percent** **d. serving**
147. The water in this area ----- a lot of natural materials.
a. varies **b. understands** **c. decreases** **d. contains**
148. I haven't had a job for a long time. I have decided to do ----- with my brother.
a. business **b. value** **c. emotion** **d. experience**
149. Gary has been working in a company for 29 years. He will ----- from his work next year.
a. seek **b. retire** **c. visit** **d. range**
150. We were going out with our friends and asked Raman to ----- us for dinner.
a. prevent **b. prefer** **c. influence** **d. join**

151. Relating to human society and its organization, or the quality of people's lives is -----.
- a. social b. common c. general d. calm
152. To protect sb or sth and provide the things that a person or thing needs is -----.
- a. take part b. give back c. give up d. take care
153. This kind of job requires a lot of physical -----, and I think he is too old to manage it efficiently.
- a. activity b. invention c. strategy d. mission
154. Much pressure produced by the blood ----- inner walls of the blood vessels is called high blood pressure.
- a. without b. against c. by d. before
155. The police seem certain that they will find the people responsible for the -----.
- a. disagreement b. proportion c. attack d. confusion
156. All former players and their partners are invited to ----- the event, which have live music.
- a. attend b. create c. gain d. identify
157. Although exercising is essential for good health, it is not effective without a ----- diet.
- a. especial b. excellent c. famous d. balanced
158. Only a few people stay ----- enough to help the injured after an earthquake.
- a. confused b. calm c. depressed d. energetic
159. What IT does, is to combine computers with high-speed communication links that ----- data, videos and sound.
- a. save b. carry c. describe d. socialize
160. The word "global" ----- sth happens in all parts of the world or affects all parts of the world.
- a. describes b. translates c. invents d. prepares
161. David was very well informed and questioned me about the political ----- in Africa.
- a. situation b. relationship c. disorder d. lifestyle
162. Students wanting to ----- in the conference should e-mail their requests to the university.
- a. look for b. get away c. keep on d. take part
163. We should ----- to what we read and write in order to learn our lessons perfectly.
- a. take care b. pay attention c. check in d. keep up
164. Exercise and ----- loss can help lower your blood pressure and help you feel more energetic.
- a. worry b. medicine c. cause d. weight
165. In this office, your most important working ----- is with your boss.
- a. addiction b. relationship c. situation d. condition
166. He didn't get the job because he didn't have enough knowledge to lead the workers -----.
- a. honestly b. patiently c. properly d. regularly
167. Perhaps if she and her parents could have had help and support needed, it might have gone a long way in ----- this tragedy from happening.
- a. protecting b. describing c. fighting d. preventing
168. As far as I know, people living in villages can enjoy the fresh air and beautiful -----.
- a. nature b. stage c. society d. situation
169. Since my father has stopped smoking, he has ----- weight and seems heavier than before.
- a. predicted b. lost c. carried d. gained

170. His job involved handling chemicals which are dangerous to his health, ----- his skin.
a. actually **b. wrongly** **c. especially** **d. hardly**
171. It is reported that the number of children admitted to hospital ----- rooms last year was 32,000.
a. medical **b. emergency** **c. impatient** **d. social**
172. Frequently, teachers would use students as the ----- characters in problem-solving situations.
a. main **b. rare** **c. calm** **d. confused**
173. Children's physical inactivity has been one of the most ----- problems for parents as well as health officials.
a. confusing **b. dangerous** **c. comfortable** **d. worrying**
174. We were ----- her new movie, and Jill made some interesting comments about it.
a. forbidding **b. measuring** **c. discussing** **d. retiring**
175. I remember enjoying it, but I could never remember the ----- of the book, nor the name of the author.
a. translation **b. title** **c. stage** **d. notice**
176. The government provides educational and ----- activities for people with learning disabilities.
a. interested **b. endangered** **c. respectful** **d. recreational**
177. According to the recent studies, ----- individuals are less successful in their efforts to stop smoking.
a. calm **b. depressed** **c. honest** **d. lucky**
178. Outside the U.S it may be a lot easier to find a treatment center specifically for ----- to technology.
a. patients **b. scientists** **c. addictions** **d. interviewers**
179. Three men were being questioned by police last night after ----- bombs were found at an apartment near London airport.
a. addicted **b. singular** **c. balanced** **d. homemade**
180. When faced with the ----- of these experiences, part of the problem is doubt as to whether they are real or imagined.
a. manner **b. reality** **c. discussion** **d. amount**
181. To successfully complete sth or get a good result, especially by working hard is -----.
a. achieve **b. educate** **c. improve** **d. satisfy**
182. The art of producing beautiful writing using special pens or brushes, or the writing produced this way is -----.
a. handicraft **b. weaving** **c. calligraphy** **d. diversity**
183. An organization that gives money, goods, or help to people who are poor, sick etc is -----.
a. bank **b. bazaar** **c. community** **d. charity**
184. Something that is done by people in a particular society because it is traditional is -----.
a. local **b. mission** **c. custom** **d. value**
185. The process of gradually becoming bigger, better, stronger, or more advanced is -----.
a. diversity **b. development** **c. rise** **d. decrease**
186. The system by which a country's money and goods are produced and used is -----.
a. charity **b. economy** **c. business** **d. income**
187. To think that sth will happen because it seems likely or has been planned is -----.
a. recognize **b. promise** **c. expect** **d. explain**
188. A large building where people can see famous pieces of art is -----.
a. attempt **b. continent** **c. handicraft** **d. gallery**

189. To tell someone another person's name for the first time that they meet is -----.
- a. refer b. review c. include d. introduce
190. To tell someone that you will definitely do or provide sth or that sth will happen is -----.
- a. promise b. introduce c. express d. narrate
191. To know who someone is or what sth is, because you have seen, heard them in the past is -----.
- a. predict b. introduce c. recognize d. inform
192. Feeling that sth is as good as it should be, or that sth happens in the way that you want is -----.
- a. satisfied b. surprised c. natural d. lucky
193. A piece of thick cloth or wool that covers floor, used for warmth or as a decoration is -----.
- a. rug b. wood c. tile d. metal
194. Two people talking together to reach an agreement can easily ----- their goal if they are a bit flexible.
- a. achieve b. catch c. gain d. get
195. I really felt ----- of the very impolite behavior that my friend had at the party.
- a. confused b. depressed c. worried d. ashamed
196. She teaches the students to have respect for different races and appreciate the ----- of other cultures.
- a. strategy b. souvenir c. diversity d. continent
197. The ----- member of the national team was taken to police station and questioned by detectives.
- a. traditional b. former c. unique d. general
198. Let us pray for those who are not so ----- as ourselves such as the sick, the old and the needy.
- a. creative b. experienced c. common d. fortunate
199. Many ----- documents were destroyed when the library was bombed in the recent terrorist attack.
- a. amazing b. appropriate c. historical d. brilliant
200. The restaurant is ----- for its friendly atmosphere and excellent service.
- a. well-known b. balanced c. appropriate d. interesting
201. The pottery was ----- neatly in boxes and then transported to the US.
- a. woven b. packed c. reflected d. identified
202. The old man ----- all the guests, including me, warmly as we arrived.
- a. created b. avoided c. invited d. greeted
203. Sometimes, you become calmer when you ----- your feelings with a close friend.
- a. refer b. share c. socialize d. recognize
204. They share a ----- interest in such traditional crafts as pottery and basket-weaving.
- a. different b. certain c. common d. various
205. The new product is available in various color ----- to suit all tastes.
- a. achievements b. agreements c. proportions d. combinations
206. The teacher didn't ----- his explanation as to why he didn't attend school.
- a. achieve b. accept c. satisfy d. expect
207. She rarely went to visit her old mom, despite living in a 'nearby' town. The underlined word 'nearby' is the antonym of -----.
- a. faraway b. similar to c. neighboring d. close-by

208. Living in a multicultural society has taught me to ----- the differences between people.
a. explain **b. mention** **c. appreciate** **d. produce**
209. In British English, 'a store' ----- a large place that sells different things, but in American English, a store can be large or small.
a. explains about **b. arrives at** **c. lends to** **d. refers to**
210. The carpet was specially ----- by Iranian craftswomen to be sent to the holy shrine of Imam Hussein.
a. caught **b. sought** **c. woven** **d. taken**
211. Is it only my ----- or have you really lost weight, Mary?!
a. creation **b. imagination** **c. recognition** **d. discussion**
212. As ----- people, we cannot accept that so many children grow up without a good education.
a. honest **b. polite** **c. patient** **d. moral**
213. They were laughing out loud and seemed greatly ----- by his jokes.
a. amused **b. bored** **c. amazed** **d. shocked**
214. The famous artist sold all her valuable works and donated the money to -----.
a. society **b. charity** **c. popularity** **d. disability**
215. There's nothing to be ----- about - lots of people have money problems.
a. certain **b. cheerful** **c. ashamed** **d. honest**
216. David successfully escaped alive from the fire, but many others were not so -----.
a. frightened **b. impatient** **c. fortunate** **d. respectful**
217. My friend has a vast amount of knowledge on this subject. The underlined word 'vast' is the antonym of -----.
a. huge **b. tiny** **c. ugly** **d. rare**
219. A growing child who doesn't seem to have much energy probably needs ----- attention.
a. natural **b. familiar** **c. medical** **d. historical**
220. Bombs had hit the building a number of times, but ----- no one was hurt.
a. wonderfully **b. fluently** **c. fortunately** **d. positively**
228. Ideas about childcare may be different between parents, and this causes -----.
a. habit **b. development** **c. disagreement** **d. comprehension**
221. To improve the learning process, we should ----- the results of the students' quizzes.
a. compare **b. prefer** **c. retire** **d. confuse**
222. They need to employ some young engineers with ----- thinking to make the terrible condition better.
a. artistic **b. fortunate** **c. creative** **d. cheerful**
223. We had some unsolvable problems in the process of ----- the data for the research.
a. protecting **b. appreciating** **c. creating** **d. collecting**
224. I was very much ----- when I heard that Andrew, at the age of 15, won a scholarship to Harvard University.
a. interested **b. satisfied** **c. surprised** **d. frightened**

225. He was too nervous and it made his singing ----- in front of one thousand audiences in the concert hall.
a. emotional **b. normal** **c. impossible** **d. impatient**
226. Why are you so nervous? Drink a glass of cool water to keep -----.
a. quiet **b. calm** **c. emotional** **d. recent**
227. ----- through the list, I was trying to find his name among the patients.
a. Skimming **b. Measuring** **c. Following** **d. Matching**
228. A teacher's teaching system ----- greatly in quality from class to class. It is the students that get the teachers to use an appropriate way of teaching.
a. scans **b. visits** **c. varies** **d. quits**
229. A number of ships and planes are reported to have surprisingly disappeared after entering the ----- known as the Bermuda Triangle.
a. country **b. region** **c. continent** **d. century**
230. Nobody can ----- what the future is going to be like. It is better to forget the past and live in the present.
a. gain **b. prevent** **c. predict** **d. retire**
231. I like to see you tomorrow, but I will telephone you if any ----- happens. Wait for my call please.
a. skill **b. space** **c. period** **d. event**
232. I was uncertain about my physical ----- . That's why I checked it with my doctor before I started that special kind of exercise.
a. knowledge **b. action** **c. experience** **d. condition**
233. A: "Sorry for a ten-minute delay, sir. I missed the right bus."
B: "Never mind, but I hope you won't make a ----- of this."
a. state **b. cradle** **c. power** **d. habit**
234. Our math teacher is so good that she very ----- makes a mistake, and she is able to make the most difficult problems easily understood.
a. rarely **b. usually** **c. actually** **d. generally**
235. The writer has tried to make all the secrets behind the incidents and events newly occurring in the country clear in the ----- -published edition of his old book called, "My Dear Venezuela".
a. recently **b. rightly** **c. quietly** **d. honestly**
236. The amount of attention which will be paid to you ----- the quality of the work you do and the teamwork skills you have.
a. depends on **b. gets around** **c. turns off** **d. wakes up**
237. The comments from the customers showed that those who used the ----- were generally happy with the quality.
a. products **b. habits** **c. societies** **d. weights**
238. The American Apollo ----- brought rocks back from the moon that support the theory that the moon was once part of the Earth.
a. happiness **b. mission** **c. technology** **d. message**
239. Before ending the meeting, the manager asked the members to ----- whatever the secretary had made note of.
a. review **b. exist** **c. dislike** **d. confuse**

240. Harry wants to ----- working and stay home to ----- the children. His wife feels, however, that this is overdoing it a bit.
a. give up - look for b. give up - look after c. give back - look for d. give back - look after
241. As he thought he hadn't made any mistakes, he said he wasn't ----- to reconsider his previous decision, and would not accept any suggestions.
a. prepared b. provided c. forgiven d. obeyed
242. The happiest are not those who own all the best things, but those who can ----- the beauty of life.
a. appreciate b. consume c. defend d. measure
243. If you want to make friends with people from other countries, you should take into consideration the ----- of culture, language and religion among them.
a. habit b. measure c. diversity d. reality
244. Andy remembered the first day they met and thought how ----- it would have happened if they hadn't visited each other in the restaurant.
a. similarly b. fortunately c. differently d. wrongly
245. Jane was not that good at learning languages, so I was surprised to learn she could ----- speak three foreign languages very fluently.
a. widely b. actually c. hopefully d. necessarily
246. I am more on the side of people who ----- health above money; I believe health and happiness have a direct relationship.
a. hang b. leave c. value d. identify
247. We are willing to continue working with your company if the certain ----- of our company is considering are met.
a. conditions b. inventions c. relationships d. strategies
248. Body movement is a/an ----- of communication; it is in fact the unspoken element of communication.
a. origin b. result c. means d. synonym
249. Eating food between two slices of bread-a sandwich-is a ----- that has its origins in eighteenth century England.
a. habit b. snack c. duty d. plan
250. My mother got a serious illness at the age of 40 because she was a worker in a chemical factory and always forgot to ----- the danger area at work.
a. keep off b. take out c. come back d. take off
251. A: "How did you create that story character? Is he based in someone you know?"
 B: "No, I just ----- "
a. kept him off b. took him off c. made him up d. took him out
252. Steve knew ----- nothing about the business when he joined the company; little by little, he came to be familiar with marketing.
a. fluently b. absolutely c. probably d. interestingly
253. Mia has a/an ----- of reading books and studying a lot, which is so great and impressive to me.
a. topic b. emotion c. diet d. habit
254. We have to develop our relationships. Recent research has shown that having a good social life ----- the risk of death.
a. increases b. improves c. corrects d. decreases

255. The ability to give clear ----- is one of the most important qualities of an ideal teacher.
a. explanations **b. differences** **c. behaviors** **d. conversations**
256. John's wife left him ----- because he didn't have a good job.
a. fluently **b. amazingly** **c. simply** **d. greatly**
257. This new wonder ----- will probably have various positive impacts on heart patient's physical condition.
a. pressure **b. relationship** **c. drug** **d. health**
258. I know from ----- that Tony never keeps his promises.
a. communication **b. experience** **c. society** **d. mind**
259. To save your life, in times of emergency, you should ----- action as quickly as you can.
a. put **b. take** **c. make** **d. hold**
260. The children were saved but the fire ----- their home.
a. caught **b. suffered** **c. destroy** **d. shock**
261. I wasn't entirely ----- with him, I admit, but I didn't actually tell him any lies.
a. honest **b. extra** **c. impossible** **d. proper**
262. The book was written in a style ----- to the age of the children.
a. addictive **b. appropriate** **c. frequent** **d. tiny**
263. Writing ----- in a journals helps him overcome his fear of writing in a second language.
a. physically **b. mentally** **c. frequently** **d. immediately**
264. Life in the 19th ----- was very different from what it is now.
a. step **b. region** **c. century** **d. ceremony**
265. Raman is one of the top students of the class and he often gets good -----.
a. prices **b. grades** **c. steps** **d. choices**
266. I asked him to drive more slowly, but he didn't take any -----.
a. nation **b. notice** **c. range** **d. region**
267. If Iranian ate fewer food with sugar and salt, their ----- health would be better.
a. general **b. material** **c. mineral** **d. official**
268. To learn a foreign language in your country, you should attend a language -----
a. observatory **b. institute** **c. building** **d. hospital**
269. Many people suffer from some form of ----- illness during their lives.
a. favorite **b. available** **c. tiny** **d. mental**
270. The last time I have ----- a dentist goes back to six month ago.
a. visited **b. lost** **c. enjoyed** **d. borrowed**
271. You must be ----- silent or the birds won't appear.
a. nearly **b. wrongly** **c. absolutely** **d. recently**
272. I haven't seen my friend for a long time, but last week I ----- a phone call from him.
a. attended **b. met** **c. received** **d. saved**
273. You got 20 ----- of the answers right – that means one in every five.
a. gift **b. ceremony** **c. trip** **d. percent**

274. Unable to speak a word of the language, he ----- with his hands.
a. met **b. exchanged** **c. communicated** **d. protected**
275. This type of computer is too slow and inflexible to ----- many business needs.
a. receive **b. meet** **c. visit** **d. imagine**
276. There were so many different ----- of bread that I didn't know which to buy.
a. means **b. regions** **c. jobs** **d. types**
277. I finally passed my driving test the fourth time I ----- it.
a. gave **b. took** **c. held** **d. got**
278. We were late getting to the airport , but ----- for us , the plane as delayed.
a. luckily **b. basically** **c. certainly** **d. completely**
279. A: “ Did you know that Maria’s getting married?” B: “No, I didn’t. How -----!”
a. responsible **b. serious** **c. wonderful** **d. probable**
280. A computer does all the tasks by ----- of processing the information.
a. phases **b. means** **c. tools** **d. devices**
281. We tried to take the patient to the hospital early in the morning, but there was no taxi ----- at that time.
a. reasonable **b. responsible** **c. suitable** **d. available**
282. It takes a long time to ----- a foreign language.
a. forward **b. guess** **c. master** **d. rethink**
283. Storms ----- in their strength. They can be harmless and do no damage, or they can be very dangerous.
a. update **b. vary** **c. pump** **d. remove**
284. Don't worry! Buses drive ----- between the hotel and the airport.
a. primarily **b. frequently** **c. seriously** **d. interestingly**
285. The government has been blamed for not answering ----- to the needs of the homeless.
a. appropriately **b. comfortably** **c. physically** **d. surprisingly**
286. All of the performers played ----- in the concert.
a. economically **b. mainly** **c. wonderfully** **d. fortunately**
287. We all need variety in our meals. In other words, we require ----- nutrients.
a. specific **b. complex** **c. different** **d. normal**
288. The water in this area contains a small ----- of calcium and other minerals.
a. effect **b. amount** **c. account** **d. function**
289. Most people know little about ----- health problems.
a. painful **b. mental** **c. brief** **d. chemical**
290. All the parking meters were taken, so we had to ----- a parking lot.
a. turn up **b. look for** **c. pick up** **d. insist on**
291. Scientists are trying to find out when an earthquake occurs. “occurs” means -----.
a. include **b. continue** **c. produce** **d. happen**
292. Some kinds of animals ----- with one another by means of signs.
a. communicate **b. inform** **c. refer** **d. compete**

293. A planned series of actions for achieving something is called -----.
- a. step b. confidence c. strategy d. secret
294. Students should set a ----- time aside to do their homework.
- a. mental b. aware c. specific d. domestic
295. Unemployment as a ----- issue remained unsolved and politicians couldn't find any solution.
- a. local b. busy c. interesting d. social
296. She has been working ----- hours to save enough money for next summer vacation.
- a. extra b. confusing c. voluntary d. necessary
297. Physical exercise can ----- you against heart disease.
- a. develop b. create c. protect d. improve
298. He ----- his job to find a better one.
- a. separated b. gave up c. disliked d. put off
299. The cost of the project has greatly ----- since its construction.
- a. introduced b. completed c. increased d. performed
300. Our professor is always ----- to talk to his students.
- a. probable b. strong c. popular d. available
301. The sports club provides a wide range of ----- including tennis, swimming and squash.
- a. activities b. identities c. materials d. minerals
302. Mr. Smith ----- a sports show on a local radio station, that's why he's quite well-known in the area.
- a. ranges b. hosts c. varies d. picks
303. A: "Can we pay for the things we need?"
B: "I think so. We have enough money to ----- our needs."
- a. make b. visit c. mean d. meet
304. The exercises are excellent for those who need to improve their mental -----.
- a. serving b. ability c. society d. belief
305. Do you have a/an ----- picture of what the house will look like after the changes?
- a. mental b. emotional c. physical d. healthy
306. She ----- the street carefully and nervously, looking for the two young men.
- a. scanned b. belonged c. imagined d. ranged
307. She quickly skimmed through the pages and ----- certain words as important.
- a. guessed b. enjoyed c. escaped d. marked
308. They look so funny together. She's really ----- and her husband is about six feet tall.
- a. attractive b. healthy c. rich d. tiny
309. Unfortunately, the traditional way of life is rapidly ----- in almost every region of the country.
- a. increasing b. decreasing c. disappearing d. improving
310. I would respectfully ----- a different explanation for the company's recent problems.
- a. imagine b. improve c. exchange d. suggest
311. Doctors were amazed by the sudden signs of ----- in the patient's medical condition.
- a. entertainment b. improvement c. experiment d. excitement

312. Beyond these guidelines, there are ----- of helpful hints to keep you at a healthy weight.
a. plenty **b. ability** **c. identity** **d. charity**
313. I have ----- a useful experience from doing that job for years.
a. contained **b. guessed** **c. gained** **d. quitted**
314. I think public transportation is the best ----- of getting there?
a. medium **b. means** **c. grade** **d. device**
315. Don't ask the boss for a pay rise. He always remains ----- to his workers' requests.
a. neat **b. quiet** **c. right** **d. deaf**
316. There are ----- things many children just can't discuss with their parents.
a. probable **b. direct** **c. popular** **d. certain**
317. Scientists have recently discovered an effective means of ----- the disease in its early stages.
a. creating **b. increasing** **c. receiving** **d. identifying**
318. After weeks of tests, they finally discovered I had a rare blood -----.
a. vessel **b. drop** **c. donation** **d. disorder**
319. The famous artist hopes to ----- thousands of children and young people to try healthy lifestyles.
a. invent **b. influence** **c. compare** **d. combine**
320. Her parents tried to ----- her in her choice of university but she'd already made up her own mind.
a. influence **b. protect** **c. predict** **d. measure**
321. I don't know why he did that, but I'm sure he had his own -----.
a. keys **b. reasons** **c. access** **d. luggage**
322. July allowed herself to consider the ----- possibility that she might win the big prize.
a. boring **b. tiring** **c. following** **d. exciting**
323. Visitors to the recreation area can go ----- in the clear waters off the island.
a. jogging **b. hiking** **c. sailing** **d. flying**
324. Despite the fact that there are some big problems ----- of us, I'm confident we can succeed in creating more jobs.
a. beside **b. around** **c. ahead** **d. near**
325. Take no notice of him. Very few of his ideas are ----- of further attention.
a. valuable **b. available** **c. worthy** **d. healthy**
326. He volunteered to take part in a dangerous secret ----- into the regions under enemy control.
a. invitation **b. prediction** **c. mission** **d. addition**
327. Now, it is hard to ----- what things would be like today without computers.
a. disagree **b. imagine** **c. define** **d. contrast**
328. Let us consider the fact that we can only explore the problem by ----- of a scientific method.
a. means **b. matter** **c. reason** **d. result**
329. Without going into -----, I can tell you that we have had a very successful year.
a. events **b. details** **c. terms** **d. effects**
330. If you want me to help you, you have to be more ----- about what kind of book you're looking for.
a. simple **b. experienced** **c. lucky** **d. specific**

331. He was not yet thirty when his symptoms of deafness began to appear, and as a young man believing his life as a musician was at an end, he became deeply -----.
- a. ashamed b. amazed c. depressed d. excited
332. The term "Phonography" was born in 2007 and has since ----- popularity among professional and amateur photographers because it allows everybody to take photos during their daily lives.
- a. seemed b. gained c. existed d. described
- 333 'Congratulations and ----- to all who helped to make the party such a success,' said the cheerful guest.
- a. catch up b. wake up c. well done d. feel done
334. You can earn large amount of money by selling these items. They are highly ----- by collectors.
- a. disliked b. avoided c. achieved d. valued
335. The company says it is unable to meet the workers' conditions for lower working hours. The underlined word 'meet' is the synonym of -----.
- a. visit b. join c. satisfy d. identify
336. Nowadays, many people think that testing beauty products on animals is -----.
- a. impossible b. impatient c. immoral d. imperfect
337. She was very nervous and frightened of making ----- when taking the test.
- a. a difference b. a noise c. mistakes d. problems
338. The guests exchanged ----- in their own local language and sat down to lunch.
- a. bowings b. greetings c. clothing d. cycling
339. We can use these two colors, in ----- or individually, to decorate the room.
- a. observation b. protection c. combination d. addiction
340. Interestingly, there exists a negative ----- toward technology among certain groups of the society especially the older people.
- a. attitude b. custom c. discount d. income
341. Choose the odd word out.
- a. nervous and frightened b. sorry and ashamed c. bored and tired d. cheap and expensive
342. The unfortunate bus accident in Tehran has caused a number of the passengers to ----- serious injuries.
- a. hurt b. receive c. attack d. cure
343. People never understand how important any moment of life is while their valuable life passes in a -----.
- a. lifestyle b. firefighter c. heartbeat d. laughter
344. Try to put on, at least, a calm expression. You're, in fact, ----- your worries and sorrows to the people around you.
- a. participating b. extinguishing c. Identifying d. Communicating
345. I tried a lot to change his opinion, but I failed and ----- trying. I think we should respect his decision.
- a. took off b. checked in c. gave up d. turned off
346. It's hard to say how to help the poor unless you yourself are brought into contact with them to know fully what their ----- are.
- a. tongues b. regions c. problems d. opinions

347. It was a very ----- moment in the film when the mother got aware of her son's death but still couldn't believe it.
a. cycling **b. beginning** **c. laughing** **d. touching**
348. It is not actually right to give the most important jobs to the people who suffer from any kind of mental ----- . It has already been proven that they can never be helpful.
a. laughters **b. experiences** **c. additions** **d. disorders**
349. The report shows that poor families spend a larger part of their ----- on food.
a. economy **b. identity** **c. income** **d. diversity**
350. He is a player of real talent and ----- and has the ability to make a real and lasting impression at the highest level.
a. access **b. opinion** **c. aid** **d. skill**
351. Medicines are not always without problems, and doctors usually ----- the risks to patients.
a. measure **b. imagine** **c. suggest** **d. explain**
352. He published his findings after a detailed study of how moral values ----- over time.
a. draw **b. donate** **c. vary** **d. carry**
353. In the 19th century, horses and carts were the only means of ----- available.
a. transportation **b. communication** **c. education** **d. production**
354. Ali was sent to a company in China and his ----- was to explain them our goals.
a. dream **b. mission** **c. pattern** **d. offer**
355. They have the ----- of creating conditions for every child in the society to have free access to education.
a. goal **b. topic** **c. prize** **d. step**
356. We need to do more to improve living conditions of the poorer members of our ----- .
a. custom **b. culture** **c. range** **d. society**
357. The exercises are excellent for those who need to improve their mental ----- .
a. serving **b. ability** **c. society** **d. belief**
358. Do you have a/an ----- picture of what the house will look like after the changes?
a. mental **b. emotional** **c. physical** **d. healthy**
359. Dictionaries are produced with specific markets in mind, and their subjects ----- accordingly.
a. exist **b. vary** **c. erase** **d. grow**
360. E-mail has become an increasingly important ----- of communication in the world of business.
a. range **b. area** **c. means** **d. element**

یادداشت:

1	A	41	A	81	C	121	B	161	B	201	B	241	A	281	D	321	B
2	A	42	B	82	D	122	C	162	D	202	D	242	A	282	C	322	D
3	C	43	A	83	C	123	D	163	B	203	B	243	C	283	B	323	C
4	B	44	B	84	B	124	C	164	D	204	C	244	C	284	B	324	C
5	B	45	C	85	C	125	A	165	B	205	D	245	B	285	A	325	C
6	D	46	A	86	B	126	B	166	C	206	B	246	C	286	C	326	C
7	A	47	B	87	C	127	D	167	D	207	A	247	A	287	C	327	B
8	A	48	C	88	A	128	C	168	A	208	C	248	C	288	B	328	A
9	D	49	B	89	B	129	D	169	D	209	D	249	A	289	B	329	B
10	A	50	A	90	B	130	B	170	C	210	C	250	A	290	B	330	D
11	A	51	A	91	B	131	C	171	B	211	B	251	C	291	D	331	C
12	C	52	A	92	D	132	B	172	A	212	D	252	B	292	A	332	B
13	A	53	C	93	D	133	B	173	B	213	A	253	D	293	C	333	C
14	B	54	B	94	B	134	C	174	C	214	B	254	D	294	C	334	D
15	B	55	B	95	D	135	C	175	B	215	C	255	A	295	D	335	C
16	C	56	B	96	B	136	A	176	D	216	C	256	C	296	A	336	C
17	A	57	A	97	C	137	A	177	B	217	B	257	C	297	C	337	C
18	B	58	B	98	D	138	C	178	C	218	C	258	B	298	B	338	B
19	A	59	D	99	B	139	D	179	D	219	C	259	B	299	C	339	C
20	B	60	C	100	D	140	C	180	B	220	C	260	C	300	D	340	A
21	C	61	C	101	A	141	C	181	A	221	A	261	A	301	A	341	D
22	A	62	B	102	A	142	B	182	C	222	C	262	B	302	B	342	B
23	D	63	D	103	B	143	D	183	D	223	D	263	C	303	D	343	C
24	A	64	C	104	C	144	B	184	C	224	C	264	C	304	B	344	D
25	C	65	B	105	D	145	B	185	B	225	C	265	B	305	A	345	C
26	B	66	D	106	B	146	B	186	B	226	B	266	B	306	A	346	C
27	D	67	A	107	B	147	D	187	C	227	A	267	A	307	D	347	D
28	C	68	D	108	B	148	A	188	D	228	C	268	B	308	D	348	D
29	C	69	D	109	A	149	B	189	D	229	B	269	D	309	C	349	C
30	B	70	D	110	A	150	D	190	A	230	C	270	A	310	D	350	D
31	D	71	A	111	B	151	A	191	C	231	D	271	C	311	B	351	D
32	D	72	B	112	A	152	D	192	A	232	D	272	C	312	A	352	C
33	C	73	D	113	B	153	A	193	A	233	D	273	D	313	C	353	B
34	B	74	A	114	C	154	B	194	A	234	A	274	C	314	B	354	B
35	B	75	D	115	C	155	C	195	D	235	A	275	B	315	D	355	A
36	B	76	A	116	D	156	A	196	C	236	A	276	D	316	D	356	D
37	C	77	C	117	B	157	D	197	B	237	A	277	B	317	D	357	B
38	A	78	D	118	C	158	B	198	D	238	B	278	A	318	D	358	A
39	C	79	A	119	C	159	A	199	C	239	A	279	C	319	B	359	B
40	A	80	B	120	B	160	B	200	A	240	B	280	B	320	A	360	C

Part Four:

“Vision Three”

English for 12th Grade

- *Lesson One “Sense of Appreciation” ----- 259*
- *Lesson Two “Look it Up” ----- 319*
- *Lesson Three “Renewable Energy” ----- 373*

“Seek knowledge from the cradle to the Grave.”

Lesson One:

“Sense of Appreciation”

حس قدر شناسی

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
accidental	تصادفی	at all	اصلاً، ابدأ
accidentally	تصادفاً، اتفاقی	at last	سرانجام
A.D	بعد از میلاد، میلادی	at least	حداقل
a set of	مجموعه ای از	attempt	تلاش، کوشش
abroad	خارج از کشور	author	نویسنده، مؤلف
active	فعال، فعالانه	authorized	مجاز - مختار
active voice	جمله معلوم (درگرامر)	authority	صلاحیت، اختیار - معتبر، منبع موثق
addition	جمع، اضافه، افزوده، چیز افزوده	babysit	از بچه پرستاری کردن
advice	نصیحت، توصیه	babysitter	پرستار بچه
advise	نصیحت کردن، توصیه کردن	bear	خرس - به دنیا آوردن - تحمل کردن
advisement	مشورت، تأمل	be born	متولد شدن، به دنیا آمدن
advisor	مشاور، رهنما - معاون	because of	به خاطر
again and again	بارها، صد دفعه، دوباره و دوباره	belonging	تعلق، وابستگی
agreement	توافق، موافقت، پذیرش، قرارداد	bless	دعا کردن، مبارک خواندن، تقدیس کردن
after a while	بعد از مدتی	blessed	مبارک، سعید، خوشبخت، خجسته
airbag	کیسه هوا	blessedness	سعادت، برکت، مبارکی، خوشبختی
airplane	هواپیما	blessing	رحمت، برکت، دعای خیر، نعمت، حمایت
along with	به علاوه، افزون بر، و - همراه با	boost	بالا بردن، افزایش دادن، تقویت کردن، حمایت
aloud	بلند، با صدای بلند	booster	تقویت کننده، حامی، تشدید کننده
although	اگرچه	bother	آزار، اذیت، دردسر
analyze	بررسی کردن، آنالیز کردن	bring up	تربیت کردن، بزرگ کردن، مطرح کردن
analyzer	تحلیل کننده، تحلیل گر	broken- heart	دلشگسته، نا امید
anniversary	سالگرد	burst	ترکیدن، منفجر شدن، ناگهان (طوری) شدن
antonym	متضاد	businessman	تاجر
appropriate	مناسب، شایسته، در خور	by heart	از حفظ
appreciation	قدردانی، درک، فهم، برآورد، ارزیابی	by the way	راستی
appreciative	قدردان، قدرشناس	cage	قفس، محفظه، اتاقک
appreciate	قدردانی کردن، درک کردن، فهمیدن	calmly	آرام، راحت، به آرامی، آهسته
article	مقاله - ماده قانون - شیئی، اسباب، چیز	cancer	سرطان، مصیبت
as	چون، وقتی که، به عنوان، مثل	capable of	قادر بودن به
as follows	به شرح زیر	care for	مراقبت کردن از، علاقه داشتن به
a sign of	یک نشانه از	carry	حمل کردن، بردن، منتقل کردن
as well	همچنین (گرامر: در انتهای جمله میآید)	carry no risk	خطر نکردن
as well as	همچنین	Caspian Sea	دریای خزر

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
catch	گرفتن، دچار شدن، مبتلا شدن به	definition	تعریف، معنی
center	مرکز، وسط، کانون، هسته ی اصلی	description	توصیف، تشریح
chapter	فصل (کتاب)، قسمت (کتاب)، باب، شعبه	descriptive	توصیفی، تشریحی، وصفی
chess	شطرنج	detective	کاراگاه (پلیس)، بازرس، مفتش
childhood	بچگی، کودکی، دوران بچگی	diary	دفتر خاطرات، دفتر یادداشت، سررسیدنامه
choose	انتخاب کردن، تصمیم گرفتن	diploma	مدرک تحصیلی، دیپلم، فوق دیپلم
close friend	دوست صمیمی	discover	کشف کردن، پی بردن، پیدا کردن
college	دانشکده	discovery	کشف
collocation	هم نشینی، ترکیب، همآیند	distinguish	تشخیص دادن، متمایز کردن
combine	ترکیب کردن، ترکیب شدن	distinguished	برجسته، ممتاز، سرشناس، متین
combination	ترکیب	dish	غذا، ظرف غذا - بشقاب
come back	برگشتن	doer	انجام دهنده، اهل عمل
complain	شکایت کردن، گلایه کردن	deserve	استحقاق داشتن، سزاوار (چیزی) بودن
compound	مرکب، ترکیبی، مخلوط، ترکیب	divorce	طلاق
comprehension	درک مطلب	documentary	مستند، مستدل، سند دار، مدرکی
concern	دغدغه، نگرانی، تشویش	duty	وظیفه، کار، خدمت، تکلیف
conference	کنفرانس، جلسه	economically	از نظر اقتصادی
confirm	تائید کردن، ثابت کردن، تصدیق کردن	effort	بدون تلاش، آسان، ساده
confirmation	تصدیق، تائید - تثبیت	either ... or	یا، هر یک (از دو)
connecting	رابط، ربط دهنده	elder	بزرگ تر، بزرگ
countless	بی شمار، بی اندازه، بسیار زیاد	elderly	سالخورده، پیر، قدیمی، کهنه
cousin	فرزند خاله، عمه، عمو یا دایی	elicit	بیرون کشیدن به دست آوردن، باعث شدن
critic	منتقد، انتقاد کننده، نقدگر، نکوهشگر	emotion	احساس
criticize	نقد کردن	end in	ختم شدن، به انجامیدن به، کشیدن به
cry	گریه کردن، فریاد کشیدن	enjoyable	لذت بخش، مطبوع، خوشایند
culture	فرهنگ	ethic	اخلاق، اخلاقیات، اصول اخلاقی
cultural	فرهنگی	evidence	مدرک، گواهی، دلیل - شاهد، گواه
cure	درمان، چاره، درمان کردن، برطرف کردن	expert	متخصص، کارشناس
custom	رسم، سنت، عرف - گمرک، حقوق گمرکی	feed	غذا دادن به، تغذیه کردن، خوراندن، دادن
customer	مشتری، خریدار، ارباب رجوع	feedback	بازخورد، بازده، فیدبک
dear	انجام دهنده، فاعل	feeding	تغذیه، خوراک
dedicate	وقف کردن، اختصاص دادن، اهدا کردن	fingerprint	اثر انگشت
dedicated	متعهد - وقف شده - (رایانه) اختصاصی	fix	تعمیر کردن، قطعی کردن، محکم کردن
dedication	اهداء، وقف، تخصیص - فداکاری	forgive	بخشیدن، عفو کردن

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
forgiveness	بخشش، عفو، گذشت	(sit on) lap	روی (ران) پا نشستن
forgiver	بخشنده، عفو کننده	lawyer	وکیل
found	تأسیس کردن، ایجاد کردن، ساختن	lie	دروغ
founder	تأسیس کننده، مؤسس، بنیان گذار	location	محل، جا، موقعیت، محل (فیلمبرداری)
failure	شکست، سقوط	loving	مهربان، بامحبت، محبت آمیز، عاشقانه
fridge	یخچال	lower	پایین آوردن، کم کردن، پایین آمدن
generate	تولید کردن، به وجود آوردن	lack	فقدان، نبود، کمبود، نداشتن، کم داشتن
generation	تولید، نسل	major	اصلی، عمده - سرگرد
go together	با هم همراه بودن، با هم جور بودن	marketing	بازاریابی
grandchild	نوه	meaningful	با معنی، معنی دار
guideline	رهنمود، توصیه دستور العمل	moral	درس اخلاقی، نتیجه ی اخلاقی
grateful	سپاسگذار، متشکر، خوشحال	most importantly	مهم تر این که، از همه مهمتر این که
gulf	خلیج، شکاف، اختلاف	mother-in-law	مادر شوهر - مادر زن
handle	کنترل کردن، از عهده برآمدن، حمل کردن	muscle	ماهیچه
hard of	گوش (کسی) سنگین (بودن)	North Pole	قطب شمال
hate	نفرت داشتن از، نفرت	Not surprisingly	تعجیبی ندارد که، معلوم است که
hear of	از (کسی یا چیزی) خبری داشتن،	note	توجه کردن به، دقت کردن، ملاحظه کردن
hence	(از حالا) بعد، دیگر، بنابراین	object	شی، هدف - مفعول
heritage	میراث	once	یک بار روزی، روزگاری، یه زمانی،
hometown	وطن، میهن، سرزمین آبا و اجدادی	on the other hand	از طرف دیگر
honor	آبرو، گرامی داشتن، افتخار، احترام	ordinary	معمولی، عادی
honorable	شریف، محترم، پسندیده، بزرگووار،	parrot	طوطی، آدم طوطی (صفت)
hug	در آغوش گرفتن	passive	(دستور زبان) مجهول، صیغه ی مجهول
icy	یخی - بسیار خنک، سرد	pause	مکث کردن، مکث
identity	هویت	pay raise	افزایش حقوق
immigration	مهاجرت	peaceful	ارام، صلح طلب، صلح آمیز، بدون درگیری
immoral	غیر اخلاقی، بد اخلاق، فاسد، بد سیرت	penalty	جریمه، کیفر، مجازات، تاوان، جزا
inappropriate	ناقص، ناتمام	physician	پزشک، طبیب
inspiration	الهام، منبع الهام	pigeon	کبوتر
inspirator	الهام دهنده، تزریق کننده	pity	ترحم، دلسوزی، جای تأسف
install	نصب کردن، منصب کردن، کار گذاشتن	place	قرار دادن، قرار گرفتن - جا، مکان
interestingly	جالب است که ... شگفت است که ...	poetry	شعر، شاعری، اشعار
inform	مطلع کردن، با خبر کردن	present	حاضر، موجود، فعلی، کنونی - هدیه، کادو
informer	خبر چین، مخبر، جاسوس، اطلاع دهنده	presentability	قابلیت ارائه
judge	قضاوت کردن - قاضی	principle	اصل، قاعده، اصل اخلاقی
kindly	با مهربانی، با ملایمت، لطفاً، بی زحمت	process	فرآیند، جریان، روند، روش
kindness	مهربانی، لطف، محبت	profit	سود، نفع، فایده، فایده داشتن
kiss	بوسه، بوسیدن	profitable	سود آور، مفید، سودمند

لغات کلیدی درس یک پایه دوازدهم (Lesson 1) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
provide	تامین کردن، تهیه کردن، در اختیار قرار دادن	sometime	زمانی، روزی، یک روزی، یک وقت
psychologist	روانشناس	sound	به نظر آمدن - صدا دادن - صدا
punish	تنبیه کردن، مجازات کردن	spare	دریغ کردن، عفو کردن، چشم پوشی کردن
punisher	تنبیه کننده، مجازات گر	steal	دزدیدن، دزدی کردن
punishment	تنبیه، مجازات	strength	قدرت، نیرو، توان، استحکام، شدت
qualitative	کیفی، از نظر کیفیت	strict	سخت گیر
quantity	کمیت، مقدار، تعداد	substance	ماده اصلی، جنس، جسم، شیء، ذات
quantitative	از نظر کمیت، کمی، مقداری	such	چنین، اینطور، چنان طوری، آنقدر
rather than	به جای ، به جای اینکه	suddenly	ناگهان، یک دفعه ، بکهو
receive	دریافت کردن، بدست آوردن	tag question	عبارت الحاقی - پرسش تاکیدی
record	ثبت کردن، یادداشت کردن، ضبط کردن	take a rest	استراحت کردن
refuse	امتناع، رد کردن، نپذیرفتن، آشغال	tear	اشک
regard	تلقی کردن، نگرستن به، توجه، احترام	teenager	نوجوان
regarding	در ارتباط با، با توجه به، در پاسخ، درباره	temperature	درجه ی حرارت، دما، حرارت بدن، تب
release	رها کردن، آزاد کردن، ترشح کردن	terrible	وحشتناک، شدید، مزخرف، بد، افتضاح
religion	مذهب	textbook	کتاب درسی، درس نامه
religious	دینی، مذهبی، مؤمن	thus	بدین ترتیب، بنابراین، این طور، این جور
repeatedly	بارها، بارها و بارها، به کرات	tool	ابزار، وسیله، لوازم
replace	جایگزین کردن، سر جای خود گذاشتن	truth	حقیقت، راستی
reply	جواب دادن، جواب	trustworthy	قابل اعتماد، درستکار
responsibility	مسئولیت، وظیفه	uncertainty	عدم قطعیت ، شک، تردید، بی ثباتی
rub	سائیدن، مالیدن - پاک کردن، اصطکاک	unnatural	غیر طبیعی، غیر عادی، ساختگی
robber	سارق، دزد	umbrella	چتر، حافظ، پوشش
rubbish	آشغال، زباله، چیز بی ارزش	unconditionall	بدون قید و شرط
salary	حقوق، دستمزد	unreal	غیر واقعی، باور نکردنی
score	نمره، امتیاز، نتیجه	vase	گلدان
scoreboard	تابلو امتیاز	voluntarily	به طور داوطلبانه
sensation	احساس، حس، شور	warn	هشدار دادن، اخطار دادن
sense	حس، احساس، عقل، فهم، شعور، منطق	wealthy	ثروتمند
series	رشته، سلسله، سری، مجموعه سریال	what's wrong	مشکل چیست؟
shameful	شرم آور، ننگین	whereby	که با آن، که از طریق آن
shout	فریاد کشیدن، فریاد	while	در حالی که
signal	علامت، پیام، علامت دادن، خبر دادن،	willing	مایل، مشتاق، موافق، مشتاقانه
sofa	مبل، کاناپه	wisdom	حکمت، فرزاندگی، دانایی، عقل، معرفت
solution	راه حل، محلول، حل	within	در، در محدوده ی، در ظرف، داخل، توی

Conversation (Student Book: Page 19 - 20)

Sara has been in the Children's Medical Center for a week. She has caught a terrible flu. The doctor told her to stay there to get better. There is a photograph of an old man on the wall. While the nurse is taking her temperature, they start talking.

سارا به مدت یک هفته در مرکز درمانی کودکان بوده است. او یک آنفولانزای وحشتناک گرفته است. دکتر به او گفته است که برای بهتر شدن باید در بیمارستان بماند. بر روی دیوار عکسی از یک مرد مسن وجود دارد. در حالی که پرستار درجه تب او را میگیرد، آن ها شروع به صحبت کردن می کنند.

Sara: Excuse me, who is that man in the picture?

سارا: ببخشید آن مرد داخل عکس چه کسی است؟

Nurse: Oh, don't you know him? Have you ever heard of Dr. Mohammad Gharib?

پرستار: او را نمیشناسی؟ آیا هیچوقت در مورد دکتر محمد قریب چیزی شنیده ای؟

Sara: I guess I have only seen his name in my English book, but I'm not sure about it.

سارا: حدس میزنم که فقط اسم او را در کتاب زبان انگلیسی ام دیده ام، اما در موردش مطمئن نیستم.

Nurse: Dr. Gharib was a famous physician.

پرستار: دکتر قریب یک پزشک معروف بود.

Sara: Oh,... can you tell me a little about his life?

سارا: میتونید کمی در مورد ایشان به من بگویید.

Nurse: Dr. Gharib was born in Tehran in 1288. After receiving his diploma, he went abroad to study medicine. In 1316 he became a physician and then came back to his homeland. In 1347 this center was founded by Dr. Gharib and one of his close friends.

پرستار: دکتر قریب در سال ۱۲۸۸ در تهران متولد شد. پس از دریافت دیپلمش او به خارج رفت که پزشکی بخواند. در سال ۱۳۱۶ ایشان دکتر شد و به زادگاهش باز گشت. در سال ۱۳۴۷ دکتر قریب و یکی از دوستان نزدیکش این مرکز را تاسیس کردند.

Sara: Really? I didn't know that.

سارا: واقعا؟ من این را نمیدانستم.

Nurse: Dr. Gharib was also a generous man. He spared no pains to cure sick children. He was very friendly and helpful to poor families. Not surprisingly, he was regarded as a dedicated physician.

پرستار: همچنین دکتر قریب مرد سخاوتمندی بود. او از هیچ فرصتی برای درمان کودکان بیمار ردیغ نمیکرد. او نسبت به خانواده های فقیر بسیار صمیمی و یاری رسان بود. دور از انتظار هم نیست که به عنوان دکتر ایثارگر در نظر گرفته شود.

Sara: It's a pity! I didn't know such a great man.

سارا: جای افسوس داره. من چنین مرد بزرگی را نمیشناختم.

Nurse: He was known as a distinguished university professor, too. The first Persian textbook on children's diseases was written by him. He taught medicine to thousands of students.

پرستار: او همچنین به عنوان یک پروفیسور برجسته دانشگاه شناخته شده بود. اولین کتاب درباره ی بیماریهای کودکان به زبان فارسی توسط ایشان نوشته شد. او پزشکی را به هزاران دانشجو درس داد.

Sara: Oh, what a great man he was!

سارا: چه مرد بزرگی بوده است!

Nurse: By the way, it might be interesting to know that your physician was one of Dr. Gharib's students!

پرستار: همچنین ممکن است جالب باشد که بدانی، دکتر شما یکی از دانشجویهای دکتر قریب بوده است.

Sara: Really?! That's interesting!

سارا: واقعا؟ جالبه!

یادداشت:

On a spring morning, an old woman was sitting on the sofa in her house. Her young son was reading a newspaper. Suddenly a pigeon sat on the window.

در یک صبح بهاری...یک زن پیر در خانه اش بر روی کاناپه نشسته بود. پسر جوانش در حال روزنامه خواندن بود. ناگهان یک کبوتر بر روی پنجره نشست.

The mother asked her son quietly, “What is this?” The son replied: “It is a pigeon”. After a few minutes, she asked her son for the second time, “What is this?” The son said, “Mom, I have just told you, “It is a pigeon, a pigeon”. After a little while, the old mother asked her son for the third time, “What is this?” This time the son shouted at his mother, “Why do you keep asking me the same question again and again? Are you hard of hearing?”

مادر به آرامی از پسرش پرسید "این چیه؟" پسر جواب داد: "این یک کبوتر است". بعد از چند دقیقه برای دومین بار از پسرش پرسید "این چیه؟" پسر گفت: "تازه من بهت گفتم این یک پرنده است پرنده". بعد از مدت کمی مادر پیر برای سومین بار از پسرش پرسید "این چیه؟" این بار پسر بر سر مادرش فریاد کشید: "چرا همش داری سؤال های تکراری میپرسی؟ مگه مشکل شنوایی داری؟"

A little later, the mother went to her room and came back with an old diary. She said, “My dear son, I bought this diary when you were born”. Then, she opened a page and kindly asked her son to read that page. The son looked at the page, paused and started reading it aloud:

کمی بعد، مادر به اتاقش رفت و با یک دفترچه خاطرات برگشت. او گفت "پسر عزیزم من این دفتر خاطرات را وقتی که تو متولد شدی، خریدم". سپس او صفحه ای را باز کرد و با مهربانی از پسرش خواست که آن را بخواند. پسر به صفحه نگاهی انداخت و مکثی کرد و شروع به خواندن نمود:

Today my little son was sitting on my lap, when a pigeon sat on the window. My son asked me what it was 15 times, and I replied to him all 15 times that it was a pigeon. I hugged him lovingly each time when he asked me the same question again and again. I did not feel angry at all. I was actually feeling happy for my lovely child.

امروز پسر کوچکم بر روی پایم نشسته بود، زمانیکه که یک کبوتر بر روی پنجره نشست. پسر ۱۵ بار از من پرسید که این چی بود و من هر ۱۵ بار برای او تکرار کردم که این یک کبوتر است. هر بار که او همان سؤال تکراری را از من میپرسید من او را با مهربانی در آغوش میگرفتم. من اصلاً احساس عصبانیت نکردم. در واقع من به خاطر فرزند دوست داشتنی ام، احساس خوشحالی می کردم.

Suddenly the son burst into tears, hugged his old mother and said repeatedly, “Mom, mom, forgive me; please forgive me.” The old woman hugged her son, kissed him and said calmly, “We must care for those who once cared for us. We all know how parents cared for their children for every little thing. Children must love them, respect them, and care for them”.

ناگهان پسر شروع به گریه کردن کرد و مادر پیرش را در آغوش گرفت و مکرراً تکرار میکرد که "مادر، مادر، منو ببخش لطفاً منو ببخشید". زن پیر پسرش را در آغوش گرفت و او را بوسید و با خونسردی گفت: "ما باید از کسانی که یک زمانی از ما مراقبت کرده اند، مراقبت کنیم. ما همه میدانیم که پدر و مادر برای هر مسئله ی کوچکی چگونه به فرزندانشان اهمیت میدهند. بچه ها باید آن ها را دوست داشته باشند و به آن ها احترام بگذارند و از آن ها مراقبت کنند".

Reading (Workbook: Page 10)

It is very important for us to respect our elders. It is also important to note that elders were not born elders; they were kids like us and now have grown old. A few years hence we will also grow older. If today we respect them, our present and future generations will carry those values and will learn to respect us as well when we grow old.

برای ما بسیار مهم است که به بزرگترهایمان احترام بگذاریم. همچنین مهم است که بدانیم بزرگترها، بزرگ به دنیا نیامده اند. آن ها همانند ما کودک بوده اند و اکنون بزرگ شده اند. چند سال بعد ما نیز مسن تر خواهیم شد. اگر امروز ما به آن ها احترام بگذاریم نسل امروز و آینده ما نیز آن ارزش ها را حفظ خواهند کرد و یاد می گیرند که هنگامی که ما هم پیر شدیم به ما احترام بگذارند.

Elders have a lot to share with us: their life experiences, their failures, their successes and many more. Thus, we need to care for them because they deserve to be cared for. Respect and care for elders start with our parents as they are our first teachers in our life.

بزرگترها چیزهای زیادی برای تقسیم کردن با ما دارند: تجربه زندگیشان، شکست هایشان، موفقیت هایشان، و چیزهای بیشتر. بنابراین ما نیاز داریم که به آن ها اهمیت بدهیم چونکه سزاوار مراقبت کردن هستند. احترام و مراقبت کردن از بزرگترها، با پدر و مادرمان شروع میشود چونکه آن ها اولین معلم های ما در زندگی هستند.

No matter what we do in our lives, who we are, and where we live, we must love them as they love us unconditionally. They feel honored when we appreciate their love and respect them. So, it is our duty to help them when they need us because they are not young enough to handle things on their own like before.

مهم نیست چه کاری را در زندگیمان انجام میدهیم، چه کسی هستیم، ما باید آن ها را همانگونه که آن ها ما را بی قید و شرط دوست دارند دوست داشته باشیم. آن ها احساس افتخار میکنند هنگامی که ما قدردان عشق آنها هستیم و به آن ها احترام میگذاریم. پس این وظیفه ما است که هنگامی که به ما نیاز دارند به آن ها کمک کنیم زیرا آنها به اندازه کافی جوان نیستند که مانند قبل بتوانند به کارها رسیدگی کنند.

یادداشت:

گرامر درس اول:

جملات معلوم و مجهول

جمله معلوم (Active Voice): جمله ای که در آن فاعل (یا کننده کار) معلوم و مشخص باشد و در ابتدای جمله بیاید را "**جمله معلوم**" مینامیم. در جملات معلوم تأکید بر "**رابطه ی ما بین فاعل و فعل**" میباشد.

ترتیب اجزای جمله معلوم (جملات مثبت):

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل

My mother is washing the dishes carefully at the kitchen right now.

قید زمان قید مکان قید حالت مفعول فعل اصلی فعل کمکی فاعل

"مادرم هم اکنون در آشپزخانه با دقت در حال شستن ظرفها میباشد."

جمله مجهول (Passive Voice): جمله ای که در آن یا فاعل (کننده کار) جمله معلوم و مشخص نباشد و یا اینکه اهمیت فعل و مفعول بیشتر از دانستن فاعل جمله باشد را "**جمله مجهول**" مینامیم. در جملات مجهول، مفعول به جای فاعل در ابتدای جمله قرار می گیرد. در جملات مجهول "**تأکید بر رابطه فعل و مفعول**" میباشد.

ترتیب اجزای جمله مجهول (جملات مثبت):

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + فعل کمکی + مفعول

The dishes are being washed carefully at the kitchen right now (by My mother).

فاعل قید زمان قید مکان قید حالت شکل سوم فعل فعل کمکی مفعول

"هم اکنون ظرفها با دقت در آشپزخانه در حال شسته شدن هستند (توسط مادرم)."

موارد ترجیح جمله مجهول بر جمله معلوم:

الف- وقتی نمی دانیم یا اهمیت ندارد که چه کسی کار را انجام داده است.

ب- در متون علمی که تأکید عمدتاً بر عمل است، و نه فاعل عمل. (یعنی اهمیت عمل انجام شده، از خود فاعل بیشتر است).

نکته مهم: جمله ای که فعل آن متعدی (گذرا) است، (مفعول دارد) را میتوان به صورت مجهول بکار برد. اما جمله ای که فعل آن لازم (ناگذرا) است، مجهول نمیشود، چون مفعول ندارد. پس فعلهای لازم هیچگاه بصورت مجهول بکار برده نمیشوند. مهمترین افعال لازم عبارتند از:

happen	get up	wait	understand	occur
اتفاق افتادن	از خواب بیدار شدن	منتظر ماندن	درک کردن	اتفاق افتادن
rise	live	arrive	seem	work
بالا آمدن	زندگی کردن	رسیدن به	به نظر رسیدن	کار کردن
die	appear	sleep	go	disappear
مردن	ظاهر شدن	خوابیدن	رفتن	ناپدید شدن

مراحل تبدیل جمله ی معلوم به مجهول:

- ۱- مفعول را به اول جمله آورده و آن را **نائب فاعل** مینامیم. برای یافتن مفعول جمله، فعل اصلی جمله ی معلوم را ترجمه کرده و از خود میپرسیم: "**چه چیز را**" یا "**چه کسی را**". جواب این سؤال، مفعول جمله خواهد بود.
 - ۲- با توجه به زمان جمله و مفرد و جمع بودن مفعول (نائب فاعل)، یکی از افعال **to be** را مینویسیم.
 - ۳- شکل سوم فعل یا اسم مفعول (past participle) جمله معلوم را در ادامه جمله مجهول می آوریم. چنانچه فعلی باقاعده باشد، شکل سوم فعل **ed** میگیرد و چنانچه فعلی بی قاعده باشد، شکل سوم آن را باید حفظ کرد.
 - ۴- بقیه جمله یعنی قیدها را در ادامه می آوریم.
- نکته:** در جملات مجهول میتوان قید حالت را به "**قبل از شکل سوم فعل**" هم منتقل کرد.
- ۵- در انتهای جمله مجهول، میتوان فاعل جمله را با کمک "**حرف اضافه by**" (به وسیله، توسط) بیاوریم. میتوان این مرحله را بلافاصله بعد از شکل سوم فعل آورد.

توجه مهم ۱: اگر بخواهیم فاعل را در جمله مجهول بصورت ضمیر بکار ببریم، از "**ضمیر مفعولی**" استفاده میکنیم. چون بعد از حروف اضافه ضمائر به صورت مفعولی بکار میروند.

Active: The famous writer **wrote** the book in his hometown last year.
نویسنده معروف این کتاب را سال گذشته در زادگاهش نوشت. " **فاعل**

Passive: The book **was written** in his hometown last year (by him).
"این کتاب سال گذشته توسط او در زادگاهش نوشته شد." (**him** یک ضمیر مفعولی میباشد).

توجه مهم ۲: اگر مفعول را در جمله مجهول به ضمیر تبدیل کنیم، آن ضمیر فقط "**ضمیر فاعلی**" خواهد بود چون ضمائر مفعولی را نمیتوان در ابتدای جمله به کار برد.

Active: They **saw** him in the park yesterday.
"من دیروز او را در پارک دیدم."
مفعول فعل فاعل

Passive: He **was seen** in the park yesterday (by them).
"او دیروز در پارک دیده شد (توسط آنها)."
(در مثال بالا، ضمیر مفعولی **him** چون به ابتدای جمله آمده، تبدیل به ضمیر فاعلی **he** شده است).

I, you, he, she, it, we, you, they **یادآوری:** ضمائر فاعلی عبارتند از:

me, you, him, her, it, us, you, them **ضمائر مفعولی عبارتند از:**

نکته: چنانچه در جمله مجهولی فاعل جمله شیئی یا ابزار باشد از حرف اضافه **with** استفاده میکنیم.

Active: Snow covered the yard. "برف حیاط را پوشاند."

Passive: The yard **was covered with** snow. "حیاط با برف پوشیده شد."

مجهول جملات زمان حال ساده:

یادآوری: برای بیان کارهای روزمره، تکرار، عادات و حقایق علمی از زمان حال ساده استفاده می‌کنیم.

فرمول جملات مثبت زمان حال ساده:

فاعل	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	--------------	-------	----------	----------	----------

I **visit** my grandmother on **Fridays**. "روزهای جمعه به مادربزرگم سر می‌زنم."

He **plays** football in the park **every day**. "او هر روز در پارک فوتبال بازی میکند."

نکته ۱: در زمان حال ساده همیشه برای فاعل‌های سوم شخص مفرد که ضمیر فاعلی آنها (it/ she / he) میباشد، به فعل جمله «s» یا «es» سوم شخص اضافه می‌کنیم (مانند مثال ۲ در بالا)

نکته ۲: مشخصه های زمان حال ساده عبارتند از:

(۱) ترکیب **every** با قید زمان مثال: هر هفته every week

(۲) ایام هفته به صورت جمع مثال: on Sundays روزهای یکشنبه

(۳) قیدهایی تکرار (در درس یک سال یازدهم به طور کامل با قیدهایی تکرار آشنا شدیم).

always	همیشه	usually	معمولاً	often	اغلب
sometimes	گاهی اوقات	hardly	به ندرت	never	هرگز

I **usually** go to the park on Thursdays. "من معمولاً روزهای پنجشنبه به پارک می‌روم."

سؤالی و منفی کردن حال ساده: این زمان دارای فعل کمکی نمیباشد و برای سؤالی کردن زمان حال ساده از **do** به معنی (آیا) و برای منفی کردن از فعل کمکی **don't** به معنی (ن) استفاده می‌کنیم:

Do they speak English in class every session? "آیا آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت می‌کنند?"

They **don't** speak English in class every session. "آنها هر جلسه در کلاس انگلیسی صحبت نمی‌کنند."

نکته ۳: در جملات زمان حال ساده هر گاه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای مفرد باشد برای سؤالی کردن جمله از **does** و برای منفی کردن جمله از **doesn't** استفاده میکنیم.

Does she usually eat pizza for lunch "آیا او معمولاً برای ناهار پیتزا می‌خورد؟"

She **doesn't** usually eat pizza for lunch. "او معمولاً برای ناهار پیتزا نمی‌خورد."

فرمول جمله مجهول زمان حال ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + افعال کمکی am, is, are + مفعول

Active: They **make** a lot of cars in the factory every year.
"آنها ماشینهای خیلی زیادی را هر ساله در این کارخانه می‌سازند."

Passive: A lot of cars **are made** in the factory every year (by them).
"هر ساله ماشینهای خیلی زیادی توسط آنها در این کارخانه ساخته میشوند."

Active: Scientists **find** solutions to problems. "دانشمندان راه‌هایی برای مسائل پیدا میکنند."

Passive: Solutions to problems **are found** (by them). "راه‌هایی برای مسائل توسط آنها پیدا میشود."

مجهول زمان گذشته ساده:

یادآوری: برای بیان کاری که در زمان گذشته انجام شده و به پایان رسیده (تمام شده) از گذشته ساده استفاده می‌کنیم.

فرمول جملات مثبت زمان گذشته ساده:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل دوم فعل	فاعل
----------	----------	----------	-------	-------------	------

"دیروز در پارک فوتبال بازی کردم." I **played** football in the park yesterday.

طریقه ساختن زمان گذشته ساده: قاعده کلی این است که به آخر فعل «**ed**» اضافه کنیم (مانند مثال بالا) اما بعضی افعال از این قاعده پیروی نمی‌کنند که به آنها "افعال بی قاعده" می‌گوییم و باید گذشته آنها را حفظ کنیم.

"دیشب در یک رستوران ایتالیایی شام خوبی خوردیم." We **ate** a good dinner in an Italian restaurant **last** night. در این مثال از فعل بی قاعده **ate** استفاده کردیم که گذشته eat است.

نکته ۱: مشخصه زمان گذشته ساده در تستها عبارتند از:

۱) **yesterday** (دیروز) و قیده‌های زمان گذشته

۲) ترکیب **last** (گذشته) با یک قید زمان، مانند: **last night** دیشب

۳) ترکیب **ago** (قبل، پیش) با یک قید زمان، مانند **two years ago** (دو سال پیش)

سؤالی و منفی کردن گذشته ساده: این زمان هم همانند زمان حال ساده فعل کمکی ندارد و برای سؤالی کردن جمله از فعل کمکی **did** (آیا) و برای منفی کردن جمله از فعل کمکی **didn't** (ن) استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

"آیا او دیشب مقداری شیر نوشید؟" **Did** she **drink** some milk last night?
"او دیشب مقداری شیر ننوشید." She **didn't drink** some milk last night.

نکته ۲: هنگام سؤالی و منفی زمان گذشته ساده باید فعل اصلی جمله به "شکل ساده" تبدیل شود. پس شکل دوم فعل فقط در جملات مثبت این زمان بکار برده میشود.

فرمول جمله مجهول زمان گذشته ساده:

(فاعل + **by**) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + افعال کمکی **were / was** + مفعول

Active: We **found** his brother near the park last night. "ما دیشب برادرش را نزدیک پارک پیدا کردیم."

Passive: His brother **was found** near the park last night (by us). "برادرش توسط ما نزدیک پارک شب گذشته پیدا شد."

Active: Ali **broke** the window yesterday. "علی دیروز پنجره را شکست."

Passive: The window **was broken** yesterday (by him). "پنجره دیروز توسط علی شکسته شد."

Active: Alexander Fleming **discovered** penicillin. "الکساندر فلمینگ پنیسیلین را کشف کرد."

Passive: Penicillin **was discovered** (by him). "پنیسیلین توسط او کشف شد."

مجهول جملات زمان آینده ساده:

یادآوری: زمان آینده ساده به عملی اشاره می کند که در آینده صورت می گیرد. آینده‌ای که بدون تصمیم و برنامه‌ریزی قبلی انجام خواهد شد و با فعل کمکی "will" ساخته می‌شود. مخفف will بصورت (ll) نوشته می‌شود.

ساختار جملات مثبت زمان آینده ساده:

فاعل	فعل کمکی will	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	---------------	--------------	-------	----------	----------	----------

«او به زودی به اروپا سفر خواهد کرد.»

He **will travel** to Europe soon.

برای سؤالی کردن زمان «آینده ساده» فعل کمکی "will" را به ابتدای جمله منتقل کرده و برای منفی کردن زمان «آینده ساده» بعد از فعل کمکی "will"، از "not" استفاده کرد یا آن را به صورت مخفف یعنی "won't" به کار برد.

مشخصه زمان آینده ساده در تستها:

will - won't - soon - later - next month - next week - tomorrow - future

نکته ۱: از ساختار "be going to" به معنای «**قصد داشتن**» برای اشاره به برنامه‌ریزی و تصمیم قبلی که قرار است در آینده صورت بگیرد. استفاده می‌شود. (برای بیان قصد و تصمیم انجام عملی در آینده) و همچنین برای بیان پیش‌بینی عملی در آینده که نشانه‌های وقوع آن وجود دارد. (با دلیل و مدرک). این ساختار جانشین will شده و پس از این ساختار هم، «شکل ساده فعل» می‌آید.

فاعل	(am / is / are) going to	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	--------------------------	--------------	-------	----------	----------	----------

I've saved enough money. I **am going to buy** a big house in Boukan next month.

"من پول کافی پس انداز کرده ام، قصد دارم ماه آینده در بوکان یک خانه بزرگ بخرم."

نکته ۲: فعل "be" با توجه به فاعل جمله به "am/is/are" تبدیل می‌شود. برای سؤالی کردن be going to کافی است یکی از فعل‌های کمکی "am/is/are" به ابتدای جمله منتقل شود و برای منفی کردن هم بعد از "am/is/are" از "not" استفاده می‌شود.

فرمول جمله مجهول زمان آینده ساده:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + will be + مفعول

Active: Mrs. Kazemi will clean the room tomorrow.

"خانم کاظمی فردا اتاق را تمیز خواهد کرد."

Passive: The room **will be cleaned** tomorrow (by her).

"فردا اتاق تمیز خواهد شد (توسط او)"

فرمول جمله مجهول زمان آینده ساده (قصد داشتن):

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + am, is, are + going to be + مفعول

Active: He **is going to buy** a nice car next week.

"او قرار است هفته آینده یک ماشین قشنگی را بخرد."

Passive: A nice car **is going to be bought** next week (by him).

"یک ماشینی هفته آینده قرار است خریداری شود. (توسط او)."

مجهول جملات زمان حال استمراری:

یادآوری: برای بیان کاری که همین الان در حال انجام آن هستیم از حال استمراری استفاده می‌کنیم:

فرمول جملات مثبت زمان حال استمراری:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ing دار فعل	فعل کمکی am / is / are	فاعل
----------	----------	----------	-------	------------------------	-------------------------------	------

نکته: برای فاعل‌های سوم شخص مفرد (he, she, it) از **is** و برای **am** و برای بقیه فاعل‌ها از **are** استفاده می‌کنیم.

"آنها دارند آب پرتقال می‌نوشند." They are drinking orange juice.

سؤالی و منفی کردن حال استمراری: برای سؤالی کردن جمله am, is, are را به ابتدای جمله می‌آوریم و برای منفی کردن جمله بعد از آنها قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را مینویسیم.

کلمات و عبارات زمانی زیر مشخصه زمان حال استمراری هستند:

at the moment	در حال حاضر	at the present	در حال حاضر
now	حالا	right now	همین حالا

فرمول جمله مجهول زمان حال استمراری:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **am, is, are + being** + مفعول

"آنها هم اکنون در حال ساخت یک فیلمی هستند." **Active:** They are making a film right now.

"یک فیلمی (توسط آنها) هم اکنون در حال ساخته شدن است." **Passive:** A film is being made right now (by them).

مجهول جملات زمان گذشته استمراری:

یادآوری: از این زمان برای بیان عملی که در گذشته به صورت استمرار صورت پذیرفته باشد استفاده میشود.

ساختار جملات مثبت زمان گذشته استمراری:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل ing دار فعل	فعل کمکی was / were	فاعل
----------	----------	----------	-------	------------------------	----------------------------	------

فعل کمکی **was** برای فاعلهای مفرد و فعل کمکی **were** برای فاعلهای جمع و مخاطب بکار میرود.

او دیروز از ساعت ۶ تا ۸ مشغول تماشای یک فیلم بود. He was watching a movie yesterday from 6 to 8.

سؤالی و منفی کردن: برای سؤالی کردن این زمان تنها کافیسست که (was / were) را به ابتدای جمله بیاوریم و برای منفی کردن بعد از این افعال کمکی، قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را بلافاصله بعد آنها اضافه کنیم.

مشخصه زمان حال استمراری: زمان گذشته استمراری اکثراً با جمله های زمان گذشته ساده ترکیب میشود تا نشان دهد که در خلال انجام کاری در گذشته، یک عمل کوتاه و لحظه ای انجام گرفته است. فعل استفاده شده در عباراتی که با **when** می آید معمولاً گذشته ساده و با **while** گذشته استمراری به کار می رود.

فرمول جمله مجهول زمان گذشته استمراری:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **was / were + being** + مفعول

Active: My sister was cleaning the windows when I arrived home.

"خواهرم مشغول تمیز کردن پنجره ها بود وقتی که به خانه رسیدم."

Passive: The windows were being cleaned (by my sister) when I arrived home.

"پنجره ها در حال تمیز شدن بودند (توسط خواهرم) وقتی که من به خانه رسیدم."

مجهول جملات زمان حال کامل (ماضی نقلی)

یادآوری: از این زمان برای اشاره به عملی که در گذشته انجام گرفته و اثر و نتیجه آن تا زمان حال باقی مانده باشد، یا آن عمل تا حال ادامه پیدا کرده باشد استفاده میکنیم. فرمول این زمان عبارت است از:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (p.p.)	have / has	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	------------	------

"پدرش به مدت ۱۵ سال در آن اداره کار کرده است." His father **has worked** in that office for 15 years.
چنانچه فاعل جمله یکی از سوم شخصهای فرد باشد از فعل کمکی **has** و برای سایر فاعلها از **have** استفاده میکنیم.
مخفف **have** بصورت (**'ve**) و مخفف **has** بصورت (**'s**) نوشته میشوند.

سؤالی و منفی کردن این زمان: برای سؤالی کردن این زمان افعال کمکی **have / has** را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان ، بعد از افعال کمکی قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** را اضافه میکنیم.

علائم زمان حال کامل (درس دوم سال یازدهم):

since - for - yet - ever - so far - up to now - during - already - recently - once - twice - first - second - several times - many times - just - before - ...

فرمول جمله مجهول زمان حال کامل یا ماضی نقلی:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + have / has + مفعول

Active: They **have used** this car since 1998. "آنها از سال ۱۹۹۸ از این ماشین استفاده کرده اند."

Passive: This car **has been used** since 1998. "از سال ۱۹۹۸ از این ماشین استفاده شده است."

توجه: با توجه به اینکه در درس سوم با زمان گذشته کامل (ماضی بعید) و همچنین با ساختار جملات مجهولی که در آنها افعال وجهی یا ناقص (Modals) وجود داشته باشد، آشنا میشویم اما با توجه به مشابهت این گرامرها با گرامر درس اول، در ادامه با ساختار مجهول آنها آشنا شده و در همان درس سوم این گرامرها به طور مفصل تدریس خواهد شد.

مجهول جملات زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

این زمان برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد بکار میرود. فرمول این زمان عبارت است از:

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (p.p.)	had	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	-----	------

عملی که در گذشته دورتر انجام شده به شکل گذشته کامل و عملی که بعدا انجام شده به شکل گذشته ساده بیان می شوند.

I **had eaten** my breakfast, when my little brother **got up**.

"هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم."

سؤالی و منفی کردن این زمان: برای سؤالی کردن این زمان فعل کمکی **had** را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان ، بعد از آن قید منفی ساز **not** و یا مخفف آن **n't** را اضافه میکنیم.

علائم زمان گذشته کامل (در درس سوم به طور مفصل به توضیح آنها خواهیم پرداخت):

since - for - yet - ever - already - just - before - because - after - until - till - by the time

فرمول جمله مجهول زمان گذشته کامل یا ماضی بعید:

... + (فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **had + been** + مفعول

Active: They **had learnt** French carefully before they traveled to France.

"آنها به دقت زبان فرانسوی را یادگرفته بودند قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

Passive: French **had been learnt** carefully (by them) before they traveled to France.

"زبان فرانسوی به دقت توسط آنها یاد گرفته شده بود قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

مجهول کردن جملاتی که افعال ناقص (وجهی) دارند:

یادآوری: افعال ناقص تمامی ویژگیهای سایر افعال دیگر را دارا نمیباشند و خود دارای ویژگیهای منحصر به فرد میباشند:

(۱) این افعال هرگز علامت مصدری to ، ing استمرار، ed برای زمان گذشته و S سوم شخص مفرد نمیگیرند و همیشه در جمله صورت شکل ساده (مصدر بدون to) بکار برده میشوند.

(۲) بعد از افعال ناقص، فعل همواره به صورت شکل ساده (مصدر بدون to) می آید.

(۳) افعال ناقص همانند افعال کمکی در جمله بکار میروند یعنی ما بین فاعل و فعل اصلی جمله میآیند.

(۴) هر گاه جمله ای داشته باشیم که در آن یک فعل ناقص بکار رفته باشد، برای سؤالی کردن آن جمله فعل ناقص را به قبل از فاعل انتقال میدهیم و برای منفی کردن بعد از آن فعل ناقص قید منفی ساز not و یا مخفف آن یعنی n't را اضافه میکنیم.

(۵) این افعال شکل سوم فعل (p.p.) ندارند.

شکل اول	شکل دوم	شکل سوم	معنی
can	could	-	توانستن
may	might	-	ممکن بودن
should	-	-	باید، بهتره
must	-	-	باید
will	would	-	خواستن

فرمول جملات معلومی که فعل ناقص دارند:

فاعل	فعل ناقص	شکل ساده فعل	مفعول	قید حالت	قید مکان	قید زمان
------	----------	--------------	-------	----------	----------	----------

You **can stop** work early today.

"تو امروز میتونی کارت را زودتر تمام کنی."

You **should visit** your parents more than this.

"تو باید بیشتر از این از والدینت دیدن کنی."

فرمول مجهول جملاتی که فعل ناقص دارند:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **be** + فعل ناقص + مفعول

Active: The principal **should call** the parents.

"مدیر باید به والدین زنگ بزند."

Passive: The parents **should be called** (by the principal).

"به والدین باید زنگ زده شود. (توسط مدیر)"

دانستن نکات زیر در حل تستهای مربوط به جملات معلوم و مجهول بسیار مفید خواهد بود:

نکته ۱: برای سؤالی کردن جملات مجهول، فعل کمکی را به قبل از فاعل می‌آوریم. چنانچه در جمله‌ی مجهولی بیشتر از یک فعل کمکی داشته باشیم، فقط اولین فعل کمکی را به قبل از فاعل آورده و فعل کمکی دوم در جای خود باقی خواهد ماند:

Their names **have just been added** on this list. "اسم آنها تازه به این لیست اضافه شده است."
Have their names just **been added** on this list? "آیا اسم آنها تازه به این لیست اضافه شده است؟"

The monkeys **are being studied** in this lab. "در این آزمایشگاه بر روی این میمونها آزمایش انجام میشود."
 Where **are** the monkeys **being studied** now? "کجا بر روی این میمونها آزمایش انجام میشود؟"

نکته ۲: برای منفی کردن جملات مجهول، به اولین فعل کمکی، not یا مخفف آن n't اضافه می‌شود:

Active: The window **was broken** yesterday. "پنجره دیروز شکسته شد."
Passive: Window **was not broken** yesterday. "پنجره دیروز شکسته نشد."
Active: The letter **will be typed** tomorrow. "فردا نامه تایپ خواهد شد."
Passive: The letter **won't be typed** tomorrow. "فردا نامه تایپ نخواهد شد."

نکته ۳: معمولاً در جملات مجهول، قید حالت، "قبل از شکل سوم فعل" بکار می‌رود:

Active: Behnam ate the dinner **rapidly** last night. "بهنام شب گذشته شام را با عجله خورد."
Passive: The dinner **was rapidly eaten** last night. (by him) "شام شب گذشته با عجله توسط او خورده شد."

نکته ۴: برای مجهول کردن فعل دومی که بصورت ing دار (یعنی اسم مصدر) باشد، از ساختار زیر استفاده میکنیم:

being + pp

Active: I **like** my father **taking** me to the zoo. "من دوست دارم پدرم من را به باغ وحش ببرد."
فعل اول فعل دوم
Passive: I **like being taken** to the zoo by my father "من دوست دارم (توسط پدرم) به باغ وحش برده شوم."
فعل اول فعل دوم (مجهول)

نکته ۵: برای مجهول کردن فعل دوم بصورت مصدر با to، از ساختار زیر استفاده می‌کنیم.

to be + pp

Active: My father **wanted** my brother **to post** the letter yesterday. "پدرم میخواست که برادرم نامه را پست کند."
فعل اول فعل دوم
Passive: My father **wanted** the letter **to be posted** by my brother yesterday. "پدرم میخواست که نامه (توسط برادرم) پست شود."
فعل اول فعل دوم (مجهول)

نکته ۶: چنانچه بعد از ساختار مجهول فعل دیگری بیاید آن فعل همواره بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود. در این حالت حتی اگر فعل اول جزء افعالی باشد که بعد از آن اسم مصدر یا فعل ing دار هم بیاید، (مثل فعل finish, enjoy) اگر مجهول شوند، فعل بعد از آنها بصورت "**مصدر با to**" خواهد بود.

They **were forced to leave** the class quickly. "آنها مجبور شدند تا کلاس را فوراً ترک کنند."

مصدر با to ساختار مجهول

نکته ۷: قبلاً یاد گرفتیم که بعد از حروف اضافه، فعل به صورت ing دار می آید. حال یاد میگیریم چنانچه بخواهیم فعل بعد از حروف اضافه را مجهول کنیم، ساختار مجهول آن فعل بصورت "being + pp" خواهد بود:

He is looking forward to **being sent** to a mission by his company.

"او منتظر است تا به وسیله شرکتش، به یک مأموریتی فرستاده شود." حرف اضافه

نکته ۸: مجهول کردن افعالی که دو مفعول دارند: بعضی از فعلها میتوانند به طور همزمان ۲ مفعول در جمله داشته باشند:

- مفعولی که کار روی آن انجام میشود و اکثراً غیر انسان میباشد (مفعول مستقیم یا بی واسطه یا شیئی)

- مفعولی که کار برای آن انجام می شود (مفعول غیر مستقیم یا متمم) این مفعول اکثراً انسان میباشد (جاندار)

بنابراین میتوانیم دو بار جمله را مجهول کنیم و هر دفعه یکی از مفعولها را به ابتدای جمله بیاوریم (معمولاً بهتر است مفعول غیر مستقیم (مفعول شخصی) به ابتدای جمله بیاید:

I gave him the book yesterday.

"من دیروز به او کتاب را دادم."

Passive 1: a) **He** was given the book yesterday.

"به او دیروز کتاب داده شد."

I gave the book to him yesterday.

"من دیروز کتاب را به او دادم."

Passive 2: b) **The book** was given to him yesterday.

"کتاب به او دیروز داده شد."

مهمترین افعال دو مفعولی:

ask	teach	get	bring	give	promise	borrow	tell
buy	make	offer	cook	lend	show	send	pay

نکته ۹ (زبان تخصصی): برای مجهول کردن جملات امری از ساختار زیر استفاده می کنیم:

let + مفعول + be + pp: مجهول جملات امری مثبت

Active: Open the door. " "

"در را باز کن."

Passive: **Let** the door **be** opened.

"بزار در باز بشه."

mustn't + be + pp: مجهول جملات امری منفی

Active: **Don't** open this door.

"این در را باز نکن."

Passive: This door **mustn't** **be** opened.

"این در نباید باز شود."

نکته ۱۰ (زبان تخصصی): برای مجهول کردن جملاتی که با **who** سؤالی شده باشد در جمله مجهول به جای **who** از **by whom** استفاده میکنیم:

Who taught English last year?

"چه کسی انگلیسی را سال گذشته تدریس کرد؟"

By whom was English taught last year?

"توسط چه کسی انگلیسی سال گذشته تدریس شد؟"

برای مجهول کردن جملاتی که با **whom** سؤالی شده باشد در جمله مجهول به جای **whom** از **who** استفاده میکنیم:

Whom did they meet at the park yesterday?

"چه کسی را آنها دیروز در پارک ملاقات کردند؟"

Who was met at the park yesterday?

"چه کسی در پارک دیروز ملاقات شد."

نکته ۱۱ (زبان تخصصی): گاهی در جملات مجهول به جای فعل **to be** میتوانیم از فعل **to get** استفاده کنیم:

We didn't know the way to the hospital and **got lost**.

"ما مسیر رفتن به بیمارستان را بلد نبودیم و گم شدیم."

The trees in the garden **got damaged** in the wind. (**were damaged**) "درختان باغچه در هنگام باد خراب شدند."

چند تست دست گرمی جملات معلوم و مجهول: برای هر یک از جاهای خالی بهترین گزینه را انتخاب کنید:

1. English ----- in many countries.
a. speaks b. is speaking c. is spoken d. has spoken
2. The man said, "Many cars ----- in this place."
a. buy b. are buying c. will buy d. are bought
3. They take Mary to school every day. In other words, Mary ----- to school every day.
a. takes b. are taken c. take d. is taken
4. The students cleaned the blackboard. In other words, The blackboard ----- by the students.
a. did clean b. did cleaned c. was cleaned d. were cleaned
5. Betty has washed her hands. In other words, Betty's hands -----.
a. have washed b. have been washed c. has washed d. has been washed
6. The tiger ----- in the forest last year.
a. sees b. is seen c. saw d. was seen
7. A lot of homework ----- since 8 o'clock.
a. has done b. has been doing c. has been done d. is being done
8. Many interesting Movies ----- in this cinema.
a. show often b. often show c. are often shown d. are shown often
9. This product ----- at a low price for many years.
a. is sold b. have been sold c. are sold d. has been sold
10. It's interesting to know that the bridge ----- two years ago.
a. was built b. built c. has built d. has been built
11. This engine ----- a lot of electricity every day.
a. is used b. uses c. will use d. will be used
12. The teacher said, "This lesson ----- before. We just want to review it today."
a. teaches b. is taught c. has been taught d. has taught
13. The teacher has given us our papers. In other words, our papers ----- to us.
a. has been given b. have been given c. has given d. have given
14. When -----?
a. was the bridge built b. the bridge was built c. the bridge built d. did the bridge build
15. A: "Where -----?" B: "In Los Angeles."
a. were you born b. are you born c. have you been born d. did you born
16. Something funny ----- in class today, and all the students laughed.
a. is happened b. happened c. happens d. was happened
17. We ----- that you had borrowed the book from the library.
a. told b. have told c. were told d. will be told
18. We ----- up by a loud noise last night.
a. woke b. had woken c. were woken d. were waking
19. The report of the experiments done by the students ----- to the teacher.
a. sent b. are sent c. are sending d. was sent
20. I didn't know that "Crime and Punishment" ----- by "Fyodor Dostoyevsky".
a. will be writing b. has been written c. was writing d. was written

پاسخنامه تستهای دستگرمی مربوط به جملات معلوم و مجهول (درس اول و سوم):

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

قلم حل تستهای مربوط به جملات معلوم و مجهول: ابتدا به گزینه ها نگاه کنید، چنانچه در گزینه ها افعال to be با شکل سوم فعل (p.p.) وجود داشت، فعل را ترجمه کرده و از خود بپرسید: "**چه چیز را**" یا "**چه کسی را**". جواب این سؤال مفعول جمله میباشد، چنانچه مفعول در جای خود (یعنی بعد از فعل اصلی جمله بود)، آن جمله، جمله ای معلوم و چنانچه مفعول به ابتدای جمله منتقل شده باشد، جمله ما جمله ای مجهول میباشد.

- ۱- (c) مفعول "English" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. تنها گزینه ای که به صورت مجهول بوده و بعد از افعال to be شکل سوم فعل آمده، گزینه c است. (مجهول زمان حال ساده)
ترجمه: "**انگلیسی در کشورهای زیادی صحبت میشود.**"
- ۲- (d) مفعول "Many cars" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. تنها گزینه ای که به صورت مجهول بوده و بعد از افعال to be شکل سوم فعل آمده، گزینه d است. (مجهول زمان حال ساده)
ترجمه: "**مرد گفت: ماشینهای زیادی در این مکان خریداری میشود.**"
- ۳- (d) مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. پس گزینه C و a حذف میشوند. (مجهول زمان حال ساده)
مفعول "Mary" مفرد است در نتیجه گزینه b که بصورت جمع بکار رفته است، حذف میشود.
ترجمه: "**آنها هر روز مری را به مدرسه میبرند. به عبارت دیگر، مری هر روز به مدرسه برده میشود.**"
- ۴- (c) مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول است پس گزینه a و b حذف میشوند. (مجهول گذشته ساده)
مفعول "The blackboard" مفرد است در نتیجه گزینه d که بصورت جمع بکار رفته است، حذف میشود.
ترجمه: "**دانش آموزان تخته سیاه را پاک کردند. به عبارت دیگر، تخته سیاه توسط دانش آموزان پاک شد.**"
- ۵- (b) مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد پس گزینه a و c حذف میشوند که در آنها فعل to be وجود ندارد. (مجهول حال کامل). "Betty's hands" جمع است. در نتیجه گزینه d که بصورت جمع بکار رفته است، حذف میشود.
ترجمه: "**بتی داستهایش را شسته است. به عبارت دیگر، دستهای بتی شسته شده اند.**"
- ۶- (d) مفعول "The tiger" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. گزینه a و c حذف میشوند (last year مشخصه زمان گذشته ساده میباشد).
ترجمه: "**این ببر سال گذشته در جنگل دیده شد.**"
- ۷- (c) مفعول "A lot of homework" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. (مجهول زمان حال کامل).
ترجمه: "**تکلیف زیادی از ساعت ۸ انجام داده شده است.**"
- ۸- (c) مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. (مجهول زمان حال کامل). در جملات مجهول قیدهای تکرار ما بین فعل to be و شکل سوم فعل میآیند.
ترجمه: "**تعداد زیادی از فیلمهای جالب اغلب در این سینما نمایش داده میشوند.**"
- ۹- (d) مفعول "This product" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. تمامی گزینه ها بصورت مجهول هستند. با توجه به for many years مجهول زمان حال کامل است در نتیجه گزینه های a و c که در زمان حال ساده هستند، حذف میشوند. مفعول مفرد است و گزینه b بصورت جمع آمده و اشتباه است.
ترجمه: "**این محصول با قیمت باثباتی برای سالها فروخته شده است.**"

- ۱۰- (a) مفعول "the bridge" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. (حذف گزینه b و c به صورت معلوم هستند و فعل to be ندارند. با توجه به قید زمان two years ago مجهول زمان گذشته ساده است.
ترجمه: "جالب است بدانیم که این پل دو سال قبل ساخته شد."
- ۱۱- (b) مفعول "a lot of electricity" در جای خود آمده است پس جمله معلوم میباشد. گزینه a و d به صورت مجهول هستند، پس حذف میشوند (everyday مشخصه زمان حال ساده است).
ترجمه: "این موتور هر روزه برق خیلی زیادی را مصرف میکند."
- ۱۲- (c) مفعول "This lesson" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. چون عمل در گذشته انجام گرفته و تازه تمام شده و اثر و نتیجه آن باقی مانده است، مجهول زمان حال کامل است.
ترجمه: "معلم گفت: این درس قبلاً تدریس شده است. ما امروز فقط میخواهیم آن را مرور کنیم."
- ۱۳- (b) مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. گزینه c و d چون فعل b to ندارند، مجهول نیستند. (مجهول زمان حال کامل). مفعول جمع است در نتیجه گزینه a که مفرد است، حذف میشود.
ترجمه: "معلم به ما برگه هایمان را داده است. به عبارت دیگر، برگه هایمان به ما داده شده است."
- ۱۴- (a) مفعول "the bridge" به قبل از فعل منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. (مجهول زمان گذشته ساده). برای سؤالی کردن جملات مجهول، فعل to be را به قبل از مفعول منتقل میکنیم.
ترجمه: "این پل کی ساخته شد؟"
- ۱۵- (a) (مجهول زمان گذشته ساده). گزینه d مجهول نیست. متولد شدن در زمان گذشته روی داده است. (گزینه b و c) در زمان حال ساده و حال کامل آمده اند که اشتباه هستند.
ترجمه: "کجا به دنیا آمدی؟ - در لس آنجلس."
- ۱۶- (b) فعلهایی مثل "happen" که مفعول ندارند را نمیتوان مجهول کرد. پس این جمله جمله ای معلوم میباشد و گزینه های a و d که به صورت مجهول بکار رفته اند اشتباه هستند. laughed در زمان گذشته آمده پس گزینه c که زمان حال ساده است، غلط میباشد.
ترجمه: "امروز یک چیز جالبی اتفاق افتاد و همه دانش آموزان خندیدند."
- ۱۷- (c) (مجهول زمان گذشته ساده). بعضی از افعال دو مفعول میگیرند مانند "tell". در این حالت برای پیدا کردن هر دو مفعول هم از خود بپرسید "چه چیز را" و هم "چه کسی را". چنانچه یکی از مفعولها به ابتدای جمله منتقل شده باشد، جمله مجهول خواهد بود.
ترجمه: "به ما گفته شد که شما این کتاب را از کتابخانه قرض گرفته بودید."
- ۱۸- (a) فعلهایی مثل "wake up" که مفعول ندارند را نمیتوان مجهول کرد. پس این جمله، جمله ای معلوم در زمان گذشته ساده میباشد چون قید زمان last night است.
ترجمه: "ما شب گذشته با سر و صدای بلندی از خواب بیدار شدیم."
- ۱۹- (d) مفعول "The report" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. (مجهول زمان گذشته ساده)
ترجمه: "گزارش آزمایشات انجام گرفته توسط دانش آموزان به معلم فرستاده شد."
- ۲۰- (d) مفعول "Crime and Punishment" به ابتدای جمله منتقل شده است پس جمله مجهول میباشد. چون عمل "نوشتن" در زمان گذشته روی داده و تمام شده است، در نتیجه مجهول زمان گذشته ساده است.
ترجمه: "من نمیدانستم که "جنایات و مکافات" توسط "فئودور داستایوفسکی" نوشته شده است."

سوالات کوتاه تاکیدی یا عبارت الحاقی (Tag Questions)

گاهی در انگلیسی، گوینده جمله برای اینکه گفته خود را به تأکید مخاطب یا مخاطبین برساند و یا برای نشان دادن تعجب در آخر جمله خبری خود، از یک جمله سؤالی کوتاه که شامل "فعل کمکی" و "ضمیر فاعلی" می باشد استفاده می کند. به این جملات سؤالی کوتاه "عبارت الحاقی"، "جمله ضمیمه" یا "Tag Questions" میگویند و در زبان فارسی بصورت "مگه نه"، "اینطور نیست" و یا برعکس فعل جمله اصلی ترجمه میشوند. جمله ی اصلی و عبارت الحاقی بوسیله "کاما" از یکدیگر جدا می شوند و آخر عبارت الحاقی، "علامت سؤال" خواهد بود.

He is reading a novel now, isn't he?

(او الان دارد یک رمان میخواند، مگه نه / اینطور نیست / نمیخونه؟)

در این مثال، he ضمیر فاعلی و is فعل کمکی میباشد.

برای ساختن اینگونه از جملات سؤالی کوتاه ، نکات زیر را در نظر بگیریم:

۱- عبارت الحاقی از نظر مثبت یا منفی بودن ، عکس جمله اصلی می باشد یعنی اگر جمله ی اصلی مثبت باشد، عبارت الحاقی منفی خواهد بود و چنانچه جمله ی اصلی منفی باشد ، عبارت الحاقی می بایست بشکل مثبت بکار رود:

She is a student, **isn't he**?

"او یک دانش آموز است، مگه نه؟"

She is not a student, **is he**?

"او یک دانش آموز نیست، مگه نه؟"

۲- در عبارت الحاقی همیشه بعد از فعل کمکی از "ضمیر فاعلی" استفاده میشود بدین صورت که چنانچه در جمله اصلی فاعل بشکل اسم یا عبارت اسمی آمده باشد، در عبارت الحاقی ، از ضمیر فاعلی مشابه آن استفاده می شود .

Mina was playing tennis well, **wasn't she**?

"مینا به خوبی در حال تنیس بازی کردن بود، مگه نه؟"

My brothers aren't at school, **are they**?

"برادرهای من در مدرسه نیستند، مگه نه؟"

۳- در عبارت الحاقی چنانچه بخواهیم فعل کمکی را بشکل منفی بکار ببریم، آنرا می بایست بشکل مخفف بکار برد. هیچگاه در عبارت الحاقی "not" نوشته نمیشود و همواره به صورت مخفف "n't" نوشته خواهد شد.

Raman will go to Rasht next week, **won't he**?

"رامان هفته آینده به رشت خواهد رفت، مگه نه؟"

They were watching TV at this time yesterday, **weren't they**?

"آنها دیروز همین موقع مشغول تماشای تلویزیون بودند، مگه نه؟"

۴- چنانچه جمله ای با **there** شروع شده باشد، در عبارت الحاقی آن از خود **there** استفاده میکنیم و تنها در این حالت است که در عبارت الحاقی، ضمیر فاعلی نداریم.

There isn't some water in the kettle, **is there**?

"در کتری کمی آب وجود دارد، مگه نه؟"

There was a clock in our class, **wasn't there**?

"در کلاس ما یک ساعت دیواری وجود داشت، مگه نه؟"

۵- چنانچه در جمله ای یک فعل ناقص (can, may, should, must, might, ...) وجود داشته باشد، در عبارت الحاقی آن از همان فعل ناقص استفاده میکنیم.

Your little brother **can** play football very well, **can't he**? "مگه نه؟"

The students **mustn't** speak loudly at the classroom, **must they**?

"دانش آموزان نباید با صدای بلند در کلاس صحبت کنند، مگه نه؟"

۶- در عبارت الحاقی به جای this و that از **it** و به جای these و those از **they** استفاده می کنیم.

"آیا این خانه شماست، **مگه نه؟**"
This is your home, isn't it?

"این ساعتها خیلی گران قیمت هستند، **مگه نه؟**"
These watches are very expensive, aren't they?

۷- چنانچه در جمله ی مثبت از I am استفاده شده باشد، در عبارت الحاقی از **aren't I** استفاده میشود.

"من معلم خوبی هستم، **مگه نه؟**"
I am a good teacher, aren't I?

"من خیلی به خوبی زبان عربی را صحبت میکنم، **مگه نه؟**"
I am speaking Arabic very well, aren't I?

۸- چنانچه جمله ی اصلی فعل کمکی داشته باشد از همان فعل کمکی در عبارت الحاقی استفاده می شود ولی چنانچه جمله فاقد فعل کمکی باشد در این حالت از یکی از مشتقات do متناسب با فعل اصلی، در عبارت الحاقی استفاده می شود. بدین صورت که اگر فعل اصلی گذشته باشد از **did** و اگر فعل اصلی S یا es داشته باشد از **does** و اگر فعل بشکل ساده باشد از **do** استفاده میشود. اما در این زمانها در حالت منفی، خود دارای فعل کمکی **don't, doesn't, didn't** هستند.

(زمان حال ساده) **We always listen to the teacher carefully at the class, don't we?**
"ما همیشه با دقت در کلاس به معلم گوش میکنیم، **مگه نه؟**"

(زمان حال ساده، فاعل جمله سوم شخص مفرد) **Ali swims quickly in this part of the river, doesn't he?**
"علی با سرعت در این قسمت رودخانه شنا کرد، **مگه نه؟**"

(زمان گذشته ساده) **His father opened his store at 8 this morning, didn't he?**
"پدر او مغازه اش را در ساعت ۸ امروز صبح باز کرد، **مگه نه؟**"

"ما ظرفها را نمی شوئیم، **مگه نه؟**"
We don't wash the dishes, do we?

"مهسا انگلیسی صحبت نکرد، **مگه نه؟**"
Mahsa doesn't speak English, does she?

"این مرد از قوانین رانندگی اطاعت نکرد، **مگه نه؟**"
The man didn't obey the traffic rules, did he?

۹- اگر در جمله اصلی، قیدهای منفی ساز نظیر کلمات **no, hardly, never, nor, seldom, rarely, barely, little, few**, **scarcely, none, no, neither** بکار رفته باشد، عبارت الحاقی به شکل **مثبت** خواهد بود.

"برادر بزرگترش در صبح هرگز صبحانه نمیخورد، **مگه نه؟**"
Her older brother never eats breakfast in the morning, does he?

"آن خانم پیر، به سختی میتواندست در پارک قدم بزند، **مگه نه؟**"
The old woman could hardly walk at the park, could she?

"عمو زاده ات دیگه به ندرت میخواهد درباره ی مشکلاتش با تو صحبت کند، **مگه نه؟**"
Your cousin seldom wants to speak about his problems to you anymore, does he?

۱۰- اگر فاعل جمله یکی از ضمایر نامشخص زیر باشد (مخصوص انسان)، در عبارت الحاقی، فعل و ضمیر فاعلی، بصورت **جمع** خواهد بود. (فراموش نکنیم که ضمایر نامشخص زیر در جمله همانند **اسم مفرد** در نظر گرفته میشوند).

somebody, someone, everybody, everyone, nobody, no one

"متأسفانه، دیروز در قطار یک نفری کتابم را دزدید، **مگه نه؟**"
Unfortunately, Somebody stole my book at the train yesterday, didn't they?

(چون ضمیر فاعل به صورت جمع میباشد از **do** استفاده میکنیم.)
Nobody knows the answer, do they?

(چون ضمیر فاعل به صورت جمع میباشد از **do** استفاده میکنیم.)
Everybody knows the answer, don't they?

۱۱- چنانچه فاعل جمله something, everything, anything, nothing باشد، ضمیر فاعلی در عبارت الحاقی، **it** میباشد.
Everything is really neat, **isn't it?** "همه چی (هر چیزی) واقعاً مرتبه، مگه نه؟"

۱۲- در جملات امری مثبت، عبارت الحاقی با **won't you** ساخته می شود. در این حالت میتوان از **will you, would you, could you** هم استفاده کرد و تمامی آنها در این کاربرد برابر هستند.

Open your books, **won't you?** "کتابهایتان را باز کنید، باز نمیکنید؟"
Open your books, **would you / could you / will you?** "کتابهایتان را باز کنید، باز نمیکنید؟"

۱۳- در جملات امری منفی، عبارت الحاقی با **will you** ساخته می شود.

Don't turn on the radio, **will you?** "رادیو را روشن نکن، روشن میکنی؟"
Don't speak too fast, **will you?** "خیلی سریع صحبت نکن، صحبت میکنی؟"

۱۴- جملاتی که با **let's** شروع می شوند، عبارت الحاقی با **shall we?** ساخته می شود.

Let's play football or volleyball in the yard, **shall we?** "بیا در حیاط فوتبال یا والیبال بازی کنیم، بازی کنیم؟"
Let's watch a new action movie, **shall we?** "بیا یه فیلم اکشن جدید نگاه کنیم، نگاه کنیم؟"

۱۵- جملاتی که با **let us** شروع می شوند، عبارت الحاقی با **will you?** ساخته می شود:

Let us study together, **will you?** "به ما اجازه بده با همدیگر بازی کنیم، اجازه میدید؟"
Let us go shopping today, **will you?** "به ما اجازه بده امروز به خرید بریم، اجازه میدید؟"

۱۶- در جملات مرکب، عبارت الحاقی برای "جمله اصلی یا پایه" نوشته میشود نه برای جمله وابسته یا (پیرو) که نمیتواند بصورت مستقل بکار برده شود و همراه با کلمه ربط بکار برده میشود. پس در نتیجه عبارت الحاقی را نمیتوان برای جمله ای که دارای کلمات ربط هست، بکار برد. (در مثالهای پائین، زیر کلمات ربط، خط کشیده شده است.)

After studying English for two hours, Raman is going to watch his favorite cartoon, **isn't he?**
"رامان بعد از مطالعه انگلیسی به مدت دو ساعت قصد داره کارتون مورد علاقه اش را نگاه کند، مگه نه؟"

He'll turn the TV off **before** she goes to bed, **won't he?**
"او قبل از اینکه به تختخواب برود تلویزیون را خاموش خواهد کرد، مگه نه؟"

You saw my teacher **While** he was walking the park, **didn't you?**
"تو معلم من را در حالیکه مشغول قدم زدن در پارک بود، دیدی، مگه نه؟"

Because he didn't have enough money, he decided not to buy that expensive car, **didn't he?**
"چونکه او پول کافی نداشت، تصمیم گرفت آن ماشین گران قیمت را نخرد، مگه نه؟"

۱۷- فعلهای **had, has, have** تنها زمانی فعل کمکی بحساب میآیند که بعد از آنها شکل سوم فعل (p.p.) آمده باشد (زمانهای حال کامل و گذشته کامل) که در این حالت از آنها برای ساختن عبارت الحاقی استفاده میکنیم.

The police **have caught** the addict man at his house, **haven't they?**
"نیروی پلیس مرد معتاد را در خانه اش دستگیر کرده اند، مگه نه؟"
شکل سوم فعل

Up to now, you **haven't arrived** at home on time, **have you?**
"تا به حال تو سر وقت به خانه نیامده ای، مگه نه؟"
شکل سوم فعل

۱۸- در صورتیکه افعال had, has, have تنها فعل اصلی جمله باشند (به معنی "داشتن" یا "خوردن") و یا زمانیکه این فعلها به معنی "مجبور بودن" باشند (had to, has to, have to) به عنوان فعل اصلی جمله محسوب شده بنابراین با توجه به زمان جمله (حال ساده یا گذشته ساده)، در عبارت الحاقی باید از فعل کمکی مناسب برای آنها استفاده کنیم. (رجوع به توضیحات نکته ۸)

توجه: هر چند در این حالت از خود همین فعلها هم میتوان در عبارت الحاقی استفاده کرد، اما ترجیحاً در کنکور آنها را به صورت فعل اصلی در نظر بگیرید و از افعال کمکی **do, does, did** با توجه به زمان جمله استفاده کنید.

Your brother **has** an expensive Italian golden watch, **doesn't he?**

"برادرت یک ساعت طلایی ایتالیایی گران قیمت دارد، مگه نه؟"

They usually **have** dinner around 8 o'clock, **don't they?**

"آنها معمولاً شام را در حدود ساعت ۸ میخورند، مگه نه؟"

Raman **had** a difficult math exam last week, **didn't he?**

"رامان هفته گذشته یک امتحان ریاضی سخت داشت، مگه نه؟"

My sister **has to** wash all the dirty dishes tonight, **doesn't she?**

"خواهرم امشب مجبوره تمامی ظرفهای کثیف را بشوید، مگه نه؟"

The students always **have to** be quiet at the class, **don't they?**

"دانش آموزان همیشه مجبور هستند که در کلاس ساکت باشند، مگه نه؟"

The man **had to** go to his office by taxi, **didn't he?**

"مرد مجبور بود با تاکسی به اداره اش برود، مگه نه؟"

۱۹- اگر جمله ای با فاعل های اول شخص مفرد یا جمع (I, we) و فعلهای **hear, think, believe, suppose, feel, know** شروع شود، برای نوشتن عبارت الحاقی، باید برای "جمله بعد از آنها نوشته شود" (دلیل این انتخاب هم این است که این نوع جمله های پایه هیچ خبری را منتقل نمیکنند و فقط یک مقدمه چینی هستند تا گوینده اول شخص عقیده و نظر خود را بیان کند. در ضمن در این حالت جمله پیرو معنی مستقلی دارد و میتواند بصورت مجزا هم بکار برده شود).

I've heard that your grandfather is very sick, isn't he?

جمله پیرو با معنی مستقل

"من شنیده ام که پدر بزرگت خیلی مریضه، مگه نه؟ / مریض نیست؟"

We think that it's not possible learn a foreign language in one month, isn't it?

جمله پیرو با معنی مستقل

"ما فکر میکنیم که یادگیری یک زبان خارجی در یک ماه امکان پذیر نیست، مگه نه؟ / امکان داره؟"

۲۰- چنانچه بخواهیم به عبارات الحاقی یا جملات سؤالی جواب کوتاهی بدهیم، از همین عبارات الحاقی استفاده میکنیم:

A: "The police **have caught** the addict man at his house, **haven't they?**" B: "Yes, **they have**"

- "نیروی پلیس مرد معتاد را در خانه اش دستگیر کرده اند، مگه نه؟" - بله، اینطوره

A: "Her older brother **never** eats breakfast in the morning, **does he?**" B: "No, **he doesn't**

- "برادر بزرگترش در صبح هرگز صبحانه نمیخورد، مگه نه؟" - نخیر، اینطور نیست

تمرین ۱: برای هر یک از جملات زیر، عبارت الحاقی (Tag Question) بنویسید.

1. They aren't going to cut that tree down, -----?
2. You will come to our house tonight, -----?
3. These aren't my pencils, -----?
4. We should take our umbrellas, -----?
5. Fatemeh likes playing tennis, -----?
6. The ticket costs five thousand tomans, -----?
7. You paid for dinner at the restaurant last night, -----?
8. It is often stated that we use only 10 percent of our brain, -----?
9. You made many mistakes, -----?
10. We need one more person to make up a team, -----?
11. He has been here before, -----?
12. Your students can play ping-pong after doing their homework, -----?
13. I have seen you at school many times, -----?
14. You will be sorry to leave your parents, -----?
15. My aunt has worked here for a long time, -----?
16. That's a good idea, -----?
17. You haven't finished reading that story, -----?
18. I never go to that supermarket, -----?
19. The Children have not played with Raman, -----?
20. Mary can speak English, Spanish and Italian well, -----?
21. You and I answered some difficult questions, -----?
22. Mehdi and Mehran want to be with each other at the party, -----?
23. I think that none of us can eat the food of the restaurant, -----?
24. If you had free time, you would come to the party, -----?

پاسخنامه سؤالات آموزشی و دستگرمی گرامر عبارات الحاقی (Tag Questions):

توضیح کلی برای تمامی سؤالات این قسمت: در این گرامر، در قبل و بعد از جای خالی "کاما" و "علامت سؤال" داریم که به راحتی گرامر را لو میدهند. برای پیدا کردن جواب، ابتدا دنبال "فعل کمکی" مناسب جمله و آنگاه "ضمیر فاعلی" بگردید و فراموش نکنید که عبارت الحاقی از نظر مثبت و منفی بودن بر عکس جمله اصلی میباشد.

- ۱- (are they) ترجمه: "آنها قصد ندارند آن درخت را قطع کنند، مگه نه؟"
- ۲- (won't you) ترجمه: "شما امشب به خانه ما خواهید آمد، مگه نه؟"
- ۳- (are they) ترجمه: "اینها مدادهای من نیستند، مگه نه؟"
- ۴- (shouldn't we) ترجمه: "ما باید چترهایمان را با خودمان ببریم، مگه نه؟"
- ۵- (doesn't she) ترجمه: "فاطمه تنیس بازی کردن را دوست دارد، مگه نه؟"
- ۶- (doesn't it) ترجمه: "قیمت بلیط ۵ هزار تومان است، مگه نه؟"
- ۷- (didn't you) ترجمه: "تو دیشب پول شام رستوران را پرداخت کردی، مگه نه؟"
- ۸- (isn't it) ترجمه: "بعضی مواقع گفته میشود که ما از ده درصد مغزمان استفاده میکنیم، مگه نه؟"
- ۹- (didn't you) ترجمه: "تو اشتباهات زیادی مرتکب شدی، مرتکب نشدی؟ / مگه نه؟"
- ۱۰- (don't we) ترجمه: "ما به یک نفر بیشتر برای تشکیل تیم مان نیاز داریم، مگه نه؟"
- ۱۱- (hasn't he) ترجمه: "او قبلاً در اینجا بوده است، مگه نه؟"
- ۱۲- (can't they) ترجمه: "دانش آموزان بعد از انجام تکالیفشان میتوانند پینگ پونگ بازی کنند، بازی نمیکند؟ / مگه نه؟"
- ۱۳- (haven't I) ترجمه: "من چندین بار تو را در مدرسه دیده ام، مگه نه؟"
- ۱۴- (won't you) ترجمه: "تو از ترک کردن والدینت متاسف میشوی، مگه نه؟"
- ۱۵- (hasn't she) ترجمه: "خاله ام برای مدتی طولانی در اینجا کار کرده است، مگه نه؟"
- ۱۶- (isn't it) ترجمه: "این ایده خوبی است، مگه نه؟"
- ۱۷- (have you) ترجمه: "تو خواندن آن داستان را تمام نکرده ای، مگه نه؟"
- ۱۸- (do I) ترجمه: "من هرگز به آن سوپرمارکت نمیروم، مگه نه؟"
- ۱۹- (have they) ترجمه: "بچه ها با "رامان" بازی نکردند، مگه نه؟"
- ۲۰- (can't she) ترجمه: "مری می تواند انگلیسی، اسپانیایی و ایتالیایی را به خوبی صحبت کند، مگه نه؟"
- ۲۱- (don't we) ترجمه: "من و تو سؤالات سختی را جواب دادیم، مگه نه؟"
- ۲۲- (don't they) ترجمه: "مهدی و مهران میخواهند در مهمانی با هم باشند، مگه نه؟"
- ۲۳- (can we) ترجمه: "من فکر میکنم که هیچ کدام از ما نمیتوانیم غذای آن رستوران را بخوریم، مگه نه؟"
- ۲۴- (wouldn't) ترجمه: "اگه تو وقت بیکاری داشتی، به مهمانی می آمدی، نمی آمدی؟ / مگه نه؟"

تمرین ۲: برای هر یک از جملات زیر، عبارت الحاقی (Tag Question) بنویسید.

1. You said that you would answer the questions, -----?
2. She's definitely not coming to the party tonight, -----?
3. It makes you happy, -----?
4. Nobody pays attention to him, -----?
5. The accident happened yesterday, -----?
6. She's always late, -----?
7. They're selling their house, -----?
8. No-one understood what he said, -----?
9. The teacher let his students leave the class, -----?
10. He used to work in the city, -----?
11. He has his lunch at the office, -----?
12. In that case he'll have to look for a new job, -----?
13. You wouldn't want me to do that, -----?
14. He really didn't need to speak to me like that, -----?
15. Come back in the morning, -----?
16. You like milk in your tea, -----?
17. You are just the sort of person who would say that, -----?
18. You shouldn't have done that, -----?
19. This is Monday, -----?
20. You remembered to turn the lights off, -----?

چند تست دست گرمی ساده: گزینه ی درست را انتخاب کنید .

1. They answered the question, ----- they?
a. don't b. do c. didn't d. did
2. You can see him at school, ----- you?
a. can't b. don't c. see d. did
3. They live near here, ----- they?
a. do b. don't c. did d. didn't
4. My brother, Ali is playing in the yard, isn't -----?
a. Ali b. my brother c. my brother, Ali d. he
5. James built the first steam engine, -----?
a. did he b. didn't he c. did James d. didn't James

1	C	2	A	3	B	4	D	5	B
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

جملات مرکب Compound Sentences

کلمات ربط هم پایه در زبان انگلیسی:



در درس یکم پایه یازدهم آموختیم که یک جمله انگلیسی باید حداقل دارای یک فاعل و یک فعل باشد. این گونه جمله ها را «جمله های ساده» می نامیم. حال اگر دو جمله ساده را که هر کدام حداقل دارای یک فاعل و یک فعل می باشند، با کلمه های ربط مانند « and », « or » و « so » به هم مرتبط کنیم، یک «**جمله مرکب**» تشکیل می شود.

حروف ربط هم پایه ساز (coordinating conjunctions) برای وصل کردن کلمات، عبارات و جملات یکسان (از نظر گرامری) به کار میروند. یعنی اینکه اگر قرار است دو کلمه را به هم وصل کنند آن دو کلمه باید از یک گروه گرامری باشند؛ برای مثال هر دو باید اسم، صفت و ... باشند. حروف ربط هم پایه کاربردهای مختلفی مانند بیان کردن تضاد، نشان دادن انتخاب، نتیجه گیری و ... دارند. در ادامه هر یک را با چند مثال توضیح میدهیم. در زبان انگلیسی هفت حرف همپایه ساز وجود دارند که با توضیح و کاربرد هر کدام آشنا خواهید شد:

for	and	nor	but	or	yet	so
زیرا	و	و نه	اما	یا	با وجود این	بنابر این

نکته: برای به خاطر سپردن این هفت حرف ربط میتوانید از عبارت اختصاری "FANBOYS" استفاده کنید.

کاربرد حرف ربط and

این حرف ربط به معنای "و" می باشد یکسان بودن دو چیز را نشان میدهد. مثال:

I take milk **and** sugar in my coffee.

"من در قهوه ام شیر و شکر میریزم."

She listened to music **and** watched TV after lunch.

"او بعد از ناهار تلویزیون نگاه کرد و آهنگ گوش داد."

کاربرد حرف ربط but

این حرف ربط بیان کننده تضاد و مغایرت می باشد و در فارسی به معادل "اما" و "ولی" می باشد. مثال:

I like coffee, **but** my wife prefers tea.

"من قهوه دوست دارم، اما همسرم چای را ترجیح میدهد."

I eat cake, **but** I never eat biscuits.

"من کیک میخورم، اما هرگز بیسکویت نمیخورم."

کاربرد حرف ربط **or**

این حرف ربط برای نشان دادن و انتخاب یک گزینه دیگر به کار می‌رود و معنی فارسی آن "یا" می‌باشد. مثال:

Would you like cake **or** biscuits with your coffee? "همراه قهوه ات کیک دوست داری یا بیسکویت؟"

We like to live in Paris **or** London. "ما دوست داریم در پاریس یا لندن زندگی کنیم."

کاربرد حرف ربط **so**

برای نشان دادن نتیجه و پیامد چیزی به کار می‌رود. معادل فارسی آن "بنابراین" و "پس" یا "در نتیجه" می‌باشد. مثال:

He was very hungry, **so** he ate all the cake.

"او خیلی گرسنه بود، بنابراین همه کیک را خورد."

I've drunk six cups of coffee today, **so** I've got a headache.

"من امروز شش فنجان قهوه خورده ام، در نتیجه سردرد شدیدی گرفته ام."

کاربرد حرف ربط **for**

حرف ربط **for** برای نشان دادن دلیل و علت به کار می‌رود و معنی فارسی آن "زیرا" یا "چون" می‌باشد. در این معنی با

because هم کاربرد می‌باشد. مثال:

She must have been very hungry, **for** she ate everything immediately.

"او حتما خیلی گرسنه بوده است، چون همه چیز را به سرعت خورد."

He's overweight, **for** he eats too many cakes and biscuits.

"او اضافه وزن دارد، چون کیک و بیسکویت زیادی می‌خورد."

کاربرد حرف ربط **nor**

این حرف ربط برای نشان دادن یا انتخاب یک حالت منفی بعد از یک حالت منفی به کار می‌رود و معنی آن "و نه" می‌باشد. حرف

ربط **nor** دو جمله یا عبارت را به هم وصل می‌کند. جمله ای **nor** در آن است باید فعل مثبت داشته باشد. مثال:

He doesn't eat cake, **nor** does he eat biscuits.

"او نه کیک می‌خورد و نه بیسکویت می‌خورد."

Switzerland is not in the European Union, **nor** is it a member of NATO.

"سوئیس نه عضو اتحادیه اروپا است و نه عضو ناتو است."

کاربرد حرف ربط **yet**

این حرف ربط برای بیان تضاد غیر منتظره به کار می‌رود. یعنی اینکه با توجه به شرایطی انتظار نداریم یک کاری صورت بگیرد اما

صورت می‌گیرد. معادل فارسی **yet** "با این وجود" می‌باشد. مثال:

He's seventy-two, **yet** he still swims, runs and plays football regularly.

"او هفتاد و دو سال سن دارد، با این وجود هنوز هم به طور مرتب شنا می‌کند، میدود و فوتبال بازی می‌کند."

He's overweight, **yet** he continues to eat lots of fast food.

"او اضافه وزن دارد، با این وجود به خوردن فست فود ادامه می‌دهد."

تمرین: برای هر یک از جاهای خالی در جملات مرکب زیر، مناسبترین کلمه ربط را بنویسید.

1. He reads magazines, ----- he doesn't like to read books.
2. Playing soccer in the park is exciting in the winter, ----- it's better in the heat of summer.
3. I go to the park every Sunday, ----- I love to watch the ducks on the lake.
4. I went to the party ----- I enjoyed it a lot.
5. He doesn't like tennis, ----- ping-pong. Honestly, He just likes the soccer.
6. It was not my duty, ----- his. It just was Ali's duty to clean the room.
7. Do you like tea ----- coffee?
8. This soup is hot ----- delicious.
9. My best friend ----- his family come from Spain.
10. I want to go to bed, ----- I am brushing my teeth.
11. They are very poor. They don't have a television ----- a radio.
12. Should we go out to the cinema ----- stay at home?
13. I always buy a book to read, ----- I never seem to turn a single page.
14. He is so young, ----- he is very experienced.
15. She goes to the tennis club every afternoon ----- she likes to play tennis.
16. She did not come to school, ----- she was ill.
17. We were bored with the movie, ----- we left cinema.
18. There are no more chairs available, ----- you will have to stand.
19. Every Friday, I go to the park ----- listen the birds singing on the trees.
20. She likes swimming, ----- she doesn't know how to swim.

پاسخنامه کلیدی تمرین بالا:

1	<i>but</i>	5	<i>nor</i>	9	<i>and</i>	13	<i>but</i>	17	<i>so</i>
2	<i>but</i>	6	<i>nor</i>	10	<i>so</i>	14	<i>yet</i>	18	<i>so</i>
3	<i>for</i>	7	<i>or</i>	11	<i>or</i>	15	<i>for</i>	19	<i>and</i>
4	<i>and</i>	8	<i>and</i>	12	<i>or</i>	16	<i>for</i>	20	<i>but</i>

پاسخنامه سؤالات آموزشی و دستگرمی گرامر کلمات ربط (Conjunctions):

توضیح کلی برای تمامی سؤالات این قسمت: در این گرامر، برای رسیدن به جواب درست، مجبوریم به طور کامل و با دقت جملات را ترجمه و مفهوم کلی جملات را بیابیم و با توجه به آن، کلمه ربط مد نظر را دریابیم. در سالهای اخیر در سؤالات کلوز تست از این گرامر سؤال طرح میشود که باید نهایت دقت را برای رسیدن به پاسخ صحیح به خرج بدهیم.

- ۱- (but) ترجمه: "او روزنامه میخواند اما خواندن کتاب را دوست ندارد."
- ۲- (but) ترجمه: "فوتبال بازی کردن در پارک در فصل زمستان سرگرم کننده است اما بهتره در گرمای تابستان باشد."
- ۳- (for) ترجمه: "من هر یکشنبه به پارک میروم چونکه دوست دارم اردکها را در دریاچه تماشا کنم."
- ۴- (and) ترجمه: "من به مهمانی رفتم و از آن لذت بردم"
- ۵- (nor) ترجمه: "او نه تنیس را دوست داره و نه بینگ پونگ. صادقانه بگم، او فقط فوتبال را دوست دارد."
- ۶- (nor) ترجمه: "نه وظیفه منه و نه او. فقط وظیفه علی است که اتاق را تمیز کند."
- ۷- (or) ترجمه: "چای دوست داری یا قهوه؟"
- ۸- (and) ترجمه: "این سوپ گرم و خوشمزه است."
- ۹- (and) ترجمه: "بهترین دوستم و خانواده اش اهل اسپانیا هستند."
- ۱۰- (so) ترجمه: "من میخوام برم بخوابم بنابراین دارم دندانهایم را مسواک میزنم."
- ۱۱- (or) ترجمه: "آنها خیلی فقیر هستند. آنها تلویزیون یا رادیو ندارند."
- ۱۲- (or) ترجمه: "ما باید به سینما برویم یا در خانه بمانیم."
- ۱۳- (yet) ترجمه: "من همیشه یک کتاب برای خریدن میخرم با وجود این به نظر نمیرسه یک صفحه از آن را ورق بزنم."
- ۱۴- (yet) ترجمه: "او خیلی جوان است با وجود این خیلی با تجربه است."
- ۱۵- (for) ترجمه: "او هر بعد از ظهر به باشگاه تنیس میرود چونکه عاشق تنیس بازی کردن است."
- ۱۶- (for) ترجمه: "او به مدرسه نیامد چونکه مریض بود."
- ۱۷- (so) ترجمه: "ما از فیلم خسته شدیم بنابراین سینما را ترک کردیم."
- ۱۸- (so) ترجمه: "صندلیهای زیادی وجود داشت بنابراین تو مجبور خواهی بود که بیاستی."
- ۱۹- (and) ترجمه: "من هر جمعه به پارک میروم و به آواز خواندن پرندگان گوش میکنم."
- ۲۰- (but) ترجمه: "او شنا کردن را دوست دارد اما نمیداند چطور شنا کند."

کلمات هم نشین (هم آبی) "Collocations"

هم آبی به گروه کلمات دو یا بیشتر اشاره دارد که اغلب همراه هم می آیند. مهمترین هم آوایی های کتابهای درسی عبارتند از:

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
after a (little) while	پس از مدتی (کوتاه)
make a mistake	اشتباه کردن، مرتکب اشتباه شدن
not surprisingly	جای تعجب نیست
fast food	غذای سریع، غذای آماده
put in order	مرتب کردن_ به ترتیب
fire station	ایستگاه آتشنشانی
study lesson	مطالعه درس
at the end	در پایان
bake a cake	پختن کیک
health condition	وضعیت سلامتی
be regarded as	به عنوان... در نظر گرفتن
police station	ایستگاه پلیس
be rich in sth	غنی بودن/ سرشار بودن از
board the plane	سوار هواپیما شدن
geographical position	حالت یا شرایط جغرافیایی
geographical location	موقعیت جغرافیایی
between sth and sth else	بین یک چیز و چیز دیگر
do experiment	آزمایش انجام دادن
blood pressure	فشار خون
tell a story	داستان گفتن
brain function (not mind function)	عملکرد مغز
burst into tears	به گریه افتادن
by accident	به طور تصادفی
by heart	از حفظ
text a message	پیام فرستادن
by the way	بگذریم، به هر حال
heart attack	حمله قلبی
catch a flu	آنفلوانزا گرفتن
grow old	بزرگ شدن
comfortable shoe	کفش راحت
get ready	آماده شدن
compound sentence	جمله ی مرکب

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
experiment on	آزمایش انجام دادن بر روی
family members	اعضای خانواده
get depressed	افسرده شدن
smart phone (not clever phone)	تلفن هوشمند
solution to	راه حل برای
strong wind (not heavy wind)	باد شدید
regard to	در رابطه با
ask kindly	با خوش رویی پرسیدن
be angry with	عصبانی بودن از
registration form	فرم ثبت نام
make a noise	سر و صدا کردن
recreational activities	فعالیت های تفریحی
break the window	پنجره را شکستن
pay attention to	توجه کردن به ...
hold a game	برگزار کردن بازی
the key to success	کلید موفقیت
pack for a trip	جمع کردن وسایل برای سفر
take temperature	درجه حرارت (تب) را گرفتن
develop a product	توسعه دادن یک محصول
sore throat	گلو درد
take photos	عکس گرفتن
narrate a story	داستان روایت کردن
mother tongue	زبان مادری
heavy rain	شدید
heavy snow	برف سنگین
public transportation	وسایل حمل و نقل عمومی
do homework	تکلیف انجام دادن
spare no pain	مضایقه نکردن
balanced diet	رژیم متعادل
do exercise (not to make exercise)	ورزش کردن
exchange money	تبدیل پول
feel angry	احساس عصبانیت کردن، عصبانی شدن
national anthem	سرود ملی
take turn	به نوبت
gift shop	مغازه کادو فروشی

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
desert touring	تور صحرائی
hard of hearing	مشکل شنوایی داشتن، گوش کسی سنگین بودن
read a newspaper	روزنامه خواندن
light a lamp	لامپ روشن کردن
make a dialogue	گفتگو کردن
sit on the sofa	روی مبل نشستن
feel well	احساس سلامتی کردن
pay toll	پرداخت عوارض
living languages	زبان زنده
make a voyage	سفر طولانی
travel around the world	دور دنیا سفر کردن
lose weight	کاهش وزن
gain weight	افزایش وزن
have access to	دست یافتن به ...
fix the car	ماشین را تعمیر کردن
sore eyes	چشم درد
follow a rule	قانونی را دنبال کردن، از قواعد پیروی کردن
by means of	با استفاده از، به وسیله
produce a movie	تولید فیلم
nervous system	سیستم عصبی
find a solution	راه حل یافتن
attend a program	در برنامه شرکت کردن
sign language	زبان اشاره
foreign language	زبان خارجی
technology addict	معتاد فن آوری
running nose	آبریزش بینی
pump blood	پمپاژ خون
meet the needs	نیازها را بر آورده کردن
express train	قطار سریع السیر
put emphasis on sth	تأکید کردن بر روی چیزی
flat tire	لاستیک پنچر
have lunch/ dinner / breakfast	نهار/ شام/ صبحانه خوردن
make a suggestion	پیشنهاد دادن
military parade	رژه نظامی
go abroad	خارج از کشور رفتن

<i>Collocations</i>	<i>Persian Meanings</i>
follow the steps	مراحل را طی کردن, گام ها را دنبال کردن
body organ	اندام بدن
native language	زبان مادری / محلی
contrastive stress	استرس مقایسه ای
forgive sb for sth	کسی را بابت چیزی بخشیدن
distinguished professor	پروفسور برجسته
during the experiment	در طی آزمایش
after a (little) while	پس از مدتی (کوتاه)
make a mistake	اشتباه کردن, مرتکب اشتباه شدن
feel happy	احساس شادی کردن
at the turn of the year	هنگام تحویل سال
baggage reclaim	ترخیص چمدان
health advise	مشاوره سلامتی
travel agency	آژانس مسافرتی
make movies	ساختن فیلم
in a hurry	در عجله بودن
at the same time	به طور همزمان
in the middle of	در وسطه, در میانه ی
the opposite of	متضاد
on the way (home, school, ...)	در مسیر (خانه, مدرسه, ...)
in a line	در صف
at once	فوراً
at least	حداقل
at first	در ابتدا
at last	سرانجام
in prison	در زندان

یادداشت:

۸۲ تست آموزشی و دستگرمی گرامر جملات معلوم و مجهول" (درس اول و سوم)

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

- The house is very old. It ----- over 100 years age.
a. built b. builds c. is built d. was built
- English ----- is schools, so many Iranian students know a little English.
a. taught b. teaches c. is taught d. is to teach
- The coffee ----- when I walked into the kitchen.
a. was make b. was being made c. has made d. had made
- That picture ----- by a great artist.
a. will paint b. was painting c. has painted d. was painted
- All the coconuts ----- by the monkey in those old days.
a. pick quickly b. picked quickly c. are quickly picked d. were quickly picked
- I think our windows ----- late in the evening.
a. will clean b. are clean c. clean d. will be cleaned
- How much homework ----- by the student?
a. has to do b. has to done c. has to be done d. has done
- Hurry up! This information should ----- to Mary and her family as soon as possible.
a. be sent b. be sending c. have sent d. being sent
- This is very difficult question, so it cannot ----- so easily within a short time.
a. answer b. be answered c. to be answered d. have answered
- My bike -----! I am going to call the police.
a. stole b. was stealing c. has been stolen d. was being stolen
- The dishes ----- yet. Could you please wash them up?
a. have been not washed b. have not been washed
c. are not being washed d. had not been washed
- The fire finally ----- under control, but only after extensive damage -----.
a. got – had been caused b. had gotten – was caused
c. got – has been caused d. had gotten – had been caused
- In the 20th century, advances ----- in the study of much older American civilizations.
a. were making b. were made c. have been made d. made
- Every participating country ----- to four entries in the winter games in the Olympic Games.
a. limits b. has limited c. have been limited d. is limited
- The teacher thought the lesson ----- reviewed before.
a. has b. had c. has been d. had been
- One of the most famous books in the world is the Gutenberg Bible. As much as half a million dollars ----- for a single copy of it.
a. had paid b. has paid c. had been paid d. has been paid
- All the food ----- before we got to the picnic.
a. has eaten b. had eaten c. had been eaten d. has been eaten

18. He said he didn't need a job because he ----- a better one before.
a. has offered b. had offered c. has been offered d. had been offered
19. Do you know that Maria ----- as a computer programmer of the company?
a. was inviting b. is inviting c. has been invited d. is going to invite
20. The land next to our house ----- sold to the government recently.
a. is b. will be c. has been d. had been
21. Many apartments ----- for the poor employees during the last five years.
a. are built b. were building c. have built d. have been built
22. An extra amount of money ----- for poor students at our high school at the moment.
a. had been collected b. is being collected c. was collected d. has collected
23. The children's medical center ----- in 1950 by one of the distinguished physicians who had studied in France for 10 years.
a. has founded b. founded c. has been founded d. was founded
24. The house in front of the bank ----- in 1925 that's why it looks old.
a. was built b. built c. had built d. has been built
25. The new book about chemistry that he had bought from England ----- to me last week.
a. was shown b. showed c. has shown d. had shown
26. Many buildings ----- during the war that imposed by Iraq.
a. are being badly damaged b. have been badly damaged
c. has badly damaged d. was badly damaged
27. I didn't believe his explanation that he ----- the money to donate it to poor people.
a. had been stolen b. steals c. had stolen d. was stolen
28. A hard physics problem which nobody could understand it ----- by one of my intelligent students last month.
a. solved b. was solved c. solves d. has been solved
29. My brother ----- on his way school a few days ago. Lots of stuffs were inside his bag.
a. was mugging b. has mugged c. was mugged d. has been mugged
30. His family ----- him for a long time. When they last saw him, he was trying to travel to Europe.
a. didn't see b. hasn't seen c. wasn't seen d. hasn't been seen
31. My glasses ----- to read because the print is so tiny.
a. needed b. are needed c. were needed d. have needed
32. This room ----- recently that's why it looks more different.
a. has been painted b. are painted c. has painted d. was painting
33. I was talking to my friend about an important issue and I didn't realize that our conversation -----.
a. will be recorded b. was being recorded c. would record d. was recording
34. Instead of ----- a large apartment, we decided to buy a small apartment along with a car.
a. buy b. being bought c. buying d. to be bought
35. There is somebody walking behind us. I think we -----.
a. are following b. had followed c. are being followed d. had been followed
36. We have come to this conclusion that a decision ----- until the next meeting.
a. will be made b. was being made c. will make d. is making

37. The problem of housing is still challenging although many new apartments ----- annually.
a. had built b. are built c. had been built d. are building
38. I'm tired of ----- what to study.
a. telling b. being told c. to be told d. to tell
39. I ----- a cigarette by the old man who thought it was harmful for a person at my age to smoke.
a. weren't offered b. weren't offering c. haven't offered d. has not been offered
40. Many workers ----- from their job since they have asked a 5% rise in their payments.
a. have recently fired b. have been recently fired
b. are recently firing d. are being recently fired
41. I ----- him to drive more slowly, but he didn't take any notice.
a. was asked b. have asked c. asked d. had been asked
42. At the last night party, we ----- a set of silver spoons by my uncle as a wedding present.
a. gave b. were giving c. has been given d. were given
43. Being ----- quickly is important for customers in a restaurant that is well-known.
a. served b. serving c. serves d. to served
44. His piano playing has greatly improved since he ----- regular practice.
a. is giving b. was given c. has given d. gave
45. Andy ----- as a television reporter before he became a physician.
a. has worked b. had been worked c. studied d. had worked
46. The beautiful apartments next to the bank ----- delivered to their owners recently.
a. had been b. are c. will be d. have been
47. Not only am I getting started, but also ----- what to buy for everyone so far.
a. haven't decided b. hadn't decided c. haven't been decided d. won't decide
48. This trend ----- to continue in this century - but so far, population growth has not brought wealth with it.
a. expects b. expected c. is expected d. expecting
49. Antibiotics ----- until the 1800s, and it was almost impossible to cure diseases without them.
a. weren't invented b. had not invented
c. have not been invented d. weren't going to be invented
50. The new high - quality models of sunglasses are going to ----- in our factory next year.
a. be produced b. be producing c. produced d. produce
51. For a long time, the planet Mars ----- to support some sort of life.
a. was believed b. believing c. is believed d. believed
52. Dialects develop when groups of people in the same geographical area have little contact. This can happen when people ----- apart by economic, or social conditions.
a. keep b. are kept c. will keep d. will have been kept
53. Mars is the only planet with conditions anything like those on the Earth and for a long time ----- to support some form of life.
a. is believed b. believing c. believed d. was believed
54. We now know that the regular movements of the Sun across the sky ----- by the Earth's turning.
a. causes b. causing c. being caused d. is caused

55. Mona Lisa ----- by Leonardo da Vinci as far as I -----.
- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| a. was painted – known | b. was painted – am known |
| c. has been painted – am known | d. has been painted – know |
56. One of the most famous books in the world is the Gutenberg Bible. As much as half a million dollars ----- for a single copy of it.
- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| a. had paid | b. has paid |
| c. has been paid | d. had been paid |
57. My bag ----- in the classroom yesterday, but my friend found it.
- | | | | |
|----------------|--------------------|-------------------|-------------------|
| a. left | b. was left | c. is left | d. leaving |
|----------------|--------------------|-------------------|-------------------|
58. According to the report, this car factory ----- an incredible 100 cars per hour.
- | | | | |
|--------------------|-------------------------|------------------------|-----------------------|
| a. produces | b. have produced | c. will produce | d. is produced |
|--------------------|-------------------------|------------------------|-----------------------|
59. It ----- that the Earth is over four and a half billion years old.
- | | | | |
|----------------------|-----------------------|----------------------|-----------------------|
| a. is thought | b. is thinking | c. be thought | d. was thought |
|----------------------|-----------------------|----------------------|-----------------------|
60. The door at the back of the building ----- to keep the thieves off.
- | | | | |
|-----------------|------------------------|----------------------------|----------------------|
| a. close | b. had to close | c. had to be closed | d. had closed |
|-----------------|------------------------|----------------------------|----------------------|
61. The boss wanted the wall ----- as immediately as possible.
- | | | | |
|--------------------|------------------------|----------------------|-----------------|
| a. to break | b. to be broken | c. will break | d. broke |
|--------------------|------------------------|----------------------|-----------------|
62. Parents complain that there aren't enough quality programs on TV which ----- for children.
- | | | | |
|-------------------------|-----------------------|---------------------|--------------------------|
| a. will be shown | b. are showing | c. are shown | d. has been shown |
|-------------------------|-----------------------|---------------------|--------------------------|
63. People should ----- how to use energy properly.
- | | | | |
|---------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------|
| a. be taught | b. be teaching | c. have taught | d. teach |
|---------------------|-----------------------|-----------------------|-----------------|
64. He ----- by the fireman not to return to the house because it was very dangerous.
- | | | | |
|------------------|---------------------------|----------------------|---------------------|
| a. warned | b. has been warned | c. was warned | d. is warned |
|------------------|---------------------------|----------------------|---------------------|
65. Many new houses ----- every year but the problem of housing is still there.
- | | | | |
|-----------------|-----------------|---------------------|-----------------------|
| a. built | b. build | c. are built | d. would build |
|-----------------|-----------------|---------------------|-----------------------|
66. All the cake ----- eaten by the hungry children since their mother left them alone.
- | | | | |
|--------------------|----------------------|---------------|----------------|
| a. has been | b. have being | c. was | d. were |
|--------------------|----------------------|---------------|----------------|
67. I saw an accident. Somebody called an ambulance but nobody -----.
- | | | | |
|-----------------------|-------------------|---------------------------|-----------------------|
| a. was injured | b. injured | c. will be injured | d. had injured |
|-----------------------|-------------------|---------------------------|-----------------------|
68. The footballer ----- out of the field because of his shouting back at the other player.
- | | | | |
|----------------|-------------------|-----------------------|--------------------|
| a. sent | b. is sent | c. was sending | d. was sent |
|----------------|-------------------|-----------------------|--------------------|
69. He didn't go to his friend's party because he ----- to go there.
- | | | | |
|---------------------------|---------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| a. was not invited | b. had not invited | c. wouldn't be invited | d. hadn't been invited |
|---------------------------|---------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
70. John told me that I ----- to represent my class.
- | | | | |
|---------------------|---------------------------|----------------------|----------------------------|
| a. am chosen | b. had been chosen | c. had chosen | d. have been chosen |
|---------------------|---------------------------|----------------------|----------------------------|
71. The TV viewers were too sleepy to keep their eyes open while the movie -----.
- | | | | |
|---------------------------|---------------------|---------------------|--------------------------|
| a. was being shown | b. had shown | c. was shown | d. had been shown |
|---------------------------|---------------------|---------------------|--------------------------|
72. By two o'clock yesterday, they ----- about the accident.
- | | |
|------------------------------|-------------------------------|
| a. have been informed | b. have informed |
| c. had been informed | d. were being informed |

73. Look at the little kid. He's really dirty. He needs -----.
- a. to be washed b. wash c. to wash d. to washing
74. The bridge which ----- two years ago, is said to be unsafe.
- a. was built b. builds c. building d. has been built
75. The English Language ----- nearly all over the world nowadays.
- a. has spoken b. have been spoken c. is spoken d. will be speaking
76. The winter Olympic Games ----- held in countries with snow covered mountains since 1924.
- a. have been b. had been c. have d. had
77. I believe the best way to learn a foreign language is to learn it in the country where it -----.
- a. speaks b. spoke c. is speaking d. is spoken
78. While I was on holiday, my bag ----- from my hotel room.
- a. steals b. was stolen c. had stolen d. has stolen
79. When we got to the stadium, we found that the game -----.
- a. had been cancelled b. had cancelled
c. has been cancelled d. would cancel
80. How many times ----- these shoes ----- since you bought them?
- a. were – repaired b. did – repair c. have – repaired d. have - been repaired
81. I can't use my office at the moment. It -----.
- a. is going to paint b. is being painted c. is painted d. is been painted
82. The manager ordered the letter ----- in English.
- a. to write b. has written c. to be written d. is writing

پاسخنامه سوالات گرامر جملات معلوم و مجهول:

Grammar Tests (Passive & Active Sentences)																	
1	D	11	B	21	D	31	B	41	C	51	A	61	B	71	A	81	B
2	C	12	A	22	B	32	A	42	D	52	B	62	C	72	C	82	C
3	B	13	B	23	D	33	B	43	A	53	D	63	A	73	A		
4	D	14	D	24	A	34	C	44	B	54	D	64	C	74	A		
5	D	15	D	25	A	35	C	45	D	55	D	65	C	75	C		
6	D	16	D	26	B	36	A	46	D	56	C	66	A	76	A		
7	C	17	C	27	C	37	B	47	A	57	B	67	A	77	D		
8	A	18	D	28	B	38	B	48	C	58	A	68	D	78	B		
9	B	19	C	29	C	39	D	49	A	59	A	69	D	79	A		
10	C	20	C	30	B	40	B	50	A	60	C	70	B	80	D		

۴۳ تست آموزشی و دستگرمی گرامر عبارات الحاقی "Tag Questions"

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

1. Do not talk to me whenever I am studying, -----?
a. won't you b. do you c. aren't I d. will you
2. This winter is not very cold, -----?
a. isn't it b. does it c. won't it d. is it
3. My father hardly plays football with us whenever he free, -----?
a. doesn't he b. don't we c. does he d. do we
4. Somebody rang while you were taking a shower, -----?
a. didn't they b. weren't you c. didn't he d. were they
5. Come sit beside me to read you a story, -----?
a. won't you b. won't I c. don't we d. do you
6. We're having a small tea party for one of our friends who's leaving next week, -----?
a. isn't he b. aren't we c. haven't we d. doesn't he
7. I'm ashamed to be seen with you when you behave to badly, -----?
a. isn't he b. aren't I c. haven't we d. doesn't he
8. We had a great day out at the amusement park, -----?
a. don't we b. didn't we c. had we d. will we
9. He said he had to be at his cousin's engagement party that evening, -----?
a. did his cousin b. didn't they c. hadn't he d. didn't he
10. Let's take a nice hotel in this beautiful city and enjoy ourselves, -----?
a. will we b. do we c. shall we d. don't we
11. Water boils at 100 °C, -----?
a. it doesn't b. it does c. doesn't it d. isn't there
12. No one stays with the old woman in the hotel, -----?
a. is he b. do they c. isn't he d. doesn't he
13. He's been very successful, -----?
a. isn't he b. hasn't he c. wasn't he d. doesn't he
14. She ----- a sandwich for herself, didn't she?
a. orders b. didn't order c. hasn't order d. ordered
15. You never promised me the car would be ready on Monday, -----?
a. did you b. didn't you c. wouldn't it d. would it
16. James built the first steam engine, -----?
a. did he b. does he c. didn't he d. doesn't he
17. Our teacher speaks English fast, -----?
a. does he b. doesn't he c. does the teacher d. doesn't the teacher
18. The teacher let students play a game in class, ----- he?
a. didn't b. doesn't c. did d. does

19. The meeting's at four o'clock, -----?
 a. isn't it b. isn't there c. doesn't it d. doesn't there
20. You will see Ali tomorrow, -----?
 a. do you b. will you c. don't you d. won't you
21. Their team didn't play well, but they were lucky to win the match, -----?
 a. did they b. weren't they c. didn't they d. don't they
22. If you can't access your account, you have to call the service center, -----?
 a. can you b. have you c. can't you d. don't you
23. Raman rarely tells lie, -----?
 a. does he b. doesn't he c. does Raman d. doesn't Raman
24. He always tells the truth, -----?
 a. does he b. doesn't he c. isn't he d. he isn't
25. They'll go home soon, -----?
 a. will they b. they will c. won't they d. they won't
26. Your parents are very rich, -----?
 a. weren't they b. aren't they c. don't they d. didn't they
27. You wouldn't do a thing like that, -----?
 a. do you b. don't you c. wouldn't you d. would you
28. He didn't paint it himself, -----?
 a. does he b. he didn't c. did he d. didn't he
29. Your grandfather lived in China, -----?
 a. doesn't he b. don't they c. didn't he d. didn't they
30. You can come, -----?
 a. can't you b. can't I c. can you d. can I
31. My friend and I will take part in the party tomorrow, -----?
 a. will I b. won't I c. will we d. won't we
32. Students should have some respect for their teachers, -----?
 a. shouldn't he b. haven't student c. haven't they d. shouldn't they
33. Your sister isn't very clever, -----?
 a. isn't your sister b. is your sister c. isn't she d. is she
34. There won't be enough food, -----?
 a. be there b. will there c. is there d. is it
35. People like that can't decide on anything, -----?
 a. can they b. can people c. do they d. do people
36. Most of them don't speak more than one language, -----?
 a. do most of them b. don't most of them c. do they d. do them
37. There is not any other way to do it, -----?
 a. is it b. isn't it c. is there d. doesn't it

38. Because he had no reason to lie, it must be true, -----?
a. didn't he b. must he c. must it d. mustn't it
39. Which of the following statements (Questions 39 - 41) is **NOT** the correct beginning of the sentence?
 -----, did they?
a. They didn't want to get up this morning early
b. They never visited their elder parents who were sick
c. They neither intended to go out nor to play football
d. They had enough money to pay their rent and their bill
40. -----, do we?
a. We have little fruit in the fridge to tonight
b. Alireza and I don't have to finish our water in the desert
c. We have a few friends who are useful in case of emergency
d. My father and I have few books to sell
41. -----, aren't we?
a. We are watching TV programs that are about endangered animals
b. We're going to travel to one of the famous historical sites in Italy with 4 of our Italian friend
c. We are playing football with our English friends because they always win the game
d. We often try to listen to the advice of our elders because they have gained lots of experience
42. Which of the following statements is grammatically wrong?
a. Don't open the door before I signal you, do you?
b. I'm not the student who won the gold medal, am I?
c. Close the window and light bulb, won't you?
d. She had to study English instead of mathematics at the university, didn't she?
43. Which of the following statements is grammatically wrong?
a. Fortunately, there has been little crime for which many people should be kept in prison, has there?
b. I had seen many wonderful places in European countries before I came back, didn't I?
c. Unfortunately, few people in this town have good job to meet their family's basic needs, haven't they?
d. Let's find an interesting movie that has been produced by one of the Italian filmmakers, shall we?

پاسخنامه سؤالات گرامر عبارات الحاقی:

Grammar Tests (Tag Questions)																	
1	D	6	B	11	C	16	C	21	A	26	B	31	D	36	C	41	D
2	A	7	B	12	B	17	B	22	D	27	D	32	D	37	C	42	A
3	C	8	B	13	B	18	A	23	A	28	C	33	D	38	D	43	C
4	A	9	D	14	D	19	A	24	B	29	C	34	B	39	D		
5	A	10	C	15	A	20	D	25	C	30	A	35	C	40	C		

۳۹ تست آموزشی و دستگرمی کلمات ربط " Conjunctions "

سطح تستها: کنکوری - استاندارد

1. The grammar test on conditional sentences was very long, ----- it took a long time to finish.
a. but b. so c. while d. or
2. We can eat our lunch at the restaurant, ----- we can have it at home.
a. yet b. but c. or d. while
3. Tim seemed thirsty with dried lips, ----- he refused to drink the water I offered to him.
a. since b. or c. so d. but
4. Behnam's family went to the museum last week, ----- they did not enjoy it a lot.
a. if b. and c. but d. so
5. All of my students studied hard for their exams, ----- they passed them successfully.
a. and b. for c. or d. so
6. Our English teacher is a very strict person, ----- all of the students really like him.
a. when b. but c. so d. or
7. Their school books were really boring, ----- they had to read them carefully.
a. yet b. or c. when d. but
8. The tennis player had knee surgery in October, ----- she took the rest of the season off.
a. so b. while c. but d. or
9. There have been fewer orders for our new products, ----- many employees in the factory are afraid of losing their job.
a. so b. since c. but d. or
10. Susan has lived in Spain since 2014, ----- she hasn't learned to speak Spanish yet.
a. or b. so c. nor d. but
11. Raman bought apples, oranges, carrots, lemons ----- potatoes from the market in the city center.
a. Where b. so c. and d. nor
12. We will visit Australia, ----- New Zealand during our next vacation.
a. and b. but c. so d. yet
13. My teeth were hurting, ----- I made an appointment to go to the dentist.
a. or b. so c. but d. and
14. Have you seen, ----- heard the latest musical by Andrew Lloyd Webber?
a. but b. so c. or d. for
15. I wanted to go to the rock concert, ----- all the tickets were already sold out.
a. so b. but c. and d. yet
16. I wanted to eat sushi for dinner, ----- I went to a Japanese restaurant.
a. but b. so c. or d. and
17. I wanted to eat fish for lunch, ----- the fish and chip shop had closed for the day.
a. or b. but c. so d. for
18. I am going to do my homework, ----- take a shower as soon as I get home from school.
a. yet b. but c. so d. or
19. He wanted to watch a soccer match on television, ----- his wife was already watching another program.
a. but b. so c. or d. and

20. My brother wanted to buy a novel, ----- he went to the book store after he finished work.
a. so **b. or** **c. but** **d. yet**
21. I wanted to visit my grandmother last week, ----- she had an accident and had to be taken to hospital.
a. but **b. or** **c. so** **d. for**
22. Men smoke less than in the past, ----- the number of women smoking is on the rise.
a. for **b. but** **c. so** **d. yet**
23. We did not expect to win the final game, ----- our team had not won a game all season.
a. so **b. nor** **c. but** **d. for**
24. There were some injured players in our football team, ----- we could win match easily.
a. nor **b. and** **c. so** **d. yet**
25. She has not told anyone what you said, ----- has she given any sign that something is wrong.
a. either **b. nor** **c. not only** **d. so**
26. The police had attacked the club, ----- someone had reported the sale of the illegal drugs.
a. and **b. while** **c. for** **d. nor**
27. Scarlett ironed all the clothes, washed the dishes, ----- she wiped the floor before she went to bed.
a. so **b. and** **c. but** **d. yet**
28. Raman is very busy today ----- he cannot watch the soccer match on TV.
a. either **b. neither** **c. both** **d. so**
29. Mahdi ----- took a shower nor brushed her teeth last night because he had been very tired.
a. either **b. both** **c. where** **d. neither**
30. The students finally decided ----- to go out and to have their sandwiches in the break.
a. either **b. nor** **c. so** **d. both**
31. Neither the blue shirt ----- the red one is available in medium size.
a. nor **b. and** **c. for** **d. so**
32. I will both call you ----- send you a message before midnight.
a. and **b. nor** **c. or** **d. but**

Choose one of the following statements from 33 to 39 which best completes the sentences.

33. My biology professor helped me to graduate school, -----.
a. but he encouraged me for a graduate scholarship
b. and he encouraged me for a graduate scholarship
c. nor he encouraged me for a graduate scholarship
d. so he encouraged me for a graduate scholarship
34. You can stay home and study for the exam, -----.
a. for you can go out and enjoy yourself **b. so you can go out and enjoy yourself**
c. but it can go out and enjoy yourself **d. or you can go out and enjoy yourself**
35. A newborn kangaroo's eyes are not open completely, -----.
a. and it can find its mother's pouch
b. so it can find its mother's pouch
c. but it can find its mother's pouch
d. after it can find its mother's pouch

36. I have been working hard all year, -----.
- but I am going to take a vacation during the summer
 - or I am going to take a vacation during the summer
 - so I am going to take a vacation during the summer
 - nor I am going to take a vacation during the summer
37. My older brother keeps to himself and has few friends, -----.
- since my younger one makes friends easily and is very popular
 - so my younger one makes friends easily and is very popular
 - who my younger one makes friends easily and is very popular
 - but my younger one makes friends easily and is very popular
38. Mr. Rahimi should stop smoking cigarettes immediately, -----.
- or he will get seriously ill
 - but he will get ill seriously
 - nor will he seriously ill get
 - for he will seriously ill get
39. Our teacher has given us a lot of homework, -----.
- and she is going to give a test next Monday
 - but she is going to give a test next Monday
 - when she is going to give a test next Monday
 - so she is going to give a test next Monday

پاسخنامه سؤالات گرامر کلمات ربط :

Grammar Tests (Conjunctions)															
1	B	6	B	11	C	16	B	21	A	26	C	31	A	36	C
2	C	7	D	12	A	17	B	22	D	27	B	32	A	37	D
3	D	8	A	13	B	18	D	23	D	28	D	33	B	38	A
4	C	9	A	14	C	19	A	24	D	29	D	34	D	39	A
5	D	10	D	15	B	20	A	25	B	30	D	35	C		

۱۰۰ تست واژگان درس اول پایه دوازدهم Vocabulary Tests (Lesson 1)

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات درس اول دوازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

1. Their first ----- to climb Everest ended in failure.
a. test b. attempt c. temperature d. exercise
2. As parents, it's our moral duty to teach our children to ----- other people's opinions.
a. produce b. honor c. power d. burst
3. It is surely the ----- of the wealthy members of the society to help those who are economically weak.
a. duty b. matter c. point d. case
4. It was a great job to do and you help me a lot. I really don't know how to ----- you.
a. hate b. describe c. appreciate d. burst
5. Maryam seems to be ----- the job of running the company very well, but it's really too soon to judge.
a. promoting b. protecting c. handling d. boosting
6. He had been caught while trying to steal the bike, but the police had to release him because of ----- evidence.
a. strategy b. lack c. while d. availability
7. After they had taken my brother to hospital, I tried to say how ----- we all were for his great help.
a. shameful b. cruel c. peaceful d. grateful
8. Those people who donate their blood voluntarily to help sick people are ----- of our respect.
a. lovely b. worthy c. main d. ancient
9. Icy road conditions in Tehran ----- in two roads being closed as well as major road accidents.
a. replied b. ended c. checked d. matched
10. I go to English class four ----- a week. Sometimes I find it really boring.
a. times b. periods c. rings d. sizes
11. After that terrible earthquake in Kermanshah, many people were ready to ----- blood to the patients.
a. prepare b. donate c. produce d. save
12. After our teacher gave a lecture, he expected us to ask him ----- questions about his speech.
a. unnatural b. confused c. confident d. meaningful
13. One of our relatives started his own business in Isfahan industrial city and ----- over 1500 jobs.
a. generated b. built c. reflected d. weaved
14. We have planned to go out for dinner ----- between this week and the following.
a. often b. rarely c. sometimes d. sometime
15. We want to show our ----- to all the staff who try in providing our local National Health Services.
a. recognition b. dedication c. situation d. appreciation
16. He complained that the doctor's ----- towards him had been inappropriate.
a. location b. behavior c. rule d. conversation
17. Just as the Apple computer appeared, two researchers ----- a company called Adobe and developed the laser printer.
a. founded b. discovered c. narrated d. installed
18. This year, scientists ----- water instead of ice at the North Pole for the first time.
a. invented b. discovered c. lowered d. provided

19. Nurses who ----- the elderly in Tehran are to explain their role at a special meeting next month.
a. respect **b. care for** **c. deserve** **d. check**
20. To analyze the data we employed a / an -----of qualitative and simple quantitative techniques.
a. attention **b. competition** **c. definition** **d. combination**
21. So far, managers have refused to ----- or deny reports that up to 200 jobs are to go.
a. spare **b. confirm** **c. regard** **d. distinguish**
22. The driver should ----- at a yellow signal and come to a complete stop at a red light.
a. pause **b. record** **c. catch** **d. boost**
23. She was angry because her boss increased her ----- in her job, but he didn't increase her salary.
a. duties **b. feelings** **c. values** **d. inspirations**
24. Excuse me, I think you've ----- a mistake in our bill.
a. had **b. made** **c. done** **d. given**
25. We will ----- no efforts to find out who did this.
a. forgive **b. spare** **c. confirm** **d. dedicate**
26. Happiness isn't about getting what you want. It's about loving and being ----- for what you have received.
a. grateful **b. powerful** **c. meaningful** **d. depressed**
27. We received your invitation and are sorry to ----- you that we won't attend the conference.
a. connect **b. confirm** **c. inform** **d. dedicate**
28. This ----- of students doesn't seem to care about school as much as their parents.
a. tradition **b. inspiration** **c. installation** **d. generation**
29. I would be most ----- if you would send me the book immediately.
a. hopeful **b. dedicated** **c. grateful** **d. responsible**
30. The name of the dead man will not be released until his relatives have been -----.
a. invited **b. appreciated** **c. respected** **d. informed**
31. Koalas and humans are the only animals with unique fingerprints and, in fact, koala fingerprints cannot be ----- from human fingerprints.
a. distinguished **b. replaced** **c. informed** **d. discovered**
32. A police detective often finds himself in the position of having to ----- between a lie and a truth.
a. forgive **b. dedicate** **c. mention** **d. distinguish**
33. Jane suddenly ----- tears thinking about leaving this place and all of her friends for 3 years.
a. look for **b. care for** **c. take care of** **d. burst into**
34. The music was loud at the party, and ----- I could not hear what you were saying.
a. whereby **b. by accident** **c. hence** **d. aloud**
35. Although the excellent worker ----- a pay raise, his strict boss refuses to give him extra money.
a. inform **b. boost** **c. deserve** **d. provide**
36. The book I got out of the library ----- the information I needed to finish my report, so I'll have to find a better one.
a. born **b. lacked** **c. improved** **d. signaled**
37. Serious actions must be taken to prevent more accidents. Roads are not capable of carrying heavy traffic and our rules seem not to ----- effectively.
a. protect **b. function** **c. disagree** **d. defend**

38. He ----- his little brother for breaking his toy airplane, but warned him to be more careful.
a. forgave **b. signaled** **c. mentioned** **d. distinguished**
39. Check that any medicine you are taking ----- no risk for your developing baby.
a. builds **b. identifies** **c. generates** **d. carries**
40. Although it may not be the best -----, we are hoping that closing the center two days a week will help up save money.
a. inspiration **b. solution** **c. location** **d. connection**
41. Police hoped that showing the missing girl's face on the news would ----- new interest in her case.
a. lower **b. compare** **c. pause** **d. generate**
42. We are a one-income family now; ----- we will not be taking two vacation trips this year.
a. sometime **b. when** **c. hence** **d. once**
43. Not -----, it was much appreciated by Hitler and the Nazi immigration lawyers.
a. unconditionally **b. hopefully** **c. surprisingly** **d. seriously**
44. Because of their cultural -----, the Wang family still celebrates Chinese New Year every year.
a. difference **b. process** **c. heritage** **d. generation**
45. It is our ----- that makes us who we are and how we are different from everybody else.
a. sense of belonging **b. sense of appreciation**
c. sense of identity **d. sense of responsibility**
46. I'd never ----- myself if anything happened to the kids.
a. shout **b. forgive** **c. found** **d. regard**
47. She has always been encouraged to swim to build up the ----- of her muscles.
a. feeling **b. difference** **c. description** **d. strength**
48. Whenever she tried to have a ----- conversation with her friend, he always changed the subject to a new one.
a. countless **b. meaningful** **c. religious** **d. compound**
49. If you do not ----- your parents of where you will be when you leave the house, it only makes sense that they would worry about you.
a. inform **b. feed** **c. provide** **d. confirm**
50. The ----- solider is remembered by his family and friends as a trustworthy person who would help anyone in need.
a. honorable **b. curious** **c. unreal** **d. passive**
51. The beautiful forests of this country are part of our national ----- and must be protected.
a. elicitation **b. generation** **c. heritage** **d. inspiration**
52. Researchers have found that one ----- of the brain is to produce substances that can improve your health.
a. collection **b. distribution** **c. function** **d. solution**
53. Although I don't always show it, I ----- my mother-in-law as a woman of wisdom.
a. shout **b. regard** **c. boost** **d. born**
54. The clinic provides free ----- for elderly and infirm people who lack health insurance.
a. look **b. dedicate** **c. care** **d. ask**
55. The happiest are not those who own all the best things, but those who can ----- the beauty of life.
a. boost **b. regret** **c. appreciate** **d. bless**

56. Even an expert would find it hard to ----- between the original painting and the copy.
a. distinguish **b. identify** **c. inspire** **d. belong**
57. A generous businessman ----- three million dollars to the charity.
a. donated **b. respected** **c. cured** **d. hugged**
58. I ----- two mistakes in my exam.
a. took **b. did** **c. made** **d. do**
59. He's a very kind doctor. He's completely ----- to his work.
a. dedicated **b. religious** **c. generous** **d. cruel**
60. I was sitting ----- the sofa and having a ----- meal.
a. on - quick **b.at - fast** **c. on -fast** **d. at - quick**
61. "Do you remember much about the accident?" "No, it all happened so -----."
a. repeatedly **b. suddenly** **c. quietly** **d. wonderfully**
62. Because of so much noise rising from the engine, we had to ----- to hear each other clearly.
a. reply **b. respect** **c. shout** **d. point**
63. While we were sitting in the living room, our aunt came in. She was very happy to see us, ----- and kissing everybody kindly.
a. hugging **b. calming** **c. running** **d. caring**
64. A good teacher knows how to use the educational technologies to teach the subjects and ----- the right feedback from his students.
a. signal **b. elicit** **c. spoil** **d. translate**
65. When students become anxious during a test, they may ----- tell themselves they are going to fail, or that their teacher will become angry with them if they perform poorly.
a. commonly **b. exactly** **c. repeatedly** **d. perfectly**
66. Although everybody believes that he must be punished for what he did, there are few who suppose he ----- all that penalty.
a. handled **b. deserved** **c. regarded** **d. founded**
67. Three years ago, they began their life with great love, but now unfortunately, they want to get a divorce, because they ----- agree on what to do.
a. usually **b. rarely** **c. shortly** **d. sadly**
68. He was one of the Australia's most ----- artists, known for his paintings of nature.
a. distinguished **b. oral** **c. frightening** **d. quiet**
69. The elderly people have plenty of experience and knowledge to share with younger generations, therefore, behaving towards them with ----- should be duty to all of us.
a. respect **b. relation** **c. rudeness** **d. repetition**
70. She has observed something unusual in her father's ----- recently. I think it is absolutely necessary for him to go to a psychologist.
a. physician **b. behavior** **c. medicine** **d. professor**
71. A part of her might never ----- him for what he did, and that was a dark part of her personality that she didn't want him to see.
a. explain **b. prevent** **c. participate** **d. forgive**
72. Jalal Al Ahmad is a ----- writer in Iran.
a. distinguished **b. regretful** **c. cruel** **d. quiet**

73. Children often ----- at one another because they don't have the skills to solve disagreements appropriately.
a. look **b. add** **c. shout** **d. start**
74. The broken - hearted father was sad to learn that the airbag had failed to ----- his daughter during the car crash.
a. report **b. protect** **c. cause** **d. take**
75. The students were extremely under ----- to obey the school rules not to wear jeans, or they couldn't attend the classes.
a. donate **b. pressure** **c. care** **d. strength**
76. Six people have ----- that they will attend the meeting but ten people haven't replied yet.
a. confirmed **b. discovered** **c. combined** **d. inspired**
77. My mother ----- every hour of the day to take care of us while my father was away at work.
a. founded **b. dedicated** **c. shared** **d. regarded**
78. Parents need to encourage a sense of ----- in their children in order to behave in a way that will not harm themselves or other people.
a. identity **b. humor** **c. appreciation** **d. inspiration**
79. Some of the managers give really helpful ----- to improve the quality of working lives in the society.
a. responsibility **b. protection** **c. combination** **d. cure**
80. Always keep your head up, because if it's down you won't be able to see the ----- that have been placed in your life.
a. generation **b. solution** **c. guideline** **d. blessing**
81. As I know, the author ----- no documentary references to support her statements.
a. distinguishes **b. shows** **c. provides** **d. concerns**
82. She can't go out to work because she has to stay at home to ----- her elderly mother.
a. hug **b. look for** **c. care for** **d. bring up**
83. The charity uses pictures of small children on its website to ----- the support of the public.
a. elicit **b. boost** **c. protect** **d. donate**
84. Most working environments are improved by ----- of a few plants and pictures.
a. feeling **b. correction** **c. addition** **d. installation**
85. The successful marketing of the new product has already ----- sales and increased profits.
a. boosted **b. spared** **c. protected** **d. succeeded**
86. None of us had enough money to invest in a business so we decided to ----- what we've got.
a. achieve **b. retire** **c. combine** **d. reply**
87. We plan to organize a special party to celebrate the 50th anniversary of ----- of the company.
a. leaving **b. feeding** **c. finding** **d. founding**
88. I'll never forget the date of the first day I met my wife. I've written all the special dates in my -----.
a. arrow **b. diary** **c. artifact** **d. souvenir**
89. The company like to ----- wind turbines on the mountain and use them as a source of energy.
a. carry **b. install** **c. record** **d. form**
90. The organization works on the ----- that all members have the same rights.
a. metal **b. role** **c. principle** **d. order**
91. I don't think she's ever quite ----- me for calling her name wrong that time.
a. forgiven **b. forgotten** **c. invented** **d. paid**

92. We have ----- received complaints from our customers. They still send us lots of emails.
a. beautifully **b. probably** **c. powerfully** **d. repeatedly**
93. She was grateful for the help and baked them a cake as a sign of her -----.
a. agreement **b. selection** **c. appreciation** **d. importance**
94. When he saw many examples of immoral acts, he wrote an article criticizing the society for its lack of -----.
a. identities **b. entertainments** **c. ethics** **d. diversities**
95. Animals should not be kept in zoos and we should take them back to where they -----.
a. attend **b. consider** **c. belong** **d. carry**
96. The book has 360 pages, ----- an introduction and 20 chapters.
a. weaving **b. combining** **c. including** **d. recognizing**
97. For me, going to college is just a means to -----, a way to get better job.
a. an end **b. an aid** **c. a right** **d. a profit**
98. The mother asked the teacher to kindly keep her ----- her child's progress at school.
a. informed of **b. friendly towards** **c. careful about** **d. interested in**
99. I am tired of you; please don't complain about things, you are not ----- to work hard to change.
a. willing **b. social** **c. specific** **d. responsible**
100. It is exiting to do something that really ----- a difference in your community.
a. does **b. gets** **c. make** **d. acts**

پاسخنامه تستهای واژگان درس اول:

Vocabulary Tests

Page: 308 - 313

1	B	11	B	21	B	31	A	41	D	51	C	61	B	71	D	81	C	91	A
2	B	12	D	22	A	32	D	42	C	52	C	62	C	72	A	82	C	92	D
3	A	13	A	23	A	33	D	43	C	53	B	63	A	73	C	83	A	93	C
4	C	14	D	24	B	34	C	44	C	54	C	64	B	74	B	84	C	94	C
5	C	15	D	25	B	35	C	45	C	55	C	65	C	75	B	85	A	95	C
6	B	16	B	26	A	36	B	46	B	56	A	66	B	76	A	86	C	96	C
7	D	17	A	27	C	37	B	47	D	57	A	67	B	77	B	87	D	97	A
8	B	18	B	28	D	38	A	48	B	58	C	68	A	78	C	88	B	98	A
9	B	19	B	29	C	39	D	49	A	59	A	69	A	79	B	89	B	99	A
10	A	20	D	30	D	40	B	50	A	60	A	70	B	80	D	90	C	100	C

ترجمه تستهای واژگان درس یکم: صفحه ۳۰۸ تا ۳۱۳

۱- (b) اولین **تلاش** آن ها برای فتح کردن اورست با شکست مواجه شد.

۲- (b) به عنوان والدین، این وظیفه ی اخلاقی ما است که به بچه هایمان یاد دهیم تا به نظرات دیگران **احترام بگذارند**.

۳- (a) مطمئناً **وظیفه** ی اعضای ثروتمند جامعه می باشد تا به آن هایی که از لحاظ اقتصادی ضعیف می باشند کمک کنند.

۴- (c) کار بسیار بزرگی بود و بار بزرگی از شانه های من برداشتی. واقعا نمیدانم که چگونه از شما **قدردانی کنم**.

۵- (c) مریم به نظر می رسد که از **عهده ی کار** اداره ی شرکت به خوبی **بر می آید**، اما برای قضاوت بسیار زود است.

۶- (b) او وقتی داشت دوچرخه را می دزدید دستگیر شده بود، اما پلیس باید او را به دلیل **عدم** شواهد آزاد می کرد.

۷- (d) پس از اینکه آن ها برادرم را به بیمارستان رسانده بودند، سعی کردم در سخنانم بگویم که چقدر همه ی ما برای این کمک بزرگشان

قدردان هستیم.

۸- (b) آن افرادی که هر ساله به طور داوطلبانه برای کمک به بیماران خونشان را اهدا می کنند، **شایسته** ی احترام ما هستند.

۹- (b) شرایط جاده یخی در تهران به بسته شدن دو جاده به همراه تصادفات جاده ای اصلی **منتهی شد**.

۱۰- (a) من چهار **بار** در هفته به کلاس زبان می روم. بعضی اوقات این کلاس ها خیلی خسته کننده به نظر می رسند.

۱۱- (b) بعد از آن زلزله ی وحشتناک در کرمانشاه، میلیون ها افراد حاضر بودند به بیماران خون **اهدا کنند**.

۱۲- (d) پس از اینکه معلممان درباره ی گرمایش جهانی تدریس کرد، از ما انتظار داشت که از او سوالات **معناداری** درباره ی توضیحاتش

بپرسیم.

۱۳- (a) یکی از خویشاوندانمان کسب و کار خودش را در شهر صنعتی اصفهان شروع کرد و بیش از ۱۵۰۰ شغل **ایجاد نمود**.

۱۴- (d) ما برنامه داریم که بین این هفته و هفته بعدی، **یک زمانی** برای شام بیرون برویم.

۱۵- (d) ما می خواهیم تا از تمامی کارکنانی که در فراهم آوردن خدمات ملی بهداشت تلاش و کوشش کردند، **قدردانی کنیم**.

۱۶- (b) او شکایت کرد که **رفتار** دکتر نسبت به او نامناسب بوده است.

۱۷- (a) همزمان که کامپیوتر اپل ظاهر شد، دو محقق یک شرکتی را موسوم به ادوب **تأسیس کردند** و چاپگر لیزری را توسعه دادند.

۱۸- (b) دانشمندان امسال برای اولین بار به جای یخ در قطب شمال آب **کشف کردند**.

۱۹- (b) پرستارانی که از سالمندان در تهران **مراقبت می کنند**، قرار است در یک جلسه خاص در ماه آینده نقش خود را توضیح دهند.

۲۰- (d) ما برای تجزیه و تحلیل داده ها از **ترکیبی** از تکنیک های کیفی و کمی ساده استفاده کردیم.

۲۱- (b) مدیران تا کنون از **تأیید** یا رد گزارش هایی مبنی بر اینکه حداکثر ۲۰۰ شغل می بایست رد شوند، امتناع ورزیدند.

۲۲- (a) راننده باید با علامت زرد **مکث** کند و با یک علامت قرمز به توقف کامل برسد.

۲۳- (a) او عصبانی بود از اینکه رئیسش **وظایف** کاری او را زیاد کرده اما حقوق او را افزایش نداده است.

۲۴- (b) ببخشید، فکر می کنم در صورت حسابمان **اشتباه کرده اید**.

۲۵- (b) ما از هیچ تلاشی برای فهمیدن اینکه چه کسی اینکار را انجام داده **دریغ نخواهیم کرد**.

۲۶- (a) خوشبختی چیزی نیست که می خواهید به دست بیاورید، خوشبختی این است که آنچه که به دست آورده اید را دوست بدارید و به

خاطر آن **سپاسگذار** باشی.

۲۷- (c) ما اطلاعیه شما را دریافت کردیم و به **اطلاع می رسانیم** که متأسفانه در کنفرانس شرکت نخواهیم کرد.

۲۸- (d) به نظر می رسد این **نسل** از دانش آموزان به اندازه والدین خود به مدرسه اهمیت نمی دهند.

۲۹- (c) اگر بلافاصله کتاب را به من برسانید از شما بسیار **سپاسگزارم**.

۳۰- (d) طبق گزارش، نام مرد متوفی تا زمانی که خویشاوندانش **مطلع نشوند** افشا نخواهد شد.

۳۱- (a) کوالاها و انسان ها تنها حیواناتی هستند که دارای اثر انگشت منحصر به فرد می باشند در واقع اثر انگشت کوالاها را نمی توان از اثر انگشت انسان ها **تشخیص داد**.

۳۲- (d) یک کارآگاه پلیس اغلب در موقعیتی قرار می گیرد که بین دروغ و حقیقت **تمایز قائل شود**.

۳۳- (d) جین در حالی که به ترک کردن این محل و دوستانش به مدت سه سال فکر می کرد ناگهان **زیر گریه زد**.

۳۴- (c) صدای موزیک در مهمانی بلند بود و **در نتیجه** من نمی توانستم آنچه شما می گفتید را بشنوم.

۳۵- (c) اگر چه کارگر عالی **مستحق** افزایش حقوق است، اما رئیس ظالمش از دادن پول اضافی خودداری می کند.

۳۶- (b) کتابی که من به بیرون از کتابخانه آوردم **فاقد** اطلاعات مورد نیاز برای تمام کردن گزارش بود پس باید کتاب بهتری پیدا کنم.

۳۷- (b) کارهای جدی باید انجام شود تا از تصادف های بیشتر جلوگیری گردد. جاده ها گنجایش ترافیک سنگین را ندارند و مقررات ما به نظر می رسد به طور درست **عمل نمیکند**.

۳۸- (a) او برادر کوچکش را به خاطر شکستن هواپیمای اسباب بازی اش **بخشید**، اما از او خواست که بیشتر مواظب باشد.

۳۹- (d) دارویی را که شما **مصرف می کنید**، کنترل کنید تا برای کودک در حال رشدتان خطر نداشته باشد.

۴۰- (b) اگرچه شاید آن بهترین **راه حل** نباشد، (اما) ما امیدواریم که بسته بودن دو روز در هفته مرکز خرید به ما در پس انداز کردن پول کمک کند.

۴۱- (d) پلیس امیدوار بود که نشان دادن تصویر دختر گمشده در اخبار علاقه جدیدی به پرونده او **ایجاد کند**.

۴۲- (c) ما اکنون خانواده ای با یک درآمد هستیم (یک نفرمان شاغل است)، **از این رو** امسال دو سفر تعطیلات نخواهیم داشت.

۴۳- (c) **تعجبی ندارد** که، او بوسیله هیتلر و وکلای مهاجرت نازی ها بسیار مورد تقدیر واقع شد

۴۴- (c) بخاطر میراث فرهنگی عظیم شان، خانواده وانگ هنوز هر ساله، سال نو چینی را جشن می گیرند.

۴۵- (c) این **حس هویت** ماست که ما چه کسی هستیم و چگونه از دیگران متفاوت هستیم را شکل می دهد.

۴۶- (b) اگر اتفاقی برای بچه ها می افتاد هرگز خودم را **نمیبخشیدم**.

۴۷- (d) او همیشه به شنا کردن تشویق شده است تا **قدرت** ماهیچه هایش را بالا ببرد.

۴۸- (b) هر وقت که او سعی می کرد مکالمه **معنی داری** با دوستش داشته باشد، او همیشه موضوع را تغییر میداد.

۴۹- (a) اگر شما والدین خود را از جایی که می خواهید بروید هنگامی که خانه را ترک می کنید **مطلع نکنید**، این تنها باعث میشود که آن ها در مورد شما نگران شوند.

۵۰- (a) سرباز **شریف** توسط خانواده و دوستانش به عنوان یک شخص قابل اعتماد که در هنگام نیاز به هرکس کمک می کرد، به خاطر سپرده می شود.

۵۱- (c) جنگل های زیبای این کشور بخشی از **میراث** ملی ما هستند و باید حفاظت شوند.

۵۲- (c) محققان دریافتند که یکی از **عملکرد** های مغز، موادی را تولید می کند که می توانند سلامت شما را بهبود ببخشند.

۵۳- (b) گرچه من همیشه آن را نشان نمی دهم (از خودم بروز نمی دهم)، من مادر شوهرم را به عنوان زن با خردی **می نگرم**.

۵۴- (c) درمانگاه، **مراقبت های** رایگان برای سالمندان و افراد ناتوان که بیمه درمانی ندارند، فراهم می کند.

۵۵- (c) خوشبخت ترین ها کسانی نیستند که بهترین چیزها را برای خودشان دارند، بلکه کسانی هستند که می توانند از زیبایی زندگی **قدردانی کنند**.

۵۶- (a) حتی یک کارشناس، ممکن است در **تشخیص دادن** نقاشی اصلی و کپی به مشکل برخورد..

۵۷- (a) یک تاجر بخشنده سه میلیون دلار به خیریه **اهدا کرد**.

۵۸- (c) من در آزمونم دو **غلط داشتم**.

۵۹- (a) او یک دکتر بسیار مهربان است. او به راستی نسبت به حرفه ی خود از **خودگذشتگی** دارد.

۶۰- (a) من **روی** مبل نشسته بودم و در حال خوردن یک غذای **آماده** و **سریع** بودم.

۶۱- (b) آیا تو چیز زیادی درباره ی تصادف به خاطر داری؟ خیر... همه چیز خیلی **یهویی** اتفاق افتاد.

۶۲- (c) به خاطر سر و صدای زیاد موتور ما مجبوریم برای اینکه صدای هم رو بشنویم **داد بزنیم**.

۶۳- (a) وقتی در اتاق نشیمن نشسته بودیم، مادر بزرگمان وارد شد. او از دیدن ما خوشحال شد و همه را با محبت بوسید و **در آغوش گرفت**.

۶۴- (b) یک معلم خوب می داند که چگونه از تکنولوژی های آموزشی برای تدریس مطالب و **بیرون کشیدن** بازخورد درست از دانش آموزانش استفاده کند

۶۵- (c) وقتی دانش آموزان در طی یک آزمون نگران می شوند، ممکن است **مکرراً** به خودشان بگویند که آن ها قرار است مردود شوند، یا این که معلمشان از عملکرد ضعیفشان عصبانی خواهد شد.

۶۶- (b) اگر چه همه بر این باورند که او باید برای کاری که انجام داد تنبیه شود، اما تعداد کمی وجود دارند که فکر می کنند او **لایق** آن پناستی بود.

۶۷- (b) سه سال پیش، آن ها زندگی شان را با عشق زیاد آغاز کردند، اما متأسفانه اکنون می خواهند طلاق بگیرند، زیرا که آن ها **به ندرت** با هم درباره ی کاری که باید انجام دهند توافق دارند.

۶۸- (a) او یکی از **برجسته ترین** هنرمندان استرالیا بود که به خاطر نقاشی هایش از طبیعت معروف بود.

۶۹- (a) افراد مسن دارای تجربه و دانش زیادی برای به اشتراک گذاشتن با نسلهای جوان تر هستند، بنابراین با **احترام** رفتار کردن با آن ها باید وظیفه ی همه ما باشد.

۷۰- (b) او اخیراً چیزی غیر عادی در **رفتار** پدرش مشاهده کرده است. من فکر می کنم برای او کاملاً ضروری است که پیش یک روانشناس برود.

۷۱- (d) ممکن است بخشی از او هرگز او را به خاطر آن چه انجام داد **نبخشد** و آن قسمت تاریکی از شخصیت او بود که نمی خواست او ببیند.

۷۲- (a) جلال آل احمد یک نویسنده ی **برجسته** در ایران است.

۷۳- (c) کودکان اغلب بر (سر) یکدیگر **فریاد می زنند**، زیرا مهارت های ارتباطی برای حل مناسب اختلافات را ندارند.

۷۴- (b) پدر دل شکسته از فهمیدن این که کیسه هوا نتوانسته بود از دخترش در هنگام تصادف اتومبیل **محافظت کند**، اندوهگین بود.

۷۵- (b) دانش آموزان به شدت تحت **فشار** بودند تا از مقررات مدرسه درباره نپوشیدن شلوار جین پیروی کنند. در غیر این صورت، نمیتوانستند در کلاس ها حضور یابند.

۷۶- (a) شش نفر **تایید کرده اند** که حضور خواهند یافت و ده نفر هنوز جواب نداده اند.

۷۷- (b) مادرم همه ی ساعات روز را به نگه داری از ما چهار فرزندش **اختصاص** داد در حالی که پدرم بیرون در دریا بود.

۷۸- (c) والدین نیاز دارند احساس **مسئولیت** را در فرزندانشان تشویق کنند به این منظور که به طریقی رفتار کنند که به خودشان یا دیگران آسیب نرسانند.

۷۹- (b) برخی از مدیران **مسئولیت پذیری** خوبی برای بهبود کیفیت زندگی کاری در جامعه دارند.

۸۰- (d) همیشه سرتان را بالا بگیرید، برای اینکه اگر آن را پایین نگه دارید شما نمی توانید **نعمت های** که در زندگی تان واقع شده اند را ببینید.

۸۱- (c) همانطور که می دانم، نویسنده هیچ گونه منبع مستند برای حمایت از اظهاراتش **ارائه نداد**.

۸۲- (c) او نمی تواند برای کار به بیرون برود، زیرا مجبور است برای **مراقبت کردن** از مادر پیرش در خانه بماند.

۸۳- (a) خیریه از تصاویر بچه های کوچک در وب سایت خود استفاده می کند تا حمایت عموم را **موجب شود**.

۸۴- (c) بیشتر محیط های کار با **اضافه کردن** تعداد کمی گیاه و تصاویر بهبود می یابند.

۸۵- (a) نام تجاری موفق و بازاریابی محصول جدید، در حال حاضر فروش را **بالا برده** و سود را افزایش داده است.

۸۶- (c) هیچ کدام از ما پول کافی نداشتیم که در یک تجارت سرمایه گذاری کنیم، بنابراین تصمیم گرفتیم هر چه داشتیم **روی هم**

بگذاریم.

۸۷- (d) ما قصد داریم یک مهمانی ویژه به مناسبت جشن گرفتن پنجاهمین سالگرد **تاسیس** شرکت ترتیب دهیم.

۸۸- (b) هرگز تاریخ اولین روزی را که همسر ما ملاقات کردم فراموش نخواهم کرد. من همه تاریخ های خاص را در **دفترچه ی خاطراتم**

نوشته ام.

۸۹- (b) شرکت تمایل دارد توربین های بادی را روی کوه **نصب کند** و از آن ها به عنوان یک منبع انرژی استفاده کند.

۹۰- (c) آن سازمان روی این **اصل** که همه ی اعضا، حقوق برابر دارند، فعالیت می کند.

۹۱- (a) من فکر نمیکنم او تا کنون مرا به خاطر اشتباه صدا زدن اسمش **آندفعه** کاملا **بخشیده باشد**.

۹۲- (d) ما **به طور مکرر** اعتراضاتی از مشتری هایمان دریافت کرده ایم، "آنها هنوز ایمیل های زیادی به ما می فرستند."

۹۳- (c) او به خاطر کمک ممنون بود و برای آن ها به نشان **قدردانی اش** یک کیک پخت.

۹۴- (c) وقتی که او مثال های زیادی از کارهای غیر اخلاقی دید، مقاله ای در انتقاد به اجتماع برای فقدان **اخلاقیات** نوشت.

۹۵- (c) حیوانات نباید در باغ وحش نگه داشته شوند و باید آن ها را به جایی که **تعلق دارند** برگردانیم

۹۶- (c) آن کتاب ۳۶۰ صفحه دارد، **شامل** یک مقدمه و بیست فصل.

۹۷- (a) برای من، رفتن به دانشکده فقط وسیله ای برای رسیدن به **هدف** بود، راهی که بتوانم یک کار بهتر پیدا کنم.

۹۸- (a) مادر از معلم خواست تا لطف کند و او را از پیشرفت بچه اش در مدرسه **مطلع نماید**.

۹۹- (a) از دست تو خسته شده ام، لطفا دربارہ ی چیزهایی که **تمایل** نداری سخت کار کنی تا تغییرش دهی شکایت نکن.

۱۰۰- (c) انجام دادن کاری که باعث **ایجاد** تفاوت در جامعه شود هیجان انگیز می باشد.

یادداشت:

يادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

Lesson Two:

“Look it Up”

“معنی آن کلمه را پیدا کن”

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
abbreviation	مخفف	basement	زیر زمین
absent	غائب	battle	نبرد، جدال، رزم، ستیز، نزاع، جنگ
access	دسترسی یافتن، دسترسی، اجازه ورود	BC	قبل از میلاد مسیح
accessible	قابل دسترسی	behind	پشت، عقب، بعد از
accessibility	دسترسی	beige	رنگ کرمی - بژ
accidentally	به طور تصادفی	beings	موجودات
accurately	به درستی، به دقت، به طور صحیح	bilingual	دو زبانه
achieve	به دست آوردن	biography	زندگی نامه
achievement	دست آورد، موفقیت	biology	زیست شناسی
a couple of	یه چند تایی، تعداد کمی	body building	بدن سازی، پرورش اندام
admission	پذیرش، قبول - تصدیق، اجازه ورود	break	وقت استراحت - زنگ تفریح - شکستن
advance	پیشرفت، پیشرفت کردن	browser	جستجوگر
advanced	پیشرفته	body building	بدن سازی، پرورش اندام
aid	کمک کردن - دستیار	came to no fruit	بی ثمر بودن، بی فایده بودن
allow	اجازه دادن - تصویب کردن	can't afford	توانایی مالی نداشتن، استعانت مالی نداشتن
allowance	اجازه - پول تو جیبی، مقرری	capability	توانایی، قدرت، صلاحیت، قابلیت
although	اگرچه - هر چند - با اینکه	cause	علت، دلیل
ancient	باستانی، باستانی	changeable	متغیر، قابل تغییر
Antarctica	قطب جنوب	circumstance	محیط، پیرامون
anthill	تپه مورچه - خاکریز لانه سازی مورچه	claim	ادعا کردن، ادعا - مطالبه
antonym	متضاد	clue	سرنخ، اثر، نشان، راهنما
appear	ظاهر شدن	collocation	هم نشینی، هم آوایی - نظم، ترتیب
application	برنامه - کاربرد	colony	گروه، دسته
argue	جر و بحث کردن، استدلال کردن	combination	ترکیب
arm	بازو	combine	ترکیب کردن - متحد شدن
armed	مسلح، مسلح شده، مجهز، آماده جنگ	commercial	تجاری - بازرگانی
arrange	تنظیم کردن - مرتب کردن	common	عادی - رایج
arrangement	ترتیب، نظم - آرایش - برنامه	communicate	ارتباط برقرار کردن
astronaut	فضانورد	communicative	پرحرف، حراف، وراج
at least	حداقل	compare	مقایسه کردن، باهم سنجیدن
attack	حمله کردن، یورش بردن	compete	رقابت کردن، مسابقه دادن، هم چشی
attractive	جذاب	competition	رقابت، مسابقه
available	موجود - در دسترس	competitor	رقیب، حریف، هم آورد، همکار
average	میانگین - متوسط	compilation	جمع آوری و انتخاب، تألیف، گردآوری
avoid	اجتناب کردن - جلوگیری، خوداری کردن	compile	گردآوری کردن - تدوین کردن
aware of	آگاه از، مطلع از	complete	تکمیل کردن - انجام دادن

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
complex	پیچیده - مجتمع، مجموعه	entrance	ورود، اجازه ورود، دوازده ورودی
complicated	پیچیده - سخت	entrant	وارد شونده، داوطلب
comprehensible	فهمیدنی - قابل فهم	entry	مدخل، ورود، فقره، قلم
confuse	گیج کردن - دست پاچه کردن	escaped	فراری
confused	گیج - سراسیمه - مغشوش	essential	حیاتی - ضروری
confusing	گیج کننده	every where	همه جا
confusion	گیجی، دستپاچگی، پریشانی	exact	دقیق - کامل - صحیح
consider	در نظر گرفتن	examine	امتحان کردن، آزمایش کردن، معاینه کردن
contain	دربر گرفتن - شامل شدن	exclamation mark	علامت تعجب
container	ظرف	exist	وجود داشتن، هستی داشتن
continent	قاره	expand	گسترش دادن، توسعه دادن
convert	تبدیل کردن	expensive	گران بها، گران قیمت
database	پایگاه داده	explain	توضیح دادن، شرح دادن
deal with	پرداخت به، مشغول بودن به	expression	عبارات - (چهره) حالت
decide	تصمیم گرفتن	facial muscles	ماهیچه های صورت
definition	تعریف، معنی - مشخصات - حدود	fact	حقیقت، راستی، درستی - نکته
design	طراحی کردن	factor	عامل - فاکتور
designer	طراح	fame	شهرت، آوازه
destroy	ویران کردن	familiar	آشنا
details	جزئیات	far away from	خیلی دور از
develop wings	بال در آوردن	fee	شهریه، حق الزحمه
device	وسیله	female	زنانه
dial	شماره گرفتن (تلفن زدن)	figure out	فهمیدن - درک کردن
dictionary	فرهنگ لغت	find out	فهمیدن
directly	به طور مستقیم	fix	تعمیر کردن
disappear	ناپدید شدن	floor	کف (اتاق) - طبقه (ساختمان)
disconnect	قطع کردن	forget	فراموش کردن
drought	خشک سالی	format	شکل - قالب
earn	به دست آوردن	free	مجانی - آزاد - رایگان - بیکار
ecology	بوم شناسی (علم طرز زندگی موجودات)	fresh	تازه
effectively	به طور موثر	fried	سرخ کرده
element	عنصر - عامل	generally	به طور کلی، در مجموع
elementary	سطح مقدماتی	generate	تولید کردن، به وجود آوردن
enjoyment	لذت، خوشی	gentle	نجیب، با تربیت، مهربان
enter	ورود	goods	کالاها
entire	کل، تمام، همه	guide	خط مشی، راهنمایی، دستورالعمل

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
habit	عادت	jump into	پریدن - پریدن به - نادیده گرفتن
habitat	محل سکونت، مسکن	keep in touch	در تماس بودن، ارتباط داشتن
handicraft	صنایع دستی	keep to oneself	ساکت بودن
hardware	سخت افزار - دستگاههای اصلی	lobster	خرچنگ دریایی
harmful	مضر	lack	فقدان
healthful	سالم	last	آخرین
highlight	برجسته کردن	laugh at	خندیدن به
host	میزبان، مجری برنامه	lead to	منجر شدن به
huge	عظیم، خیلی بزرگ	lecture	سخنرانی
ice cap	کوه یخی، قله یخی	level	سطح
ideal	ایده آل، رؤیایی، آرمانی، دلخواه	lie	دروغ گفتن، دروغ - دراز کشیدن
identify	شناسایی کردن	look for	گشتن به دنبال، جستجو کردن برای
imagination	تصور - خیال	look after	مراقبت کردن از
imaginary	تخیلی - غیر واقعی	look sth up	جستجو کردن (معنی لغت در دیکشنری)
immediate	فوری	modernism	مدرن گرایی، نو گرایی
immediately	فوراً	magnet	آهن ربا
in advance	از پیش، از قبل، پیشاپیش	magnify	بزرگنمایی کردن - بزرگ کردن
include	شامل شدن - در بر گرفتن	male	مردانه
incomprehensible	غیر قابل فهم	meaning	معنا - معنی
in contrast to	در مقایسه با	measure	اندازه گیری کردن
increasingly	به طور فزاینده	meet	برآورده کردن - ملاقات کردن
increase	افزایش دادن	minor	جزئی - کم اهمیت
infection	عفونت، آلودگی - بیماری	monolingual	یک زبانه
information	اطلاعات	multiple	چندگانه، چندین، چند برابر - متعدد، گوناگون
inner	داخلی	nearly	تقریباً
in order to	به منظور، تا اینکه	neat	تمیز، مرتب
insect	حشره	need	نیاز داشتن، لازم داشتن، نیاز
insist on	پافشاری کردن بر روی، اصرار کردن	offer	پیشنهاد کردن، ارائه دادن
instead	به جای، در عوض	once	یکبارریال روزی، زمانی که، در گذشته
insulting	توهین آمیز	one after another	یکی پس از دیگری
intermediate	سطح متوسط	opinion	نظر، عقیده
international	بین المللی	opposite	برعکس، متضاد
introduction	مقدمه، معرفی، پیش درآمد	order	نظم، ترتیب - سفارش دادن، دستور
invisible	نامرئی	organize	منظم کردن - سازماندهی کردن
Islamic Republic	جمهوری اسلامی	origin	اصل - ریشه
issue	مسئله - موضوع	original	اصلی، اورجینال

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
painful	دردناک	quite	کاملاً- واقعاً
pay for	پرداخت کردن برای	race	مسابقه، نژاد
part	بخش، قسمت	recognize	دانستن - شناختن
parts of speech	نقش کلمه در جمله، نوع کلمه	recommend	توصیه کردن، سفارش کردن
pattern	الگو، نمونه	recommendation	توصیه، سفارش
PC	کامپیوتر شخصی	relate	مرتبط بودن، رابطه داشتن
period	نقطه - دوره(زمانی)	relationship	رابطه، ارتباط
permission	اجازه	relaxation	استراحت، آرامش، شل شدن عضلات
philosophy	فلسفه	rely on	متکی بودن به، وابسته بودن به
phonetic	آوا شناسی، آوایی، مصوت، صدا دار	remember	به خاطر آوردن
pocket	جیب-جیبی-پاکت	repair	تعمیر کردن
pocket dictionary	فرهنگ لغت جیبی	reproduce	تولید مثل کردن
point	نکته - نقطه - امتیاز	resource	منبع
point of view	دیدگاه، نقطه نظر	resume	خلاصه تجربیات، چکیده کلام، ریزومه
policy	سیاست، خط مشی، رویه	scale	مقیاس- اندازه - ترازو
pollution	آلودگی	salty	شور، پر نمک، نمکین
pollute	آلوده کردن	scavenger	لاشخور
polluted	آلوده	salary	حقوق، دستمزد
preparation	آمادگی، آماده سازی، تهیه، تدارک	salmon	ماهی آزاد، قزل آلا
present	هدا کردن-کادو - حاضر	scene	صحنه، منظره
presentability	قابلیت ارائه	section	بخش، قسمت
presentation	ارائه، نمایش	set off	عازم شدن، راهی شدن
previous	پیشین، سابق	several	چندین
price	قیمت، نرخ، بها	shape	شکل - وضع - قیافه، اندام
primarily	در اصل - عمدتاً	shrimp	میگو
probably	احتمالاً	single	تنها - یک - مجرد، مفرد
problem	مسئله - مشکل، موضوع	singly	به تنهایی، جدا جدا، انفرادی، یک یک
pronounce	تلفظ کردن	situation	موقعیت
pronunciation	تلفظ	slave	برده
provide	فراهم کردن- ارائه دادن	smart	باهوش، هوشمند
publish	چاپ کردن- منتشر کردن	smartphone	تلفن هوشمند
pulse	ضربان، تپش، ضربه، پالس، نبض	snake	مار
pure	خالص، پاک	social issues	مسائل اجتماعی
purpose	هدف	spacious	جا دار، وسیع
question mark	علامت سؤال	speech	کلام- سخن- گفتار
quit	ترک کردن، رها کردن، متوقف کردن	speed	سرعت، با سرعت رفتن، سبقت گرفتن

لغات مهم درس دوم پایه دوازدهم (Lesson 2) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
stage	مرحله، وهله، سکو، صحنه نمایش	type	نوع، دسته، گونه - تایپ کرن
stand	دکه، کیوسک، مغازه - ایستادن	understanding	درک - فهم
stand for sth	نمایانگر...چیزی بودن	unexpectedly	به طور غیر منتظره
station	ایستگاه	university	دانشگاه
stationary	ساکن، بی حرکت، بی تغییر، ایستا	unknown	نا آشنا، غریبه
steak	باریکه گوشت کبابی، استیک	upcoming	پیش رو، آتی
stick (to / in sth)	به چیزی چسپیدن	unpredictable	غیر قابل پیش بینی
stick in mind	در ذهن فرو رفتن	unsuccessfully	با ناکامی
stick to one's word	روی حرف خود بودن	unsystematically	بدون قاعده
stress	تنش، فشار روانی - تأکید کردن بر	useable	قابل استفاده، قابل بهره وری
suffer	رنج کشیدن	usefulness	سودمندی، مفید بودن
suggest	پیشنهاد دادن	user	کاربر - استفاده کننده، مصرف کننده
suitable	مناسب	valuable	ارزشمند، گران بها، با ارزش
superhuman	ابر انسان - فوق انسانی	veterinarian	دامپزشک
support	حمایت کردن	vibration	ارتعاش - لرزش
suppose	فرض کردن - گمان کردن	viewer	بیننده، تماشاچی
surround	احاطه شدن	violation	خسونت، تخطی، تخلف، تجاوز، نقض
surrounding	اطراف - محیط، پیرامون	volume	جلد - حجم - درجه صدا
sweet	دسر - شیرین	watcher	تماشاگر، بیننده
symbol	نماد	waterway	آبراهه
take action	اقدام کردن	web browser	جستجوگر وب
take note of	توجه کردن به	whatever	هر آنچه که، هر چیزی که
take notes	یادداشت برداشتن	wheel	چرخ (موتور، دوچرخه و...)
technical	فنی	whenever	هر وقت که، هر زمانیکه
temporary	موقتی، زودگذر	whereas	در حالی که
tense	سفت، سخت، تشدید - زمان فعل (گرامر)	whole	تمام، کل، همه
term	واژه، اصطلاح	widely	به طور گسترده
throughout	سرتاسر	wing	بال
tip	راهنمایی - اشاره - انعام - پند	wingless	بدون بال
have sth in common	تفاهم داشتن، مشترکات داشتن	wisely	به طور عاقلانه
top	بالا، قله - عالی، ممتاز	wish	آرزو، آؤزو کردن
training	آموزش، تعلیم	wonder	با خود اندیشیدن - متعجب شدن
transmit	انتقال دادن	world war	جنگ جهانی
treasure	گنجینه، خزانه، گنج	work sth out	فهمیدن، پی بردن
tsunami	سونامی، طوفان شدید	write sth down	نوشتن

Conversation (Student Book Page 47 - 48)

Majid is going to choose a suitable dictionary for his English class. He is talking to his English teacher during the break.

مجید میخواهد که یک دیکشنری مناسب برای کلاس زبان خودش انتخاب کند. او در زنگ تفریح مشغول صحبت کردن با معلم زبانش است.

Majid: Excuse me Mr. Iranmehr, I wonder if you could help me.

مجید: ببخشید آقای ایرانمهر با خودم فکر میکردم که شما ممکنه بتونید به من کمک کنید.

Mr. Iranmehr: Sure. How can I help you?

آقای ایرانمهر: حتما. چطور میتونم بهت کمک کنم؟

Majid: I'd like some information about a good English dictionary.

مجید: من یک سری اطلاعات در مورد یک دیکشنری خوب میخواستم.

Mr. Iranmehr: Oh, well. Have you ever used a dictionary?

آقای ایرانمهر: آه ... خوب. تا حالا از دیکشنری استفاده کردی؟

Majid: Actually, I haven't. But I've heard that using a good dictionary can really help me learn English better.

مجید: در واقع نه تا حالا استفاده نکرده ام. اما من شنیده ام که استفاده کردن از یک دیکشنری خوب میتونه در یادگیری بهتر زبان خیلی به من کمک کنه.

Mr. Iranmehr: That's right. First, I recommend a learner's dictionary.

آقای ایرانمهر: درسته. در مرحله ی اول من به تو یک دیکشنری یاد گیرنده را توصیه میکنم.

Majid: What is a learner's dictionary?

مجید: دیکشنری یاد گیرنده چیه؟

Mr. Iranmehr: It is designed for foreign students. It also helps them learn English better.

آقای ایرانمهر: این دیکشنری برای دانش آموزان خارجی طراحی شده است. همچنین به آنها کمک می کند که بهتر انگلیسی را یاد بگیرند.

Majid: Is there only one type of it?

مجید: فقط یک نوع از آن وجود دارد؟

Mr. Iranmehr: No, in fact dictionaries have different types, levels, and sizes.

آقای ایرانمهر: نه، در واقع دیکشنری ها انواع و سطوح و اندازه های متفاوتی دارند.

Majid: What type do you suggest?

مجید: کدام نوع را شما پیشنهاد میکنید؟

Mr. Iranmehr: I suppose a monolingual dictionary is more suitable for you, because you can find word information in English.

آقای ایرانمهر: من احساس میکنم دیکشنری یک زبانه برای تو مفیدتر خواهد بود زیرا تو میتونی که اطلاعاتی در مورد لغات را به انگلیسی پیدا کنی.

Majid: And what about levels?

مجید: در مورد سطح ها چطور؟

Mr. Iranmehr: Well, there are usually three levels: elementary, intermediate and advanced. For you as a high school student, an elementary one is OK.

آقای ایرانمهر: خوب معمولا سه سطح وجود دارد: ابتدایی، متوسط و پیشرفته. برای تو به عنوان دانش آموز دبیرستانی سطح ابتدایی مناسب است.

Majid: Do I need a small size one?

مجید: آیا من به سایز کوچیکش نیاز دارم؟

Mr. Iranmehr: Yes, a pocket dictionary. You can carry it wherever you go.

آقای ایرانمهر: بله یک دیکشنری جیبی. تو میتونی اونو هر جا دلت خواست ببری.

Majid: Oh, it's very good. And hmm..., is it expensive?

مجید: آه این خیلی عالیه. و ... آیا قیمتش زیاده؟

Mr. Iranmehr: No, such dictionaries are not expensive. By the way, you can use a free online dictionary, too. And also, there are some free dictionaries for PCs and apps for smart phones.

آقای ایرانمهر: نه چنین دیکشنری هایی گران قیمت نیستند. همچنین تو میتونی از دیکشنری آنلاین رایگان هم استفاده کنی. و همچنین دیکشنری های دیگری برای کامپیوترهای شخصی و نرم افزار هایی برای گوشی هوشمند وجود دارند.

Majid: Thanks, that's a good idea, but I'd like to use a pocket dictionary!

مجید: ممنونم، ایده ی خوبیه، اما من دوست دارم از دیکشنری جیبی استفاده کنم.

یادداشت:

چگونه از دیکشنری استفاده کنیم. "How to Use a Dictionary"

A good dictionary gives the user information about words such as spellings, pronunciations and definitions. It also gives examples of how to use the words in sentences correctly. Therefore, it is essential to know how to use a dictionary. In this lesson, we provide you with some helpful tips on how to use a dictionary effectively.

یک دیکشنری خوب اطلاعاتی در باره ی کلمات از قبیل املاء ها و تلفظ ها و معانی را به استفاده کننده می دهند. همچنین مثال هایی را برای نشان دادن اینکه چگونه آنها را به طور صحیح در کلمه استفاده کنند، را نیز میدهند. بنابراین مهمه که بدانیم چطور از دیکشنری استفاده کنیم. در این درس، ما برای شما نکات مفیدی را در رابطه با استفاده موثرتر از دیکشنری فراهم کرده ایم.

1. Choose the Right Dictionary. There are many different types of dictionaries such as learner's dictionaries, general dictionaries, picture dictionaries, etc. Therefore, first identify your needs. Without choosing the right one you cannot meet your language needs.

۱. دیکشنری درستی را انتخاب کنید. انواع مختلفی از دیکشنری ها وجود دارند از قبیل دیکشنری یادگیرنده، دیکشنری های عمومی، دیکشنری های تصویری و... . بنابراین در ابتدا نیازهای خود را مشخص کنید. بدون انتخاب دیکشنری مناسب، شما نمی توانید نیازهای زبانتان را برطرف نمائید.

2. Read the Introduction. The best way to learn how to use your dictionary effectively is to read its introduction. This section explains issues like how entries are arranged, what information is offered in entries and what abbreviations and pronunciation symbols are used throughout the entries.

۲. مقدمه را بخوانید. بهترین راه برای اینکه بدانید چطور مؤثرتر از دیکشنریتان استفاده کنید این است که مقدمه را بخوانید. این بخش، مسائلی همانند اینکه با چه ترتیبی کلمات چیده شده اند، چه اطلاعاتی در مورد لغات ارائه شده و چه علائم اختصاری و نشانه های تلفظی برای آن لغات به کار برده شده را توضیح می دهد.

3. Learn the Abbreviations. Different types of abbreviations are often used in the definitions for a word. This can be confusing if you do not know what the abbreviations stand for.

۳. علائم اختصاری را یاد بگیرید. اغلب اختصارات متفاوتی برای معنی یک لغت به کار برده میشود. اگر شما این اختصارات را ندانید ممکن برای شما گیج کننده باشد.

4. Learn the Guide to Pronunciation. If you immediately jump into using the dictionary without understanding the pronunciation guide, it can be difficult to figure it out.

۴. راهنمای تلفظ را یاد بگیرید. اگر شما سریعاً قبل از یادگیری راهنمای تلفظ به سراغ استفاده کردن از دیکشنری بروید، فهمیدن آن برایتان سخت خواهد بود.

5. Read the Guide Words. These are the two words at the top of each page that show the first and last entries on the page. These words will help you find the word you are looking for in the right letter section.

۵. کلمات راهنما را بخوانید. در بالای هر صفحه، دو کلمه وجود دارد که کلمه ی اول و کلمه آخر ثبت شده در صفحه را نشان می دهد. اینها به شما در پیدا کردن کلمه ای که میخواهید در بخش مناسب حرف کمک می کنند.

6. Read the Definitions. Once you find an entry, you can find the exact meaning of the word, its pronunciation, part of speech, synonyms, antonyms, and probably its origin.

۶. معنی را بخوانید. وقتی شما لغتی را پیدا کردید، میتوانید معنای دقیق آن کلمه، تلفظش، نقش آن کلمه در جمله، مترادف ها، متضادها و احتمالاً ریشه آن را پیدا کنید.

7. Look for Collocations. Learning the meaning of a single word is not usually enough. Through sentence examples, try to learn 'words in combination' to expand your vocabulary.

۷. دنبال کلمات همنشین بگردید. یاد گرفتن معنای یک کلمه کافی نیست. در خلال مثال های جمله ای سعی کنید کلمات ترکیبی را یاد بگیرید تا دایره لغاتتان گسترش پیدا کند.

یادداشت:

A dictionary is a book which explains the meanings of words and expressions. You can find words easily because dictionaries put them in alphabetical order. The word 'dictionary' comes from the Latin 'dictio' ('saying').

دیکشنری یک کتاب است که معنای لغات و اصطلاحات را توضیح میدهد. شما می توانید کلمات را به راحتی پیدا کنید برای اینکه دیکشنری ها آن ها را با ترتیب الفبا قرار داده اند. کلمه دیکشنری از کلمات لاتین "عبارت" "گفتن" گرفته شده است.

There are several types of dictionaries. Dictionaries which explain words and how they are used; dictionaries which translate words from one language to another; dictionaries of biography which tell about famous people; and technical dictionaries which explain the meanings of technical words.

انواع مختلفی از دیکشنری ها وجود دارند. دیکشنری هایی که کلمات و چگونگی استفاده از آن ها را توضیح میدهند، دیکشنری هایی که کلمات را از یک زبان به زبان دیگر ترجمه می کنند، دیکشنری زندگینامه که درباره ی افراد مشهور هستند، و دیکشنری های فنی که معنای کلمه های فنی را توضیح می دهند.

Dictionaries which explain what words mean give a clear 'definition' of them. A good dictionary also gives more information about words. For instance, it explains how they are pronounced. Usually the International Phonetic Alphabet (IPA) is used for this purpose.

دیکشنری هایی که توضیح میدهند کلمات به چه معنا هستند و تعریف روشنی از آنها را بیان می کنند. یک دیکشنری خوب همچنین اطلاعات بیشتری را درباره ی کلمات میدهد. برای مثال توضیح میدهد که آن ها چگونه تلفظ میشوند. معمولاً الفبای آوایی بین المللی برای این هدف استفاده میشود.

There are also dictionaries which translate words into other languages. Very often one volume translates both ways; for example, half of the book is from English to Persian and the other half from Persian to English.

همچنین دیکشنری هایی وجود دارند که کلمات را از زبانی به زبان دیگر ترجمه می کنند. به ندرت پیش می آید که یک جلد با هر دو روش ترجمه کند، برای مثال، نصف کتاب ترجمه ی انگلیسی به فارسی است و نصف کتاب ترجمه فارسی به انگلیسی.

When using a dictionary to find out how to say something in another language, one has to be careful to choose the right meaning.

وقتی از دیکشنری برای دانستن اینکه چگونه باید چیزی را به زبان دیگر گفت استفاده شود، شخص باید مراقب باشد که معنای درست را انتخاب کند.

A word like 'right' has several meanings in English, for example, 'correct' and 'the opposite of left'. A word like 'present' may be used as an adjective, meaning 'not absent', as a noun, meaning 'gift' or as a verb, meaning 'give'. Words with different meanings exist in other languages, too. A good dictionary lists all the meanings of words to help people find the meaning that they look for.

معناهای متفاوتی در انگلیسی دارد، برای مثال "درست و صحیح" و "مخالف چپ". کلمه ای مانند هدیه Right کلمه ای مانند ممکن است به عنوان صفت به معنای غائب نبودن استفاده شود، در جایگاه اسم به معنای کادو، یا به عنوان فعل به معنی ارائه دادن به کار برده شود. کلمات با معنای متفاوت نیز در زبان های دیگر وجود دارد. یک دیکشنری خوب تمامی معنای یک کلمه را مینویسد که به مردم برای پیدا کردن معنایی که به دنبالش میگردند، کمک کند.

A complete dictionary also tells you about the origin of words and the story behind them. For example, the words like 'pajamas', 'bazaar' and 'paradise' entered English from Persian.

یک دیکشنری کامل همچنین درباره ی ریشه ی یک کلمه و داستانی که در پس آن است به شما می گوید. برای مثال کلماتی مانند پیژامه , بازار و بهشت از فارسی به انگلیسی وارد شده اند.

یادداشت:

گرامر درس دوم:

ضمایر موصولی (Relative Pronouns)

ضمایر موصولی کلمات **wh** داری هستند که در وسط جمله آمده و برای اسم ماقبل خود توضیحات بیشتری میدهند. ما از ضمایر موصولی برای دادن اطلاعات اضافی درباره اسم استفاده می‌کنیم. جمله‌واره موصولی بعد از اسم می‌آید و مشخص می‌کند ما داریم درباره کدام شخص یا کدام چیز صحبت می‌کنیم. به جملاتی که با ضمایر موصولی شروع میشوند و اسم یا ضمیر قبل از خود را توضیح میدهند، "**جملات موصولی**" می‌گویند.

"من کلیدهایی را که دیروز گم کرده بودم را پیدا کردم."
I found the keys **which** I lost yesterday.
همانطور که در مثال بالا می‌بینید، "which I last yesterday" یک جمله موصولی است، چون با ضمیر موصولی **which** شروع شده است و به توضیح اسم قبل از خود یعنی **keys** پرداخته است. ضمایر موصولی همیشه بصورت "**که - را که**" ترجمه میشوند.

دسته بندی ضمایر موصولی: ضمایر موصولی دو نقش "**فاعلی**" و "**مفعولی**" دارند.

الف: ضمایر موصولی فاعلی: ضمایر موصولی فاعلی ضمایری هستند که در جمله وصفی نقش فاعل را دارند، یعنی به جای اسم مورد توصیف می‌آیند و از تکرار آن در جمله وصفی جلوگیری میکنند. بعد از ضمایر موصولی فاعلی، همیشه "**فعل**" به کار می‌رود.

ب: ضمایر موصولی مفعولی: ضمایر موصولی مفعولی ضمایری هستند که در جمله وصفی نقش مفعول را دارند. بعد از ضمایر موصولی مفعولی، بلافاصله با اسم یا ضمیری روبرو هستیم که "**فاعل**" جمله وصفی است.

تشخیص ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی در جمله:

همان طور که در بالا گفته شد اگر بلافاصله بعد از ضمیر موصولی فعل قرار داشت، آن "**ضمیر موصولی فاعلی**" است. اما اگر بلافاصله بعد از ضمیر موصولی اسم یا ضمیر قرار داشته باشد، آن "**ضمیر موصولی مفعولی**" است. به این دو مثال دقت کنید تا بهتر متوجه شوید:

"مردی **که** به من زنگ زد، خیلی عصبانی بود."
The man **who** called me was very angry.
فعل

"مردی **را که** ما با او صحبت کردیم، خیلی عصبانی بود."
The man **whom** we talked to, was very angry.
فاعل

در جمله اول "who" یک ضمیر موصولی فاعلی میباشد چون بعد از آن "**فعل**" آمده است و در جمله دوم "whom" در نقش مفعولی است چون بعد از آن "**فاعل**" آمده است.

انواع ضمایر موصولی:

۱- ضمیر موصولی who: این ضمیر موصولی نقش "**فاعلی**" دارد و برای "**انسان**" بکار می‌رود. بعد از این ضمیر، "**فعل**" می‌آید:

Rudaki **who** lived in the 4th century is a famous Persian poet.
"رودکی **که** در قرن چهارم زندگی میکرد، یک شاعر مشهور ایرانی است."
فعل نقش فاعلی انسان

Isn't that the woman **who** lives across the road from you?
"آیا این همان خانمی نیست **که** آن طرف خیابان شما زندگی می‌کند؟"
فعل نقش فاعلی انسان

The teacher **who** taught us French at university, was American.
"معلمی **که** در دانشگاه به ما زبان فرانسوی را تدریس کرد، آمریکایی بود."
فعل نقش فاعلی انسان

۲- **ضمیر موصولی whom:** این ضمیر موصولی نقش "مفعولی" دارد و برای "انسان" بکار می‌رود. بعد از آن، "فاعل" می‌آید:

The man **whom** you met at school yesterday is an English teacher.

"مردی را که دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است." فاعل نقش مفعولی انسان

Have you seen those people **whom** we met on holiday?

فاعل نقش مفعولی انسان

"آیا افرادی را که ما در تعطیلات دیدیم ملاقات کرده‌اید؟"

۳- **ضمیر موصولی which:** این ضمیر موصولی هم نقش "فاعلی" دارد و هم نقش مفعولی و برای "غیر انسان" بکار برده

میشود. بعد از این ضمیر، در حالت فاعلی، "فعل" و در حالت مفعولی بعد از آن "فاعل" می‌آید:

The cat **which** lives near us was drinking milk. "گره ای که نزدیک ما زندگی می‌کند، دانه شیر مینوشه."

فعل نقش فاعلی غیر انسان

I found the keys **which** you lost yesterday. "کلیدهایی را که تو دیروز گم کردی، پیدا کردم."

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

The food was definitely the thing **which** we enjoyed a lot in our holiday.

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

"غذا واقعا چیزی بود که ما خیلی در تعطیلات ازش لذت بردیم."

The police said the accident **which** happened last night was unavoidable.

فعل نقش فاعلی غیر انسان

"پلیس گفت تصادفی که دیشب رخ داد، اجتناب ناپذیر بود."

The newspaper reported that the tiger **which** killed its keeper has been put down.

فعل نقش فاعلی غیر انسان

"روزنامه گزارش داد ببری که نگهبانش را کشته بود، با دارو کشته شد."

۴- **ضمیر موصولی that:** این ضمیر موصولی هم برای انسان و هم برای غیر انسان بکار برده میشود. هم نقش "فاعلی" دارد

و هم نقش "مفعولی". بعد از این ضمیر، در حالت فاعلی، "فعل" و در حالت مفعولی بعد از آن "فاعل" می‌آید. در واقع این ضمیر

موصولی جانشین ضمائر موصولی دیگر میشود:

Rudaki **that** lived in the 4th century is a famous Persian poet.

فعل نقش فاعلی انسان

"رودکی که در قرن چهارم زندگی میکرد، یک شاعر مشهور ایرانی است."

The man **that** you met at school yesterday is an English teacher.

فاعل نقش مفعولی انسان

"مردی را که دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است."

The cat **that** lives near us is drinking milk. "گره ای که نزدیک ما زندگی می‌کند، دانه شیر مینوشه."

فعل نقش فاعلی غیر انسان

I found the keys **that** you lost yesterday. "کلیدهایی را که تو دیروز گم کردی را پیدا کردم."

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

You shouldn't believe everything **that** you read in the newspaper.

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

"شما نباید هر چیزی را که در روزنامه می‌خوانید باور کنید."

The boy **that** you showed me seemed to be very strange.

فاعل نقش مفعولی انسان

"پسری را که به من نشان دادی خیلی عجیب به نظر می‌آمد."

۵- **ضمیر موصولی where:** این ضمیر موصولی هم نقش فاعلی دارد و هم نقش مفعولی و برای "مکان" بکار برده میشود. برای دادن اطلاعات اضافی درباره مکان چیزی استفاده کنیم و مشخص کنیم چیزی که درباره اش صحبت می‌کنیم در کجا رخ می‌دهد. و به جای آن میتوان از "in which" هم استفاده کرد.

This is **the city where / in which** I was born. "اینجا شهری است که در آن به دنیا آمدم."
مکان

Do you remember **the place where / in which** we caught the train? "جایی را که ما توانستیم سوار قطار شویم را یادت می‌آید؟"
مکان

Stratford is **the town where / in which** Shakespeare was born. "استراتفورد شهری است که شکسپیر در آن به دنیا آمد."
مکان

نکته: در چند صفحه آینده یاد می‌گیریم که حرف اضافه های همراه ضمیر موصولی را میتوان در آخر جمله هم بکار برده برد:

This is **the city which** I was born **in**.
مکان

نکته (زبان تخصصی): چنانچه مرجع جمله مکان باشد، "at which", "on which" هم بکار برده میشود.

۶- **ضمیر موصولی when:** این ضمیر موصولی هم نقش فاعلی دارد و هم نقش مفعولی و برای "زمان" بکار برده میشود. برای دادن اطلاعات اضافی درباره زمان چیزیکه استفاده کنیم و مشخص میکنیم چه زمانی رخ می‌دهد.

Today is **the day when** we start learning lesson 2. "امروز، روزی که درس دوم رو شروع میکنیم."
زمان

England won the world cup in 1996. It was **the year when** my grandparents got married. "انگستان جام جهانی ۱۹۹۶ را برد. همان سالی بود که پدربزرگ و مادر بزرگ ازدواج کردند."
زمان

I remember my twentieth birthday. It was **the day when** the 2nd world wars happened. "من بیستمین روز تولدم را یادم می‌آید. روزی بود که جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد."
زمان

نکته (زبان تخصصی): به جای when میتوان از "in which", "at which", "on which" هم استفاده کرد.

۶- **ضمیر موصولی whose:** قبل و بعد از این ضمیر موصولی "اسم" می‌آید و "رابطه مالکیت" ما بین این اسمها برقرار است. اسمها هم میتوانند اسم انسان باشند، هم غیر انسان. یعنی وقتی می‌خواهیم درباره چیزی یا کسی که متعلق به اسمی در جمله است صحبت کنیم بعد از اسم، "whose" می‌آوریم.

The man whose house is very big is my uncle. "مردی که خانه اش بزرگه، عموی من است."
اسم اول (مالک) اسم دوم (خانه ی مرد)

I met a **man whose brother** works in Moscow. "من مردی را دیدم که برادرش در مسکو کار می‌کند."
اسم اول (مالک) اسم دوم

That's **the man whose name** I always forget. "او خانمی است که اسمش را من همیشه فراموش می‌کنم."
اسم اول (مالک) اسم دوم

Sir James, whose birthday is on February 26, plans to have a big party. "سر جیمز که روز تولدش در ۲۶ فوریه است، قصد دارد یک مهمانی بزرگ برگزار کند."
اسم اول (مالک) اسم دوم

نکته (زبان تخصصی): به جای ضمیر موصولی whose میتوان از "of which" هم استفاده کرد.

نکات مهم زیر میتوانند در حل تستهای این درس مفید باشند:

نکته ۱: به جای ضمیر موصولی whom میتوان از ضمیر موصول "who" هم استفاده کرد. (اولویت انتخاب ما بین ضمائر موصولی در تستها، به ترتیب داده شده در مثال زیر میباشد:

The man **whom / who / that** you met at school yesterday is an English teacher.

"مردی را که تو دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است."

نکته ۲ (بسیار مهم و کنکوری): در حالت فاعلی، بعد از ضمیر موصولی، نمیتوانیم ضمائر فاعلی بیاوریم و در حالت مفعولی هم نمیتوانیم بعد از آنها ضمائر مفعولی بیاوریم:

Raman is the boy **who** **he** plays the guitar well.

انسان نقش فاعلی فعل

"رامان پسری که به خوبی گیتار مینوازد."

This is the dress **which** **she** bought **it** in Paris last summer. "این پیراهنی که تابستان گذشته در پاریس خریدم."

فاعل نقش مفعولی غیر انسان

نکته ۳ (بسیار مهم و کنکوری): چنانچه "حرف اضافه" قبل از ضمیر موصولی بیاید، فقط از "which" و "whom" میتوانیم استفاده کنیم. و بعد از حروف اضافه هرگز از who, that, where, when, whose استفاده نمیکنیم. (به مثالهای نکته ۴ توجه نمائید.)

نکته ۴: اگر در جمله واژه ی موصولی، فعل جمله، حرف اضافه داشته باشد، آن حرف اضافه را میتوان به "قبل از ضمیر موصولی" منتقل کرد. در این صورت دیگر نمیتوان ضمیر موصولی مفعولی را حذف کرد و یا به جای آن از that استفاده کرد:

The music **which** I listened **to** was great.

"موسیقی را که به آن گوش میدادم عالی بود."

The music **to which** I listened was great.

در جمله اول حرف اضافه to بعد از فعل listen آمده است که در جمله دوم آن را به قبل از ضمیر موصولی which منتقل کرده ایم.

The house **which** we live **in** is very large.

"خانه ای که ما در آن زندگی میکنیم خیلی بزرگ است."

The house **in which** we live is very large.

The boy **whom** you talked **to** is my brother.

"پسری که با او حرف زدی برادر من است."

The boy **to whom** you talked is my brother.

نکته ۵ (زبان تخصصی): ضمیر موصولی which میتواند اشاره به یک جمله کامل داشته باشد:

Raman helped me clean the rooms, **which** was very kind of him.

"رامان کمکم کرد تا همه جا را تمیز کنم که (با این کارش)، خیلی به من لطف کرد."

نکته ۶ (زبان تخصصی): می توانیم از ضمیر موصولی which علاوه بر توضیح دادن درباره یک اسم، برای دادن اطلاعات بیشتر درباره یک جمله‌واره هم استفاده کنیم، مثلاً برای جمله‌واره دلیل بیاوریم. در مثال‌های زیر کلمه which درباره جمله‌واره اول توضیح بیشتر داده است و یا علت وقوع یک جمله‌واره را بیان کرده است:

He was usually late, **which** always annoyed his father.

"او معمولاً دیر می‌کرد، که همیشه پدرش را عصبانی می‌کرد."

We've missed our train, **which** means we may be late.

"ما از قطارمان جا ماندیم، که یعنی ممکن است دیر برسیم."

ضمیر موصولی فاعلی و مفعولی what (زبان تخصصی):

از بین ضمایر موصولی what تنها ضمیری است که "نیاز به مرجع ظاهری و مشخصی" ندارد، بدین معنی که مفهوم مرجع در آن مستتر است و بیشتر جنبهٔ خنثی دارد، یعنی حالت مذکر و مؤنث بودن آن مشخص نیست. (بمعنی "آنچه که - هر آنچه که")
I can't tell you what (the thing **which**, the things which) he wanted me to do.
"من نمی توانم آنچه که او از من خواست انجام بدهم را به شما بگویم."

What is useful is the best.

"آنچه که مفید است، بهترین چیز است."

نکته ی بسیار مهم (زبان تخصصی): بعد از "صفات عالی" و "اعداد ترتیبی" و کلمات زیر:

anybody, anyone, somebody, nowhere, nothing, nobody, anybody, anywhere, anything, only, all, ...
فقط از "that" به کار برده می شود و نمیتوان از سایر ضمایر موصولی استفاده نمود.

Anything **that** he saved was lost.

"هر چیزی را که او پس انداز کرد، از دست رفت."

Everywhere **that** I go remember his gentle face.

"هر جا که می روم، چهرهٔ آرام او را به خاطر می آورم."

It was the third accident **that** I saw yesterday.

"سومین تصادفی بود که دیروز دیدم."

He was the tallest man **that** I had ever seen

"او بلند قدترین مردی بود که تا آن وقت دیده بودم."

It was the only thing **that** was worth seeing.

"آن تنها چیزی بود که ارزش دیدنش را داشت."

All the books **that** I have read belong to his library.

"همهٔ کتاب هایی را که خوانده ام متعلق به کتابخانهٔ او است."

کمیت سنجها و اعداد با ضمایر موصولی (زبان تخصصی):

با ضمایر موصولی می توانیم از کمیت سنجها و اعداد استفاده کنیم، در این حالت ما بین اعداد و کمیت سنجها "حرف اضافه of" می آید. به یاد داشته باشیم که بعد از حروف اضافه، ضمیر موصولی برای انسان "whom" و برای غیر انسان "which" می باشد. مثلاً:

- many **of** whom (بیشتر آنها)
- most **of** whom (بیشتر آنها)
- none **of** whom (هیچی از آنها)
- one **of** which (یکی از آنها)
- some **of** which (بعضی از آنها)
- two **of** which (دو تا از آنها)

این ساختارها می توانند در نقش های فاعلی، مفعولی و متمم ظاهر شوند. به مثال های زیر توجه کنید:

She has three brothers, **two of whom** are in the army.

"او سه برادر دارد، دو تای آنها در ارتش هستند."

I read three books last week, **one of which** I really enjoyed.

"من هفته پیش سه کتاب خواندم، از یکی از آنها واقعا لذت بردم."

There were some good programs on the radio, **none of which** I listened to.

"چند برنامه خوب از رادیو پخش می شد، به هیچکدام از آنها گوش نکردم."

حذف ضمایر موصولی (جزء سؤالات بسیار پرتکرار در زبان عمومی کنکور):

توجه: این قسمت از گرامر در کتاب درسی ذکر نشده است اما مطالعه آن به طور کامل توصیه میشود.

الف: بعد از ضمیر موصولی مفعولی، "فاعل" آمده باشد میتوانیم آن را حذف کنیم. به عبارتی دیگر، اگر ضمیر موصولی، مفعول جمله واره موصولی باشد می توانیم آن را حذف کنیم بدون اینکه تغییری در معنای آن جمله به وجود آید:

The man **whom / who / that** you met at school yesterday is an English teacher.
"مردی را که تو دیروز در مدرسه ملاقات کردی، یک معلم انگلیسی است."
فاعل

This is the book **which / that** everyone is talking about.
"این همان کتابی است که همه درباره اش صحبت میکنند."
فاعل

The car **which / that** Jason bought runs on electricity and gas.
"ماشینی را که جیسون خرید با برق و بنزین کار میکند."
فاعل

I know the person **that** we saw yesterday.
"شخصی را که ما دیروز دیدیم، می شناسم."
فاعل
در این جمله the person مفعول جمله است و that نیز برای آن بکار رفته است. به همین دلیل می توانیم that را حذف کنیم.

Did you find the money **which** you lost?
"پولی رو که گم کرده بودی پیدا کردی؟"
اینجا نیز می توانیم ضمیر مفعولی which را حذف کنیم.
فاعل

ب: چنانچه ضمایر موصولی بر سر "جمله استمراری" یا "جمله مجهول" بیایند، همراه با فعل to be بعد از خود حذف میشوند:

The person **who is talking** to Richard is the new member.
جمله استمراری

=> The person **talking** to Richard is the new member. "شخصی که داره با ریچارد صحبت می کنه عضو جدیده."

The student **who was watching** TV was my classmate.
جمله استمراری

=>The student **watching** TV was my classmate "دانش آموزی که در حال تماشای تلویزیون بود، همکلاسیم بود."

Most of the students **who were invited** to the party did not come.
جمله مجهول

=>Most of the students **invited** to the party did not come.
"بیشتر دانش آموزانی که به میهمانی دعوت شده بودند نیامدند."

ج: چنانچه ضمایر موصولی در نقش "فاعلی" باشند و بلافاصله بعد از آنها فعلی آمده باشد، میتوانید ضمیر موصولی فاعلی و فعل کمکی را حذف کرده و فعل بعد از آن را بدون توجه به زمانش، **ing** دار کنید!

I don't know the person **who / that** donated this money.
"من مردی که پول را اهدا کرد، نمیشناسم."
فعل نقش فاعلی انسان

=>I don't know the person **donating** this money.

The student **who watches** TV is my classmate. (زمان حال ساده)

The student **watching** TV is my classmate. "این دانش آموز که تلویزیون تماشا میکنه، همکلاسی من است."

The student **who will watch** TV tomorrow is my classmate. (زمان آینده ساده)

The student **watching** TV tomorrow is my classmate.

"این دانش آموز که فردا تلویزیون تماشا خواهد کرد، همکلاسی من است."

The student **who** watched TV last night was my classmate. (زمان گذشته ساده)

The student **watching** TV last night was my classmate.

"این دانش آموز **که** تلویزیون تماشا کرد، همکلاسی من بود."

The student **who has watched** TV for 2 hours is my classmate. (زمان حال کامل)

The student **watching** TV for 2 hours is my classmate.

"این دانش آموز **که** تلویزیون تماشا کرده، همکلاسی من است."

The student **who had watched** TV for 2 hours was my classmate. (زمان گذشته کامل)

The student **watching** TV for 2 hours was my classmate.

"این دانش آموز **که** تلویزیون تماشا کرده بود، همکلاسی من بود."

د: حذف ضمایر موصولی در ساختار (حرف اضافه + ضمیر موصولی): زمانیکه ضمایر موصولی بعنوان یک متمم حرف اضافه در جمله‌واره موصولی تعریف کننده باشند، می توان آنها را حذف کرد. در این حالت حرف اضافه پس از حذف ضمیر موصولی، در انتهای جمله‌واره موصولی قرار می گیرد.

She was at the party **about which** I was telling you.

She was at the party I was telling you **about**.

"او در مهمانی بود **که** من در مورد آن به شما گفتم."

در جمله پایانی ضمیر موصولی **which** به درستی حذف شده و حرف اضافه **about** در انتهای جمله‌واره موصولی واقع شده است.

نکته ی بسیار مهم (زبان تخصصی): جمله معترضه:

جمله معترضه همان جمله‌واره موصولی است، با این تفاوت که جمله‌ای است که یا بین دو ویرگول یا در انتهای جمله می آید و می تواند از جمله حذف شود و این حذف شدن هیچ اثری بر معنای کلی جمله نمی گذارد. (همانند نقش " بدل" در زبان فارسی)

جمله معترضه در زبان انگلیسی با ضمایر موصولی **who** و **whom** و **whose** و **which** برای صحبت کردن درباره یک چیز یا شخص استفاده می شود.)

توجه بسیار مهم: از **that** نمی توانیم در این کاربرد استفاده کنیم.

الف: جمله معترضه برای فاعل: هر وقت بخواهیم اطلاعاتی اضافی درباره فاعل جمله بدهیم که حذفش هیچ آسیبی به معنای کلی جمله نمی رساند، بعد از فاعل، جمله‌واره‌ای موصولی می آوریم. این جمله‌واره یا باید بین دو ویرگول بیاید یا اگر در انتهای جمله بود قبلش یک ویرگول بگذاریم. به مثال‌ها توجه کنید:

My uncle, **who** was born in Hong Kong, lived most of his life overseas.

"عموی من، **که** در هنگ کنگ به دنیا آمده بود، بیشتر عمرش را خارج کشور زندگی کرد."

توجه کنید: ضمیر موصولی در جمله‌واره در نقش فاعل است و دیگر نباید از ضمیر فاعلی استفاده کنیم:

My uncle, **who** he was born in Hong Kong, lived most of his life overseas. (نادرست)

در این مثال که نادرست است، می بینیم که بعد از **who** که خود ضمیر است و به جای **he** آمده دوباره ضمیر **he** تکرار شده است.

My uncle, **who** was born in Hong Kong, lived most of his life overseas. (درست)

ب: جمله معترضه برای مفعول: هر وقت بخواهیم اطلاعاتی اضافی درباره مفعول جمله بدهیم که حذفش هیچ آسیبی به معنای کلی جمله نمی رساند، بعد از مفعول جمله‌واره‌ای موصولی می آوریم. این جمله‌واره یا باید بین دو ویرگول بیاید یا اگر در انتهای جمله بود قبلش یک ویرگول بگذاریم. به مثال‌ها توجه کنید:

We saw the latest Harry Potter film, **which** we really enjoyed.

"ما جدیدترین فیلم هری پاتر را دیدیم، **که** خیلی از آن لذت بردیم."

My favorite actor is Marlon Brando, **whom** I saw in "On the Waterfront".

"هنرپیشه مورد علاقه من مارلون براندو است، که من در فیلم "در بارانداز" دیدم."

توجه کنید: ضمیر موصولی در جمله‌واره در نقش مفعول است و دیگر نباید از ضمیر مفعولی استفاده کنیم. در مثال اول که نادرست است می‌بینیم که بعد از which که خود ضمیر است و به جای we آمده دوباره ضمیر we تکرار شده است:

We saw the latest Harry Potter film, **which** we really enjoyed **it**. (نادرست)

We saw the latest Harry Potter film, **which** we really enjoyed. (درست)

ج: جمله معترضه برای متمم: هر وقت بخواهیم اطلاعاتی اضافی درباره متمم جمله بدهیم که حذفش هیچ آسیبی به معنای کلی جمله نمی‌رساند، بعد از ضمیر موصولی، جمله‌واره‌ای موصولی می‌آوریم که فعل آن دارای حرف اضافه است. این جمله‌واره یا باید بین دو ویرگول بیاید یا اگر در انتهای جمله بود قبلش یک ویرگول بگذاریم. به مثال‌ها توجه کنید:

He decided to telephone Mrs. Jackson, **whom** he had read about in the newspaper.

"او تصمیم گرفت به خانم "جکسون"، که راجع به او در روزنامه خوانده بود، تلفن کند."

That's the program **which** we listened to last night.

"این برنامه‌ای است که ما دیشب به آن گوش دادیم."

وقتی ما از whom و which استفاده می‌کنیم، حرف اضافه می‌تواند در ابتدای جمله‌واره بیاید. این ساختار بیشتر در حالت محاوره اتفاق می‌افتد. به مثال‌ها توجه کنید:

He decided to telephone Mrs. Jackson, about **whom** he had read in the newspaper.

"او تصمیم گرفت به خانم "جکسون"، که راجع به او در روزنامه خوانده بود، تلفن کند."

That's the program to **which** we listened last night.

"این برنامه‌ای است که ما دیشب به آن گوش دادیم."

یادداشت:

چند تست دستگرمی: برای هر یک از تستهای زیر، بهترین گزینه را انتخاب کنید.

- 1 - The students talked to the teacher ----- John had met before.
a. which b. who c. that d. whom
- 2 - I received a letter, ----- was written by one of my students.
a. who b. which c. whose d. that
- 3 - He showed me the rocks ----- he had brought back from Australia.
a. who b. which c. whom d. where
- 4 - The mechanic ----- is very skillful, had an accident.
a. who b. whose c. when d. which
- 5 - The student ----- parents are both teachers, won first prize in the competition.
a. whose b. who c. whom d. which
- 6 - The novel ----- my father bought for me last week was very amusing.
a. where b. when c. that d. who
- 7 - An actor with ----- Asghar Farhadi had previously worked contacted him about the role.
a. whom b. who c. which d. that
8. This was the teacher ----- told me my son had behaved badly in class.
a. which b. whose c. whom d. who
9. My sister, ----- I love very much, sent me flowers at work yesterday.
a. who b. whom c. which d. whose
10. She was the girl ----- car hit that tree last week.
a. who b. which c. whose d. whom
11. Those are the boxes ----- were sent to us last month.
a. which b. who c. whose d. whom
12. She watched the DVD ----- her father bought.
a. whom b. who c. whose d. which
13. We bought some books ----- the teacher suggested.
a. which b. who c. whose d. whom
14. I have friends ----- love me so much, they made a birthday party for me last night.
a. which b. who c. whose d. whom
15. That young man ----- saved our brother's life on that car accident is very brave.
a. which b. whose c. who d. whom
16. That's another way of saying it. I'm talking about the car ----- parked over there.
a. who's b. that's c. who d. how
17. Well, I should say for ----- money is no object.
a. which b. who c. whose d. whom
18. I saw the man ----- lives next door.
a. that b. whom c. which d. where
19. That's interesting. We are talking about the car ----- has a red roof.
a. that b. who c. that's d. whose
20. It's the best car ----- I've ever had. Why do you ask?
a. whose b. when c. who d. that

پاسخنامه تستهای دستگرمی گرامر ضمائر موصولی (Relative Pronouns)

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه به قبل و بعد از جای خالی نگاه کرده و به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

قلق حل تستهای مربوط به ضمائر موصولی: ابتدا به گزینه ها نگاه کنید، چنانچه در بین گزینه ها، یکی از کلمات wh دار در وسط جمله وجود داشت (اکثراً ولی نه همیشه، جمله خبری میباشد)، معنی جای خالی "که" یا "را که" بود و توضیحاتی هم برای اسم قبل از جای خالی به جمله اضافه شده بود، گرامر مربوط به ضمائر موصولی میباشد. قبل و بعد از خالی نکته مربوطه را لو خواهد داد.

توجه (زبان تخصصی): همنطور که در گرامر هم گفته شد، مبحث بسیار مهم حذف ضمائر موصولی در کتاب درسی نیماده است، به همین دلیل در سوالات زیر از این مبحث سؤالی نیامده ایت اما قلق کلی این نوع سؤالات به شرح زیر است:
برای حل تستهای مربوط به حذف ضمائر موصولی که در کتاب درسی به این گرامر هیچ اشاره ای نشده است معمولاً در گزینه ها با فعلی ing دار و یا شکل سوم فعل روبرو هستیم. در مواردی هم در بین گزینه ها کلمه ای wh دار وجود دارد. باز معنی جالی خالی "که" یا "را که" است.

در مبحث حذف ضمائر موصولی یادگرفتیم که چنانچه ضمائر موصولی بر سر جمله ای استمراری یا مجهول بیایند همراه با فعل to be بعد از خود حذف خواهند شد. پس گزینه ای که فقط یکی از موارد را حذف کرده باشد، فوراً به عنوان گزینه اشتباه در نظر گرفته میشود. چنانچه مفعول به ابتدای جمله منتقل شده باشد (جمله مجهول) شکل سوم فعل و چنانچه مفعول در جای خود باقی مانده باشد فعل ing دار جواب ما خواهد بود (جمله استمراری). همچنین چنانچه بعد از ضمائر موصولی فاعل آمده باشد قابل حذف هستند.

• ۱- (d) مرجع ضمیر موصولی who انسان (the teacher) و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی)
ترجمه: "دانش آموزان با معلمی که جان قبلاً ملاقات کرده بود، صحبت کردند."

• ۲- (b) مرجع ضمیر موصولی which غیر انسان (a letter) میباشد. در اینجا بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی)
ترجمه: "من نامه ای را دریافت کردم که توسط یکی از دانش آموزان نوشته شده بود."

• ۳- (b) مرجع ضمیر موصولی which غیر انسان (the rocks) میباشد. در اینجا بعد آن فاعل آمده است. (در نقش مفعولی)
ترجمه: "او به من سنگهایی را داد که او از استرالیا آورده بود."

• ۴- (a) مرجع ضمیر موصولی who انسان (the mechanic) و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی)
ترجمه: "مکانیکی که خیلی ماهر است، یک تصادف داشت."

• ۵- (a) قبل و بعد از جای خالی دو اسم آمده اند (The student ----- parents) که رابطه مالکیت دارند، پس ضمیر موصولی whose جواب تست میباشد. ترجمه تست: "دانش آموزی که والدینش هر دو معلم هستند، برنده جایزه نخست در رقابت شد."
ترجمه: "دانش آموزی که والدینش هر دو معلم هستند، برنده جایزه اول در رقابت شد."

• ۶- (c) مرجع جمله، غیر انسان (the issue) میباشد. ضمیر موصولی that در اینجا جانشین which شده است. چون بعد از آن فاعل آمده است. در نقش مفعولی بکار رفته است.
ترجمه: "زمانی که پدرم هفته گذشته برایم خرید، واقعا سرگرم کننده بود."

• ۷- (a) قبل از جای خالی حرف اضافه with آمده و چون مرجع جمله انسان میباشد، پس فقط جواب ضمیر موصولی whom میباشد.
ترجمه: "هنرپیشه ای که قبلاً با اصغر فرهادی کار کرده بود، در مورد نقش با او تماس گرفت."

- ۸- (d) مرجع ضمیر موصولی who انسان (the teacher) و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی) ترجمه: "این معلمی بود که به من گفت پسرم در کلاس رفتار بدی داشته است."
- ۹- (b) مرجع ضمیر موصولی whom غیر انسان (My sister) میباشد. در اینجا بعد آن فاعل (I) آمده است. (در نقش مفعولی) ترجمه: "خواهرم که من خیلی دوستش دارم، برایم در سر کار، گلپای فرستاد."
- ۱۰- (c) قبل و بعد از جای خالی دو اسم آمده اند (The girl ---- car) که رابطه مالکیت دارند، پس whose جواب تست میباشد. ترجمه: "او دختری است که هفته گذشته ماشینش با آن درخت برخورد کرد."
- ۱۱- (a) مرجع ضمیر موصولی which غیر انسان (the boxes) میباشد. در اینجا بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعل) ترجمه: "آنها جعبه هایی هستند که ماه گذشته برای ما فرستاده شدند."
- ۱۲- (d) مرجع ضمیر موصولی which غیر انسان (the DVD) میباشد. در اینجا بعد آن فاعل آمده است. (در نقش مفعولی) ترجمه: "او DVDهایی را که پدرش خریده بود، تماشا کرد."
- ۱۳- (a) مرجع ضمیر موصولی which غیر انسان (some books) میباشد. در اینجا بعد آن فاعل آمده است. (در نقش مفعولی) ترجمه: "ما تعدادی کتاب خریدیم که معلم پیشنهاد داده بود."
- ۱۴- (b) مرجع ضمیر موصولی who انسان (friends) و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی) ترجمه: "من دوستانی دارم که عاشق من هستند. آنها برای من یک مهمانی تولد دیشب گرفتند."
- ۱۵- (c) مرجع ضمیر موصولی who انسان (that young man) و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی) ترجمه: "مرد جوانی که زندگی برادرمان را در آن تصادف ماشین نجات داد خیلی شجاع بود."
- ۱۶- (b) مرجع جمله، غیر انسان (the car) میباشد. ضمیر موصولی that در اینجا جانشین which شده است. چون بعد از آن فعل آمده است. در نقش فاعلی بکار رفته است. در این تست فعل کمکی is همراه با that در بین گزینه ها قرار دارد. ترجمه: "این یک راه دیگر برای گفتن آن (موضوع) است. من درباره ماشینی که آنجاست حرف میزنم."
- ۱۷- (d) قبل از جای خالی حرف اضافه for آمده و چون مرجع جمله انسان میباشد، پس فقط جواب ضمیر موصولی whom میباشد. ترجمه: "خوب، من باید بگم که پول برای او اهمیتی ندارد."
- ۱۸- (a) مرجع ضمیر موصولی that که جانشین who شده است، انسان (the man) بوده و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی) ترجمه: "من مردی را که در همسایگی ما زندگی میکند را دیدم."
- ۱۹- (a) مرجع ضمیر موصولی that که جانشین which شده است، غیر انسان (the car) بوده و بعد آن فعل آمده است. (در نقش فاعلی) ترجمه: "جالبه. ما داریم در مورد ماشینی که سقف قرمز رنگی دارد حرف میزنیم."
- ۲۰- (d) بعد از صفت عالی یا برترین، فقط از ضمیر موصولی that استفاده میکنیم. ترجمه: "این بهترین ماشینی است که تا به حال داشته ام. چرا این (سؤال) را پرسیدی؟"

گرامر درس دوم

جملات شرطی (Conditional Sentences)

این نوع از جملات، جملات مرکبی هستند که در آنها انجام یک عمل مشروط به انجام کاری دیگری میباشد. مثال:

"اگر باران نبارد من بیرون می روم." **If it doesn't rain, I will go out.**

- در این مثال شرط بیرون رفتن گوینده، باران نباریدن است.

"اگر قطار تاخیر نداشته باشد او دیر نخواهد کرد." **He won't be late if the train isn't delayed.**

- در این مثال شرط تاخیر نداشتن فاعل، این است که قطار تاخیر نداشته باشد.

ساختار کلی جملات شرطی:

جمله شرط **if** جواب شرط → جواب شرط , جمله شرط **if**

همانطور که ملاحظه می نمائید میتوان جواب شرط را به ابتدای جمله منتقل کرد و در این حالت برای معنای جمله مشکلی پیش نخواهد آمد و تنها ویرگول حذف میشود.

انواع جملات شرطی:

۱- شرطی نوع اول ۲- شرطی نوع دوم ۳- شرطی نوع سوم ۴- شرطی نوع صفر

۱- **جملات شرطی نوع اول (درس سوم پایه یازدهم):** در جملات شرطی نوع اول، جمله شرط در زمان حال ساده و جواب شرط در زمان آینده ساده خواهد بود. یعنی عملی را نشان میدهد که به شرط انجام کار دیگری احتمال دارد در آینده میشود.

زمان آینده ساده , زمان حال ساده **If**

If you study more, you will learn a lot. → You will learn a lot **if** you study more.
 حال ساده آینده ساده آینده ساده حال ساده

نکته ۱: در جواب شرط به جای Will میتوان از شکل اول افعال ناقص (**can, may, should, must**) استفاده کرد.

"اگر الان نیروی، قطار را از دست خواهی داد." **If you don't go now, you may miss the train.**

نکته ۳: برای سؤالی کردن جملات شرطی، **جواب شرط** را سؤالی میکنیم:

"اگر در بعد از ظهر باران ببارد، در خانه خواهی ماند؟" **Will you stay home if it rains in the afternoon?**

نکته ۳: در جملات شرطی نوع اول میتوان جواب شرط را برای اشاره به توصیه، پیشنهاد یا دستور به صورت امری بیان کرد:

یادآوری: جملات امری با **شکل ساده فعل** شروع شده و با **don't** منفی میشوند:

"اگر او به اینجا آمد، بهش بگو که من در خانه نیستم." **If he comes here, tell him that I'm not at home.**
 جمله امری

نکته ۴: اگر قصد انجام عملی را در آینده داشته باشیم و یا بخواهیم برنامه ریزی را در آینده بیان کنیم، در جواب شرط، به جای Will میتوان از ساختار "**be going to**" استفاده کرد:

If Raman wins the competition, he is going to invite us to dinner next Friday.

"اگر رامان در رقابت برنده بشود، جمعه آینده ما را به شام دعوت خواهد کرد."

نکته ۵: در جمله شرط به جای زمان ساده میتوان از زمانهای حال استمراری برای اشاره به عملی که هم اکنون در حال انجام میباشد و زمان حال کامل برای اشاره به عملی که در گذشته انجام شده و اثر و نتیجه آن باقی مانده باشد، هم استفاده کرد:

If you **are studying** your final exams, you **shouldn't use** your cell phone.

حال استمراری

"اگه برای امتحانات نهایی در حال مطالعه کردن هستی، نباید از تلفن همراهت استفاده کنی."

If he **has written** the letter, I **will post** it soon.

حال حامل

"اگه او نامه را نوشته است، من آن را پست خواهم کرد."

نکته ۶: بعد از if هرگز will و یا would بکار برده نمیشود:

You will learn a lot **if** you **will** study more.

"تو بیشتر یاد خواهی گرفت اگه بیشتر مطالعه کنی."

۲- جملات شرطی نوع دوم: این جملات درباره موقعیتهای فرضی یا خیالی صحبت می کنند که احتمال رخ دادن آنها غیر ممکن است یا در گذشته می توانستند رخ بدهند اما چون اتفاق نیافتاده اند، حالا احتمال رخ دادن آنها غیر ممکن شده است. در این نوع از جملات شرطی، جمله شرط در زمان گذشته ساده (شکل دوم فعل + فاعل) و جواب شرط در زمان آینده در گذشته ساده (شکل ساده فعل + Would + فاعل) خواهد بود. در جواب شرط به جای would میتوان از شکل دوم افعال ناقص (could, might) هم استفاده کرد.

زمان آینده در گذشته ساده , زمان گذشته ساده If

If you **studied** more, you **would learn** more.

گذشته ساده

آینده در گذشته ساده

→

You **would learn** more **if** you **studied** more.

"اگه بیشتر مطالعه میکردی، بیشتر یاد میگرفتی."

If it **didn't rain**, she **would go** on a picnic.

گذشته ساده

آینده در گذشته ساده

→

she **would go** on a picnic **if** it **didn't rain**.

"اگه باران نمیبارید او به گردش میرفت."

If I **had** enough money, I **could** visit 80 countries.

"اگر به اندازه کافی پول داشتم میتونستم از ۸۰ کشور دیدن کنم."

If I **knew** his name, I **would** tell you.

"اگر اسمش را می دانستم به تو می گفتم."

نکته ۱: در جملات شرطی نوع دوم، اگر بخواهیم یکی از افعال **to be** را بکار ببریم، برای تمامی فاعلها، فقط از **were** استفاده میکنیم. و نمیتوان **was** را بکار برد.

If I **were** you, I **would** tell my parents.

"اگر من به جای تو بودم، به والدینم می گفتم."

If he **were** a millionaire, he **could** travel around the world.

"اگه میلیونر بود، میتوانست به دور دنیا سفر کنه."

If my brother **were** you, he **would** never buy that car.

"اگه برادرم جای تو بود، هرگز اون ماشین را نمیخرید."

If I **were** rich, I **might** spend all my time traveling. "اگه ثروتمند بودم، احتمالاً همه وقتم را صرف مسافرت میکردم."

نکته ۲ (زبان تخصصی): در این حالت میتوان if را از جمله حذف کرده و were را به ابتدای جمله بیاوریم، در این صورت جمله خبری، دارای ساختار سؤالی میشود اما در معنی جمله تغییر ایجاد نخواهد شد:

"اگه برادرم جای تو بود، هرگز اون ماشین را نمیخرید." **Were** my brother you, he **would** never buy that car.

"اگه ثروتمند بودم، احتمالاً همه وقتم را صرف مسافرت میکردم." **Were** I rich, I **might** spend all my time traveling.

۳- جملات شرطی نوع سوم (زبان تخصصی): از این نوع از جملات شرطی در مواردی که کاری در گذشته انجام نشده است و یا اتفاقی که امکان وقوع آن در زمان حال یا آینده دیگر وجود ندارد، استفاده میکنیم. (زمان در این نوع از جملات مربوط به گذشته است که برای تصور کردن نتیجه چیزی که در گذشته روی نداده است به کار می رود).
در این نوع از جملات شرطی، جمله شرط در زمان گذشته کامل (شکل سوم فعل + had + فاعل) و جواب شرط در زمان آینده در گذشته ساده (شکل سوم فعل + have + would + فاعل) خواهد بود. در جواب شرط به جای would میتوان از شکل دوم افعال ناقص (**could, might**) هم استفاده کرد. در درس سوم با زمان گذشته کامل آشنا خواهیم شد!!!!

زمان آینده در گذشته کامل, زمان گذشته کامل If

"اگه بیشتر مطالعه کرده بودی، بیشتر یاد میگری." **If** you **had studied** more, you **would have learnt** a lot.
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

→ You **would have learnt** a lot **if** you **had studied** more.
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

"اگه باران نباریده بود، آنها به گردش میرفتند." **If** it **hadn't rained**, they **could have gone** on a picnic.
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

→ They **could have gone** on a picnic **if** it **hadn't rained**.
گذشته کامل آینده در گذشته کامل

برای فهم بهتر این نوع از جملات شرطی نوع سوم، به مثالهای زیر و معنی آنها توجه کنید:

If we **had taken** a taxi, we **wouldn't have missed** the train
"اگر تاکسی گرفته بودیم قطار را از دست نمی دادیم." (ولی ما تاکسی نگرفتیم و قطار را هم از دست دادیم)

If I **had found** his address, I **would have sent** him an invitation
"اگر آدرسش را پیدا می کردم دعوتش می کردم." (ولی آدرس او را پیدا نکردم و دعوتش هم نکردم).

نکته ۱ (زبان تخصصی): در این حالت میتوان if را از جمله حذف کرده و had را به ابتدای جمله بیاوریم، در این صورت جمله خبری، دارای ساختار سؤالی میشود اما در معنی جمله تغییر ایجاد نخواهد شد:

"**Had** I **known** you wanted to talk to me, I **wouldn't have left** the office." (= if I had known...)
"اگه میدانستم تو میخواستی با من حرف بزنی، من اداره را ترک نمیکردم."

"**Had** we **not missed** the plane, we **would all have been killed** in the crash. (NOT: **Hadn't** we missed...)
"اگه ما قطار را از دست نداده بودیم در تصادف کشته شده بودیم."

- در ساختار بالا، not به اول جمله نمیآید و صورت منفی فعل، مخفف نمی شود.

۴- جملات شرطی نوع صفر (زبان تخصصی): با جملات شرطی نوع صفر میتوانیم درباره شرطهای علمی، حقایق همیشگی و عادات صحبت کنیم که در این حالت در جمله جواب شرط از "زمان حال ساده" بهره میگیریم. (به عبارت دیگر، اگر بخواهیم درباره قواعد و قوانین ثابت جهان صحبت کنیم از شرطی نوع صفر استفاده می کنیم.) در جملات شرطی نوع صفر، هر دو جمله شرط و جواب شرط، در "زمان حال ساده" میباشند.

If you boil the water, it turns into steam. "اگه آب را بجوشانی، به بخار تبدیل میشود."
 حال ساده حال ساده

If you heat the ice, it melts quickly. "اگه یخ را گرم کنی، فوراً ذوب میشه."
 حال ساده حال ساده

نکته ۱ (بسیار مهم و کاملاً کنکوری): برای ساختن عبارت الحاقی (Tag Questions) در جملات شرطی، از "جواب شرط" که جمله ای مستقل و بدون کلمه ربط میباشد، استفاده میکنیم:

I would have found a better job, if I had studied medicine at the university, wouldn't I?
 جمله شرط (با if بکار میرود) جواب شرط
 "اگه در دانشگاه پزشکی را خوانده بودم، کار بهتری پیدا میکردم، مگه نه؟"

If people eat too much food, they will get fat, don't they?
 جواب شرط جمله شرط (با if بکار میرود)
 "اگه مردم زیاد غذا بخورند، چاق خواهند شد، مگه نه؟"

If you want to see me, come to my office, won't you?
 جواب شرط جمله شرط (با if بکار میرود)
 "اگه میخواهی من را ببینی، به اداره من بیا، نمایی؟"

نکته ۲ (زبان تخصصی): برای بیان جملات شرطی منفی میتوان به جای If... not از "unless" به معنی "مادامیکه" استفاده کرد. اما دقت نمائید که جمله ای که در آن unless آمده باشد باید حتماً "مثبت" باشد چون که این کلمه معادل If... not میباشد.

You can't buy this car if you don't have enough money.
 فعل منفی "اگه پول کافی نداشته باشی، نمیتوانی آن ماشین را بخری."

You can't buy this car unless you have enough money.
 فعل مثبت "مادامیکه پول کافی نداشته باشی، نمیتوانی آن ماشین را بخری."

نکته ۳ (زبان تخصصی): در جملات شرطی، میتوان از سایر ادوات شرط به جای if استفاده کرد:

providing (that)	provided (that)	on (the) condition (that)	as long as
even if	if only	assuming (that)	so long as
what if	imagine	supposing	unless

She can get better provided that = if she takes some medicine.
 "او میتونه بهتر بشه به شرط اینکه کمی دارو مصرف کنه."

I'll drive over and see you, except if the car breaks down.
 "من با ماشینم میآیم و تو را میبینم مگر اینکه ماشین خراب بشه."

چند تست دستگرمی: برای هر یک از سوالات زیر بهترین گزینه را انتخاب کنید:

1. I ----- tell you to tell him anything if you were not his close friend.
1) don't 2) won't 3) wouldn't 4) hadn't
2. If I were you, I ----- that coat. It was too expensive.
1) wouldn't buy 2) won't buy 3) would buy 4) didn't buy
3. What ----- you ----- if you have a big garden?
1) would/do 2) are / doing 3) were / done 4) will / do
4. What could we do if we ----- a key?
1) don't have 2) hadn't had 3) didn't have 4) haven't had
5. If they were here, I ----- their car.
1) would borrow 2) borrowed 3) will borrow 4) borrow
6. You wouldn't be so fat if you ----- too much.
1) don't eat 2) hadn't eaten 3) didn't eat 4) can't eat
7. How ----- you write if you didn't have fingers?
1) can 2) will 3) could 4) should
8. If I ----- you, I wouldn't risk it.
1) had been 2) am 3) would be 4) were
9. If they had waited another month, they could probably ----- a better price for their house.
1) got 2) had got 3) have got 4) will get
10. If I ----- very hard, I would have been able to stop smoking.
1) try 2) would have tried 3) tried 4) had tried
11. If he decides to accept that job, he ----- it for the rest of his life.
1) has regretted 2) had regretted 3) is regretting 4) will regret
12. If you ----- of applying for that job, my advice is: Forget it.
1) are thinking 2) will think 3) will be thinking 4) would think
13. If she goes on passing her exams, ----- soon be qualified to practice as a lawyer.
1) she's 2) she had 3) she has 4) she'll
14. If you really want to be helpful, then you ----- to tell me the truth.
1) have 2) had 3) will have 4) would have
15. If I win that competition, I ----- buy you a very big toy car as a present.
1) should 2) will 3) am 4) have
16. ----- I bought you a new car, would you be very happy?
1) When 2) If 3) As 4) Since
17. I would move to a new house if I ----- as wealthy as he is.
1) am 2) had 3) were 4) would be
18. Will you come to dinner with us if we ----- a babysitter for you?
1) had found 2) will find 3) found 4) find
19. I will try very hard to come and have dinner at your house if I ----- able to.
1) am 2) was 3) were 4) will be
20. If I ----- you, I would work very hard so that I could earn more money.
1) am 2) were 3) are 4) have

پاسخنامه سؤالات آموزشی و دستگرمی گرامر جملات شرطی (Conditional Sentences)

شیوه کلی حل تستهای گرامر: عموماً برای حل تستهای گرامر ابتدا به گزینه های سؤال نگاه کرده و سعی میکنیم گرامر مربوطه را حدس بزنیم، آنگاه در قبل و بعد از جای خالی به دنبال نکته مربوطه در آن گرامر، برای به دست آوردن پاسخ صحیح، میگردیم.

قلق حل تستهای مربوط به جملات شرطی: در تستهای مربوط به جملات شرطی ما با جمله ای مرکب طرف هستیم:

- (الف) شرطی نوع اول: جمله شرط، در "زمان حال ساده" و جواب شرط در "زمان آینده ساده" که به جای will از شکل اول افعال ناقص هم استفاده میگردیم (can, may, should, must).
- (ب) شرطی نوع دوم: جمله شرط، در "زمان گذشته ساده" و جواب شرط در "زمان آینده در گذشته ساده" که به جای would از شکل دوم افعال ناقص هم استفاده میگردیم (could, would).
- (ج) شرطی نوع سوم: جمله شرط، در "زمان گذشته کامل" و جواب شرط در "زمان آینده در گذشته کامل" که به جای would از شکل دوم افعال ناقص هم استفاده میگردیم (could, would).
- (د) شرطی نوع صفر: جمله شرط، در "زمان حال ساده" و جواب شرط هم در "زمان حال ساده" میباشد.

- چنانچه به گزینه های یک تست نگاه کردیم و حالت های مختلف فعل را دیدیم، آن تست در مورد زمان ها طرح شده است و در صورتیکه قبل یا بعد از جای خالی if آمده بود، گرامر مربوطه، جملات شرطی میباشد:

- اگه فقط یک طرف if جای خالی بود، از روی طرف دیگر راحت میتوان تشخیص داد که کدام یک از جملات شرطی است. اما در صورتیکه هر دو طرف if جای خالی داشتند، در آن جمله دنبال قید زمان یا کلمات کلیدی میگردیم که مشخصه یک زمان خاص میباشد.

• ۱- (c) بعد از if شکل دوم فعل (were) آمده است، پس شرطی نوع دوم بوده، به شکل دوم افعال ناقص (would) نیاز خواهیم داشت.

ترجمه: "اگر دوست صمیمیش نبود، من به تو هیچ چیزی در مورد او به تو نمیگفتم."

• ۲- (a) بعد از if شکل دوم فعل (were) آمده است، پس شرطی نوع دوم بوده، به شکل دوم افعال ناقص (would) نیاز خواهیم داشت. با توجه به معنی جمله، گزینه صحیح باید منفی باشد.

ترجمه: "اگه من جای تو بودم، آن کت را نمیخریدم، خیلی گران بود."

• ۳- (d) بعد از if شکل اول فعل (have) آمده است، پس شرطی نوع اول بوده، شکل اول افعال ناقص (will) جواب تست میباشد.

ترجمه: "اگه یک باغ بزرگی داشتی، چکار میکردی؟"

• ۴- (c) در جواب شرط، (could) آمده، پس شرطی نوع دوم بوده، بعد از if به زمان گذشته ساده نیاز داریم.

ترجمه: "اگه ما کلید نداشتیم، چکار میکردیم؟"

• ۵- (a) بعد از if شکل دوم فعل (were) آمده است، پس شرطی نوع دوم بوده، به شکل دوم افعال ناقص (would) نیاز خواهیم داشت.

ترجمه: "اگر آنها اینجا بودند، ماشینشان را قرض میگرفتم."

• ۶- (c) در جواب شرط، (would) آمده، پس شرطی نوع دوم بوده، بعد از if به زمان گذشته ساده نیاز داریم.

ترجمه: "اگه خیلی زیاد غذا نمیخوردی، چاق نمیشدی."

• ۷- (c) بعد از if شکل دوم فعل (didn't have) آمده است، پس شرطی نوع دوم بوده، به شکل دوم افعال ناقص (could) نیاز خواهیم داشت.

ترجمه: "اگه تو انگشت نداشتی، چطور میتوانستی بنویسی؟"

• ۸- (d) در جواب شرط، (would) آمده، پس شرطی نوع دوم بوده، بعد از if به زمان گذشته ساده نیاز داریم.

ترجمه: "اگه من جای تو بودم، آن ریسک را نمیکردم."

- ۹- (c) (زبان تخصصی) بعد از if زمان گذشته کامل آمده است (had waited) آمده است، پس شرطی نوع سوم بوده، به زمان آینده در گذشته کامل نیاز خواهیم داشت. در این زمان بعد از فعل ناقص همواره have همراه با شکل سوم فعل می‌آید.
ترجمه: "اگه آنها برای یک ماه دیگر صبر میکردند، آنها احتمالاً میتوانند با قیمت بهتری آن خانه را بخرند."
- ۱۰- (d) (زبان تخصصی) در جواب شرط، زمان آینده در گذشته کامل (would have been) آمده پس شرطی نوع سوم بوده ما در جمله شرط به زمان گذشته کامل نیاز داریم.
ترجمه: "اگه به سختی تلاش کرده بودم، قادر میشدم که از سیگار کشیدن دست بکشم."
- ۱۱- (d) بعد از if شکل اول فعل (decides) آمده است، پس شرطی نوع اول بوده، به شکل اول افعال ناقص (will) نیاز خواهیم داشت.
ترجمه: "اگه او تصمیم میگیره آن شغل را قبول کنه، او برای بقیه عمرش پشیمان خواهد شد."
- ۱۲- (a) جواب شرط به صورت امری بیان شده است (Forget it). میدانیم که فقط در جملات شرطی نوع اول میتوان جواب شرط را به صورت امری بیان نمود. در این نوع جملات شرطی به جای زمان حال ساده میتوان از زمان حال استمراری هم استفاده کرد.
ترجمه: "اگه داری برای آن شغل درخواست میدی، نصیحت من اینه: آن را فراموش کن."
- ۱۳- (d) شرطی نوع اول: جمله شرط، در "زمان حال ساده" و جواب شرط باید در "زمان آینده ساده" باشد.
ترجمه: "اگه میخواهد که امتحاناتش را پاس کنه، او به زودی این کیفیت را خواهد داشت که مثل یک وکیل کار کنه."
- ۱۴- (c) جمله شرط، در "زمان حال ساده" و جواب شرط باید در "زمان آینده ساده" باشد چون جمله، شرطی نوع اول است.
ترجمه: "اگه میخواهی یاری رسان باشی، تو مجبور خواهی بود حقیقت را به من بگویی."
- ۱۵- (b) شرطی نوع اول:
ترجمه: "اگه من در رقابت برنده بشوم، به عنوان یک کادو یک ماشین اسباب بازی خیلی بزرگی برایت خواهم خرید."
- ۱۶- (b) جمله اول، در "زمان گذشته ساده" و جمله دوم در "زمان آینده در گذشته ساده". پس با توجه به ترجمه جمله پی خواهیم برد که با جملات شرطی نوع دوم طرف هستیم.
ترجمه: "اگه برایت یک ماشین بزرگ میخریدم، تو خیلی خوشحال میشدی؟"
- ۱۷- (c) شرطی نوع دوم: جمله شرط، در "زمان گذشته ساده" و جواب شرط در "زمان آینده در گذشته ساده":
ترجمه: "اگه به اندازه او ثروتمند بودم، به یک خانه جدید اسباب کشی میکردم."
- ۱۸- (d) جواب شرط در "زمان آینده ساده" پس جمله شرط، باید در "زمان حال ساده" باشد چون جمله، شرطی نوع اول است.
ترجمه: "اگه ما برایت یک پرستار بچه پیدا کنیم، آیا برای شام با ما میآمدی؟"
- ۱۹- (a) جواب شرط در "زمان آینده ساده" بوده پس جمله شرط، باید در "زمان حال ساده" باشد چون جمله، شرطی نوع اول است.
ترجمه: "اگه قادر باشم به سختی تلاش خواهم کرد که بیایم و شام را در خانه شما بخورم."
- ۲۰- (b) جواب شرط در "زمان آینده در گذشته ساده" است پس جمله شرط، باید در "زمان گذشته ساده" باشد چون جمله، شرطی نوع دوم است.
ترجمه: "اگه جای تو بودم، خیلی به شدت کار میکردم تا اینکه پول بیشتری را کسب کنم."

پاراگراف نویسی:

اگر تا به حال به متن کتابها و مقاله ها دقت کرده باشید، دیده اید که متن ها به صورت کامل و با هم نیامده اند بلکه یک متن به تکه های مختلفی تقسیم شده است . و هر کدام از این بخش ها با یک فاصله ایی از بخش قبلی خود جدا شده اند . ما به هر کدام از این بخش ها و دسته های نوشته، "پاراگراف" می گوئیم . خواندن نوشته ایی که پاراگراف بندی نشده خسته کننده است . اما این پاراگراف بندی تنها جنبه زیبایی ندارد. بلکه هر پاراگراف در واقع ایده خاص یا کمی متفاوت از پاراگراف قبلی خود را بیان می کند . پس در واقع پاراگراف بندی یک نوشته از ساختار خاصی پیروی می کند که در کتاب درسی پایه دوازدهم در درسهای دوم و سوم آموزش داده شده است اما ما در زیر تمامی نکات ضروری برای شناخت و نوشتن یک پاراگراف استاندارد در زبان انگلیسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

چرا ما نیاز داریم با ساختار یک پاراگراف آشنا شویم؟

بلد بودن ساختار یک پاراگراف هم به عنوان یک خواننده، هم به عنوان یک نویسنده و هم برای حل سؤالات درک مطلب امتحانات مختلف دبیرستانی و دانشگاهی و .. بسیار مفید است . به عنوان یک نویسنده از آن نظر مفید است که به شما کمک می کند راحت تر حرفه ایی تر افکار و اطلاعات تان را سازماندهی کنید . پاراگرافبندی خوب، متن شما را زیباتر، ساده تر و برای خواننده قابل فهم تر می کند. اکثر آزمون های زبان در مدارس، دانشگاه ها و ... داری بخشی هستند به عنوان کلوز تست و درک مطلب . در این بخش سؤالات زیادی درباره جمله موضوعی، عنوان مناسب برای این پاراگراف، ایده اصلی نویسنده و ... می پرسند . اگر با ساختار یک پاراگراف آشنا باشید، پاسخگویی به این سؤالات برای شما بسیار ساده تر خواهد شد . و از آنجایی که اکثر داوطلبان به این سؤالات پاسخ نمی دهند، پاسخ صحیح شما می تواند برایتان بسیار امتیاز آور شود .

پاراگراف چیست؟

هر متن یا مقاله از حداقل یک یا چند پاراگراف تشکیل می شود . پاراگراف واحد تشکیل دهنده یک متن است . پس پاراگراف ها گروهی از جملات هستند که در کنار هم ایده خاصی را بیان می کنند . ایده اصلی معمولاً در جمله موضوعی (topic sentence) آن بیان می شود و بقیه جملات پاراگراف به شرح، بسط و تقویت جمله موضوعی می پردازند .

ظاهر یک پاراگراف:

اول هر پاراگراف باید کمی از حاشیه اصلی فاصله داشته باشد (در زبان انگلیسی به این فاصله **Indentation** میگویند) . به این ترتیب خواننده متوجه می شود ایده جدیدی مطرح شده یا جنبه کمی متفاوت تر موضوع قرار است مورد بحث قرار گیرد . پس دانستن اینکه چه موقع یک پاراگراف را تمام کرده و به پاراگراف بعد برویم از هنرهای نویسنده است.

نکته: هنگام ترجمه یک متن بسیار دقت داشته باشید که مترجم موظف است دقیقاً چیدمان پاراگراف بندی نویسنده را حفظ کند و در این زمینه باید کاملاً تابع نویسنده باشد. (یعنی به عنوان یک مترجم شما اجازه ندارید چیدمان پاراگرافهای نویسنده را تغییر دهید).

طول یک پاراگراف

یک پاراگراف ممکن است بسیار طولانی و یا بسیار کوتاه باشد. اما اکثر پاراگراف ها معمولاً از بیش از سه جمله تشکیل می شوند. و حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلمه دارند.

اجزای تشکیل دهنده یک پاراگراف در انگلیسی :

۳ - جمله نتیجه گیری

۲ - جملات حمایت کننده

۱ - جمله موضوع

۱- جمله موضوع (Topic Sentence):

به مهمترین ایده پاراگراف که در قالب یک جمله بیان می شود میگویند. جمله موضوع در واقع هسته اصلی پاراگراف است. جمله موضوع جمله ای هست که ایده اصلی یک پاراگراف انگلیسی (Main idea) در آن قرار دارد، به عبارتی وقتی خواننده این جمله را می خواند باید بتواند به محتوای پاراگراف شما پی ببرد. این جمله ممکنه در اول پاراگراف بیاید. ممکن است در وسط پاراگراف (به عنوان پیوند بین دو مبحث) مطرح شود. و یا ممکن است (به عنوان نتیجه گیری) در آخر پاراگراف بیان شود. اما متداول ترین و بهترین مکان آن در اول پاراگراف است. وقتی اولین جمله پاراگراف جمله موضعی باشد، هم شما راحتتر پاراگراف خود را بسط می دهید و هم خواننده راحتتر مبحث را متوجه میشود.

چگونه یک متن را براساس پاراگراف ها بنویسیم؟

اجازه دهید این موضوع را با یک مثال برای شما شرح دهم. فرض کنید می خواهید در مورد موضوع فوتبال مطلبی بنویسید. topic یا موضوع کلی متن شما میشود "فوتبال". حال فکر کنید می خواهید درباره کدام جنبه های فوتبال صحبت کنید؟

- تاریخ فوتبال
- مقایسه آن با دیگر ورزش ها
- قوانین آن
- بزرگترین فوتبالیستهای جهان و ...

هر کدام از این جنبه های مختلف یک عنوان فرعی و یک یا چند پاراگراف را به خود اختصاص می دهند. ابتدا اصل مطلب را در اولین جمله پاراگراف تان بنویسید سپس شروع به شرح دادن آن کنید. جزئیات بیشتر را اضافه نمایید و یا به آن شاخ و برگ دهید. البته باید دقت کنید تمام این موارد را باید فقط حول و حوش جمله اصلی بیان کنید.

پس با توجه به این توضیحات راحتترین راه این است که قبل از شروع مقاله و یا متن خود یک طرح کلی از آن داشته باشید و تصمیم بگیرید درباره کدام جنبه های موضوع قرار است صحبت کنید. حتی قبل از شروع شرح پاراگراف ها بهتر است چیدمان موضوع را نیز مشخص کنید. یعنی بدانید کدام جنبه و موضوع فرعی اول بیاید، کدام دوم و ... و تصمیم بگیرید به هر کدام چقدر قرار است شاخ و برگ دهید. یعنی کلمات و جملات کلیدی هر پاراگراف یا عنوان فرعی را از قبل مشخص کنید.

- فوتبال اولین بار در کجا و چه زمانی بازی شد.
- این ورزش چگونه به کشورهای دیگر راه یافت.
- به مرور زمان چه تغییراتی در نحوه بازی آن رخ داد.
- تفاوت این ورزش با دیگر ورزش ها در چیست.

۲ - جملات حمایت کننده (Supporting Sentences):

(علاوه بر جمله موضوعی (topic sentence)، یک پاراگراف از جملات دیگری هم تشکیل می شود. این جملات به بسط و شرح جمله موضوعی می پردازند. به این جملات supporting sentences میگویند. همانطور که از اسمش پیداست جملاتی هستند که برای توضیح ایده اصلی، که در جمله اول بیان می شود می آیند و می تواند شامل مثال هایی نیز باشد. مثلا اگر در topic sentence ادعایی را مطرح کردید می توانید با آوردن مثال های متعدد از ایده اصلی خود پشتیبانی کنید. یک پاراگراف همیشه یک topic sentence دارد اما تعداد supporting sentences ها معمولا بیش از دو جمله است. غیر از topic sentence، همه جملات دیگر یک پاراگراف supporting sentence هستند. در ادامه درباره نحوه ی نوشتن supporting sentences ها توضیح داده خواهد شد.

۳ - جمله نتیجه (Concluding Sentences): جمله نتیجه گیری، جمله ای است که پاراگراف شما را به اتمام می رساند و تمام نکات مهم پاراگراف را در خود دارد و خواننده متوجه می شود که شما در حال بستن و جمع بندی پاراگراف هستید. فراموش نکنید که در هیچ جمله پایانی نباید اطلاعاتی را بیاورید که در پاراگراف وجود نداشته و به آن اشاره نکرده اید (آوردن اطلاعات جدید ممنوع!).

نوشتن پاراگراف در زبان انگلیسی:

با توجه به مطالب بالا، برای نوشتن پاراگراف در انگلیسی، قبل از نوشتن Topic Sentence باید به این موضوع فکر کنید که راجع به چه چیزی قرار هست بنویسید. وقتی که خوب در این مورد فکر کردید حال باید موارد مهمی هم که در ارتباط با موضوعی که می خواهید بنویسید را در نظر بگیرید.

برای مثال می خواهید راجع به تهران بنویسید. تهران یک کلمه کلیدی در نوشته شما محسوب می شود. قدم بعدی این است که بگویید راجع به چه چیزی از تهران می خواهید بنویسید، (مثلا نکات منفی شهر تهران. قدم بعدی مشخص کردن این نکات میباشد، مثلا آلودگی هوا، ترافیک سنگین، هزینه های بالای زندگی) مسکن، اجاره...). این سه موردی که ذکر شد در پاراگراف نویسی به آن Thesis statement می گویند که در مقالات آکادمیک و رایتینگ های پنج پاراگرافی کاربرد دارد و جمله ای هست در پایان پاراگراف مقدمه که همه آن چیزهایی که قرار هست در پاراگراف های شما بیاید را مطرح میکند.

قدم آخر کنار هم قرار دادن همه ی این ایده هاست تا یک جمله کامل شکل بگیرد. جمله به این صورت در می آید تهران را برای زندگی نمی پسندم، به خاطر آلودگی، ترافیک سنگین و هزینه های بالای زندگی. حالا باید هر یک از این سه مورد را به صورت Supporting sentence بعد از Topic Sentences بیاورید. در نهایت با یک جمله که Concluding Sentence هست پاراگراف را تمام می کنیم، این جمله می تواند بیان دوباره Topic Sentence باشد.

نمونه پاراگراف در زبان انگلیسی مثال اول:

I do not like to live in Tehran, because of its air pollution, heavy traffic and high cost of living. Air pollution as one of the biggest problems of metropolitan can cause irritation in the eyes, lungs, nose, and throat. It creates respiratory problems and aggravates current conditions such as emphysema and asthma, therefore it is harmful for one's health. In addition, heavy traffic is another reason that I hate to live in Tehran; it wastes lots of one's precious time and if one is in hurry, he should depart at least two hours earlier in rush hours. This condition is not tolerable for me. The third reason is high cost of living in Tehran like the cost of renting or buying a house. I prefer to live in a smaller city with fewer facilities where I can afford the cost of living. **All in all, air pollution, heavy traffic and high cost of living are the reasons that I prefer not to live in Tehran.**

نمونه پاراگراف در زبان انگلیسی مثال دوم:

There are three important qualities necessary in a good boss. The most important is fairness. If the boss is fair, the workers can feel that if they do a good job, their work will be appreciated, and their efforts will be rewarded. The second important quality is leadership. The boss should be an example and a teacher. This allows workers to learn from a boss so that they can increase their job skills and get promoted. The third factor is that the boss acts with consistency. That way the workers know what to expect each day. They know how they will be treated and what their share of the workload will be. **Indeed, I would hire a boss with these characteristics for myself.**

نمونه پاراگراف در زبان انگلیسی مثال سوم:

Gold a precious metal, is prized for two important features. First of all, gold has a lustrous beauty that is resistant to corrosion. Therefore, it is suitable for jewelry, coins and ornamental purposes. Gold never needs to be polished and will remain beautiful forever. For example, a Macedonian coin remains as untarnished today as the day it was minted twenty-three centuries ago. Another important characteristic of gold is its usefulness to industry and science. For many years, it has been used in hundreds of industrial applications. The most recent use of gold is in astronauts' suits. Astronauts wear gold-plated heat shields for protection outside the spaceship. **In conclusion, gold is treasured not only for its beauty but also for its utility.**

ویژگی های یک پاراگراف خوب:

۱ - **تمامیت:** در بحث اصول پاراگراف نویسی در زبان انگلیسی پاراگرافی تمامیت دارد که به اندازه کافی جملات پشتیبان داشته باشد و بتواند به طور کامل و واضح Topic sentence را توضیح دهد. برای رسیدن به یک متن با تمامیت مناسب می توانید از راهکار های زیر استفاده کنید:

- تعداد مناسبی از جزئیات مختلف را برای پیشبرد و بسط دادن Topic sentence استفاده کنید. غالباً استفاده از دو الی سه جمله برای بدنه پاراگراف منجر به ناکافی بودن تمامیت متن می شود.

- همانطوری که کم نویسی مشکل ایجاد می کند، پاراگراف های طولانی و بلند هم مناسب نخواهند بود. زیاده گویی و یا تعداد خیلی زیاد جملات پشتیبان ممکن است باعث کاهش تاثیر گذاری متن و خسته کردن خواننده شود.

- برای جملات پشتیبان از مثال ها و جزئیات خاص و واقعی استفاده کنید که برای خواننده ملموس و قابل هضم باشد، این خیلی بهتر از این است که در جملات پشتیبان از ایده و نظر خودتان استفاده کنید. می توانید از مثال های عینی، حکایات، آمار و ارقام و یا واقعیت ها برای ملموس کردن جملات پشتیبان استفاده کنید.

۲ - **پیوستگی:** پاراگرافی پیوستگی دارد که تمام جملات پشتیبانش با ایده اصلی که در Topic sentence آمده است مرتبط باشد. یعنی برای داشتن نوشته ای با پیوستگی مناسب تمام جملات پشتیبان باید در خدمت Topic sentence باشند. به بیان دیگر، همه جملات پشتیبان اصلی باید Topic sentence را توصیف کنند و جملات پشتیبان فرعی باید جملات پشتیبان اصلی را روشن و قابل فهم کنند.

۳ - **ارتباط معنایی:** پاراگرافی ارتباط معنایی خوبی دارد که تمام ایده ها و جملات به شکل کاملاً روان به دنبال هم بیایند و ارتباط بین ایده ها و جملات واضح و قابل فهم باشند. برای دستیابی به این مورد، حرکت از یک جمله به جمله دیگر باید منطقی و روان باشد. نباید بی جهت به سمت نوشتن جمله دیگر رفت.

الف: تکرار کلمات کلیدی

ب: استفاده از ضمائر، مترادف ها و حرف تعریف the

پ: موازات (parallelism)

ت: کلمات ربطی

ث: ترتیب منطقی

- سطح تستهای ۱ تا ۲۹: در حد کتاب و کنکور ۹۸ "متوسط" و "استاندارد"

- سطح تستهای ۳۰ تا ۱۲۰ (حذف ضمائر موصولی - زبان تخصصی): "کنکوری" و "دشوار".

- توصیه میشود دانش آموزانی که به دنبال در صد بالایی برای درس زبان انگلیسی در کنکور سراسری میباشند، گرامر "حذف ضمائر موصولی" و تستهای مربوطه را تمرین کنند. اکثر تستهای زیر از بهترین منابع موجود، انتخاب شده اند که در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

1. Thomas Edison, ----- was American. Invented many things, including the light bulb.

- a. which b. whom c. who d. whose

2. It seems that the Earth is the only planet ----- can support life.

- a. who b. when c. that d. where

3. Did I tell you about the people ----- lived next door?

- a. who b. whom c. that they d. who they

4. Students ----- register before September do not have any problems.

- a. who b. when c. what d. whom

5. This are men ----- were employed last week.

- a. who b. whom c. when d. which

6. The man ----- telephoned you is reading the newspaper.

- a. who b. whom c. whose d. which

7. There was a man at the party ----- name I didn't know.

- a. whose b. who c. whom d. which

8. You may not believe it, but the stories ----- I have told are all true.

- a. if b. which c. because d. what

9. The girl ----- was injured in the terrible accident is now in the hospital.

- a. whom b. whose c. who d. which

10. The boy ----- taught me the lesson was so clever.

- a. that b. who c. whom d. whose

11. The man ----- life was saved was my father.

- a. who b. whom c. whose d. which

12. The garden ----- Reza works in is full of flower.

- a. in that b. where c. which d. in which

13. This is the house in ----- we lived for ten years.

- a. where b. that c. whose d. which

14. He is the man about ----- I told you.

- a. who b. whom c. whose d. that

15. The children----- paintings won a prize were given ten pounds each.

- a. who b. that c. what d. whose

16. I remember the day ----- my father came back from Mecca.

- a. who b. which c. when d. where

17. For many animals, the problem is that their habitat -the place ----- they live - is disappearing.
a. which **b. as** **c. where** **d. whom**
18. I think you have to speak to the man ----- standing with a notebook in front of the car.
a. which **b. whom** **c. who's** **d. how**
19. The man ----- answered the phone was polite.
a. which **b. that he** **c. who** **d. whom**
20. He didn't wait at the traffic lights ----- were red.
a. which they **b. which** **c. who** **d. whom**
21. He wore a mask ----- made him look like Mickey Mouse.
a. which it **b. that** **c. that he** **d. whom**
22. Here is an article ----- might interest you.
a. it **b. which it** **c. which** **d. that it**
23. The hired man ----- we interviewed last week.
a. whom **b. they whom** **c. whom you** **d. they**
24. People ----- paint houses for a living are called house painters.
a. who **b. whom** **c. which** **d. who they**
25. While I was waiting at the bus stop, I stood next to an elderly man ----- started a conversation.
a. whom **b. to whom**
c. that he **d. that**
26. What did you do with the money ----- your mother lent you.
a. which you **b. ---** **c. who** **d. that when**
27. The robber stole a car ----- the lady parked in front of the supermarket.
a. that **b. when**
c. where that **d. from that**
28. He was a person ----- everyone regarded as trustworthy.
a. who **b. whom** **c. whose** **d. which**
29. She wanted to write on a topic ----- she knew nothing about.
a. who **b. that** **c. whose** **d. what**
30. The man ----- in front of me at the movies was wearing a big hat.
a. sits **b. sat** **c. who sits** **d. sitting**
31. Did you see the photographs ----- in the newspaper?
a. publishing **b. published**
c. which was published **d. which published**
32. Trash ----- to produce energy can be really useful.
a. burning **b. which burns**
c. burned **d. being burned**
33. The man ----- to the principal is my uncle.
a. talked **b. talking** **c. to talk** **d. talks**
34. The wall ----- our house is made of wood and iron.
a. is surrounding **b. surrounding**
c. surrounded **d. surrounds**

35. The machine ----- down has now been repaired.
a. breaks **b. which breaking**
c. broke **d. that broke**
36. The woman ----- dinner in the kitchen is my brother.
a. cooking **b. to cook** **c. cooks** **d. cooked**
37. A lot of people ----- to the party did not arrive on time.
a. inviting **b. invited**
c. who invited **d. are invited**
38. You are fortunate to be in a class ----- by such a respected teacher.
a. taught **b. teaching** **c. teaches** **d. is taught**
39. She is one of those people ----- to be the center of attention.
a. are loved **b. who are loved**
c. who loves **d. being loved**
40. What was the name of the man ----- by the police?
a. to arrest **b. arresting** **c. arrested** **d. arrests**
41. The tasks ----- in that company are very complex.
a. performs **b. to perform** **c. performing** **d. performed**
42. What was the name of the horse ----- the race?
a. won **b. which won**
c. wins **d. which wining**
43. All over the world, there are people ----- the land, the sea, and the air.
a. pollute **b. polluted** **c. polluting** **d. to pollute**
44. The subjects ----- in that book are very interesting.
a. discuss **b. that discuss** **c. discussed** **d. discussing**
45. There was a big red car ----- outside the house.
a. being parked **b. parked** **c. parking** **d. to park**
46. The people ----- yesterday wanted to buy the house.
a. who call **b. calling** **c. to call** **d. whom I call**
47. Who were those people ----- outside?
a. waited **b. who are waiting**
c. waiting **d. they wait**
48. The road ----- the two villages is very narrow.
a. connecting **b. that connecting** **c. connected** **d. it connects**
49. Can you think of the name of a flower ----- with T?
a. it begins **b. begun** **c. to begin** **d. beginning**
50. There are some children ----- in the river.
a. who swims **b. swum**
c. being swimming **d. swimming**
51. The company sent me a letter ----- the information I needed.
a. that is containing **b. containing**
c. contained **d. to contain**

52. The bridge ----- in the storm has now been repaired.
a. which damaged **b. damaging**
c. being damaged **d. damaged**
53. We have eaten nearly all the chocolates. There are only a few -----.
a. that leave **b. leaving** **c. left** **d. which left**
54. Do you know anyone ----- French and Italian?
a. spoken **b. speaking** **c. can speak** **d. who speak**
55. Everybody can enjoy the useful effects ----- by exercise.
a. that they provide **b. provides**
c. provided **d. providing**
56. The woman ----- over there is waiting for a taxi.
a. standing **b. stands** **c. stood** **d. is standing**
57. Antarctica is covered by a huge ice cap ----- 70 percent of the earth's fresh water.
a. contains **b. to contain**
c. which is containing **d. containing**
58. It would cost a lot to rebuild the houses ----- in the earthquake that happened a week ago.
a. destroyed **b. were destroyed**
c. which destroyed **d. they were destroyed**
59. The valley, ----- by the mountains, was very calm and pleasant.
a. protected **b. protect** **c. protecting** **d. was protected**
60. Her friend, on the other hand, worked for famous companies ----- high salaries.
a. pay **b. to pay** **c. paid** **d. paying**
61. He says that the books ----- by this writer are very interesting.
a. writes **b. wrote** **c. written** **d. are written**
62. Anyone ----- in this country should plan to attend another lecture tonight.
a. who is interesting **b. interesting**
c. is interested **d. interested**
63. The story ----- to everyone here is one that has actually happened.
a. told **b. is told** **c. telling** **d. it is told**
64. The experiment ----- at the University of Tehran was successful.
a. conducted **b. conducting**
c. which conducted **d. to conduct**
65. Acid rain, ----- by burning of gas, oil, and coal, destroys forests.
a. is created **b. creating** **c. created** **d. which created**
66. Somebody ----- Jack phoned while you were out.
a. named **b. naming**
c. being named **d. which named**
67. The man ----- the car was badly injured in the accident.
a. driven **b. drives** **c. driving** **d. to drive**
68. The people ----- last month had to take a preparation course this month.
a. who hired **b. hiring** **c. were hired** **d. hired**

69. There is a small wall ----- the living room from the rest of the house.
a. which separating
c. separated
b. separating
d. separate
70. The children ----- that school receive a good education.
a. attended
c. who to attend
b. are attending
d. attending
71. A new drug ----- at a British university may give us eternal youth.
a. the developing
c. is developed
b. developed
d. which developed
72. Many people believe that we should avoid all foods ----- chemical substances.
a. contain
c. containing
b. contained
d. which containing
73. The teacher advised us ----- the article ----- about the greenhouse effect.
a. to read - writing
c. to read - written
b. reading - writing
d. reading - written
74. The man ----- for the best place to park his car has spent a lot of time.
a. looks
b. looked
c. looking
d. to look
75. The cinema ----- in the square nearby is very wonderful.
a. locates
b. locating
c. to locate
d. located
76. The doctor ----- the sick child yesterday was very old.
a. examined
c. who has examined
b. examining
d. had examined
77. The teacher showed us some picture ----- by his sun.
a. painting
b. paint
c. painted
d. to paint
78. The man who ----- next door has ten children.
a. lives
b. living
c. he lives
d. he's living
79. Most of the people ----- in this area are originally from France.
a. lived
b. to live
c. living
d. live
80. The students ----- Dr. Smith's class this semester are enjoying it.
a. taken
b. taking
c. to take
d. are taking
81. The photographs ----- in the newspaper were extraordinary.
a. publishing
c. which published
b. published
d. where publishing
82. In big cities cars ----- fossil fuels do a lot of harm to the air.
a. using
b. are using
c. used
d. uses
83. The children ----- that school receive a good education.
a. attend
c. attending
b. attended
d. are attending
84. Those birthday cards ----- by you made me very excited.
a. was sent
c. sent
b. that sent
d. were sending

85. This are the books Mary and her sister ----- to buy.
a. wanted **b. wanting**
c. who wanted **d. who they want**
86. A few days after the interview, I received a letter ----- me the job.
a. offered **b. offering** **c. which offered** **d. to offer**
87. The rules ----- public access to the wild areas need to be reconsidered.
a. allowing **b. allowed**
c. are allowed **d. that allows**
88. A healthful diet ----- fruit and fiber will decrease one's risk of cancer.
a. includes **b. included**
c. which included **d. including**
89. The man ----- beside the host is the guest.
a. seating **b. who seats** **c. seated** **d. who seated**
90. Prisoners ----- at Alcatraz knew that scape from the Island was impossible.
a. were hold **b. held**
c. holding **d. who were holding**
91. The glasses -----was on the floor belonged to my grandmother.
a. which **b. which it** **c. whose** **d. that it**
92. A person----- at least 30 minute of exercise a day will feel better.
a. doing **b. does** **c. who did** **d. did**
93. Today, the number of people ----- from AIDS is finally decreasing.
a. who they die **b. dying**
c. died **d. who died**
94. Fish is the only food ----- spoiled once it smells like what it is.
a. considered **b. considers**
c. considering **d. that considers**
95. The official ----- clean energy explained his plan.
a. supports **b. who supporting**
c. supporting **d. supported**
96. Many of the students ----- to enter the university will be disappointed because only one-tenth of those ----- for admission will be accepted.
a. hope - apply **b. who hope - which applies**
c. hoped - applied **d. hoping - applying**
97. Competitors ----- in the marathon should get to the stadium early to warm up.
a. will run **b. running**
c. who runs **d. run**
98. Fifty years ago, many people----- from the flu eventually died.
a. who have suffered **b. suffering**
c. suffered **d. were suffering**
99. The woman ----- last night was interesting.
a. I met her **b. who met**
c. met me **d. whom I met**

100. The student ----- missed the quiz.
- a. that come to class late
b. who came to class late
c. came to class late
d. whom came to class late
101. I've become good friends with several of the people ----- in my English class last year.
- a. I meet
b. who I have met
c. whom I met
d. that met
102. He should get an animal ----- a few days, like a horse.
- a. he can leave alone it for
b. that he can leave alone for
c. which can leave it alone for
d. he can leave alone them for
103. Pizza ----- by the slice is a popular lunch in many cities throughout the world.
- a. that sell
b. they sell that
c. which is sold
d. they sell them
104. My wife and I are really enjoying the TV set ----- for our anniversary.
- a. that we bought it
b. that we bought
c. we bought that
d. we bought it
105. Which sentence is grammatically **WRONG**?
- a. Ayaka has a cat that likes to catch mice.
b. I like the shirt that you wore it to class yesterday.
c. Is this the train that stops at Cambridge?
d. The mice that Ayako's cat catches live in the basement.
106. Choose the two sentences that express the ideas in the given sentence.
"The librarian who helped me with my research lives near my parents."
- a. The librarian lives near my parents.
b. I live near my parents.
c. The librarian helped my parents.
d. The librarian helped me
- a. c-d b. a-c c. a-d d. b-c
107. Choose the two sentences that express the ideas in the given sentence:
"The veterinarian that took care of my daughter's goat was very gentle."
- a. The veterinarian took care of my goat.
b. The goat was very gentle.
c. The veterinarian treated my daughter's goat.
d. The veterinarian was gentle.
- a. a-b b. c-d c. c-b d. a-d
108. My grandfather often tells stories -----.
- a. which people laugh
b. what people laugh at
c. that people laugh at
d. at what people laugh
109. Farming ----- a greenhouse gas ----- methane.
- a. produce- named
b. were producing- calling
c. will produce- was named
d. produces- called
110. The prisoners ----- are all women.
- a. releasing b. released c. who will release d. who are releasing

پاسخنامه تستهای گرامر ضمائر موصولی

Grammar Tests

(*Relative Pronouns*)

Page: (353 – 359)

1	C	11	C	21	B	31	B	41	D	51	B	61	C	71	B	81	B	91	A	101	C
2	D	12	C	22	C	32	C	42	B	52	D	62	D	72	C	82	A	92	A	102	B
3	A	13	D	23	A	33	B	43	C	53	C	63	A	73	C	83	C	93	B	103	C
4	A	14	B	24	A	34	B	44	C	54	B	64	A	74	C	84	C	94	A	104	B
5	A	15	D	25	D	35	D	45	B	55	C	65	C	75	D	85	A	95	C	105	B
6	A	16	C	26	B	36	A	46	B	56	A	66	A	76	B	86	B	96	D	106	C
7	A	17	C	27	A	37	B	47	C	57	D	67	C	77	C	87	A	97	B	107	B
8	B	18	C	28	B	38	A	48	A	58	A	68	D	78	A	88	D	98	B	108	B
9	C	19	C	29	B	39	C	49	D	59	A	69	B	79	C	89	A	99	D	109	D
10	B	20	B	30	D	40	C	50	D	60	D	70	D	80	B	90	B	100	B	110	B

یادداشت:

Blank area with horizontal dashed lines for writing notes.

سطح تستها: " استاندارد " و " کنکوری "

1. ----- that difficult job if they offered it to you?

a. Did you take	b. Would you take
c. Have you taken	d. Had you taken
2. If they weren't in a hurry, they ----- in their exams.

a. succeed	b. succeeded
c. will succeed	d. would succeed
3. If I were a millionaire, I ----- a new car.

a. buy	b. would buy	c. will buy	d. bought
---------------	---------------------	--------------------	------------------
4. If I want to learn English faster, what ----- I do?

a. could	b. have	c. would	d. should
-----------------	----------------	-----------------	------------------
5. If you offered me more money, I ----- with you.

a. could stay	b. stay	c. stayed	d. will stay
----------------------	----------------	------------------	---------------------
6. If I had enough apples, I ----- an apple pie.

a. could bake	b. will bake
c. baked	d. must bake
7. If I were you, I ----- that coat. It was much too expensive.

a. don't buy	b. didn't buy
c. won't buy	d. wouldn't buy
8. This soup isn't very good. It ----- better if it weren't salty.

a. can taste	b. will be tasted
c. could be tasted	d. would taste
9. I ----- the bicycle myself if nobody helps me.

a. have repaired	b. am repairing
c. will repair	d. repair
10. You are always tired. If you ----- to bed so late, you wouldn't be so tired.

a. don't go	b. didn't go
c. hadn't gone	d. haven't gone
11. I am not a good cook, but if I -----, I ----- all of my meals.

a. am-make	b. was-would make
c. am-will make	d. was made
12. If they offered me the job, I think I ----- it.

a. would have taken	b. will take
c. would take	d. had taken
13. If he ----- that you were coming home, he would never go out.

a. know	b. knows	c. is known	d. knew
----------------	-----------------	--------------------	----------------
14. It's quite cold outside. If I were you, I ----- some warm clothes today.

a. would have worn	b. will wear
c. had worn	d. would wear
15. I don't know anything about cars. If the car broke down, what-----?

a. I would have done	b. will I do
c. could I have done	d. would I do

16. What ----- to your family if you leave them? They depend on you.
a. will happen **b. has happened**
c. could happen **d. should happen**
17. I would not be a student in this class if English ----- my native language.
a. has been **b. will be** **c. were** **d. was**
18. I ----- to a movie tonight if I ----- any homework to do.
a. would go- don't have **b. would go- didn't have**
c. go - don't have **d. could go- won't have**
19. Sally ----- the phone if she ----- in her office in the morning.
a. would answer- was **b. would answer- were**
c. answers- will be **d. will answer- will be**
20. If I had eaten breakfast -----.
a. I will not feel hungry now **b. I will be feeling hungry now**
c. I won't feel hungry now **d. I wouldn't have felt hungry now**
21. Tell me what to do, where to go, and what to expect if I ----- your home town as a tourist.
a. visited **b. would visit** **c. visit** **d. have visited**
22. If I went anywhere, it ----- Italy; it's a wonderful country, and I can already speak Italian.
a. will be **b. would be**
c. would have been **d. had been**
23. If you had to teach your language to a person who knew nothing at all about your language, -----?
a. how would you begin **b. how you would begin**
c. how did you begin **d. how had you begun**
24. I am sure he ----- his parents if he became rich.
a. is looking after **b. will look after**
c. would look after **d. looks after**
25. A: Are you coming to the party?
 B: I don't think so, but if I ----- my mind, I ----- you.
a. have changed- will tell **b. changed- would tell**
c. changed- will tell **d. change- will tell**
26. If the music were better at the party, everybody -----.
a. could dance **b. will dance** **c. was dancing** **d. is dancing**
27. If I were living in Brazil, I ----- at a bank.
a. will be working **b. would be working**
c. will work **d. have worked**

پاسخنامه تستهای گرامر جملات شرطی

Grammar Tests (Conditional Sentences)											
1	B	6	A	11	C	16	D	21	C	26	A
2	D	7	D	12	C	17	C	22	B	27	B
3	B	8	D	13	D	18	B	23	A		
4	D	9	C	14	D	19	B	24	C		
5	A	10	B	15	D	20	D	25	D		

Vocabulary Tests (Lesson 2) تست واژگان درس دوم پایه دوازدهم

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میباشند که بعد از حفظ لغات درس دوم دوازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

1. My family doctor ----- that I should take more exercise and stop smoking to get better.
a. forgot b. recommended c. expanded d. chose
2. If my parents set off early tomorrow morning, they will ----- most of the traffic.
a. decide b. avoid c. meet d. face
3. Education and training are the most ----- means of improving a nation's culture.
a. wonderful b. symbolic c. lingual d. effective
4. Tsunami researchers rely on computers to try to ----- where waves might start and how they might behave.
a. point out b. put out c. figure out d. look out
5. W.H.O ----- "world health organization".
a. is the abbreviation of b. is short for c. stands for d. all of them
6. Those of you who move your lips when you read should take a 30-second ----- to rest your facial muscles.
a. trip b. medicine c. break d. stand.
7. I'm sorry to disturb you so late, but my car is out of order and I was ----- if I could use your car.
a. browsing b. asking c. introducing d. wondering
8. A variety of ----- can help establish a best friendship.
a. factors b. entries c. definitions d. symbols
9. Many drugs, including some of those ----- by doctors, are addictive.
a. designed b. generated c. recommended d. supposed
10. The word philosophy is usually ----- to come from the Latin language.
a. supposed b. bitten c. stuck to d. magnified
11. Their government's policies on education have ----- in too much difficulty for the families to pay for the fees and prices of education.
a. imagined b. resulted c. improved d. increased
12. I would like to ask you to kindly send us a useful resume which can ----- your skills, experiences and achievements.
a. complicate b. relate c. appreciate d. highlight
13. Because of his terrible mistakes, the company was not able to use all of its available resources -----.
a. effectively b. generously c. meaningfully d. carelessly
14. The committee has made a number of ----- for improving educational standards in schools. They are going to be discussed in the upcoming meeting.
a. pronunciations b. recommendations c. explanations d. arrangements
15. So the question is: What are the truly ----- things, the basic building blocks from which our world is made?
a. intermediate b. unusual c. expensive d. elementary
16. Since you spend a lot on body building, it is important to eat meat or eggs, as they ----- protein and vitamins.
a. define b. identify c. practice d. contain of

17. Left confused and a bit shocked, it took John a couple of days to ----- what had happened to him.
a. figure out **b. ask for** **c. read on** **d. jump into**
18. Successful in their wars, Roman soldiers received an extra salt share called 'solarium'; this term is the ----- of the word 'salary'.
a. opinion **b. origin** **c. format** **d. order**
19. Modernism seeks to find new forms of ----- and rejects traditional or accepted ideas.
a. volume **b. expression** **c. treasure** **d. disconnection**
20. The department needs three more computers in order to work most -----.
a. increasingly **b. gradually** **c. accidentally** **d. effectively**
21. We have two people called Paul James working here, so it's a bit -----!
a. crowded **b. confusing** **c. cooling** **d. terrible**
22. The ----- ability of the whale is thought to be highly developed.
a. elementary **b. communicative** **c. invisible** **d. immediate**
23. The United States has always acted as a ----- for people seeking fame and fortune.
a. panel **b. material** **c. note** **d. magnet**
24. The following program ----- scenes that may be disturbing to some viewers.
a. contains **b. converts** **c. achieves** **d. holds**
25. The restaurant offers a seafood plate of the day, fried shrimp, tuna, salmon and multiple types of other foods. But it is known ----- for its steak and lobster.
a. daily **b. repeatedly** **c. primarily** **d. unexpectedly**
26. Suddenly, a whole series of most distant memories rose in his ----- and he remembered the days when he first loved her.
a. condition **b. combination** **c. imagination** **d. situation**
27. The building was burning. Robert picked up the telephone immediately and dialed the ----- call.
a. stress **b. pressure** **c. emergency** **d. demand**
28. Although milk is made up mainly of water, it ----- nearly all the food substances needed by the body. That is why it is a valuable drink for children and is used in so many different ways in our diet.
a. produces **b. increases** **c. develops** **d. contains**
29. Recently some hardworking scientists have ----- some wonderful results to cure cancer.
a. collected **b. compiled** **c. achieved** **d. lowered**
30. A lot of ----- have been updated in the most recent edition of the Cambridge Advanced Learner's Dictionary.
a. issues **b. entries** **c. sections** **d. parts**
31. My father found it a lot more difficult to get a job in a company than he ----- it would be.
a. supposed **b. met** **c. explained** **d. attended**
32. He sent back the soup he had ordered since there was a/an ----- in it.
a. anthill **b. insect** **c. ocean** **d. salt**
33. I am sure this is an event that will stick in your ----- for quite a long time.
a. brain **b. skin** **c. body** **d. mind**
34. It looks as if he will ----- his word this time.
a. stick to **b. dream of** **c. fill out** **d. put aside**
35. TV ----- have become one of the most effective, most successful and methods of selling products.
a. programs **b. channels** **c. prices** **d. commercials**

36. The drugs should not have been made ----- before it had been completely tested.
a. destructive **b. available** **c. commercial** **d. alphabetical**
37. Please use the ----- 'cm' for 'centimeters', without any full stop after it.
a. abbreviation **b. combination** **c. definition** **d. collocation**
38. The building isn't ----- very well from the point of view of wheelchair access.
a. informed **b. collected** **c. considered** **d. designed**
39. You can't ----- such a low salary to someone who is so highly skilled. it's insulting.
a. offer **b. boost** **c. keep** **d. forgive**
40. Sienna had very ----- left the party before all the trouble started.
a. widely **b. unsystematically** **c. wisely** **d. primarily**
41. Kevin's teachers saw him quiet and serious, but with his friends he was ----- the opposite. This strange behavior had made all of them feel surprised.
a. exactly **b. greatly** **c. originally** **d. physically**
42. Nowadays people depend ----- on TV; in fact, they are ever more influenced by whatever they see there.
a. suddenly **b. quietly** **c. increasingly** **d. hopefully**
43. In order to read the tiny print of the book, he had to use a ----- glass.
a. protecting **b. developing** **c. expanding** **d. magnifying**
44. Experienced teachers think children should learn to use words as ----- that ----- objects, actions and people.
a. symbols – stand for **b. symbolic – stand for**
c. symbol – abbreviation **d. symbolic – abbreviation**
45. Music and performance are regarded to be more ----- to arts than previous centuries.
a. originated **b. complicated** **c. related** **d. surrounded**
46. Hatha yoga concentrates on the physical stage and is practiced largely as an ----- to relaxation.
a. aim **b. entry** **c. aid** **d. entrance**
47. In contrast to the Spartan ideal of military skills, the people of Athens stressed a higher -----.
a. mind **b. education** **c. destruction** **d. ocean**
48. Slaves were forced to work at anything their masters ----- them to.
a. recommended **b. figured out** **c. ordered** **d. introduced**
49. Raman decided to make the trip so ----- that there was not enough time to plan it properly.
a. suddenly **b. interestingly** **c. amusingly** **d. wisely**
50. It was interesting! She acted ----- when she invited her parents.
a. surprisingly **b. wisely** **c. heavily** **d. suddenly**
51. Another world war can be dangerous beyond imagination; some believe that it may even lead to the destruction of the ----- human life on Earth.
a. entire **b. imaginary** **c. invisible** **d. superhuman**
52. In order to open the discussion, the teacher began with a/an ----- example.
a. far **b. effective** **c. essential** **d. imaginary**
53. I need some information about Iran, but I don't know how it is -----.
a. compared **b. compiled** **c. accessed** **d. supported**
54. The female hormones help the body to defend itself against some kinds of -----.
a. infections **b. accessibilities** **c. entry** **d. sections**

55. Please don't make photocopies of copyrighted material without the permission of the -----.
a. reader **b. publisher** **c. browser** **d. passenger**
56. The earthquake so ----- caused destruction that the bridge was no longer usable.
a. hardly **b. generally** **c. heavily** **d. exactly**
57. Every living thing has its place in nature, and ecology is the study of how things live in relation to their -----.
a. surroundings **b. habits** **c. familiarity** **d. accessibility**
58. As societies developed, it became necessary to identify days more accurately and to ----- when they began and ended.
a. order **b. distinguish** **c. work out** **d. enter**
59. ----- like to take part in space missions though they are aware of the dangers involved.
a. Scientists **b. Physicians** **c. Astronauts** **d. Babysitters**
60. As early as you can, introduce the idea that we read for a ----- even if it is pure enjoyment.
a. saying **b. purpose** **c. meaning** **d. colony**
61. Through earplugs the baby is able to hear echoes in stereo which tell him what ----- in front.
a. lays **b. rises** **c. says** **d. arises**
62. Entering top universities in special fields is not as easy as you ----- . You have to try your hardest to gain a PhD position there.
a. suppose **b. confirm** **c. belong** **d. identify**
63. We have been informed, in -----, of those behaviors that are considered as inappropriate and of the results that will follow them.
a. advance **b. regard** **c. vision** **d. return**
64. He was absolutely -----, as he was speaking in a language with which I was anything but familiar.
a. proud **b. skillful** **c. monolingual** **d. incomprehensible**
65. Be careful with the kind of the job you are going to get involved in. The only thing that is very important is your ----- which may begin to fail under the heavy pressures of the job.
a. patience **b. power** **c. health** **d. action**
66. We should employ young yet skillful people to boost our general productivity, not the ones that are ----- based on friendship with no attention to their actual capabilities.
a. unexpected **b. recommended** **c. abbreviated** **d. distinguished**
67. Early this morning, armed police ----- a house which they thought contained an escaped killer. Their efforts, sadly, came to no fruits.
a. surrounded **b. supported** **c. arranged** **d. suggested**
68. A large number of such unpredictable events may occur ----- or in combination. No matter which way, we have to prepare fully to take the most proper, and of course immediate, measures.
a. exactly **b. rightly** **c. singly** **d. nearly**
69. The result of the ----- war is unlikely to be affected by what he, as an individual, does.
a. quite **b. extra** **c. plain** **d. entire**
70. I ----- what I would be doing now in this strange country without your kind help.
a. suppose **b. wonder** **c. prefer** **d. hat**
71. This business company needs a ----- secretary-a secretary who can speak Arabic besides her own native language.
a. familiar **b. bilingual** **c. intermediate** **d. hardworking**

72. Now that their business is good enough, they plan to ----- their store by adding another room.
a. replace **b. expand** **c. provide** **d. found**
73. She borrowed my dictionary in order to ----- the meaning of the new words.
a. look for **b. look after** **c. look up** **d. look out**
74. Antarctica is covered by a huge ice cap ----- 70 percent of the earth's fresh water.
a. consisting **b. containing** **c. combining** **d. defining**
75. In my opinion, she's had the best ----- of competition till now.
a. speech **b. entry** **c. jump** **d. aid**
76. To improve your pronunciation in English, you may use the international phonetic ----- usually given at the beginning of the dictionaries.
a. weights **b. symbols** **c. customs** **d. mistakes**
77. The US government needs to take an immediate measure to deal with this terrible economic ----- . Otherwise, it will result in serious political and social issues.
a. influence **b. diversity** **c. situation** **d. understanding**
78. This, the officials argue, offers the most cost- ----- way to provide the international students with the cheaper means of transportation in Melbourne.
a. figurative **b. suggestive** **c. relative** **d. effective**
79. In this area children have no school to study and its elders are going to ----- the church into a school temporarily until they can build one.
a. convert **b. replace** **c. consume** **d. absorb**
80. They have taken great care in the ----- of this guidebook.
a. compilation **b. violation** **c. competition** **d. packing**
81. Many adults seem to know little about some of the most ----- sciences.
a. emotional **b. elementary** **c. lingual** **d. voluntary**
82. Some people find it hard to prove that it is possible for people to succeed even without ----- technology.
a. elementary **b. related** **c. advance** **d. complicated**
83. Personal computers in various forms are ----- of the information age and are what most people think of as "a computer".
a. signal **b. symbol** **c. mark** **d. sign**
84. The building he designed with them were simple and well ----- outside, and the large rooms inside.
a. related **b. arranged** **c. compiled** **d. educated**
85. Human being used ----- as a means of communication long before writing was invented.
a. word **b. phrase** **c. saying** **d. speech**
86. He spent more than 20 years and thousands of dollars researching the ----- of words.
a. purposes **b. sections** **c. origins** **d. claims**
87. Normal phones are harmless because they ----- sound as an electrical pulse through wires.
a. order **b. publish** **c. destruct** **d. transmit**
88. She needs to be given some useful ----- before starting every new project.
a. advice **b. trips** **c. advises** **d. tip**
89. She doesn't listen to a/an ----- word of mine. I've given up trying to help her.
a. one **b. some** **c. single** **d. entire**

90. If the restaurant is not very -----, you can place your child on another chair about 3 to 4 feet away from you.
a. empty **b. crowded** **c. full** **d. invisible**
91. Luckily, most of the ----- earthquakes occur in less populated places.
a. constructive **b. confident** **c. particular** **d. destructive**
92. We should put all the files in alphabetical ----- to find them easily whenever they are needed.
a. infection **b. order** **c. symbol** **d. identity**
93. There was a dead cow around which a group of ----- circled to eat its meat.
a. matters **b. marks** **c. scavengers** **d. neighbors**
94. Our soldiers can't afford to make any false moves in war ----- they're in enemy territory.
a. whereas **b. besides** **c. once** **d. instead of**
95. It is always the poorest----- of the community that have much worse health.
a. processes **b. sections** **c. ideas** **d. locations**
96. There's a whole ----- of reasons why Jack couldn't pass the English exam on tenses.
a. guest **b. loss** **c. explanation** **d. host**
97. Ahmad explained the whole idea again, but I still didn't ----- what he meant.
a. come from **b. work out** **c. go out** **d. get around**
98. This apartment is so spacious and large that it has a series of small ----- rooms.
a. physical **b. regional** **c. national** **d. inner**
99. Out of my entire time in high school, one day in particular ----- in my mind the day of the big biology test.
a. respects **b. sticks** **c. arises** **d. rings**
100. You have really made a terrible mistake; I insist that you take ----- action to put this right.
a. deep **b. entire** **c. previous** **d. immediate**

پاسخنامه کلیدی تست‌های واژگان درس دوم

Vocabulary Tests																		Page: 363 - 368	
1	B	11	B	21	B	31	A	41	A	51	A	61	A	71	B	81	B	91	D
2	B	12	D	22	B	32	B	42	C	52	D	62	A	72	B	82	C	92	B
3	D	13	A	23	D	33	D	43	D	53	C	63	A	73	C	83	D	93	C
4	C	14	B	24	A	34	A	44	A	54	A	64	D	74	A	84	B	94	C
5	D	15	D	25	C	35	D	45	C	55	B	65	C	75	C	85	D	95	B
6	C	16	D	26	C	36	B	46	D	56	C	66	B	76	B	86	C	96	D
7	D	17	A	27	C	37	A	47	B	57	A	67	A	77	C	87	D	97	B
8	A	18	B	28	D	38	D	48	C	58	B	68	C	78	D	88	A	98	D
9	C	19	B	29	C	39	A	49	A	59	C	69	D	79	A	89	C	99	B
10	A	20	D	30	B	40	C	50	B	60	B	70	B	80	A	90	B	100	D

ترجمه تستهای واژگان درس دوم: صفحه ۳۶۳ تا ۳۶۸

- (b)-۱ دکتر خانوادگی من **توصیه کرد** که باید ورزش بیشتری را انجام دهم و برای بهتر شدن باید دست از سیگار کشیدن بردارم.
- (b)-۲ اگر والدینم فردا صبح زود از خانه دربیایند، از ترافیک زیاد **اجتناب خواهند کرد**.
- (d)-۳ آموزش و پرورش **تاثیرگذارترین** ابزارهای وارد کردن فرهنگ های یک ملت هستند.
- (c)-۴ محققین سونامی با اتکا بر کامپیوترها تلاش کرده اند تا **تعیین کنند** امواج در کجا شروع می شوند و چگونه رفتار می کنند.
- (a)-۵ O.H.W شکل کوتاه، **مخفف** سازمان بهداشت جهانی است.
- (c)-۶ کسانی که هنگام مطالعه پاهایشان را تکان می دهند باید ۳۰ دقیقه **استراحت** برای ماهیچه های صورتان در نظر بگیرید.
- (d)-۷ ببخشید که دیر وقت مزاحم شدم، ماشینم از کار افتاده و **فکر می کردم** امکانش هست از ماشین شما استفاده کنم؟
- (a)-۸ **عوامل** متنوعی برای شروع بهترین رابطه کمک می کنند.
- (c)-۹ بسیاری از داروها شامل بعضی از آن ها که توسط دکترها هم **پیشنهاد می شوند**، اعتیاد آورند.
- (a)-۱۰ معمولا **فرض می شود** که کلمه فلسفه از زبان لاتین آمده است.
- (b)-۱۱ سیاست های دولت شان در مورد آموزش **منجر به** مشکلات زیادی برای خانواده ها شده است تا شهریه ها و هزینه های آموزش را بپردازند.
- (d)-۱۲ تمایل دارم از شما بخواهم که لطفا رزومه مفیدی را برای ما بفرستید که بتواند مهارت ها و تجارب و دستاوردهای شما را **برجسته** کند.
- (a)-۱۳ به خاطر اشتباهات وحشتناکش، شرکت قادر نبود از همه منابع موجودش **به طور مؤثری** استفاده کند.
- (b)-۱۴ کمیته **پیشنهادات** متعددی برای بهبود استانداردهای آموزشی در مدارس ارائه کرد. آن ها قرار است در مباحث بعدی مورد بحث قرار گیرند
- (d)-۱۵ پس سوال این است: چیزهای واقعا **ابتدایی (بنیادی)** کدامند؟ همان قالب های سازنده اساسی که جهان ما از آن ها ساخته می شود.
- (d)-۱۶ با توجه به اینکه زمان زیادی صرف بدن سازی می کنی، مهم است گوشت و تخم مرغ بخوری. زیرا آن ها **شامل** پروتئین و ویتامین هستند.
- (a)-۱۷ جان که سرگردان و کمی شوکه مانده بود، چند روز طول کشید تا **متوجه شود** چه اتفاقی برایش افتاده بود.
- (b)-۱۸ وقتی سربازان رومی در نبردهایشان موفق بودند، سهم نمک اضافی دریافت می کردند که به آن (سالاریوم) گفته می شد. این واژه، **منشاء** کلمه حقوق است.
- (b)-۱۹ مدرنیسم به دنبال پیدا کردن اشکال جدید **بیان** است و ایده های سنتی یا پذیرفته شده را رد می کند.
- (d)-۲۰ این بخش به سه کامپیوتر بیشتر نیاز دارد تا **به طور مؤثری** کار کند.
- (b)-۲۱ ما دو نفر به نام پل جیمز داریم که اینجا کار می کنند، بنابراین کمی **گیج کننده** است.
- (b)-۲۲ به نظر می رسد توانایی **ارتباطی** نهنگ بسیار توسعه یافته است.
- (d)-۲۳ ایالات متحده همیشه به عنوان یک **آهنربا** برای افرادی که به دنبال شهرت و ثروت هستند عمل کرده است.
- (a)-۲۴ برنامه زیر **شامل** صحنه هایی است که ممکن است برای برخی از مخاطبین مختل کننده باشد.

- (c)-۲۵ آن رستوران یک بشقاب خوراک دریایی روز، میگوی سرخ شده، تن ماهی، سالمون و انواع متعددی از غذا های دیگر را عرضه می کند. اما آن **در اصل** به خاطر استیک و خرچنگش شناخته شده است.
- (c)-۲۶ ناگهان انبوهی از قدیمترین خاطرات در **تصویراتش** پدیدار شد و او به یاد ایامی افتاد که نخستین بار عاشقش شده بود.
- (c)-۲۷ ساختمان درحال سوختن بود و رابرت گوشی تلفن را **فوراً** برداشت و تماس فوریتی را شماره گیری کرد.
- (d)-۲۸ اگر چه شیر عمدتاً از آب درست شده است. شیر تقریباً **حاوی** تمام مواد غذایی مورد نیاز بدن است. به همین دلیل است که شیر یک نوشیدنی ارزشمند برای بچه هاست و به روش های زیادی در رژیم غذایی ما به کار می رود.
- (c)-۲۹ به تازگی برخی از دانشمندان سخت کوش، به برخی نتایج عالی برای درمان سرطان **دست یافته اند**.
- (b)-۳۰ **واژه های** زیادی در تازه ترین ویرایش فرهنگ لغت کمبریج به روز رسانی شده اند.
- (a)-۳۱ پدرم متوجه شد که یافتن کار در یک شرکت بسیار سخت تر از آن است که **تصور می کرد**.
- (b)-۳۲ او سوپی را که سفارش داده بود به خاطر **حشره ای** که داخلش بود، پس فرستاد.
- (d)-۳۳ مطمئنم که این اتفاق برای مدت ها در **ذهنت** خواهد ماند.
- (a)-۳۴ به نظر میرسد که او سر حرفش **خواهد ایستاد**.
- (d)-۳۵ **تبلیغات** تلویزیونی یکی از مؤثرترین، موفق ترین و محبوب ترین روش های فروش محصولات شده است.
- (b)-۳۶ داروها قبل از اینکه کاملاً آزمایش شده باشند نباید در **دسترس** قرار گیرند.
- (a)-۳۷ لطفاً از **علامت اختصاری** cm برای سانتی متر استفاده کنید، بدون هیچ گونه نقطه ایی بعد از آن.
- (d)-۳۸ ساختمان از نظر دسترسی به صندلی چرخدار خیلی خوب **طراحی** نشده است.
- (a)-۳۹ شما نمی توانید چنین دستمزد کمی را به کسی که مهارت بالایی دارد **پیشنهاد دهید**. این توهین محسوب می شود.
- (c)-۴۰ سینا خیلی **عاقلانه** حزب را ترک کرد قبل از اینکه همه مشکلات شروع شود.
- (a)-۴۱ معلمان کوین او را ساکت و جدی می دیدند، اما او با دوستانش **دقیقاً** برعکس بود. این رفتار عجیب، همه آن ها را متعجب کرده بود.
- (c)-۴۲ امروزه مردم **به طور فزاینده** به تلویزیون وابسته هستند؛ در واقع، آن ها همیشه تحت تأثیر آنچه که آنجا می بینند، هستند
- (d)-۴۳ برای خواندن چاپ ریز این کتاب او می بایستی از **ذره بین** استفاده می کرد.
- (a)-۴۴ عالمین با تجربه فکر می کنند که بچه ها باید کلمات را به عنوان **علائمی** بیاموزند که **نشانه ای** از اشیاء، اعمال و مردم هستند.
- (c)-۴۵ اینگونه تلقی می شود که موسیقی و اجرا تا به قرن ها پیش بیشتر **مرتبط** با هنر باشد
- (d)-۴۶ یوگای هاتا بر مرحله فیزیکی تمرکز می کند و بعنوان مرحله **ورودی** به ریلکسیشن (آرامش) اجرا می شود.
- (b)-۴۷ برخلاف اسپارت ها که تاکید بر مهارت های جنگی داشتند، آنتی ها بر روی **تحصیلات** بالاتر تاکید می کردند.
- (c)-۴۸ برده ها مجبور بودند هر **دستوری** که ارباب هایشان می دادند انجام دهند.
- (a)-۴۹ چون زمان کافی برای برنامه ریزی وجود نداشت، آرش **ناگهانی** تصمیم به سفر گرفت.
- (b)-۵۰ جالب بود! وقتی او خانواده اش رو دعوت کرد خیلی **عاقلانه** رفتار کرد.
- (a)-۵۱ جنگ جهانی دیگر فراتر از حد تصور خطرناک خواهد بود. برخی معتقدند که باعث ویرانی **کل** زندگی بشر در روی زمین خواهد شد.
- (d)-۵۲ معلم بحث را با یک مثال **فرضی** شروع کرد.
- (c)-۵۳ من یکم اطلاعات در مورد ایران لازم دارم. اما نمیدونم چطور در **دسترس** هست.
- (a)-۵۴ هورمون های زنانه به بدن کمک می کند تا در مقابل برخی **عفونت ها** دفاع کند.

۵۵- (b) لطفاً از روی اجناس انحصاری، بدون اجازه **ناشر** کپی نکنید.

۵۶- (c) زلزله باعث ویرانی های **سنگینی** شده بود به طوریکه پل دیگر قابل استفاده نبود.

۵۷- (a) هر موجود زنده در طبیعت جای خودش را دارد و بوم شناسی دانشی است که زندگی موجودات و رابطه با **اطرافشان** را مطالعه میکند.

۵۸- (c) همانگونه که جوامع پیشرفت کرده اند، ضروریست که روزها را تشخیص دهیم و **بفهمیم** هنگامیکه آنها شروع و تمام می شوند.

۵۹- (c) **فضانوردان** با آگاهی از خطرات بازهم دوست دارند در ماموریت های فضایی حاضر شوند.

۶۰- (b) در همان ابتدا شما می توانید این عقیده را ابراز کنید که برای **هدفی** متن می خوانیم حتی اگر فقط بخاطر لذت محض باشد.

۶۱- (a) بچه ها از طریق گوش گیرها بازتاب ها را می شنوند که با آن ها می گوید چه چیزی در جلوی شان **قرار دارد**.

۶۲- (a) آن گونه که **تصور می کنی** وارد شدن به دانشگاه های عالی در رشته های خاص آسان نیست. باید بیشترین تلاشت را برای کسب جایگاه دکتری در آن بکنی.

۶۳- (a) رفتارهایی که ناشایست محسوب می شوند، نتایجی که در پی آن ها حاصل می شوند از **پیش** به ما اطلاع داده شده اند.

۶۴- (d) او کاملاً **غیر قابل درک** بود، زیرا به زبانی صحبت می کرد که من هیچ آشنایی با آن نداشتم.

۶۵- (c) مواظب نوع کاری که قصد دارید درگیرش بشوید، باشید. تنها چیزی که خیلی مهم است **سلامتی** شماست که ممکن است زیر فشار سنگین کار شروع به از بین رفتن کند.

۶۶- (b) ما باید برای افزایش بازدهی عمومی مان افراد جوان اما ماهر را استخدام کنیم، نه افرادی که براساس رفاقت بدون هیچ توجهی به توانایی های بالفعلشان **توصیه می شوند**.

۶۷- (a) امروز صبح زود، افراد مسلح پلیس، خانه ای را که فکر می کردند یک قاتل فراری را در خودش جا داده، **محاصره کردند**. متأسفانه تلاششان نتیجه بخش نبود.

۶۸- (c) تعداد زیادی از این اتفاقات پیش بینی ناپذیر می توانند **تکی** یا به صورت ترکیبی رخ دهند. مهم نیست در کدام یک (در هر یک) از این دو حالت باید کاملاً آماده باشیم تا درست ترین و البته فوری ترین اقدامات را انجام دهیم.

۶۹- (d) نتیجه **کل** جنگ بعید است که تحت تأثیر آنچه او، به عنوان یک فرد انجام می دهد، قرار گیرد.

۷۰- (b) **با خودم فکر میکردم** بدون کمک شما مهربانان الان در این کشور غریب چه کار می کردم.

۷۱- (b) این شرکت بازرگانی به یک منشی **دو زبانه** نیاز دارد - منشی ای که علاوه بر زبان مادری اش بتواند زبان عربی صحبت کند.

۷۲- (b) اکنون که کار و کسب آنها خوب است، آنها قصد دارند تا فروشگاه شان را با اضافه کردن یک اتاق **گسترش دهند**.

۷۳- (c) او فرهنگ نامه لغات من را قرض گرفت تا اینکه معنی لغات جدید را **جستجو کند**.

۷۴- (a) قاره قطب جنوب توسط قله یخی بسیار بزرگی پوشیده شده است که ۷۰ درصد از آب تازه کره زمین را **شامل می شود**.

۷۵- (c) به نظر من تا الان او بهترین **پرش** در رقابت را داشته است.

۷۶- (b) برای بهتر کردن تلفظتان در انگلیسی ممکن است از **نمادهای** بین المللی فونتیک که معمولاً در اول دیکشنری ها داده می شود، استفاده کنید.

۷۷- (c) دولت ایالات متحده لازم است دست به یک اقدام فوری بزند تا این **وضعیت** اقتصادی وحشتناک را مدیریت کند: در غیر این صورت، منجر به مسایل اجتماعی و سیاسی جدی ای خواهد شد.

۷۸- (d) مسئولین استدلال می کنند که این به **مؤثرترین** راه برای فراهم کردن وسایل ارزان تر نقلیه برای دانشجویان بین المللی در ملبورن است.

- ۷۹- (a) در این منطقه کودکان هیچ مدرسه ای برای تحصیل ندارند و بزرگان آن (روستا) قصد دارند کلیسا را به طور موقت به مدرسه تبدیل کنند تا زمانی که یک مدرسه بسازند.
- ۸۰- (a) آن ها دقت زیادی برای گردآوری کتاب راهنما کرده بودند.
- ۸۱- (b) به نظر می رسد بسیاری از بزرگسالان اطلاعات کمی در مورد اغلب علوم پایه دارند
- ۸۲- (c) به نظر برخی مردم ثابت کردن اینکه موفق شدن حتی بدون تکنولوژی پیشرفته ممکن است اما دشوار می باشد.
- ۸۳- (d) شکل های مختلف کامپیوتری های شخصی نشانه دوران اطلاعات است و آن چیز است که مردم بعنوان یک کامپیوتر می دانند.
- ۸۴- (b) ساختمانی که او با آن ها طراحی کرده بود ظاهری ساده، مرتب و اتاق های بزرگی در داخل داشت.
- ۸۵- (d) بشر از کلام بعنوان روشی برای ارتباطات از خیلی پیش از اینکه نوشتار اختراع شود استفاده می کرده است .
- ۸۶- (c) او بیش از ۲۰ سال و همچنین میلیون ها دلار صرف تحقیق در خصوص ریشه لغات کرد
- ۸۷- (d) تلفن های معمولی بی ضرر هستند چون آن ها صدا را مانند پالس های الکتریکی از طریق سیم ها انتقال می دهند.
- ۸۸- (a) او قبل از شروع هر پروژه ای نیاز داره که توصیه های مفیدی به او داده شود.
- ۸۹- (c) او به یک کلمه از حرف های من گوش نکرد. من هم از کمک کردن به او دست کشیدم.
- ۹۰- (b) اگر رستوران خیلی شلوغ نیست می توانید بچه تان را سه قدم آن طرفتر روی صندلی بنشانید.
- ۹۱- (d) خوشبختانه، زلزله های مخرب در مکان های کم جمعیت رخ می دهند.
- ۹۲- (b) ما باید همه فایل ها را به ترتیب حروف الفبا قرار دهیم تا آن ها هر وقت که مورد نیاز هستند، به راحتی پیدا شوند.
- ۹۳- (c) یک گاو مرده وجود دارد که گروهی از لاشخورها دور آن جمع شده اند تا گوشت آن را بخورند.
- ۹۴- (c) سربازان ما نمی توانند زمانیکه در قلمرو دشمن قرار دارند، حرکت های اشتباه را در جنگ انجام دهند.
- ۹۵- (b) همیشه فقیرترین بخش های جامعه است که سلامت بسیار بدتری دارد.
- ۹۶- (d) دلایل کلی زیادی وجود دارد که چرا جک نمی تواند امتحان انگلیسی اش را درباره ی زمان فعل ها قبول شود.
- ۹۷- (b) احمد کل ایده را دوباره توضیح داد، اما هنوز معنای آن را نفهمیدم.
- ۹۸- (d) این آپارتمان چنان جادار و بزرگ می باشد که دارای مجموعه ای از اتاق های داخلی است.
- ۹۹- (b) از بین کل اوقاتم در دبیرستان، یک روز به طور ویژه و آن هم روز بزرگ امتحان زیستم در ذهنم می ماند.
- ۱۰۰- (d) واقعا اشتباه فاحشی انجام داده ای، من اصرار دارم که یک اقدام فوری برای درست کردن آن انجام دهی.

یادداشت:

Lesson Three:

“Renewable Energy”

"انرژى تجديد پذير"

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
absence	غیبت - فقدان	chemistry	شیمی
absorb	جذب کردن، مجذوب شدن - تحلیل کردن	chemist	شیمیدان - دارو ساز
air conditioner	دستگاه تهویه هوا	circulate	چرخش کردن، چرخیدن
alcoholic	الکلی، حاوی الکل	circulation	گردش، جریان، دوران
alternative	جایگزین، جانشین - پیشنهاد، گزینه	clean energy	انرژی پاک
anger	خشم، عصبانیت، غضب	client	مشتری - موکل
angry	عصبانی، خشمگین	climate	شرایط آب و هوایی
annual	سالانه	cloth	پارچه - دستمال
apologize	معذرت خواهی کردن	coal	زغال سنگ
apology	عذر خواهی	collect	جمع آوری کردن
application	تقاضا نامه، درخواست - ضمیمه	collective	مشترک، جمعی، عمومی، اشتراکی
apply	درخواست کردن، تقاضا کردن	collector	فراهم کننده، جمع کننده
apply for	نام نویسی کردن برای	come from sth	سرچشمه گرفتن
argument	جر و بحث، مشاجره	community	جامعه، اجتماع
arrangement	قرار - (جمع) مقدمات	component	جزء سازنده، اجزاء، مؤلفه، قسمت
as a result of sth	در نتیجه - به دلیل	conclude	نتیجه گرفتن - تمام کردن
atmosphere	جو - فضا	conflict	کشمکش، ستیزه، نبرد - ناسازگاری، تضاد
attitude	نگرش، گرایش، روش و رفتار	considerable	قابل توجه، شایان توجه، مهم
awareness	هوشیاری، آگاهی	consist of	تشکیل شدن از
background	پس زمینه	constantly	پیوسته - دائماً
balcony	ایوان - بالکن	consume	مصرف کردن
basis	اساس - اصل	consumer	مصرف کننده
battery	باتری	convert	تبدیل کردن
beach	ساحل	cool	خنک - با حال، معرکه، محشر
beam	اشعه، پرتو، شعاع - تیر سقف، تیرک	cooling	خنک سازی
beloved	محبوب، مورد علاقه	cooler	خنک کننده
benefit	سود، بهره، منفعت	come from sth	سرچشمه گرفتن
bill	صورتحساب - اسکناس	community	جامعه، اجتماع
blow	وزیدن - فوت - دمیدن	consumption	مصرف، استفاده
broth	آبگوشت	convince	قانع کردن، راضی کردن، متقاعد کردن
budget	بودجه	cooperate	همکاری کردن، با هم کار کردن، همدستی
burn	سوزاندن - مصرف کردن	cost	هزینه - ارزش - ارزش داشتن
character	شخصیت - ماهیت - ویژگی	counterpart	همکار، شریک - همتا، المثنی - نقطه مقابل
charge	شارژ کردن	couple	زوج، زن و شوهر
check	بررسی کردن، چک کردن	cross sth out	چیزی را خط زدن
chemical	شیمیایی	deal with sth	با سروکار داشتن، پرداختن به ...

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
decade	دهه (ده سال)	fossil fuel	سوخت فسیلی
delivery	تحویل	fuel	سوخت - سوخت گیری کردن
deliver	تحویل دادن	gadget	وسیله، ابزار، اسباب
demand	تقاضا-نیاز	garbage	آشغال - زباله
digest	هضم کردن - فهمیدن	gasoline	بنزین
disability	معلولیت - نقص	generate	تولید کردن، بوجود آوردن
distance	فاصله - مسافت	generation	تولید - نسل
document	مدرک - سند	give off	رها کردن - منتشر کردن
dread	ترس، بیم، وحشت، ترسیدن از	global	جهانی
dreadful	ترسناک	global warming	گرمايش جهانی
economy	اقتصاد	goal	هدف
Egyptian	مصری (اهل کشور مصر)	gone	ناپدید - رفته - مرده
electric	برقی	gradually	به تدریج - کم کم
electrical	برقی	harm	آسیب زدن - ضرر
electricity	برق	harmful	مضر، زیان آور
energy	انرژی	hatch	از تخم بیرون آمدن
energetic	پر انرژی، فعال	heart	مرکز - قلب
energetically	به طور جدی، از روی حرارت	heat	حرارت - گرما
ensure	مطمئن کردن، اطمینان دادن	herd	گروه - دسته - گله
environment	محیط زیست	hold	نگه داشتن، برگزار کردن
equivalent	برابر	holder	نگهدارنده، گره، گیرنده
except	به جز، به غیر از	hole	چاله، سوراخ، گودال
exclamation	علامت تعجب - حرف ندا- فریاد، بانگ	household	خانگی، خانوار، خانواده، اهل بیت
fall	افتادن - پاییز	huge	عظیم - بزرگ
fall asleep	به خواب رفتن	hybrid	دوگانه
fan	پنکه - طرفدار	hydropower	نیروی برق آبی
fantastic	عالی	identifiable	قابل شناسایی
feather	پر (پرندگان و حشرات و...)	idiom	اصطلاح، تعبیر ویژه - زبان ویژه
fitness	تناسب اندام	I'm afraid	شرمندم، متأسفم
flashlight	چراغ قوه	impression	اثر - احساس، ادراک، گمان - عقیده
flock	دسته دسته رفتن - جمع شدن	inform	اطلاع دادن - با خبر کردن
fly	پرواز کردن - مگس	initial	ابتدایی، آغازین، نخستین
fond	علاقمند، مایل، مشتاق، شیفته، خواهان	innovation	نوآوری، ابداع
force	نیرو، اجبار - مجبور کردن	instead of	به جای - در عوض
forever	برای همیشه	involve	شامل بودن، در برداشتن
formula	فرمول، راه حل، دستور، قاعده رمزی	joint	مفصل - محل اتصال

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

Words	Persian Meanings	Words	Persian Meanings
kinetic	جنبشی	organized	سازمان یافته، آرایش داده شده
landfill	محل دفن زباله - گورستان زباله	organization	سازمان، نهاد
last	ادامه داشتن	outlet	پریز (برق)
lead	راهنمایی کردن - هدایت کردن	overcome	غلبه کردن - چیره شدن
leader	رهبر - راهنما	panel	تابلو - صفحه
lead to sth	منجر شدن	particularly	به ویژه، به طور خاص
lettuce	کاهو	perfect	کامل - بی نقص
light	روشن کردن	permanently	به طور پایدار، ماندگار
likelihood	احتمال	place	قرار دادن - مکان
line	صف، خط	plug (sth) in	به برق وصل کردن
load	بار، محموله - مسئولیت - بار کردن	politics	سیاست
machine	دستگاه - ماشین	pollute	آلوده کردن
magic	جادویی - غیر معمولی	pollution	آلودگی
mammals	(موجودات) پستاندار	polluted	آلوده
margin	حاشیه - مرز - کناره	provide for	فراهم کردن برای
marketplace	بازار، میدان فروش کالا	portable	قابل حمل
material	ماده - عنصر - جنس	power	نیرو، برق - قدرت
meaningful	معنادار - مهم	practical	عملی - مفید
mechanical	مکانیکی	principal	مدیر - اصلی
mixed up	قاطی کردن، گیج شدن	principle	قانون - اصل
mouth	دهان	process	فرآیند - جریان
multiplication	افزایش، ضرب، تکثیر، ازدیاد	produce	تولید کردن
namely	یعنی - بدین معنی	product	محصول
natural	طبیعی	proverb	ضرب المثل
natural gas	گاز طبیعی	quotation	نقل قول، اقتباس - سهمیه بندی
nephew	پسر خواهر، پسر برادر	radiation	اشعه - تابش
noise - free	بدون صدا	reach	رسیدن به... - نائل شدن به
nonrenewable	تجدید ناپذیر	reasonable	منطقی، معقول
nuclear	هسته ای - اتمی	reduce	کم کردن، پائین آوردن
obey	اطاعت کردن - پیروی کردن	remind	یادآوری کردن
obedient	مطیع، فرمان بردار	remote	دور - پرت، دور افتاده
oil	نفت - روغن	renewable	تجدید پذیر
opposite	برعکس	repeat	تکرار کردن
other than	به جز، به غیر از	replace	جایگزین کردن
organic	طبیعی	require	نیاز داشتن، لازم داشتن - ملزم بودن
organize	سازماندهی کردن - مرتب کردن	resource	منبع - ذخیره

لغات مهم درس سوم پایه دوازدهم (Lesson 3) Key Words of Vision 3

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
result	نتیجه - حاصل	sunshine	نور خورشید
review	مرور کردن	supply	فراهم کردن
revolve	چرخیدن، گردش کردن، دور زدن	supporting	قانع کننده - مکمل
rise	افزایش - طرقي - طلوع	sweaty	خیس عرق
roll	چرخاندن	take a note	نکته برداری کردن
roof	طاق - سقف	take in	جذب کردن - به داخل کشیدن
roof beam	تیر سقف	tendency	تمایل، میل، استعداد، علاقه - گرایش
roofless	بی سقف	throughout	سراسر، تماماً، به کلی
rubbish	آشغال، زباله	tide	جزر و مد - موج
run	دویدن - اداره کردن - جریان داشتن	total	کل، مجموع، جمع کل، کامل، کلی
running water	آب جاری - آب تصفیه شده	track	مسیر، راه، راه آهن، رد پا، اثر
screen	صفحه، صفحه تصویر	track and field	ورزش دو میدانی
select	انتخاب کردن	truck	کامیون
separate	جدا - مجزا - جدا کردن	turn	چرخیدن - نوبت
shelf	قفسه	use up	به طور کامل مصرف کردن، تمام کردن
shine (shone)	درخشیدن	variety	تنوع، گوناگونی
shiny	درخشان، تابناک، براق	videophone	تلفن تصویری
sight	دید - قدرت بصری - چشم	visible	مرئی، آشکار، قابل رؤیت
sign	تابلو - علامت، نشانه، امضاء کردن	warn	هشدار دادن
solar	خورشیدی	warning	هشدار، اخطار
solar panel	صفحه خورشیدی	waste	آشغال - هدر دادن
source	منبع	weigh	وزن داشتن، وزن کردن
space	فضا - فاصله	weight	وزن، وزن داشتن، وزن کردن
space station	ایستگاه فضایی	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
spoil	خراب کردن - لوس کردن	whether	که آیا - چه - خواه
stable	اصطبل، طویله - استوار، ثابت	widely	به طور گسترده
store	ذخیره کردن - مغازه	wind machine	آسیاب بادی
stove	اجاق گاز	wind turbine	توربین بادی
string	رشته	work	اثر کردن - عملی بودن - کار
string light bulb	لامپ رشته ای	work out	خوب از آب در آمدن - حل کردن
structure	ساختار - ترکیب	worm	کرم، سوسمار - خزنده، خزیدن
sunlight	نور خورشید	yard	حیاط - واحد طول = ۹۱۴۴/۰ متر

Conversation (Student Book: Page 75 -76)

Emad and his father are traveling to Guilan. On the way, in Manjeel, Emad sees huge wind turbines.

عماد و پدرش در حال سفر به گیلان هستند. در طی مسیر, در منجیل, عماد توربین بادی بزرگی را دید.

Emad: Daddy, look at those big fans!

عماد: پدر, به آن پنکه های بزرگ نگاه کن.

Father: They are actually wind turbines.

پدر: در واقع آن ها توربین های بادی هستند.

Emad: Wind turbines?

عماد: توربین های بادی؟

Father: Yes, wind turbines are used to produce electricity from wind power.

پدر: بله, توربین های بادی برای تولید برق از قدرت باد استفاده میشوند.

Emad: I know electricity can be produced from water and sunlight. How might it be generated from wind?

عماد: من میدانم که نیروی برق می تواند از نور خورشید و آب تولید شود. اما چگونه ممکن است از باد تولید شود؟

Father: Well, a wind turbine works the opposite of a fan. Instead of using electricity to make wind, a turbine uses wind to make electricity. It is a type of clean energy.

پدر: خوب, یک توربین بادی بر خلاف یک پنکه عمل میکند. به جای استفاده از برق برای تولید باد, توربین از باد برای تولید برق استفاده میکند. این یک نوع انرژی پاک است.

Emad: These wind turbines remind me of what I read about using wind power in Yazd's buildings.

عماد: این توربین های بادی, چیزی را که درباره ی استفاده از قدرت باد در ساختمان های یزد خوانده بودم را به خاطر می آورد.

Father: You mean wind towers?

پدر: منظور تو برج های بادی است؟

Emad: Yes, they are natural air-cooling systems and can be used instead of electrical air conditioners. This is another source of clean energy, isn't it?

زمین برای بچه هایمان "Earth for our Children"

Energy is the ability to do work. It can take a variety of forms: mechanical, electrical, chemical, and nuclear. To produce any type of energy, the resources of the earth are used. The main resources of the earth are fossil fuels such as natural gas, oil, and coal.

انرژی توانایی برای انجام کار است. میتواند در شکل های متفاوتی وجود داشته باشد: مکانیکی، الکتریکی، شیمیایی و هسته ای. برای تولید هر نوع از انرژی، منابع زمینی استفاده میشوند. منابع اصلی زمین سوخت های فسیلی هستند از قبیل گاز طبیعی، نفت و زغال سنگ.

We get most of our energy from these fossil fuels, but this is harmful to the environment. Fossil fuels are nonrenewable and cannot be replaced easily. Once we use them up, they're gone forever. They are not clean as they pollute water or air

ما بیشتر انرژیمان را از این سوخت های فسیلی میگیریم، اما این برای محیط زیست مضر است. سوخت های فسیلی تجدید ناپذیر هستند و به راحتی نمیتوان آن ها را جایگزین کرد. اگر یک بار از آن ها استفاده کنیم آن ها برای همیشه از بین میروند. آنها پاکیزه نیستند چونکه آب و هوا را آلوده میکنند.

In recent years, scientists try to use other types of energy resources. They call them clean energy resources because they do not pollute the earth. Clean energy is renewable. It is made from resources that can be replaced, like wind, water, sunshine, tides, and plants. When renewable energy resources are used, the demand for fossil fuels is reduced.

در سال های اخیر، دانشمندان سعی میکنند از منابع دیگر انرژی استفاده کنند. آنها، آن ها را منابع انرژی پاک نامیده اند برای اینکه آن ها زمین را آلوده نمی کنند. انرژی پاک تجدید پذیر است. این از منابعی تشکیل شده است که میتواند جایگزین شود، مانند باد، آب، نور خورشید، جزر و مد، و گیاهان. هنگامی که منابع انرژی تجدید پذیر استفاده می شوند، نیاز برای سوخت های فسیلی کاهش پیدا می کند.

The most common type of clean energy is the solar power. Solar energy is produced by the radiation that reaches the earth. People have used the sun as a heat source for thousands of years. Iranians, for instance, use special designs and arrangements of windows, balconies and yards to get the most sunshine. Different types of materials might also be used in building the houses. This keeps people warm during cold seasons and cool during hot days of the year.

رایج ترین نوع انرژی پاک انرژی خورشیدی است. انرژی خورشیدی از تابش هایی که به زمین میرسد تولید میشود. مردم سال ها است که از خورشید به عنوان منبع گرمایشی استفاده کرده اند. ایرانی ها از سال های دور از چیدمان و

طراحی های خاص برای پنجره ها، بالکن ها و حیاط ها استفاده میکردند برای اینکه بیشترین تابش خورشید را جذب کنند. انواع متفاوتی از مواد هم ممکن است برای ساختن ساختمان ها استفاده شوند. این مردم را در طول فصل های سرد، گرم و در طی فصل های گرم سال، خنک نگه میدارد.

Nowadays, solar energy can be converted into other forms of energy, such as heat and electricity. Solar energy might be used for heating water and air in homes, buildings, or swimming pools. Maybe you've seen buildings or houses with big shiny panels on the roof. These are solar collectors that collect heat by absorbing sunlight and producing solar power. Also, solar energy can be used in generating electricity to provide power for watches, highway signs, houses and even space stations.

امروزه انرژی خورشیدی میتواند به انواع دیگر انرژی تبدیل شود، از قبیل گرما و الکتریسیته. انرژی خورشیدی باید برای گرم کردن آب و هوا در خانه ها، ساختمان ها، یا استخرهای شنا استفاده شود. ممکن است شما ساختمان ها یا خانه هایی با قطعه های بزرگ درخشان در بام دیده باشید. این ها گرد آورنده انرژی هستند که گرما را با جذب کردن نور آفتاب جمع آوری میکنند و انرژی خورشیدی تولید میکنند. همچنین انرژی خورشیدی می تواند برای تولید برق برای ساعت ها، تابلوهای بزرگراه ها، خانه ها و ایستگاه های فضایی استفاده شود

Clean energy resources are widely used in many countries to keep cities and villages clean. As a result, fewer fossil fuels are consumed each year and they are saved for the future generations.

منابع انرژی پاک به صورت گسترده ای در بسیاری از کشورها برای پاکیزه نگه داشتن روستاها و شهرها استفاده میشوند. در نتیجه هر ساله سوخت های فسیلی کمتری استفاده میشوند و برای نسل های آینده باقی میمانند.

یادداشت:

Reading (Workbook: Page 47 - 48)

Many countries now think that cars that burn fossil fuels should be replaced by electric cars. Electric cars don't burn gasoline in the engine, so they don't pollute the air. They use electricity stored on the car in batteries.

امروزه بسیاری از کشورها بر این باور هستند که ماشین های برقی باید جایگزین ماشین هایی شوند که سوخت فسیلی مصرف میکنند. ماشین های برقی گازوئیل را در موتور نمی سوزانند، بنابراین آن ها هوا را آلوده نمیکنند. آن ها از برقی استفاده میکنند که در باطری های بالای ماشین ذخیره شده اند.

Sometimes, 12 or 24 batteries, or more, are needed to power the car. Just like a remote-controlled car, an electric car has an electric motor that turns the wheels and a battery to run the motor.

گاهی اوقات ۱۲ یا ۲۴ باطری برای قدرت ماشین لازم است. دقیقا مانند یک ماشین کنترل از راه دور ، ماشین برقی یک موتور برقی دارد که چرخ ها را میچرخاند و یک باطری که موتور را به جریان در می آورد.

Electricity, the same energy that lights your lamps and runs your TV, is stored in batteries on an electric car. The batteries can be like the batteries you find in flashlights or in regular gasoline cars.

برق ، همان انرژی که لامپ هایتان را روشن میکند و تلویزیونتان را روشن میکند، در باطری ها در یک ماشین برقی ذخیره شده اند. باطری ها میتوانند مشابه باطری هایی باشند که شما در چراغ قوه ها یا ماشین های گازوئیلی معمول میبینید.

To get the battery ready to roll, you have to charge it. This process isn't much different from the way you charge the portable devices you carry around every day: your cell phone, MP3 player, or digital camera. The difference is that you deal with a much bigger gadget that carries you around instead.

برای اینکه باطری آماده کار شود باید آن را شارژ کنید. این پروسه چندان با روشی که هر روزه وسایل قابل حملی که استفاده میکنید را شارژ میکنید، متفاوت نیست: گوشی موبایلتان، پخش کننده موسیقی و دوربین دیجیتالی. تفاوت این است که شما با یک وسیله ی مکانیکی بزرگتر در ارتباط هستید که شما را به اطراف حمل میکند.

The electric car is usually plugged in at night. The car can be plugged into a special charging unit even at houses. Some electric cars can be plugged right into a regular electrical wall outlet. Others need a larger outlet, like the kind that a stove or a vacuum cleaner plug into.

ماشین برقی معمولاً در شب به برق وصل میشود. ماشین حتی میتواند به یک واحد شارژی مخصوص در خانه ها وصل شود. بعضی از ماشین های برقی میتوانند به پریز های برق معمولی روی دیوار وصل شوند. آن های دیگر به یک پریز بزرگتر نیاز دارند مانند آن هایی که گاز یا جارو برقی به آن ها وصل میشوند.

The engineers are trying to make better batteries that hold more energy and last longer. To overcome the problem of charging electric cars, hybrid cars are also available. Hybrid cars combine the benefits of gasoline engines and electric motors. They can be designed to meet different goals, such as better fuel economy or more power.

مهندسان دارند تلاش میکنند که باطری های بهتری را تولید کنند که انرژی بیشتری را در خود ذخیره کنند و بیشتر دوام داشته باشند. برای غلبه بر مشکل شارژ کردن ماشین های برقی، ماشین های هیبریدی نیز موجود هستند. ماشین های هیبریدی مزیت های موتور های گازی و موتور های برقی را با هم ترکیب کرده اند. آن ها میتوانند برای هدف های متفاوتی از قبیل اقتصاد سوختی بهتر و قدرت بیشتر، طراحی شوند.

یادداشت:

گرامر درس سوم:

Past Perfect Tense (زمان گذشته کامل (ماضی بعید))

تعریف: برای اشاره به عملی که در گذشته قبل از عمل دیگری انجام گرفته باشد. از زمان "گذشته کامل" یا "ماضی بعید" استفاده میکنیم.

به این مثال دقت کنید: "وقتی من به خانه رسیدم برادرم رفته بود." بخش دوم این جمله یعنی "برادرم رفته بود" نشان دهنده "گذشته کامل" است. چون قبل از اینکه گوینده به خانه برسد، انجام شده بود. معادل فارسی این زمان در زبان فارسی، ماضی بعید است و بصورت (رفته بودم، رفته بودی، رفته بود و ...) ترجمه میشود:

When I arrived home, my brother **had left**.

قید زمان	قید مکان	قید حالت	مفعول	شکل سوم فعل (p.p.)	had	فاعل
----------	----------	----------	-------	--------------------	-----	------

They **had killed** the man **before** the police arrived.

"آنها آن مرد را **کشته بودند** قبل از اینکه پلیس برسد."

همان گونه که از فرمول و مثال دیده میشود، فعل این زمان با استفاده از "فعل کمکی had" و "قسمت سوم فعل (p.p.)" ساخته می شود. همانند زمان حال کامل (ماضی نقلی)، در این زمان نیز قسمت سوم فعل با استفاده از اضافه کردن -ed یا -d به آخر افعال با قاعده ساخته می شود در حالی که قسمت سوم فعل افعال بی قاعده از قواعد خاصی پیروی نمی کند و میبایستی آنها را حفظ نمود.

توجه: مخفف had بصورت (d) نوشته میشوند.

سؤالی و منفی کردن این زمان: برای سؤالی کردن این زمان فعل کمکی had را به قبل از فاعل منتقل کرده و برای منفی کردن این زمان، بعد از فعل کمکی had قید منفی ساز not و یا مخفف آن n't را اضافه میکنیم.

جدول زیر سه حالت جملات مثبت، سؤالی و منفی این زمان را نشان می دهد:

<p>جملات مثبت:</p> <p>They had practiced together before they gave the concert.</p> <p>آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم تمرین کرده بودند.</p>
<p>جملات منفی:</p> <p>They hadn't practiced together before they gave the concert.</p> <p>آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم تمرین نکرده بودند.</p>
<p>جملات سؤالی:</p> <p>Had they practiced together before they gave the concert?</p> <p>آیا آنها قبل از این که کنسرت را اجرا کنند، با هم تمرین کرده بودند؟</p>

مهم ترین کاربردهای زمان گذشته کامل عبارتند از :

کاربرد اول (مهمترین کاربرد): برای بیان عمل یا کاری که در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد از گذشته کامل (ماضی بعید) استفاده می شود که نیازمند دو عمل است: عملی که در گذشته دورتر انجام شده به شکل "**گذشته کامل**" و عملی که بعداً انجام شده به شکل "**گذشته ساده**" بیان می شوند. به مثالهای زیر و ترجمه آنها توجه نمائید:

I **had eaten** my breakfast, **when** my little baby brother **got up**.

گذشته کامل

گذشته ساده

"هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم."

My mother **had gone** shopping **before** she **started** cooking dinner.

گذشته کامل

گذشته ساده

"قبل از پختن شام، مادرم به خرید رفته بود."

He **was** very tired because he **hadn't slept** well.

گذشته ساده

گذشته کامل

"او خیلی خسته بود چون خوب نخوابیده بود."

I **had saved** my documents before the computer **crashed**.

"من اسناد خود را ذخیره کرده بودم قبل از اینکه کامپیوتر خراب شود."

When Sarah **arrived**, we **had finished** cooking.

"وقتی سارا رسید ما آشپزی را تمام کرده بودیم."

کاربرد دوم: برای بیان عمل یا حالتی که در گذشته شروع شده و تا انجام دادن عملی دیگر در گذشته ادامه داشته است:

My teacher **had lived** in Paris **before** he studied art there.

"معلم من قبل از اینکه تحصیل در رشته هنر را در پاریس آغاز کند، آنجا زندگی کرده بود."

By the time his uncle got a very good job, he **had taken** many risks.

"تا زمانی که عمویش شغل خوبی بدست آورد، ریسک های زیادی را کرده بود."

کاربرد سوم (زبان تخصصی): قبلاً یاد گرفته بودیم که برای بیان عمل یا حالتی که در زمان مشخص در گذشته اتفاق افتاده

است (قید زمان گذشته در جمله موجود باشد). از زمان گذشته ساده استفاده میکنیم. امروز یاد میگیریم که علاوه بر زمان گذشته ساده، از "**گذشته کامل**" نیز می توان استفاده کرد. در این حالت، کلمات ربط "**before**" و "**after**" تعیین کننده هستند که کدام عمل ابتدا انجام شده است.

I **sent** an email on October 7th **before** she **asked** me on October 10th.

گذشته ساده

گذشته ساده

"قبل از این که او در تاریخ دهم اکتبر درخواست کند، من ایمیل را در تاریخ هفتم اکتبر فرستادم."

I **had sent** an email on October 7th **before** she **asked** me on October 10th.

گذشته کامل

گذشته ساده

"قبل از این که او در تاریخ دهم اکتبر درخواست کند، من ایمیل را در تاریخ هفتم اکتبر فرستاده بودم."

کاربرد چهارم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره تجربه‌هایمان تا زمان حاضر. برای این کاربرد معمولا از قیده‌های "ever" و "never" استفاده می‌کنیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

My eighteenth birthday was the worst day I **had ever had**.

"تولد هجده سالگی‌ام بدترین روزی بود که تا به حال تجربه کرده بودم."

I **had never met** him before, even though I **had met** his brother several times.

"قبلا هرگز او را **ندیده بودم**، اگرچه برادرش را چندین بار **دیده بودم**."

کاربرد پنجم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته افتاده اما تاثیرش بر زمانی در گذشته باقی مانده است و به زمان حال نرسیده است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

I couldn't get into the house yesterday. I **had lost** my keys.

"من دیروز نمی‌توانستم وارد خانه شوم. کلیدهایم را **گم کرده بودم**."

Teresa wasn't at home. She **had gone** shopping.

"ترززا در خانه نبود. او به خرید **رفته بود**."

کاربرد ششم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره اتفاقی که در گذشته شروع شده و تا زمانی مشخص در گذشته ادامه داشته است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

When George died he **had married** Anne for nearly fifty years.

"وقتی "جرج" فوت کرد او با "آن" نزدیک به پنجاه سال بود که **ازدواج کرده بود**."

She didn't want to move. She **had lived** in Liverpool all her life.

"او دوست نداشت نقل مکان کند. او تمام عمرش را در لیورپول **زندگی کرده بود**."

کاربرد هفتم (زبان تخصصی): برای صحبت کردن درباره چیزی در گذشته که بارها و بارها انجام می‌شد و ممکن بود باز هم ادامه پیدا کرده باشد. به مثال زیر توجه کنید:

He **had written** three books and he was working on another one.

"او سه کتاب **نوشته بود** و داشت روی یک کتاب دیگر کار می‌کرد."

کاربرد هشتم (زبان تخصصی): در جملات شرطی نوع سوم، برای نشان دادن فرضیه‌ها و آرزوها اگر بخواهیم درباره گذشته صحبت کنیم همیشه از گذشته کامل استفاده می‌کنیم. (گرامر درس دوم پایه دوازدهم) یعنی زمانی که شما انتظار یک شرایط و نتیجه خاصی را در گذشته داشته بودید. از گذشته کامل استفاده می‌کنید.

If I **had woken up** earlier this morning, I wouldn't have missed the class.

"اگر امروز صبح **زودتر بیدار شده بودم**، کلاس را از دست نمی‌دادم."

If you **had cleaned** the house, you could have gone to the park.

"اگر خانه را **تمیز کرده بودی** می‌توانستی به پارک بروی."

نکات بسیار مهم زیر که در تستهای مربوط به این گرامر، خیلی مفید هستند:

۱- **قانون توالی زمانی:** چنانچه جمله مرکبی را داشته باشیم که یک طرف آن (جمله پایه) زمان گذشته باشد، ادامه آن جمله هم (جمله پیرو یا وابسته) در زمان گذشته خواهد بود. با توجه به این نکته:

هرگاه قیده‌های **before, after, just, already, since, for** در زمان گذشته بکار برده شوند، یک طرف آنها "زمان گذشته کامل" و طرف دیگر "زمان گذشته ساده" خواهد بود. و چنانچه در زمان حال بکار برده شوند یک طرف آنها زمان حال کامل و طرف دیگر زمان حال ساده می‌باشد (به غیر از **since** که اگر در زمان حال کامل آمده باشد بعد از آن جمله ای در زمان گذشته ساده می‌آید. برای مثالهای بیشتر رجوع شود به درس ۲ پایه یازدهم).

When I **sent** the book to her, she **had already bought** it.

گذشته ساده

گذشته کامل

"زمانیکه من کتاب را برای او فرستادم، او قبلاً آن را خریده بود."

I **knew** I **had seen** that man somewhere **before**.

گذشته کامل گذشته ساده

"من میدانستم که قبلاً او را در یک جایی دیده بودم."

She **had just turned** on the T.V when the electricity **went off**.

گذشته کامل

گذشته ساده

"او تازه تلویزیون را روشن کرده بود زمانیکه برق رفت."

۲- **بیان دلیل و علت در گذشته:** برای نشان دادن رابطه علت و معلولی در زمان گذشته میتوانیم از "because", "since", "because" استفاده میکنیم (در معنی "چونکه", "از آنجائیکه"):

گذشته کامل + **because / since** + گذشته ساده

I **didn't have** any money **because / since** I **had lost** my wallet.

گذشته ساده

گذشته کامل

"من هیچ پولی نداشتم چونکه کیف پولم را گم کرده بودم."

He **bought** a new laptop **because / since** his son **had broken** his old one.

گذشته ساده

گذشته کامل

"او یک لپ تاپ جدید خرید چونکه پسرش لپ تاپ قدیمی او را خراب کرده بود."

She **could understand** the movie easily **because / since** she **had read** the book before.

گذشته ساده

گذشته کامل

"او تازه تلویزیون را روشن کرده بود زمانیکه برق رفت."

۳- چنانچه چند عمل در گذشته با فاصله کم یا یکی پس از دیگری اتفاق بیافتند، فقط از "گذشته ساده" استفاده میکنیم. در این حالت استفاده از زمان گذشته کامل اشتباه می‌باشد.

I **arrived** home at 1:30, **ate** my lunch, **took** a nap, and **did** my homework.

گذشته ساده

گذشته ساده

گذشته ساده

گذشته ساده

"ساعت یک و نیم به خانه رسیدم، ناهار خوردم، چرت زدم و تکلیفم را انجام دادم."

۴- (ادامه نکته ۳): اگر بخواهیم به مقایسه گذشته ساده و گذشته کامل اشاره کنیم، می توان گفت اگر دو عمل در گذشته پشت سر هم یا با فاصله کوتاهی انجام شده باشند هر دو عمل به شکل "گذشته ساده" بیان می شوند و اگر عملی در گذشته قبل از عمل دیگر با فاصله انجام شده باشد از "گذشته کامل" استفاده می شود. به دو مثال زیر دقت کنید:

When I **arrived** at the airport (at 7), the plane **had landed** (at 5).

گذشته ساده

گذشته کامل

"وقتی که به فرودگاه رسیدم، هواپیما به زمین نشسته بود." (با فاصله زمانی زیاد)

When I **arrived** at the airport, the plane **landed** immediately.

گذشته ساده

گذشته ساده

"وقتی که به فرودگاه رسیدم، هواپیما به زمین نشست." (با فاصله زمانی کم و بلافاصله)

۵- "as soon as", "till", "until", "by the time" از دیگر مشخصه های "زمان گذشته کامل" هستند:

The teacher **didn't check** our papers **until** everyone **had finished**.

گذشته ساده

گذشته کامل

"تا زمانی که همه تمام نشدند، معلم ما ورقه هایمان را چک نکرد."

By the time his uncle **got** a very good job, he **had taken** many risks.

گذشته ساده

گذشته کامل

"تا زمانی که عمویش شغل خوبی بدست آورد، ریسک های زیادی را کرده بود."

Hassan **had left** **as soon as** we **came** here.

گذشته کامل

گذشته ساده

"حسن رفته بود به محض اینکه ما به آنجا آمدیم."

Had you cleaned up the rooms **by the time** your parents **came back** home?

گذشته کامل

گذشته ساده

"آیا اتاقها را تمیز کرده بودی زمانی که والدینت به خانه برگشتند؟"

۶- فرمولهای مهم زیر را برای گرامر این درس بخاطر بسپارید :

گذشته ی ساده + before + گذشته کامل
گذشته ی ساده + when + گذشته کامل
گذشته کامل + because + گذشته ی ساده
گذشته کامل + after + گذشته ی ساده
گذشته ی ساده + by the time + گذشته کامل
گذشته ی ساده + before + گذشته کامل
گذشته ی ساده + as soon as + گذشته کامل
گذشته کامل + until + گذشته ی ساده
گذشته کامل + till + گذشته ی ساده
گذشته کامل + if + آینده در گذشته ی ساده

برای فهم این گرامر به مثالهای زیر و معانی فارسی آنها توجه نمائید:

After she'd studied a lot, she turned on the TV.

"بعد از اینکه زیاد درس خوانده بود، تلویزیون را روشن کرد."

They didn't get good marks because They hadn't studied well for the test.

"آنها نمرات خوبی را نگرفتند چونکه آنها برای امتحان خوب درس نخوانده بودند."

I'd been a professional chess player before my friend gave me a chess set.

"قبل از این که دوستم ست شطرنج به من بدهد، یک شطرنج باز حرفه ای بوده ام."

When Mrs brown opened the washing machine she realized she had washed the money bills.

"وقتی خانم براون لباسشویی را باز کرد متوجه شد که اسکناس ها را شسته است."

When my little baby brother got up, I had eaten my breakfast.

"هنگامی که برادر کوچکترم از خواب بیدار شد، من صبحانه ام را خورده بودم."

My mother had gone shopping before she started cooking dinner.

"قبل از پختن شام، مادرم خرید کرده بود."

My teacher had lived in Paris before he studied art there.

"معلم من قبل از اینکه تحصیل در رشته هنر را در پاریس آغاز کند، آنجا زندگی کرده بود."

When my mother called, I hadn't done my homework.

"وقتی مادرم تماس گرفت من تکالیفم را انجام نداده بودم."

We hadn't made dinner before you came.

"قبل از این که شما بیائید ما شام درست نکرده بودیم."

Had they called you before they came?

"آیا آنها قبل از اینکه بیایند با شما تماس گرفته بودند؟"

Hadn't you saved your data when you closed the program?

"آیا وقتی برنامه را بستنی اطلاعاتت را ذخیره نکرده بودی؟"

He had never driven a car before he got his driving license.

"او قبل از این که گواهی نامه رانندگی بگیرد، رانندگی نکرده بود."

Alfred could have bought a nice car If he had saved his salary.

آلفرد میتواندست یک ماشین خوب بخرد اگر حقوقش را پس انداز کرده بود.

یادداشت:

مجهول جملات زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

یادآوری: در درس اول پایه دوازدهم با جملات مجهول زمان گذشته کامل آشنا شدیم:

فرمول جمله مجهول زمان گذشته کامل یا ماضی بعید:

... + (فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **had + been** + مفعول

Active: They **had learnt** French carefully before they traveled to France.

"آنها به دقت زبان فرانسوی را یادگرفته بودند قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

Passive: French **had been learnt** carefully (by them) before they traveled to France.

"زبان فرانسوی به دقت توسط آنها یاد گرفته شده بود قبل از اینکه به کشور فرانسه سفر کنند."

مجهول کردن جملاتی که افعال ناقص (وجهی) دارند:

یادآوری: در درس چهارم پایه دهم به طور مفصل با افعال ناقص و کاربردهای آنها آشنا شدیم. همچنین در درس اول پایه

دوازدهم ساختارهای مجهول آنها را یاد گرفتیم. بهتر است برای مرور مجدد، به درسهای ذکر شده مراجعه نمایید.

فرمول مجهول جملاتی که فعل ناقص دارند:

(فاعل + by) قید زمان + قید مکان + قید حالت + شکل سوم فعل + **be** + فعل ناقص + مفعول

Active: The principal **should call** the parents.

"مدیر باید به والدین زنگ بزند."

Passive: The parents **should be called** (by the principal).

"به والدین باید زنگ زده شود. (توسط مدیر)"

یادداشت:

تمرین زمان گذشته کامل: جاهای خالی را با توجه به کلمات درون پرانتز کامل کنید.

- 1- She ----- never ----- a bear before she went to the zoo. (to see)
- 2- When I ----- at the party, my grandparents had already gone home. (to arrive)
- 3- I ----- my homework before I left the house. (to do)
- 4- When she arrived, David ----- pizza. (to cook)
- 5- After John had graduated from university, his family ----- to California. (to move)
- 6- I ----- already ----- my room when the guests arrived. (to clean)
- 7- I hadn't traveled to Japan Before I ----- on business trip. (to go)
- 8- She hadn't finished her class before I ----- . (to arrive)
- 9- They ----- the money before I paid. (not to pay)
- 10- Had you finished your education when you ----- married? (to get)
- 11- If I ----- English literature, I would have studied engineering. (not to study)
- 12- She had changed her hair style before we ----- her. (to meet)
- 13- We ----- so many different places, before we came home. (to visit)
- 14- I ----- never ----- such a beautiful beach before I went to Babol. (to see)
- 15- My brother did not have any money since he ----- my wallet. (to lose)
- 16- ----- Susan ever ----- Chinese before she moved to China? (to study)
- 17- We ----- able to get a hotel room because we had not booked in advance. (not to be)
- 18- I ----- at that restaurant before I met you. (not to eat)
- 19- They ----- well for the test When they took it. (not to study)
- 20- I'd been a professional chess player before my friend ----- me a chess set. (to give)
- 21- When I arrived at the cinema, the film ----- . (to start)
- 22- She ----- in China before she went to Thailand. (to live)
- 23- After they ----- the seafood, they began to feel sick. (to eat)
- 24- If you ----- to me, you would have got the job. (to listen)
- 25- Julie didn't come to the party since she ----- the address. (to lose)
- 26- When we ----- dinner, we went out. (to finish)
- 27- The garden was dead because it ----- dry all summer. (to be)
- 28- He ----- her somewhere before he came to this city. (to meet)
- 29- We were late for the plane because we ----- our passports. (to forget)
- 30- She told me she ----- a lot before the exam. (to study)

پاسخ تمرین بالا:

1- had - seen	9- hadn't paid	17- were not	25- had lost
2- arrived	10- got	18- had not eaten	26- finished
3- had done	11- hadn't studied	19- hadn't studied	27- had been
4- had cooked	12- met	20- gave	28- had met
5- moved	13- had visited	21- had been started	29- had forgotten
6- had - cleaned	14- had - seen	22- had lived	30- had studied
7- went	15- had lost	23- had left	
8- arrived	16- had - studied	24- had listened	

ترجمه سؤالات گرامر زمان گذشته کامل یا ماضی بعید (Past Perfect Tense):

در این سؤالات با جملات مرکبی در زمان گذشته طرف هستیم. عملی که در گذشته دورتر انجام شده و کامل شده است به شکل "گذشته کامل" و عملی که بعداً انجام شده و کوتاه تر بوده، به شکل "گذشته ساده" بیان می شوند.

- ۱- ترجمه: "او قبل از اینکه به باغ وحش برود هرگز یک خرس را ندیده بود."
- ۲- ترجمه: "زمانیکه به مهمانی وارد شدم، پدر بزرگ و مادر بزرگم قبلاً به خانه رفته بودند."
- ۳- ترجمه: "من قبل از اینکه خانه را ترک کنم، تکالیفم را نوشته بودم."
- ۴- ترجمه: "زمانیکه او وارد شد، دیوید پیتزا را پخته بود."
- ۵- ترجمه: "بعد از اینکه جان از دانشگاه فارغ التحصیل شد، خانواده اش به کالیفورنیا اسباب کشی کردند."
- ۶- ترجمه: "زمانیکه مهمان ها وارد شدند، من اتاقم را قبلاً تمیز کرده بودم."
- ۷- ترجمه: "من به کشور ژاپن سفر نکرده بودم قبل از اینکه به یک سفر کاری بروم."
- ۸- ترجمه: "او کلاسش را تمام نکرده بود قبل از اینکه من وارد بشوم."
- ۹- ترجمه: "آنها پول را پرداخت نکرده بودند قبل از اینکه من پرداخت کنم."
- ۱۰- ترجمه: "آیا تحصیلات را تمام کرده بودی زمانیکه ازدواج کردی؟"
- ۱۱- ترجمه: "اگه من ادبیات انگلیسی را مطالعه نکرده بودم، مهندسی را مطالعه میکردم."
- ۱۲- ترجمه: "او مدل مویش را عوض کرده بود قبل از اینکه ما او را ملاقات کنیم."
- ۱۳- ترجمه: "ما قبل از اینکه به خانه بیائیم، مکانهای خیلی زیادی را دیدن کرده بودیم."
- ۱۴- ترجمه: "من هرگز چنین ساحل زیبایی را ندیده بودم تا قبل از اینکه به بابل بروم."
- ۱۵- ترجمه: "برادرم هیچ پولی نداشت چونکه او کیف پولش را گم کرده بود."
- ۱۶- ترجمه: "آیا سوزان قبل از اینکه به چین وارد بشود، چینی را مطالعه کرده بود؟"
- ۱۷- ترجمه: "ما قادر نبودیم وارد هتل بشویم چونکه از قبل آن را رزرو نکرده بودیم."
- ۱۸- ترجمه: "من قبل از اینکه تو را ملاقات کنم، در آن رستوران غذا نخورده بودم."
- ۱۹- ترجمه: "آنها به خوبی برای آزمون مطالعه نکرده بودند، زمانیکه آن را دادند."
- ۲۰- ترجمه: "قبل از اینکه دوستم به من یک دست شطرنج بدهد، من یک شطرنج باز حرفه ای بودم."
- ۲۱- ترجمه: "زمانیکه ما به سینما وارد شدیم، فیلم شروع شده بود."
- ۲۲- ترجمه: "او قبل از اینکه به کشور مالزی برود، در کشور چین زندگی کرده بود."
- ۲۳- ترجمه: "انها احساس مریضی میکردند بعد از اینکه غذای دریایی خورده بودند."
- ۲۴- ترجمه: "اگه به من گوش داده بودی، آن شغل را به دست آورده بودی."
- ۲۵- ترجمه: "جولی به مهمانی نیامد چونکه آدرس را گم کرده بود."
- ۲۶- ترجمه: "وقتیکه ما شام را تمام کردیم، بیرون رفتیم."
- ۲۷- ترجمه: "باغچه از بین رفت چونکه در تمام طول تابستان خشک بوده است."
- ۲۸- ترجمه: "قبل از اینکه به این شهر بیاید او را در یک جایی دیده بود."
- ۲۹- ترجمه: "ما دیر به هواپیما رسیدیم چونکه پاسپورتمان را فراموش کرده بودیم."
- ۳۰- ترجمه: "او به من گفت که او قبل از امتحان خیلی مطالعه کرده بود."

کاربرد افعال ناقص در ساختارهای زمان گذشته (زبان تخصصی):

یادآوری: در اینجا با یکی از مهمترین گرامرهای زبان انگلیسی که در کنکور نظام قدیم جزء اصلی ترین گرامرها برای طراحی سؤال بود آشنا میشویم. (چون در کتاب درسی این گرامر اصلاً نیامده است، اجباری برای یادگیری آن نمیشود.)

نکته: چنانچه بعد از افعال ناقص، ساختار **have + p.p.** آمده باشد، به زمان گذشته اشاره دارند.

1- should + have + p.p.

از این ساختار برای اشاره به عملی که میبایست (یا بهتر بود) در گذشته انجام بگیرد استفاده میکنیم. (برای نصیحت و توصیه و بیان سهل انگاری و بی توجهی در زمان گذشته):

Alfred failed the test. He **should have studied** so hard.

"آلفرد در آزمون قبول نشد. او میبایستی خیلی به سختی مطالعه میکرد." (اما مطالعه نکرد.)

You **should have practiced** more to win the competition. But you shouldn't.

"تو باید بیشتر تمرین میکردی تا در مسابقه پیروز بشوی. اما این کار را نکردی."

He lost his watch yesterday. He **should have been** more careful. (but he wasn't.)

"او ساعتش را دیروز گم کرد. باید بیشتر مراقب می بود. (اما نبود)"

He was sleepy in the classroom. He **should have slept** more last night. (But he didn't.)

"او در کلاس درس خواب آلود بود. او دیشب می بایستی بیشتر می خوابید (ولی نخوابید)."

2- shouldn't + have + p.p.

این ساختار حالت منفی ساختار شماره ۱ میباشد و برای اشاره به عملی بکار میرود که نمیبایست در گذشته انجام گیرد. (انجام گرفته است اما بهتر بود انجام نگیرد).

I hurt my back. I **shouldn't have lifted** that heavy box alone.

"پشتم درد میکنه. من نباید آن جعبه سنگین را به تنهایی برمیداشتم." (اما این کار را کردم)

The letter wasn't for her. She **shouldn't have opened** it. (But she did.)

"نامه برای او نبود. او نمی بایست نامه را باز می کرد." (ولی باز کرد).

It was very cold. You **shouldn't have gone out** without a coat. (but you did.)

"هوا سرد بود. شما نمی بایست بدون کت بیرون می رفتید." (اما بیرون رفتید)

3- may / might + have + pp

این ساختار برای بیان احتمال ضعیف وقوع عملی در گذشته است که احتمال آن کمتر از ۵۰٪ باشد بکار برده میشود. (شک، تردید و عدم اطمینان)

Mary wasn't at the party. She **may / might have been** sick.

"مری در مهمانی نبود. احتمال داره مریض بوده باشد."

در جمله بالا، گوینده از مریض بودن "مری" مطمئن نمی باشد و تنها احتمال می دهد که او مریض است.

نکته: باید توجه داشت که **might** نسبت به **may** از درجه احتمال کمتری برخوردار میباشد.

4- may / might + not + have + pp

حالت منفی فرمول شماره ۳ می باشد. این ساختار برای بیان احتمال ضعیف عدم وقوع عملی در گذشته است که احتمال آن کمتر از ۵۰٪ باشد بکار برده میشود. یعنی برای اشاره به عملی که احتمال ندارد در گذشته انجام گرفته باشد. (اما مطمئن نیستیم که انجام گرفته است یا نه)

I wonder why the math teacher didn't come to the meeting. He **might not have known** about it.
"من نمی دانم چرا معلم ریاضی به جلسه نیامد. ممکن است او درباره آن خبر نداشته باشد." (شاید از جلسه خبر نداشت).

A: "I was surprised that Maryam wasn't at the party." "عجیب بود که مریم در جلسه حضور پیدا نکرد."
B: I'm not sure. "She **might not have been** sick." "مطمئن نیستم. احتمال نداشت مریض باشد."

5- must + have + pp

از این ساختار برای اشاره به عملی که **لابد** یا **حتماً** در گذشته انجام گرفته است. (با دلیل و مدرک و یا استنباط منطقی) یعنی برای بیان عملی است که به احتمال قوی (بیش از ۹۵٪) در گذشته رخ داده است. از آن برای نتیجه گیری در زمان گذشته استفاده میشود. این ساختار حالت منفی ندارد و در تستها حالت منفی آن همواره اشتباه میباشد.

Raman passed all the final exams with the highest grades. He **must have studied** very hard during the academic year.
"رامان" تمامی امتحانات نهایی را با بالاترین نمرات قبول شد. او لابد در طی سال تحصیلی خیلی سخت درس خوانده است."

6- can't / couldn't + have + pp

فرمول شماره ۵ حالت منفی ندارد و این فرمول برای حالت منفی آن بکار میرود. از این ساختار برای اشاره به عملی که **لابد** یا **حتماً** (با دلیل، مدرک و یا استنباط منطقی) در گذشته **نمی توانسته** انجام گرفته باشد.

A: "Your grandfather answered the phone." "پدر بزرگت جواب تلفن را داد."
B: "He **can't/ couldn't have been** my grandfather. He died many years ago."
"او نمی توانسته پدر بزرگم باشد چون او خیلی سالها قبل فوت کرد."

She passed the exam without studying for it. The exam **can't have been** very difficult.
"او بدون این که درس خوانده باشد در امتحان قبول شد. حتماً امتحان آن قدرها دشوار نبوده است."

7- could + have + pp

از این ساختار برای اشاره به عملی استفاده میکنیم که **میتوانست** انجام بگیرد اما انجام نگرفته است. (برای بیان عملی است که توانایی انجام آن در گذشته وجود داشته، ولی روی نداده است). این ترکیب نشان میدهد که فاعل امکان، شانس و فرصت انجام کاری را در گذشته داشته ولی بنا به ملاحظاتی آنرا انجام نداده است.

There was an interesting film on TV. I **could have watched** it, but I went to the cinema.
"تلویزیون فیلم عالی را نشان میداد. میتوانستم که فیلم را تماشا کنم (ولی تماشا نکردم) و به جای آن به سینما رفتم."

He is a rich man. He **could have bought** an expensive car. (But he didn't.)
"او مرد ثروتمندی است. او میتوانست یک ماشین گران قیمت را بخرد. (ولی نخریده است)."

They had enough time. They **could have gone** to park. (but they didn't.)
"آنها وقت کافی داشتند، میتوانستند به پارک بروند. (اما نرفتند)."

برای فهم بهتر این گرامر کاربرد افعال ناقص در گذشته، به مثالهای زیر و ترجمه ی فارسی آنها به دقت توجه نمائید:

(زبان تخصصی)

1- Farid worked hard all day long. So, he went to bed early last night. He **must have been** too tired.

"فرید در تمام طول روز به سختی کار کرد. بنابراین دیشب زود به بستر رفت. حتماً (لابد) بیش از حد خسته بوده است." (نتیجه گیری منطقی)

2- I wonder why she didn't answer the phone. She **may have been** asleep.

"نمی دانم چرا تلفن را جواب نداد. شاید خواب بوده باشد." (احتمال ضعیف)

3- Farhad caught a bad cold last night, He **must have stayed** in the rain for a long time.

"فرهاد دیشب سرماخوردگی شدیدی گرفت، باید مدت طولانی زیر باران مانده باشد." (بر اساس یک نتیجه گیری منطقی و عقلایی)

4- This report is full of mistakes. You **should have worked** more carefully.

"این گزارش پر از غلط املایی است، باید با دقت بیش تر کار می کردی. (اما با دقت بیش تری کار نکردی.)"

5- A: I can't find my bag anywhere.

B: you **might have left** in the shop. I'm not sure.

- "من کیفم را نمی توانم هیچ جا پیدا کنم. - ممکن است شما آن را در مغازه جا گذاشته باشی. مطمئن نیستم." (احتمال ضعیف)

6- They aren't home. They **may have gone** out shopping.

"آنها خانه نیستند. ممکن است برای خرید بیرون رفته باشند." (احتمال ضعیف)

7- I hurt my back. I **shouldn't have lifted** that heavy box.

"پشتم صدمه دید. نباید آن جعبه ی سنگین را بلند می کردم." (ولی جعبه ی سنگین را بلند کردم.)"

8- That big box was very heavy. He **can't / couldn't have taken** it by himself.

"آن جعبه بزرگ خیلی سنگین بود. او به تنهایی نمی توانسته آن را برده باشد." (بر اساس یک نتیجه گیری منطقی و عقلایی)

9- You shouldn't have driven so fast! You **might have had** an accident.

"نباید این قدر به سرعت رانندگی میکردی! ممکن بود تصادف کنی." (ولی میدانیم تصادفی رخ نداده است.)"

10- We had enough food at home. They **could have eaten** lunch with us, but they ate at a restaurant.

"ما در خانه غذای کافی داشتیم. آنها می توانستند با ما نهار بخورند اما در رستوران نهار میل کردند."

11- Why did you throw the bottle out of the window? It **might have hit** somebody.

"چرا بطری را از پنجره بیرون انداختی؟ ممکن بود به کسی بخورد. (احتمال ضعیف)"

12- She didn't tell her mother the truth. She **should have told** her the truth. (But she didn't.)
"او حقیقت را به مادرش نگفت. او می بایست حقیقت را به او می گفت (ولی نگفت)."

13- Everywhere is very wet. It **must have rained** last night.
"همه جا خیلی خیس است. حتما دیشب باران باریده است." (بر اساس يك نتیجه گیری منطقي و عقلايي)

14- A: "How did Mina hurt herself?" B: "I'm not sure. She **might have fallen down.**"
"- مینا چه طوری به خودش صدمه زد؟ - نمی دانم. شاید از جایی افتاده باشد."

15- I'm feeling sick. I **shouldn't have eaten** so much chocolate.
"حالم خوب نیست. نباید آن همه شکلات می خوردم." (اما خوردم.)

16- I can't find my keys. I **might have left** them in the house.
"نمیتوانم دسته کلیدم را پیدا کنم. شاید آن را در خانه جا گذاشته باشم." (احتمال ضعیف)

17- We **could have gone** to the cinema, but we stayed at home.
"ما می توانستیم به سینما برویم ولی در خانه ماندیم."

18- That was a bad place to go skiing. You **may have broken** your leg.
"مکان بدی برای اسکی کردن بود. ممکن بود پایت بشکند." (احتمال ضعیف)

یادداشت:

افعال ناقص در ساختارهای زمان گذشته (زبان تخصصی) : بهترین گزینه را برای جاهای خالی انتخاب کنید.

- 1- A: I have lost my book B: I'm not sure, you ----- have left in at home.
a. may b. could c. should d. must
- 2- Her parents----- her decision to go to university, of course I am not sure.
a. would have influenced b. could have influence
c. might have influenced d. must not have influenced
3. I'm beginning to get worried. They ----- us long before this.
a. should write b. should have written c. might write d. might have write
4. It was sunny yesterday. We ----- on a picnic, but we stayed home.
a. could go b. might have gone c. should go d. could have gone
5. We ----- have left the door unlocked when we left the house.
a. shouldn't b. should c. would d. may
6. A: "I wonder why he didn't telephone." B: "He ----- have forgotten your number."
a. could b. should c. might d. would
7. You looked much weaker than yesterday. You ----- an appointment with a doctor then.
a. must have made b. could make c. could had made d. should have made
8. I ----- have written a letter to him, but I telephoned him instead.
a. could b. shouldn't c. would d. must
9. The children returned from the picnic very happy. They ----- have had a good time.
a. should b. must c. could d. would
10. You shouldn't have left your bicycle there. Someone ----- it. You were lucky.
a. should steal b. could steal c. must have stolen d. could have stolen
11. His friend ----- have helped him when he was in trouble instead of laughing at him.
a. couldn't b. should c. would d. must
12. They ----- have punished very little boy so severely yesterday. He hurt a lot.
a. shouldn't b. must c. couldn't d. would
13. "Why didn't you take the test? It was very easy. You ----- have got a good mark."
a. should b. must c. could d. shouldn't
14. You ----- have told me that his mother was in hospital, but you didn't.
a. might not b. should c. would d. could not
15. Everything outside was frozen in the morning. It ----- have been very cold last night.
a. should b. would c. must d. couldn't
16. You had enough time and ----- to our party, why did you stay home?
a. should come b. might have come c. would come d. could have come

پاسخنامه تستهای افعال ناقص در ساختارهای گذشته:

1	A	5	A	9	B	13	C
2	C	6	C	10	D	14	B
3	B	7	D	11	B	15	C
4	D	8	A	12	A	16	D

ضرب المثل ها Proverbs

ضرب المثل عبارت، جمله، مصرع یا بیتتی از شعری معروف است که نصیحت‌هایی آموزنده و مفید را در باره زندگی میدهد. ما در زندگی روزمره بارها با ضرب المثلها برخورد میکنیم. چه در منزل باشیم و چه در مدرسه یا سرکار و یا در خلال یک مکالمه با یک دوست، احتمال شنیدن یک ضرب المثل بالاست. ضرب المثل‌هایی که به صورت پر رنگتر نوشته شده‌اند در کتاب درسی آمده و بقیه مخصوص دانش آموزان علاقمند و یا منحصرأ زبان میباشند:

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
A big head has a big ache.	هر که بامش بیش برفش بیشتر.
Accidents can happen.	حادثه خبر نمیکند.
A poor workman blames his tools.	عروس نمی‌توانست برقصد، می‌گفت زمین کج است.
A bird in the hand is worth two in the bush.	سرکه نقد، به از حلوی نسیه.
Absence makes the heart grow fonder.	دوری و دوستی.
A burnt child dreads the fire.	مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسه.
Actions speak louder than words.	دو صد گفته چون نیم کردار نیست.
A friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان‌حالی و درماندگی.
A good beginning makes a good ending.	خشت اول چون نهد معمار کج؛ تا ثریا می رود دیوار کج.
A jack of all trades is master of none.	همه‌کاره و هیچ‌کاره.
A lie has no legs.	دروغ که دست و پا ندارد.
A little knowledge is a dangerous thing.	نیم‌طبیب خطر جان، نیم‌فقیه خطر ایمان.
A merry heart makes a long life.	دل شاد بودن، عمر انسان را طولانی می‌کند.
A miss by an inch is a miss by a mile.	آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب.
A penny saved is a penny earned.	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
A person is known by the company he keeps.	تو اول بگو با کیان دوستی؛ پس‌آنکه بگویم که تو کیستی.
A picture is worth a thousand words.	شنیدن کی بود مانند دیدن.
A sound mind in a sound body.	عقل سالم در بدن سالم است.
All cats love fish but hate to get their paws wet.	نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود؛ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.
All flowers are not in one garland.	گل بی‌علت و بی‌عیب خداست.
All good things come to an end.	هر چیز خوبی به پایان می‌رسد.
All hat and no cattle.	همه من هستند، هیچ‌کس نیم‌من نیست.
All roads lead to Rome.	هرجا بری آسمون همین رنگه.
All's well that ends well.	شاهنامه آخرش خوش است.
All that glisters are not gold.	هر گردی گردو نیست.
All things come to he who waits.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
An eye for an eye and a tooth for a tooth.	چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان.
An ounce of prevention is worth a pound of cure.	پیشگیری بهتر از درمان است.
April showers bring May flowers.	رنج امروز، آسایش فردا.
Ask and you shall receive.	سؤال کن تا بیایی.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
Ask me no questions, I'll tell you no lies.	از من نپرس تا به تو دروغ نگویم.
Ask no questions and hear no lies.	نپرس تا دروغ نشنوی.
As you make your bed, so you must lie in it.	آش کشک خالته، بخوری پاته نخوری پاته.
As you sow, so shall you reap.	هرچه بکاری، همان بدروی.
You scratch my back and I'll scratch yours.	چیزی که عوض داره، گله نداره
A word to the wise is enough.	عقلان را اشارتی کافیهست.
A word spoken is past recalling.	تیری که رها شد به چله باز نگرده.
Barking dogs seldom bite.	از آن نترس که های و هویی دارد، از آن بترس که سر به تویی دارد.
Beauty is in the eye of the beholder.	علف به دهن بزی باید شیرین بیاد.
Beggars can't be choosers.	دندان اسب پیش کشی را نمی شمروند.
Better be alone than in bad company.	دلا خو کن به تنهایی که از تنها بلا خیزد.
Better late than never.	دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.
Better safe than sorry.	چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی.
Birds of a feather flock together.	کبوتر با کبوتر، باز با باز.
Blood is thicker than water.	چراغی را که به خانه رواست، به مسجد حرام است.
Brain is better than brawn.	عقل، بهتر از زور بازو است.
Bread is the staff of life.	شکم از همه چیز مهم تره.
Business is business.	حساب حسابه کاکا برادر.
Clothes make the man.	آستین نو پلو بخور - احترام مرد به لباس است.
Clothes don't make the man.	نه همین لباس زیباست نشان آدمیت.
Cross the stream where it is the shallowest.	بی گذار به آب نزن.
Cry wolf.	چوپان دروغگو.
Curiosity killed the cat.	فضولی موقوف.
Cut your coat according to your cloth.	پا را به اندازه گلیم خود دراز کن.
Charity begins at home.	چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.
Delays are dangerous.	کار امروز را به فردا میفکن.
Do as you would be done by.	آنچه را برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز می پسند.
Don't bite the hand that feeds you.	نمک خوردن و نمک دان شکستن.
Don't burn your bridges before they're crossed.	پل های پشت سرت را خراب نکن.
Don't change horses in midstream.	وسط دعوا، نرخ تعیین نکن.
Don't count your chickens before they're hatched.	جوجه را آخر پاییز می شمارند.
Don't cross a bridge until you come to it.	چو فردا رسد فکر فردا کنیم.
Don't cry over spilt milk	آب ریخته جمع شدنی نیست.
Don't look a gift horse in the mouth	دندون اسب پیشکشی رو نمیشمارند.
Don't make a mountain out of a molehill.	از کاه، کوه نساز.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
Don't put all your eggs in one basket.	همه‌ی دارایی‌ات را روی یک چیز سرمایه‌گذاری نکن.
Don't put the cart before the horse.	سرنا از ته نمی‌زنند.
Don't spit into the wind.	مثل تف سربالا میمونه.
Do or die.	انجام بده یا بمیر.
Eagles don't catch flies.	شاهین حشره شکار نمیکنه.
Early bird catches the worm.	سحرخیز باش تا کامروا باشی.
Easy come, easy go	باد آورده را باد میبرد.
Eat to live, don't live to eat.	بخور تا زندگی کنی، زندگی نکن برای خوردن.
East or West, home is best.	هیچ جا خونه خود آدم نمیشه.
The person who has nothing to say, often speaks most.	طبل هرچه توخالی تر صدایش بلندتر.
Every cloud has a silver lining.	در نا امیدی بسی امید است.
Every day is a new beginning.	روز از نو، روزی از نو.
Every disease will have its course.	هر علتی، معلولی داره.
Every man has a price.	هر کسی یه قیمتی داره.
Every rule has its exception.	حکمت خدا بی دلیل نیست.
Everything comes to him who waits.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
Every why has a wherefore.	هیچ دردی بی دلیل نیست - هر علتی، معلولی داره.
Friend in need is a friend indeed.	دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
God helps those who help themselves.	از تو حرکت از خدا برکت.
Good fences make good neighbors.	مواظب مالت باش همسایه ات رو دزد نکن.
Good men are scarce.	آدم خوب کم پیدا میشه.
Half a loaf is better than none.	چراغ موشی به ز خاموشی - نصف نان بهتر از هیچی.
Haste makes waste.	عجله کار شیطان است.
Hawks will not pick out hawks' eyes.	چاقو دسته‌ی خود را نمی‌برد.
Health is better than wealth.	سلامتی بهتر از توانگری است.
He is a button short.	یه تخته اش کمه.
He that will steal an egg will steal an ox.	تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود.
He who hesitates is lost.	کسی که تردید می‌کند، می‌بازد.
His bark is worse than his bite.	واق کردنش بدتر از گاز گرفتنش است.
His bread is buttered in both sides.	نونش تو روغنه.
His fingers are all thumbs.	دست و پا چلفتی.
Home is where the heart is.	آنجا خوش است که دل آنجاست.
Home is where you hang your hat	خونه اونجاییه که کلاهت رو آویزان میکنی.
Horses for courses.	هر کسی را بهر کاری ساختن.
It's easy to be wise after the event.	معما چو حل گشت آسان شود.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
It's never too late to mend.	ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.
I would sooner die than lie.	مردن را به دروغ گفتن ترجیح میدهم.
Kill two birds with one stone.	با یک تیر دو نشان زدن.
Laughter is the best medicine.	خنده بر هر درد بی درمان دواست.
Liars ought to have good memories.	دروغگو کم حافظه است.
Like a duck in thunderstorm.	مثل خر در گل ماندن.
Like father like son.	پسر کو ندارد نشان از پدر.
Little by little and bit by bit.	قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
Long absent, soon forgotten.	از دل برود هر آن که از دیده برفت.
Love is blind.	عشق کور است.
Make hay while the sun shines.	تا تنور گرم است باید نان را چسباند.
Make love not war.	تا توانی دلی به دست آور دل شکستن هنر نمی باشد.
Money does not grow on trees.	پول علف خرس نیست.
Money makes the world go around.	دنیا رو پول میچرخونه.
Necessity is the mother of all invention.	نیاز مادر اختراع است.
Never put off till tomorrow what you can do today.	کار امروز به فردا میفکن.
No gain, no pain.	نابرده رنج گنج میسر نمی شود.
No news is good news.	بی خبری خوش خبریست.
Once bitten, twice shy.	مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسه.
One swallow doesn't make summer.	با یه گل بهار نمیشه.
Out of sight, out of mind.	از دل برود هر آنکه از دیده رود.
Practice makes perfect.	کار نیکو کردن از پر کردن است.
Prevention is better than cure.	پیش گیری بهتر از درمان است.
Rome wasn't built in a day.	گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
Seek knowledge from the cradle to the grave.	ز گهواره تا گور دانش بجویی.
Smell fishy.	کاسه ای زیر نیم کاسه است.
Smile, and the world smiles with you. Cry, and you cry alone.	تا پول داری رفیقتم، قربان [عاشق] بند کیفتم.
Still waters are the deepest.	درخت هر چه پر بارتر، سر به زیرتر.
Strike while the iron is hot.	تا تنور گرم است باید نان را چسباند.
Sweet nothing.	حرفهای صد من یه غاز.
Talk of the devil – and the devil appears.	مثل جن می ماند اسمش را می برند می آید.
Tells tales.	یک کلاغ چهل کلاغ کردن.
The better, the best.	هر چه بیشتر، بهتر.
The bigger they are, the harder they are.	هر که بامش بیش، برفش بیشتر.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
The cat dreams of mice.	شتر در خواب بیند پنبه دانه.
The miles of God grind slowly.	چوب خدا صدا نداره.
The pot calls the kettle black.	دیگ به دیگ میگه روت سیاه.
The sooner the better.	هرچه زودتر، بهتر.
There's no place like home.	هیچ جا خونه خود آدم نمیشه.
There's something in the wind.	کاسه ای زیر نیم کاسه است.
Third time lucky.	تا سه نشه، بازی نشه.
Think before you speak.	سخن را سنجیده بزن
Time is money.	وقت طلاست
This too, shall pass.	این نیز بگذرد
To carry coals to Newcastle.	زیره به کرمان بردن.
To dance with a person's tune.	با ساز کسی رقصیدن.
To each his own.	عیسی به دینش، موسی به دینش.
To fall from the frying pan into the fire.	از چاه درآمدن و تو چاله افتادن.
To get out of bed on the wrong side.	از دنده چپ برخاستن.
To go the stream.	هم رنگ جماعت شدن.
To have a finger in every pie.	نخود هر آش بودن.
Tomorrow is another day.	فردا هم روز خداست.
Too many cooks spoil the broth.	آشپز که دو تا شد، آش یا شور می شه یا بی نمک.
To pour oil on the fire.	آتش بیار معرکه بودن.
Two heads are better than one.	یه دست صدا نداره.
Variety is the spice of life.	تنوع چاشنی زندگی است.
We all make mistakes.	انسان جایز الخطاست
When in Rome do as the Romans do.	خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت باش!
We are all in this together.	ما هممون دستمون توی یه کاسه است.
What goes around comes around.	هر چی بکاری همون رو درو میکنی.
What doesn't kill you, makes you stronger.	هر چی که نکشدت، قویترت میکنه.
When the cat's away, the mice will play.	موش که چشم گربه رو دور ببینه، دم در میاره.
Where one door shuts, another opens.	خدا گر ز حکمت ببندد دری گشاید ز رحمت در دیگری
If something is good for one person, it is good for everyone.	هر چه را برای خود میپسندی، برای دیگران هم بیسند.
Where there's a will, there's a way.	خواستن، توانستن است
While there's life, there's hope.	هر جا زندگی باشه، امید هم هست.
Who keeps company with the wolves, will learn to howl?	عاقبت گرگ زاده گرگ شود.
You pay your money, you take your choice.	هر چقدر پول بدی، همون اندازه آش میخوری.

<i>Proverbs</i>	<i>Persian Meanings</i>
You are responsible for you.	هر کسی رو تو گور خودش میذارند
You can catch more flies with honey than with vinegar.	زبون نرم، مار رو از سوراخش میکشونه بیرون
You can't have your cake and eat it too.	هم خر و میخوای هم خرما؟
You can't judge a book by its cover.	نمیشه از روی ظاهر آدمآ قضاوت کرد
You can't mend a broken egg.	آب رفته به جوی برنمیگرده.
You can't run with the hare and hunt with the hounds.	شریک دزد و رفیق قافله
You can't teach an old dog new tricks.	نرود میخ آهنین در سنگ
You can't teach grandma to suck eggs.	جلوی قاضی و معلق بازی
You have to crawl before you can walk.	قبل از اینکه بتونی راه بری حتما باید بخزی

یادداشت:

۳۵ تست گرامر جملات معلوم و مجهول " (درس اول و سوم)

سطح تستها: "استاندارد" و "کنکوری"

- The television----- . It is working again now.
a. has repaired **b. is repaired**
c. was repaired **d. will be repaired**
- The house is very old. It----- over 100 years ago.
a. built **b. builds**
c. is built **d. was built**
- English----- in schools, so many Iranian students know a little English.
a. taught **b. teaches**
c. is taught **d. is to teach**
- The mail----- when the secretary gets back from lunch.
a. will be sent **b. is going to send**
c. has sent **d. should send**
- That picture----- by a great artist.
a. will paint **b. was painting**
c. has painted **d. was painted**
- This book----- to the library today.
a. has to be return **b. has returned**
c. has to return **d. has to be returned**
- All the coconuts----- by the monkey in those old days.
a. pick quickly **b. were quickly picked**
c. are quickly picked **d. picked quickly**
- I think our windows----- late in the evening.
a. will clean **b. are clean**
c. clean **d. will be cleaned**
- By the time I arrived at the theater, there were no tickets left. They----- .
a. have been sold **b. were sold**
c. had been sold **d. would sell**
- All the windows----- last week.
a. washed **b. will wash** **c. were washed** **d. are washed**
- The music at the party was loud and----- from far away.
a. could hear **b. can be heard**
c. can hear **d. could be heard**
- Who wrote that letter? It----- by a student.
a. is written **b. is writing**
c. was written **d. was writing**
- Someone must send this letter immediately. In other words, this letter ----- immediately.
a. must send **b. may send**
c. must be sent **d. are sent**

14. People should plant tomatoes in the spring. "Tomatoes ----- in the spring."
a. should be planted **b. should plant**
c. can be planted **d. they can plant**
15. Computers ----- in any field of activity.
a. should use **b. can be used**
c. can use **d. must be use**
16. Have heard that a new house ----- next to ours next year.
a. must build **b. could be build**
c. will be build **d. has been built**
17. That's not my coat. It ----- to Sara.
a. is belonged **b. belongs**
c. may be belonged **d. is belonging**
18. When I arrived at the airport yesterday, I ----- by my cousin and a couple of her friends.
a. have been met **b. could meet** **c. was met** **d. met**
19. If I ----- to University. I would have studied computers.
a. had went **b. had gone** **c. have gone** **d. go**
20. Marjan said she was really busy this week, but I think she ----- the party if she doesn't have to work overtime on Friday.
a. should attend **b. will attend**
c. will be attended **d. should be attended**
21. The road over the mountains ----- if this rain turns to snow.
a. are closed **b. can close**
c. those can close **d. might be closed**
23. It is expected that a new law ----- by the government next year.
a. is going to introduce **b. would be introduced**
c. will introduce **d. will be introduced**
24. Why----- the doctor----- before I was told?
a. had-been called **b. had been-called**
c. had been called **d. has-been called**
25. The five great lakes of the world----- in Michigan.
a. can find **b. can be found**
c. can found **d. can be find**
26. That new bridge----- before the first snow hits this winter.
a. may been finished **b. may be finished**
c. may finished be **d. may finish**
27. The application form ----- carefully to make sure we don't miss anything.
a. should to be filled out **b. should be filled out**
c. should be fill out **d. should fill out**
28. The bill ----- before leaving the restaurant.
a. must be paid **b. may be paid** **c. had paid** **d. may pay**

29. Some dangerous gases----- when garbage is burned.
a. should be produced b. may be produced
c. should produce d. may produce
30. Mom says we----- watch TV after we have finished our homework.
a. can be b. must be c. can d. must
31. Problems with policies----- to the customer service manager.
a. should reported b. be should reported
c. should be reported d. should report
32. I believe more apartment must----- to the workers.
a. be built and given b. be built and give
c. be built given d. built and give
33. The new book has been recently written----- very soon.
a. will be published b. will publish
c. would publish d. are publishing
34. A man's worth----- by his character rather than by his social position.
a. should be judge b. should be judged
c. should judge d. judge
35. A mere repetition of other people's research----- true scientific research.
a. cannot be called b. may be called
c. cannot call d. may call

پاسخنامه تست های گرامر جملات معلوم و مجهول

Grammar Tests (Passive & Active Sentences)													
1	C	6	D	11	D	16	D	21	D	26	B	31	C
2	D	7	B	12	A	17	A	22	D	27	B	32	A
3	C	8	D	13	C	18	C	23	A	28	A	33	A
4	A	9	C	14	A	19	B	24	B	29	B	34	B
5	D	10	C	15	B	20	B	25	B	30	C	35	A

یادداشت:

سطح تستها: "استاندارد" و "کنکوری"

1. She felt a little better after I ----- her the medicine.
a. have taken b. was taking c. had taken d. am taking
2. He had eaten his dinner before he ----- to bed.
a. had gone b. gone c. went d. go
3. Alex was very tired because he----- football all afternoon yesterday.
a. played b. had played c. plays d. will play
4. My wife----- the house before our guests arrived.
a. cleans b. cleaned c. has cleaned d. had cleaned
5. My mother----- the dishes after the guests had gone away.
a. had washed b. have washed c. washed d. wash
6. I couldn't buy ticket because I ----- my money.
a. had forgot b. forgot c. forget d. had forgotten
7. The woman told me that she ----- in Isfahan before.
a. has worked b. worked c. had worked d. work
8. ----- he moved to China?
a. Had studied Joe Chinese after b. Had Joe studied Chinese after
c. Had Joe studied Chinese before d. Have Joe studied Chinese before
9. The football game had already started when we----- there.
a. arrived b. had arrived c. were arrived d. had been arriving
10. He hadn't left the shop until I ----- him to do so.
a. will ask b. had asked c. asked d. were asking
11. It was my first time in an airplane. I was very nervous because I ----- before.
a. had just b. had just flown
c. had never flew d. had never flown
12. When we arrived at the party, most of the guests----- home.
a. had already gone b. would have gone
c. had never gone d. will go
13. When we got to the stadium, we found that the game-----.
a. had been cancelled b. has been cancelled
c. had cancelled d. would cancel
14. We had just eaten two sandwiches when David----- the bell.
a. ring b. has rung c. rang d. have rung
15. I hadn't ever been to any of Asian countries before I ----- to china.
a. travelling b. was going to travel
c. has traveled d. traveled
16. She ----- worried because she had failed the test.
a. was looking b. looked
c. has looked d. is going to look

17. We ----- TV after we had lunch.
 a. watched b. will watch c. watch d. has watched
18. While he----- a newspaper, his dog was lying beside him.
 a. read b. was reading c. had read d. has read
19. Sara was very tired because she ----- all her homework.
 a. did b. does c. had done d. would do
20. My sister----- the room before the guests arrived.
 a. will clean b. has cleaned c. had cleaned d. would clean
21. I ----- a game of tennis with Mike when Mary-----.
 a. finished - had arrived b. have finished - arrived
 c. finished - has arrived d. had finished - arrived
22. They ----- English very well. They ----- English for many years now.
 a. speak-speak b. had spoken-spoke
 c. speak-have spoken d. speak-had spoken
23. I was surprised because he----- never----- the apartment before.
 a. have-cleaned b. had-cleaned c. would-clean d. was cleaning
24. This is the second time I ----- in such a hard situation because of your mistakes.
 a. am b. were c. was d. have been
25. It hasn't rained here----- last month.
 a. for b. after c. since d. from
26. I ----- in that restaurant yet, but I'm going to eat there soon.
 a. don't eat b. didn't eat c. hadn't eat d. haven't eaten
27. The house was very quiet when I got home. Everybody ----- to bed.
 a. will go b. had gone c. was going d. has gone
28. The plane ----- the airport when we got there.
 a. has left b. has been leaving
 c. will leave d. had left
29. They were upset because I ----- to see them before they left the city.
 a. do not go b. had not gone
 c. would not go d. have not gone
30. As soon as she came in, I knew I ----- her before.
 a. saw b. have seen c. would see d. had seen
31. The man sitting next to me on the plane was very afraid because he-----never-----before.
 a. has - flown b. had - flown c. would - fly d. will - fly
32. My grades are good because I ----- careful.
 a. will study b. had studied
 c. have studied d. are studying
33. We arrived at work in the morning and found that sb ----- the window during the night.
 a. had broken b. has broken
 c. was breaking d. would break
34. Only after posting the letter did I remember that I ----- to put on a stamp.
 a. have forgotten b. will forget
 c. would forget d. had forgotten

35. When she had read all the greeting cards, she----- a short thank-you speech.
 a. has made b. made c. was making d. had made
36. When I entered the garden, I noticed that it was completely dry. I think the owner ----- it for weeks.
 a. was not watering b. won't water
 c. hasn't watered d. hadn't watered
37. The teacher thought the lesson----- reviewed before.
 a. has b. had c. has been d. had been
38. She ----- what the problem was until her advisor----- it to her in detail.
 a. hadn't understood-explained b. didn't understand-would explain
 c. hadn't understood- had explained d. won't understand-had explained
39. By the time you----- me, I had written most parts of my book about biology.
 a. calls b. will call c. called d. has been called
40. Amir didn't want to come to the movies with us because he----- the film twice.
 a. was seeing b. had yet seen
 c. would see d. had already seen
41. A: Hello B: Hi Mum, it's me. I just want to say I----- safely and everything is fine.
 a. had arrived b. was arriving
 c. have arrived d. would arrive
42. How many times----- these shoes----- since you bought them?
 a. were-repaired b. did-repair
 c. have-been repaired d. have-repaired
43. We had shopped in that store for the past ten years until it-----.
 a. had closed b. will close
 c. closed down d. was closing
44. When I spoke to the woman, I realized that I----- her somewhere before.
 a. have met b. would have met
 c. had met d. am going to meet

پاسخنامه تستهای مربوط به زمان گذشته کامل همراه با مرور زمانهای دیگر :

Grammar Tests (Past Perfect Tense)																	
1	C	6	D	11	D	16	B	21	D	26	D	31	B	36	D	41	C
2	C	7	C	12	A	17	A	22	C	27	B	32	C	37	D	42	C
3	B	8	C	13	A	18	B	23	B	28	D	33	A	38	A	43	C
4	D	9	A	14	C	19	C	24	D	29	B	34	D	39	C	44	C
5	C	10	C	15	D	20	C	25	C	30	D	35	B	40	D		

" ۳۰ تست مربوط به کاربردهای افعال ناقص "

سطح تستها: "استاندارد" و "کنکوری"

1. Mina ----- answer the letter last week.
a. have to b. has to c. must d. had to
2. He didn't have a bicycle. He ----- walk to school.
a. can b. had to c. must d. should
3. Reza couldn't ----- English 3 years ago.
a. learn b. to learn c. learns d. learned
4. He must----- on that chair.
a. sits b. sitting c. sit d. to sit
5. I was sick, I ----- to see the doctor last night.
a. had b. could c. would d. have
6. He ----- the English alphabet when he was 8 years old.
a. should read b. could be read
c. could read d. shouldn't read
7. Some useful information on how to use this dictionary ----- at the beginning of the book.
a. can find b. must found
c. must find d. can be found
8. You may even find wide ranges of poor people in the US that ----- their basic needs.
a. cannot be met b. must not meet
c. cannot meet d. must not be met
9. Traffic rules and regulations about how to drive safely ----- by drivers to reduce the number of accidents.
a. can be obeyed b. might be obeyed
c. must be obeyed d. will be obeyed
10. Tom is 16 years old and a fast runner who ----- 200 meters in 22 seconds.
a. can run b. must run
c. can be run d. must be run
11. He will be having lessons for another two hours, so we ----- him now.
a. may be visited b. can be visited
c. should visit d. must not be visited
12. English language ----- better in different countries if language learners are exposed to great deal of authentic language.
a. must be learned b. can learn
c. must learn d. can be learned
13. Lots of trees----- regularly to make building by local people illegally.
a. may cut b. are being cut
c. must be cut d. are cutting
14. Thank you for calling Zee Company, how ----- I help you?
a. should b. may c. must be d. can be

15. The bill ----- on time, or we won't have light next month.
a. can be paid **b. must be paid**
c. may be paid **d. should pay**
16. Some milk ----- for the night because we don't have enough milk in the fridge.
a. should be bought **b. must buy**
c. may buy **d. can be bought**
17. You really ----- TV too much because it may have harmful effects on your vision.
a. can not watch **b. may not watch**
c. should not watch **d. must be watched**
18. You don't need to be worry because I have got plenty of time and I ----- as long as you are ready to go.
a. must be waited **b. may wait**
c. should be waited **d. can wait**
19. The window ----- because lots of dust enters the room every time, we open it.
a. should close **b. must be closed**
c. may be closed **d. can close**
20. A: "Where are you going to go on your vacation next summer?"
 B: "I am not completely sure. I ----- to Spain or England."
a. should go **b. must be gone**
c. may go **d. can be gone**
21. I believe that this quarrel----- an end to before something serious happens.
a. can be put **b. must be put**
c. may be put **d. should put**
22. Children ----- vaccinated against the major childhood diseases that are seriously dangerous.
a. may be **b. should be** **c. can** **d. must have**
23. Do you think that less money----- on buying books or fast-food?
a. can be spent **b. must spend**
c. may have spent **d. should be spent**
24. The huge consumption of fossil fuels----- visible damage to the environment in various forms in the near future.
a. can be caused **b. must be caused**
c. may cause **d. had to be caused**
25. Some low-price stuff----- from the downtown mall because they offer high discount.
a. must buy **b. can be bought**
c. should buy **d. might buy**
26. Recently an experiment----- on bacteria to discover the probable role of harmful bacteria in causing some diseases.
a. has done **b. can do** **c. has been done** **d. may do**
27. At least 200 jobs ----- if the company stops working.
a. may be lost **b. may lose**
c. will lose **d. must be lost**

28. We have come to this conclusion that no decision----- until the next meeting.
 a. can make b. was being c. will be made d. is making
29. My father has traveled to England many times. So he ----- English well.
 a. may be spoken b. can be spoken
 c. should speaks d. can speak
30. If you want to learn a foreign language better, you ----- it more.
 a. must be practiced b. should practice
 c. would practice d. should be practiced

پاسخنامه تستهای مربوط به کاربردهای افعال ناقص

<i>Grammar Tests</i>					<i>(Modals)</i>						
1	D	6	C	11	C	16	A	21	B	26	C
2	B	7	D	12	D	17	C	22	B	27	A
3	A	8	C	13	B	18	D	23	D	28	C
4	C	9	C	14	B	19	B	24	C	29	D
5	A	10	A	15	B	20	C	25	B	30	B

یادداشت:

سطح تستها: "استاندارد" و "کنکوری"

1. The man does not know the ABC of driving; I wonder why he ----- to take the car.
a. could allow b. must have allowed
c. should be allowed d. might have allowed
2. You have to prepare yourself for the interview in which you----- a number of unexpected questions.
a. must have asked b. may be asked
c. have to be asked d. should have asked
3. It is not enough to do the task; what is more important is that it----- as carefully as possible.
a. maybe done b. might have done
c. must have done d. should be done
4. The plant is dead. You----- it more water.
a. could give b. should gave
c. must be given d. should have given
5. You----- my grandmother, she died before you were born.
a. couldn't meet b. couldn't have met
c. shouldn't meet d. shouldn't have met
6. I knocked at the door, but nobody answered. They----- out.
a. might have gone b. should have gone
c. should go d. must go
7. Reza doesn't feel sleepy today. He----- very well last night.
a. must have slept b. should have slept
c. would have slept d. could have slept
8. I sent a telegram to my uncle a few days ago. He----- it by now.
a. could have received b. must have received
c. should have received d. would have received
9. The host was rich and----- more and better food for the guests, but he didn't.
a. could prepare b. must have prepared
c. must prepare d. could have prepared
10. What a beautiful painting! It----- by a famous painter.
a. must have painted b. should have been painted
c. must have been painted d. should have painted
11. In the morning the streets were wet. There----- a heavy rain during the night.
a. would have been b. must have been
c. should have been d. could have been
12. I can't find my bag anywhere. You----- in the shop.
a. could leave b. should have left
c. would leave d. might have left
13. My shirts are nice and clean. My mother----- and pressed them.
a. should wash b. must have washed
c. must wash d. should have washed

14. A: "The luggage was too heavy. I almost died."
 B: "You----- a telephone taxi. There are plenty of them."
 a. could taken b. must have taken
 c. must take d. could have taken
15. A: The police stopped the taxi driver. B: He ----- while the traffic light was red.
 a. should have stopped b. must have stopped
 c. could have stopped d. may have stopped
16. Fatima caught a bad cold last night. She----- in the rain for a long time.
 a. must stay b. must have stayed
 c. should stay d. would have stayed
17. James did not know about the trip. He----- informed about it earlier.
 a. should be b. should have been
 c. must be d. might have been
18. A: "Where is that cold air coming from?" B: "Someone----- the door open."
 a. must leave b. must have left
 c. should leave d. should have left
19. A: "Do you know where Ali left the car keys?"
 B: "He----- them on the table; I am not sure."
 a. must have left b. should have left
 c. might have left d. would have left
20. Ali had failed in the exam. He----- harder last semester.
 a. must study b. must have studied
 c. should study d. should have studied
21. Steve didn't go to work in his car. His car----- broken down.
 a. must have b. would have c. should have d. could have
22. A: "I saw Henry at the library yesterday."
 B: "You----- . He went abroad last week."
 a. will have b. shouldn't have c. could have d. couldn't have
23. She is afraid of going into the yard. She ----- have seen a cat.
 a. could b. might c. shouldn't d. should
24. A: "Why is he still at home?" B: "He ----- have gone to school by now."
 a. might b. should c. must d. could
25. In the morning the light was still on. She ----- have forgotten to turn it off.
 a. should b. might c. could d. would
26. You've caught a bad cold. You ----- have gone out without warm clothes.
 a. might b. shouldn't c. couldn't d. should
27. Mary knew everything about our decision. She ----- to our conversation.
 a. must listen b. must have listened
 c. might listen d. should have listened
28. A: "They wanted James to translate the text from Chinese to English."
 B: "He ----- it because he doesn't know any Chinese."
 a. shouldn't have translated b. should translate
 c. couldn't have translated d. could translate

Vocabulary Tests (Lesson 3) تست واژگان درس سوم پایه دوازدهم

توجه: سطح این تستها "متوسط" و "کنکوری" میباشد که میبایستی بعد از حفظ لغات درس سوم دوازدهم تمرین شوند. در ضمن بسیاری از تستهای زیر از منابع عالی موجود در بازار گردآوری شده که قطعاً در ویرایش نهایی با تستهای تألیفی جایگزین خواهند شد.

- After finishing reading the novel, I ----- the book correctly on the shelf.
a. replaced b. defended c. covered d. attracted
- In a natural process, nitrogen is ----- into nitrates in the soil which plants can then use.
a. magnified b. visited c. consumed d. converted
- As the number of population increases, power plants should ----- more fossil fuels to generate electricity.
a. consider b. endanger c. consume d. expand
- They have greatly ----- the size and cost of most electronic products, while at the same time increasing their power and quality.
a. reduced b. developed c. generated d. labeled
- I see China as a necessary part of a growing new ----- economy.
a. global b. renewable c. suitable d. common
- The concert was a ----- to raise money for a young boy who had to have an expensive operation.
a. benefit b. choice c. course d. ceremony
- He believes that eating ----- food reduces one`s chances of developing certain types of cancer.
a. organic b. renewable c. ordinary d. junk
- This article teaches how you can permanently lose your weight by ----- the carbohydrates.
a. reducing b. absorbing c. increasing d. tasting
- Some writers` memories make you so ----- of them that you wish you knew them personally.
a. magic b. shiny c. fond d. invisible
- The market economy means peaceful ----- and peaceful exchange of goods and services.
a. activity b. suggestion c. cooperation d. manner
- The ----- of these three experiments suggest that there are many ways to feed young horses.
a. guidelines b. differences c. results d. panels
- Contracts are made for an initial 4 years, ----- up to an additional 4-year period.
a. countless b. global c. renewable d. suitable
- Last week a satellite weighing 12 tons was successfully ----- in orbit.
a. revolved b. heated c. placed d. generated
- The makers of the car claim that hybrid cars use up to 50% less ----- than other similar cars.
a. fuel b. heat c. pollution d. power
- Scientists are looking for a ----- which will produce energy without polluting the air.
a. fuel b. gadget c. panel d. variety
- Wind turbines are used to ----- electricity for the local community.
a. generate b. consume c. power d. form
- Researchers are looking at ways of ----- power using the action of the ocean's tides.
a. saving b. pumping c. orbiting d. generating
- Fish is a key ----- of omega 3 oils which have health benefits particularly for the heart.
a. alternative b. center c. absence d. source

19. We can start by reducing our energy consumption and turning to ----- resources.
a. separate **b. portable** **c. remote** **d. renewable**
20. If you are serious about -----, you should eat less junk food and more vegetables so your body can stay in shape.
a. diet **b. blood pressure** **c. addiction** **d. fitness**
21. We are constantly ----- about the dangers, but at the end of the day it depends on parents to be sure about the safety of their children.
a. searching **b. considering** **c. expressing** **d. warning**
22. You might love sheep or cow meat but you`ll find that a / an ----- meal is easier to digest.
a. fast food **b. veggie** **c. strong** **d. junk food**
23. She needs to have an emergency operation on her eyes to save her ----- because she has been blind as a result of a heavy accident.
a. power **b. sight** **c. hearing** **d. life**
24. Because they are mostly Muslim, Egyptians do not ----- alcoholic drinks.
a. like **b. consume** **c. absorb** **d. deliver**
25. You should wear something light-colored when you`re cycling at night so that you`re more -----.
a. shiny **b. visible** **c. loving** **d. fantastic**
26. His family are convinced the drug was the cause of the depression which ----- his death.
a. led to **b. gave off** **c. worked out** **d. figured out**
27. My little sister is coming home after 12 years and has been saying that ----- all through her trip back.
a. there`s no place like home **b. out of sign, out of mind**
c. birds of a feather flock together **d. absence makes the heart grow fonder**
28. It seems reasonable to ----- that people`s behavior is influenced by what they see on TV.
a. conclude **b. demand** **c. allow** **d. protect**
29. Decisions could be made on the ----- of price, delivery dates, after- sales service.
a. basis **b. expression** **c. term** **d. type**
30. The first analysis is based on all 434 patients, whereas a number of patients after two months was ----
----- to less than 200.
a. applied **b. concluded** **c. reduced** **d. generated**
31. Many people have been ordered to stay indoors and some people are suffering ----- sickness.
a. magic **b. magnet** **c. radiation** **d. issue**
32. Ted knows that he would have no problem speaking in public if he would only ----- his fears instead of running away from them.
a. overcome **b. combine** **c. discover** **d. remind**
33. Billy was a good student because he would actively participate in class and ----- all the rules.
a. power **b. obey** **c. discover** **d. transmit**
34. 1 An expert recently noted that the world has gradually moved toward cleaner ----- from wood to coal, from coal to oil, and from oil to natural gas.
a. fuels **b. supplies** **c. powers** **d. formulas**
35. This fruit is also an important ----- of many traditional Chinese medicines.
a. component **b. variety** **c. demand** **d. product**

36. The purpose of the steam turbine is to ----- the heat contained in steam into mechanical energy.
a. convert **b. consume** **c. cooperate** **d. absorb**
37. The teacher will probably ----- I am not listening to her lecture because I have my eyes closed.
a. conclude **b. elicit** **c. warn** **d. consider**
38. Some babies are unable to ----- the sugar lactose, which is in cow's milk formulas.
a. convert **b. consume** **c. digest** **d. absorb**
39. Solar panels, wind turbines, and hydroelectricity are renewable ----- sources of power.
a. alternative **b. light** **c. waste** **d. radiation**
40. When she heard her sons ----- to one another, the mother was glad that they knew how to solve a disagreement.
a. apologize **b. absorb** **c. dread** **d. spoil**
41. I always ----- if I hurt someone's feelings and find a way to show that I'm sorry
a. allow **b. apologize** **c. arrange** **d. disconnect**
42. Many rivers have been so ----- that they can no longer be used for drinking water.
a. designed **b. polluted** **c. highlighted** **d. recognized**
43. percent of the world's population ----- 80 percent of the planet's resources.
a. handles **b. consumes** **c. regards** **d. replace**
44. The ----- from the bomb circulated through the air and killed thousands.
a. component **b. feather** **c. radiation** **d. garbage**
45. She has a lot of ----- experience in dealing with these kinds of problems.
a. portable **b. gone** **c. practical** **d. supporting**
46. Students should not write outside the ----- but instead stay inside the lines.
a. booklet **b. diary** **c. margin** **d. diploma**
47. A robot must ----- the orders given it by men except where such orders conflict with the first law.
a. demand **b. obey** **c. combine** **d. record**
48. Our technology and ability to cooperate in societies allows us to ----- many of the things that kill other mammals.
a. claim **b. overcome** **c. consume** **d. absorb**
49. Cutting the police force is not a ----- idea when crime is high in our city.
a. confusing **b. practical** **c. ancient** **d. magic**
50. The rocks on this beach ----- me of those summer days when we were there.
a. waste **b. roll** **c. select** **d. remind**
51. It's our hope that we will play an greater role in the marketplace and, therefore, ----- more jobs.
a. replace **b. spoil** **c. reduce** **d. supply**
52. In addition to teaching basic academic skills, we offer a large ----- of activities for students.
a. source **b. benefit** **c. variety** **d. background**
53. Do not throw rubbish onto the ground. Do not ----- water. Use both sides of paper when you write. Stop using plastic bags for shopping.
a. use up **b. consume** **c. waste** **d. revolve**
54. Note that you will have to be running this program in a relatively noise-free environment, so ----- your headphones and make sure your CD drive is spun down.
a. deal with **b. hold** **c. plug in** **d. work out**

55. Because of his learning -----, the student had a difficult time solving multiplication problems in his mind.
- a. disability b. strength c. identity d. likelihood
56. The results showed that cookies are very good for the -----, so babies can generally eat them without problem.
- a. digestion b. broth c. joint d. sweet
57. According to the U. S. Department of Energy, an average household spends over 40 percent of its total annual energy budget on heating and ----- costs.
- a. cooling b. organic c. string d. stove
58. Because my father is a huge ----- of alcohol, he has probably done considerable damage to his liver.
- a. physician b. consumer c. researcher d. discoverer
59. This display is updated ----- so that the information shown on the screen is as accurate as possible.
- a. primarily b. constantly c. unsystematically d. especially
60. The only ----- of the sandwich that I do not like is the tomato, but the turkey, lettuce and mayonnaise are fine.
- a. combination b. component c. unit d. device
61. There are about 13,000 identifiable ----- of roses throughout the world.
- a. series b. varieties c. products d. designs
62. When planning meals, you need to think about ----- and taste as well as nutritional value.
- a. grocery b. variety c. supply d. junk
63. The family rooms have a / an ----- children’s sleeping area, with TVs at the end of both beds – thus avoiding arguments over what to watch.
- a. supporting b. separate c. alternative d. remote
64. Over the last six decades, several technological innovations have changed how we communicate, ----- the Internet and the smartphone.
- a. thus b. namely c. actually d. calmly
65. Electronic Arts developed a nice version of Scrabble for iGoogle and the NPR ----- allows you to share news stories with your friends.
- a. agreement b. gadget c. heritage d. guideline
66. While European football is often mixed up with American football, the two sports are not -----.
- a. joint b. basis c. component d. equivalent
67. My mother practiced some relaxation techniques to help her ----- the pain she suffered as a result of having cancer.
- a. apply for b. check with c. provide for d. deal with
68. There is a potential educational ----- in allowing pictures to tell the story, rather than the spoken word.
- a. benefit b. center c. collocation d. ethic
69. It is generally difficult for parents to ----- information about several major problems in their baby all at the same time.
- a. absorb b. wonder c. transmit d. cooperate
70. They ----- discuss ways to increase awareness and understanding of their problems.
- a. alphabetically b. constantly c. accidentally d. unsystematically

71. She was forced to ----- early from teaching because of her special medical condition.
a. describe **b. decide** **c. retire** **d. recite**
72. On the afternoon of May 8, 2005, Chinese President Hu Jintao met in the hotel where he stayed with his Turkmen ----- Saparmurat Niyazov.
a. astronaut **b. component** **c. collector** **d. counterpart**
73. The company has angered its employees with its decision to ----- the number of hours worked to part-time.
a. claim **b. cooperate** **c. reduce** **d. obey**
74. For most of the time the United Kingdom played an important part in the organization of world ----- sources even in the Middle East.
a. power **b. reminder** **c. travel** **d. building**
75. We, I mean Rachel and I, are a really happy couple although we have ----- views when it comes to such issues as politics and religion.
a. opposite **b. practical** **c. impossible** **d. following**
76. In cold climates, houses need to have walls that will ----- heat.
a. absorb **b. blow** **c. dread** **d. demand**
77. Please call this number if you ----- any further information.
a. reduce **b. collect** **c. consider** **d. require**
78. I didn't like him at first, but in the end I actually got quite ----- of him.
a. fond **b. available** **c. common** **d. excellent**
79. The role of the police is to ensure that the law is -----.
a. combined **b. forgive** **c. demanded** **d. discovered**
80. Within a short space of time you could be speaking ----- English!
a. essential **b. perfect** **c. bilingual** **d. dedicated**
81. He returns to the England team after a long ----- from international football.
a. community **b. source** **c. formula** **d. absence**
82. The wind farm may be able to ----- enough electricity for homes.
a. reduce **b. generate** **c. increase** **d. flock**
83. It's important to create a good impression when you meet a new -----.
a. broth **b. client** **c. distance** **d. charger**
84. The art department and the music department are in two ----- buildings.
a. meaningful **b. countless** **c. immediate** **d. separate**
85. Good communication is an important ----- of any relationship.
a. community **b. outlet** **c. component** **d. device**
86. He was careful to keep out of ----- because he had not obeyed the traffic rules when the traffic light was red.
a. vision **b. sight** **c. effect** **d. sense**
87. Doctors recommend that after having your meal sit still and allow it to ----- calmly.
a. arrange **b. hug** **c. digest** **d. pump**
88. I'm ----- my English exam on writing and I'm sure I'm going to fail.
a. collecting **b. reviewing** **c. dreading** **d. attempting**

89. He had walked for two hours, so he took off his shoes to ----- his sweaty feet.
 a. change b. cool c. convert d. compare
90. He is a dedicated physician who helps poor people and he is well-known in the local -----.
 a. community b. morality c. heritage d. personality
91. I shone the ----- into the dark room, and it send out a powerful beam of light.
 a. bulb b. flashlight c. outlet d. electricity
92. As I love my beloved nephew a lot, I always try to ----- some chocolate to give to him.
 a. repeat b. save c. require d. revolve
93. Marry didn't like Jack at first, but in the end, she actually got quite ----- of him.
 a. loud b. cruel c. found d. fortunate
94. God helps, says the -----, those who help themselves.
 a. idiom b. proverb c. quotation d. exclamation
95. You are disturbing me, and I'm afraid I have no ----- but to ask you to leave.
 a. attitude b. tendency c. alternative d. item
96. All the students ran out in to the ----- happily to take break when the bell rang.
 a. class b. hall c. yard d. balcony
97. The English course has four main ----- : reading, speaking, listening and writing skills.
 a. patterns b. points c. components d. situations
98. We should continue using fossil fuels until we manage to find cleaner ----- of energy.
 a. cases b. qualities c. differences d. sources
99. Reza is sick and the doctor has advised him to ----- the amount of fat in his food.
 a. produce b. reduce c. prepare d. destroy
100. He is not poor; he actually has more money than ----- for the support of a family.
 a. required b. transferred c. handled d. involved

پاسخنامه تستهای واژگان درس سوم

Vocabulary Tests

Pages: 416 - 421

1	A	11	C	21	D	31	C	41	B	51	D	61	B	71	C	81	D	91	B
2	D	12	C	22	B	32	A	42	B	52	C	62	B	72	D	82	B	92	B
3	C	13	C	23	B	33	B	43	B	53	C	63	B	73	C	83	B	93	C
4	A	14	A	24	B	34	A	44	C	54	C	64	B	74	A	84	D	94	B
5	A	15	A	25	B	35	A	45	C	55	A	65	B	75	A	85	C	95	C
6	A	16	A	26	A	36	A	46	C	56	A	66	D	76	A	86	B	96	C
7	A	17	D	27	A	37	A	47	B	57	A	67	D	77	D	87	C	97	C
8	A	18	D	28	A	38	C	48	B	58	B	68	A	78	A	88	C	98	D
9	C	19	D	29	A	39	A	49	B	59	B	69	A	79	C	89	B	99	B
10	C	20	D	30	C	40	A	50	D	60	B	70	B	80	B	90	A	100	A

ترجمه تستهای واژگان درس سوم: صفحه ۴۱۶ تا ۴۲۱

۱- (a) پس از اتمام خواندن رمان، کتاب را به درستی در قفسه **سر جای خودش گذاشتم**.

۲- (d) در فرایند طبیعی، نیتروژن به نیترات در خاک **تبدیل می شود** که گیاهان می توانند از آن استفاده کنند.

۳- (c) با افزایش تعداد جمعیت، نیروگاه ها باید سوخت های فسیلی بیشتری برای تولید برق **مصرف کنند**.

۴- (a) آن ها اندازه و هزینه بسیاری از محصولات الکترونیکی را به میزان قابل توجهی **کاهش داده اند**، درحالی که در همان زمان قدرت و کیفیت آنها را افزایش دهند.

۵- (a) من چین را به عنوان بخشی لازم از یک اقتصاد **جهانی** جدید رو به رشد می بینم.

۶- (a) این کنسرت **خیریه ای** بود برای جمع آوری پول برای یک پسر جوان که مجبور بود یک عمل جراحی گران قیمت داشته باشد.

۷- (a) دوست من معتقد است که خوردن مواد غذایی **ارگانیک (طبیعی)** احتمال ابتلا به انواع خاصی از سرطان را کاهش می دهد.

۸- (a) این مقاله به شما می آموزد که چگونه می توانید به طور دائم وزن خود را با **کم کردن** کربوهیدرات ها کاهش دهید.

۹- (c) بعضی از خاطرات نویسندگان، شما را **علاقمند (دلبرسته)** به آن ها می کند که آرزو می کنید آن ها را شخصاً می شناختید.

۱۰- (c) اقتصاد بازار به معنای **همکاری** صلح آمیز و تبادل صلح آمیز کالا و خدمات است.

۱۱- (c) **نتایج** این سه آزمایش اشاره می کند که راه های زیادی برای تغذیه اسب های جوان در حال رشد وجود دارد.

۱۲- (c) قراردادهای برای ۴ سال بسته می شوند و برای یک دوره ۴ ساله اضافی قابل **تمدید** خواهند بود.

۱۳- (c) هفته گذشته ماهواره ای به وزن ۱۲ تن با موفقیت در مدار **قرار داده شد**.

۱۴- (a) سازندگان خودرو ادعا می کنند که اتومبیل های هیبریدی کمتر از ۵۰ درصد نسبت به سایر خودرو های مشابه **سوخت** مصرف می کنند.

۱۵- (a) دانشمندان به دنبال **سوختی** هستند که انرژی را بدون آلوده کردن هوا تولید کند.

۱۶- (a) توربین های بادی برای **تولید** برق برای جامعه محلی استفاده می شوند.

۱۷- (d) محققان به دنبال راه هایی برای **تولید** انرژی با استفاده از عمل جزر و مد اقیانوس هستند.

۱۸- (d) ماهی یک **منبع** کلیدی روغن امگا۳ است که به ویژه برای قلب مفید است.

۱۹- (d) ما می توانیم با کاهش مصرف انرژی مان و تبدیل آن به منابع **تجدید پذیر** شروع کنیم.

۲۰- (d) اگر برای **آمادگی جسمانی** جدی هستید، باید هله و هوله کمتر و سبزیجات بیشتری مصرف کنید تا بدن شما بتواند شکل بگیرد.

۲۱- (d) ما دائماً در مورد خطرات **هشدار می دهیم**، اما در پایان روز به والدین بستگی دارد تا از ایمنی فرزندانمان مطمئن شوند.

۲۲- (b) شما ممکن است گوشت گوسفند یا گاو را دوست داشته باشید، اما پی خواهید برد که یک وعده غذایی با **سبزیجات** برای هضم آسان تر است.

۲۳- (b) او برای نجات **بینایی** چشمانش به یک عمل جراحی فوری نیاز دارد، برای اینکه به علت یک تصادف وحشتناک در حال کور شدن است.

۲۴- (b) از آنجا که آن ها عمدتاً مسلمان هستند، مصری ها نوشیدنی های الکلی **مصرف نمی کنند**.

۲۵- (b) هنگامی که شما در شب در حال دوچرخه سواری هستید، باید چیزی به رنگ روشن بپوشید تا بتوانید بیشتر **قابل مشاهده** باشید.

۲۶- (a) خانواده اش متقاعد شده اند که مواد مخدر باعث افسردگی بود که **منجر** به مرگ وی شد.

۲۷- (a) خواهر کوچک من بعد از ۱۲ سال به خانه می آید و گفته است که در طول سفرش **هیچ جا خانه آدم نمی شود**.

۲۸- (a) این **نتیجه گیری** منطقی به نظر می رسد که رفتار مردم تحت تأثیر آنچه که در تلویزیون می بینند قرار دارد.

- ۲۹- (a) تصمیم گیری می تواند بر اساس قیمت، تاریخ تحویل، خدمات پس از فروش یا هر متغیر دیگر اتخاذ شود.
- ۳۰- (c) اولین تحلیل بر اساس همهٔ ۴۳۴ بیمار صورت گرفت، درحالی که تعداد بیماران بعد از دو ماه به کمتر از ۲۰۰ نفر کاهش یافت.
- ۳۱- (c) به صدها هزار نفر دستور داده شده که در داخل خانه بمانند و تعدادی از مردم در حال رنج بردن از بیماری رادیواکتیو هستند.
- ۳۲- (a) تد می داند که او هیچ مشکلی در صحبت کردن در جمع (مکان عمومی) نخواهد داشت اگر او تنها بر ترسش غلبه کند به جای اینکه از آن فرار کند.
- ۳۳- (b) بیلی یک دانشجوی نمونه برای معلمانش بود زیرا او به طور فعال در کلاس شرکت کرده و از تمام قوانین اطاعت می کرد.
- ۳۴- (a) اخیراً یک متخصص خاطر نشان کرد که جهان به تدریج به سمت سوخت های پاک تر از چوب به زغال سنگ، از زغال سنگ به نفت و از نفت به گاز طبیعی در حال حرکت است.
- ۳۵- (a) این میوه همچنین یک جزء (بخش) مهمی از بسیاری از داروهای سنتی چین است.
- ۳۶- (a) هدف از توربین بخار تبدیل گرمای موجود در بخار به انرژی مکانیکی است.
- ۳۷- (a) معلم احتمالاً نتیجه می گیرد که من به سخنرانی او گوش نمی دهم، زیرا من چشم هایم را بسته ام.
- ۳۸- (c) برخی از نوزادان قادر به هضم لاکتوز قند نیستند که در فرمول های شیر گاو وجود دارد.
- ۳۹- (a) پانل های خورشیدی، توربین های بادی و برق آبی، منابع جایگزین انرژی تجدید پذیر برق هستند.
- ۴۰- (a) هنگامی که او شنید پسرانش از یکدیگر عذر خواهی کردند، مادر خوشحال بود که آن ها می دانستند چگونه اختلاف نظر را حل کنند.
- ۴۱- (b) من همیشه عذر خواهی می کنم اگر به احساسات شخصی آسیب برسانم و راهی پیدا می کنم تا نشان بدهم که متأسفم.
- ۴۲- (b) بسیاری از رودخانه ها خیلی آلوده شده اند طوری که دیگر نمی توانند برای آب آشامیدنی استفاده شوند.
- ۴۳- (b) ۲۵ درصد از جمعیت جهان، ۸۰ درصد از منابع این سیاره را مصرف می کنند.
- ۴۴- (c) تشعشع (اشعه) بمب از طریق هوا پخش شد و هزاران نفر کشته شدند.
- ۴۵- (c) او در برخورد با این نوع مشکلات، تجربه کاربردی (مفید) زیادی دارد.
- ۴۶- (c) دانش آموزان نباید خارج از حاشیه بنویسند بلکه در عوض (باید) داخل خطوط بمانند.
- ۴۷- (b) یک ربات باید از دستورات داده شده توسط انسان اطاعت کند، مگر آن که دستورات با قانون اول در تضاد باشند.
- ۴۸- (b) تکنولوژی و توانایی ما برای همکاری در جوامع به ما اجازه می دهد تا بر بسیاری از چیزهایی که سایر پستانداران را می کشند، غلبه کنیم.
- ۴۹- (b) قطع کردن نیروی پلیس، وقتی جنایت در شهر ما زیاد است، یک ایده مفید (کاربردی) نیست.
- ۵۰- (d) سنگ های این ساحل مرا به یاد آن روز های تابستان وقتی که لورا و من در شن تا شب هنگام بازی می کردیم، می اندازد.
- ۵۱- (d) امید ما این است که ما به طور فزاینده ای نقش بزرگ تری را در بازار بازی کنیم و به همین دلیل، مشاغل بیشتری را عرضه خواهیم کرد.
- ۵۲- (c) علاوه بر آموزش مهارت های آکادمیک پایه، ما انواع زیادی از فعالیت ها را برای دانش آموزان ارائه (عرضه) می کنیم.
- ۵۳- (c) زباله را روی زمین نریزید. آب را هدر ندهید. هنگام نوشتن از هر دو طرف کاغذ استفاده کنید. از کیسه های پلاستیکی برای خرید استفاده نکنید.
- ۵۴- (c) توجه داشته باشید که شما باید این برنامه را در یک محیط نسبتاً بدون سر و صدا اجرا کنید، بنابراین هدفون های خود را وصل کنید و مطمئن شوید که درایو سی دی شما پایین کشیده شده است.

- ۵۵- (a) به دلیل **ناتوانی اش** در یادگیری، دانش آموز زمان دشواری را صرف حل مسائل ضرب در ذهن خود کرده بود.
- ۵۶- (a) نتایج نشان داد که کوکی ها برای **هضم** بسیار مفید هستند، به طوری که نوزادان عموماً می توانند آن ها را بدون مشکلی بخورند.
- ۵۷- (a) طبق گفته وزارت انرژی ایالات متحده، خانوارهای متوسط، بیش از ۴۰ درصد کل بودجه انرژی سالانه خود را صرف هزینه های گرمایش و **خنک کننده** مینمایند.
- ۵۸- (b) از آن جا که پدرم یک **مصرف کننده** قهار الکل است، احتمالاً آسیب زیادی (قابل توجه ای) به کبدش وارد کرده است.
- ۵۹- (b) این صفحه نمایش **به طور مداوم** به روز شده است به طوری که اطلاعات نشان داده شده بر روی صفحه نمایش تا حد ممکن دقیق است.
- ۶۰- (b) تنها **بخش** ساندویچ که من دوست ندارم گوجه فرنگی است، اما بوقلمون، کاهو و سس مایونز خوب هستند.
- ۶۱- (b) حدود ۱۳۰۰۰ **انواع** گل رز قابل شناسایی در سراسر جهان وجود دارد.
- ۶۲- (b) هنگام برنامه ریزی وعده های غذایی، شما نیاز دارید به اندازه ارزش غذایی، به **نوع (گوناگونی)** و طعم فکر کنید.
- ۶۳- (b) اتاق های خانوادگی (خانه) دارای یک فضای خواب **جداگانه** برای کودکان با دستگاه تلویزیون در انتهای هر دو تخت هستند، در نتیجه از بحث و جدل درباره تماشای برنامه های مختلف (متمایز) جلوگیری می کند.
- ۶۴- (b) طی شش دهه گذشته، در اینکه ما چگونه ارتباط برقرار میکنیم، چندین نوآوری تکنولوژیکی تغییر کرده است، **برای مثال** اینترنت و گوش های هوشمند.
- ۶۵- (b) هنر های الکتریکی یک نسخه ویژه از اسکرابل را برای iGoogle توسعه داد و **ابزار** NPR به شما اجازه می دهد که داستان های خبری را با دوستان خود به اشتراک بگذارند.
- ۶۶- (d) در حالی که اغلب فوتبال اروپایی با فوتبال آمریکایی اشتباه گرفته می شود، این دو ورزش **مشابه** هم نیستند.
- ۶۷- (d) مادر من بعضی از تکنیک های آرامش را برای کمک به او برای **مقابله (کنار آمدن)** با دردی که در اثر سرطان می کشد، انجام داد.
- ۶۸- (a) یک **مزیت** آموزشی بالقوه در این که اجازه دهیم تصاویر داستان بگویند، به جای گفته شدن کلمه وجود دارد.
- ۶۹- (a) عموماً برای والدین **تحلیل کردن** اطلاعات درباره چندین مشکل اصلی راجع به کودکشان در یک زمان به طور کلی مشکل است.
- ۷۰- (b) با وجود این، آن ها **دائماً** در مورد راه های افزایش آگاهی و درک مشکلات خود بحث می کنند.
- ۷۱- (C) او به خاطر شرایط ویژه پزشکی مجبور بود زودتر از تدریس **استعفا** بدهد.
- ۷۲- (d) در بعد از ظهر ۸ مه، سال ۲۰۰۵، هوجینتائو، رئیس جمهور چین، در هتلی که اقامت داشت با **همتای** ترکمن خود، صفرمراد نیازوف ملاقات کرد.
- ۷۳- (c) این شرکت کارکنان خود را با تصمیم خود برای **کاهش دادن** تعداد ساعات کاری به طور نیمه وقت خشمگین کرده است.
- ۷۴- (a) در بیشتر اوقات، بریتانیا نقش مهمی در سازماندهی منابع جهانی قدرت، حتی در خاورمیانه ایفا می کرد.
- ۷۵- (a) ما، منظورم ریچل و من است، زوج واقعاً خوشبختی هستیم، اگرچه در مسایلی مانند سیاست و دین دیدگاه هایی **متضاد** داریم.
- ۷۶- (a) در آب و هوای سرد، خانه ها نیاز به دیوارهایی دارند که گرما را **جذب کنند**.
- ۷۷- (d) لطفاً در صورت **نیاز** به اطلاعات بیشتر، با این شماره تماس بگیرید.
- ۷۸- (a) ابتدا او را دوست نداشتیم، اما در نهایت واقعاً به او **علاقه مند (دلپسته)** شدم.
- ۷۹- (c) نقش پلیس این است که اطمینان حاصل شود که قانون **مورد احترام (اطاعت)** قرار گرفته است.
- ۸۰- (b) در فواصل کوتاهی شما می توانید انگلیسی **کامل (بی نقص)** صحبت کنید.
- ۸۱- (d) او پس از **غیبت** طولانی از فوتبال بین المللی، به تیم انگلیس بازگشت.

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

Part Five:

“Appendix”

”ضمیمہ“

<i>Parts of Speech</i>	<i>428</i>
<i>Synonyms (12th Grade)</i>	<i>439</i>
<i>Antonyms (12th Grade)</i>	<i>442</i>
<i>Other Essential Words</i>	<i>445</i>
<i>Vocabulary Words</i>	<i>489</i>
<i>Close Test</i>	<i>507</i>
<i>Reading Comprehension</i>	<i>527</i>
<i>Irregular Verbs</i>	<i>598</i>

"Parts of Speech"

اجزاء کلام در زبان انگلیسی:

اجزاء کلام در زبان انگلیسی یا همان اقسام کلام در زبان انگلیسی، به ۸ قسمت متمایز می‌شوند که از لحاظ کاربرد و معنا نقش خاصی را در جمله‌های زبان انگلیسی ایفا می‌کنند. ما از هزاران کلمه در صحبت‌های روزمره خود استفاده می‌کنیم و خوب است که بدانیم تمام این کلمات را می‌توانیم در ۸ دسته گروه‌بندی کنیم.

به عبارت دیگر هر یک از کلمات که ما در جملات زبان انگلیسی استفاده می‌کنیم به یکی از این ۸ دسته تعلق دارد و زیر مجموعه یکی از این ۸ دسته به حساب می‌آیند، پس ما باید بدانیم یادگیری این ۸ دسته از عناصر زبان انگلیسی و نقش آنها، در یادگیری ساختار جمله‌های زبان انگلیسی از اهمیت بالایی برخوردار است:

۱) اسم در زبان انگلیسی: (Noun)

اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن اشخاص، حیوانات، اشیاء، اماکن و یا حالات آن‌ها به کار می‌رود.

۲) ضمیر در زبان انگلیسی: (Pronoun)

ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌گردد، و ما را از تکرار اسامی اشخاص و اشیاء و غیره بی‌نیاز می‌کند.

۳) صفت در زبان انگلیسی: (Adjective)

کلمه‌ای است که اسم را توصیف می‌کند و معنی آن را روشن تر و مشخص تر و کامل تر بیان می‌کند.

۴) فعل در زبان انگلیسی: (Verb)

کلمه‌ای است که عمل یا حالتی را بیان می‌کنند.

۵) قید در زبان انگلیسی: (Adverb)

کلمه‌ای است که برای توصیف فعل، صفت و یا قید دیگر به کار می‌رود، در واقع قید حالت و چگونگی انجام یک فعل و وضعیت یک صفت یا قید دیگر را بیان می‌کند.

۶) حرف اضافه در زبان انگلیسی: (Preposition)

حرف اضافه کلمه‌ای است که نسبت یا ارتباط اسم و ضمیر را با سایر قسمتهای جمله نشان می‌دهد. معمولاً از حروف اضافه برای نشان دادن مکان، زمان و جهت و ... استفاده می‌شود.

۷) حرف ربط در زبان انگلیسی: (Conjunction)

حرف ربط کلمه‌ای است که برای وصل کردن دو شبه جمله، دو عبارت و یا دو کلمه به کار می‌رود.

۸) صوت در زبان انگلیسی: (Interjection)

کلمه‌ای است که برای تعجب و تحسین افسوس و وحشت و سایر احساسات ناگهانی و تند مورد استفاده قرار می‌گیرد، و انواع آن عبارتند از: Hey!, wow!, hush!, ah!, oh

در این جزوه، به طور کافی در مورد ضمائر، حروف اضافه، حروف ربط توضیح داده شده است. حروف صوت هم که در حیطه کنکور نمی‌باشند. در چند صفحه بعد مهمترین اجزای کلامی (Parts of Speech) سال دهم به ترتیب درس آمده اند که در افزایش دایره واژگان و برای ترجمه و فهم زبان انگلیسی بسیار مفید می‌باشند.

Parts of Speech (Lesson 1 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
amusement	شگفتی	amaze	amazing	amazingly
attention	توجه	attend	attentive	attentively
beauty	زیبایی	beautify	beautiful	beautifully
care	مراقبت	care	careful	carefully
change	تغییر	change	changeable	changeably
correction	تصحیح	correct	correct	correctly
creation	خلقت	create	creative	creatively
danger	خطر	endanger	dangerous	dangerously
destruction	تخریب	destroy	destructive	destructively
difference	تفاوت	differ	different	differently
division	تقسیم	divide	divisible	-----
enjoyment	لذت	enjoy	enjoyable	enjoyably
help	کمک	help	helpful	helpfully
hope	امید	hope	hopeful	hopefully
human	انسان	humanize	inhuman	humanly
hunter	شکارچی	hunt	-----	-----
hurt	صدمه	hurt	hurtful	hurtfully
identification	شناسایی	identify	identifiable	identifiably
information	اطلاعات	inform	informative	informatively
injury	زخم	injure	injured	-----
interest	علاقه	interest	interested	interestedly
knowledge	دانش	know	knowledgeable	knowledgeably
life	زندگی	live	alive	-----
meaning	معنی	mean	meaningful	meaningfully
nature	طبیعت	-----	natural	naturally
power	قدرت	power	powerful	powerfully
protection	محافظت	protect	protective	protectively
rain	باران	rain	rainy	-----
safety	امنیت	save	safe	safely
volunteer	داوطلب	volunteer	voluntary	voluntarily
wildlife	حیات وحش	-----	wild	wildly
wonder	شگفتی	wonder	wonderful	wonderfully

Parts of Speech (Lesson 2 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
blood	خون	bleed	bloody	bloodily
cheer	هورا، فریاد	cheer	cheerful	cheerfully
clearness	پاکی	clear	clear	clearly
collection	مجموعه	collect	collective	collectively
comparison	مقایسه	compare	comparative	comparably
feeling	احساس	feel	-----	-----
final	آخرین	finalize	final	finally
health	سلامتی	-----	healthy	healthily
light	نور	light	light	lightly
observation	مشاهده	observe	observable	observably
reality	واقعیت	-----	real	really
carrier	حامل	carry	carriable	-----
defender	مدافع	defend	defendable	defensively
happiness	خوشحالی	-----	happy	happily
height	ارتفاع	-----	high	highly
heat	گرما	hot	hot	heatedly
pain	درد	pain	painful	painfully
Patience	صبر	-----	patient	patiently
plain	دشت	-----	plain	plainly
poem	شعر	poetize	poetic	poetically
preparation	آمادگی	prepare	prepared	-----
price	قیمت	price	priceless	-----
rock	سنگ	rock	rocky	-----
solution	راه حل	solve	solvable	-----
usefulness	استفاده	use	useless	uselessly
width	پهنا، عرض	widen	wide	widely

Parts of Speech (Lesson 3 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
action	عمل	act	active	actively
belief	اعتقاد	believe	believable	believably
building	ساختمان	build	buildable	-----
cooler	کولر	cool	cool	-----
development	توسعه	develop	developed	developmentally
emotion	احساس	emotionalize	emotional	emotionally
emphasis	تأکید	emphasize	emphatic	emphatically
energy	انرژی	energize	energetic	energetically
experiment	آزمایش	-----	alexperiment	allyexperiment
expression	بیان	express	expressive	expressively
inventor	مخترع	invent	inventive	inventively
knowledge	دانش	know	knowing	knowing
math	ریاضی	-----	mathematical	mathematically
narrator	گوینده	narrate	narrative	narratively
noise	سر و صدا	-----	noisy	noiselessly
notice	توجه	notice	noticeable	noticeably
pattern	الگو، طرح	pattern	patterned	-----
peace	صلح	-----	peaceful	peacefully
publication	انتشار	publish	publishable	-----
researcher	محقق	research	-----	-----
relation	ارتباط	relate	relative	relative
sadness	ناراحتی	sadden	sad	sadly
science	علم	-----	scientific	scientifically
success	موفقیت	succeed	successful	successfully
sense	حس	sense	senseless	senselessly
statement	گفته	state	-----	-----
stranger	غریبه	-----	strange	strangely
suddenness	سرعت	-----	sudden	suddenly
thought	فکر	think	thinkable	-----
translation	ترجمه	translate	translatable	-----
use	استفاده	use	useful	usefully
value	ارزش	value	valuable	-----

Parts of Speech (Lesson 4 - Vision 1)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
attraction	جاذبه	attract	attractive	attractively
behavior	رفتار	behave	behavioral	-----
choice	انتخاب	choose	choice	-----
culture	فرهنگ	-----	cultural	-----
entertainment	سرگرمی	entertain	entertaining	entertainingly
generosity	سخاوت	-----	generous	generously
history	تاریخ	-----	historic	historically
foreigner	خارجی	-----	foreign	-----
honesty	صداقت	-----	honest	honestly
illness	بیماری	-----	ill	ill
image	تصویر	image	-----	-----
location	محل	locate	located	-----
nation	ملت	nationalize	national	nationally
obligation	اجبار	oblige	obligatory	-----
plan	نقشه	plan	-----	-----
politeness	ادب	-----	polite	politely
popularity	محبوبیت	popularize	popular	popularly
possibility	احتمال	-----	possible	possibly
probability	احتمال	-----	probable	probably
-----	صحیح	-----	proper	properly
respect	احترام	respect	respectful	respectfully
suggestion	پیشنهاد	suggest	suggestive	suggestively
tourist	گردشگر	tour	-----	-----

Parts of Speech (Lesson 1 - Vision 2)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
absolute	وجود مطلق	-----	absolute	absolutely
access	دسترسی	access	accessible	accessibly
addition	افزایش	add	additional	additionally
appearance	ظاهر	appear	-----	-----
beginner	مبتدی	begin	-----	-----
certainty	اطمینان	-----	certain	certainly
communication	ارتباط	communicate	communicative	communicatively
confidence	اطمینان	-----	confident	confidently
decision	تصمیم	decide	decisive	decidedly
exchange	مبادله	exchange	exchangeable	exchangeably
existence	هستی	exist	existent	-----
experience	تجربه	experience	experienced	-----
explanation	توضیح	explain	explainable	-----
fluency	سلاست	-----	fluent	fluently
fortune	شانس	-----	fortunate	fortunately
frequency	فراوانی	frequent	frequent	frequently
consideration	ملاحظه	consider	considerable	considerably
honesty	صداقت	-----	honest	honestly
imagination	تخیل	imagine	imaginary	imaginatively
improvement	بهبودی	improve	improved	-----
label	برچسب	label	-----	-----
loudness	بلندی	-----	loud	loudly
matter	اهمیت	matter	-----	-----
measurement	اندازه	measurement	measureless	-----

Parts of Speech (Lesson 2 - Vision 2)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
activity	فعالیت	activate	inactive	actively
addiction	اعتیاد	addict	addictive	-----
balance	تعادل	balance	balanced	-----
comfort	راحتی	comfort	comfortable	comfortably
condition	شرط	condition	conditional	conditionally
production	تولید	produce	productive	productively
variety	تنوع	vary	various	variously
confusion	گیجی	confuse	confused	confusingly
depression	ناراحتی	depress	depressed	-----
discussion	بحث	discuss	discussable	-----
education	آموزش	educate	educated	-----
effect	اثر	affect	effective	effectively
-----	جدید	-----	recent	recently
simplicity	سہولت	simplify	simple	-----
weight	وزن	weigh	weighty	-----
forbiddance	ممنوعیت	forbid	forbidden	-----
harm	ضرر	harm	harmless	harmlessly
influence	تأثیر	influence	influential	-----
invitation	دعوت	invite	uninvited	-----
limitation	محدودیت	limit	limited	-----
physics	فیزیک	-----	physical	physically
prediction	پیش بینی	predict	predictive	-----
winner	برنده	win	winning	-----

Parts of Speech (Lesson 3 - Vision 2)

اسم	معنى	فعل	صفت	قيد
decoration	تزئين	decorate	decorative	decoratively
diversity	تنوع	diversify	diverse	diversely
economy	اقتصاد	economize	economic	economically
element	عنصر	-----	elementary	elementarily
excitement	هيجان	excite	exciting	excitedly
frightener	ترساننده	frighten	frightening	frighteningly
identity	هويت	identify	identifiable	identifiably
mentality	ذهن، اندیشه	-----	mental	mentally
morality	اخلاق	moralize	moral	morally
pride	غرور	-----	proud	proudly
reference	رجوع	refer	referential	-----
reflection	انعكاس	reflect	reflective	reflectively
satisfaction	رضایت	satisfy	satisfied	satisfyingly
shock	شوڪ	shock	shocking	shockingly
skill	مهارت	-----	skillful	skillfully
sociability	معاشرت	socialize	sociable	sociably
surprise	تعجب	surprise	surprised	surprisingly
totality	كليت	totalize	total	totally
tradition	سنت	-----	traditional	traditionally
truth	صداقت	-----	truthful	truthfully
vastness	وسعت	-----	vast	vastly

Part of Speech (Lesson 1 - Vision 3)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
<i>accident</i>	تصادف	-----	accidental	accidentally
<i>agreement</i>	توافق	agree	agreeable	-----
<i>appreciation</i>	قدردانی	appreciate	-----	-----
<i>babysitter</i>	پرستار بچه	babysit	-----	-----
<i>combination</i>	ترکیب	combine	combinable	-----
<i>confirmation</i>	تأیید	confirm	confirmed	-----
<i>dedication</i>	اهدا	dedicate	dedicated	-----
<i>description</i>	توصیف	describe	describable	-----
<i>discovery</i>	کشف	discover	discoverable	-----
<i>doer</i>	انجام دهنده	do	doable	-----
<i>elicitation</i>	استنباط	elicit	-----	-----
<i>failure</i>	شکست	fail	-----	-----
<i>inspiration</i>	الهام	inspire	inspired	-----
<i>kindness</i>	مهربانی	-----	kind	kindly
<i>low</i>	پائین	lower	low	low
<i>medicine</i>	دارو	medicalize	medical	medically
<i>pain</i>	درد	pain	painful	painfully
<i>repetition</i>	تکرار	repeat	repeated	repeatedly
<i>responsibility</i>	مسئولیت	-----	responsible	responsibly
<i>robber</i>	دزد	rob	-----	-----
<i>selection</i>	انتخاب	select	selective	selectively
<i>solution</i>	راه حل	solve	solvable	-----
<i>strength</i>	قدرت	strengthen	strong	strongly

Part of Speech (Lesson 2 - Vision 3)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
<i>abbreviation</i>	اختصار	abbreviate	abbreviated	-----
<i>arrangement</i>	ترتیب	arrange	arranged	arrangeable
<i>browser</i>	جستجوگر	browse	-----	-----
<i>container</i>	ظرف	contain	containable	-----
<i>definition</i>	تعریف	define	definable	definably
<i>direction</i>	جهت	direct	direct	directly
<i>expansion</i>	انبساط	expand	expanded	-----
<i>infection</i>	عفونت	infect	infectious	infectiously
<i>neatness</i>	تمیزی	neaten	neat	neatly
<i>order</i>	نظم	order	ordered	orderly
<i>organization</i>	سازمان	organize	organized	-----
<i>origin</i>	سرچشمه	originate	original	originally
<i>pollution</i>	آلودگی	pollute	polluted	-----
<i>primary</i>	ابتدایی	-----	primary	primarily
<i>publisher</i>	ناشر	publish	publishable	-----
<i>support</i>	حمایت	support	supportable	sportingly
<i>symbol</i>	نماد	symbolize	symbolic	symbolically
<i>technique</i>	فن	-----	technical	technically
<i>system</i>	سیستم	systematize	systematic	systematically
<i>user</i>	کاربر	use	useable	uselessly
<i>vibration</i>	لرزش	vibrate	vibrational	-----
<i>wisdom</i>	خرد، عقل	wise	wise	wisely

Part of Speech (Lesson 3 - Vision 3)

اسم	معنی	فعل	صفت	قید
<i>basis</i>	اساس	base	baseless	basely
<i>benefit</i>	منفعت	benefit	beneficial	beneficially
<i>chemistry</i>	شیمی	-----	chemical	chemically
<i>Christ</i>	مسیحی	-----	Christian	-----
<i>collector</i>	گردآورنده	collect	collective	collectively
<i>conclusion</i>	نتیجہ	conclude	conclusive	-----
<i>constancy</i>	پایداری	-----	constant	constantly
<i>consumer</i>	مصرف کننده	consume	consumed	-----
<i>cooking</i>	آشپزی	cook	cooked	-----
<i>cooperation</i>	همکاری	cooperate	cooperative	cooperatively
<i>cost</i>	هزینه	cost	costly	-----
<i>delivery</i>	تحویل	deliver	delivered	-----
<i>description</i>	توصیف	describe	descriptive	descriptively
<i>digestion</i>	هضم	digest	digestive	digestively
<i>distance</i>	فاصلہ	distance	distant	distantly
<i>electricity</i>	برق	-----	electrical	electrically
<i>generation</i>	نسل	generate	generative	generatively
<i>leader</i>	رہبر	lead	leading	-----
<i>mechanic</i>	مکانیک	mechanize	mechanical	mechanically
<i>radiation</i>	تابش	radiate	radiative	-----
<i>replacement</i>	تعویض	replace	replaceable	-----
<i>shiner</i>	واکسی	shine	shiny	-----
<i>visibility</i>	رؤیت	visit	visible	visibly

Synonyms کلمات مترادف سال دوازدهم:

یادآوری: کلمات مترادف کلماتی هستند که از نظر معنی با همدیگر برابر هستند و میتوانند در جمله به جای هم قرار بگیرند و جمله از نظر معنی تغییر نکند. کلمات مترادف میتوانند از نظر ظاهری کلماتی کاملاً متفاوت باشند.

معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف	کلمه
پیشرفت کردن	advance	progress	راه و روش	way	manner
عقیده - باور	though	opinion	اضافی - زائد	extra	additional
قوی - پر انرژی	powerful	energetic	شوخ - بذله گو	jolly	funny
سریع - تند	rapid	quick	قوی - پرانرژی	powerful	strong
دنبال چیزی گشتن	seek	look for	پیشرفت کردن	grow	develop
مشاهده کردن	observe	view	آسان	simple	easy
اختراع کردن	create	make new things	سخت	difficult	hard
پیشرفت کردن	advance	improve	فعال - پرانرژی	active	energetic
تلاش	attempt	effort	غیرفعال	passive	inactive
پخش کردن	print	publish	مشهور - معروف	well know	famous
دنبال چیزی بودن	to search for	to be after	سعی - تلاش	attempt	try
علم - دانش	science	knowledge	فکر - عقیده	idea	belief
شرکت کردن	take part	attend	متأسفانه	unfortunately	sadly
دارو	drug	medicine	خوشبختانه	luckily	fortunately
جمع کردن	gather	collect	سریع	fast	rapid
جمع کردن	take	pick up	رمان	a long story	novel
نوع	kind	type	زود - به زودی	early	soon
پخش کردن	spread	print	به خاطر آوردن	recall	remember
شرکت کردن	participate	take part	پیروزی	victory	success
درمان	cure	drug	شرمنده - متأسف	ashamed	sorry
نوع	sort	kind	رفتار کردن	act	behave
پر از سنگ	full of rocks	rocky	هدف	aim	end
حقیقت	truth	fact	هدف	goal	purpose
ورزش - تمرین	sport	exercise	غیرمنتظره	unexpectedly	suddenly
دور زدن	orbit	go around	بزرگ شدن	become older	grow up
هدیه	present	gift	جستجو کردن	search for	seek
قوی	strong	powerful	مشهور - معروف	celebrated	popular
دور زدن	circle	orbit	دیدن - مشاهده	see	observe
خطرناک	risky	dangerous	انجام دادن	perform	do
خطرناک	unsafe	risky	اختراع کردن	create	invent
پیشنهاد	offer	proposal	کوچک	little	tiny
روش	style	way	بزرگ	large	big
پیشنهاد	suggestion	offer	خوشمزه	tasty	delicious

کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
possibly	maybe	احتمالاً	shocked	amazed	متعجب
of course,	surely	حتماً	interview	cross-examine	مصاحبه کردن
protect	take care	محافظت کردن	well-known	famous	مشهور
modern	new	جدید	fun	hobby	سرگرمی
important	main	اصلی	national	domestic	ملی
chief	necessary	مهم	amusement	entertainment	سرگرمی
unimportant	unnecessary	بی اهمیت	domestic	local	محلی
defend	protect	دفاع کردن	skill	knowledge	مهارت
clear	clean	پاک-تمیز	celebration	ceremony	جشن
neat	tidy	مرتب	experience	knowledge	مهارت
support	protect	دفاع کردن	abroad	out of country	خارج از کشور
unclear	dirty	کثیف	suitable	fit	مناسب
useful	helpful	مفید	proper	appropriate	مناسب
healthy	well	سالم	unsuitable	inappropriate	نامناسب
ill	sick	مریض	hot	warm	گرم-داغ
be interested in	like	علاقمند بودن	respect	admire	احترام گذاشتن
dislike	hate	تنفر داشتن	ancient	old	سنتی - قدیمی
site	place	ناحیه - مکان	new	modern	جدید- مدرن
area	region	منطقه - ناحیه	old	traditional	قدیمی - سنتی
region	zone	منطقه	wide	broad	گسترده - نامحدود
vacation	holiday	تعطیلات	limited	restricted	محدود
destination	end	هدف - پایان	large	vast	گسترده
surf	search	جستجو کردن	attract	absorb	جذب کردن
aim	purpose	هدف	reject	avoid	اجتناب ورزیدن
pilgrim	traveler	مسافر	interest	absorb	جذب کردن
goal	purpose	هدف	bad taste	tasteless	بد مزه
travel	go on a trip	مسافرت کردن	main	important	مهم - اصلی
contrast	compare	مقایسه کردن	probably	likely	احتمالاً
travel	journey	مسافرت کردن	certainly	surely	حتماً
style	method	روش	perhaps	maybe	احتمالاً
hurt	damage	صدمه زدن	available	accessible	در دسترس
support	take care	حمایت	grass	lawn	چمن
injure	destroy	خراب کردن	continent	landmass	قاره
smart	brilliant	باهوش	office	workplace	محل کار
simple	easy	ساده	amount	quantity	مقدار
ability	skill	مهارت	agency	workplace	محل کار
understanding	perception	درک	vary	range	تغییر کردن

کلمه	مترادف	معنی	کلمه	مترادف	معنی
talent	skill	مهارت	column	pillar	ستون
language	tongue	زبان	besides	furthermore	همچنین
catch	get	گرفتن	to form	shape	شکل دادن
sportsman	athlete	ورزشکار	besides	also	همچنین
intent	purpose	هدف	explain	clarify	توضیح دادن
depressed	sad	غمگین	object	item	شی-مفعول
at least	minimum	حداقل	candy	sweet	شیرین
totally	completely	کاملاً	elucidate	clarify	توضیح دادن
attempt	try	تلاش کردن	region	area	منطقه
homeland	motherland	سرزمین مادری	zone	area	ناحیه
earn	gain	به دست آوردن	mental	cerebral	ذهنی
wellness	health	سلامتی	society	civilization	جامعه- تمدن
get	receive	دریافت کردن	psychological	cerebral	ذهنی
excellent	great	عالی	measure	gage	اندازه گیری کردن
mark	grade	نمره	development	growth	توسعه
feeling	sentiment	احساس	synonym	equivalent	مترادف
quite	totally	کاملاً	growth	increase	توسعه
truth	fact	حقیقت	dangerous	risky	خطرناک
really	totally	کاملاً	a lot of	a large number of	تعداد زیادی
percent	in a hundred	درصد	unsafe	risky	خطرناک
many	a lot of	تعداد زیادی	recently	newly	اخیراً
enough	sufficient	کافی	really	actually	حقیقتاً
insufficient	inadequate	ناکافی	lastly	lately	اخیراً
adequate	enough	کافی	surely	in fact	حقیقتاً
amusing	entertaining	جذاب	for example	for instance	مثلاً
boring	tiring	کسل کننده	in fact	honestly	حقیقتاً
attractive	amusing	جذاب	like	such as	مانند
last	previous	قبلی	human	a person	بشر
near	close	نزدیک	instead	in place of	به جای
pay attention	notice	توجه کردن	man	mankind	بشر
danger	risk	خطر	rather than	instead	به جای
make	build	درست کردن	amazing	wonderful	تعجب آور
unnatural	unreal	مصنوعی	forest	jungle	جنگل
natural	real	طبیعی	donate	grant	بخشیدن
artificial	unreal	مصنوعی	carry	transfer	انتقال دادن
be born	live	زندگی کردن	give	grant	بخشیدن
same	similar	مشابه	especially	particularly	مخصوصاً

کلمات متضاد سال دوازدهم: *Antonyms*

یادآوری: کلمات متضاد کلماتی هستند که از نظر معنی و مفهوم ضد و مخالف یکدیگر هستند و چنانچه در جمله ای به جای کلمه ای از متضاد آن استفاده کنیم معنی جمله بر عکس میشود.

گاهی دو لغت متضاد ممکن است دو شکل متفاوت داشته باشند مثلاً لغات beautiful و ugly. این دو لغت شکلشان کاملاً با یکدیگر متفاوت است. گاهی هم دو لغت متضاد با افزودن پیشوند prefix یا پسوند suffix به یک لغت ساخته می شوند. برای مثال دو لغت متضاد useful و useless که با اضافه کردن پسوندهای -ful و -less به کلمه ساخته شده اند.

معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد	کلمه
کم کردن # اضافه کردن	subtract	add	بیدار # خواب	awake	asleep
فرد # زوج	add	even	ثروتمند # فقیر	poor	rich
افسانه # حقیقت	fiction	face	از دست دادن # به دست	loss	gain
حدس زدن # یقین داشتن	guess	know	باختن # بردن	lose	win
ماندن # رفتن	stay	leave	باز کردن # بستن	untie	tie
راست # چپ	right	left	معمولی # منحصر به فرد	usual	unique
پایین # بالا	low	high	سخت # نرم	hard	soft
کمترین # بیشترین	least	most	بزرگ # کوچک	big	little
دور # نزدیک	far	near	گرفتن # پرتاب کردن	catch	throw
جنوب # شمال	south	north	دیر # زود	late	early
باریک # پهن	narrow	wide	موافق # مخالفت	agree	disagree
خاموش # روشن	off	on	کسل کننده # هیجان انگیز	boring	exciting
بسته # باز	close	open	لاغر # چاق	thin	fat
جدا کردن # متصل کردن	unzip	zip	ناراحت # شاد	sad	glad
عمومی # خصوصی	public	private	آخرین # اولین	last	first
پاسخ # پرسش	answer	question	دادن # گرفتن	give	get
پایین آوردن # بالا بردن	lower	raise	جدی # شوخ	serious	funny
غلط # درست	wrong	right	جلو # عقب	front	back
افقی # عمودی	horizontal	vertical	باهم # تنها	together	alone
اشتباه # صحیح	false	true	هرگز # همیشه	never	always
ایستادن # نشستن	stand	sit	پایین # بالا	below	above
اینجا # آنجا	here	there	گرم # سرد	warm	cool
ضعیف # قوی	weak	strong	کشیدن # هل دادن	pull	push
درون # بیرون	inside	outside	روشن # تاریک	light	dark
سخت # آسان	hard	simple	هیچکدام # همه	none	all
غیرفعال # فعال	inactive	active	مرطوب # خشک	wet	dry
خوشبختانه # متاسفانه	fortunately	unfortunately	غرب # شرق	west	east
آهسته # سریع	slow	quick	پر # خالی	full	empty
دیر # زود	late	soon	پایین # بالا	down	up
یکسان # مختلف	same	different	بی احترامی کردن # احترام گذاشتن	disrespect	respect

کلمه	متضاد	معنی	کلمه	متضاد	معنی
over	under	زیر # بالا	loud	quiet	آرام # بلند
part	whole	تمام # بخش	delicious	bad taste	بدمزه # خوشمزه
well know	unknown	ناشناخته # معروف	check in	check out	تحویل دادن # تحویل گرفتن
success	failure	شکست # پیروزی	probably	certainly	یقیناً # احتمالاً
best	worst	بدترین # بهترین	take care	injure	محافظت کردن # صدمه زدن
young	old	پیر # جوان	extra	excessive	اضافی # زائد
strong	weak	ضعیف # قوی	obligatory	voluntary	داوطلبانه # اجباری
unsafe	safe	خطرناک # امن	dead	alive	زنده # مرده
with	without	بدون # با	decrease	increase	افزایش # کاهش
tasty	tasteless	بی مزه # خوشمزه	domestic	wild	وحشی # اهلی
new	old	قدیمی # نو	a lot of	a few	تعداد کمی # تعداد زیادی
important	unimportant	مهم # بی اهمیت	lose	find	پیدا کردن # گم کردن
defend	attack	حمله کردن # دفاع کردن	sufficient	insufficient	نا کافی # کافی
brave	timid	ترسو # شجاع	last	next	بعدی # قبلی
necessary	unnecessary	ضروری # غیر ضروری	near	far	دور # نزدیک
clear	unclear	کثیف # تمیز	notice	ignore	نادیده گرفته # توجه کردن
useful	useless	بی فایده # مفید	put out	fire	آتش زدن # خاموش کردن
clean	dirty	کثیف # تمیز	danger	safety	امنیت # خطر
healthy	sick	بیمار # سالم	build	destroy	خراب کردن # درست کردن
liquid	solid	جامد # مایع	unnatural	natural	طبیعی # مصنوعی
like	dislike	تنفر داشتن # علاقمند بودن	be born	die out	نابود شدن # به دنیا آمدن
same	different	متفاوت # یکسان	remember	forget	فراموش کردن # به خاطر آوردن
abroad	domestic	داخل کشور # خارج کشور	ancient	modern	مدرن # قدیمی
suitable	unsuitable	نامناسب # مناسب	wide	limited	محدود # نامحدود
hot	cold	سرد # گرم	attract	reject	اجتناب کردن # جذب کردن
appropriate	inappropriate	نامناسب # مناسب	free	busy	مشغول # بیکار

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

۲۵۰۰ لغت تکمیلی کنکور

(خارج از کتابهای درسی)

ویژه:

- داوطلبان کنکور منحصراً زبان
- داوطلبانی که به دنبال در صد بالای ۸۰ میباشند

"در صورت امکان سعی کنید کلمات خارج از کتاب درسی را هم یاد بگیرید."

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه اول

لغت: ۱ تا ۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
abandon	ترک کردن، رها کردن، معوق کردن	acute	تند، شدید - حاد، بحرانی
abbey	صومعه، دیر، عبادتگاه مسیحیان	adapt	وفق دادن، سازگار کردن، اقتباس
abbreviate	به اختصار نوشتن	adaptable	وفق پذیر، قابل وفق - سزاوار
abdomen	شکم، بطن	addicted	معتاد
abnormal	غیرعادی، غیر طبیعی	addictive	اعتیاد آور
abolish	پایان دادن به، لغو کردن	address	مخاطب قرار دادن - آدرس، نشانی
abrupt	ناگهانی، غیر منتظره	adequate	کافی، رضایت بخش
abuse	سوء استفاده، بد رفتاری - فحش	adjust	تطبیق دادن، تنظیم کردن
abusive	توهین آمیز	administration	اداره (امور)، سرپرستی، مدیریت
academic	تحصیلی، آموزشی، آکادمیک	admiral	دریاسالار
accent	لهجه	admission	اجازه ورود، ورودیه - پذیرش
acceptable	قابل قبول	admit	پذیرفتن، اعتراف کردن - اجازه ورود
acceptance	پذیرش، قبول	adolescence	دوره جوانی، بلوغ
accommodation	جا، منزل، خانه، محل سکونت	adolescent	بالغ، نوجوان، جوان
accompany	همراهی کردن، همساز بودن	adopt	به فرزندی پذیرفتن، اقتباس کردن
accomplish	انجام دادن، به پایان رساندن	adore	پرستیدن، عشق ورزیدن
accountant	حسابدار	adult	شخص بالغ، بزرگسال
accuracy	درستی، دقت	advance	پیشرفت، ترقی، پیشرفت کردن
accurate	دقیق، درست	advanced	پیشرفته، مترقی
accuse	تهمت زدن به، متهم کردن	advantage	مزیت، سود، منفعت، امتیاز
accustomed	مأنوس، عادی	adventure	ماجرا، ماجراجویی - سرگذشت
achieve	به دست آوردن، به موفقیت رسیدن	adventurous	ماجراجو، بی باک
achievement	دستاورد، موفقیت	advertise	اگهی دادن، تبلیغ کردن
acid rain	باران اسیدی	advertisement	اگهی، تبلیغ
acknowledge	اذعان کردن، قبول کردن	advertising	تبلیغ، تبلیغات
acknowledgment	سپاسگزاری، تشکر، اقرار	aerial	آنتن (تلویزیون و...)
acquire	کسب کردن، به دست آوردن	aero plane	هواپیما
acrobat	بند باز، آکروبات کار	advisability	صلاح، مصلحت، معقول بودن
actress	هنرپیشه ی خانم، بازیگر زن	adviser	مشاور
acting	بازیگری	affair	اتفاق، کار، مسأله، امر

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه دوم: لغت ۶۱ تا ۱۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
affection	محبت، مهر، عاطفه	ambulance	آمبولانس
affectionate	مهربان، با محبت	amazement	بهت، حیرت
affect	اثر گذاشتن بر، تحت تأثیر قرار دادن	ambassador	سفیر
afford	توانایی... را داشتن، از عهده ... برآمدن	ambition	بلند پروازی، آرزو - همت بلند
afraid	ترسیدن، نگران بودن، ترسیده	ambitious	جاه طلب، بلند پرواز
aftershave	لوسیون بعد از اصلاح صورت	amplifier	دستگاه تقویت کننده
afterwards	سپس، بعداً، بعد از آن	amusement park	شهر بازی
aggressive	مهاجم، پرخاشگر	analyze	تحلیل کردن، بررسی کردن
agony	عذاب، رنج	and so forth	و به همین ترتیب، و غیره
agriculture	کشاورزی، زراعت	angel	فرشته
ahead	جلو، پیش، پیش رو، در آینده	angle	زاویه، گوشه
aim	هدف، مقصود، نشانه، هدف گیری	announce	اعلام کردن، آگاه کردن
aircraft	هواپیما	announcement	آگهی، خبر
air force	نیروی هوایی	announcer	مجری، گوینده خبر
airline	خط هوایی؛ (شرکت) هواپیمایی	annoy	اذیت کردن، آزار دادن، ناراحت کردن
aisle	راهرو	annual	سالانه، سالانه
alarm	اخطار، هشدار، بیم، وحشت	anonymous	ناشناس، ناشناخته
alarm clock	ساعت زنگ دار	antenna	آنتن (تلویزیون) - شاخک (حشرات)
alert	هوشیار، باهوش	anticipate	انتظار داشتن، پیش بینی کردن
algebra	جبر (در ریاضیات)	anticipation	پیش بینی، انتظار
alight	شعله ور، مشتعل	anticlockwise	بر خلاف عقربه های ساعت
alligator	تمساح	antique	کهنه، باستانی، قدیمی، عتیقه
allowance	پول تو جیبی	anxiety	اضطراب، دلواپسی، اشتیاق، تشویش
almond	بادام	anxious	نگران، دلواپس، مشتاق، آرزومند
alongside	پهلوی، کنار، جنب	apart	دور از هم، جدا، مجزا
alter	تغییر دادن، تبدیل کردن	apologize	معذرت خواهی کردن
alteration	تغییر، اصلاح	apology	پوزش، عذر خواهی
alternative	جایگزین - انتخاب	apparent	آشکار، معلوم، واضح، نمایان
amateur	آماتور، غیر حرفه ای	appeal	درخواست، تقاضا - جذابیت داشتن
ambition	جاه طلبی، بلند پروازی	appetizer	پیش غذا

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سوم: لغت ۱۲۱ تا ۱۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
appliance	لوازم خانگی	aspect	جنبه، وجه؛ (در جمع) ابعاد - لحاظ
appoint	منصوب کردن، تعیین کردن	assassinate	ترور کردن، سوء قصد کردن
apprentice	شاگرد، کارآموز	assemble	مونتاز کردن، جمع شدن
approach	نزدیک شدن به، شیوه، روش	assembly	همایش، گردهمایی
approve	موافق...بودن، با... موافقت کردن	assess	ارزیابی کردن، تعیین کردن
approval	تأیید، رضایت، موافقت	assignment	تکلیف، وظیفه
approximately	تقریباً، حدوداً	assist	کمک کردن(به)، یاری رساندن(به)
archaeologist	باستان شناس	assistance	مساعدت، همکاری
archaeology	باستان شناسی	assistant	معاون، دستیار
architect	معمار	associate	(باهم) پیوند دادن، (به هم) ربط دادن
architecture	معماری	association	پیوند، رابطه
arena	میدان، ورزشگاه، تالار، سالن	assume	فرض کردن، تلقی کردن، خیال کردن
argue	جروبحث کردن، استدلال کردن	assure	اطمینان دادن، خاطر جمع کردن
argument	جر و بحث، بگو مگو	astonish	متحیر کردن، شگفت زده کردن
arise	بلند شدن، برخاستن، ناشی شدن از	astonished	متحیر، شگفت زده
arithmetic	(علم) حساب	astonishing	حیرت بر انگیز
armchair	صندلی دسته دار	astonishment	حیرت، شگفتی
armed	مسلح	astronomer	منجم، ستاره شناس
armpit	زیر بغل	athlete	ورزشکار، قهرمان
army	ارتش، سپاه، نیروی زمینی	athletic	ورزشی، قهرمانی
arrangement	طرح ریزی، ترتیب	attach	ضمیمه کردن، پیوست، چسپاندن
arrest	دستگیر کردن، بازداشت، جلب، توقیف	attached	شیفته، علاقمند - ضمیمه شده
arrival	وارد شدن، رسیدن، آمدن	attachment	وابستگی، تعلق - پیوست، ضمیمه
arrogant	خود پسند، مغرور	attendant	خدمتکار، مستخدم
arrow	تیر، کمان، فلش	attorney	وکیل (دعاوی)
article	مقاله، کالا؛ شیء - حرف تعریف	attribute	نسبت دادن به
artificial	مصنوعی، ساختگی، تصنعی	audible	(صدا) رسا، قابل شنیدن
ash	خاکستر	audio- visual	صوتی و تصویری
ashore	به ساحل، در ساحل	audience	حاضر؛ بینندگان، شنوندگان
ashtray	زیر سیگاری	authentic	معتبر، واقعی، اصل

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهارم: لغت ۱۸۱ تا ۲۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
authority	قدرت نفوذ، توانایی	bath	استحمام، حمام، حمام کردن
automatic	خودکار، اتوماتیک	bathrobe	حوله حمام
awaken	بیدار کردن، بیدار شدن از خواب	bathtub	وان حمام
award	جایزه، پاداش، جایزه دادن، اعطا کردن	battle	نبرد، رزم، مبارزه - مبارزه کردن
aware	آگاه، باخبر، مطلع	bay	خلیج
awesome	عالی، خیلی خوب، شگفت آور	beach	ساحل، کنار دریا
awful	وحشتناک، خیلی بد، نفرت انگیز	beard	ریش
awkward	دشوار - ناراحت - بهانه گیر - ناتوان	beat	ضربه زدن به، شکست دادن، تپیدن
axe	تبر	bedspread	رو تختی
axis	محور، (در ریاضی) تقارن	beehive	کندو زنبور عسل
baby carriage	کالسکه بچه	beetle	سوسک
bachelor	مرد مجرد - لیسانس، لیسانسه	beforehand	از پیش، از قبل، قبلاً
backbone	ستون فقرات	beg	گدایی کردن، التماس کردن
backpack	کوله پشتی	beggar	گدا
back up	حمایت کردن از، پشتیبانی کردن از	behalf	از طرف
backward	عقبی - عقب افتاده، عقب مانده	believable	باور کردنی، قابل قبول
backyard	حیاط خلوت، حیات پشتی	belongings	دارایی، مایملک
bad-tempered	بداخلاق، بد خلق، تند خو	bench	نیمکت، میز کار
baggy	گشاد، شل و ول	bend	خم کردن، خم شدن، دولا شدن
bait	طعمه	beneath	زیر، پایین، در زیر، پایین
baked beans	کنسرو لوبیا	betray	خیانت کردن به، بی وفایی کردن به
bald	کچل، تاس، بی مو	beware	مواظب بودن، مراقب بودن
bandage	باند پیچی، باند پیچی کردن	beyond	آن سوی، فراسوی، تا آن سوی، دورتر
bandit	راهن، دزد، غارتگر	biological	زیست شناختی، زیستی
bankrupt	ورشکسته	bite	گاز گرفتن، نیش زدن - لقمه
banner	پلاکارده	bitter	تلخ، شوم - غم انگیز، غمگین
barber	آرایشگر مرد	bizarre	غریب، نا آشنا
bargain	چانه زدن، داد و ستد کردن، معامله	blackmail	حق السکوت، باج، اخاذی
barrier	مانع، سد، حایل - ایستگاه بازرسی	blacksmith	اهنگر
basement	زیر زمین	blame	سرزنش کردن، ملامت کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه پنجم: لغت ۲۴۱ تا ۳۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
blind	کور، نابینا	bucket	سطل
blindfold	چشم بند	budget	بودجه
blink	پلک زدن	bullet	گلوله (تفنگ)
blizzard	کولاک، طوفان برف	burglar	سارق، دزد
block	بستن، (حساب و غیره) مسدود کردن	bury	دفن کردن
bloom	شکوفه دادن، شکفتن، گل دادن	butterfly	پروانه
blossom	شکوفه	button	دکمه
bodyguard	محافظ، بادیگارد	cabbage	کلم
bone	استخوان	cable	سیم، کابل، طناب سیمی
border	مرز، لبه، کناره	cactus	کاکتوس
bother	ناراحت کردن، اذیت کردن، در دسر	cabinet	قفسه، کابینت
bottom	ته، کف - نشیمن گاه	calculate	حساب کردن، محاسبه کردن
bound	مجبور، ملزم، مسلم، محدود کردن	calculation	محاسبه، برآورد
box office	باجه فروش بلیط	calculator	ماشین حساب
bracelet	النگو، دستبند	calf	گوساله - عضله پشت ران پا
brackets	پرانتز ()	call box	باجه تلفن
brainy	با هوش، عاقل، تیز هوش	call out	دادزدن، صدا کردن، آوردن
brass	(فلز) برنج	camp	کمپ، اردو، چادر زدن - اردوگاه
break away	جدا کردن، از هم گسیختن	campaign	برنامه، طرح، کمپین - مبارزه کردن
break down	خرابی، نقص (فنی)	campus	محوطه دانشگاه، زمین دانشکده
breathless	از نفس افتاده، بی نفس، بی رمق	cancellation	لغو، کنسل
breeze	نسیم، باد ملایم	candidate	کاندیدا، داوطلب، نامزد
bribe	رشوه	candlestick	شمعدان
bride	عروس	canned	کنسرو شده
brief	کوتاه، خلاصه، مختصر	cannibal	آدمخوار
briefcase	کیف دستی، چمدان	capable (of)	توانمند، قابل، مستعد
broad	پهن، عریض، گسترده	capacity	گنجایش، ظرفیت، توانایی، قابلیت
brotherhood	برادری، اخوت	captain	فرمانده؛ ناخدا؛ خلبان؛ کاپیتان
brush	مسواک زدن، برس زدن، برس	captive	اسیر، زندانی، محبوس، در بند
bubble	حباب، حباب دادن - خروشیدن	capture	اسیر کردن، دستگیر کردن، تصرف کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه ششم: لغت ۳۰۱ تا ۳۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
cardboard	مقوا	challenge	مبارزه طلبی، به مبارزه طلبیدن، چالش
career	کار، شغل، حرفه	chamber	اتاق، دفتر کار، خوابگاه، تالار، حجره
caretaker	سرایدار (مدرسه، ساختمان و...)	championship	قهرمانی، مبارزه، پهلوانی
carpenter	نجار	chance	فرصت، مجال، اتفاق، پیشامد
carriage	واگن، درشکه، کالسکه	chapter	(کتاب) فصل، دوره، عصر
carrier bag	کیسه پلاستیکی، پاکت بزرگ	characteristic	ویژگی، خصوصیت، ویژه، خاص
carry out	اجرا کردن، انجام دادن	charming	جذاب، دوست داشتنی
cash	پول نقد	charge	اتهام، هزینه، خرج، متهم کردن
cast	پرتاب کردن، (فیلم) دسته بازیگران	chase	تعقیب کردن، دنبال کردن، تعقیب
castle	قلعه، دژ	chatter	وراجی کردن، بیهوده گویی کردن
casual	غیر رسمی، اسپرت، خودمانی	cheat	تقلب کردن، تقلب، کلاه برداری کردن
casualty	مجروح، مصدوم - مقتول	chef	سر آشپز رستوران
catalog	کاتالوگ، فهرست، بروشور	cheque book	دسته چک
catch up	(شخص) رسیدن به، گرفتن	cherry	گیلاس
category	دسته، طبقه، گروه	chew	جویدن
caterpillar	هزار پا، کرم پروانه	chewing gum	آدامس
cautious	محتاط، متوجه، هوشیار	chief	اصلی، عمده - رئیس، فرمانده
cave	غار	childhood	طفولیت، دوران بچگی
cease	متوقف کردن، متوقف شدن	chubby	چاق، تپل
ceiling	سقف	cigarette	سیگار
celery	کرفس	circular	گرد، دایره ای
cellar	زیر زمین	circulate	چرخیدن، دور زدن، جریان یافتن
cemetery	قبرستان	circulation	جریان خون
centigrade	سانتیگراد	circumstance	(معمولا در جمع) موقعیت، شرایط
central	مرکزی، میانی	circus	سیرک
central heating	سیستم گرمایش مرکزی	citizen	شهروند، تبعه
certainty	یقین، اطمینان	civil	اجتماعی، مدنی، داخلی، درون مرزی
certificate	گواهی، گواهی نامه، جواز، پروانه کسب	civilian	غیر نظامی
chain	زنجیر، زنجیر کردن، با زنجیر بستن	civilization	تمدن
chairperson	رئیس جلسه	civilized	متمدن، پیشرفته، با فرهنگ

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هفتم: لغت ۳۶۱ تا ۴۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
civil right	حقوق مدنی	come across	برخورد کردن به، روبه رو شدن با
civil war	جنگ داخلی	comfort	راحتی، آسایش
classical	(موسیقی و غیره) کلاسیک، سنتی	command	فرمان دادن به/که، فرمان، دستور
classification	طبقه بندی، دسته بندی	comment	نظر، اظهار نظر، نظر دادن
claw	پنجه، چنگال	commentary	تفسیر، گزارش
cleanliness	پاکیزگی، تمیزی، نظافت	commentator	مفسر
clerk	منشی، دفتر دار، کارمند	commercial	تجاری، بازرگانی - پیام بازرگانی
client	موکل	commission	کمیته، مأموریت، نمایندگی
cliff	صخره، پرتگاه	commit	مرتکب ... شدن، به عهده گرفتن
climate	اقلیم، شرایط آب و هوایی	commitment	تعهد
climax	نقطه اوج	committed	متعهد
climber	کوهنورد	committee	کمیته، کمیسیون
clinic	درمانگاه، کلینیک	compact	فشرده، متراکم، جمع و جور
cloakroom	رختکن، توالت عمومی	comparable	قابل مقایسه
closet	کمد	compass	قطب نما، جهت نما
clown	دلقک	compete	(مسابقه و غیره) رقابت کردن
club	باشگاه، کلوب	competition	رقابت، مسابقه
clumsy	بی عرضه، دست و پا چلفتی	competitive	مسابقه ای، مبارزه طلب
coach	مربی - کالسکه، ارابه، درشکه	competitor	رقیب، مسابقه دهنده
coast	(دریا و غیره) ساحل، لب دریا	complaint	شکایت، گلایه، اعتراض
coat hanger	چوب لباسی	complex	پیچیده، سخت - مجتمع، مجموعه
coeducational	(مدرسه و آموزش) مختلط	complication	گرفتاری، دشواری
clinic	درمانگاه، کلینیک	compose	تصنیف کردن، سرودن، ساختن
coincidence	اتفاق، تصادف، (رویداد ها) هم زمانی	composer	آهنگساز
coincidental	تصادفی، اتفاقی	composition	انشاء - قطعه موسیقی
collapse	فرو ریختن، ویران شدن، خرابی، فروپاشی	comprehend	درک کردن، فهمیدن
collar	یقه - قلاده	comprehensive	جامع، مفصل، کامل
colleague	همکار	comprise	در بر داشتن، شامل بودن
collage	دانشکده، کالج	compute	حساب کردن، محاسبه کردن
collision	تصادف	conceal	مخفی کردن، پنهان کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هشتم: لغت ۴۲۱ تا ۴۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
concentrate	تمرکز کردن، متمرکز کردن	conscious	هشیار، آگاه، بیدار، (اعمال و غیره) آگاهانه
concentration	تمرکز، دقت	consent	رضایت، موافقت، رضایت دادن
concept	تصور، مفهوم	consequence	نتیجه، اثر، پیامد
concern	نگرانی، دلواپسی، نگران کردن، مربوط بودن	considerably	بسیار، خیلی
concerned	نگران، دلواپس، مربوط	consideration	فکر، تأمل، ملاحظه، رعایت
conclusion	خاتمه، نتیجه	consistent	با ثبات، منجسم، یکپارچه
conduct	اجرا کردن، راهنمایی کردن	constitute	تاسیس کردن، پایه گذاری، تشکیل دادن
confess	اعتراف کردن، اقرار کردن	construct	(ساختمان و غیره) ساختن، بنا کردن
confession	اعتراف، اقرار	consult	مشورت کردن، نظر... را خواستن
confine	محدود کردن، منحصر کردن	contemporary	همزمان - معاصر، امروزی
conflict	دعوا، نزاع، تضاد، مغایرت داشتن	content	(کتاب) فهرست مطالب، محتوا، محتویات
conform	وفق دادن، سازگار کردن، سازگار	contest	مبارزه، نزاع، رقابت، جنگیدن برای
confront	مواجه شدن با، روبه رو شدن با	continuous	ادامه دار، ممتد، پیوسته
congratulate	تبریک گفتن به	contract	قرارداد، پیمان، قرارداد بستن
congratulation	تبریک، شاد باش، مبارک باد	contrary	بر عکس، معکوس، بر خلاف چیزی
conquer	شکست دادن، پیروز شدن، تصرف کردن	contribute	بخشیدن، اهدا کردن
conscience	وجدان	contribution	همکاری، کمک، شرکت، سهم
conscious	هشیار، آگاه، بیدار، آگاهانه	convenient	راحت، بی دردسر، مناسب
consciousness	هشیاری، آگاهی	conventional	(شیوه و غیره) سنتی، قدیمی
consent	رضایت، موافقت، رضایت دادن، اجازه دادن	convey	انتقال دادن، رساندن - فهماندن
consequence	نتیجه، اثر، پیامد	conviction	محکومیت، یقین، باور
consequently	در نتیجه	convince	متقاعد کردن، مجاب کردن
considerably	به طور قابل ملاحظه ای، بسیار، خیلی	cope (with)	از عهده ی...برآمدن، از پس...برآمدن
considerate	با ملاحظه، مراعات کننده	correspond	مطابقت داشتن، مساوی بودن، برابر
consideration	فکر، تأمل، ملاحظه، رعایت	corpse	جسد، لاشه، جنازه
consistent	با ثبات، منجسم، یکپارچه	correspond	یکسان بودن، همسان بودن
constitute	تاسیس کردن، پایه گذاری، تشکیل دادن	corridor	راهرو
conform	وفق دادن، سازگار کردن، سازگار	costume	لباس محلی، لباس مخصوص
confront	مواجه شدن با، روبه رو شدن با	cottage	کلبه، خانه (روستایی)، خانه کوچک
conquer	شکست دادن، پیروز شدن بر، تصرف کردن	cotton	نخ، (صفت گونه) نخی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه نهم: لغت ۴۸۱ تا ۵۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
cotton wool	پنبه بهداشتی	crucial	سرنوشت ساز، حیاتی
council	شورا، انجمن، هیئت	cucumber	خیار
countable	قابل شمارش	cupboard	کمد، قفسه
countless	بی شمار، بی اندازه، خیلی زیاد، بارها	curious	کنجکاو، مشتاق
countryside	نواحی روستایی، بیرون شهر، طبیعت	curt	کوتاه، مختصر، اجمالی
country	کشور، دیار، دهات، بیرون شهر (با the)	currency	پول، پول رایج
couple	جفت، زوج، زن و شوهر	curriculum	دوره تحصیلات
courage	شجاعت، شهامت	curve	پیچ جاده، انحناء، خمیدگی
coursebook	کتاب درسی	customer	مشتری، خریدار
court	دادگاه، (تنیس و غیره) زمین بازی	cute	جذاب، تو دل برو، قشنگ
coward	ترسو، بزدل	dam	سد، آب بند
cowboy	گاوچران، کابوی	damage	خسارت، آسیب، خسارت رساندن
crack	ترک، شکاف، ترک خوردن، شکست	damn	لعنتی، لعنت به این شانس
crafty	حیله گر، فریبکار	dance	رقص، رقصیدن
crash helmet	کلاه ایمنی	dandruff	شوره سر
crazy	دیوانه، احمق، احمقانه	dare	جرات کردن، جسارت ورزیدن
creamy	خامه دار، کرم‌دار - رنگ کرمی	darkness	تاریکی
creature	موجود، جانور، حیوان	darling	عزیز، محبوب
credit	اعتبار، شهرت - غیر نقدی، نسبی	database	(در کامپیوتر) پایگاه داده، بانک داده ها
credit card	کارت اعتباری	dead	مرده
crescent	هلال (ماه)، ماه نو	deadline	مهلت، ضرب العجل
crew	(کشتی و غیره) خدمه، کارکنان	dealer	دلال، فروشنده
crime	جرم و جنایت	debate	بحث و مذاکره
criminal	جنایتکارانه، تبهکارانه، جنایتکار، تبهکار	debt	بدهی، قرض
crisis	بحران، مرحله ی بحرانی، نقطه ی عطف	decade	دهه، ده سال
criteria	معیار، ملاک، ضابطه	deceive	فریب دادن، گول زدن، گمراه کردن
critical	انتقادی - بحرانی، حساس، وخیم، شدید	decent	محترم؛ (لباس) مناسب، نجیب
criticize	نقد کردن، انتقاد کردن از	decimal	عدد اعشار
crossroads	تقاطع، چهارراه	decision	تصمیم
crosswalk	محل عابر پیاده	deckchair	صندلی تاشو

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه دهم: لغت ۵۴۱ تا ۶۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
declare	اعلام کردن، اعلان کردن	descendant	نسل، نواده
decline	کاهش، افت، کاهش یافتن، قبول نکردن	desire	میل، آرزو، اشتیاق، گرایش
decoration	دکوراسیون، تزیین	desperate	نامید، درمانده، بی طاقت
defeat	شکست دادن، غلبه کردن، شکست، باخت	dessert	دسر
defense	دفاع	dessertspoon	قاشق دسر خوری
definitely	به طور قطعی	destructive	مخرب، ویران گر، نابود کننده
definite	قطعی، مسلم، واضح	detach	جدا کردن
definitely	به طور قطع، آشکارا، به روشنی	detached	جدا شده، مجزا
degree	(تحصیلی) درجه، مقدار، میزان، مدرک	detailed	مفصل
delay	تأخیر، تعویق، به تأخیر انداختن	detect	کشف کردن، پیدا کردن، شناسایی
deliberate	عمدی، حساب شده، برنامه ریزی شده	detective	کارآگاه، پلیس جنایی
deliberately	عمدا، به قصد	detention	بازداشت، نگه داری
delicate	ظریف، حساس، خوشمزه، نازک بین	detergent	مایع ظرف شویی، پودر رختشویی
delight	شادی، شادی بخشیدن به، خوشحال کردن	determination	تصمیم، عزم، اراده
deliver	رساندن، تحویل دادن	determine	تعیین کردن، مشخص کردن
demand	درخواست، تقاضا - درخواست کردن	determined	مصمم - معین
democracy	دموکراسی	detest	متنفر بودن از، بیزار بودن از
democratic	دموکراتیک، مردم سالارانه	development	توسعه، تکامل
demolish	تخریب کردن، خراب کردن	devil	دیو، شیطان
demonstrate	نشان دادن، ثابت کردن، اثبات کردن	devote	وقف... کردن به... اختصاص دادن
dense	غلظت، متراکم، فشرده، انبوه	devoted	فداکار، پایبند، عاشق
density	تراکم، غلظت، چگالی	diagram	نمودار، شکل
deny	انکار کردن، نپذیرفتن، تکذیب کردن	dialect	لهجه، گویش
depart	(شخص) رفتن، (قطار و ...) حرکت کردن	diamond	الماس
departure	عزیمت، رفتن؛ (قطار و غیره) حرکت	diaper	پوشاک بچه
dependent	وابسته، متکی	dilemma	وضعیت دشوار، تنگنا، بلا تکلیفی
depression	افسردگی، تأثر	dimension	بعد
deprive	محروم کردن، بی نصیب کردن	director	مدیر، سرپرست - کارگردان (فیلم)
depth	عمق، ژرفا	directory	دفتر تلفن، دفتر راهنما
derive	استخراج کردن، منشأ گرفتن	dirt	کثافت، چرک - خاک، گرد و خاک

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه یازدهم: لغت ۶۰۱ تا ۶۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
disability	از کار افتادگی، ناتوانی	disturb	مزاحم شدن، حواس کسی را پرت کردن
disabled	معلول، ناقص	disturbance	بی نظمی، آشفتگی، آشوب
disadvantage	ضرر - نقص، عیب	division	تقسیم
disappointed	مایوس، ناامید	divorce	طلاق، طلاق دادن، طلاق گرفتن از
disappointing	مایوس کننده، ناامید کننده	documentary	فیلم مستند
disappointment	یأس، ناامیدی، دلسردی	dominant	مسلط، غالب
disapproval	مخالفت، نارضایتی	dominate	مسلط بودن بر، حاکم بودن بر
disaster	فاجعه، مصیبت، بلا، رویداد بد	doorbell	زنگ در
disastrous	فاجعه آمیز	doorknob	دستگیره در
discipline	نظم، انضباط، تربیت کردن، تنبیه	doormat	پا دری، کفش پاک کن
disclose	فاش کردن، برملا کردن	dormitory	خوابگاه
discourage	دلسرد کردن، منصرف شدن	doubt	شک، تردید - تردید داشتن، شک کردن
discovery	کشف، اکتشاف	doubtful	مشکوک
disgrace	رسوایی، بی آبرویی	doubtless	بی شک، بی تردید
disgraceful	شرم آور، زشت	dozen	دوازده عدد، چندین، ده ها
disgust	متنفر کردن، بیزار کردن، تنفر	draft	پیش نویس، طرح...را نوشتن
dishonest	دروغگو، متقلب، نا راست	drag	کشیدن، کشاندن
dismiss	اخراج کردن، کنار گذاشتن	dragon	اژدها
disorganized	بی برنامه، نا مرتب	drama	نمایشنامه - (رشته) بازیگری
display	نشان دادن، به نمایش گذاشتن	dramatic	چشمگیر، حیرت آور - (مربوط به) تئاتر
dispute	بحث، مشاجره، بحث کردن	dressing table	میز آرایش
disrupt	قطع کردن، مختل کردن، برهم زدن	droplet	قطره، چکه
dissolve	(شکر و غیره) حل کردن، حل شدن	drought	خشکسالی، قحطی
distant	دوردست، دور	drown	غرق شدن، (در آب) خفه شدن
distinction	تفاوت، فرق	drowsy	خواب آلود
distinguish	تشخیص دادن، فرق گذاشتن	drum	طبل
distinguished	برجسته، متمایز، معروف، مشهور	drummer	طبل زن
distress	رنج، درد، رنج دادن، ناراحت کردن	due	مقرر، قرار شده، به علت، در نتیجه
distribute	توزیع کردن، پخش کردن، تقسیم کردن	dull	خسته کننده، کسل کننده
district	ناحیه، منطقه	dumb	خنگ، کودن - لال

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه دوازدهم: لغت ۶۶۱ تا ۷۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
dust	خاک، گرد و خاک، گرد گیری کردن	embarrassed	خجل، شرمنده، دستپاچه، سراسیمه
dustbin	سطل آشغال	embarrassing	خجالت آور، شرم آور - نامطلوب
duster	دستمال گردگیری	embarrassment	خجالت، شرم، دستپاچگی، سراسیمگی
duty-free	معاف از مالیات، معاف از عوارض گمرکی	embrace	در آغوش کشیدن، بغل کردن
dwarf	کوتوله، خیلی ریز	emerge	پدیدار شدن، ظاهر شدن، بیرون آمدن
dynamite	دینامیت، نوعی ماده انفجاری	emigrate	مهاجرت کردن
eager	(شخص) مشتاق، آرزومند	empathy	احساس یگانگی، همدلی
eagle	عقاب	emperor	امپراتور، فرمانروا
earthquake	زمین لرزه، زلزله	emphasize	تاکید کردن بر، تکیه کردن روی
ease	آرامش، آسایش، (درد) تسکین دادن	empire	امپراتوری، فرمانروایی
economic	اقتصادی، (مربوط به علم) اقتصاد	employ	استخدام کردن، به کار گماردن
economical	صرفه جو، با صرفه، اقتصادی	employment	کار، شغل - استخدام
economics	علم اقتصاد	enclose	ضمیمه کردن، دیوار کشی کردن
economist	اقتصاددان	encounter	روبه رو شدن، مواجه شدن، رویارویی
edge	لبه، کناره، مرز	encourage	تشویق کردن، ترغیب کردن، حمایت
edition	چاپ، ویرایش، نسخه	encyclopedia	دایرة المعارف، دانش نامه
editor	(روزنامه، مجله) سردبیر، ویراستار	endeavor	سعی، تلاش، سعی کردن
efficient	ماهر، زبردست، مؤثر، کارآمد، لایق	end up	منتهی شدن، منجر شدن، سرانجام
effort	کوشش، سعی، تلاش	endure	دوام داشتن، تحمل کردن
eggplant	بادمجان (سیاه)	engage	استخدام کردن، بکار گرفتن - نامزد کردن
elbow	آرنج	engagement	نامزدی
election	انتخاب، انتخابات، رأی گیری	engineering	مهندسی
electrician	برق کار، تکنسین برق	enhance	افزایش دادن، بهبود، بهتر کردن
electronic	الکترونیکی	enjoyment	لذت، خوشی
electronics	الکترونیک	enlarge	بزرگ کردن، بزرگ شدن
elegant	شیک، زیبا، شکیل	enormous	بزرگ، عظیم
elevator	آسانسور	enquire	پرسیدن، پرس و جو کردن
eliminate	حذف کردن، رفع کردن، برطرف کردن	enquiry	سؤال، پرسش، تحقیق
elsewhere	(در/ به) جای دیگر، جاهای دیگر	ensure	اطمینان دادن، اطمینان حاصل کردن
embarrass	خجالت زده کردن، شرمنده کردن	entertain	سرگرم کردن، مشغول کردن - پذیرایی کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سیزدهم: لغت ۷۲۱ تا ۷۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
entertainer	سرگرم کننده - بازیگر کمدی	eventually	سرانجام، بالاخره
entertaining	سرگرم کننده، مشغول کننده	evidence	دلیل، مدرک، علامت، نشانه - شاهد
entertainment	تفریح، سرگرمی	evidently	ظاهراً، آشکارا
enthusiasm	علاقه، شوق، اشتیاق	evil	بد ذات، گناه، بدی، بلا، مصیبت
enthusiastic	مشتاق، با حرارت	evolve	بیرون دادن، استنتاج کردن، نمو کردن
entrance	ورود، حق ورود - راه ورودی، در	exaggerate	بزرگنمایی کردن، مبالغه کردن، اغراق کردن
envious	حسود، بخیل	examination	امتحان، آزمون - معاینه - بررسی
envy	حسادت، حسادت کردن	examine	معاینه کردن - امتحان کردن - بررسی کردن
epic	حماسی، رزمی	except	به جز، به غیر از
epidemic	بیماری همه گیر	exception	استثناء، مورد استثناء
episode	قسمت، بخش (رمان، فیلم و...)	exceptional	استثنائی، عالی، فوق العاده
equal	برابر، مساوی - همسان، هم رتبه	excess	اضافی، زیادی
equality	برابری، تساوی	excitement	هیجان، ذوق
equator	خط استوا	exclude	کنار گذاشتن، نادیده گرفتن
equipment	تجهیزات، ابزار، امکانات	excuse	عذر، بهانه، (خطا و ...) نادیده گرفتن
era	عصر، دوره، دوران	exhaust	اگزوز - به پایان رساندن - خسته کردن
error	اشتباه، خطا، غلط	exhausting	خسته کننده
escalator	پله برقی، پلکان برقی	exhibit	به نمایش گذاشتن، ارائه دادن
escort	محافظ، همراه - محافظت کردن	exhibition	نمایشگاه
essay	مقاله، رساله	exile	تبعید کردن، تبعید
establish	بنیاد نهادن، تشکیل دادن	existence	وجود، هستی
establishment	تاسیس، تشکیل، مؤسسه، تشکیلات	exit	خروج، (راه) خروجی
estate	ملک، زمین - ناحیه، منطقه	expect	توقع داشتن، انتظار داشتن
estate agency	آژانس املاک	expectation	توقع، انتظار
estate agent	مشاور املاک	expedition	سفر، مسافرت، گروه اعزامی
estimate	تخمین زدن، برآورد کردن، تخمین	expense	خرج، هزینه
eternal	ابدی، همیشگی	expert	متخصص، کارشناس، خبره
ethnic	قومی، نژادی	explicit	صریح، واضح، روشن
evaluate	ارزیابی کردن، برآورد کردن	explode	منفجر کردن، منفجر شدن
evaporate	تبخیر شدن، بخار شدن	explore	کاوش کردن، بررسی کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهاردهم: لغت ۷۸۱ تا ۸۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
explosion	انفجار	family tree	شجره نامه - دودمان
explosive	قابل انفجار، ماده منفجره	famine	قحطی، کمبود، کمیابی
export	(کالا) صادرات - صادر کردن	fantasy	آرزو، خیال، رؤیا
expose	نشان دادن، در خطر قرار دادن	fare	کرایه (تاکسی و ...)
expressway	بزرگراه	farewell	خداحافظی
extend	امتداد دادن، توسعه دادن، امتداد	fascinate	شیفته کردن، مجذوب کردن
extensive	پهنارو، وسیع، گسترده، زیاد	fascinating	جذاب، خیره کننده
extent	حد، اندازه، درجه، وسعت، میزان	fascination	جذابیت، کشش
external	بیرونی، خارجی	fashionable	مد، مد روز، متداول، مرسوم
extinct	منقرض شدن، از بین رفتن	fashion designer	طراح مد
extinction	انقراض، نابودی	fasten	محکم کردن، سفت بستن - متصل کردن
extinguish	خاموش کردن	fastener	قلاب، چفت
extraordinary	فوق العاده، غیر عادی، عجیب	fatal	مرگبار، فاجعه آمیز، مهلک
extravagant	ولخرج، پر هزینه	fault	نقص، عیب، تقصیر، گناه، اشتباه
extreme	انتهای، دورترین - پایانی، حداکثر - شدید	faultless	بی نقص، بی عیب - کامل
extremely	بی نهایت، خیلی زیاد	fearful	هراسناک، ترسیده، بیمناک
eyebrow	ابرو (چشم)	fearless	نترس، بی پروا
eyelash	مژه (چشم)	feather	پر (پرنده)
eyelid	پلک (چشم)	fee	حق الزحمه، مزد، اجرت - حق عضویت
eyesight	بینایی، دید	feedback	واکنش، جواب، فیدبک
fabulous	شگفت انگیز، فوق العاده افسانه ای	fellow	دوست، رفیق، هم نوع، همانند
facilities	تسهیلات، امکانات - تجهیزات	female	(حیوان، گیاه) ماده؛ مؤنث، زن؛ دختر
fail	شکست خوردن، مردود شدن (در)	feminine	زنانه
faint	از هوش رفتن - ضعیف، بی حال	feminist	طرفدار حقوق زن
fair	منصف، عادل - زیبا - نمایشگاه	fence	حصار، پرچین
fairly	نسبتاً، تاحدی، تا اندازه ای	fiction	داستان، قصه، ادبیات داستانی، افسانه
faith	ایمان، اعتقاد، باور	fertile	حاصلخیز، پر بار - مستعد
faithful	وفادار - با ایمان	fertilizer	کود
fake	جعلی، تقلبی، بدلی	fiction	داستان (تخیلی)
fame	شهرت، آوازه	fighter	جنگجو - سرسخت - هواپیمای شکاری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه پانزدهم: لغت ۸۴۱ تا ۹۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
figure	رقم، شکل، تصویر، حدس زدن	focus	مرکز، کانون - توجه کردن، تمرکز کردن
file	پرونده، پوشه، فایل	foggy	مه آلود
finance	تأمین بودجه، مالی	fold	تا کردن، تا زدن - خط تا
financial	مالی، پولی	folk	مردم
fingernail	ناخن	folk dance	رقص محلی
fingertip	سر انگشت	force	مجبور کردن، وادار کردن - قدرت، نیرو
fire alarm	اژیر اعلام حریق	forecast	پیش بینی کردن، پیش بینی
fire escape	پله اضطراری	forehead	پیشانی
fireplace	شومینه، بخاری دیواری	foresee	پیش بینی کردن
first-class	درجه یک - پست پیشتاز	forever	برای همیشه، تا ابد
fisherman	ماهیگیر	forgetful	فراموشکار
fitness	شادابی، تندرستی - سازگاری	forgiveness	عفو، بخشش
flag	پرچم	formation	شکل گیری، تشکیل
flame	شعله	fortnight	دو هفته
flash	درخشیدن - برق، درخشش، نور	fortune	شانس، اقبال - پول هنگفت، ثروت
flat	آپارتمان - صاف، هموار، مسطح - پنچر	forward	جلو، فرستادن، ارسال کردن
flatter	چاپلوسی کردن	foundation	تاسیس، ایجاد - اساس، مبنا - زیر بنا
flattery	چاپلوسی، تملق	fountain	فواره
flavor	طعم، مزه، چاشنی زدن به	fountain pen	(قلم) خودنویس
flee	گریختن، فرار کردن	fraction	(در ریاضیات) کسر - ذره، خورده
flexible	قابل تغییر، انعطاف پذیر، خم شدنی	fragile	شکستنی، نازک، ظریف
flirt	دلبری کردن، طنازی کردن	frame	قاب، چهارچوب - بدنه - قاب کردن
float	شناور بودن، شناور شدن	frank	صادق، صادقانه، رک، روراست
flood	سیل، طغیان کردن - انبوهی از...	freedom	آزادی، استقلال
flour	آرد	freeway	آزاد راه، اتوبان، بزرگ راه
flourish	شکوفای شدن، رشد کردن	frequent	مکرر، فراوان
flow	جریان، جاری شدن، ریختن - سلیس، روان	friendship	دوستی، رفاقت
flowery	(طرح) گلدار	frizzy	(موی) فرفری
fluent	روان، سلیس	frog	قورباغه
foam	کف (صابون و...), حباب	frustrating	مأیوس کننده، یأس آور

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه شانزده: لغت ۹۰۱ تا ۹۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
frying pan	ماهی تابه	genius	نابغه، با استعداد - استعداد، توانایی
fulfill	انجام دادن - اجرا کردن	gentle	مهربان، ملایم، دلنواز، معتدل، آرام
fund	پول، صندوق، سرمایه گذاری	genuine	واقعی، حقیقی، اصل
fundamental	اساسی، بنیادی، مهم	geography	جغرافیا
funeral	تشییع جنازه، خاک سپاری، تدفین	geology	زمین شناسی
funfair	شهربازی	geometry	هندسه
furious	عصبانی، خشمگین	germ	میکروب
furniture	(خانه و غیره) اسباب، اثاثیه، مبلمان	gesture	حرکت سر و دست - ژست، حالت
further	پیش تر، جلوتر، دورتر، بیشتر	get rid of	از شر... خلاص شدن
furthermore	علاوه بر این، به علاوه	ghost	شبح، روح
fuse	فیوز (برق)	giant	عظیم، غول پیکر، خیلی بزرگ
fuss	بهانه جویی - بهانه جویی کردن	gigantic	غول آسا، غول پیکر
fussy	ایراد گیر، بهانه جو - وسواسی	giggle	هر هر خندیدن، نخودی خندیدن
galaxy	کهکشان	glance	نگاهی انداختن، نظری انداختن
gamble	قمار کردن، شرط بندی کردن	global	جهانی
gambler	قمار باز	globe	جهان، دنیا، زمین - حباب، گوی
gang	گروه - باند تبه کار - جمع دوستانه	gloomy	غمگین، گرفته - تیره، تاریک
gap	شکاف، فاصله	glorious	زیبا، عالی، با شکوه، شکوهمند
garbage	آشغال، زباله	glory	شکوه، عظمت، بزرگی، افتخار
garbage can	سطل آشغال، آشغال دانی	glossary	لغت نامه، واژه نامه
gateway	دروازه، ورودی	glove	دستکش
gather	جمع کردن، جمع آوری کردن	glowing	درخشان، تابان - عالی، خوب
gathering	گردهمایی	glue	چسپ، چسپانیدن، بهم چسپانیدن
gaze	زل زدن، خیره شدن	goalkeeper	دروازه بان، گلر
gender	جنسیت	goodness	خوبی، نیکی، مهربانی
gene	(زیست شناسی) ژن	gossip	شایعه، دری وری
general	سرلشکر، ژنرال - همگانی، معمولی، جامع	govern	حکومت کردن بر، فرمان راندن
generalize	تعمیم دادن، عمومیت بخشیدن به	government	دولت، حکومت
generosity	سخاوت، بخشش	governor	حاکم، فرمانروا
genetic	ژنتیک	graceful	با وقار، متین

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هفدهم: لغت ۹۶۱ تا ۱۰۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
gracious	مهربان، با عاطفه	gun	تفنگ، اسلحه
grab	قاپیدن، گرفتن	habitat	محل سکونت
grade	درجه بندی کردن، طبقه بندی کردن	hail	تگرگ
gradual	تدریجی	haircut	اصلاح مو، آرایش مو
graduate	فارغ التحصیل	hairstylist	آرایشگر
grain	غله، غلات	hairdryer	سشوار
grandson	نوه پسر	half-price	نیم بها، نصف قیمت
grasshopper	ملخ	halfway	در بین، در وسط
grave	گور، قبر - خطرناک، جدی	hammer	چکش - با چکش زدن، کوبیدن
gravestone	سنگ قبر	handcuffs	دستبند
graveyard	قبرستان، گورستان	handful	یک مشت، اندکی، معدودی
gravity	(نیروی) جاذبه، اهمیت، شدت	handheld	(وسایل الکترونیکی و غیره) دستی
gray	خاکستری	handicap	نقص، معلولیت
greed	حرص، طمع	handicapped	عقب افتاده، معلول
greedy	حریص، طمع کار - پرخور	handkerchief	دستمال
greengrocer	سبزی فروش	handsome	خوش تیپ، خوش قیافه - شیک
greenhouse	گلخانه	handwriting	دستخط
grief	غم، غصه، اندوه، تأسف	hard-hearted	سنگدل
grieve	غصه خوردن، تأسف خوردن	hardship	سختی، دشواریها
grocer	بقال، خواروبار فروش - بقالی	harmony	هماهنگی، سازگاری، هارمونی
groceries	خواروبار	harsh	خشن، دلخراش - بیرحمانه، خشونت آمیز
ground floor	طبقه همکف	harvest	محصول، خرمن - فصل درو، هنگام درو
growing	فزاینده، روز افزون	heading	عنوان
growth	توسعه، گسترش، رشد، (گیاه) رویش	headlight	چراغ جلو اتومبیل
guarantee	ضمانت، تعهد، گارانتی کردن	headmaster	مدیر مدرسه
guard	نگهبان، محافظ، محافظت کردن از	headquarters	اداره مرکزی، ستاد، مرکز اداری
guest house	مهمان سرا، مهمان پذیر	headway	پشیرفت، موفقیت، پیشروی
guidance	راهنمایی، مشورت	heal	درمان کردن، مداوا کردن، بهبود یافتن
guilt	گناه، تقصیر، جرم	health care	بهداشت و درمان
guilty	گناهکار، مجرم	hearing aid	سمعک

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه هجدهم: لغت ۱۰۲۱ تا ۱۰۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
heartbroken	دلشکسته	humorous	خنده دار، بامزه، مضحک
heartless	بی عاطفه، بی رحم	humor	شوخی، بذله گویی، مزاح
hell	جهنم	hump	کوهان (شتر)
helmet	کلاه ایمنی	hurricane	تندباد، طوفان
helping	پرس غذا	hurtful	مضر، آزار دهنده
hemisphere	نیم کره (زمین)، نیم کره ی مغز	hyphen	خط تیره (-)، نشانه اتصال
hero	قهرمان - قهرمان داستان یا فیلم	iceberg	کوه یخی
heroic	قهرمانانه، شجاعانه، دلیرانه	ice rink	پیست اسکیت روی یخ
heroine	قهرمان (زن)	i.e.	به عبارت دیگر، یعنی، به این معنی که
hesitate	شک داشتن، تردید داشتن	ideal	ایده آل، مطلوب
hibernate	به خواب زمستانی رفتن	idiom	اصطلاح
hiccup	سکسکه، سکسکه کردن	idiot	ابله، کودن، احمق
highway	بزرگراه، شاهراه	idol	بت
hollow	توخالی، پوچ، میان تهی - حفره، گودال	ignite	روشن کردن، آتش زدن
home page	صفحه شخصی (کامپیوتر)	ignore	نادیده گرفتن، چشم پوشیدن از
homesick	غربت زده، غریب - دچار اندوه	ignorance	بی خبری، ناآگاهی - جهالت
honeymoon	ماه عسل	ignorant	نا آشنا، نا آگاه - نا وارد
horizon	افق، خط افقی	illegal	غیر قانونی، خلاف قانون
horizontal	افقی - صاف، تراز	illustrate	با تصویر توضیح دادن، شرح دادن
horn	شاخ (حیوانات) - بوق (اتومبیل)	imaginative	مبتکر، خلاق - خیال پرداز
horrible	وحشتناک، ترسناک، هولناک	imitate	تقلید کردن
horrid	شور، خبیث، خشن	imitation	تقلید
horror	وحشت، شوک	immense	عظیم، بسیار بزرگ، وسیع، فراوان
horsepower	اسب بخار	immigrant	(شخص) مهاجر، مقیم
horseshoe	نعل اسب	immigration	مهاجرت
hospitability	مهمان نوازی	immune	ایمن، مصون، واکسینه
hostage	گروگان	immune system	دستگاه ایمنی، سیستم دفاعی بدن
housekeeper	خانه دار	immunize	مصون ساختن، مصونیت دادن
housing estate	مجتمع مسکونی	impact	تأثیر، اثر
humble	فروتن، متواضع - ساده، محقر	imperative	لازم، ضروری، (دستور زبان) امری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه نوزدهم: لغت ۱۰۸۱ تا ۱۱۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
implicit	ضمنی، تلویحی، غیر مستقیم	individual	شخص، فرد، انفرادی، جداگانه، مجزا
imply	اشاره کردن، به طور ضمنی گفتن	indoors	داخل، توی خانه، توی ساختمان
impolite	بی ادب، بی تربیت، بی ادبانه	industrial	صنعتی
import	(کالا) واردات، وارد کردن	industry	صنعت، فن آوری
impose	تحمیل کردن، (مالیات) وضع کردن	inevitable	اجتناب ناپذیر، قطعی، حتمی
impractical	غیر ممکن، نشدنی	inexpensive	ارزان، ارزان قیمت
impression	اثر، تأثیر، عقیده، نظر	inexperienced	بی تجربه، ناوارد، ناشی
impressive	با عظمت، قابل ملاحظه، چشمگیر	infant	نوزاد، طفل، شیر خوار
imprison	زندانی کردن	infant school	کودکستان
improvement	بهبودی، پیشرفت	infect	آلوده کردن، مبتلا کردن
inaccurate	نادرست، غلط، اشتباه	infected	عفونی، مبتلا، آلوده
inadequate	ناکافی، نامناسب	infection	عفونت، سرایت
incapable	ناتوان، عاجز - نالایق	infectious	مسری، واگیر دار
inaction	عدم فعالیت، عدم اقدام، تنبلی	inflation	(قیمتها) تورم
inch	اینچ (واحد طول = ۲,۴۵ سانتی متر)	informal	خودمانی، دوستانه، غیر رسمی
incident	حادثه، واقعه، رویداد	informative	آموزنده، پر معنی
inconsiderate	بی ملاحظه، بی توجه - بی احساس، بی تفاوت	ingredient	جزء سازنده، (در جمع) ترکیبات
inconsistent	نا پایدار، بی ثبات	inhabit	ساکن شدن در
incredible	باور نکردنی، تعجب آور، فوق العاده	inhabitant	ساکن، اهل
indecisive	مردد، بی اراده، بی عزم	initial	اولیه، ابتدایی، حرف اول نام
indeed	به راستی، در واقع، واقعاً، مسلماً	injustice	بی عدالتی؛ ظلم
independence	استقلال	ink	جوهر
independent	(کشور، ...) مستقل، متکی به خود	inland	داخلی، غیر مرزی، به داخل کشور
index	فهرست (راهنما)	innocent	بی گناه، بی تقصیر
index finger	انگشت اشاره، انگشت سیبانه	innovation	نوآوری، ابداع
indicate	اشاره کردن، نشان دادن	in other words	به عبارت دیگر
indication	نشانه، علامت، سرخ	input	(کامپیوتر و غیره) ورودی
indicator	چراغ راهنما (اتومبیل) - شاخص	inquest	بررسی، تحقیق
indifferent	بی علاقه، خونسرد	inquisition	تحقیق؛ رسیدگی
indigestion	سوء هاضمه	inquisitive	فضول، کنجکاو

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیستم: لغت ۱۱۴۱ تا ۱۲۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
insecure	ناامن - ناپایدار، نامطمئن	interpreter	مترجم (حضوری)، دیپلمات
insensitive	غیر حساس	interrupt	سخن کسی را قطع کردن، مانع کار...شدن
insert	قرار دادن، گذاشتن، وارد کردن	interval	وقفه - فاصله زمانی
insignificant	ناچیز، قلیل - بی اهمیت	intolerable	غیر قابل تحمل
insist on	اصرار کردن به / که، تأکید کردن بر	invade	حمله کردن، یورش بردن، هجوم بردن
inspection	بازرسی، کنترل، بازدید	invasion	حمله، هجوم، یورش
inspector	بازرس، افسر تجسس	invest	سرمایه گذاری کردن
in spite of	با وجود، علی رغم	investigate	تحقیق کردن، بررسی کردن
instance	مثال، نمونه، مورد	investigator	بازپرس، بازجو، مأمور تحقیق
instant	فوری، آنی	involve	درگیر کردن، شامل شدن
instruct	دستور دادن، یاد دادن	involved	درگیر، گرفتار - پیچیده
instruction	آموزش، تعلیم، دستورالعمل	involvement	درگیری، شرکت، مشارکت
instrument	ابزار، وسیله، آلت موسیقی، ساز	iron	اتو، اتو کردن - آهن، آهنی
insult	توهین کردن به، توهین، اهانت	ironing board	میز اتو
insurance	بیمه	irrelevant	نامربوط، بی ربط
insure	بیمه کردن	irritate	ناراحت کردن، عصبانی کردن
intellectual	عقلی، فکری، عقلانی، هوشمندی	island	جزیره
intelligence	هوش، ذکاوت	isolated	منزوی، تنها - دور افتاده
intelligent	باهوش، زیرک	isolation	انزوا، تنهایی
intend	قصد داشتن (که)، تصمیم داشتن (که)	issue	منتشر کردن، صادر کردن
intense	شدید، سخت - حاد، عمیق	itch	احساس خارش کردن، خارش
intensive	متراکم، فشرده	jagged	دندانه دار، دندانه دندانه
intentional	عمدی	janitor	سرایدار، نگهبان ساختمان
interaction	همکاری متقابل، تعامل	jealous	حسود، حسادت آمیز
interchangeably	به طور مترادف، به یک معنی	jeweler	جواهر فروش، جواهر ساز - ساعت ساز
interfere	مداخله کردن، دخالت کردن - تداخل داشتن	joint	مفصل (پا و...) - اتصال
interior	داخلی، درونی، (نواحی) مرکزی	journal	روزنامه، مجله، نشریه
internal	(پزشکی، سیاسی و غیره) داخلی	journalism	روزنامه نگاری
interpret	ترجمه شفاهی کردن، تفسیر کردن	judge	قاضی - داور - قضاوت کردن - داوری کردن
interpretation	تفسیر، تعبیر	juggle	شعبده بازی کردن، تردستی کردن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و یکم: لغت ۱۲۰۱ تا ۱۲۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
juggler	شعبده باز، تردست	lawyer	وکیل
justice	عدالت، عدل	layer	لایه، قشر
justify	توجیه کردن، دلیل آوردن	leadership	رهبری
ketchup	سس گوجه فرنگی	league	مسابقات ورزشی، لیگ
kick	لگد زدن، (توپ) شوت کردن، لگد	lean	تکیه دادن، خم شدن، کج شدن
kind-hearted	مهربان، خوش قلب، دل رحم	lean year	سال کبیسه
kindness	مهربانی، محبت	leather	چرم
king	پادشاه، سلطان	lecture	سخنرانی، کنفرانس، سخنرانی کردن
kingdom	پادشاهی، سلطنت	lecturer	سخنران
kiosk	دکه، باجه، کیوسک	legend	افسانه، داستان - اسطوره (شخص)
kit	وسایل، ابزار، جعبه ی وسایل، کیت، لوازم	legible	خوانا (دستخط) - روشن
kneel	زانو زدن	leisure	وقت فراغت، وقت تفریح
knight	شوالیه، سلحشور، دلیر	lemonade	شربت آلبیمو، لیموناد
knives	چاقوها (جمع کلمه knife)	length	طول، درازا
knock	زدن، ضربه زدن به، کوبیدن، ضربه	lentil	عدس
knot	گره، گره زدن	lessen	کم کردن، کوچک شدن
know-all	عقل کل، علامه دهر!	lethal	مرگبار، کشنده
knowledgeable	با اطلاع، آگاه	lettuce	کاهو
labor	کار (اجباری)، نیروی کار	liberal	آزاد منش، خالی از تعصب - آسان گیر
laborer	کارگر	liberate	آزاد کردن
ladder	نردبان	liberty	آزادی
ladybird	(حشره) کفشدوزک	license	گواهینامه - جواز، پروانه (کسب)
lamb	بره، گوشت بره	license plate	پلاک ماشین
landlady	صاحب خانه (زن)	lifebelt	کمر بند نجات، کمر بند ایمنی
landlord	صاحب خانه (مرد)	lifeboat	قایق نجات
landscape	منظره، چشم انداز	lifeguard	نجات غریق
lantern	فانوس، چراغ	lifetime	طول عمر، طول زندگی
latitude	عرض جغرافیایی	lift	بلند کردن، برداشتن - آسانسور
latter	دومی، دیگری	lifter	بالا بر، بلند کننده - وزنه بردار
launch	پرتاب، پرتاب کردن، به آب انداختن	liftman	آسانسورچی، متصدی آسانسور

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و دوم: لغت ۱۳۶۱ تا ۱۳۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
likelihood	احتمال	luxurious	شیک، مجلل، لوکس
likeness	شبهت، همانندی	lunar	(مربوط به) ماه، قمری
likewise	همانطور، همان گونه	lyrics	ترانه، غزل
limit	حد، مرز - محدود کردن	mad	دیوانه
limp	شل، سست، لق - لنگیدن	madness	دیوانگی
lipstick	ماتیک، رژ لب	magical	سحر آمیز - فوق العاده، بسیار عالی
literature	ادبیات، آثار ادبی	magnificent	باشکوه، مجلل، فوق العاده
literary	ادبی، ادیبانه، ادیب	mailbox	صندوق پست
litter	آشغال، زباله، به هم ریختن	mailman	پستیچی، نامه رسان
lively	سر زنده، با نشاط - جالب توجه	maintain	حفظ کردن، نگه داشتن
lizard	مارمولک	maintenance	نگهداری
loan	وام، قرض	maize	ذرت، بلال
lobby	راهرو، ورودی آپارتمان - تالار ملاقات	major	اصلی، عمده، بنیادی - سرگرد (در ارتش)
lock up	قفل کردن، قفل	majority	اکثریت، قسمت عمده
logic	منطق، علم منطق	male	(حیوان) نر؛ (شخص) مذکر، مرد، پسر
logical	منطقی	mammal	(جانور) پستاندار
lollipop	بستنی یخی	manage	اداره کردن، توانستن، از عهده برآمدن
lonely	تنها، بی کس، غریب	manager	مدیر، رئیس
longitude	طول جغرافیایی	mango	میوه انبه
long-term	بلند مدت، دراز مدت	manipulate	به بازی گرفتن، به کار بردن
loo	توالت، مستراح	manual	دستی، کتابچه راهنما
look forward to	منتظر بودن برای	manufacture	تولید کردن، ساختن
lorry	کامیون	manufacturer	تولید کننده، سازنده
lotion	محلول، لوسیون	manufacturing	تولید، ساخت
lottery	بخت آزمایی، لاتاری، شرط بندی	margin	حاشیه، لبه
lounge	سالن استراحت - صندلی راحتی	marriage	ازدواج
lovable	دوست داشتنی	marvelous	فوق العاده، خیلی خوب
loyal	وفادار، باوفا	masculine	مردانه
luggage	بار سفر، وسایل سفر، چمدان	mass	مقدار زیاد، توده، انبوه، (فیزیک) جرم
lukewarm	(آب و...) ولرم، نیم گرم	massive	عظیم، غول پیکر، حجیم، سنگین

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و سوم: لغت ۱۳۲۱ تا ۱۳۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
masterpiece	شاهکار (نقاشی، سینمایی، ادبی و...)	millennium	هزاره، دوره هزار ساله
matchbox	قوطی کبریت	mime	با ایما و اشاره بیان کردن، پانتومیم
mate	دوست، رفیق، یار	mimic	تقلید کردن - مقلد، تقلید کننده
maternal	مادری، مادرانه	miniature	مینیاتور، نمونه ی کوچک
mathematician	ریاضیدان	minimize	کم کردن، به حداقل رساندن
mattress	تشک (تختخواب)	minimum	حداقل
mature	(انسان) بالغ - (میوه، دانه) رسیده	mining	معدن کاری، استخراج معدن
maximum	حداکثر، بیشترین حد	minister	وزیر
meadow	علفزار، مرتع	ministry	وزارت، وزارت خانه
meanwhile	در این مدت، در این فاصله، در این حین	minor	جزئی
mechanism	مکانیسم، سازوکار، راه، روش	minority	اقلیت، حداقل
measurement	اندازه گیری، سنجش	minus	(عدد و غیره) منفی - منها
meeting	جلسه، اجلاس، نشست، گرد همآیی، ملاقات	miracle	معجزه
melon	خربزه	miraculous	معجزه آسا، اعجاز آمیز
melt	آب شدن، ذوب شدن، آب کردن	misbehave	بد رفتاری کردن، بی ادبی کردن
membership	عضویت	miserable	ملال آور، دلگیر - افسرده، پریشان
memorable	به یاد ماندنی، فراموش نشدنی	misery	بدبختی، سیه روزی، مصیبت
memorize	به خاطر سپردن، حفظ کردن، از بر کردن	mislead	گمراه کردن، فریب دادن
mend	تعمیر کردن	mist	مه، (شیشه وغیره) بخار
mercy	بخشش، عفو، شفقت	mixed	مخلوط، مختلط
merely	صرفاً، فقط	mixture	مخلوط، ترکیب
merge	ادغام کردن، یکی کردن	moan	نالیدن، شکایت کردن
merit	مزیت، برتری - سزاوار بودن، لایق بودن	mob	ارازل و اوباش، افراد شرور
merry-go-round	چرخ و فلک	modest	فروتن، متواضع
mess	کثیف و نامرتب - کثیف کردن - بهم ریختن	modify	تغییر دادن، اصلاح کردن
messy	به هم ریخته، کثیف	moist	مرطوب، نمناک
method	شیوه، روش، متد	moisture	رطوبت، نم
middle-aged	میانسال	monitor	کنترل کردن، نمایشگر، مانیتور
mighty	قدرتمند، توانا - کبیر، عظیم، بسیار زیاد	monster	هیولا
merit	مزیت، برتری - سزاوار بودن، لایق بودن	monument	بنای یادبود، اثر تاریخی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و چهارم: لغت ۱۳۸۱ تا ۱۴۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
moody	دمدمی مزاج، کج خلق	narrow	(جاده و غیره) باریک، کم عرض
moonlight	مهتاب	narrowly	به زور، زورکی - به سختی
moreover	علاوه بر این، گذشته از این	narrow-minded	کوتاه فکر، تنگ نظر
mosquito	پشه	nasty	بد، ناخوشایند، کثیف - (شخص) بد، رذل
motion	حرکت، (دست، بدن) اشاره	naughty	شیطون، شر، تخس
motorway	(در بریتانیا) اتوبان، بزرگ راه	navigate	جهت یابی کردن - کشتی رانی کردن
mount	بالا رفتن از، صعود کردن از - کوه	navy	نیروی دریایی، ناوگان یا کشتی جنگی
mountaineer	کوه نورد	navy blue	رنگ سرمه ای، آبی سیر
mourn	عزادار بودن، سوگوار بودن	necessarily	الزاماً، ضرورتاً
moustache	سیبیل	necessity	ضرورت، لزوم، نیاز
mouthful	لقمه	necklace	گردنبند
movement	حرکت، جابه جایی - جنبش، نهضت	needle	سوزن، عقربه قطب نما
muddy	گلی، گل آلود - چرکین	needleless	بی نیاز، غیر ضروری
multicultural	چند فرهنگی	neglect	بی توجهی کردن؛ کوتاهی کردن در
multiple-choice	چند گزینه ای	negotiate	مذاکره کردن، گفت و گو کردن
multiply	ضرب کردن، افزایش یافتن، زیاد شدن	neighborhood	محل، محله، ناحیه - همجواری
mumble	زیر لب گفتن، زمزمه کردن	neither...nor	نه ... نه ...
murder	قتل، آدم کشی، کشتن، به قتل رساندن	nephew	پسر برادر، پسر خواهر
murderer	قاتل، آدم کش	nerve	عصب - جرأت، شهامت، جسارت
muscle	عضله، ماهیچه	nerve-racking	اعصاب خوردکن
mushroom	قارچ (گیاه)	nest	لانه، آشیانه، لانه ساختن
musical	(مربوط به) موسیقی، اهل موسیقی	network	شبکه
musician	نوازنده، موزیسین	neutral	بی طرف - خنثی - بی رنگ
mute	ساکت، آرام	nevertheless	اما، با وجود این، با این حال
mysterious	مرموز، اسرار آمیز، عجیب، راز آلود	newborn	تازه متولد شده، نوزاد
nag	نق زدن - عیب جویی کردن	newcomer	تازه وارد
nail	ناخن - میخ	newsagent	روزنامه فروش
naked	لخت، برهنه، عریان	nickname	اسم خودمانی، اسم مستعار
nanny	دایه، پرستار بچه	niece	دختر خواهر، دختر برادر
napkin	دستمال	nightclub	باشگاه شبانه، کلوپ شبانه

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و پنجم: لغت ۱۴۴۱ تا ۱۵۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
nightmare	کابوس، خواب بد	objective	هدف، بی طرفانه، عادلانه
night- time	شب هنگام، شب	obligation	اجبار، لزوم - وظیفه، تعهد
noble	شریف، اصیل - نیک، نیکو - اشرافی	obligatory	اجباری
nod	(به نشانه ی موافقت) سر تکان دادن	oblige	مجبور کرن، وادار کردن
nomad	چادر نشین، عشایر	obliged	مجبور، ملزم
nominate	نامزد کردن، پیشنهاد کردن	observant	متوجه، تیزبین
nonsense	حرف بی معنی، حرف بیهوده - پوچ	obstacle	مانع، معضل - سد، بند
noodle	رشته فرنگی	obstruct	مسدود کردن، بند آوردن
nostril	سوراخ بینی	obtain	کسب کردن، به دست آوردن، گرفتن
nosy	فضول	obvious	آشکار، واضح، روشن، علنی
notably	به ویژه، مخصوصاً	occasion	فرصت، موقعیت، مناسبت
notepad	دسته برگه یادداشت	occasional	اتفاقی، گاه و بیگاه
noticeable	قابل توجه، قابل رؤیت، محسوس	occasionally	هر از چندی، گاه گاه
notice board	تابلوی اعلانات	occupation	شغل، حرفه، تملک، تصرف
notion	مفهوم، عقیده، فکر	occupy	تصرف کردن، اشغال کردن - ساکن شدن در
notorious	بدنام، رسوا	occur	اتفاق افتادن، رخ دادن
novel	رمان، داستان بلند - تازه، جدید	octopus	هشت پا، اختاپوس
novelist	رمان نویس	odd	عجیب، غیر عادی
numb	بی حس	offence	جرم، خلاف، توهین، بی احترامی
numerous	بی شمار، بسیار فراوان، متعدد	offensive	اهانت آمیز، ناخوشایند، نفرت انگیز
nursery school	مهد کودک، کودکستان	offend	رنجاندن، ناراحت کردن
nursing	(رشته) پرستاری	official	مقام، مقام رسمی، رسمی
nutrient	ماده ی غذایی	oil well	چاه نفت
nutritious	مقوی، مغزی	ointment	پماد، مرهم
oak	درخت بلوط، چوب بلوط	old-fashioned	از مد افتاده، قدیمی، کهنه
oath	قسم، سوگند	olive	زیتون
obedient	مطیع، فرمانبردار	olive oil	روغن زیتون
obesity	چاقی، فربهی - مرض چاقی	omit	حذف کردن، کنار گذاشتن
object	اعتراض کردن، مخالفت کردن	onwards	به بعد، آن طرف
objection	اعتراض، ایراد	oops	آخ

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و ششم: لغت ۱۵۰۱ تا ۱۵۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
opening	شروع، آغاز، افتتاح، افتتاحیه	overall	کل، کلی، کلا، روی هم رفته - لباس کار
openly	آشکارا، علنی	overcome	غلبه کردن، چیره شدن، فایق آمدن
operate	عمل کردن، اداره کردن، جراحی کردن	overcrowded	شلوغ، پر جمعیت
operation	کار، فعالیت - عمل جراحی	overpass	پل روگذر
operator	(دستگاه) متصدی، (تلفن) اپراتور	overseas	خارج (از کشور)، در خارج؛ به خارج
opponent	رقیب، حریف	oversleep	خواب ماندن
opportunity	فرصت، موقعیت	overtake	سبقت گرفتن از، جلو زدن از
oppose	مخالفت کردن، مقابله کردن	overtime	اضافه کاری، اضافه کار
opposition	مخالفت، مقاومت	overweight	چاق، بیش از حد سنگین
optician	عینک فروش، عینک فروشی	owe	بدهکار بودن به - مدیون بودن
optimism	خوش بینی	owing to	به علت، به سبب
optimist	خوش بین	owl	جغد
optimistic	خوش بینانه	own	داشتن، صاحب ... بودن - مال خود، خود
option	انتخاب، امکان، اختیار، قدرت	owner	صاحب، مالک
optional	اختیاری، انتخابی	ox	گاو نر
orchestra	ارکستر، دسته نوازندگان	pace	قدم، گام، سرعت
organism	موجود زنده، ارگانیسم	pacifier	آرام کننده، تسکین دهنده
originate	نشأت گرفتن، ریشه گرفتن	package	بسته، پاکت، بسته بندی کردن
-orphan	یتیم، بی کس	painkiller	مسکن (دارو)، تسکین دهنده
orphanage	پرورشگاه یتیمان	painless	بی درد، بدون رنج
ostrich	شتر مرغ	paintbrush	قلم نگ آمیزی و نقاسی
otherwise	وگرنه، در غیر اینصورت، به غیر از این	pajamas	لباس خواب، پیژامه
ought to	باید، بایستی، بهتره	palace	قصر، کاخ
outbreak	بروز، ظهور، وقوع - شیوع، طغیان	pale	(چهره، شخص) رنگ پریده، زرد
outcome	نتیجه، حاصل، پیامد	palm	کف دست - درخت خرما
outline	خلاصه، چکیده، طرح کلی	pamphlet	جزوه
out of date	کهنه، قدیمی	panic	وحشت، هراس، اضطراب
output	خروجی، بازده - تولید، محصول	panther	پلنگ
outstanding	عالی، برجسته	paper clip	گیره کاغذ
outwards	به طرف خارج، به طرف بیرون	paperwork	کار دفتری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و هفتم: لغت ۱۵۶۱ تا ۱۶۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
parallel	موازی، متوازن	perfection	تکمیل، کمال
parcel	بسته	perform	اجرا کردن، کار کردن، عمل کردن
pardon	چی فرمودین؟ پوزش می طلبم - عفو کردن	performance	عملکرد، کار، (موسیقی و غیره) اجرا
parliament	مجلس، آپارتمان	performer	بازیگر، اجرا کننده
participant	شریک، همکار، سهیم	perfume	عطر، بوی عطر، رایحه
particle	ذره، تکه ی کوچک	perhaps	شاید، احتمالاً
partly	تا حدی، تا اندازه ای	permanent	دائمی، همیشگی
passionate	با حرارت، با هیجان، پر شور	permission	اجازه
paste	منتقل کردن، چسپاندن - چسب مایع	persist	اصرار ورزیدن، ادامه دادن
pastime	سرگرمی، تفریح	persistence	مقاومت، ایستادگی، پشتکار
path	راه پیاده، مسیر، مسیر حرکت	persistent	دارای پشتکار، مصر
patriotic	میهن پرست، وطن پرست	personal	شخص، شخصی
patrol	گروه گشت زنی، گشت - گشت زدن	perspective	چشم انداز، دورنما، منظره
patterned	طرح دار، نقش دار	persuade	متقاعد کردن، قانع کردن، راضی کردن
pavement	پیاده رو، سنگ فرش، کف خیابان	persuasion	باور، اعتقاد
paw	پنجه، چنگال	pessimism	بدبینی
payment	پرداخت	petrol	بنزین
peaceful	صلح آمیز، مسالمت آمیز - آرام	petroleum	نفت خام؛ نفت
peacock	طاووس	pharmacist	داروساز
peanut	بادام زمینی	phase	مرحله، دوره
pearl	مروارید	philosopher	فیلسوف
peasant	دهاتی، روستایی - رعیت	philosophy	فلسفه
peculiar	عجیب، غریب، غیر عادی - خاص، ویژه	pianist	نوازنده پیانو
pedestrian	عابر پیاده	pickpocket	جیب بر
peel	پوست کندن(میوه) - پوست میوه	pierce	سوراخ کردن، شکافتن - فرو کردن
penalty	جریمه، تاوان، کیفر	piercing	(صدا) گوش خراش
penetrate	سوراخ کردن، نفوذ کردن، رخنه کردن در	pile	توده، دسته، روی هم ریختن
pension	مستمری، مقرری - حقوق بازنشستگی	pilgrimage	زیارت
perceive	فهمیدن، متوجه شدن، پی بردن (به)	pineapple	(میوه) آناناس
perception	دریافت، درک، مشاهده، استنباط	pioneer	پیشگام، پیشرو، کاشف، کاوشگر

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و هشتم: لغت ۱۶۲۱ تا ۱۶۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
pipe	لوله، پیپ	poll	نظرسنجی، انتخابات، رأی دادن
pipeline	خط لوله	pond	حوض، استخر، برکه
pirate	دزد دریایی	popcorn	ذرت بو داده، پاپ کورن
pistol	اسلحه کمری، هفت تیر	popularity	محبوبیت، شهرت
pitch	(فوتبال و ...) زمین بازی - قیر	populated	مسکونی، پرجمعیت
plague	(بیماری) طاعون - بلا، مصیبت	port	بندر، بندرگاه
plantation	کشتزار، برنجزار، پنبه زار	portrait	نقاشی چهره، تصویر، عکس، پرتره
plaster	چسب زخم - گچ بنایی - گچ مالیدن	pose	موجب ... شدن، ایجاد کردن، ژست
platform	سکو، جایگاه	possess	داشتن، صاحب ... بودن
play	نمایش نامه، نمایش، تئاتر	possession	مالکیت، تملک
playful	بازیگوش، شلوغ	postcode	کد پستی
playtime	زنگ تفریح، وقت بازی	postpone	به تأخیر انداختن، به تعویق انداختن
plea	تقاضا، درخواست (عاجزانه)	posture	(بدن) حالت، وضع، (طرز) ایستادن
plead	التماس کردن - اعتراف کرد (به جرم)	potential	بالقوه، احتمالی
pliers	انبر دست	poverty	فقر، تنگدستی
plot	داستان، نقشه کشیدن، توطئه کردن	powder	پودر (لباسشویی و...)
plum	آلوچه	praise	تعریف کردن از، تحسین کردن
plumber	لوله کش	preach	تبلیغ کردن، موعظه کردن
plumbing	لوله کشی	preacher	واعظ، مبلغ، موعظه کننده
pneumonia	سینه پهلو، ذات الریه	precaution	احتیاط، پیشگیری
pocket money	پول تو جیبی	precede	پیش از ... قرار داشتن، قبل از ... آمدن
pointless	بی فایده، بیهوده - بی معنا	precious	ارزشمند، با ارزش
point of view	دیدگاه، نقطه نظر، عقیده	precise	دقیق، درست، معین، مشخص
point out	نشان دادن، یادآور شدن	pregnant	حامله، باردار
poison	سم، زهر، سم دادن به، مسموم کردن	prehistoric	ماقبل تاریخ، پیش از تاریخ
poisonous	سمی، زهرآگین	presence	حضور، بودن
policy	خط مشی، سیاست	present-day	امروزی، معاصر
polish	واکس، واکس زدن، برق انداختن	presentation	سخنرانی، معرفی، اجرا، نمایش
political	سیاسی، (مربوط به) سیاست	preserve	حفظ کردن، محافظت کردن از
polish	واکس، جلا - برق انداختن - واکس زدن	press	مطبوعات، فشار دادن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه بیست و نهم: لغت ۱۶۸۱ تا ۱۷۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
presume	فرض کردن، تصور کردن، فکر کردن	prove	ثابت کردن، اثبات کردن، معلوم شدن
pretend	تظاهر کردن، وانمود کردن	provided	به شرط اینکه، اگر
pretty	نسبتاً، خیلی، کاملاً، قشنگ	provision	تهیه، تامین، آذوقه، مواد خوراکی
previous	سابق، قبلی، پیشین	psychologist	روان شناس
pride	غرور، احساس غرور، افتخار	psychology	روان شناسی
priest	کشیش	publication	نشر، انتشار، نشریه
primitive	ابتدایی، آغازین، نخستین	publicity	شهرت، معروفیت
prior	قبلی، پیشین	public relations	روابط عمومی
priority	اولویت، تقدم	puddle	چاله آب
prison	زندان	pumpkin	کدو تنبل
prisoner	زندانی	punch	مشت زدن به، مشت، ضربه
private	خصوصی، شخصی	punishment	تنبيه، مجازات
privilege	حق ویژه، امتیاز، برتری، مزیت	pupil	شاگرد خصوصی، مردمک (چشم)
procedure	روال، رویه، روند، پروسه	purchase	خرید، خریدن، خریداری کردن
proceed	ادامه دادن، (در کار) پیش رفتن	purity	خلوص، پاکیزگی
profession	شغل، حرفه، کار	pursue	تعقیب کردن، به دنبال ... بودن
professional	حرفه ای، ماهرانه، استاد، با تجربه	put off	به تعویق انداختن، خاموش کردن
profile	بیوگرافی، مختصر، وصف	qualification	صلاحیت، قابلیت، مدرک تحصیلی
profit	سود، منفعت	qualified	واجد شرایط
profound	عمیق، ژرف	qualify	صلاحیت پیدا کردن، واجد شرایط شدن
progress	پیشرفت، توسعه، پیشرفت کردن	quantity	مقدار، کمیت
prohibit	ممنوع کردن، قذغن کردن	quarrel	دعوا، نزاع، درگیری - مشاجره کردن
promote	ارتقا دادن، کمک کردن به	quarter-final	مرحله یک چهارم نهایی (در ورزش)
prompt	فوری، سریع، باعث ... شدن	quench	فرو نشاندن (عطش)
proof	شاهد، دلیل، مدرک	questionnaire	پرسشنامه
property	مال، دارایی، ثروت	queue	صف، ردیف، صف کشیدن
propose	پیشنهاد کردن، توصیه کردن	quilt	ملافه، لحاف، رو تختی
prosper	رونق داشتن، کامیاب شدن	quote	نقل قول کردن
prosperous	خوشبخت، کامروا، موفق	rabbit	خرگوش
protest	مخالفت، اعتراض، اعتراض کردن (به)	racial	نژادی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی ام: لغت ۱۷۴۱ تا ۱۸۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
racism	نژاد پرستی	recommendation	توصیه، پیشنهاد، نظریه
radiant	تابان، درخشنده، تابشی	recover	(سلامتی) باز یافتن، بهبود یافتن
raffle	بخت آزمایی	recreation	تفریحی
rage	خشم، غضب	rectangle	مستطیل
railway	خط آهن، ریل، راه آهن، قطار	recycle	بازیافت کردن، بازیابی کردن
rainbow	رنگین کمان	referee	(ورزش) داور
rainfall	بارش باران، میزان بارندگی	reform	اصلاح کردن، تجدید نظر، اصلاح
raisin	کشمش	refrigerator	یخچال
random	شانسی، اتفاقی، تصادفی	refuge	پناهگاه
rare	نادر، کمیاب، غیر عادی	refugee	پناهنده
raspberry	تمشک	refusal	سرپیچی، امتناع، جواب رد
rate	سرعت، شتاب، ارزش ... را تعیین کردن	refuse	امتناع کردن، خودداری کردن، جواب رد
ratio	نسبت، نسبت، ضریب	regarding	راجع به، درباره ی
ration	سهمیه، جیره - جیره بنده کردن	regardless	بی اعتنا، بی توجه
rattle	به صدا در آمدن، تلق و تلوق کردن	register	نام نویسی کردن، ثبت نام کردن
raw	(خوراکی) خام، نپخته	registration	نام نویسی، ثبت نام
ray	اشعه، پرتو	regret	تاسف خوردن از، تاسف، افسوس
react	عکس العمل نشان دادن، واکنش	regulation	قاعده، اداره، کنترل؛ تنظیم
realistic	واقع گرا، واقع بین	relatively	نسبتاً، کمابیش
realize	فهمیدن، درک کردن، واقف بودن	release	رها کردن، منتشر کردن، ترشح کردن
reasonable	منطقی، معقول	relevant	مناسب، مربوط
rebel	شورش، یاغی، طغیانگر	reliable	قابل اعتماد، معتبر
rebellion	طغیان، شورش	relief	آرامش، تسکین، مایه ی آرامش
recall	به یاد آوردن، به خاطر آوردن	relieve	(درد و غیره) تسکین دادن
receipt	قبض، رسید، دریافت، وصول	religion	دین، مذهب، آئین، ایمان
receiver	گیرنده، دریافت کننده، (تلفن) گوشی	reluctance	بی میل، اکراه
reception	پذیرایی، استقبال، بخش پذیرش	reluctant	بی میلی
receptionist	متصدی پذیرش	rely on	وابسته، بودن به، متکی بودن به
reckon	فکر کردن، حدس زدن، قلمداد کردن	remaining	بقیه، ادامه
recognition	تشخیص، شناسایی - تصدیق	remains	بقایا، ویرانه ها، ته مانده، باقی مانده

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و یکم: لغت ۱۸۰۱ تا ۱۸۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
remark	اظهار نظر، گفته، گفتن، اشاره کردن	respectable	شریف، محترم
remarkable	قابل توجه، چشمگیر، فوق العاده	respectively	به ترتیب
remedy	بهبودی، درمان، مداوا	respond	جواب دادن، پاسخ دادن، واکنش
reminder	یادآور، یادآوری - یادداشت	responsibility	مسئولیت
remote	دور، دور دست، دور افتاده	restate	بازگو کردن، دوباره گفتن
remove	اخراج کردن، پاک کردن، از بین بردن	restless	بی قرار، بی تاب، نا آرام
rent	اجاره، اجاره کردن، اجاره دادن	restore	برگرداندن، احیا کردن
repair	تعمیر کردن، بازسازی کردن، تعمیر	restrict	محدود کردن، منحصر کردن به
repetition	تکرار، بازگویی	restroom	دستشویی، توالت - اتاق استراحت
repetitive	تکراری، یکنواخت	resume	از سر گرفتن، ادامه دادن، ادامه یافتن
reptile	(جانور) خزنده	retain	حفظ کردن، نگه داشتن
reporter	خبرنگار، گزارشگر	retarded	(شخص) عقب افتاده، عقب مانده
represent	نماینده ی ... بودن، نشانه ی ... بودن	reveal	آشکار کردن، نشان دادن
reptile	خزنده	revenge	انتقام، تلافی - کینه جوئی کردن
reputation	شهرت، نام، آوازه	revenue	درآمد، سود سهام، منافع، عایدی
requirement	شرط، لازمه، نیازمندی، احتیاج	reverse	برعکس کردن، معکوس کردن،
rescue	نجات دادن، رها کردن، نجات	revive	بهبود بخشیدن، احیا کردن، بهبود
resemblance	شباهت، همانندی	revolutionary	انقلابی
resemble	شبهه بودن، شباهت داشتن	reward	جایزه، پاداش - پاداش دادن
reserve	ذخیره کردن، اندوختن، اندوخته	rhyme	قافیه، شعر - هم قافیه بودن
reside	ساکن بودن، اقامت داشتن	riddle	معما، چیستان
residence	محل اقامت؛ مسکن	ridiculous	مسخره، مضحک، خنده دار
resident	مقیم، ساکن	rip	پاره کردن، دریدن
residential	مسکونی	rival	رقیب، حریف
resign	استعفا دادن (از)، کناره گیری کردن	roam	پرسه زدن، گشتن
resignation	استعفا	roar	نعره، غرش - نعره کشیدن - غرش کردن
resist	مقاومت کردن - نپذیرفتن	roast	برشته کردن، کباب کردن، بریان کردن
resistance	ایستادگی، مقاومت	rob	دزدیدن، سرقت کردن از، محروم کردن
resolve	حل کردن	robber	سارق، دزد
resort	تفریحگاه، استراحتگاه	robbery	سرقت، دزدی

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و دوم: لغت ۱۸۶۱ تا ۱۹۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
Roman	رومی، (مربوط به) روم	salary	حقوق، درآمد
romantic	رمانتیک، عاشقانه، عشقی	sales clerk	فروشنده مغازه
root	ریشه، منشا، سرچشمه، ریشه داشتن	saliva	بزاقي، آب دهان
rope	طناب، ریسمان	sample	نمونه
rotation	گردش، چرخش، (زمین) حرکت وضعی	sand	شن، ماسه
rotate	چرخیدن، چرخش کردن، گردش کردن	sarcasm	طعنه، سخن کنایه دار
rotten	پوسیده، گندیده	satellite dish	بشقاب ماهواره
rough	(زمین و غیره) ناهموار، پست و بلند	satisfaction	خشنودی، رضایت
roundabout	میدان، چرخ و فلک	satisfactory	رضایت بخش، قابل قبول
round trip	سفر رفت و برگشت	satisfied	راضی، خوشحال
route	مسیر، راه؛ جاده	savage	وحشی، وحشیانه، بیرحمانه
routine	جریان عادی، روال معمول	savings	پس انداز، اندوخته
row	ردیف - پارو زدن	scalp	پوست سر
royal	سلطنتی، شاهنشاهی	scandal	غیبت، بدگوئی - رسوایی، ننگ، آبروریزی
royalty	(خاندان) سلطنتی	scarce	کمیاب، نادر، به سختی
rub	(سطح و غیره) مالیدن، ساییدن	scarcely	خیلی کم، به سختی، به دشواری
rubber	پلاستیک، پاک کن	scare	ترسیدن، ترساندن
rubbish	آشغال، زباله	scarecrow	مترسک
ruby	یاقوت، لعل - رنگ یاقوتی	scared	ترسیده، وحشت زده
ruin	ویران کردن، خراب کردن، ویرانی	scary	ترسناک، دلهره ور، وحشتناک
rumor	شایعه	scatter	متفرق کردن، متفرق شدن
rural	روستایی؛ (مربوط به) روستا	scene	صحنه، منظره، چشم انداز
rush	ازدحام، شلوغی - با عجله رفتن	scenery	منظره، چشم انداز - صحنه پردازی
sacred	مقدس	scent	بو، شمیم، رایحه، عطر
sacrifice	قربانی کردن، فدا کردن؛ ایثار کردن	scheme	طرح، نقشه، برنامه - نقشه کشیدن
safety belt	کمربند ایمنی	scholar	متخصص، اهل فن، خبره
safety pin	سنجاق قفلی	scholarship	بورس تحصیلی، کمک هزینه تحصیلی
sail	بادبان - سفر دریایی، قایق رانی کردن	scissors	قیچی
sailor	ملوان، دریانورد	scorpion	عقرب
saint	مقدس	scratch	خراش، زخم، خراش دادن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و سوم: لغت ۱۹۲۱ تا ۱۹۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
scream	جیغ زدن، فریاد کشیدن، جیغ، فریاد	severe	شدید، سخت، طاقت فرسا
screen	صفحه ی نمایش، صفحه، مانیتور	sewing machine	چرخ خیاطی
screw	(ابزار) پیچ - سفت کردن	shabby	کهنه، مندرس، ژنده
script	(فیلم و غیره) متن، نوشته	shade	سایه، آفتابگیر - حباب (چراغ)
seaside	کنار دریا، ساحل دریا	shadow	سایه
seat belt	(در اتومبیل و غیره) کمربند (ایمنی)	shake	تکان خوردن، لرزیدن، تکان
secrecy	رازداری، پنهان کاری	shallow	کم عمق
secretive	رازداز، راز نگهدار	shame	خجالت، شرم، شرمساری
sector	بخش، محدوده، ناحیه، منطقه	sharp	تیز، برنده
secure	مطمئن، ایمن، امنیت ... را تامین کردن	sharpen	تیز کردن
security	امنیت، ایمنی - امنیتی	sharpener	مداد تراش
seed	دانه، هسته، تخم گیاه	sharply	به طور ناگهانی، یک مرتبه، به وضوح
segment	تکه، برش، قطعه	shatter	خرد شدن، خرد کردن
seize	گرفتن، قاپیدن، چنگ زدن	shave	تراشیدن (ریش و...)
seldom	به ندرت، کم	shaver	ماشین ریش تراش
selfish	خودخواه	sheet	ورق، برگ، برگه
semester	نیمسال (تحصیلی)	shelter	پناهگاه، سر پناه، پناه دادن (به)
semi-final	(مسابقه) نیمه نهایی	shift	عوض کردن، دگرگونی، شیفت
sensible	معقول، عاقلانه	shoelace	بند کفش
sensitive	حساس، زودرنج	shortage	کمبود، کسری
sentimental	احساساتی، عاطفی	shortly	کمی، اندکی، به زودی، به همین زودی
sequence	توالی، سلسله، رشته	shoulder	شانه (عضوی از بدن)
sergeant	گروهبان (در ارتش)	shower	حمام، دوش
serve	خدمت کردن، کار کردن	shrimp	میگو
session	جلسه، نشست	shrink	کوچک شدن، کوچک کردن - آب رفتن
set aside	کنار گذاشتن؛ پس انداز کردن	side effects	عوارض جانبی، اثرات جانبی
setting	زمینه، موقعیت؛ محیط	sidewalk	پیاده رو
settle	مستقر شدن، ساکن شدن، سکونت	sightseeing	گردشگری، دیدن مناظر
settlement	زیستگاه، مسکن - توافق - تسویه	signature	امضاء
set up	نصب کردن، (دستگاه) راه انداختن	significance	اهمیت - معنی، مفهوم

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و چهارم: لغت ۱۹۸۱ تا ۲۰۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
significant	مهم، با اهمیت	smell	بوایی، بو کردن - بو، عطر
signify	دلالت داشتن بر، معنی دادن	smelly	بد بو
signpost	تابلوی کنار جاده، علامت جاده	smile	لبخند، لبخند زدن
silent	ساکت، بی صدا	smooth	صاف، هموار
silky	ابریشمی، نرم	smoothly	راحت، بی دردسر، نرم، روان
silly	احمق، احمقانه	snap	دو نیم کردن، دو نیم شدن
simplicity	سادگی، فروتنی، بی آلابشی	sneaker	کفش کتانی، کفش ورزشی
simplify	ساده کردن	snowball	گلوله برف
simultaneous	همزمان، پشت سر هم	snowfall	بارش برف، میزان برف
sin	گناه	snowflake	دانه برف
sincere	راستگو، صادق	snowman	آدم برفی
sincerely	صادقانه، خالصانه	snowplow	ماشین برف روب
siren	آژیر خطر	so-called	به اصطلاح
situated	واقع شده در، واقع در - جایگزین	soak	خیس کردن، خیس خوردن - رسوخ کردن
skeleton	استخوان، استخوان بندی	soap	صابون
skinny	لاغر، نحیف	soap opera	سریال تلویزیونی
skull	جمجمه سر	soap powder	پودر لباسشویی
skyscraper	آسمان خراش	soccer	فوتبال
slang	گفتار عامیانه، زبان کوچه بازاری	social security	بیمه تأمین اجتماعی
slaughter	قتل عام کردن، کشتار دسته جمعی	social studies	علوم اجتماعی
slave	برده، غلام	social worker	مددکار اجتماعی
sleeve	آستین	sociology	جامعه شناسی
slender	باریک، ظریف، قلمی	soften	نرم کردن - کم کردن، کاستن
slight	کم، اندک، کوچک - ناچیز	solid	ماده ی جامد، جامد، محکم، سفت
slightly	کمی، تا حدودی، نسبتاً	solitary	منزوی، تنها - عابد، گوشه نشین
slim	لاغر، (امید، شانس) کم، اندک، ضعیف	somehow	به یک نحوی، به طریقی
slip	سر خوردن، لیز خوردن، لغزش	sophisticated	خبره، مجرب - پیچیده، دشوار
slippery	لغزنده، لیز	sorrow	غم، اندوه، تأسف، افسوس
smash	شکستن، خرد کردن، تصادف	sort	جدا کردن، تفکیک؛ دسته بندی
smashing	عالی، فوق العاده	soul	روح

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و پنجم: لغت ۲۰۴۱ تا ۲۱۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
spacecraft	فضاپیما	starve	گرسنگی کشیدن، از گرسنگی مردن
spacious	جادار، وسیع	stationary	ثابت، ساکن
sparrow	گنجشک	stationery	لوازم التحریر
species	(زیست شناسی) نوع، گونه	statistics	آمار، علم آمار
spectacles	عینک (دسته دار)	statue	مجسمه، تندیس
spectacular	تماشاگر، بیننده	status	وضع، موقعیت، منزلت اجتماعی
speculate	حدس زدن، تفکر کردن، تأمل	steady	ثابت، محکم، استوار - یکنواخت
spice	ادویه، ادویه جات	steel	فولاد، فولادسازی
spider	عنکبوت	steep	(شیب و غیره) تیز، تند، با شیب تند
spill	(آب و ...) ریختن، بیرون ریختن	sticky	چسبنده، چسبناک - سخت، دشوار
spin	چرخاندن، چرخیدن	stiff	سفت، سخت، خشک
spirit	روح، روان	stock	موجودی، ذخیره، (شرکت) سرمایه
spiritual	روحی، معنوی	storage	ذخیره سازی، نگهداری، انبار
spit	تف کردن، تف انداختن	storm	طوفان
split	شکستن، به چند گروه تقسیم کردن	straight	مستقیم، راست، صاف
spoil	ضایع کردن، لوس کردن، خراب کردن	straighten	صاف کرن، مسطح کردن، صاف شدن
spontaneous	خود به خود؛ خود جوش، بی مقدمه	stranger	غریب، بیگانه؛ خارجی
spoonful	(به اندازه) یک قاشق	strawberry	توت فرنگی
spot	جا، محل، خال، لک، پیدا کردن	stream	نهر، رود، جوی
spotless	پاکیزه، بی عیب	strengthen	تقویت کردن، تحکیم کردن
spouse	همسر	strict	(شخص) مقرراتی، سختگیر؛ (قانون) سخت
spread	پخش کردن، (بیماری) سرایت کردن	strike	خوردن به، اصابت کردن، اعتصاب
squeeze	فشار دادن، (آب و...) گرفتن، فشار	stroke	(پزشکی) سکتی مغزی
squirrel	سنجاب	struggle	دعوا، کشمکش، تلاش، کوشش، تقلا
stable	ثابت، استوار - اصطبل (اسب و...)	stubborn	لج باز، کله شق، یکدنده
staff	کارکنان، کارمندان، کارمند گرفتن	studio	استودیو، اتاق ضبط
staircase	پلکان	stupid	کند ذهن، کودن، احمق، احمقانه
stance	طرز ایستادن، حالت بدن، ژست - نقطه نظر	submarine	زیر دریایی
stapler	منگنه، سنجاق کوب	subscription	(حق) اشتراک، آبونمان، حق عضویت
stare	زُل زدن، خیره شدن	submit	تسلیم کردن، تحویل دادن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و ششم: لغت ۲۱۰۱ تا ۲۱۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
subsequent	بعدی، متعاقب	survey	بررسی، مطالعه، بررسی کردن، مطالعه کردن
substance	ماده، چیز	survive	زنده ماندن، جان سالم به در بردن
substitute	جانشین، جایگزین - تعویض کردن	suspect	حدس زدن، گمان کردن، مظنون بودن به
subtitle	زیر نویس	suspicion	سوء ظن، شک
substantial	بسیار زیاد، قابل ملاحظه	suspicious	مشکوک، مظنون، بدگمان
subway	زیر گذر	sustain	تحمل کردن، نگه داشتن، متحمل ... شدن
suffocate	خفه کردن، خفه شدن	swallow	قورت دادن، بلعیدن - پرستو، چلچله
suicide	خود کشی کردن، خودکشی، انتحار	swamp	باتلاق
suit	مناسب ... بودن، سازگار بودن، کت و شلوار	swan	قو (پرنده)
suitably	به نحو مناسبی، به طرز شایسته ای	swear	قسم خوردن، سوگند - فحش، ناسزا
suitcase	چمدان	sweat	عرق، عرق کردن
Sulphur	گوگرد	sweaty	خیس عرق - پر زحمت
sum	(پول) مبلغ، (در محاسبه) جمع، مجموع	sweep	جارو کردن، تمیز کردن
summarize	خلاصه کردن	sweetheart	معشوقه، یار - عزیزم
summary	خلاصه، چکیده	swell	ورم کردن، متورم شدن، آماس کردن
summit	قله، نوک، سر، رأس	swelling	ورم، آماس، باد
sunbathe	حمام آفتاب گرفتن	switch	تغییر دادن، موضوع را عوض کردن
sunburn	آفتاب سوختگی	sword	شمشیر
superb	بسیار عالی، برتر، باشکوه	symbolize	سمبل ... بودن، نماد ... بودن
superior	(شخص) مافوق، ارشد، بهتر، برتر	sympathetic	دلسوز، همدرد
superstition	خرافه، اعتقاد به خرافات	sympathize	همدردی کردن
supervise	نظارت کردن بر، زیر نظر داشتن	sympathy	دلسوزی، همدردی
supervisor	ناظر، سرپرست	symphony	سمفونی (موسیقی)، همنوایی
supposing	اگر، بر فرض اینکه	symptom	علامت (بیماری)، نشانه بیماری
surface	سطح، رویه	synthetic	ترکیبی - مصنوعی، ساختگی
surgeon	جراح	syrup	شربت، شیره
surgery	جراحی، عمل جراحی	tablecloth	رومیزی، سفره
surrender	تسلیم شدن، دست از مقاومت کشیدن	tablespoon	کفگیر، قاشق مخصوص کشیدن غذا
surround	محاصره کردن، احاطه کردن	tablet	قرص - تبت
surroundings	محیط (اطراف)	table tennis	تنیس روی میز

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و هفتم: لغت ۲۱۶۱ تا ۲۲۲۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
tackle	تکل (فوتبال) - از عهده کاری بر آمدن	temple	معبد
tacky	به درد نخور، خراب	temporary	موقتی، زود گذر
tact	نزاکت، درایت، آداب دانی - سلیقه	tempt	وسوسه کردن، اغوا کردن
tactful	کاردان، با تدبیر	temptation	وسوسه، اغوا
tactless	بی تدبیر، بی مهارت	tempting	وسوسه انگیز
tag	بر چسب	tenant	مستأجر
tail	دم (حیوانات) - دنباله	tend	تمایل داشتن، گرایش داشتن
tailor	خیاط	tendency	تمایل، گرایش، استعداد
take apart	از هم جدا کردن	tension	هیجان، اضطراب، تنش
takeaway	غذای (بیرون) بردنی - غذایه فروشی	tent	چادر، خیمه
takeout	غذای بیرون بر	terminal	ترمینال، پایانه مسافربری
tale	افسانه، قصه، داستان	terrace	تراس (ساختمان)، بهار خواب
talented	با استعداد، با ذوق	terrific	فوق العاده، حیرت آور
tame	رام، اهلی - رام کردن	terrified	وحشت زده
tangerine	میوه نارنگی	terrify	به وحشت انداختن
tank	مخزن، تانکر، تانک	territory	قلمرو، زمین، سرزمین، خاک
tape	چسب نواری، نوار (صوتی و...) - ضبط صدا	terror	ترس زیاد، وحشت
target	هدف	test tube	لوله آزمایشگاهی
tasteful	با سلیقه، خوش ذوق	texture	ترکیب، تار و پود، بافت
tasteless	بی مزه، بدون طعم - بی ذوق	thankful	سپاسگزار، ممنون، متشکر
tasty	خوشمزه	thanksgiving	روز شکرگزاری (در آمریکا و...)
tattoo	خالکوبی	theft	دزدی، سرقت
tax	مالیات، مالیات گرفتن	The Middle Ages	قرون وسطی
tea bag	چای کیسه ای	theory	نظریه، تئوری
teapot	قوری چای	therapy	درمان، معالجه
tease	دست انداختن، مسخره کردن	thick	کلفت، ضخیم، انبوه
teaspoon	قاشق چای خوری	thorough	کامل، تمام
tedious	ملال آور، کسل کننده	thoroughly	کاملاً، خیلی بسیار زیاد
temple	معبد، پرستشگاه، شقیقه	thoughtful	متفکر، متفکرانه
temper	خشم، عصبانیت	thoughtless	بی فکر، بی ملاحظه

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و هشتم: لغت ۲۲۲۱ تا ۲۲۸۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
threat	تهدید، ارباب - عامل تهدید	tradesman	کاسب، فروشنده، مغازه دار
threaten	تهدید کردن	trade union	اتحادیه کارگری
throat	گلو، حلق	tragic	ناگوار، غم انگیز
thumb	انگشت شست	train	تربیت کردن، آموزش دادن، آموزش دیدن
thunderstorm	طوفان همراه با رعد و برق	trainer	مربی، (در جمع) کفش ورزشی
tidy	مرتب، منظم، مرتب کردن	traitor	خائن، وطن فروش
tight	سفت، محکم - تنگ، چسبان	transaction	معامله، کار، تراکنش
tighten	سفت کردن، محکم کردن	transfer	منتقل کردن، انتقال دادن
timetable	برنامه زمانی، جدول زمانی	transform	عوض کردن، دگرگون کردن
timid	ترسو - کمرو	transformation	تغییر، دگرگونی
tin	قوطی، حلبی - فلز قلع	transparent	شفاف، واضح، روشن
tissue	(زیست شناسی) بافت، دستمال کاغذی	transport	حمل و نقل، ترابری
toddler	کودک نو پا	trap	حیله، نقشه - گیر انداختن - تله، دام
toe	انگشت پا	trash	آشغال، زباله، چیز به درد نخور
toenail	ناخن پا	trash can	سطل آشغال
tolerance	تحمل، بردباری، طاقت	treatment	درمان، معالجه، رفتار، برخورد
tolerant	شکیبا، تحمل پذیر - آزادمنش	tremendous	عظیم، بسیار زیاد، بسیار شدید
tomb	مقبره، آرامگاه	trend	تمایل، گرایش
tombstone	سنگ قبر	trial	محاکمه، محکمه - آزمایش
toothpaste	خمیر دندان	triangle	مثلث
tornado	گردباد سخت، ترنادو	tribe	قبیله، ایل
torrent	سیل، سیلاب - جریان شدید	trick	کلک، حیله، نیرنگ، شعبده بازی
torture	شکنجه، عذاب - شکنجه دادن	triumph	پیروزی، موفقیت، کامیابی
tough	سفت، محکم، سخت، مشکل - قوی بنیه	triumphant	پیروز، سربلند - شاد
tournament	مسابقه (دوره ای) ورزشی	trivial	بی اهمیت، ناچیز، کوچک، جزئی
town hall	ساختمان شهرداری	troop	(در جمع) سربازان
toxic	سمی، زهرآگین	tropical	استوایی، (مربوط به) مناطق استوایی
trace	رد ... را گرفتن، رد، اثر، نشان	trophy	جام، کاپ، نشان قهرمانی
trade	بازرگانی، تجارت، معامله کردن	trouble	گرفتاری، دردسر - به زحمت انداختن
trademark	علامت تجاری	trust	اعتماد، اعتقاد، توکل، اعتماد داشتن

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه سی و نهم: لغت ۲۲۸۱ تا ۲۳۴۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
tsunami	سونامی، زلزله دریایی	undertake	برعهده گرفتن، قبول کردن
tunnel	تونل	underwear	زیر پوش، لباس زیر
turn up	صدا را زیاد کردن، (کسی) پیدا شدن	underweight	لاغر، سبک تر از وزن معمول
turtle	لاک پشت	undoubtedly	بودن شک، مطمئناً، مسلماً
twilight	شفق، هوای گرگ و میش	uneasy	نگران، دلواپس، مضطرب
twin	دو قلو	unemployed	بیکار
twinkle	چشمک زدن	unemployment	بیکاری
twist	پیچیدن، چرخاندن، گرداندن، پیچ، تاب	uneventful	بی حادثه، بی ماجرا، یکنواخت
typical	عادی، معمولی، نمونه ی بارز	unexpected	غیر منتظره
ultimate	نهایی، سرانجام	unfair	غیر منصفانه
ultimately	بالاخره، سرانجام، در نهایت	unfamiliar	ناآشنا، نا مانوس
umpire	داور (بازی)	unfashionable	از مد افتاده، کهنه، قدیمی
unable	ناتوان، عاجز	unfasten	باز کردن (گره و...)، گشودن
unacceptable	غیر قابل قبول	ungrateful	نا سپاس، حق شناس، نمک به حرام
unanimous	هم رأی، متفق القول	uninhabited	غیر مسکونی
unarmed	غیر مسلح، بدون اسلحه	uninterested	بی علاقه، بی تفاوت
unattractive	بی ریخت، زشت	union	اتحادیه، سندیکا، اتحاد، وحدت
unavoidable	اجتناب ناپذیر	unite	متحد کردن، متحد شدن
unaware	بی اطلاع، بی خبر، نا آگاه	unity	اتحاد، وحدت، توافق، اتفاق نظر
unbearable	غیر قابل تحمل، طاقت فرسا	universal	عمومی، کلی، همگانی، جهانی
unbelievable	باور نکردنی	universe	جهان، عالم، دنیا
uncertain	نامعلوم، نامعین، مردد	unlike	بر خلاف، بر عکس، متفاوت، بی شباهت
unconfident	فاقد اعتماد بنفس	unlikely	بعید، غیر متحمل
unconscious	بیهوش، بی خبر	unload	بار خالی کردن، تخلیه کردن
uncountable	غیر قابل شمارش	unmarried	مجرد، ازدواج نکرده
undeniable	غیر قابل انکار	unpack	باز کردن (کیف و چمدان و...)
undergo	تحمل کردن، متحمل چیزی شدن	unpleasant	ناخوشایند، نامطبوع - زشت
underground	(راه و غیره) زیر زمینی، زیر زمین	unpredictable	غیر قابل پیش بینی
underneath	زیر، در زیر	unreasonable	نا معقول، غیر منطقی
undershirt	زیر پیراهنی	unreliable	غیر قابل اعتماد

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهارم: لغت ۲۳۴۱ تا ۲۴۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
unruly	سرکش، نا فرمان، یاغی	vain	خودپسند، مغرور - بیهوده، بی فایده
unstable	سست، لرزان، بی ثبات، ناپایدار	valid	معتبر، قانونی
unsteady	نا متعادل، بدون تعادل	valley	دره
unsuitably	نامناسب، به درد نخور	vampire	خون آشام
unsure	مردد، نامطمئن	vanish	ناپدید شدن، محو شدن
unsympathetic	بی احساس، بی عاطفه	vanity	غرور، خودبینی، خود پسندی
untidy	نامرتب، به هم ریخته، شلخته	vapor	بخار
untie	باز کردن (گره) ، گشودن	various	متنوع، گوناگونی
unwanted	ناخواسته	vegetarian	گیاهخوار
unwelcome	ناخوشایند	vehicle	وسیله ی نقلیه
unwilling	بی میل، بی رغبت	vein	رگ
unwise	غیر منطقی، از روی نادانی - نادان	verify	اثبات کردن، تایید کردن، تصدیق کردن
upgrade	بهبود بخشیدن، ارتقاء دادن	versus	در مقابل، در برابر
uphill	سر بالایی، سر بالا	vertical	عمودی، قائم
upright	راست، عمودی، به طور ایستاده	vessel	(در بدن) رگ، کشتی
upsetting	ناراحت کننده	vest	جلیقه
upside down	وارونه، بر عکس	vet	دامپزشک
upwards	بالا، به طرف بالا	via	از طریق، از راه
urban	شهری؛ (مربوط به) شهر	viability	زیست پذیری، قابلیت زیستن
urge	مجبور کردن، میل شدید، اشتیاق	viable	ماندنی، قابل دوام - زیست پذیر
urgent	اضطراری، ضروری، فوری	vicinity	نزدیکی، مجاورت
utilize	استفاده کردن از، به کار گرفتن	vicious	بی رحم، ظالم، تبهکار
vacancy	جای خالی، اتاق خالی - خلأ	victim	قربانی
vacant	خالی، تهی - بدون سرپرست	victorious	پیروز، فاتح
vaccinate	واکسن زدن به، واکسینه کردن	victory	پیروزی، برد
vaccination	واکسیناسیون	viewer	بیننده
vaccine	واکسن، آمپول	villain	آدم شرور، شخصیت منفی داستان
vacuum cleaner	جارو برقی	vinegar	سرکه
vague	مبهم، گنگ، نامعلوم، غیر واضح	violence	خشونت، تندی، زور
valid	معتبر، قانونی	violent	خشن، پر خشونت

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهل و یکم: لغت ۲۴۰۱ تا ۲۴۶۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
violet	رنگ بنفش	waterproof	ضد آب
virtual	واقعی - مجازی	wave	دست تکان دادن
virtually	تقریباً، عملاً	wavy	موج دار
virtual reality	واقعیت مجازی	weed	علف هرز
visual aid	وسایل کمک آموزشی	weaken	ضعیف کردن، تضعیف کردن
vital	حیاتی، ضروری، بسیار مهم	weakness	ضعف، سستی
voicemail	پیامگیر صوتی (تلفن)	wealth	ثروت، دارایی
volcano	(کوه) آتشفشان	wealthy	ثروتمند، پولدار
vomit	استفراغ، استفراغ کردن	weapon	سلاح، اسلحه
vote	رای، رأی دادن به	weather forecast	پیش بینی وضع هوا
voter	رای دهنده	wedding	مراسم ازدواج، (جشن) عروسی
vulnerable	آسیب پذیر، شکننده، حساس	weightlifting	(ورزش، رشته) وزنه برداری
vulture	کرکس، لاشخوار	welcome	خوشآیند، دلپذیر - استقبال کردن
wage	حقوق، دستمزد، مزد - کارمزد	welfare	سعادت، سلامت؛ رفاه
wail	شیون کردن، گریه و زاری کردن	well behaved	مؤدب، با نزاکت، خوش رفتار
waist	کمر	well dressed	خوش پوش، خوش لباس
waitress	خدمتکار یا گارسون (خانم)	wheat	گندم
walking stick	عصا، چوب دستی	wheelbarrow	فرغون، چرخ دستی
wallet	کیف پول	wheelchair	صندلی چرخ دار، ویلچر
wallpaper	کاغذ دیواری	whichever	هر کدام، هر کدام که
walnut	گردو	whip	شلاق، شلاق زدن
wander	گشتن، پرسه زدن، گشت، پرسه	whisper	پچ پچ کردن، نجوا، پچ پچ
warmth	گرما، حرارت - صمیمیت، مهربانی	whistle	سوت، سوت زدن
warrant	حکم، مجوز	wicked	شرور، بدجنس، تبهکار
warrior	جنگجو، سرباز	widespread	شایع، متداول، گسترده، وسیع
washroom	توالت، دستشویی	widow	بیوه (زنی که مردش فوت کرده یا طلاق گرفته)
wasp	زنبور	widower	مردی که زنش فوت کرده یا طلاق گرفته
waterfall	آبشار	width	پهنای، عرض
watering can	آب پاش	wig	کلاه گیس
watermelon	هندوانه	windsurfing	موج سواری

واژگان تکمیلی کنکور (خارج از کتابهای درسی)

صفحه چهل و دوم: لغت ۲۴۶۱ تا ۲۵۰۰

<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>	<i>Words</i>	<i>Persian Meanings</i>
wink	چشمک زدن	wounded	زخمی، مجروح
wipe	تمیز کردن، پاک کردن - نظافت	wrap	بسته بندی کردن، بستن
wireless	بی سیم	wreck	شکستن، خراب کردن (ماشین، ...)
wisdom	عقل، عقلانیت، خرد	wrench	آچار
wish	آرزو، میل، تمایل - آرزو کردن	wrist	مچ دست
wit	بذله گویی، شوخ طبعی	x-ray	اشعه ایکس، عکس رادیولوژی
withdraw	(نظامی) عقب نشینی کردن	xylophone	نوعی آلت موسیقی، سنتور چوبی
witness	شاهد، شاهد عینی، شاهد ... بودن	yacht	قایق تفریحی، قایق مسابقه ای
witty	بذله گو، شوخ - طنز آمیز	yawn	خمیازه کشیدن
wizard	جادوگر، ساحر	yell	فریاد زدن، داد زدن
woolen	پشمی	yield	ثمر دادن، به بار نشستن - تولید کردن
workforce	نیروی کار	youngster	(شخص) جوان
worksheet	چک لیست	youth	جوان - (دوران) جوانی
worldwide	در سرتاسر جهان، جهانی	yummy	خوشمزه، لذیذ، مطبوع
worm	کرم - خزیدن، لولیدن	zebra crossing	خط عابر پیاده
worship	عبادت کردن، پرستیدن	zinc	فلز روی
worth	به ارزش، معادل، به اندازه ی	zip code	کد پستی
worthless	بی ارزش، بی فایده	zipper	زیپ
worthwhile	با ارزش، ارزشمند، سودمند	zoom	زوم (دوربین و...) - به شتاب رفتن
worthy	لایق، سزاوار، شایسته	zone	منطقه (ویژه یا خاص)، ناحیه

Vocabulary Tests

University Entrance Exams (1370 - 1397)

سوالات واژگان کنکورهای سراسری

(۱۳۷۰ - ۱۳۹۷)

سوالات واژگان کنکورهای سراسری (۱۳۷۰ - ۱۳۹۷)

1. Research has shown the weather can ----- people's behavior.
a. raise b. bother c. influence d. introduce
2. So far, we haven't been able to find much about this metal but we are still ----- on it.
a. remembering b. researching c. recognizing d. releasing
3. Here is some ----- information about the history of Iran.
a. useful b. careful c. powerful d. successful
4. My study involves the ----- of the animals in their natural surroundings.
a. impression b. destination c. promotion d. observation
5. You must decide for yourself. Don't let anybody else ----- you.
a. promise b. influence c. improve d. encourage
6. He had to cancel his weekend plan because of the ----- of work at the office.
a. publicity b. pressure c. capacity d. resource
7. The imposed war had a very serious ----- on the economy of our country.
a. effect b. import c. income d. labor
8. My friend didn't----- well in the group, so he was put away.
a. relax b. dissolve c. behave d. contain
9. Many ----- are being done to show the effect of watching TV on people's lives
a. arrangements b. arguments c. agreements d. experiments
10. After a long discussion, she finally agreed that I was right in several -----.
a. cases b. fields c. scenes d. topics
11. Don't hold the book too near while reading. It may damage your -----.
a. mind b. memory c. eyesight d. brain
12. The shirts and their colors are so beautiful that it's not easy for me to make a ----- of which to buy.
a. opportunity b. fortune c. election d. choice
13. You have to listen to different cassettes if you want to ----- your listening comprehension.
a. allow b. improve c. observe d. provide
14. The influence of your new book on the readers is unbelievable. " Influence " means -----.
a. effect b. contact c. contract d. product
15. Whether young or old, the environment in which we work has a great ----- on us .
a. education b. emotion c. experience d. effect
16. In several cases which children were gotten away from TV, their ----- improved a lot.
a. pressure b. eyesight c. advice d. fashion
17. She showed such a great ----- in playing the piano that everybody admired her.
a. health b. idea c. skill d. expression
18. He's not an honest person, so people hate him. " Hate " means -----.
a. dislike b. excuse c. hold d. prefer
19. Don't light the cigarette. Smoking is ----- inside the building.
a. handled b. punished c. suffered d. forbidden

20. Do you ----- how much work I have done today.
a. organize **b. advise** **c. promise** **d. realize**
21. Women are ----- from going out without a scarf in this country.
a. forbidden **b. removed** **c. handled** **d. organized**
22. Parents play a vital ----- in their children's education.
a. norm **b. mood** **c. role** **d. comment**
23. People can ----- for a storm if they know it is coming.
a. provide **b. prepare** **c. present** **d. polish**
24. To be ----- with you, I do not think your plan is practical.
a. perfect **b. secure** **c. desirable** **d. honest**
25. There are a large number of young people with university ----- who look for job.
a. habits **b. degrees** **c. measures** **d. accounts**
26. The law ----- people to sell cigarettes to anyone under the age of 16.
a. refuses **b. forbids** **c. follows** **d. recalls**
27. We conduct regular checks on our ----- to make sure that they are of high quality.
a. products **b. brackets** **c. convents** **d. gestures**
28. One ----- tool in time management is to check how to spend your time for a week.
a. artificial **b. economical** **c. elementary** **d. valuable**
29. Some people aren't ----- of themselves for telling lies.
a. ashamed **b. composed** **c. disturbed** **d. informed**
30. She's the most efficient secretary we had ever had. She does everything -----.
a. awfully **b. carelessly** **c. perfectly** **d. greedily**
31. Babak is a stupid boy. The more he studies the less he learns. " Stupid " is the opposite of -----.
a. brave **b. clever** **c. polite** **d. strong**
32. It is said that our country is ----- more cars now than before.
a. improving **b. suggesting** **c. crowding** **d. producing**
33. There are always more jobs for highly ----- people than those who have not been to the university.
a. supervised **b. educated** **c. inventive** **d. productive**
34. As I watched the TV play, I suddenly ----- that I had seen it before.
a. displeased **b. wondered** **c. realized** **d. compared**
35. My mother is sick and I have to ----- her while my father is away.
a. look up **b. take part in** **c. look after** **d. take away**
36. Children usually ----- their parents for food and clothes.
a. depend on **b. insist on** **c. keep on** **d. turn on**
37. They are still ----- dead bodies in Bam.
a. giving up **b. sticking out** **c. bored with** **d. searching for**
38. Please ----- the television before you go to bed; or we would not be able to sleep.
a. look for **b. put on** **c. turn off** **d. wake up**
39. How could you ----- what he said was not true, by fortune?
a. stick out **b. find out** **c. pick up** **d. give up**

40. I ----- my neighbor's son while she was out last night.
a. set up **b. gave up** **c. looked after** **d. took place**
41. I ----- quickly to see if someone was following me.
a. turned round **b. looked after** **c. searched for** **d. turned down**
42. My job seemed to ----- standing and smiling at people.
a. devoted to **b. be aware of** **c. take part in** **d. consist of**
43. We are ----- him finishing the job on Friday.
a. keeping up **b. depending on** **c. concentrating on** **d. passing on**
44. If you ----- the radio, we can hear better.
a. make up **b. pass on** **c. call up** **d. turn up**
45. He ----- the door of the shop and went home.
a. got away from **b. locked up** **c. took off** **d. take part in**
46. Mrs. Ahmadi's servant will ----- her children while she is in hospital.
a. look up **b. look for** **c. look after** **d. look at**
47. The airline agency is directly ----- the safety of its passengers.
a. similar to **b. responsible for** **c. willing to** **d. continuous for**
48. We will achieve more if we ----- our studies.
a. pick up **b. look up** **c. take part** **d. concentrate on**
49. Our ----- to think and speak makes us different from other animals.
a. ability **b. activity** **c. memory** **d. research**
50. Everybody needs to have both ----- and physical health.
a. mental **b. reasonable** **c. conscious** **d. religious**
51. Many tourists carry cameras of various kinds to keep a ----- of what they have seen on their trips.
a. record **b. sight** **c. scene** **d. memory**
52. Collecting stamps is an interesting ----- if one can afford to buy them.
a. duty **b. habit** **c. hobby** **d. role**
53. Some people can never recall the stories they are told. "Recall" is the opposite of -----.
a. continue **b. explain** **c. discover** **d. forget**
54. He has got such a strong ----- . He never forgets anything.
a. brain **b. capacity** **c. memory** **d. mind**
55. When she opened her eyes, she saw a white ----- standing by her bedside.
a. object **b. event** **c. member** **d. view**
56. I had to make a ----- effort not to get angry at her silly behavior.
a. conscious **b. disappointed** **c. dependent** **d. responsible**
57. Please write to us for more ----- of the job.
a. advantages **b. customers** **c. details** **d. expressions**
58. Watching the photos we had taken in Australia brought me back a lot of nice ----- .
a. hobbies **b. periods** **c. memories** **d. collections**
59. If your back is still ----- , take an aspirin. It will be good for you.
a. painful **b. unusual** **c. secure** **d. average**

60. The American war against Iraq has been the worst ----- of the year 2003.
a. event **b. account** **c. element** **d. accident**
61. The police ----- everywhere for the thieves, but couldn't find them.
a. improved **b. searched** **c. employed** **d. measured**
62. She works in a hospital for the ----- ill.
a. mentally **b. attentively** **c. commonly** **d. emotionally**
63. If you are going to walk a long way, it is better to start at a slow -----.
a. pace **b. action** **c. extent** **d. attempt**
64. Children's ----- needs are as important as their physical ones.
a. emotional **b. amusing** **c. constant** **d. primitive**
65. The school is ----- for the safety of the children during the school hours.
a. responsible **b. particular** **c. flexible** **d. similar**
66. Anyone ----- joining the club should contact us at the address below.
a. interested in **b. careful** **c. responsible** **d. influenced by**
67. The idea of "law" ----- in every culture.
a. attaches **b. removes** **c. traps** **d. exists**
68. Mohsen is a very careless driver. His parents are worried about his -----.
a. ability **b. honesty** **c. safety** **d. variety**
69. Millions of people all over the world spend hours every week watching sports -----.
a. sessions **b. reasons** **c. accidents** **d. events**
70. I had to study for the exam, so I had a ----- sleep last night.
a. brief **b. extreme** **c. concerned** **d. unbelievable**
71. Today thousands of men and women from different countries take part in the Olympic Games. "Take part" means -----.
a. appreciate **b. communicate** **c. concentrate** **d. participate**
72. The price ----- the return ticket, hotel and meals for two days.
a. composes **b. attends** **c. requires** **d. includes**
73. The Islamic Republic of Iran has had a good ----- diplomacy since the beginning of the Revolution.
a. international **b. physical** **c. mechanical** **d. equal**
74. In doing a test, first we should read the ----- carefully.
a. decisions **b. collections** **c. instructions** **d. publication**
75. He had a good ----- to be selected as the president of the company.
a. service **b. device** **c. fortune** **d. culture**
76. The government should encourage people to have ----- with each other in using things again and again.
a. huntings **b. fightings** **c. competitions** **d. observations**
77. The ----- of these machines is very simple.
a. situation **b. attention** **c. operation** **d. pollution**
78. He ----- the police to search every corner of his apartment.
a. permitted **b. treated** **c. respected** **d. reported**
79. Our basketball team played well and was the ----- of the competition.
a. stranger **b. winner** **c. viewer** **d. conductor**

80. Doctors said that they could not ----- the patient now because it was too risky.
a. respect **b. overtake** **c. operate** **d. offend**
81. He had better read the ----- before he continues his work.
a. instruments **b. characters** **c. instructions** **d. conditions**
82. The ----- that you make at school often lasts for life.
a. friendships **b. operations** **c. organizations** **d. memberships**
83. It is against the law to open someone's mail without ----- or to secretly listen someone's telephone exchange.
a. permission **b. occasion** **c. missionary** **d. advertised**
84. The design has not changed – the new one is ----- the same as the old one.
a. basically **b. constantly** **c. efficiently** **d. interchangeably**
85. I tried to follow the -----, but I got confused.
a. instructions **b. collections** **c. conditions** **d. endeavors**
86. The situation has got better by several ----- new developments.
a. willing **b. exciting** **c. confusing** **d. shocking**
87. Some students were too confused to answer the questions correctly. " Confused " means -----.
a. amused **b. excited** **c. puzzled** **d. relaxed**
88. I am always surprisingly ----- before an exam and never feel any kind of stress.
a. confused **b. shocked** **c. disappointed** **d. relaxed**
89. The teacher asked the students to write the answers in a separate ----- of paper.
a. sheet **b. field** **c. edge** **d. area**
90. The woman was ----- by the little dog outside the house.
a. qualified **b. separated** **c. overcrowded** **d. frightened**
91. At last we have found a solution to a problem which was very -----.
a. excited **b. balanced** **c. confusing** **d. producing**
92. The instruction on the box are very ----- . I don't know how to use it.
a. amusing **b. amazing** **c. confusing** **d. interesting**
93. It's wonderful what they can do these days. " Wonderful " means -----.
a. interesting **b. surprising** **c. amusing** **d. producing**
94. Margaret has to do all that work before Friday – do you think she'll -----.
a. manage **b. organize** **c. occur** **d. allow**
95. Smoking and drinking are among his bad -----.
a. topics **b. means** **c. degrees** **d. habits**
96. A Moslem breaks his ----- at the end of the day.
a. task **b. fast** **c. scene** **d. content**
97. We were in a(n) ----- state last night because of the explosion.
a. amusing **b. shocking** **c. confusing** **d. relaxing**
98. There is always a degree of risk ----- in mountain climbing.
a. involved **b. preceded** **c. operated** **d. influenced**
99. The noisy student was ordered to leave the room -----.
a. finally **b. comfortably** **c. continuously** **d. immediately**
100. I sometimes got involved in a(n) ----- conversation about food prices and got tired.
a. boring **b. sleeping** **c. chemical** **d. emotional**

101. Listen! I'm ----- . I'm not lending you any more money.
a. serious **b. famous** **c. religious** **d. surprised**
102. That man ----- stealing the money.
a. repairs **b. denies** **c. borrows** **d. invents**
103. Jim is not experienced enough to work six hours a day constantly. " constantly " means ----- .
a. previously **b. continuously** **c. definitely** **d. appropriately**
104. Frances is a natural leader; he's very good at ----- people.
a. designing **b. handling** **c. restating** **d. devoting**
105. The brain receives information from scenes, ----- the information, and rapidly sends our responses.
a. products **b. publishes** **c. processes** **d. permits**
106. An instruction handbook from the manufacturer is ----- to the customers.
a. personal **b. available** **c. relative** **d. brilliant**
107. I have fifty books on my shelves which cover every ----- of Iranian history.
a. mission **b. aspect** **c. effect** **d. focus**
108. On September 11th, the twin ----- of the World Trade Center were destroyed.
a. regions **b. rows** **c. tracks** **d. towers**
109. The pianist ----- brilliantly in the last night's concert.
a. attracts **b. issued** **c. magnified** **d. performed**
110. They were worried about the ----- of western films and television on young people.
a. ignorance **b. importance** **c. influence** **d. instance**
111. There isn't much ----- for young people in this town. There's only one cinema.
a. entertainment **b. arrangement** **c. experiment** **d. assignment**
112. The clothes were ----- for extremely cold climates.
a. designed **b. absorbed** **c. afforded** **d. developed**
113. Walking to and from work is the ----- I enjoy much.
a. function **b. activity** **c. event** **d. behavior**
114. A teacher should know how to handle the class well. " Handle " means ----- .
a. behave **b. educate** **c. manage** **d. receive**
115. At sea the wind can build up giant powerful waves. " Giant " means ----- .
a. amused **b. confused** **c. enormous** **d. ancient**
116. She was able to ----- her weight from 60 kg to 55 kg.
a. release **b. reduce** **c. control** **d. measure**
117. Some animals ----- the plants and other animals of that place for their food, and become used to the climate.
a. depend on **b. insist on** **c. carry out** **d. concentrate on**
118. Too much pressure produced by the blood pressing against inner walls of the blood ----- is called high blood pressure.
a. joints **b. vessels** **c. nutrients** **d. ankles**
119. The amount of money one earns ----- the work he is doing.
a. depends on **b. refers to** **c. asks for** **d. consists of**
120. Children usually have ----- bodies since they can bend and stretch easily.
a. relaxed **b. mild** **c. reduced** **d. flexible**

121. Plants draw minerals and other ----- from the soil.
a. nutrients **b. chemicals** **c. underpass** **d. features**
122. Things needed to keep a living thing alive and to help it grow are -----.
a. contents **b. joints** **c. nutrients** **d. networks**
123. Television can ----- our knowledge of the outside world; there are high quality programs that help us understand many fields of study.
a. decrease **b. reduce** **c. magnify** **d. increase**
124. In most countries, the people all understand one language. They feel----- of their country, its history and way of life.
a. anxious **b. nervous** **c. proud** **d. worried**
125. We don't know exactly when the house was built, but it was ----- over 100 years ago.
1) recently **2) certainly** **3) successfully** **4) constantly**
126. Our plans need to be ----- enough to provide the needs of everyone.
a. repetitive **b. flexible** **c. physical** **d. emotional**
127. You will lose weight and become weak unless you receive all the ----- your body needs.
a. qualities **b. functions** **c. endorphins** **d. nutrients**
128. He did his best to ----- his arm to reach the apple, but he couldn't.
a. stretch **b. join** **c. release** **d. join**
129. Eating ----- foods and getting regular exercise have become important to both younger and older people.
a. individual **b. serious** **c. repetitive** **d. healthful**
130. You have to take regular ----- to reduce the risk of heart attack.
a. practice **b. influence** **c. activity** **d. exercise**
131. When we exercise, our body can release endorphins. " Release " means -----.
a. raise **b. keep** **c. set free** **d. lie**
132. The office is going to ----- working hours from 25 to 30 per week.
a. decide **b. increase** **c. combine** **d. research**
133. The aim of having a nuclear free world is to obtain more ----- in our lives.
a. safety **b. effect** **c. calorie** **d. focus**
134. Students are normally ----- about the results of their exams.
1) anxious **2) emotional** **3) conscious** **4) impolite**
135. We can, therefore, ----- and say that most of our students are middle - class.
1) organize **2) summarize** **3) generalize** **4) surprise**
136. Jane can get the job done. I have full ----- in her abilities.
1) endeavor **2) confidence** **3) situation** **4) contact**
137. Could you stop talking, please? You are ----- me from my work.
1) recalling **2) influencing** **3) denying** **4) distracting**
138. Don't ----- out of the window while the train is moving.
1) react **2) cross** **3) lean** **4) handle**
139. No matter what you wear, your clothes send a ----- about who you are.
1) message **2) respect** **3) definition** **4) warning**

140. Many people like talk shows because guests are usually ----- in challenging situations.

- 1) **organized** 2) **involved** 3) **prepared** 4) **described**

141. A: What do you think that ----- means? B: It could mean goodbye.

- 1) **expression** 2) **occasion** 3) **gesture** 4) **course**

142. "There's no way I'm letting you go to the party," my mother said -----.

- 1) **briefly** 2) **heavily** 3) **suitably** 4) **firmly**

143. If she is asleep, don't disturb her. "Disturb" means -----.

- 1) **control** 2) **bother** 3) **lower** 4) **ignore**

144. It is important to ----- the road when you are driving.

- 1) **mention** 2) **protect** 3) **react with** 4) **concentrate on**

145. We want to ----- the latest technology into schools.

- 1) **publish** 2) **emphasize** 3) **introduce** 4) **improve**

146. The man is being ----- the police station for further questioning.

- 1) **held at** 2) **tired of** 3) **used for** 4) **influenced by**

147. We met on several ----- to discuss the matter.

- 1) **purposes** 2) **occasions** 3) **permissions** 4) **expressions**

148. I could hear him ----- his fingers on the desk.

- 1) **leaning** 2) **crossing** 3) **lowering** 4) **tapping**

149. They greatly ----- the fact that healthy eating is important.

- 1) **distracted** 2) **encouraged** 3) **emphasized** 4) **attracted**

150. The ----- of prizes began right after the speeches.

- 1) **information** 2) **presentation** 3) **explanation** 4) **observation**

151. He ----- me about the danger of walking home alone at night.

- 1) **wondered** 2) **warned** 3) **distracted** 4) **disturbed**

152. She always moves into the same ----- for the cameras.

- 1) **posture** 2) **formation** 3) **capacity** 4) **scene**

153. I felt ----- that I would pass my driving test.

- 1) **confident** 2) **useful** 3) **involved** 4) **public**

154. Our ----- with this company started in 1998.

- 1) **entertainment** 2) **economy** 3) **involvement** 4) **environment**

155. She was greatly ----- in the play and cried in the final act.

- 1) **developed** 2) **involved** 3) **expressed** 4) **contained**

156. My cousin has a strong ----- likeness to his father.

- 1) **regular** 2) **facial** 3) **actual** 4) **particular**

157. A limited area of land with grass or crops growing on it is called a -----.

- 1) **valley** 2) **field** 3) **region** 4) **forest**

158. No one exactly knows what led to the ----- of dinosaurs.

- 1) **extinction** 2) **involvement** 3) **inaction** 4) **relationship**

159. What you consider as ----- can be recycled to be used again.

- 1) **coal** 2) **item** 3) **trash** 4) **fuel**

160. The new social behavior among young people is in part ----- by the recent changes in the ----- of family life.

- 1) raised - result 2) referred - concern 3) defined - material 4) caused - pattern

161. Weather means the ----- of the atmosphere at a certain place over a short period. It may be cold or hot, cloudy or sunny.

- 1) pollution 2) composition 3) occasion 4) condition

162. Some scientists think that using coal and oil, and ----- tropical forests, might lead to a change in the weather.

- 1) orbiting 2) trapping 3) burning 4) felling

163. Half the earth is lit by sunlight at a time, just as the moon and the other planets are. It ----- one-third of the sunlight that falls on it.

- 1) reflects 2) reduces 3) increases 4) releases

164. Public water supply must be protected against ----- very carefully.

- 1) climate 2) pollution 3) wildlife 4) pressure

165. A storm is a very, very strong wind. It may have a speed of about 120 kilometers an hour. It can cause heavy ----- to trees and houses.

- 1) variety 2) support 3) damage 4) transfer

166. He was ----- to hear that two of his active workers would leave the factory.

- 1) defined 2) enhanced 3) concerned 4) contained

167. Child labor is also a growing concern in Eastern Europe. "Concern" means -----.

- 1) aspect 2) habit 3) reason 4) worry

168. I think you should listen to the doctor's medical ----- if you want to get well quickly.

- 1) struggles 2) influences 3) intentions 4) instructions

169. Man will use ----- heating instead of coal and oil in future.

- 1) extra 2) solar 3) global 4) regular

170. You need to take all the necessary nutrients if you really want to ----- your health condition.

- 1) disturb 2) provide 3) enhance 4) perform

171. A comfortable working ----- will increase the products of the factory.

- 1) achievement 2) environment 3) experiment 4) entertainment

172. The school arranges social ----- for students on the weekends.

- 1) activities 2) respects 3) achievements 4) capacities

173. When we talk about the weather, we talk about the ----- that is, how cold or hot it is.

- 1) situation 2) degree 3) temperature 4) pollution

174. Formed from plants thousands of years ago, oil has been an important ----- of energy for the whole world.

- 1) income 2) column 3) source 4) skill

175. After any large earthquake, most people look -----.

- 1) shocked 2) destructive 3) extreme 4) complex

176. There was something ----- on the surface of the water.

- 1) leaning 2) locating 3) including 4) floating

177. The houses along the shore have been built into the -----.

- 1) societies 2) holes 3) rocks 4) shocks

178. We are ----- against the presence of America in that country.
 1) **strongly** 2) **proudly** 3) **flexibly** 4) **smoothly**
179. I'm afraid there is no mechanism for dealing with your complaint. 'Mechanism' means -----.
 1) **purpose** 2) **method** 3) **function** 4) **occasion**
180. There are about 18 big earthquakes every year but it is hard to ----- where or when an earthquake will occur.
 1) **protect** 2) **provide** 3) **produce** 4) **predict**
181. Rainwater is never pure water. It always ----- tiny dust or salt from the sea.
 1) **locates** 2) **consists** 3) **causes** 4) **contains**
182. An organization that works to prevent fires and stop them burning is called a fire -----.
 1) **department** 2) **committee** 3) **community** 4) **instrument**
183. They are concerned about the ----- effects that bad films have on children.
 1) **available** 2) **electrical** 3) **populated** 4) **destructive**
184. Scientists are now able to ----- the global weather in the future.
 1) **float** 2) **forecast** 3) **emphasize** 4) **experience**
185. You should always call the police in a(n) -----.
 1) **emergency** 2) **experience** 3) **vacation** 4) **instruction**
186. These plants cannot ----- in very cold conditions.
 1) **locate** 2) **survive** 3) **protect** 4) **include**
187. ----- Bob didn't break any of his bones.
 1) **Confidently** 2) **Primarily** 3) **Basically** 4) **Luckily**
188. It was the first time I'd ever ----- failure. What about you?
 1) **performed** 2) **estimated** 3) **experienced** 4) **enhanced**
188. The road was closed for two hours after the accident, but the vehicles are now moving ----- again.
 1) **directly** 2) **efficiently** 3) **smoothly** 4) **commonly**
189. The restaurant is ----- for its friendly atmosphere and excellent service.
 1) **well-known** 2) **balanced** 3) **appropriate** 4) **interesting**
190. A piece of furniture with shelves used for storing or showing decorative things is called a -----.
 1) **bulb** 2) **column** 3) **cabinet** 4) **laboratory**
191. A way of doing something, especially the usual way, is a -----.
 1) **posture** 2) **procedure** 3) **gesture** 4) **prediction**
192. The open windows were ----- all night because of the wind.
 1) **rattling** 2) **floating** 3) **damaging** 4) **reacting**
193. A microscope is an ----- used for viewing objects too small to be seen easily with real eyes.
 1) **experience** 2) **instrument** 3) **organization** 4) **operation**
194. A particular area or a part in a country or in the world is called a -----.
 1) **pole** 2) **region** 3) **site** 4) **plain**
195. I believe ----- life is usually more peaceful than city life.
 1) **global** 2) **available** 3) **formal** 4) **rural**
196. She says that living in an urban area or a rural one does not ----- a difference to her.
 1) **do** 2) **bring** 3) **make** 4) **have**

197. Weather affects our lives in several ways. It affects our food and drinks. It affects ----- industry, transport and communication as well.
- 1) **achievement** 2) **category** 3) **ceramics** 4) **agriculture**
198. Philosophers of the past ----- the moon with birth, growth, and death.
- 1) **defined** 2) **expressed** 3) **supported** 4) **related**
199. The teachers' main task is to create conditions that will ----- learning.
- 1) **estimate** 2) **encourage** 3) **experience** 4) **exercise**
200. Recent medical research shows that many diseases can be ----- by healthy diets.
- 1) **prevented** 2) **survived** 3) **suggested** 4) **protected**
201. This isn't the ----- time to discuss such an important matter.
- 1) **appropriate** 2) **probable** 3) **successful** 4) **responsible**
202. Some factories hire children to work to pay them less. "Hire" means -----.
- 1) **enter** 2) **employ** 3) **design** 4) **describe**
203. You should tell the children not to ----- dangerous materials.
- 1) **promote** 2) **create** 3) **support** 4) **handle**
204. The bridge is a strange work of engineering and -----.
- 1) **instruction** 2) **competition** 3) **construction** 4) **organization**
205. The only way we are going to compete with the West is to ----- our country.
- 1) **industrialize** 2) **emphasize** 3) **summarize** 4) **exemplify**
206. People should be ----- to use their abilities to the maximum.
- 1) **encouraged** 2) **promised** 3) **survived** 4) **established**
207. A group of people having the same religion, job, etc. are a -----.
- 1) **category** 2) **community** 3) **government** 4) **missionary**
208. His great ----- in the film won him an Oscar. '
- 1) **experiment** 2) **importance** 3) **missionary** 4) **performance**
209. The government should act quickly to help people in -----.
- 1) **poverty** 2) **struggle** 3) **extinction** 4) **region**
210. The book was written in a way appropriate to the age of the children. "Appropriate" means -----.
- 1) **Inefficient** 2) **serious** 3) **suitable** 4) **successful**
211. He first worked as an ----- to his father before he started his own business.
- 1) **emotion** 2) **aspect** 3) **apprentice** 4) **agriculture**
212. The speaker didn't answer the question I asked because he said it was ----- to what he was talking about.
- 1) **talkative** 2) **irrelevant** 3) **specific** 4) **individual**
213. You have to learn how to ----- the problems in this business.
- 1) **instruct** 2) **handle** 3) **contain** 4) **include**
214. The number of people ----- in construction industry has been decreased.
- 1) **employed** 2) **performed** 3) **prepared** 4) **informed**
215. The engineers ----- that it would take more than a year to finish building the factory.
- 1) **observed** 2) **experimented** 3) **supported** 4) **estimated**

216. As a father, he is concerned about violence but does not want to ----- the opportunity of viewing the news from his children.
 1) **reduce** 2) **distract** 3) **damage** 4) **remove**
217. A ----- number of students are becoming engineers these days.
 1) **developing** 2) **growing** 3) **flexible** 4) **social**
218. Someone had ----- the radio from my car but done no other damage.
 1) **removed** 2) **invented** 3) **located** 4) **lifted**
219. Freedom of speech is one of the basic human's -----.
 1) **rights** 2) **effects** 3) **averages** 4) **results**
220. As he had no practical skill, he had to work as a/an ----- for six months to get the job.
 1) **apprentice** 2) **employee** 3) **viewer** 4) **manager**
221. Japan doesn't have much land suitable for ----- so it depends on other countries for food
 1) **development** 2) **agriculture** 3) **strategy** 4) **movement**
222. The pressure of ----- forces many young children in poor families to leave school and work.
 1) **union** 2) **labor** 3) **society** 4) **poverty**
223. The amount of something in a unit, volume, area, or length is called -----.
 1) **structure** 2) **quality** 3) **density** 4) **pattern**
224. Taking coal, gold, etc. from a large hole or tunnel in the ground is called -----.
 1) **stretching** 2) **mining** 3) **recycling** 4) **manufacturing**
225. We all know that Mrs. Smith is a good manager and runs her business very -----.
 1) **previously** 2) **efficiently** 3) **straightly** 4) **artificially**
226. An object that is sent into space to travel around the Earth in order to receive and send information is called a(n) -----.
 1) **train** 2) **ship** 3) **helicopter** 4) **satellite**
227. The fact that I am as old as you do not make any -----.
 1) **pattern** 2) **content** 3) **average** 4) **difference**
228. The area has a high population ----- . Therefore, there will be a heavy traffic over there.
 1) **income** 2) **density** 3) **function** 4) **issue**
229. France plans to ----- a satellite to measure the temperature of the Earth's upper atmosphere.
 1) **recycle** 2) **enter** 3) **launch** 4) **explore**
230. There will be a meeting on the ----- of a new kind of airplane very soon.
 1) **invitation** 2) **permission** 3) **projection** 4) **extinction**
231. When raw materials or foods are ----- they are changed in a suitable manner for a particular purpose.
 1) **transferred** 2) **processed** 3) **managed** 4) **stored**
232. The moon is the natural ----- of the earth.
 1) **satellite** 2) **surface** 3) **semicolon** 4) **summary**
233. The products of this company contain no ----- materials.
 1) **physical** 2) **mental** 3) **central** 4) **artificial**
234. The latest model has an important new feature. "Feature" is closest in meaning to -----.
 1) **poverty** 2) **quality** 3) **density** 4) **possibility**

235. Do you know that the earth takes a year to ----- the sun.
 1) **define** 2) **indicate** 3) **record** 4) **orbit**
236. He began by making a few general ----- about the moon and the stars.
 1) **assignments** 2) **movements** 3) **observations** 4) **competitions**
237. Someone whose job is to decide how to make things and how they will work is called a/an -----.
 1) **designer** 2) **pioneer** 3) **teacher** 4) **writer**
238. The blood ----- were sent to the laboratory for analysis.
 1) **vessels** 2) **injuries** 3) **samples** 4) **aspects**
239. An area of low land between hills or mountains is called a -----.
 1) **valley** 2) **river** 3) **channel** 4) **mountain**
240. Some people think it's wrong to spend money on ----- space.
 1) **realizing** 2) **exploring** 3) **surviving** 4) **emphasizing**
241. An ----- is a person who travels in a spaceship into the space.
 1) **electrician** 2) **apprentice** 3) **astronaut** 4) **observer**
242. Our ability to think and find answers to problems is one of man's important -----.
 1) **features** 2) **imaginations** 3) **processes** 4) **explorations**
243. Child labor was ----- defined as the employment of young children in factories.
 1) **suddenly** 2) **smoothly** 3) **firmly** 4) **formerly**
244. Some people believed that much of modern human depression was due to urban ----- and loss of contact with nature.
 1) **extinction** 2) **construction** 3) **environments** 4) **predictions**
245. We are living in the ----- of the computer.
 1) **pace** 2) **era** 3) **plain** 4) **space**
246. We are ----- with a new chemical in the laboratory at present
 1) **exploring** 2) **emphasizing** 3) **experimenting** 4) **experiencing**
247. Today, scientists use different satellites and space probes to get more ----- about the Earth and solar system.
 1) **predictions** 2) **instructions** 3) **information** 4) **organization**
248. We will ----- new computers for all the school over the next year.
 1) **follow** 2) **improve** 3) **provide** 4) **perform**
249. Doctors are ----- to report certain serious diseases.
 1) **required** 2) **referred** 3) **removed** 4) **released**
250. There used to be a closer ----- between arts and sciences than there is today.
 1) **imagination** 2) **impression** 3) **exploration** 4) **connection**
251. So far, we haven't been able to find much about this metal but we are ----- on it.
 1) **remembering** 2) **researching** 3) **recognizing** 4) **releasing**
252. Do you think I'm ----- in the group for going to the journey.
 1) **invented** 2) **managed** 3) **realized** 4) **included**
253. The new rail services will form a ----- connecting the capital and major cities.
 1) **process** 2) **network** 3) **trade** 4) **material**

254. There are thinly ----- areas in our country.
 1) ranked 2) magnified 3) populated 4) reflected
255. I was sick and had to stay home for two weeks. Now I think it is hard to ----- up with the class.
 1) give 2) pass 3) keep 4) take
256. The man told me that the two computer programs were ----- and that they could be used -----.
 1) necessary - firmly 2) fashionable - immediately
 3) out of date - efficiently 4) similar – interchangeably
257. E-mail is an efficient form of communication that many businesses -----.
 1) try on 2) get on 3) rely on 4) log on
258. You can meet more people and make more friends on the Internet because it puts you in ----- with the whole world.
 1) file 2) chat 3) touch 4) access
259. I attached a photo to my application form. "Attach" means -----.
 1) fix 2) fit 3) fill 4) force
260. There are plans to ----- in newspapers the jobs more widely.
 1) observe 2) emphasize 3) involve 4) advertise
261. What we have in this factory is a new generation of advanced -----.
 1) happening 2) imagination 3) mechanism 4) technology
262. The information about countries will need ----- from time to time.
 1) updating 2) stretching 3) developing 4) predicting
263. The place to which a person is going or to which a thing is being sent or taken is called -----.
 1) expectation 2) situation 3) destination 4) presentation
264. Jim is not experienced enough to work six hours a day continuously. "Continuously" means -----.
 1) appropriately 2) constantly 3) definitely 4) previously
265. Unfortunately, there is little real ----- between Ted and his daughter.
 1) comparison 2) culture 3) transfer 4) communication
266. The ----- between parents and school has improved a lot.
 1) link 2) issue 3) usefulness 4) emotion
267. We have to ----- all the money we have collected to their bank in London.
 1) stretch 2) attach 3) involve 4) transfer
268. The map gives you the ----- between the major cities.
 1) varieties 2) projections 3) functions 4) distances
269. The only means of ----- to the station is through a dark subway.
 1) access 2) vehicle 3) probe 4) vessel
270. I really felt ----- of the very impolite behavior that my friend had at the party.
 1) confused 2) depressed 3) worried 4) ashamed
271. We can't say with ----- that there is life on other planets.
 1) variety 2) summary 3) certainty 4) emergency
272. Information Technology plays an important role in today's ----- among people all over the world.
 1) civilizations 2) invitations 3) destinations 4) communications

273. As I found the mail very interesting, I ----- it to my friends.
 1) followed 2) connected 3) commented 4) forwarded
274. The purpose of computer is to ----- problem solving and save time, money, and energy.
 1) come out 2) speed up 3) log on 4) keep off
275. It takes a long time to ----- a foreign language.
 1) restate 2) forward 3) speculate 4) master
276. He is very ----- involved in the formation of local libraries.
 1) mainly 2) actively 3) previously 4) interchangeably
277. People form their first ----- of one another in the first few seconds after they come into contact.
 1) impressions 2) expressions 3) aspects 4) postures
278. He ----- most of his time to his paintings.
 1) devoted 2) arranged 3) handled 4) passed
279. It is often said that rich people give less money to -----.
 1) audience 2) emergency 3) charity 4) labor
280. A forest, if not blindly destroyed, is a source of many ----- things wood being the chief among them.
 1) irrelevant 2) implicit 3) valuable 4) voluntary
281. My father will certainly be ----- unless you accept his invitation.
 1) attended 2) annoyed 3) prevented 4) attracted
282. All the teachers work on a/an ----- basis in this area; they receive no money.
 1) probable 2) emotional 3) reasonable 4) voluntary
283. Our country is still ----- the effects of the war which ended in 1367.
 1) exploring 2) transferring 3) suffering 4) embarrassing
284. He did ----- work for the Catholic church in Alaska for 10 years.
 1) extreme 2) distant 3) brief 4) missionary
285. Over half of the people in this town live in slums. "Slums" means -----.
 1) greenhouses 2) poor areas 3) small houses 4) narrow streets
286. He ----- from home at the age of thirteen.
 1) gave up 2) took away 3) ran away 4) turned down
287. In some countries trade is very good, whereas in others it is not good. "Trade" is a kind of -----
 1) partner 2) mission 3) financial activity 4) artificial charity
288. To tell someone that you will definitely do or provide sth or that sth will happen is -----.
 1) promise 2) introduce 3) express 4) narrate
289. They discussed the ----- of building their apartments so near the airport.
 1) pressure 2) capacity 3) aspect 4) advisability
290. He has invited all of us to dinner tonight because of his recent ----- at work.
 1) promotion 2) result 3) posture 4) conclusion
291. The profession of ----- and reporting the news is called journalism.
 1) magnifying 2) manufacturing 3) locating 4) collecting

292. The most negative effect of TV might be people's ----- to it.

- 1) relationship 2) confidence 3) addiction 4) projection

293. To know who someone is or what sth is, because you have seen, heard, experienced, or learned about them in the past is -----.

- 1) predict 2) introduce 3) recognize 4) inform

294. Feeling that sth is as good as it should be, or that sth happens in the way that you want is -----.

- 1) satisfied 2) surprised 3) natural 4) lucky

295. A piece of thick cloth or wool that covers floor, used for warmth or as a decoration is -----.

- 1) rug 2) wood 3) tile 4) metal

296. Two people talking together to reach an agreement can easily ----- their goal if they are a bit flexible.

- 1) achieve 2) catch 3) gain 4) get

297. She teaches the students to have respect for different races and appreciate the ----- of other cultures.

- 1) strategy 2) souvenir 3) diversity 4) continent

298. The ----- member of the national team was taken to police station in the London area and questioned by detectives.

- 1) traditional 2) former 3) unique 4) general

299. Let us pray for those who are not so ----- as ourselves such as the sick, the old and the needy.

- 1) creative 2) experienced 3) common 4) fortunate

300. Many important ----- documents were destroyed when the library was bombed in the recent terrorist attack.

- 1) amazing 2) appropriate 3) historical 4) brilliant

یادداشت:

Vocabulary Tests

Page: 489 - 504

1	C	31	B	61	B	91	C	121	A	151	B	181	D	211	C	241	C	271	C
2	B	32	D	62	A	92	C	122	C	152	A	182	A	212	B	242	A	272	D
3	A	33	D	63	A	93	B	123	D	153	A	183	D	213	B	243	D	273	D
4	D	34	C	64	A	94	A	124	C	154	C	184	B	214	A	244	C	274	B
5	B	35	C	65	A	95	D	125	B	155	B	185	A	215	D	245	B	275	D
6	B	36	A	66	A	96	B	126	B	156	B	186	B	216	A	246	C	276	B
7	A	37	D	67	D	97	B	127	D	157	B	187	D	217	B	247	C	277	A
8	C	38	C	68	C	98	A	128	A	158	A	188	C	218	D	248	C	278	A
9	D	39	B	69	D	99	D	129	D	159	C	189	A	219	A	249	B	279	C
10	A	40	C	70	A	100	A	130	D	160	D	190	C	220	A	250	D	280	C
11	C	41	A	71	D	101	A	131	C	161	D	191	B	221	B	251	B	281	B
12	D	42	D	72	D	102	B	132	B	162	C	192	A	222	D	252	D	282	D
13	B	43	B	73	A	103	B	133	A	163	A	193	B	223	C	253	B	283	C
14	A	44	D	74	C	104	B	134	A	164	B	194	B	224	B	254	C	284	B
15	D	45	B	75	C	105	C	135	C	165	C	195	D	225	B	255	C	285	B
16	B	46	C	76	C	106	B	136	B	166	C	196	C	226	D	256	D	286	C
17	C	47	B	77	C	107	B	137	D	167	D	197	D	227	D	257	A	287	C
18	A	48	D	78	A	108	D	138	C	168	D	198	A	228	B	258	C	288	A
19	D	49	A	79	B	109	D	139	A	169	B	199	B	229	C	259	B	289	D
20	D	50	A	80	C	110	C	140	B	170	C	200	A	230	C	260	D	290	A
21	A	51	A	81	C	111	A	141	A	171	B	201	A	231	B	261	D	291	D
22	C	52	C	82	A	112	A	142	D	172	A	202	B	232	A	262	A	292	C
23	B	53	D	83	A	113	B	143	B	173	C	203	D	233	D	263	C	293	C
24	D	54	C	84	A	114	C	144	D	174	C	204	C	234	B	264	B	294	A
25	B	55	A	85	A	115	C	145	C	175	A	205	A	235	D	265	D	295	A
26	B	56	A	86	B	116	B	146	A	176	D	206	A	236	C	266	A	296	A
27	A	57	C	87	C	117	A	147	B	177	C	207	B	237	A	267	D	297	C
28	D	58	C	88	D	118	B	148	D	178	A	208	D	238	C	268	D	298	B
29	A	59	A	89	A	119	A	149	C	179	B	209	A	239	A	269	A	299	D
30	C	60	A	90	D	120	D	150	B	180	D	210	C	240	B	270	D	300	C

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

“Cloze Test”

راهکارهای پاسخگویی به سؤالات کلوز تست

کلوز تست: پازل از نوع انگلیسی

بعد از سؤالات گرامر و واژگان، باید ۵ سؤال cloze را پاسخ دهید. جدیداً از این ۵ سؤال، معمولاً ۳ تا ۴ سؤال از گرامر و ۱ تا ۳ سؤال از واژگان طرح می‌شود.

همان طور که می‌دانید، کلوز تست متنی به نسبت کوتاه بوده که تعدادی از واژگان آن حذف و در قالب یک تست ارائه شده است. این تست ها، یا از جنبهٔ واژگان و معنا و یا از جنبهٔ گرامری برخوردار بوده و در نتیجه بر معانی واژگان و مباحث گرامری مورد سؤال تست می‌بایست آگاهی داشت.

ذات و ماهیت کلوز تست نخستین موردی است که می‌بایست به آن توجه نمود. به نظر می‌رسد که حذف شدن یک یا چند واژه از متن درک مفهوم آن را بسیار دشوار می‌نماید که باوری نادرست است. با خواندن یک پاراگراف فارسی که تعدادی از واژگان آن حذف شده است متوجه خواهید شد که نه تنها نبودن آن چند واژه مشکلی در بار معنایی متن مشکلی ایجاد ننموده، بلکه در بیشتر موارد حتی آن واژه‌های حذف شده را به راحتی می‌توان حدس زد.

فوت و فن حل سؤالات کلوز تست:

(۱) نخستین مرحلهٔ پاسخ گویی به تست های کلوز تست، خواندن بسیار سریع از روی متن مربوطه بدون خواندن سؤال های آن است. تنها هدف این مرحله، کسب نمودن ایده ای کلی از متن می باشد. با توجه به محدودیت بسیار زیاد پاسخ گویی به تست های کنکور سراسری، بیش از ۳۰ الی ۴۰ ثانیه را به این مرحله اختصاص ندهید.

(۲) چون که نویسندگان معمولاً ایدهٔ اصلی خود را در همان جملهٔ نخست متن ذکر می‌کنند، به نخستین جمله بسیار توجه نمائید. معمولاً طراح کنکور نیز خوشبختانه تستی از جملهٔ اول متن را طرح نمی‌نماید.

(۳) پس از یک بار خواندن سریع متن، اکنون زمان پاسخ گویی به تست های کلوز تست فرا رسیده است. ابتدا هر جمله را تا انتهای آن خوانده و سپس به سراغ گزینه ها بروید. یعنی، با رسیدن به نقطه چین متن بلافاصله به سراغ گزینه ها نروید. هنگامی که جمله را تا آخر می‌خوانید حدس بزنید که چه واژه ای می‌تواند در مکان نقطه چین قرار گیرد. در بسیاری از موارد، همین حدس به پاسخ صحیح می‌انجامد. به حس ششم خود مطمئن باشید.

(۴) کلوز تست مانند یک پازل است. این که ابتدا کدام بخش آن را کامل می‌نمائید اصلاً مهم نمی‌باشد. هنگامی که بتوان یکی از بخش های آن را کامل نمود، تکمیل بخش های دیگر راحت تر خواهد شد. حالا این مطلب به چه کار می‌آید؟ داوطلبان زرنگ کنکور سراسری بر یکسان بودن ارزش تست ها واقف بوده و اگر نخستین تست کلوز تست بسیار دشوار باشد بلافاصله به سراغ تست های پس از آن می‌روند. در این صورت، زمان موجود را در پاسخ گویی به تست های راحت تر صرف نموده که شاید مسیر پاسخ گویی به بخش های دشوارتر پازل را هموار نماید. شما نیز با زرنگی و هدف مندی بیش تر در کنکور سراسری تلاش نمائید.

(۵) در صورتی که چندین سؤال کلوز تست به یکی از جمله های متن مربوط باشد، آن سؤال ها را به ترتیب از تست آسان به تست دشوار پاسخ دهید.

(۶) در بسیاری از موارد، تست های کلوز تست عملاً تست های مستقل واژگان و گرامر می باشند. به یاد داشته باشید که دانستن ایده اصلی متن نیز بسیار مهم می باشد و با درک نمودن و در نظر داشتن ایده اصلی در همان ابتدا می توان تست ها را به صورت مستقل واژگان و گرامر ملاحظه نمود.

(۷) همان گونه که پیشتر اشاره شد، در هنگام خواندن جمله حدس بزنید که چه واژه ای احتمالاً در مکان نقطه چین قرار خواهد گرفت. هنگامی که خواستید سراغ گزینه ها بروید ضمن در نظر داشتن حدس خود تک تک گزینه ها را در مکان نقطه چین قرار داده تا متوجه شوید که جمله با کدام گزینه معنایی صحیح تر می یابد. سعی نمائید روش حذف گزینه های نادرست را بسیار به کار ببرید.

(۸) به جای بکار بردن جمله هایی با بار معنایی منفی مانند "قادر به انجام فلان کار نبوده" یا "تست های کلوز تست و درک مطلب برایم بسیار دشوار است"، اعتماد به نفس خود را هم راستا با دنبال نمودن تمرین روزانه متن ها تقویت نمائید. با تداوم این فعالیت، قابلیت پاسخ گویی صحیح و سریع تست های کلوز تست و درک مطلب قطعاً در شما ایجاد خواهد شد.

نتیجه گیری: قبل از پاسخگویی به سوالات Cloze باید در حال و هوای آن متن قرار بگیرید و برای این کار باید متن را سریع بخوانید. هنگام خواندن متن اصلاً خودتان را درگیر لغات ناآشنا، اسامی عجیب و غریب و گزینه ها نکنید. فقط متن را بخوانید تا با فضای کلی آن آشنا شوید. (البته جمله اول و آخر را کمی دقیق تر بخوانید). برای فهم بهتر سوالات کلوز تست یک متن را به طور کامل تجزیه و تحلیل می نمائیم، برای تمرین حل سوالات کلوز تست، برای هر درس پایه دهم تا دوازدهم، دو متن از بهترین منابع موجود در بازار انتخاب شده است. پاسخ این متن ها، بعد از متنها آورده شده است.

یادداشت:

(Lesson One – 10th Grade)

Cloze Test 1:

My family and I travel around our country. Last weekend we ---1--- for a trip to Moghan plain in the North-West of Iran. After we ---2--- toll on the road, we went to a land near the plain with many trees on it. We saw a (n) ---3--- leopard with blood on his leg. My father tried to help the animal. He thought ---4--- people wanted to kill this beautiful animal and ---5--- its natural home. Before we leave the place we called the police and they ---6--- the leopard to the zoo to save its life.

- | | | | |
|-----------------|------------|----------------|-------------|
| 1. a) exchanged | b) packed | c) weighed | d) recharge |
| 2. a) paid | b) updated | c) bought | d) hit |
| 3. a) selfish | b) helpful | c) careless | d) injured |
| 4. a) cruel | b) quiet | c) hardworking | d) generous |
| 5. a) bake | b) destroy | c) set | d) fill |
| 6. a) bought | b) changed | c) took | d) saw |

Cloze Test 2:

Do you think animals take trip? The animals that are living in ---1--- always travel in winters, but what about animals in the zoo? There is a zoo in Italy ---2--- the place of animals when the cold ---3--- start, especially the winter. They take animals to a trip! They take animals to places which are good for them. In this zoo, they ---4--- information about the animals by the internet. These animals will ---5--- in different places. When the spring comes they take them back by ---6--- train!

- | | | | |
|-----------------|------------|-------------|----------------|
| 1. a) museum | b) baggage | c) wildlife | d) media |
| 2. a) changes | b) hears | c) hurts | d) destroys |
| 3. a) injuries | b) seasons | c) bruises | d) attentions |
| 4. a) receive | b) attend | c) climb | d) attack |
| 5. a) shift | b) send | c) help | d) stay |
| 6. a) religious | b) alive | c) express | d) hardworking |

(Lesson Two – 10th Grade)

Cloze Test 1:

It is really ---1--- to know that snails have 2500 teeth. These teeth are really ---2--- that can cut a big food into small parts. The ---3--- of snails' teeth is small and you can't see them. But when they eat their food you can put your ear ---4--- you can hear the sound of their teeth. Snails can move easily on everything because of the special ---5--- they have on their body. Snails also ---6--- their house on their body.

- | | | | |
|---------------|--------------|-------------|-------------|
| 1. a) famous | b) wonderful | c) careless | d) healthy |
| 2. a) nervous | b) modern | c) alike | d) powerful |
| 3. a) size | b) paint | c) danger | d) fact |
| 4. a) nicer | b) cleaner | c) nearer | d) longer |
| 5. a) corner | b) fact | c) liquid | d) opinion |
| 6. a) carry | b) collect | c) pump | d) report |

Cloze Test 2:

In the future people from different ---1--- for example Asia, Africa, or America can live on Mars. But there are many ---2--- that make it hard to live there. For example, on Mars we don't have ---3--- or water to live. And our blood can't ---4--- around our body easily. There is no ---5--- on Mars so it is really dark. And something really wonderful is the different in your ---6--- on Mars: You are younger than that time on earth.

- | | | | |
|-------------------|-------------|-------------|--------------|
| 1. a) nations | b) churches | c) offices | d) planets |
| 2. a) emergencies | b) problems | c) exercise | d) attention |
| 3. a) roads | b) wars | c) oxygen | d) qualities |
| 4. a) burn | b) move | c) collect | d) protect |
| 5. a) cell | b) microbe | c) circle | d) light |
| 6. a) age | b) heart | c) fact | d) part |

(Lesson Three – 10th Grade)

Cloze Test 1:

In Iran Hafez is famous for his ---1--- . By reading his book you can find his---2--- in God during his life. His name is Hafez because he could---3--- Quran by heart. These days many ---4--- change the language of his book so that people in other countries can understand his words. Universities ---5--- his book and teach it to their students. In Iran people think that his words help them ---6--- their problems.

- | | | | |
|----------------|----------------|---------------|----------------|
| 1. a) poems | b) research | c) science | d) medicine |
| 2. a) research | b) success | c) belief | d) experiment |
| 3. a) invent | b) build | c) publish | d) recite |
| 4. a) thinkers | b) translators | c) scientists | d) researchers |
| 5. a) publish | b) invent | c) solve | d) believe |
| 6. a) attend | b) develop | c) solve | d) recite |

Cloze Test 2:

Galileo was a famous scientist and ---1--- who made new things during his life. He knew about math, physics and planets. He ---2--- that careful reading could help people understand things better. With a telescope that he himself ---3---, he could see the moon and stars. He was the first person who wrote about the ---4--- of the moon. His ---5--- and tests in observatory help him ---6--- new science at his time.

- | | | | |
|--------------------|----------------|--------------|-----------------|
| 1. a) translator | b) thinker | c) inventor | d) publisher |
| 2. a) saved | b) believed | c) searched | d) cheered |
| 3. a) invented | b) clapped | c) solved | d) quitted |
| 4. a) values | b) interests | c) successes | d) wonders |
| 5. a) translations | b) experiments | c) accidents | d) universities |
| 6. a) quit | b) believe | c) publish | d) develop |

(Lesson Four – 10th Grade)

Cloze Test 1:

The tallest ---1--- in Paris is Eiffel. This tourists' attraction is ---2--- for a trip in Spring. Around this place there is a (n) ---3--- that sells tickets if you want to visit other parts of Paris. It is people's ---4--- to visit this place at night because there are many interesting lights at the top of it. If you want to became ---5--- with this place and know more about it, you can go to the ---6--- of France in your country and ask for information.

- | | | | |
|------------------|------------------|----------------|-------------|
| 1) a) paradise | b) embassy | c) Tower | d) range |
| 2) a) historical | b) honest | c) Hospitable | d) suitable |
| 3) a) agency | b) ceremony | c) Continent | d) activity |
| 4) a) departure | b) entertainment | c) information | d) behavior |
| 5) a) hospitable | b) domestic | c) honest | d) familiar |
| 6) a) embassy | b) Desert | c) Continent | d) Shrine |

Cloze Test 2:

If you are ---1--- a vacation why don't you choose Niagara Falls? You can go to a real ---2--- on the earth, exactly with all those beauties you can ---3--- in this wonderful place. You may see different ---4--- of trees and flowers while you are boating in the river. Visiting this waterfall can be a nice ---5--- for those who love the nature. This wonderful nature ---6--- many tourists from all over the world every year.

- | | | | |
|----------------|---------------|----------------|-------------|
| 1) a) planning | b) attracting | c) respecting | d) relating |
| 2) a) embassy | b) paradise | c) host | d) station |
| 3) a) break | b) book | c) imagine | d) prepare |
| 4) a) agents | b) prices | c) plans | d) ranges |
| 5) a) culture | b) suggestion | c) information | d) behavior |
| 6) a) locates | b) prepares | c) attracts | d) Spends |

(Lesson One – 11th Grade)

Cloze Test 1:

So many people live on Earth, but there are also many people who live in ---1--- We call these people “astronauts”. As we ---2--- and talk with each other, astronauts need to have communication with their families too. But in space they cannot talk like us! Now ---3--- if they do not have the ---4--- to have communication like us on the Earth, how can they talk to us? Because sound cannot travel in space, astronauts ---5--- to use something in their clothes which ---6--- sound waves into radio waves!

- | | | | |
|---------------|-------------|----------------|--------------|
| 1. a) region | b) space | c) society | d) continent |
| 2. a) vary | b) explain | c) communicate | d) interview |
| 3. a) imagine | b) master | c) exist | d) range |
| 4. a) host | b) percent | c) notice | d) ability |
| 5. a) destroy | b) need | c) seek | d) surf |
| 6. a) changes | b) respects | c) points | d) imagines |

Cloze Test 2:

Deaf people may not have the ---1--- to hear what you’re saying, but that doesn’t mean they can’t understand you. A number of techniques, ---2--- from lip – reading to ---3--- language for communication. In the UK, deaf people British Sign Language (known as BSL) but every ---4--- around the world has their own form of sign language. Although deaf people use lip reading as a way to ---5--- conversations, they can lip read about only thirty ---6--- of spoken English. So, in order to be a good lip reader you need to practice, and be patient.

- | | | | |
|-----------------|---------------|------------|------------|
| 1. a) interest | b) ability | c) belief | d) form |
| 2. a) imagining | b) pointing | c) ranging | d) making |
| 3. a) sign | b) region | c) host | d) notice |
| 4. a) tongue | b) native | c) century | d) country |
| 5. a) seek | b) understand | c) range | d) vary |
| 6. a) price | b) institutes | c) means | d) percent |

(Lesson Two – 11th Grade)

Cloze Test 1:

Sometimes it is very difficult to understand your grandparents! My grandmother has a high blood ---1--- and some years ago, my grandfather had a heart ---2---. Of course they are a bit better these days, but I am surprised about how they sometimes act like children. Doctors have told my grandfather not to do heavy exercise but ---3--- is his favorite exercise. And doctors have ---4--- him from doing it because it dangerously increases his ---5---. But as I said, they ---6--- listen to anybody!!!

- | | | | |
|------------------|-------------|--------------|------------------|
| 1. a) pressure | b) stage | c) disease | d) member |
| 2. a) condition | b) pressure | c) addiction | d) attack |
| 3. a) behaving | b) climbing | c) attending | d) influencing |
| 4. a) prevented | b) measured | c) improved | d) increased |
| 5. a) addiction | b) laughter | c) heartbeat | d) condition |
| 6. a) physically | b) rarely | c) slowly | d) unfortunately |

Cloze Test 2:

Health and food facts: If you don't want to ---1--- weight, exercise daily. 15 to 30 minutes of ---2--- everyday keeps extra fat and ---3--- out of your body. Never miss your breakfast. A glass of milk, a loaf of bread with some fruit or juice is good and enough. If you want to ---4--- cancer, you can add sea food to your ---5--- two or three times a week. Remember! Do not believe drinks like 'diet' Coca – Cola. They have less sugar but they are still ---6---. With these simple things, you are nearly close to good and healthy body.

- | | | | |
|----------------|------------|-------------|--------------|
| 1. a) gain | b) measure | c) check | d) contain |
| 2. a) image | b) attack | c) exercise | d) habit |
| 3. a) disease | b) secrets | c) details | d) habits |
| 4. a) measure | b) predict | c) prevent | d) cause |
| 5. a) laughter | b) stage | c) mission | d) diet |
| 6. a) special | b) harmful | c) general | d) emotional |

(Lesson Three – 11th Grade)

Cloze Test 1:

They say Asia is the home of art. The countries in Asia have a rich history in art. Their ---1--- also tell us very much about their art. They try to ---2--- these artworks to the world so that they bring more tourists to their countries. And more tourists bring more money, and it means a better ---3--- for the country. Among beautiful artworks in these countries, there are also ---4--- shopping centers and bazaars. People still have stores and work there to make ---5--- for their families. Don't forget to buy ---6--- if you travel to Asia.

- | | | | |
|-----------------|-----------------|----------------|----------------|
| 1. a) discount | b) customs | c) collections | d) ranges |
| 2. a) depend | b) create | c) introduce | d) weave |
| 3. a) economy | b) souvenir | c) handicraft | d) identity |
| 4. a) uncertain | b) satisfied | c) emotional | d) historical |
| 5. a) prizes | b) income | c) values | d) history |
| 6. a) poems | b) fingerprints | c) souvenirs | d) diversities |

Cloze Test 2:

Today modern art has a great relationship with colors. For example we use warm colors such as red and yellow to ---1--- friendship or we use cold such as blue and green whenever we feel ----2--- and want to be calm. Modern art also tells us how to decorate things. In this way, art shows us a ---3--- number of option: For example, you can put a ---4--- clock on the wall to fill space. Besides, if you want to ---5--- money you can try to create and produce your own ---6---, you can put small pieces of glass or stone together, paint them to make mosaic for yourself or to give someone as a gift.

- | | | | |
|-----------------|-------------|------------|---------------|
| 1. a) depend | b) reflect | c) earn | d) attempt |
| 2. a) worried | b) proud | c) moral | d) natural |
| 3. a) soft | b) glad | c) vast | d) proud |
| 4. a) satisfied | b) confused | c) social | d) decorative |
| 5. a) earn | b) promise | c) include | d) weave |

(Lesson One – 12th Grade)

Cloze Passage 1:

Mozart, ---(1)--- was born on January 27, 1756 in the Austrian city of Salzburg, was neither the first nor the last brilliant child, but he was ---(2)---. The greatest. From the age of six when his father took him on his first foreign tour, Mozart went to the musical centers of Austria, Germany, France, England, Holland, Switzerland and Italy. It ---(3)--- That Mozart spent almost a third of his short life – he died at the age of 35 – traveling. He ---(4)--- into a wealthy family where his musical genius ---(5)--- itself known extremely early. His earliest known work was composed in 1771 when he was only five.

- | | | | |
|--------------------------|------------------|-----------------------|------------------|
| 1. a. who | b. he | c. when he | d. that he |
| 2. a. entirely | b. immediately | c. wonderfully | d. certainly |
| 3. a. has been estimated | b. has estimated | c. had been estimated | d. had estimated |
| 4. a. bore | b. has born | c. was born | d. has been born |
| 5. a. got | b. took | c. made | d. had |

Cloze Passage 2:

Dialects develop when groups of people in the same geographical area have little contact. This can happen when people ---(1)--- apart by economic, political, or social ---(2)---. Sometimes a group of people will considerably emphasize the difference between their ---(3)--- and that of other groups, because they want to have a “special language” of their own. Some people may feel that one ---(4)--- style of speaking is the “correct” way to talk, but they usually have in ---(5)--- the speech of more powerful groups in society. The speech of such a group is simply another dialect.

- | | | | |
|-------------------|---------------|---------------|------------------------|
| 1. a. are keeping | b. are kept | c. will keep | d. will have been kept |
| 2. a. entries | b. scenes | c. conditions | d. connections |
| 3. a. device | b. crop | c. speech | d. phrases |
| 4. a. particular | b. economical | c. commercial | d. essential |
| 5. a. origin | b. mind | c. aid | d. treasure |

(Lesson Two – 12th Grade)

Cloze Passage 1:

People in a wide area, from southern Somalia to northern Mozambique and the ---(1)--- of Kenya, speak Swahili. There are about five million first-language speakers and fifty million second language speakers. Swahili has become a language ---(2)--- people can communicate within East Africa and the ---(3)--- regions. The Swahili language began to be spoken by the Swahili people who live on the coast of East Africa and on the islands near the coast, ---(4)--- Zanzibar, which is now a part of Tanzania. Swahili which has been influenced ---(5)--- many other languages like Arabic, is an official language in some African countries such as Tanzania and Kenya.

- | | | | |
|----------------|----------------|------------------|------------------|
| 1. a. entire | b. combination | c. origin | d. single |
| 2. a. in which | b. that | c. when | d. with which |
| 3. a. general | b. surrounding | c. environmental | d. natural |
| 4. a. or | b. i.e | c. including | d. without |
| 5. a. with | b. in | c. by | d. by means ofIn |

Cloze Passage 2:

The idea of an alphabet ---(1)--- one symbol ---(2)--- only one sound, was first used in Egypt about 1900 B.C. Civilizations that traded with or fought against Egypt became ---(3)--- this alphabet, and the idea spread.

The ancient Greeks adapted this alphabet and created their own. The ancient Romans improved it to a state almost like our modern alphabet and after a while, the idea of putting letters together to make words was born. You can see by looking at letters from the Roman alphabet that these letters survive almost in its ---(4)--- state, in the modern English ---(5)---.

- | | | | |
|-------------------|------------------|---------------|----------------|
| 1. a. in which | b. by which | c. which | d. with which |
| 2. a. guides | b. offers | c. stands for | d. figures out |
| 3. a. complicated | b. familiar with | c. general | d. imaginary |
| 4. a. commercial | b. corresponding | c. original | d. available |
| 5. a. level | b. drought | c. scale | d. alphabet |

(Lesson Three – 12th Grade)

Cloze Passage 1:

Charlie Chaplin ---**(1)**--- to have been born on April 16, 1889. There is some doubt whether April 16 is actually his birthday, and it is possible he was not born in 1889. There is also---**(2)**--- about his birthplace: London or Fontainebleau, France.

His parents separated soon after his birth, leaving him in the care of his. ---**(3)**--- sick mother. His father died when Charlie was 12, and his mother, ---**(4)**--- a mental illness, was eventually sent to hospital. She died in 1928 in the united states, two years after coming to the states to live with Chaplin, by then a commercial ---**(5)**---

- | | | | |
|-------------------|-----------------|------------------|----------------------|
| 1. a. believed | b. was believed | c. believes | d. had been believed |
| 2. a. uncertainty | b. confidence | c. explanation | d. weakness |
| 3. a. increase | b. increasingly | c. increasing | d. increased |
| 4. a. annoying | b. creating | c. containing | d. suffering |
| 5. a. agency | b. industry | c. advertisement | d. success |

Cloze Passage 2:

The calendar is a method by which people can measure time for their own internal or religious---**(1)**---dividing it into years, months, weeks, and days. People of ancient times based the earliest calendars on the most clear regular---**(2)**--- they knew - the movement of the Sun and Moon,---**(3)**--- together produce the three simplest divisions of time.

These are the day, the lunar month, and the solar year. We now know that the regular movements of the sun across the sky ---**(4)**--- the Earth's turning. The day is the time taken ---**(5)**--- the Earth to orbit on its axis – just under 24 hours. The lunar month is the time between two new moons – about 29.5 days.

- | | | | |
|----------------|--------------------|--------------|---------------|
| 1. a. purposes | b. factors | c. wonders | d. symbols |
| 2. a. details | b. effects | c. aspects | d. events |
| 3. a. who | b. which | c. whose | d. where |
| 4. a. causes | b. is being caused | c. is caused | d. is causing |
| 5. a. with | b. from | c. by | d. on |

چند نمونه کوز تست دیگر:

Read the passages and choose the best choices.

Cloze Passage 1:

Many products are developed each year. Light bulb, camera, airplane, and telephone were invented by scientists and ---(1)---. Laptops, smart phone, and tablet were made by lots of work and experiment. But not all products are developed by hard work. Some inventions were created ---(2)--- or scientists' mistake. Penicillin, ---(3)---, was discovered quite accidentally when Alexander Fleming was working on bacteria. Microwave oven also was invented during a scientist's ---(4)--- on energy. More interestingly, some tools and technologies are not made by scientists at all. Some like dishwashers and computer games were made by ---(5)--- people like workers, housewives and school students.

- | | | | |
|------------------|---------------|----------------|---------------------|
| 1. a. chemists | b. authors | c. physicians | d. inventors |
| 2. a. hence | b. rarely for | c. instance | d. once |
| 3. a. meaningful | b. special | c. ordinary | d. countless |
| 4. a. solution | b. experiment | c. quantity | d. object |
| 5. a. by the way | b. by heart | c. by accident | d. most importantly |

Cloze Passage 2:

In order to compete against others in your sport, you as an athlete usually have to travel ---(1)--- a little bit to make that competition happen. You are changing your geography when you do this, and your fans who ---(2)--- you are also ---(3)--- their knowledge of geography. ---(4)---, sports cost money, and while many professional athletes make millions of dollars every year, others make only a few thousand. Amateur athletes don't get paid when they win, but somebody has to make places ---(5)--- to organize amateur events and the athletes have to spend money to travel to those competitions.

- | | | | |
|-------------------|----------------|--------------|-----------------|
| 1. a. at most | b. at last | c. at least | d. mostly |
| 2. a. hire | b. judge | c. support | d. discipline |
| 3. a. expanding | b. containing | c. arranging | d. transmitting |
| 4. a. In contrast | b. In addition | c. In short | d. Instead |
| 5. a. destructive | b. invisible | c. crowded | d. available |

Read the passages and choose the best choices.

Cloze Passage 3:

Victor Hugo is a famous character in literature. He was the son of a general who served in the armies of Napoléon I. Hugo went to Paris with his mother at the age of ten. His first book of poetry was so ---(1)---. That he decided to be a writer. He became a chief member of the Romantic movement, ---(2)--- was trying to change styles and themes of writing. He ---(3)--- a lot of literary works such as: novels, plays and epic poetry. Many of his novels and plays reflected his ---(4)--- in politics. when France became a ---(5)--- Hugo returned to Paris as a hero. In 1878 he fell ill and died.

- | | | | |
|-------------------|--------------|---------------|------------------|
| 1. a. successful | b. advanced | c. technical | d. available |
| 2. a. who | b. where | c. which | d. whose |
| 3. a. gave | b. published | c. said | d. magnified |
| 4. a. interesting | b. interest | c. interested | d. interestingly |
| 5. a. public | b. symbolic | c. publican | d. republic |

Cloze Passage 4:

The study of language ---(1)--- a tool of expression or communication necessarily ---(2)--- the study of gestures and sounds. Since animals use gestures and make sounds, they as well as humans may have language. It seems ---(3)--- that although as a system of ---(4)--- is not uniquely human, human language has unique features. We put together ---(5)--- signs and units of grammar to form an endless set of never-before heard, thought, or read sentences.

- | | | | |
|------------------|----------------|------------------|--------------|
| 1. a. with | b. throughout | c. as | d. when |
| 2. a. compiles | b. includes | c. supposes | d. wonders |
| 3. a. clear | b. public | c. friendly | d. serious |
| 4. a. connection | b. competition | c. communication | d. vibration |
| 5. a. personal | b. facial | c. opening | d. lingual |

پاسخ کلیدی کوز تستها صفحه ۵۱۰ تا ۵۲۱

پایه دهم:

<i>Cloze Passage 1 (lesson 1 - 10th Grade) Page: 510</i>											
1	B	2	A	3	D	4	A	5	B	6	C

<i>Cloze Passage 2 (lesson 1 - 10th Grade) Page: 510</i>											
1	C	2	A	3	B	4	A	5	D	6	C

<i>Cloze Passage 1 (lesson 2 - 10th Grade) Page: 511</i>											
1	B	2	C	3	A	4	C	5	C	6	A

<i>Cloze Passage 2 (Lesson 2 - 10th Grade) Page: 511</i>											
1	A	2	B	3	C	4	B	5	D	6	A

<i>Cloze Passage 1 (lesson 3 - 10th Grade) Page: 512</i>											
1	A	2	C	3	D	4	B	5	A	6	C

<i>Cloze Passage 2 (lesson 3 - 10th Grade) Page: 512</i>											
1	C	2	B	3	A	4	D	5	B	6	D

<i>Cloze Passage 1 (lesson 4 - 10th Grade) Page: 513</i>											
1	B	2	C	3	A	4	D	5	B	6	A

<i>Cloze Passage 2 (lesson 4 - 10th Grade) Page: 513</i>											
1	A	2	C	3	A	4	D	5	B	6	D

پایه یازدهم:

<i>Cloze Passage 1 (lesson 1 - 11th Grade) Page: 514</i>											
1	B	2	C	3	A	4	D	5	B	6	A

<i>Cloze Passage 2 (lesson 1 - 11th Grade) Page: 514</i>											
1	A	2	C	3	A	4	D	5	B	6	D

Cloze Passage 1 (lesson 2 - 11th Grade) Page: 515

1	A	2	D	3	B	4	A	5	C	6	B
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

Cloze Passage 2 (lesson 2 - 11th Grade) Page: 515

1	A	2	C	3	A	4	C	5	D	6	B
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

Cloze Passage 1 (lesson 3 - 11th Grade) Page: 516

1	B	2	C	3	A	4	D	5	B	6	C
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

Cloze Passage 2 (lesson 3 - 11th Grade) Page: 516

1	B	2	A	3	C	4	D	5	A	6	B
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

پایه دوازدهم:**Cloze Passage 1 (lesson 1 - 12th Grade) Page: 517**

1	A	2	D	3	A	4	C	5	C
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

ترجمه متن: موزارت، که در تاریخ ژانویه سال ۱۷۵۶ در شهر سالزبورگ اتریش به دنیا آمد، اولین و آخرین بچهٔ باهوش نبود، اما او یقیناً عالی ترین بود. از سن سالگی ۶ وقتی که پدرش او را به اولین تور خارجی اش برد، موزارت به مراکز موسیقی اتریش، آلمان، فرانسه، انگلیس، هلند، سوییس و ایتالیا پا گذاشت. تخمین زده شده است که موزارت حدود یک سوم عمر کوتاهش را در سفر کردن و مسافرت گذراند - او در سن ۳۵ سالگی از دنیا رفت. او در یک خانوادهٔ ثروتمند به دنیا آمد که هوش موسیقی اش او را خیلی زود تبدیل به یک فرد شناخته شده کرد. اولین اثر معروف او در سال ۱۹۷۱ بود که سروده شد در حالی که فقط ۵ سال داشت.

Cloze Passage 2 (lesson 1 - 12th Grade) Page: 517

1	B	2	C	3	C	4	A	5	B
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

ترجمه متن: لهجه ها زمانی تغییر شکل پیدا می کند که گروه هایی از مردم در یک منطقهٔ جغرافیایی یکسان ارتباط خیلی کمی دارند. این میتواند اتفاق بیفتد وقتی که مردم به وسیلهٔ شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی از هم جدا نگه داشته می شوند. گاهی اوقات یک گروه از مردم به طور قابل ملاحظه های به اختلاف بین سخنوری خودش و دیگر گروه ها تاکید می کند، به این خاطر که آنها می خواهند یک زبان به خصوص برای خودشان داشته باشند. بعضی از مردم ممکن است احساس کنند که یک سبک به خصوص صحبت کردن روش درستی برای گفتگو است، اما آنها معمولاً در ذهن خود قدرت سخنوری بیشتری در بین گروه های جامعه دارند. طرز سخن گفتن چنین گروهی به همین سادگی یک لهجه دیگر است.

Cloze Passage 1 (lesson 2 - 12th Grade) Page: 518

1	A	2	D	3	B	4	C	5	C
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

ترجمه متن: فکر الفبایی که در آن هر نماد، فقط معادل یک صدا باشد، اولین باز در مصر و در سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد مسیح مورد استفاده قرار گرفت. تمدن هایی که با مصر تجارت می کردند یا می جنگیدند با این الفبا آشنا شدند و این فکر پخش شد. یونانی های باستان این الفبا را اقتباس کردند و الفبای خودشان را ابداع کردند. روم یهای باستان آن را بهبود بخشیدند و به سطحی رساندند که تقریباً شبیه الفبای امروزی ما است، و بعد از مدتی این فکر شکل گرفت که می شود حروف را به هم چسباند و کلمه ساخت. می توانید با نگاه کردن به الفبای لاتین متوجه شوید که این حروف، تقریباً به همان شکل اولیه خود باقی مانده اند و در الفبای انگلیسی امروزی به کار می روند.

Cloze Passage 2 (lesson 2 - 12th Grade) Page: 518

1	A	2	C	3	B	4	C	5	D
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

ترجمه متن: فکر الفبایی که در آن هر نماد، فقط معادل یک صدا باشد، اولین باز در مصر و در سال ۱۹۰۰ پیش از میلاد مسیح مورد استفاده قرار گرفت. تمدن هایی که با مصر تجارت می کردند یا می جنگیدند با این الفبا آشنا شدند و این فکر پخش شد. یونانی های باستان این الفبا را اقتباس کردند و الفبای خودشان را ابداع کردند. روم یهای باستان آن را بهبود بخشیدند و به سطحی رساندند که تقریباً شبیه الفبای امروزی ما است، و بعد از مدتی این فکر شکل گرفت که می شود حروف را به هم چسباند و کلمه ساخت. می توانید با نگاه کردن به الفبای لاتین متوجه شوید که این حروف، تقریباً به همان شکل اولیه خود باقی مانده اند و در الفبای انگلیسی امروزی به کار می روند.

Cloze Passage 1 (lesson 3 - 12th Grade) Page: 519

1	B	2	A	3	B	4	D	5	D
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

ترجمه متن: تصور می شد که چارلی چاپلین در آوریل ۱۸۸۹ به دنیا آمده باشد. این شک وجود دارد واقعا تولد او در آوریل ۱۸۸۹ بوده است و اینکه آیا ممکن است او در سال به دنیا نیامده باشد. در مورد محل تولد او نیز تردید وجود دارد: لندن، فانتینبلیو در فرانسه. والدین او مدت کوتاهی بعد از تولدش، از هم جدا شدند و به این ترتیب، او به مادر بیماراش که حالش مدام بد تر می شد، سپرده شد. وقتی چارلی سال داشت، پدرش مرد و مادرش که به یک بیماری روانی مبتلا بود، سرانجام به بیمارستان فرستاده شد. او در ایالات متحده، در سال از دنیا رفت؛ یعنی در سال بعد از اینکه به این کشور آمده بود تا با چاپلین زندگی کند، چاپلینی که در آن موقع از نظر تجاری، یک شخص موفق به حساب می آمد.

Cloze Passage 2 (lesson 3 - 12th Grade) Page: 519

1	A	2	D	3	B	4	A	5	C
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

ترجمه متن: تقویم یک روشی است که بوسیله آن مردم زمان را برای اهداف مذهبی و درونی خودشان اندازه گیری م یکنند، آن را به سال ها، ماهها، هفته ها و روزها تقسیم بندی می کنند. مردم دوران باستان اولین تقویم ها را در اکثر رویدادهای معمولی که آن ها می شناختند پایه گذاری کردند - حرکت ماه و خورشید، که باهم سه بخش زمانی روز را ایجاد می کنند. این ها روز، ماه قمری و سال خورشیدی هستند. ما در حال حاضر می دانیم که حرکات معمول خورشید در آسمان که باعث چرخش زمین می شود. روز زمان گرفته شده بوسیله کره زمین است که حول محورش گردش می کند- فقط زیر 24 ساعت. ماه قمری زمانی است ما بین دو کره ماه - حدود 29 و نیم روز.

پاسخنامه چند نمونه کوز تست دیگر:

Cloze Passage 1

1 D 2 C 3 C 4 B 5 C

ترجمه متن: کالا های زیادی هر ساله تولید می شود. لامپ، دوربین، هواپیما و تلفن به وسیله دانشمندان و مخترعین اختراع شدند. لپ تاپ، گوشی هوشمند و تبلت با کار زیاد و آزمایش ساخته شدند. اما همه کالا ها با سخت کوشی ساخته نمی شوند. بعضی از اختراعات، شانس یا با اشتباهات دانشمندان به وجود آمدند. برای مثال، پنی سیلین زمانی که الکساندر فلیمنگ داشت بر روی باکتری ها کار می کرد کاملاً تصادفی کشف شد. میکروویو نیز هنگام آزمایش یک دانشمند بر روی انرژی اختراع شد. جالب تر این که، برخی از ابزارها و تکنولوژی ها اصلاً به وسیله دانشمندان ساخته نمی شوند. برخی مثل ماشین ظرفشویی و بازی های رایانه ای به وسیله افراد معمولی مثل کارگراها، خانم های خانه دار و دانش آموزان مدرسه ساخته شدند.

Cloze Passage 2

1 C 2 C 3 A 4 A 5 D

ترجمه متن: به منظور رقابت مقابل دیگران در رشته ورزشی تان، شما به عنوان ورزشکار معمولاً مجبورید حداقل مسافت کمی را سفر کنید تا بتوانید در رقابت حاضر باشید. وقتی شما این کار را می کنید، جغرافیا خود را تغییر می دهید و هواداران تان هم که از شما حمایت می کنند، دانش جغرافی خود را گسترش می دهند. به علاوه، ورزش هزینه دارد و در حالی که خیلی از ورزشکاران حرف های سالانه میلیون ها دلار پول گیرشان می آید، دیگران فقط چند هزار دلار درآمد دارند. ورزشکاران آماتور وقتی که پیروز می شوند، پولی دریافت نمی کنند، اما یک نفر باید مکان هایی را برای سازما ندهی کردن مسابقات آماتور ها را فراهم کند و ورزشکاران باید پول خرج کنند تا خود را به محل برگزاری این رقابت ها برسانند.

Cloze Passage 3

1 A 2 C 3 B 4 B 5 D

ترجمه متن: ویکتو رهگو یک شخصیت مشهور در ادبیات است. او پسر یک جنرالی بود که در ارتش ناپلئون اول به خدمت مشغول بود. رهگو در سن سالگی با مادرش به پاریس رفت. اولین کتاب شعر او اینقدر موفقیت آمیز بود که او تصمیم گرفت یک نویسنده شود. او به عضو ریاست جنبش رمانتیک درآمد، که تلاش می کرد سبک ها و موضوع های نوشتن را تغییر دهد. او آثار ادبی بسیاری از جمله داستان های کوتاه، نمایشنامه و اشعار حماسی منتشر کرد. خیلی از این داستان های کوتاه و نمایشنامه ها علاقه او به سیاست را انعکاس دادند. بعد از اینکه فرانسه یک جمهوری شد او به عنوان یک قهرمان به پاریس برگشت. در سال او مریض شد و درگذشت.

Cloze Passage 4

1 C 2 B 3 A 4 C 5 D

ترجمه متن: مطالعه زبان به عنوان وسیله بیان یا برقراری ارتباط الزاماً بررسی حرکات معنی دار و صداها را در بر می گیرد. از آنجایی که حیوانات نیز از حرکات معنی دار استفاده می کنند و اصواتی را تولید می کنند، ممکن است آنها نیز مانند انسان ها زبان داشته باشند. واضح است که اگرچه زبان به عنوان یک نظام ارتباطی منحصر متعلق به انسان نیست، زبان انسان خصوصیات منحصر به فردی دارد. ما علامت ها و واحد های دستوری زبانی را در کنار هم قرار می دهیم تا مجموع های بی پایان از جملاتی را به وجود بیاوریم که هرگز پیش از این شنیده، پنداشته، یا خوانده نشده است.

یادداشت:

A series of horizontal dashed lines for writing.

“Reading” Comprehension

آموزش درک مطلب

توجه: بخش زیادی از آموزش درک مطلب این جزوه را از نوشته ای توسط "مهندس محمدی" انتخاب و در اینجا با تغییراتی لازم و مثالهای بیشتر بازنویسی کردم. قطعاً در ویرایش نهایی سعی خواهم کرد، برای آموزش درک مطلب، خلاصه مختصر و مفیدی را شخصاً تهیه کنم.

درک مطلب : اوج هنر نمایی طراحان کنکور:

طراحی تست های دشوار از سوی طراحان و مؤلفان و همچنین طراح زبان انگلیسی کنکور سراسری و بیشترین میزان خلاقیت و هنرمندی این افراد معمولاً به بخش درک مطلب اختصاص یافته است. با انتخاب روشی کارآمد در پاسخ گویی به تست های این بخش از زبان انگلیسی و تداوم یافتن هدفمند آن، داوطلبان کنکور سراسری می توانند بر این مشکل غلبه نمایند.

مراحل پاسخگویی به سؤالات درک مطلب:

(۱) پیش از خواندن متن درک مطلب و پاسخ گویی تست های آن، ابتدا تمامی تست های مربوط به این بخش را با سرعت تمام یک بار بخوانید. توجه نمائید که تنها صورت تست ها بدون خواندن گزینه های مربوطه به سرعت خوانده شود. خواندن سریع یک متن درک مطلب حداکثر نیم دقیقه زمان برده اما با صرف نمودن چنین زمان اندکی به راحتی می توان مشخص نمود که در میان اطلاعات موجود در متن کدام اطلاعات مهم و اصلی بوده و کدام اطلاعات حاشیه ای و زائد می باشند.

(۲) تمامی افرادی که خود را برای شرکت در امتحان های معتبر زبان انگلیسی مانند IELTS و TOEFL آماده می نمایند با اصطلاح "نگاه اجمالی" یا skimming آشنا هستند با خواندن سریع صورت تست های درک مطلب در مرحله یک، اکنون می بایست به متن مربوطه نگاهی اجمالی نموده و آن را skim نمود. در این مرحله، متن را با سرعت تمام خوانده و به یاد سپردن اطلاعات مختلفی مانند تاریخ ها، نام افراد، روش انجام یک آزمایش و ... لازم نمی باشد. هدف از skimming فقط یافتن مکان اطلاعات مختلف موجود در متن بوده و با تصویری که از صورت سؤال ها در مرحله 1 و در ذهن شما نقش بسته است اگر لازم است می توانید زیر شماری از واژه های متن خط بکشید. توصیه می شود که در مرحله skimming، نخستین جمله هر پاراگراف و نیز، آخرین جمله متن با دقت بیش تری خوانده شود زیرا نویسنده معمولاً ایده اصلی هر پاراگراف و جمع بندی متن را به ترتیب در جمله نخست هر پاراگراف و آخرین جمله متن ذکر نموده است.

(۳) در این مرحله به سراغ تست های درک مطلب بروید. در هر تست یک یا چند واژه کلیدی موجود است. آن واژه ها را یافته و مرحله "اسکن کردن" یا scanning که بررسی دقیق متن است را آغاز نمائید. با توجه به ذهنیت قبلی که از متن در مرحله ۲ ایجاد شده است محدوده تقریبی پاسخ تست را در متن مربوطه یافته و هر یک از گزینه های تست را با توجه به آن بخش از متن بررسی نمائید. تأکید می شود که از روش "حذف گزینه های نادرست" استفاده شود. با بکارگیری این روش، معمولاً ۲ گزینه به آسانی حذف شده و پاسخ صحیح آن تست تنها یکی از ۲ گزینه باقی مانده خواهد بود. مشخص است که با کنار رفتن ۲ گزینه، احتمال صحت پاسخ گویی به آن تست دو برابر شده و اکنون یکی از ۲ گزینه باقی مانده را انتخاب نمائید که با توجه به بخش مربوطه در متن صحیح تر است. در این صورت، گزینه انتخاب شده با بالاترین احتمال ممکن همان پاسخ صحیح تست مربوطه است.

(۴) همان گونه که می دانید، تست های درک مطلب اهمیت و ارزشی یکسان دارند. در نتیجه، منطقی می باشد که ابتدا تست های ساده تر را پاسخ داده و در صورت باقی ماندن وقت، زمان موجود به پاسخ دهی سؤال های دشوارتر اختصاص یابد. به یاد داشته باشید که با این شیوه اولویت دادن پاسخ گویی به تست های ساده تر، بالاترین راندمان و عملکرد مطلوب شما در زمان موجود و با هدف کسب بیشترین امتیاز مقدور می گردد.

تیپ شناسی سؤالات درک مطلب:

تست های درک مطلب بخش زبان انگلیسی در کنکور سراسری دارای چند تیپ (نوع) اصلی و تعدادی تیپ جدید است که هم راستا با برگزاری کنکور سراسری در سال های اخیر به آن اضافه شده است. برای پاسخ گویی کارآمد تست های درک مطلب، می بایست با تیپ های مختلف آشنا گردیده و شیوه پاسخ گویی هر یک را بررسی نمود. در ادامه مطلب، تیپ های سؤال های درک مطلب از ساده تا دشوار ارائه و بررسی می گردد:

- ۱- سؤال های در ارتباط با مرجع ضمیر
- ۲- حدس زدن معنی کلمه ها و عبارت های ناشنا در متن
- ۳- معنی کردن کلمه یا عبارت
- ۴- عنوان یا موضوع یک متن یا پاراگرافی از آن
- ۵- سؤالات مستقیم از جزئیات متن:
- ۶- سؤالات از جزئیات متن به شکل منفی:
- ۷- سؤالات استنباطی
- ۸- در متن به کدام سؤالات پاسخ داده شده است؟
- ۹- مشخص کردن هدف و منظور نویسنده
- ۱۰- موضوع پاراگراف قبلی / بعدی
- ۱۱- سؤال های در ارتباط با لحن و نگرش نویسنده (زبان تخصصی)

تیپ ۱: مرجع ضمیر یا کلمه (گاهاً عبارت!!)

الف- معمولاً اما (نه همیشه) نزدیکترین کلمه به ضمیر می تواند پاسخ صحیح باشد.

ب- ضمایر (کلمات مرجع) ممکن است به یک اسم، گروه اسمی، جمله واره (عبارت) یا یک جمله اشاره کنند.

پ- در زبان انگلیسی اکثر ضمایر (کلمات مرجع) به کلمه ها و بخش های ما قبل خود بر می گردند. (به عبارت دیگر پس مرجع هستند.) به ویژه ضمایر شخصی، صفات شخصی و ضمایر موصولی در اکثر موارد به کلمه ها یا عبارتهای ما قبل خود اشاره میکنند.

ت- در زبان انگلیسی بندرت پیش می آید که ضمایر (کلمات مرجع) به کلمه ها یا عبارت های بعد از خود اشاره کنند. (یعنی پیش مرجع باشند).

ث- ضمیر باید از نظر شخص و عدد (مفرد / جمع بودن و مذکر / مؤنث بودن) با مرجع خود مطابقت کنند.

در زبان انگلیسی، برای جلوگیری از تکرار یک اسم، به جای آن اسم از ضمیر استفاده شده که در زبان فارسی نیز چنین است. برای مثال، در جمله های "علی دانش آموز خوبی است. او درس هایش را جدی می گیرد"، واژه "او" ضمیر بوده که به اسم "علی" ارجاع شده است. در ساده ترین تیپ از سؤال های درک مطلب، زیر یک ضمیر موجود در متن خط کشیده شده است و خواسته می شود که مرجع آن ضمیر (یعنی، اسم مربوطه) را مشخص نمائید. به مثال زیر توجه شود.

نمونه کاربردی ۱ تیپ ۱): بخشی از متن درک مطلب زبان ۸۵

1- A single-parent family is at greater risk for such negative outcomes as decline in income, poverty, and behavioral problems. Most single parents find it difficult to meet all their financial duties. A decrease in income may require **them** to move the family to a less expensive home in a different neighborhood, transfer the children from one school to another, and spend less money on goods.

The word "them" in this paragraph refers to -----.

- a) duties b) problems c) single parents d) negative outcomes

برای پاسخ دادن به تیپ یک تستهای درک مطلب، هر یک از گزینه های تست را جایگزین واژه ای (یعنی، ضمیر) در متن نمائید که زیر آن خط کشیده شده است تا مشخص شود ضمیر به کدام یک از اسم های موجود در گزینه ها اشاره دارد. ترجمه فارسی پاراگراف بالا در زیر ارائه شده است تا عملکرد ضمیر به جای اسم بهتر مشخص شود.

((خانواده ای تک سرپرست، بیش تر در معرض خطر پیامدهای منفی همچون کاهش درآمد، فقر، و مشکلات رفتاری قرار دارد. اکثر والدین مجرد، مواجهه با تمام مسئولیت های مالی خود را دشوار می یابند. ممکن است کاهش درآمد، آن ها را مجبور سازد که خانواده را به خانه ای ارزان تر در محله ای دیگر تغییر مکان داده، بچه ها را از مدرسه ای به مدرسه ای دیگر انتقال داده، و پول کم تری را برای [خرید] اجناس خرج نمایند.))

مطابق ترجمه فارسی این پاراگراف، ضمیر them (آن ها) به اسم single parents یا والدین مجرد اشاره دارد.

نمونه کاربردی ۲ تیپ ۱):

This is also a good time to educate your kid. For example, "Bananas grow on trees. What else can you think of that grows on trees?" or "All fruits have a skins or covers on **them** to protect them from rain and bugs."

1. the word "them" in line 2 refers to

- a) trees b) skins c) bananas d) fruits

تکنیک: گزینه ها را جایگزین کنید و ببینید با کدام یک از این گزینه ها می توانید جمله ای معنادارتری بسازید .
با جایگزین کردن گزینه ها به جای ضمیر Them در متن: «همه میوه ها به روی خودشان پوست یا پوششی دارند که آنها (۱ - درخت ها ۲. پوست ۳. موزها ۴ . میوه ها) را از باران و حشرات محافظت می کند .
معمولاً مرجع ضمیر در جمله ای حاوی ضمیر و یا جمله ای قبل از آن یافت می شود . (جواب درست: گزینه d)
چون اسم Bananas در گزینه ی «C» در جمله ای حاوی ضمیر و جمله ای قبل نیست، بنابراین می توانیم آن را حذف کنیم .

چند مثال دیگر:

3- Education involves both learning and teaching. Sometimes, people learn by teaching themselves. But they also learn with the help of other people such as parents or teachers. Parents are the child's first and perhaps most important teachers. But few people have either the time or the ability to teach their children everything that **they** need to know.

The word "**they**" in line 4 refers to -----.

- a) people b) teachers c) parents d) children

4 - Practice your speech in front of a mirror to check your way of presentation and body movements and change **them** if necessary.

The word "**them**" refers to

- a) way of presentation
c) speech

- b) body movements
d) way of presentation and body movements

4 - Sometimes we can see a satellite in the sky and it seems to stay in the same place. **This** is because it is moving around the world at 11,000 kilometers an hour exactly the same speed that the earth rotates.

The word "**this**" refers to -----.

- a) seeing a satellite in the sky

- b) moving around the world

- c) satellites which seem to stay in the same place

- d) having the same speed as the Earth

5- Life for women has changed, but in some places, it is the same as **it** used to be 100 years ago.

The pronoun "**it**" refers to -----.

- a) life

- b) women

- c) places

- d) years

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۱ درک مطلب:

نشانه اصلی سؤال های تیپ یک درک مطلب، وجود **refer** در صورت سؤال با الگوی زیر است:

The word / pronoun X **refers** to -----

تیپ ۲: معنی کردن کلمه یا عبارت:

همان گونه که در تیپ ۱ گفته شد، در سؤال های مرجع ضمیر خطی زیر یک ضمیر موجود در متن کشیده شده است و مشخص نمودن مرجع آن هدف سؤال می باشد. به جز مرجع ضمیر، مورد دیگری نیز هست که زیر یک واژه (یا یک عبارت در موارد خاص) در متن خطی کشیده شده و عنوان تیپ ۲ سؤال های درک مطلب را با هدف یافتن معنای تقریبی آن واژه یا عبارت به خود اختصاص داده است. طراح سؤال معمولاً واژه ای نا آشنا و فراتر از سطح کتب درسی را در متن درج نموده که داوطلب کنکور سراسری ذهنیتی از معنای دقیق آن واژه نداشته باشد.

راهکار تیپ ۲ سؤال های درک مطلب، جایگزین نمودن هر یک از گزینه ها به جای واژه مشخص شده در متن، و در نهایت انتخاب گزینه ای است که با متن ارائه شده نیز همخوانی داشته و خللی در معنای خوب و منطقی آن وارد نسازد. اگر بیش از یک گزینه شایسته انتخاب گردیده است، گزینه ای را در انتها انتخاب نمائید که با کلیت متن مطابقت بیش تری دارد.

نکته: در تست های تیپ ۲ درک مطلب، برای معنای واژه متن را ملاک قرار دهید زیرا ممکن است آن واژه دارای دو یا چند معنا بوده که تنها با یکی از معانی آن آشنا باشید اما معنای نا آشنای آن واژه در متن مربوطه مورد نظر طراح سؤال بوده است.. بنابراین، توجه نمائید که تنها معنای به کار رفته در متن ملاک انتخاب گزینه قرار گیرد.

روش ها و تکنیک های حدس زدن معنی کلمه ها و عبارت های نا آشنا عبارتند از :

- (۱) استفاده از نشانه های بافت (متن) - کلمه های دور و بر (مجاور)
- (۲) استفاده از تجربه قبلی و دانش عمومی
- (۳) استفاده از بیان مجدد
- (۴) استفاده از تضاد ها (مغایرت ها)
- (۵) استفاده از مثال ها
- (۶) استفاده از زبان مادری
- (۷) استفاده از ساخت واژه (پیشوند ها - ریشه ها و پسوند ها)

۱- استفاده از نشانه های بافت (متن) - کلمات دور و بر (مجاور)

2- The test was so **tough** that no one passed it. "**tough**" means -----.

- a) easy b) long c) short **d) difficult**

3- Doctors, scientist **and** health **experts** are worried about the new problem. "**experts**" means -----.

- a) people who live a long time b) students studying at school
c) people who know a lot about a subject d) students who are usually sick

4 - My statements, my apologies, **and** the rest of my **utterances** were useless.
"**utterances**" is closest in meaning to -----.

- a) friends b) clothes **c) words** d) occasions

۲- استفاده از تجربه قبلی و دانش عمومی:

1- After vaccination, you are **immune** to the disease for a number of years.

۱- بعد از واکسناسیون شما هستید در برابر بیماریها برای چند سال .

"immune" means: "secure, safe or protected"

2- I wrote my name in the sand, but the next wave **obliterated** it.

من نوشتم اسمم را بر روی شن، اما موج بعدی آن را

"obliterated" means : "removed, destroyed or caused to disappear"

۳- استفاده از بیان مجدد:

در بعضی از متون، نویسنده با استفاده از بیان مجدد تلاش می کند مفاهیم مشکل را برای خواننده آسان سازد. کلمه ها و عبارت های کلیدی که در بیان مجدد استفاده می شوند عبارتند از :

In other words,

That is,

That is to say,

i.e. (id est.)

or

به عبارت دیگر / یعنی / یا

نکته: طراحان سؤال گاهی اوقات بیان مجدد را بصورت تعریف کردن در نظر می گیرند. یعنی تفاوتی بین تعریف کردن و بیان مجدد قائل نمی شوند

❖ نوع و شکل سؤالی که در این بخش طرح می شود به صورت زیر می باشد.

Which of the following words or phrases is restated in the passage?

1- Boys **brag, in other words**, they say good things about themselves.

3- Lots of people are **ignorant** of the effect that education can have on their life. **That is**, they don't seem to know its influence.

4- It is a **strenuous** sport, **that is to say**, it requires a great amount of energy.

5- **Altitude, or** the height above sea level, is a factor that affects your breathing.

6- Mr. Brown was not really ill, he was just a **hypochondria**. **That is to say**, he was always ready to imagine that he was suffering from serious diseases

7- The film is only open to **adults, i.e.** people over 18

8- **Geriatricians** – doctors for older people – are studying how we grow old.

9- Over the longer periods of time, the earth's surface has been both cooler during the **Glacials** (*Ice Ages*) and warmer during **Interglacial** (*some periods between the Ice Ages*).

10- These people believe that life would be better in the **suburbs, that is**, the areas just outside the city.

۴- استفاده از تضاد ها (مغایرت ها) :

کلمه ها و عبارت های کلیدی که برای نشان دادن تضاد (مغایرت) استفاده می شوند عبارتند از :

while, whereas, (اگر چه / در حالی که = تضاد آشکار و مستقیم)

although, though, even though (اگر چه / حتی اگر چه = تضاد تعجب آور و غیر منتظره)

unlike (برخلاف)

rather than, (به جای اینکه)

but, however (اما / به هر حال)

on the other hand (از سوی دیگر)

yet, still (با این وجود)

or (یا)

1- **While** factory owners are usually **wealthy**, the workers are *poor*.

2- This flower **thrives** in dry, poor soil **but** *dies* in too wet condition.

3- This snake, **unlike** a *deadly* cobra, is **benign**.

4- **Unlike** **ancient** times, girls work actively in the *modern* society.

5- She was three hours *late* **although** she had promised to be **punctual**.

6- John is *sociable and talkative*; **however**, his sister is very **shy and reserved**.

7- Last summer there was a **drought**, **yet** *some people were still watering their lawns every day*. 8- *On the one hand* we have *plenty* of time, **on the other hand**, our resources are **limited**.

8- Tom decided to **quit rather than** *accept* the new rules.

9- The modern umbrella can *collapse and become shorter* **or** *extend and become longer*.

برخی از کلمه های نا آشنای متن را ، می توان با مثال هایی که نویسنده در متن می آورد ، معنی آنها را حدس زد. کلمه ها ، عبارت های کلیدی و علائم نشانه گذاری که برای مثال زدن استفاده می شوند عبارتند از :

such as

از قبیل

like

مثل / مانند

for example

برای مثال

e.g.

برای مثال

for instance

از جمله

include (including, included)

از جمله

colon:

دو نقطه (برای معرفی کردن موارد / بخش ها / اقلام بکار میرود)

1- Everything we know about *early humans* **such as** **Neanderthals** is based on fossils.

2- The street is crowded with **conveyances**, **such as** buses, bicycles and cars.

3- Large fish, **for examples** eels, can be seen in this aquarium.

4- By fourth day, he was **hallucinating**. **For instance**, when he saw a street sign, he thought it was a person.

5- The air was full of **pollutants**: chemicals, bacteria, smoke and gases.

6- You'll need a variety of skills, **including** leadership and **negotiating**.

7- My doctor told me to avoid fatty food, **like** bacon or hamburger.

8- **Citrus fruits**, e.g. oranges, lemon and grapefruit are a very good source of vitamin C.

۶- استفاده از زبان مادری:

برخی از کلمه های نا آشنا ی متن را ، می توان با آشنایی آن کلمه ها در زبان مادری، معنی آنها را حدس زد.

1-Earthquake prediction may someday become a reality, but only after much more is learned about earthquake **mechanisms**.

(**mechanisms** = system / structure)

2- Fix heavy things strongly to walls (bookshelves, mirrors, **cabinets** etc.)

(**cabinets** = cupboard)

3-The government has no long-term **strategy** for reducing crime.

(**strategy** = plan, program)

4-Ellison is now head of the **Department** of Education.

(**department** = a group of people in an organization)

5-She suffered some **minor** injuries in the accident.

(**minor** = small, not serious)

6-Heat kills, or delay the action of certain **bacteria** and **parasites** that may be in the food.

bacteria = باکتری

7-She felt it and discovered that it was very *soft* and **stretchy**.

(**stretchy** = flexible, elastic)

۷- استفاده از ساخت واژه (پیشوند ها - ریشه ها و پسوند ها)

با یادگیری پیشوند ها ، ریشه ها و پسوند های رایج در زبان انگلیسی - که برخی از آنها ریشه لاتین یا یونانی دارند - می توانید معانی بسیاری از کلمه های نا آشنا ی متن را حدس بزنید. (در درس دوم سال یازدهم با آنها آشنا شدیم.)

1- The energy inside the Earth is **unimaginable**.

(**un-imagin-able**)

2- Her friends know her to be an **argumentative** girl.

(**argu -ment-ative**)

3- Okinawans have the highest life **expectancy** for both men and women over 65.

(**expect-ancy**)

4- It is believed that an earthquake **anteceded** the fire. “**anteceded**” means.....

(**ante-ced-ed**)

a) caused b) happened after c) happened before d) extinguish

5- The distinction or difference between leisure and **unavoidable** activities is not a rigidly defined one.

(**un-avoid-able** = impossible to prevent) (متن کلوز تجربی ۹۳)

6- A best friend gives you **unconditional** love. That means complete love, without any limits.

(**un-condition-al**) (متن تجربی ۹۳)

7- Children learn to talk **formally** and **respectfully** to adults and **informally** to their friends.

تمرین : در هر یک از تمرین های 1-3 زیر، کدام یک از واژه ها را با واژه مشخص شده می توان جایگزین نمود؟

1. If global warming continues, many regions of the world will become drier while others may become wetter.

- 1) wonders 2) areas 3) examples 4) forests

پاسخ تمرین ۱: "اگر گرمایش جهانی ادامه یابد بسیاری از regions جهان خشک تر خواهد شد در حالی که ممکن است بقیه مرطوب تر شوند".

(۱) شگفتی ها، حیرت ها (۲) نواحی، مناطق (۳) مثال ها، نمونه ها (۴) جنگل ها، بیشه ها
گزینه ۲ به خوبی می تواند جایگزین regions شود. گزینه ۲ پاسخ صحیح می باشد.

2. On the basis of their examination results, it is obvious that most students completely misunderstood the first part of the exam.

- 1) clear 2) interesting 3) difficult 4) exact

پاسخ تمرین ۲: "بر مبنای نتایج امتحان های آن ها، obvious است که بیشتر دانش آموزان نخستین بخش امتحان را اشتباه متوجه شدند".

(۱) واضح، روشن (۲) جالب، علاقه (۳) سخت، دشوار (۴) دقیق، صحیح
گزینه ۱ به خوبی می تواند جایگزین obvious شود. گزینه ۱ پاسخ صحیح می باشد.

3. The North Americans consume more energy and resources than any other nation.

- 1) hold 2) give 3) make 4) use

پاسخ تمرین ۳: "مردم آمریکای شمالی بیش از هر کشور دیگری انرژی و منابع را consume می کنند".

(۱) نگه داشتن، برگزار کردن (۲) دادن، ارائه دادن (۳) ساختن، باعث شدن (۴) استفاده / مصرف کردن
انرژی و منابع را چه کار می کنند؟ مشخص است که مصرف می کنند. گزینه ۴ به خوبی می تواند جایگزین consume شود. گزینه ۴ پاسخ صحیح می باشد.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۲ درک مطلب:

نشانه اصلی سؤال های تیپ ۲ درک مطلب، وجود mean یا replace در صورت سؤال با الگوهای زیر است:

The word / phrase X **means** ----- .

The word / phrase X **is closest in meaning to** -----.

The word / phrase X **could best be replaced by** -----.

What is **the meaning of** the word or phrase "x" in Line "y"?

The word or phrase "x" in Line "y" **means** -----

The word or phrase "x" in Line "y" is **closest in meaning to**-----

The word or phrase "x" in Line "y" **could be replaced by**-----

The word or phrase "x" in Line "y" is **the synonym of** -----

تیپ ۳: کدام واژه یا عبارت در متن تعریف شده است؟

حضور این تیپ از تست های درک مطلب در کنکور سراسری به نسبت جدید است. در تیپ 3 درک مطلب، بر خلاف سؤال های تیپ 2 چهار گزینه ارائه شده و از داوطلب کنکور سراسری خواسته می شود که تعیین نماید کدام یک از آن چهار گزینه در متن تعریف شده است. به بیانی دیگر، در تیپ 3 درک مطلب مشخص نمودن معنای واژه ای از متن مورد نظر نمی باشد بلکه می بایست متن را مرور نموده و دریافت که کدام یک از چهار گزینه ارائه شده در آن متن تعریف شده است. برای تعریف نمودن یک واژه، نویسندگان معمولاً یکی از روش های زیر را به کار می برد.

(۱) پرانتز (Parenthesis) :

A swiss described a pencil in a book in 1565. He said it was a piece of wood with lead inside it. (**Lead** is a very heavy, soft, dark grey metal.)

ترجمه: "یک سوئیسی در سال 1565 مدادی را در یک کتاب توصیف کرد. او گفت تکه چوبی است که داخل آن سرب می باشد. (سرب، فلزی بسیار سنگین، نرم، به رنگ خاکستری تیره است). (بخشی از متن درک مطلب انسانی ۹۵)

(۲) خط تیره (Dash) :

Studies show that rapid increase in population growth creates problems for developing countries. So why don't people have fewer Children? The information collected from the developed countries suggests that it is only when people's living standards begin to rise that birth rates begin to fall. There are good reasons for this. Poor countries cannot afford social and old age **pensions** - the money they get from the government when they become old and can't work - and people's incomes are so low they have nothing to save for the future.

For which of the following has the writer given a definition?

- 1) Pension 2) insurance 3) Family Planning 4) Population increase

گزینه ی «۱» برای کدام یک از کلمات زیر، نویسنده تعریفی را ارائه داده است؟

- ۱- حقوق بازنشستگی ۲- بیمه ۳- برنامه ی تنظیم خانواده ۴- افزایش جمعیت

در این گونه سؤالات باید گزینه ها را در متن پیدا کنید و قسمت بعد از آنها را مشخص کنید .

ترجمه: "اطلاعات گردآوری شده از کشورهای پیشرفته نشان می دهد تنها هنگامی استانداردهای زندگی افراد افزایش می یابد که نرخ تولد شروع به کاهش نماید. برای این [موضوع] دلایل خوبی موجود است. کشورهای فقیر نمی توانند از عهده حقوق بازنشستگی تأمین اجتماعی و سالخوردگی - که مبلغ آن را هنگام کهولت و ناتوانی کاری از دولت دریافت می نمایند - برآمده و درآمد مردم آن قدر ناچیز است که هیچ پس اندازی برای آینده آن ها نخواهد ماند " .

تکنیک: باید بررسی کنیم که کدام یک از این کلمات با استفاده از روش های گفته شده در کادر صفحه ی قبل define شده است .

در بین گزینه ها و، تنها کلمه ی Pension در گزینه (۱) است که بعد از آن علامت نشانه گذاری خط تیره (-) آمده و نویسنده این کلمه را define کرده است. تند، زود، سریع گزینه ی (۱) را انتخاب کنید .

۳) ویرگول (Camma):

There is concern over the fact that many animals and plants are in danger of dying out, or becoming extinct.

ترجمه: "در مورد این واقعیت که حیوانات و گیاهان بسیاری در خطر نابود شدن، یا منقرض شدن هستند، نگرانی وجود دارد".

۴) استفاده از کلمات تعریف: 'in other words'، 'that is (to say)' و 'i.e.'

This library is only open to adults, **i.e.** people over 18.

ترجمه: "این کتابخانه تنها در اختیار افراد بالغ، یعنی افراد بالای 18 سال است".

۵) استفاده از 'are'، 'is' و 'means':

Economy is the system of trade and industry by which the wealth of a country is made and used.

ترجمه: "اقتصاد، نظام تجارت و صنعت است که ثروت یک کشور توسط آن تولید و استفاده می شود".

نمونه کاربردی ۱ تیپ ۳):

Digital cameras use a light sensitive chip, instead of film, and store pictures as digital image files that can be transferred to a computer.

1. what does the word "store" in line 1 mean?

- a) Join b) show c) save d) provide

جواب درست: گزینه‌ی «۳»: کلمه‌ی store در خط اول به چه معنی است؟

تکنیک: گزینه‌ها را تک تک جایگزین کلمه‌ی مشخص شده در متن کنید. گزینه‌ای را انتخاب کنید که بتواند از نظر معنی جمله‌ی بهتری بسازد.

با جایگزین کردن گزینه‌ها به جای کلمه‌ی مشخص شده در متن: «دوربین‌های دیجیتال به جای فیلم از یک تراشه‌ی حساس به نور استفاده می‌کنند و عکس‌ها را به شکل فایل‌های تصویری دیجیتالی (۱) ملحق شدن ۲. نشان دادن ۳. ذخیره کردن ۴. فراهم کردن) که می‌توانند به کامپیوتر منتقل شوند

save در گزینه‌ی (c) به معنای (ذخیره کردن) بهترین گزینه‌ای است که می‌توانیم با آن جمله‌ی معنادارتری بسازیم. حالا بدون هیچ دغدغه‌ای گزینه‌ی (c) را انتخاب می‌کنیم.

چند مثال دیگر برای سؤالات تیپ ۳:

1- Hypoxia **is** an illness caused by a shortage of oxygen in the body.

2- Archeology **means** the scientific study of ancient cultures through the examination of their material remains such as buildings, graves, tools, and other artifacts usually dug up from the ground.

3- Curriculum refers to the subjects that are given or taught in a school, college, university, etc; the regular or a particular course of study in a school, college, university.

4- A farmer in England used chicken manure – waste matter from animals that is mixed with soil to improve the soil – to power his car. The car worked but the smell was terrible!

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۳ درک مطلب:

نشانه اصلی سؤال های تیپ 3 درک مطلب، وجود define در صورت سؤال با الگوی زیر است :

Which of the following words or phrases is **defined** in the passage?

البته ممکن است طراح سؤال خواسته باشد که مشخص نمائید کدام یک از چهار گزینه در متن تعریف نشده است. در این صورت، یکی از الگوهای زیر به کار می رود:

Which of the following words or phrases is **not defined** in the passage?

All of the following words or phrases are **defined** in the passage, **EXCEPT** ----- .

تیپ ۴: عنوان یا موضوع یک متن یا پاراگراف از آن

همان گونه که در مرحله 2 پاسخ گویی به تست های درک مطلب گفته شد، متن با سرعت تمام نگاهی اجمالی یا **skimming** می شود. همچنین، اشاره شد که نخستین جمله هر پاراگراف متن و نیز، آخرین جمله آن با توجه بسیار بیش تری خوانده شود. در تیپ ۴ سؤال های درک مطلب، موارد فوق نیز بسیار به کار می رود.

در تیپ ۴ سؤال های درک مطلب، نویسنده خواسته است که مناسب ترین تیتراژ یا عنوان را برای متن ارائه شده مشخص نموده، یا تعیین نمائید که کدام یک از چهار گزینه موضوع متن را بهتر از سه گزینه دیگر پوشش می دهد. از آن جا که ایده کلی متن را پیش از این در مرحله **skimming** متوجه و ذهنیتی از آن داشته اید، در هنگام پاسخ گویی به سؤال های تیپ ۴ نخستین جمله هر پاراگراف و آخرین جمله متن را دوباره با توجهی بیش تر روخوانی نمائید.

اکنون، به گزینه ها نگاه کرده و گزینه های کاملاً نامربوط به متن، و همچنین گزینه هایی که علاوه بر مطالب متن مباحث دیگری را نیز پوشش داده اند حذف نمائید. عنوان متن قطعاً می بایست خود متن، و نه موضوع های فراتر از آن را پوشش دهد. ممکن است در میان گزینه ها موردی باشد که به جای ارائه ایده کلی متن، تنها تعداد کم تری از پاراگراف های آن را پوشش داده است. در این صورت، این گزینه را نیز از گردونه انتخاب گزینه صحیح تست حذف نمائید.

بهترین شیوه یافتن گزینه صحیح تیپ ۴ سؤال های درک مطلب، روش حذف گزینه های نادرست است. به مثال زیر توجه نمائید.

Dolphins are highly social animals, often living in pods of up to a dozen individuals, though pod sizes and structures vary greatly between species and locations. In places with a high abundance of food, pods can go together temporarily, forming a super pod; such groupings may go beyond 1000 dolphins. Membership in pods is not rigid; interchange is common. Dolphins can, however, have strong social relations; they will stay with injured or ill individuals, even helping them to breathe by bringing them to the surface if needed. This altruism does not appear to be limited to their own species.

The dolphin Moco in New Zealand has been observed guiding a female Pygmy Sperm Whale together with her baby out of shallow water where they had stranded several times. They have also been seen protecting swimmers from sharks by swimming circles around the swimmers or attacking the sharks to make them go away.

What is the best title for the passage?

- 1) Dolphins: Highly Intelligent
3) The Most Playful Animal

- 2) Humans and Dolphins
4) Social Behavior of Dolphins

مطابق روال پاسخ گویی به سؤال های تیپ 4 درک مطلب، نخستین جمله هر پاراگراف و آخرین جمله متن فوق، پر رنگ شده است.

- دلفین ها حیواناتی بسیار اجتماعی بوده و در دسته ها زندگی می کنند.

- یک نوع از دلفین به نوعی از نهنگ کمک می کند.

- یک نوع از دلفین به انسان ها کمک می کند.

گزینه ۱: نادرست است زیرا این متن با Intelligent (باهوش بودن) دلفین ها هیچ ارتباطی ندارد.

گزینه ۲: نادرست است زیرا ارتباط میان انسان ها و دلفین ها تنها در بخشی از متن (انتهای آن) مطرح شده و تمامی کلیت متن را پوشش نمی دهد.

گزینه ۳: نادرست است زیرا این متن با playful (بازیگوش) بودن دلفین ها هیچ ارتباطی ندارد.

گزینه ۴: صحیح است زیرا به رفتار اجتماعی دلفین ها مربوط بوده و علاوه بر آن در اصلی ترین جمله متن (نخستین جمله) آن، واژه کلیدی social (اجتماعی) آمده که نشانه ای محکم از صحت این گزینه است. این گزینه، تمامی جمله های به رنگ قرمز متن را نیز پوشش داده که همانا رفتار اجتماعی دلفین ها با هم، با انسان ها، و با سایر حیوانات است. البته، شرایط همواره به این آسانی نبوده و ممکن است کل متن تنها دارای یک پاراگراف باشد. گاهی نویسندگان در نخستین جمله متن هیچ اشاره ای به ایده کلی نداشته و در جمله های بعدی آن را ارائه نموده است.

از آن جا که در مرحله skimming ایده ایکی از متن به دست آمده کافی است هر یک از گزینه ها را با متن سنجیده و گزینه های بی ربط، کلی تر، و جزئی تر را حذف نمائید. با استفاده از این روش، حتی اگر نتوانید به گزینه صحیح دست یابید، حداقل دو گزینه است که به آسانی حذف شده و شانس شما را برای دستیابی به پاسخ صحیح دو برابر نموده است.

The idea of being employed, or working in exchange for money paid as salary or wages, is a relatively recent one. It started fully with the industrial Revolution in the 1760s. Thousands of years before then, when primitive tribes wandered the Earth, everyone – man, woman, and child – worked just to survive, by hunting, gathering food, making clothes, cooking, looking after babies, and handling the houses.

When the first civilizations developed, a form of employment was force on people without their choice. It was called slavery. Slavery were not paid for their work, and were vital to the economy of early civilizations such as ancient Egypt and Greece. In later centuries Slaves played a key role in the economy of European overseas colonies from the 16th century onwards, as well as in the cotton economy of the southern United States up to the American Civil War in 1861. Slaves were forced to work at anything their masters ordered them to, be it field work, housekeeping, or road building. Slaves were often worked till they dropped dead, and were beaten if they refused to work.

Another form of employment called farming emerged in the Middle Ages in Europe. Farmers were employed by lords to work the land for the lords' benefit. In return they received shelter and a Small Plot to farm for themselves. They could not Leaves the lord's estate nor change their employment if they wanted to. Like were not paid money in return for their labour.

What does the passage mainly discuss?

- a) the industrial Revolution
b) what makes scientists confused?
c) the history of the world
d) the history of employment

جواب درست: گزینه‌ی «d» ترجمه روی سؤال: "اساساً متن در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟"

تکنیک ۱: در متن‌های چند پاراگرافی، جمله‌ی اول هر پاراگراف را بخوانید.

جمله‌ی اول پاراگراف اول:

The idea of being employed, or working in exchange for money paid as salary or wages, is a relatively recent one.

"ایده‌ی استخدام شدن یا کار در ازای پرداخت پول به عنوان حقوق سالانه یا دستمزد هفتگی تقریباً جدید است."
جمله‌ی اول پاراگراف دوم:

When the first civilizations developed, a form of employment was force on people without their choice.

"وقتی اولین تمدن‌ها به وجود آمدند، شیوه‌ی از استخدام شدن بدون انتخاب به مردم تحمیل شد."
جمله‌ی اول پاراگراف سوم:

Another form of employment called farming emerged in the Middle Ages in Europe.

"شکل دیگری از استخدام که کشاورزی نامیده می‌شد، در قرون وسطی در اروپا پدیدار شد."

تکنیک ۲: گزینه‌ها را بخوانید و گزینه‌ای را انتخاب کنید که جملات اول پاراگراف‌ها در مورد آن گزینه صحبت کرده باشند.

جمله‌ی اول تمامی پاراگراف‌ها راجع به تاریخچه‌ی استخدام (ایده‌ی استخدام، استخدام در اولین تمدن‌ها و استخدام در قرون وسطی) صحبت می‌کند. گزینه‌ی (d) به تاریخچه‌ی استخدام اشاره می‌کند و جواب صحیح است.

نکات:

۱- گزینه‌هایی که جزئی هستند نمی‌توانند به عنوان موضوع اصلی متن یا پاراگراف انتخاب شوند. گزینه‌ی (a) که فقط در خط دوم متن آمده بود، چون جزئی است، حذف می‌شود.

۲- گزینه‌هایی که کلی هستند، نمیتوانند به عنوان «موضوع اصلی متن یا پاراگراف» انتخاب شوند. گزینه‌ی (C)، یک گزینه‌ی کلی است، زیرا به «تاریخچه‌ی جهان» اشاره نموده است و به همین دلیل حذف می‌شود.

۳- گزینه‌های بی‌ربط به متن را حذف کنید. گزینه‌ی (b) یک گزینه‌ی بی‌ربط به متن است، بنابراین حذف می‌شود.

۴- به کلمات یا عباراتی که در متن تکرار می‌شوند، دقت کنید. در این متن چندین بار کلمه‌ی employment تکرار شد که می‌تواند سرخ خوبی برای انتخاب موضوع اصلی باشد.

موضوع یکی از پاراگراف‌های متن:

ممکن است هدف طراح سؤال موضوع کلی متن نبوده و خواسته باشد که موضوع یکی از پاراگراف‌های متن را تعیین نمایید. در این صورت، کار ساده تر بوده و کافی است همان پاراگراف مورد نظر را با توجه بیش تری خواننده و هر یک از گزینه‌ها را با آن پاراگراف بسنجید. همان روش مربوط به ایده‌ی کلی متن را به کار برده و گزینه‌های بی‌ربط، کلی تر از پاراگراف مورد نظر و جزئی تر از آن را حذف نمائید تا گزینه‌ی صحیح نمایان شود.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۴ درک مطلب:

نشانه‌ی اصلی سؤال‌های تیپ ۴ درک مطلب، یکی از الگوهای زیر است:

The passage is **means** about ----- .

What is passage **mainly** about?

What does the passage **mainly** discuss?

The passage **mainly** deals with ----- .

What is the best **title** / **subject** for the passage?

Which of the following is the **best topic** for the passage?

What is the **main idea** of the passage?

البته، سؤال‌های تیپ 4 درک مطلب لزوماً عین عبارت‌های فوق نبوده اما معمولاً یکی از واژه‌های کلیدی پررنگ در جمله‌های فوق را دارا می‌باشد.

در صورتی که سؤال تست به موضوع یک پاراگراف متن مربوط باشد، یکی از الگوهای زیر به کار می‌رود:

What does paragraph 1,2,3, ... **mainly** discuss?

What is paragraph 1,2,3, ... **mainly** concerned with?

What is the **main idea** of paragraph 1,2,3, ...?

تیپ سؤال ۵: سؤالات مستقیم از جزئیات متن:

تیپ سؤال ۵ متداول ترین نوع سؤال های درک مطلب است. همان گونه که پیش تر اشاره شد، در مرحله **skimming** متن با سرعت تمام روخوانی شده و مکان تقریبی اطلاعات مختلف را به ذهن می سپارید. اگر **skimming** به درستی انجام شود، پاسخ گویی به تست ها و به ویژه، تست های مربوط به جزئیات متن بسیار ساده می گردد.

هنگامی که طراح، یکی از جزئیات متن را مورد سؤال قرار می دهد، ابتدا می بایست واژه کلیدی صورت سؤال را پیدا نمود. یعنی، باید متوجه شد که طراح تست از شما چه می خواهد. با یافتن واژه یا عبارت کلیدی، اکنون می توان به سراغ متن مربوطه رفت. با توجه به انجام قبلی، **skimming** تقریباً مشخص است که پاسخ تست در کجای متن واقع است. آن بخش از متن را یافته و اطلاعات آن را با توجه بیش تری بخوانید. به عبارتی، اکنون زمان **scanning** بخش مورد نظر از متن و یافتن گزینه صحیح فرا رسیده است.

روش پاسخ گویی به این تیپ از سؤال های درک مطلب نیز حذف نمودن گزینه های نادرست می باشد. یعنی، می بایست هر یک از گزینه ها را با بخش مورد نظر مطابقت و بررسی نموده و گزینه های نادرست را حذف نمود معمولاً بکارگیری این روش به حذف شدن آسان دو گزینه انجامیده و در نهایت، با توجه به نکته ظریفی که در یکی از دو گزینه باقی مانده موجود است گزینه صحیح با دقت بررسی و انتخاب خواهد شد.

تیپ ۵ معمولاً حدود نیمی از طراحی تست های درک مطلب را به خود اختصاص داده است. خوشبختانه این تیپ از سؤال ها چندان دشوار نبوده و با تمرین زیاد متن های درک مطلب می توان به این ممارست دست یافت.

چند نکته کاربردی زیر را حتماً همیشه در ذهن داشته باشید:

نکته ۱: در سؤال های مربوط به جزئیات متن بعد از مشخص کردن کلمات کلیدی متن یک جمله قبل و بعد آن را بخوانیم.

نکته ۲: همیشه عین آن کلمه ها و عبارت هایی که در متن آمده است، در گزینه ها داده نمی شود. یعنی از یک مترادف یا بیان مجدد استفاده می شود.

نکته ۳: معمولاً در سؤال های مربوط به جزئیات متن، نظم و ترتیب اطلاعات متن رعایت می شود. یعنی پاسخ سؤال اول در اوایل متن، سؤال دوم در اواسط متن و پاسخ به سؤال آخر در اواخر متن می آید.

نکته ۴: در سؤال های جزئیات متن، مربوط به عدد ها و تاریخ ها (سالها)، معمولاً عدد یا سالی درست است که به صورت مستقیم در متن نیامده است. (به عبارت دیگر، در سؤال های مربوط به عدد یا سال، محاسبه کردن - جمع و تفریق کردن - ضروری است.)

به سال ها و تاریخ های زیر توجه کنید.

in 302 B.C. = in the fourth century B.C.

در قرن چهارم قبل از میلاد

in 571 A.D. = in the sixth century A.D.

در قرن ششم بعد از میلاد

in the 1990s = (1990 - 1999)

decade = دهه ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ = در دهه ۱۹۹۰

early = اوایل

mid = اواسط

late = اواخر

in the third millennium

در هزاره سوم

نکته ۵: گاهی اوقات در سؤال های مربوط به جزئیات متن، همه ی کلمه ها و عبارت ها در گزینه ها درست می باشند به جزء یک کلمه! دقت در اینجا حرف اول را می زند.

نکته ۶: گاهی اوقات در سؤال های مربوط به جزئیات متن، همه ی کلمه ها و عبارت ها در گزینه ها درست می باشند و فقط از فعل ها از نظر زمان و معلوم و مجهول بودن نادرست می باشند.

There is a big difference between the amount of sleep you can get by on and the amount you need to function optimally. According to the national Institutes of Health, the average adult sleeps less than seven hours per night. In today's fast-paced society, six or seven hours of sleep may sound pretty good. In reality, though, if you sleep that long, you are most probably not getting the sleep you need. Just because you're able to operate on six or seven hours of sleep doesn't mean you wouldn't feel a lot better and get more done if you spent an extra hour or two in bed.

While **sleep requirements** vary slightly from person to person, most healthy adults need between 7 to 9 hours of sleep per night to function at their best. Children and teenagers need even more. And despite the notion that our sleep needs decrease with age, most older people still need at least 7 hours of sleep. Since older adults often have trouble sleeping this long at night, daytime naps can help fill in the gap.

According to the passage, the appropriate number of hours of sleep for people----- .

- 1) is on the rise in today's fast-paced society
- 2) is something between 6 to 7 hours per day
- 3) depends on their daily function

با skim صحیح متن بالا، متوجه می شوید که پاراگراف اول در مورد ناکافی بودن میزان خواب در جامعه سریع امروزی، و پاراگراف دوم در مورد میزان خواب مناسب برای افراد مختلف است. نخستین کاری که با رسیدن به تست مربوط به جزئیات متن می بایست انجام شود مشخص نمودن واژه یا عبارت کلیدی است. در بسیاری از موارد، واژه یا عبارت کلیدی دقیقاً یا با تغییر جزئی در خود متن موجود است. اما در این مورد خاص، می بایست از مفهوم جمله متوجه شد که منظور از appropriate number of hours of sleep (تعداد ساعت های مناسب خواب یا همان sleep requirements) در ابتدای پاراگراف دوم است. با یافتن مکان پاسخ تست در متن، می توان گفت که بیش از نیمی از مسیر پاسخ گویی به تست طی شده است. اکنون، هر یک از گزینه ها را طبق بخش مورد نظر از متن بررسی می نمائیم.

گزینه ۱: نادرست است زیرا متن ارائه شده از ناکافی بودن میزان خواب در جامعه امروزی انتقاد کرده، در حالی که گزینه ۱ نقطه مقابل این موضوع را بیان نموده است.

گزینه ۲: نادرست است زیرا در پاراگراف دوم میزان خواب مناسب برای افراد بالغ بین ۷ تا ۹ ساعت عنوان شده، حال آن که گزینه ۲ میزان خواب مناسب را بین ۶ تا ۷ ساعت بیان نموده است.

گزینه ۳: نادرست است زیرا در هیچ جای متن به وابستگی میزان خواب مناسب به (daily function فعالیت روزانه) اشاره نشده است.

گزینه ۴: صحیح است زیرا در این گزینه بیان شده که میزان خواب مناسب دقیقاً یکسان نمی باشد. در پاراگراف دوم نیز دقیقاً اشاره شده است که میزان خواب لازم برای افراد بزرگسال بین ۷ تا ۹ ساعت، و در کودکان و نوجوانان بیش از این میزان خواب مورد نیاز است. یعنی، میزان خواب مناسب در افراد مختلف یکسان نمی باشد. در برخی موارد، سؤال های تیپ ۵ بیش از یک واژه یا عبارت کلیدی داشته و هر یک از گزینه های آن دارای یک واژه یا عبارت کلیدی است. پاسخ دادن به تست های مذکور کمی دشوار بوده و ممکن است برای پاسخ دهی به یک تست، بررسی بخش های مختلفی از متن لازم شود. در صورت مواجه شدن با چنین تست های دشواری آن ها را رها نموده و اگر در انتهای پاسخ دهی دیگر تست ها وقت اضافه ای حاصل شد با دقت به بررسی مجدد آن ها بپردازید.

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۵ درک مطلب:

نشانه اصلی سؤال های تیپ ۵ درک مطلب، وجود عبارت **According to** (مطابق) در ابتدای تست با الگوی زیر است:

According to the passage, -----.

It is **true** that -----.

The writer / passage **mentions** / **states** that -----.

از آن جا که سؤال های مربوط به جزئیات متن اصلی ترین نوع تست های درک مطلب می باشند، اگر در یک تست هیچ نشانه خاصی موجود نبوده و نتوان آن را در تیپ های دیگر قرار داد، در این صورت تست مذکور نیز در تیپ ۵ مربوط به جزئیات متن فرض می گردد.

تیپ ۶: سؤالات از جزئیات متن به شکل منفی:

تیپ ۶ سؤال های درک مطلب خواهر خوانده تیپ ۵ محسوب می شود. در تیپ ۶، طراح سؤال از شما می خواهد که مشخص نمائید کدام یک از چهار گزینه صحیح نیست. یعنی، مطابق متن ارائه شده تنها یکی از چهار گزینه نادرست است.

تیپ ۶ نیز تست های دشواری را معمولاً شامل می گردد. دلیل این مطلب بسیار واضح است چرا که در ۹۰ درصد تست های مربوط به تیپ ۶، هر یک از گزینه ها دارای یک واژه یا عبارت کلیدی است. یعنی، برای پاسخ دادن به تست های تیپ ۶ می بایست بخش های مختلف متن را بررسی نمود.

برای پاسخ دادن به این تیپ از تست ها می بایست واژه یا عبارت کلیدی هر گزینه را مشخص نموده و با ذهنیت حاصل از مرحله *skimming* مکان آن واژه ها و یا عبارت های کلیدی را در متن بیابید. اگر گزینه ای مطابق متن صحیح باشد آن را حذف نموده و در غیر این صورت آن گزینه را به عنوان پاسخ تست نگاه داشته و به سراغ گزینه های دیگر بروید.

توجه نمائید که پیش از پاسخ دادن نهایی به تست، هر چهار گزینه را بررسی نمائید. ممکن است در تحلیل و بررسی گزینه ای مرتکب اشتباه شوید اما با بررسی هر چهار گزینه، احتمال اشتباه در سطح پائین تری قرار می گیرد.

نمونه کاربردی تیپ ۶: بخشی از متن درک مطلب کنکور سراسری هنر ۹۵

In 2011, eight percent of children eight-years old and younger used mobile devices daily. That's according to a report from Common Sense media. This organization studies issues of concern to teachers and families. **By 2015, their report shows that figure had more than doubled.** Many **pediatricians are concerned.** In my view, they are right to be.

These caring doctors state that this trend is disturbing and needs attention. They focus on data indicating that **excessive media use by young children is linked to** fatness, lack of sleep, and **aggressiveness.** They also know that too much media use negatively affects school performance. The American Academy of Pediatrics (AAP) suggests a plan to handle the problem.

The doctors encourage families to set rules about TV consumption, texting, Internet surfing and social media use. They recommend limiting all four. As I see it, they are the people who know best.

Which of the following is NOT stated in the passage?

- 1) Doctors have a plan to make schools forbid mobile use.
- 2) Young children's use of media devices is on the increase.
- 3) AAP is concerned about the problem which is the focus of the passage.
- 4) One cause of young children's aggressiveness can be their using media devices more often than they should.

همان گونه که در صورت سؤال ملاحظه می شود طراح می خواهد مشخص نماید که کدام یک از گزینه ها در متن state (ذکر نشده است.) با بررسی مشاهده می شود که تست دشواری بوده زیرا هر یک از گزینه ها دارای تعدادی واژه و عبارت کلیدی است.

گزینه ۱: گفته شده است که دکترها برنامه forbid (ممنوع) نمودن کاربری تلفن همراه در مدارس را دارند. با ذهنیتی که از مرحله skimming حاصل شده است متن را scan می نمائیم. در هیچ جای متن ارائه شده صحبتی از forbid (ممنوع) شدن تلفن همراه به میان نیامده است. ممکن است این گزینه پاسخ سؤال باشد. در حال حاضر این گزینه را به عنوان پاسخ کاندید نگاه داشته و به سراغ گزینه های دیگر می رویم.

گزینه ۲: گفته شده است که کاربری ابزارهای رسانه ای (مانند تلفن همراه) در کودکان رو به افزایش است. با ذهنیتی که از مرحله skimming حاصل شده است می دانیم که پاراگراف نخست به این موضوع مرتبط است. بنابراین، پاراگراف اول را با دقت بیش تری بررسی می نمائیم. در پاراگراف اول گفته شده است که در سال 2011، هشت درصد کودکان هشت ساله و کم سن تر از آن روزانه از تلفن همراه استفاده کرده اند که این درصد در سال 2015 به بیش از دو برابر رسیده است. بنابراین، گزینه 2 از نظر مفهومی صحیح بوده و نمی تواند پاسخ این تست باشد.

گزینه ۳: گفته شده است که انجمن طب اطفال آمریکا در مورد مشکل مورد بحث concerned (نگران) هستند. متن را scan نموده تا مشخص شود واژه کلیدی concerned یا یکی از مترادف های آن (مانند worried) متن موجود است یا خیر. در انتهای پاراگراف اول به این موضوع اشاره شده است و در نتیجه، این گزینه نیز از نظر مفهومی صحیح بوده و نمی تواند پاسخ تست باشد.

گزینه ۴: در این گزینه واژه کلیدی aggressiveness موجود است و گفته شده است که یکی از علل aggressiveness (گستاخی) کودکان، می تواند استفاده بیش از اندازه لازم ابزارهای رسانه ای (مانند تلفن همراه) از سوی آن ها باشد. در پاراگراف دوم واژه aggressiveness موجود بوده و در آن گفته شده است که استفاده بیش از اندازه رسانه ها با aggressiveness کودکان مرتبط است. در نتیجه، این گزینه نیز از نظر مفهومی صحیح بوده و نمی تواند پاسخ تست باشد. با بررسی تمامی گزینه ها، گزینه ۱ به عنوان پاسخ تست انتخاب می گردد.

نمونه کاربردی ۲ تیپ ۵ و ۶: متن درک مطلب کنکور سراسری انسانی ۸۹

Nobody knows how long it is possible for a human being to live. Although hundreds of people have claimed to be 150 or more, the greatest certain age to which any human has lived is 120 years 237 days.

Shigechio Izumi of Japan was born on 29 June 1865 and died on 21 February 1986. The number of people living to be more than 100 has increased; of these are most women.

Many people live to be fairly old, over 80, and then some essential part of their bodies, such as the heart, gives way and death follows. Many others, however, die younger from hunger, disease or accidents. The number of years a human being may expect to live on average is called his or her expectation of life. "On average" takes account of those who die in children as well as the people who live to be old. Women usually live longer than men. Before ways of preventing or curing disease were known, the expectation of life was not long, even in rich countries. At the end of the 18th century the expectation of life at birth in northwestern Europe and America was 35 to 40 years. By 1970 it was more than 70 years.

Yet in spite of modern knowledge, babies born in many developing countries have an expectation of life of less than 40 years. Some starve, many are weakened by poor diet, and many dies from outbreaks of illness caused by people living in crowded areas.

1. Which statement about the passage is NOT true?

- a) We know for sure that some people have lived over 150.
- b) Shigechiyo Izumi of japan lived more than 100 years.
- c) the greatest certain age to which one has lived is 120 years 237 days.
- d) the number of people living to be more than 100 years has increased.

2. the passage mentions all of the following causes of death EXCEPT -----.

- a) hunger b) disease c) wars d) accidents

3. "Expectation of life can be -----."

- a) the number of years that old men live.
- b) the number of those who die in childhood
- c) the average years a human being may expect to level
- d) people who die in childhood as well as those who live to be old

4. According to the paragraph 4, the expectation of life before ways of curing disease were known was -----.

- a) high b) low c) unimportant d) average

5. the expectation of life for babies born in developing countries is -----.

- a) less than 40 years b) more than 40 years
- c) mostly at 40 years d) exactly at 40 years

سؤال یک: جواب درست: گزینه‌ی «a» ترجمه روی سؤال: "کدام جمله درباره‌ی متن درست نیست؟"

در سؤالاتی که از نادرستی جزئیات متن پرسیده می‌شود، از تکنیک‌های زیر استفاده می‌کنیم .

تکنیک ۱: کلمات کلیدی گزینه‌ها را پیدا می‌کنیم .

people have lived over 150. / know for sure کلمات کلیدی گزینه‌ی a :

Izumi / more than 100 years. کلمات کلیدی گزینه‌ی b :

greatest certain age / 120 years 237 days. کلمات کلیدی گزینه‌ی c :

living to be more than 100 / has increased. کلمات کلیدی گزینه‌ی d :

تکنیک ۲: پاراگراف مربوط به کلمات کلیدی را می‌خوانیم و کلمات کلیدی صورت سؤال را در متن پیدا می‌کنیم .

Nobody knows how long it is possible for a human being to live. Although hundreds of people have claimed to be 150 or more, the greatest certain age to which any human has lived is 120 years 237 days. Shigechio Izumi of japan was born on 29 june 1865 and died on 21 February 1986. The number of people living to be more than 100 has increased; of these are most women.

تکنیک ۳: گزینه‌ها را با جملاتی که کلمات کلیدی در آنها به کار رفته‌اند، مقایسه کنید. گزینه‌هایی که طبق متن درست هستند را حذف کنید و گزینه‌ای را انتخاب کنید که طبق متن غلط است .

the greatest certain age to which any human has lived is 120 years 237 days.

"بیشترین میزان سنی که یک انسان تاکنون داشته بیش از ۱۲۰ و ۲۳۷ روز است ."

در حالی که گزینه‌ی (a) می‌گوید :

We know for sure that some people have lived over 150.

ما می‌دانیم که مطمئناً بعضی از افراد بیش از ۱۵۰ سال زندگی کرده‌اند .

بنابراین جمله‌ی گزینه (a) غلط است و باید این گزینه را انتخاب می‌کنیم .

سؤال دوم: جواب درست: گزینه‌ی (C) ترجمه روی سؤال: "متن تمام موارد زیر را علل مرگ ذکر می‌کند به جز-----".

برای پاسخگویی به سؤالات جزئیات متن که در صورت سؤال کلمه یا کلمات کلیدی داریم، از تکنیک‌های زیر استفاده می‌کنیم .
تکنیک ۱: کلمه یا کلمات کلیدی صورت سؤال را پیدا می‌کنیم .

تکنیک ۲: متن را بخوانید، کلمات کلیدی و یا معادل‌هایش را در متن پیدا کنید و با خواندن جملات اطراف آن، پاسخ را پیدا کنید (مُردن = die) مترادف کلمه‌ی کلیدی (مرگ = death)، در خط ۷ آمده است. بنابراین جملات اطراف این کلمه‌ی کلیدی را می‌خوانیم تا به جواب برسیم .

Many others, however, die younger from hunger, disease or accidents.

Hunger در گزینه‌ی (a)، disease در گزینه‌ی (b) و accidents در گزینه‌ی (d) به کار رفته است، اما wars در متن نیامده است؛ پس گزینه‌ی (C) جواب صحیح است .

سؤال سوم: جواب درست: گزینه‌ی "C"

کلمات کلیدی صورت سؤال Expectation of life را در خط ۱۰ پیدا می‌کنیم و جملات اطراف کلمات کلیدی را می‌خوانیم:

The number of years a human being may expect to live on average is called his or her expectation of life.

قسمت رنگی شده جواب تست است که در گزینه‌ی (C) آمده است .

سؤال چهارم: جواب درست: گزینه‌ی "b"

کلمات کلیدی صورت سؤال curing disease را در خط ۱۲ پیدا می‌کنیم و جملات اطراف کلمات کلیدی را می‌خوانیم:

Before ways of preventing or curing disease were known, the expectation of life was not long.

قسمت رنگی، جواب تست است که مترادف آن Low در گزینه‌ی (b) آمده است .

سؤال چهارم: جواب درست: گزینه‌ی "a"

کلمات کلیدی babies / developing countries را در خط ۱۶ می‌یابیم و جملات اطراف کلمات کلیدی را می‌خوانیم:

Yet in spite of modern knowledge, babies born in many developing countries have an expectation of life of less than 40 years.

قسمتی کردن رنگی شده، جواب تست است که عینا در گزینه‌ی (۱) آمده است.

نکته ۱: معمولا سؤالات جزئیات متن به ترتیب پاراگراف‌ها هستند .

* سؤال دوم از پاراگراف دوم

* سؤال اول از پاراگراف اول

* سؤال چهارم از پاراگراف چهارم

* سؤال سوم از پاراگراف سوم

* سؤال پنجم از پاراگراف پنجم

نکته ۲: وقتی که دارید متن را می‌خوانید، دور عدد، رقم و تاریخ‌هایی که در متن آمده است خط بکشید و مشخص کنید که آن

عدد، رقم و تاریخ مربوط به چه چیزی است. در این متن عدد ۱۲۰ سال و ۲۳۷ روز بیشترین سنی که یک انسان داشته است را

نشان می‌دهد و شما با دانستن این نکته می‌توانستید به راحتی اولین سؤال را پاسخ دهید .

نکته ۳: در سؤالات جزئیات متن، بعضی اوقات خود کلمات کلیدی را در متن پیدا نمی‌کنید و یا این که بعد از پیدا کردن پاسخ در

متن، عین پاسخ را در گزینه‌ها پیدا نمی‌کنید، بنابراین خواستان به مترادف کلمات کلیدی هم در متن و هم در گزینه‌ها باشد .

طبق صورت سؤال ۴، جواب در متن not long است. در گزینه‌ها ما چنین پاسخی نداریم، اما مترادف آن یعنی low در گزینه‌ی

(۲) آمده است.

Nelson Mandela was born in Quna, a small village in South Africa in 1918. His father was an important man in the village but he died when Nelson was still young. Nelson suffered a lot because of his father's death but he never asked for a charity, he just worked hard and finally went to a university where he studied history and languages. At the university he became interested in politics and joined the African National Congress. He studied law and became a lawyer in 1952. He became a leader in the African National Congress and devoted all his life fighting against the white African government. In 1962 he went to prison. In 1990 he was finally set free and in 1993 he won the Nobel Peace Prize.

1- When Mandela was young he had a lot of hardship because -----.

- a) he studied history and languages
b) he lost his father
c) He became a leader in the African National Congress
d) He was sent to prison

2-According to the passage Mandela was in prison for.....years.

- a) 1990
b) 1962
c) 28
d) 38

Health means much more than not being sick. When you are healthy, you say you "feel great." You are happier and do better work. Health helps you enjoy play, sports and parties. It also helps you make friends. Health as a whole includes physical, mental and social health. All parts of your body must work together properly to give you physical health. Your mind must act normally to give you mental health. You must enjoy being with other people and they must enjoy being with you for social health.

You usually do not think about your body when it works properly. But you worry about your health when you do not feel well. The healthy body protects itself against many illnesses. It can make a cut finger or broken leg as it was before. But it breaks down and stops working well unless it receives proper care. Your body can stay healthy only if you supply it with the food and care that it needs. All through the history many persons have worked to improve man's health. Also, the government and a lot of organizations always try to make useful laws to help protect your health.

3 - According to the passage, health DOES NOT help you with -----.

- a) making friends
b) eating good food
c) doing better work
d) feeling happy

4- According to the passage, You usually think about your health -----.

- a) at all times during your life
b) if you do not receive enough food to eat
c) when you cannot make new friends
d) when your body does not work properly

Too much TV- Especially programming of low educational value- can reduce people's ability to concentrate or reason. In fact, studies show that after only a minute or two of watching TV, a person's mind relaxes, as it does during light sleep. Another possible effect of television and also video tapes on the human brain is poor communication. Children who watch a lot of TV may lose their ability to focus on a subject or an educational activity for more than ten or fifteen minutes. The result is poor performance at school. It may also result in a condition in which people are unable to pay attention, listen well, follow instructions, or remember everyday things.

5- Which of these occurs faster during watching TV?

- a) decrease in ability to concentrate
b) poor social communication
c) loss of ability to remember
d) relaxation of mind

6- Which statement is Not mentioned in the passage?

- a) Watching too much TV can decrease people's ability to concentrate.
b) Children who watch TV a lot may lose their ability to focus on a subject for a long time.
c) Watching too much TV can have bad effects on children's eyesight.
d) Too much TV may also result in a condition in which people are not able to listen well

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۶ درک مطلب:

نشانه اصلی سؤال های تیپ ۶ درک مطلب، وجود NOT و EXCEPT (با حروف بزرگ) در صورت تست است. تست های تیپ ۶ معمولاً با یکی از الگوهای زیر مطرح می شود: (EXCEPT به معنی "به جزء، به غیر از" میباشد).

Which of the following is **NOT** true (stated) in the passage?

All of the following are true / mentioned / stated, **EXCEPT** -----.

Which of the following statements is **FALSE**?

تیپ سؤال ۷ : سؤالات استنباطی:

هر چه جلوتر می رویم با تیپ های جالب و در عین حال دشوارتر درک مطلب روبرو می شویم. طراحی تیپ ۷ سؤال های درک مطلب هم در کنکور سراسری متداول می باشد و هم پاسخ دادن به آن نیازمند مهارت بالایی از درک مطلب است.

در سؤال های تیپ ۷ درک مطلب، پاسخ تست به طور مستقیم در متن ذکر نشده است و می بایست پاسخ تست را از متن ارائه شده استنباط نمود.

فرض نمائید گفته شود که ۹۰ درصد داوطلبان کنکور سراسری به سؤال های درک مطلب پاسخ نمی دهند ". با آن که به میزان تسلط داوطلبان کنکور سراسری به مهارت های متن خوانی اشاره ای نشده است اما می توان استنباط نمود که حتماً این گروه از داوطلبان به مهارت های متن خوانی تسلط نداشته که به سؤال های مربوطه پاسخ نداده اند.

تست های تیپ ۷ نیز این گونه اند. پاسخ این تست ها به طور مستقیم در متن موجود نبوده اما با **scan** نمودن متن و تحلیل گزینه ها می توان پاسخ صحیح تست را استنباط نمود.

در این تیپ از سؤال ها نیز واژه یا واژه های کلیدی صورت تست را یافته و اگر هر یک از گزینه ها واژه یا واژه های کلیدی خود را داشت تمامی آن ها را مشخص می نمائیم. با ذهنیتی که از مرحله **skimming** حاصل شده است به سراغ بخش مورد نظر متن رفته و در نهایت تلاش نموده که متوجه شویم کدام گزینه از متن ارائه شده قابلیت استنباط دارد.

نمونه کاربردی ۱ تیپ ۷: بخشی از متن درک مطلب کنکور سراسری انسانی ۹۰

The Eskimos' way of life has changed much over the past hundred years, although many traditional customs do persist. And despite the geographical separation between different Eskimo groups, all Eskimos have preserved a similar culture. They are still mainly coastal people who journey inland in the short summers to hunt caribou and birds, and to fish. The Major exceptions are some North Alaskan Eskimos and the Caribou Eskimos, who live inland all the year round. The North Alaskan Eskimos are famous for **hunting** the enormous **bowhead whale**, weighing 54 tons (60 US tons). Elsewhere on the coast, Eskimos hunt seals, walruses, and smaller whales such as the white whale. Fishing for cod is popular among the Eskimos in Greenland and Labrador.

It can be reasonably concluded from the passage that some Eskimos hunt the bowhead whale -----.

- a) for fun b) out of nee c) to show their hunting ability d) to sell its meat to the US

با نگاه کردن به تست، واژه **conclude** (استنباط / برداشت کرد) جلب توجه می نماید. بنابراین، تیپ ۷ یا سؤال استنباطی درک مطلب است. کلیدی ترین بخش صورت تست، **hunt the bowhead whale** می باشد. با توجه به کوتاه بودن متن، مکان **bowhead whale** به آسانی پیدا می شود.

می خواهیم متوجه شویم دلیل شکار نمودن این نوع نهنگ توسط اسکیموها چه می باشد. همان گونه که دیده می شود، در متن به این موضوع اشاره ای نشده است.

گزینه های a و c بلافاصله حذف شده زیرا اسکیموها در سرمای شدید قطب به دنبال راهی جهت سیر نمودن شکم خود، و نه به جهت سرگرمی (گزینه a) یا نشان دادن مهارت در شکار (گزینه c) می باشند. گزینه d نیز حذف شده زیرا در هیچ جای متن از صادرات گوشت به ایالات متحده اشاره ای نشده است. گزینه b صحیح است زیرا **out of need** (از روی نیاز) شکار کردن بسیار منطقی می باشد.

نکته: اگر در گزینه های مربوط به تست استنباطی واژه های مطلق گرا (مانند **no, never, just, any, only, every, all**، **at all, always, none, nobody** و...) موجود باشد گزینه مورد نظر معمولاً نمی تواند صحیح باشد زیرا طراح سؤال معمولاً هدف درست نشان دادن شکل ظاهری گزینه بوده اما در صورت استفاده از چنین واژه های مطلق گرای آن گزینه نادرست می گردد. توجه نمائید که این مطلب همواره صحیح نبوده و صرفاً به عنوان نشانه ای در تحلیل گزینه های این تیپ از سؤال های درک مطلب به کار می رود.

نمونه کاربردی ۲ تیپ ۷: بخشی از متن درک مطلب کنکور سراسری ریاضی ۸۹

Even in a informal group, communication is always more complicated than it is between two individuals. Some people feel very nervous when they are in a group; they might either keep quiet and say nothing at all, or else they may start speaking and never want to stop. To work well in a group, you have to learn to listen as well as to speak, and you must be prepared to change your mind, or to agree to cooperation with other people present. No group well if its members are selfish and stubborn.

1. It can be understood from the passage that to communication well in a group, you need to -----.

- a) be open to ideas different from yours
- b) learn how to make all members think like you
- c) people should learn how to hold a meeting
- d) Keep quiet and say nothing at all

جواب سؤال: گزینه ی "a"

تکنیک ۱: کلمات کلیدی صورت سؤال را مشخص کنید .

کلمات کلیدی سؤال: برقراری ارتباط مناسب در یک گروه **communicate well in a group**

تکنیک ۲: پیدا کردن کلمات کلیدی در متن و خواندن پاراگراف و جمله ی مربوطه:

در آخر خط ۳ کلمات کلیدی **to work well in a group** را می یابیم و پاراگراف و جمله ی مربوطه را می خوانیم:

To work well in a group, you have to learn to listen as well as to speak, and you must be prepared to change your mind, or to agree to cooperation with other people present.

ترجمه: "برای خوب عمل کردن در یک گروه، شما باید گوش دادن را نیز به خوبی صحبت کردن یاد بگیرید و باید خود را برای تغییر افکارتان آماده سازید و یا پذیرا باشید تا با افراد حاضر دیگر همکاری کنید ."

تکنیک ۳: استنباط کردن و پیدا کردن گزینه ی صحیح:

با توجه به قسمت مشخص شده در مرحله‌ی قبل می‌توانیم استنباط کنیم که برای این که کار گروهی خوب انجام شود، شما باید نظرات متفاوت دیگران را پذیرا باشید و این استنباط در گزینه‌ی (a) آمده است .

نکات:

- ۱- پاسخ سؤالات استنباطی به طور مستقیم در متن نیامده است، بنابراین گزینه‌هایی که عیناً از متن انتخاب شده‌اند، حذف می‌شوند .
گزینه‌ی (d) این تست، عیناً در خط ۳ آمده است و چون سؤال، یک سؤال استنباطی است، این گزینه‌ی غلط است و حذف می‌شوند .
- ۲- معمولاً در سؤالات استنباطی یک یا دو گزینه کاملاً پرت هستند و هیچ ارتباطی با سؤال ندارند، این گزینه‌ها را نیز حذف کنید .
گزینه‌ی (c) این تست، کاملاً بی‌ربط با سؤال است و به همین دلیل حذف می‌شود .
- ۳- گزینه‌هایی که دارای کلمات مطلق‌گرای *every* ، *always* ، *all* و ... هستند معمولاً غلط‌اند .
چون گزینه‌ی (b) دارای کلمه‌ی مطلق‌گرای *all* است، حذف می‌شود .
- ۴- در این گونه سؤالات، روش حذف گزینه‌ها بسیار توصیه می‌شود .
در همین تست، گزینه‌های (b)، (c) و (d) به راحتی حذف می‌شوند، چون به هیچ وجه در متن نیامده‌اند .

شکل ظاهری سؤالات تیپ ۷ درک مطلب:

نشانه‌های اصلی سؤال‌های تیپ ۷ حضور افعال زیر در صورت تست است:

understand (understood) / conclude / infer / imply / suggest / point out

تست‌های تیپ ۷ معمولاً با یکی از الگوهای زیر مطرح می‌شود:

We (can) **understand** from the passage -----.

It can be **understood** from the passage -----.

It can be **concluded / inferred** from the passage -----.

The writer / author **suggests / points out / implies** -----.

تیپ ۸ : در متن به کدام سؤالات پاسخ داده شده است؟

طراح سؤال گاهی تیپ ۸ را برای جذابیت بیش‌تر کنکور سراسری و نشان دادن خلاقیت در طراحی تست ارائه نموده است. در این تیپ از سؤال، هر چهار گزینه تست به صورت سؤال‌ی بوده و با توجه به محتویات متن می‌بایست تعیین نمود که پاسخ کدام یک از گزینه‌ها در متن موجود است.

برای پاسخ دادن به این تیپ از تست‌ها ابتدا واژه یا واژگان کلیدی تمامی گزینه‌ها را مشخص نموده و سپس، به سراغ بخش‌های متلف متن رفته تا ببینید که آیا می‌توان پاسخ سؤال‌ی را پیدا نمود یا خیر. اگر مرحله **skimming** با دقت انجام شده باشد ادامه کار آسان است و می‌توان دانست که پاسخ هر یک از سؤال‌ها تقریباً در کجای متن قرار دارد.

گاهاً طراح سؤال از شما می‌خواهد که مشخص نمائید پاسخ کدام یک از چهار گزینه سؤال‌ی در متن وجود ندارد.

For centuries there have been descriptions of unusual animal behavior happening before and related to earthquakes. In cases where animals show unusual behavior some tens of seconds before a quake, it has been suggested they are responding to the P-waves. These travel through the ground **about twice as fast as the S-waves** that cause most severe shaking. They predict not the earthquake itself - that has already happened - but only the possible arrival of the more destructive S-waves.

In the 1970s, scientists thought that a practical method for predicting earthquakes would soon be found, but by the 1990s continuing failure led many to question whether it was even possible. Demonstrably successful predictions of large earthquakes have not occurred and the few claims of success are not accepted by all scientists. For example, the most famous claim of a successful prediction is related to the 1975 Haicheng earthquake.

A later study said that there was no valid short-term prediction. Extensive searches have reported many possible earthquake signals, but, so far, such signals have not been reliably identified across significant spatial and temporal scales. While part of the scientific community hold that, considering nonseismic signals or precursors and given enough resources to study them extensively, prediction might be possible, most scientists are not that positive and some say that earthquake prediction is inherently impossible.

There is enough information in the passage to answer which of the following questions?

- 1) In what cases did scientists fail to predict earthquakes in the 1990s?
- 2) How much faster do P-waves travel compared to S-waves?
- 3) What kind of unusual animal behavior can be a signal of an upcoming earthquake?
- 4) Why is it that S-waves are more destructive than P-waves are?

سؤالی بودن هر چهار گزینه تست، نشانگر تیپ ۸ سؤال درک مطلب است. با یافتن واژه یا واژه های کلیدی هر یک از گزینه ها به سراغ متن می رویم.

گزینه ۱: نادرست است زیرا سؤال شده: "در چه مواردی دانشمندان از پیش بینی زمین لرزه در دهه ۱۹۹۰ واماندند؟". این گزینه با ایده کل متن در تضاد بوده زیرا که متن ارائه شده امکان پیش بینی زمین لرزه ها را زیر سؤال برده است.

گزینه ۲: صحیح است زیرا سؤال شده است "امواج P چه قدر سریع تر از امواج S حرکت می کنند؟". با ذهنیت حاصل از مرحله skimming، به یاد داریم که در پاراگراف اول از امواج P و S صحبت شده است. بنابراین، به سراغ پاراگراف اول رفته و آن را با دقت بیش تری scan می نمائیم. همان گونه که با رنگ قرمز مشخص شده است، گفته شده که امواج P با دو برابر سرعت امواج S حرکت می کنند.

گزینه ۳: نادرست است زیرا سؤال شده است "چه نوعی از رفتار غیرمعمول حیوان می تواند نشانه ای از زمین لرزه پیش رو باشد؟". باز هم از مرحله skimming به یاد داریم که در پاراگراف اول در مورد حیوانات صحبت شده است. در این پاراگراف گفته شده است که حیوانات پیش از وقوع زمین لرزه رفتار غیرمعمولی را بروز می دهند اما به نوع رفتار حیوانات اشاره ای نشده است.

گزینه ۴: نادرست است زیرا سؤال شده است "چرا امواج S مخرب تر از امواج P هستند؟". با مراجعه به پاراگراف اول گفته شده که امواج S مخرب تر از امواج P هستند اما از علت این پدیده صحبتی به میان نیامده است.

The first time I came to the Herault, after a ten – hour train ride from Paris to Montpellier, I caught a bus to the old village where my friend Sarah had bought a house. When I got there an hour and a half later, despite the fact that I'd been riding on a modern bus, I had the sense that I'd moved back 700 years.

Sarah's house is made of Stone, a few hundred years old, typical of the kind of place for sale cheaply here. Like actually all the village houses it's attached to the neighboring ones – so although the village is small it feels heavily populated, everybody living close together, always somebody leaning out of the window or sitting in front of the door. Inside, it is dark and cool. When Sarah bought the house, it cold running water, some missing floors, and the fireplace didn't work.

1. Which of the following questions does the passage answer?

- a) Did anyone help Sarah to fix her house?
- b) How did the author happen to know Sarah?
- c) why did the author travel 700 years back in time?
- d) Did the author walk from Montpellier to her friend's house?

جواب سؤال: گزینه‌ی D

تکنیک ۱: متن را سریع بخوانید .

تکنیک ۲: منظور نویسنده را درک کنید .

با خواندن خط‌های ۱ و ۲ از متن:

The first time I came to the Herault, after a ten – hour train ride from Paris to Montpellier, I caught a bus to the old village where my friend Sarah had bought a house.

"اولین باری که به هراالت آمدم، بعد از یک سفر ده ساعته با قطار از پاریس تا مونته پلیر، سوار یک اتوبوس شدم و به یک روستای قدیمی رفتم که در آنجا دوستم سارا یک خانه خریده بود ."

در گزینه‌ی (d) متوجه می‌شویم که نویسنده می‌خواهد به این سؤال که «آیا نویسنده از مونته پلیر تا خانه‌ی دوستش پیاده رفت؟» جواب بدهد .

شکل ظاهری تیپ سؤال ۸ درک مطلب:

نشانه‌ی اصلی سؤال‌های تیپ ۸ درک مطلب، وجود چهار گزینه‌ی سؤال‌ی بوده و صورت تست نیز معمولاً با یکی از الگوهای زیر مطرح می‌شود:

Which of the following **questions** does the passage **answer**?

There is enough information in the passage to **answer** which of the following **questions**?

اگر طراح سؤال از شما بخواهد که کدام سؤال در متن پاسخ داده نشده است، صورت تست با الگوی زیر مطرح می‌شود.

Which of the following **questions** in **NOT answered** in the passage?

تیپ ۹ : مشخص کردن هدف و منظور نویسنده

پاسخ این تیپ از سؤال های درک مطلب به صورت مستقیم در متن ارائه شده موجود نمی باشد. به یاد دارید که در تیپ ۷ بر مبنای اطلاعات موجود در متن موضوعی استنباط می گردید. اما در تیپ ۹ باید مشخص نمود که نویسنده از نوشتن کل متن، پاراگرافی از متن، یا حتی جمله ای از آن، چه منظوری را دنبال نموده است؟

با ملاحظه این تیپ از سؤال ، گزینه ها را با بخش مورد اشاره از متن سنجیده و دریابید که کدام یک از گزینه ها با هدف و منظور نویسنده مطابقت بیش تری دارد. با حذف گزینه های غیر منطقی می توان به پاسخ صحیح تست دست یافت.

نمونه کاربردی تیپ سوال ۹ درک مطلب: متن کنکور تجربی ۹۶

One of the most important decisions at the time when people grow up and become adults is what job or career to choose. However, with so many possibilities to choose from, this decision is often a difficult one to make. In addition, there are many factors that may influence an individual in the choice of a career and some of these may be conflicting. For example, family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest may all be factors that pull an individual in three different directions when trying to decide what career path to follow.

Although it is often stated that by the time a person is a young adult they will know what they want to "do with their life," in fact, the process of finding a career may take a long time. It is not uncommon for an individual to try more than one career before finding the one that leads to job satisfaction.

Clearly young adulthood is a period of stress. It is a time for raising a family, finding and maintaining the "right" job, and keeping a balance among self, family, job, and society at large. It is a period of life that requires great energy. Fortunately, in terms of physical development, we are at something of a peak during our 20s and 30s.

As Levinson (1986) has stated, "early adulthood is the era of greatest energy and abundance and of greatest contradiction and stress.

1. Why does the author mention "family pressure, the potential for earning money, and one's own personal interest," in paragraph 1?

- a) to introduce some of the factors that influence an adult's choice of a career
- b) to give examples of adult responsibilities
- c) to discuss the positive and negative effects of every career choice
- d) to explain why adults need to choose a career

2. The passage is primarily intended to ----- .

- a) introduce a finding
- b) inform
- c) provide advice
- d) make a suggestion

همراه متن بالا، دو تا تست هدف نویسنده داریم. ابتدا تست اول را بررسی می کنیم. این تست، دلیل ذکر the potential for earning money, family pressure و personal interest را مورد سوال قرار می دهد. خود تست می گوید که این موارد در پاراگراف اول ذکر شده اند؛ پس آنها را در پاراگراف اول متن پیدا می کنیم. بعد از ذکر این موارد در پاراگراف اول، نویسنده می گوید که این موارد «ممکن است همگی فاکتورهایی باشند که وقتی شخص تلاش می کند تا تصمیم بگیرد کدام مسیر شغلی را دنبال کند، او را به سه مسیر متفاوت می کشند.»

گزینه (a): «تا تعدادی فاکتورهایی را که انتخاب شغل شخص بالغ را تحت تأثیر قرار می دهند ، معرفی کند». به نظر می آید این گزینه درست باشد. پس آن را به عنوان کاندید پاسخ نگه می داریم و می رویم سراغ گزینه های بعدی.

گزینه (b): «تا از مسئولیت‌های [دوران] بلوغ مثال‌هایی ارائه کند.» به نظر بی‌ربط می‌آید.

گزینه (c): «تا تأثیرات مثبت و منفی هر انتخاب شغلی را مورد بحث قرار دهد.» این هم به نظر بی‌ربط می‌آید.

گزینه (d): «تا توضیح دهد چرا افراد بالغ باید شغلی را انتخاب کنند.» در پاراگراف اول، در مورد علت الزام به انتخاب شغل افراد بالغ صحبتی نشده است. پس این گزینه هم نمی‌تواند منطقی باشد.

نکته‌ای که به درست بودن گزینه (۱) تأکید می‌کند، وجود کلمه **factors** در این گزینه و ذکر همین کلمه، همراه کلمات کلیدی تست در پاراگراف او متن است. پس پاسخ این تست، گزینه (۱) است.

دومین تستی که همراه متن داریم می‌گوید که متن اساساً **intend** (قصد) دارد تا چه کار کند؟ گزینه‌ها را بررسی می‌کنیم:

(a) یافته‌ای را معرفی کند (b) اطلاع‌رسانی کند (c) توصیه کند (d) پیشنهادی ارائه کند

یک نکته جالب این که گزینه‌های (۳) و (۴) تقریباً هم معنی هستند و اگر مطمئن باشیم با هم تفاوت خاصی ندارند، می‌توانیم هر دو را حذف کنیم. متن را هم که بررسی می‌کنیم توصیه و پیشنهاد خاصی را نمی‌بینیم. پس این دو گزینه را فعلاً کنار هم می‌گذاریم و می‌رویم سراغ گزینه‌های (۱) و (۲). آن چیزی که مشخص است، متن اطلاعاتی را ارائه می‌کند، اما آیا این اطلاعات یافته‌های تحقیق خاصی است و یا این که نویسنده متن را صرفاً برای اطلاع‌رسانی نوشته است؟! با ذهنیتی که از مرحله **skimming** داریم، نگاهی به متن می‌اندازیم.

در هیچ جایی از متن، صحبت از یافته‌های تحقیق و پژوهش خاصی نشده است؛ پس گزینه (۱) هم خیلی منطقی نیست. در نتیجه، به نظر می‌رسد تنها گزینه منطقی این تست، همان گزینه (۲) خواهد بود.

شکل ظاهری تیپ سؤال ۹ درک مطلب:

اصولاً تست‌های تیپ ۹ می‌توانند شکل و ظاهر بسیار متفاوتی داشته باشند. نکته کلیدی در مورد ظاهر این تست‌ها، اشاره به کلماتی مثل **intend** (قصد داشتن) در تست و یا **why does the author** (چرا نویسنده) در ابتدای صورت تست است. رایج‌ترین موارد سؤالات تیپ ۹ عبارتند از:

The passage / the author is primarily **intended** to -----.

Why does the author **mention** / **discuss** / **compare** -----?

The author **mentions** / **discusses** / **compares** ----- in order to -----.

تیپ ۱۰ : موضوع پاراگراف قبلی / بعدی

فرض نمائید متنی برای مثال با سه پاراگراف ارائه شده است و طراح آن در یکی از تست‌های درک مطلب از داوطلب کنکور سراسری خواسته است که موضوع پاراگراف بعدی (که در متن ارائه نشده است) را مشخص نماید. یعنی می‌بایست با توجه به چیدمان مطالب در متن ارائه شده مشخص نمود که پاراگراف چهارم متن احتمالاً چه موضوعی را مطرح خواهد نمود. برای پاسخ گویی به این نوع از تست‌ها، حدس زدن موضوع مورد بحث پاراگراف آخر، به ویژه با توجه نمودن به آخرین جمله آن بسیار مهم است.

نمونه کاربردی تیپ سؤال ۱۰ درک مطلب: تجربی ۹۱

A dream can be defined as a train of thoughts and fancies occurring during sleep. It is now known that everyone dreams, even if they cannot recall doing so. Recording the electrical activity of the brain (EEG) during sleep shows that there are two kinds of sleep. If people are awakened from the deeper kind, they seldom recall dreaming. But if they are awakened from the lighter kind, called REM sleep because of the rapid eye movements which accompany this kind of sleep, they nearly always recall a dream.

The newborn infant spends about half its sleeping time in REM sleep; the adult about one-sixth. Someone who sleeps for seven and a half hours generally spends about one and a half hours dreaming. REM sleep is abolished by sleeping pills; but when a person stops taking these, he dreams almost continuously, as though he needed to catch up on what he had lost. REM sleep also occurs in all species of mammals and animals so far studied.

These facts about dreams suggest that they must serve important biological function in all higher animals including human beings. But scientists do not agree on what this function is. Although we spend about a third of our lives asleep, and rapidly become confused and ill if we are deprived of sleep, no one fully understands why we have to sleep so much. So it is not surprising that there are a number of different theories about dreams.

The paragraph following this passage would most probably discuss -----.

- a) Different kinds of dreams
- b) how great the number of our dreams is
- c) why it is not surprising that we dream a lot
- d) some theories about dreams

برای پاسخ دادن به این تست، ایده کلی متن را در نظر داشته و پاراگراف آخر را با دقت بیش تری می خوانیم. در آخرین جمله متن گفته شده است "بنابراین، این که نظریه های مختلفی در خصوص رؤیایها موجود است امری تعجب آور نمی باشد". اما نویسنده اطلاعات خاصی را در مورد این تئوری ها ارائه نکرده است. می توان حدس زد که در ادامه محتمل متن، نویسنده به ارائه نمودن اطلاعات بیشتری در مورد این نظریه ها بپردازد. بنابراین، گزینه d به عنوان پاسخ صحیح تست انتخاب می گردد.

تیپ سؤال ۱۱ - سؤال های در ارتباط با لحن و نگرش نویسنده (زبان تخصصی)

نوع و شکل سؤال هایی که در این بخش (لحن و نگرش نویسنده در متن) طرح می شود به صورت زیر می باشد .

What **tone** does the author take in writing this passage?

"چه لحنی را نویسنده در نوشتن این متن دارد؟"

Which of the following best reveals (describes) the author's **attitude** towards -----in the passage?

"کدام یک از موارد زیر، بیشتر نشان می دهد (توصیف می کند) نگرش نویسنده درباره در متن؟"

The writer's **tone** in this passage is -----.

"لحن نویسنده در این متن است."

How would the author probably **feel** about.....?

"چه احساسی نویسنده به احتمال زیاد دارد در باره....."

- این نوع سؤال ها، احساس نویسنده را در باره یک موضوع یا ایده نشان می دهد که در زمان نوشتن آن متن داشته است.
- نویسنده در یک متن ممکن است به شدت موافق یا مخالف با یک موضوع یا عقیده باشد. ولی در بیشتر موارد نویسنده سعی می کند در باره موضوع مطرح شده در متن حالت بی طرف (خنثی) را داشته باشد.

برخی از نمونه ها در مورد پاسخ های لحن و نگرش :

1- positive (مثبت)	11- persuasive (تشویقی / متقاعدکننده)	21- unfavorable (مغرضانه)
2-negative (منفی)	12- supportive (حمایتی)	22- concerned (نگران)
3- neutral (خنثی)	13- scientific (علمی)	23- historical (تاریخی)
4- indifferent (بی تفاوت)	14- sarcastic (طعنه آمیز)	24- cynical (بد بینانه)
5- informative (آموزنده)	15- objective (عینی / بی طرف)	25- emotional (احساسی)
6- humorous (فکاهی)	16- complimentary (تمجیدی)	26- skeptical (تردید آمیز / شک آمیز)
7- disbelieving (باور نکردنی)	17- critical (انتقادی)	27- optimistic (خوش بینانه)
8- cautionary (اخطار آمیز)	18- impersonal (غیر شخصی)	28- pessimistic (بدبینانه)
9- descriptive (توصیفی)	19- depressing (ناراحت کننده)	29- sympathetic (همدردی / دلسوزانه)
10- explanatory (توضیحی)	20- favorable (مورد تایید / موافق)	30- approving (موافق کننده)

به چند مثال زیر توجه کنید:

1- The work, a **true masterpiece**, was written in a day. (positive)

2- In her **brilliant career** as an architect, she was **renowned** not only for the quality of her work but also for the amount of work she produced. (positive)

3- The system is **extravagant** of land use and **not suitable** for many areas of the world. (negative)

4- These experiments are not only **shocking** but also a **waste of time and money**. (negative)

We must realize **the futility of trying to impose our will** upon our children. **No amount of punishment will bring about lasting submission**. Today's children are willing to take any amount of punishment in order to assert their rights. Confused and bewildered **parents mistakenly hope** that punishment will eventually bring results, without realizing that they are actually **getting nowhere with their methods**. At best, they gain only **temporary results** from punishment. When the same punishment has to be repeated again and again, it should be obvious **that doesn't work**.

5- Which of the following best describes the author's attitude towards punishment in the passage?

- a) sympathetic b) indifferent c) approving d) critical

6- What is the tone of the passage?

- a) descriptive b) sarcastic c) cautionary d) humorous

چند توصیه کلی در آخر:

- ۱) از یاد نبرید که ممارست در پاسخ گویی تست های کنکور سراسری تنها با تکرار و استمرار بکارگیری تکنیک ها و تیپ شناسی ارائه شده در حل تمرین ها میسر می گردد. برای مثال، سعی کنید سه متن کلوز تست و چهار متن درک مطلب را به صورت همزمان در طول هر هفته بررسی و تمرین نمایید.
- ۲) نکتهٔ پرداختن به تست های ساده تر در ابتدای آزمون و سپس، پاسخ دادن به تست های دشوار (در صورت باقی ماندن وقت اضافه) را فراموش ننمائید.
- ۳) اگر توجه نمائید، تیپ بندی این درسنامه از آسان به دشوار بوده است. تیپ ها را به خوبی شناخته و تیپ های ساده تر را به هیچ عنوان در آزمون کنکور سراسری از دست ندهید.
- ۴) همواره به خود عادت دهید که تست ها را در همان زمان مقرر (مانند شرایط حضور در آزمون کنکور سراسری) انجام دهید. در ادامه و در هنگام بررسی تست ها، رویکرد خود را به کلی تغییر داده و هر یک از جمله های متن را با دقت بررسی نمائید تا به نوع تفکر و بینش طراح متن احاطه نمائید.
- ۵) همیشه به توانایی های خودتان ایمان داشته باشید و مثبت نگر باشید!

Passage One:

Most women in Ghana – the educated and *illiterate*, the urban and rural, the young and old – work to earn an income in addition to playing their roles as housewives and mothers. Most of Ghana's working women are farmers and traders. Only one woman in five, or even fewer, can be classified as simply housewives. Even these women often earn money by sewing or by baking and cooking things to sell. They also maintain vegetable gardens and chicken farms. In fact, the woman who depends entirely upon her husband for her support is not well respected.

In some countries, the problems for women are the opposite of those in Ghana. In the Middle East, for example, women have traditionally stayed at home. They were responsible for keeping the home and did not work. In fact, when women went out in public, they walked behind their husband. Today the pattern of life is changing. Many women want to take an active role in the economy. However, working reduces their chances of getting married because many men still want to marry in the traditional way.

1. According to the passage, in Ghana, -----.

- a. farmers are mostly women
- b. fifty percent of women are housewives
- c. most women earn their own money
- d. women fail to raise their children properly

2. The underlined word "*illiterate*" in the first line means -----.

- a. unable to hear and speak
- b. unable to work and move
- c. unable to write and read
- d. unable to earn money

3. Opposite Ghanaian women, women in the Middle East -----.

- a. are responsible for providing the family
- b. raise their children themselves
- c. walk beside their husbands
- d. are mostly unemployed

4. Today, Middle Eastern women -----.

- a. prefer to marry rather than go to work
- b. have no role in the society
- c. are too busy at home to go out to work
- d. play a more active role

5. Even today, many men in the Middle East still -----.

- a. don't like their future wife go to work
- b. make their wives raise the children
- c. prefer to marry a working woman
- d. reduce their chances of getting married

بیشتر زن ها در کشور غنا - چه تحصیل کرده و بی سواد، چه شهری و روستایی، چه جوان و پیر- برای کسب درآمد علاوه بر نقش شان به عنوان زن خانه دار و مادر، کار هم می کنند. بیشتر زن های کارگر در کشور غنا بازرگان یا کشاورز هستند. فقط یک زن از زن یا حتی تعداد کمتری می توانند به عنوان فقط زن خانه دار طبقه بندی شوند. این چنین زن ها اغلب توسط خیاطی و یا پخت و پز چیزهایی (مواد غذایی ای) که به فروش می رسانند کسب درآمد می کنند. آن ها همچنین سبزیجات خود را از باغ ها و گوشت مرغ را از مزرعه ها به دست می آورند. در حقیقت، زن هایی که به طور کامل به شوهران خود برای حمایت نیازمند هستند به طور کامل مورد احترام قرار نمی گیرند. در بعضی کشور ها، مشکلات برای زن ها برعکس آن هایی است که در کشور غنا هستند. در خاورمیانه، برای مثال، زن ها به صورت سنتی در خانه می مانند. آن ها مسئول نگهداری از خانه هستند و کار خارج از منزل انجام نمی دهند. در حقیقت، وقتی زن ها در عموم ظاهر می شوند آن ها پشت سر شوهریشان راه می روند. امروز الگوی زندگی در حال تغییر است. خیلی از زن ها می خواهند که نقش فعالی در اقتصاد داشته باشند. اگرچه، کار کردن فرصت ازدواج کردن را کاهش می دهد زیرا خیلی از مرد ها هنوز می خواهند به روش سنتی ازدواج کنند.

۱- (c) طبق متن، در کشور غنا (بیشتر زنان خرج خودشان را در می آورند).

۲- (c) کلمه ای که زیر آن خط کشیده شده، در خط اول یعنی (ناتوانی از خواندن و نوشتن). « بی سواد »

۳- (d) برعکس زنان غنایی، زنان در خاورمیانه (اکثراً شاغل نیستند).

۴- (d) امروزه، زنان در خاورمیانه (نقش فعال تری را برعهده دارند).

۵- (a) حتی امروزه نیز، بسیاری از مردان در خاورمیانه هنوز (دوست ندارند که همسر آیندهشان به سرکار برود).

Passage Two:

In all societies, a section of the population is labeled as "old". What is different from place to place is the age at which people are considered old, and the way old people are regarded. In modern industrialized societies, old age begins at 65 or 70; in contrast, in the 19th century old age began at 55. In many poor countries, where people's life expectations are much lower, someone as young as 40 may be an old person.

In some societies elderly people are thought of as wise and experienced, and they may even be the leaders of the community. But in western societies, the elderly is sometimes disregarded. Having reached a certain age, somewhere between 60 and 70, they may be expected to retire from their jobs, even if they are still able to work efficiently. Gradually their ties with the community are released, and in many cases, they live in communities made up entirely of old people.

The rapid ageing of the populations of all the industrialized countries is due not only to people living longer, but also to a sharp decline from the 1970s onwards in the number of babies being born. Women tend to live longer than men, so that in 1985 for every 100 women over the age of 70, there were only 63 men. It is also true that the better-off members of the society can expect to live longer than the poorer, since they are generally better fed and have superior medical care.

1. According to the passage, -----.

- a. people are considered old depending on their country
- b. 2000 years ago, and old person was at most 55
- c. someone as young as 40 is usually called an old person
- d. people in modern industrialized societies die sometimes between 65 and 70

2. The phrase "retire from" in the 2nd paragraph is closest in meaning to -----.

- a. do
- b. leave
- c. compile
- d. experience

3. According to the passage, the rapid ageing of the populations is -----.

- a. more related to women
- b. observed in industrialized societies
- c. specially observed in all Western societies
- d. common in poor societies

4. The passage is mainly about -----.

- a. old age
- b. population size
- c. different kinds of societies
- d. the number of babies in different societies

در همه جوامع، بخشی از جمعیت به عنوان سالمندان لقب می گیرند. چیزی که از مکانی تا مکان دیگر درباره سن و سال متفاوت است آن است که مردم را به عنوان سالمند لحاظ می کند و طریقه ای که مردم سالمند به حساب می آیند. در جوامع صنعتی مدرن، سالمندی از 65 تا 70 سالگی شروع می شود؛ در عوض، در قرن نوزدهم سالمندی از 55 سالگی شروع می شد. در خیلی از کشورهای فقیر، جایی که انتظار طول عمر خیلی پایین تر است، شخصی به جوانی 40 سالگی هم ممکن است یک سالمند باشد.

در بعضی جوامع انسان های سالمند به عنوان عاقل و باتجربه لحاظ می شوند، و حتی ممکن است آن ها به عنوان رهبران جامعه باشند. اما در جوامع غربی، گاهی اوقات سالمندان مورد بی احترامی قرار می گیرند. وقتی آن ها به سن خاصی می رسند، جایی بین 60 تا 70 سالگی، شاید از آن ها انتظار برود که از شغل شان بازنشسته شوند، حتی اگر آن ها قادر باشند هنوز به طور مؤثری کار کنند.

به تدریج پیوند آنها با جامعه گسسته می شود، و در خیلی از موارد آن ها در جوامعی زندگی میکند که به طور کلی از سالمندان تشکیل شده است. سالخوردگی سریع جمعیت ها در تمامی کشورهای صنعتی نه تنها به خاطر طولانی تر زندگی کردن آنهاست، بلکه به دلیل کاهش شدید از دهه 1970 به بعد در تعداد کودکانی است که به دنیا آمده اند. زن ها گرایش به طولانی تر زندگی کردن نسبت به مردها دارند، بنابراین در سال 1985 به ازای صد زن بالای 70 سالگی فقط 63 مرد وجود داشتند. این امر همچنین حقیقت دارد که اعضای جامعه که شرایط بهتری دارند انتظار می رود نسبت به فقرا طولانی تر زندگی کنند، از آن جایی که به طور معمول آنها بهتر غذا میخورند و مراقبت های بهداشتی بهتری دارند.

۱- (a) اینکه مردم پیر در نظر گرفته می شوند بستگی به کشور آن ها دارد.

۲- (b) عبارتی که زیر آن خط کشیده شده یعنی «بازنشسته شدن» در اینجا نزدیکترین معنی به آن ترک کردن یعنی گزینه می باشد.

۳- (b) بر طبق متن، پیرتر شدن سریع جمعیت (در جوامع صنعتی مشاهده می شود).

۴- (a) متن اساساً همانطور که از خط اول پاراگراف اول آن هم مشخص است درباره سن پیری است.

Passage Three:

All viruses are made up of two kinds of substance. First, all viruses contain proteins. Proteins are chemical substances that occur in all living creatures. A particle, or molecule, of a protein consists of a long chain of substances called amino acids. There are about 20 different kinds of amino acid in proteins. These can be arranged in any order on the protein chain. Different kinds of plant or animal contain proteins with different arrangements of amino acids. The protein generally forms the outer coat of a virus. This outer layer of protein encloses the second kind of substance found in all viruses - nucleic acid.

1. It is clear from the passage that -----.

- a. proteins are greatly damaged by viruses
- b. the amount of proteins differs in each animal or plant
- c. few proteins are without amino acids
- d. it is impossible to find a living thing with no proteins

2. The arrangement of amino acids -----.

- a. is very simple in the proteins of the viruses
- b. is determined by the kinds of proteins
- c. has nothing to do with proteins
- d. varies among each living thing

3. Which of the following best describes the author's tone?

- a. sensitive
- b. informative
- c. aggressive
- d. emotional

4. The second substance of the viruses -----.

- a. consists of only amino acids
- b. is usually the part covered by proteins
- c. must contain at least 20 amino acids
- d. is not as essential as the first one

همه ویروس ها از دو نوع ماده تشکیل شده اند. اول، همه ویروس ها حاوی پروتئین ها هستند. پروتئین ها مواد شیمیایی هستند که در همه موجودات زنده رخ می دهند. یک ذره یا یک مولکول، از یک پروتئین شامل یک زنجیره طولانی از موادی به نام آمینواسیدها می باشد. حدود ۲۰ نوع آمینواسید در پروتئین ها وجود دارد. آن ها می توانند با هر آرایشی روی زنجیره پروتئین نظم بگیرند. انواع مختلف گیاه یا حیوان حاوی پروتئین هایی با ترتیب متفاوت از آمینواسیدها می باشد. پروتئین بطور کلی پوشش بیرونی یک ویروس را تشکیل می دهد. این لایه خارجی پروتئین، شامل ماده نوع دوم - اسید نوکلئیک - که در همه ویروس ها یافت می شود را دربر می گیرد.

۱ - (d)

۲ - (d)

۳ - (c)

۴ - (b)

Passage Four:

One can write notes either in the novel he or she is reading or in a separate notebook. The advantage of the former method is that it doesn't disturb one's reading too much; disadvantage is that it spoils a book, it affects one's second reading of the novel, there is not always too much room for the notes in the book. One way round these problems is to write brief notes in pencil in a novel as one is reading, then to copy these up and expand them in a separate notebook. These also allow one to copy out brief extracts from the novel which strike one as important, and it means that you file for future reference only notes about which you have thought a second time after having finished reading the novel.

1. It's stated in the passage that -----.

- a. there is more than one way to take notes
- b. writing notes in the novel doesn't harm the book so much
- c. taking notes in a separate book has only disadvantages
- d. studying a novel is more difficult than reading it in detail

2. According to the passage, -----.

- a. writing a novel is more difficult than reading
- b. it short notes may be helpful in the future
- c. one can read either novel or short story easily
- d. it's not practical to read a novel twice

3. The word "it" in line 2 refers to -----.

- a. novel
- b. former method
- c. book
- d. pencil

4. The main concern of the passage is -----.

- a. the methods of reading a book
- b. how to cope with problems of reading a novel
- c. the notes that are taken while reading a novel
- d. how to write a good novel

هرکس می تواند حتی در زمانی که او می خواند یا در یک دفتر یادداشت جداگانه یادداشت برداری کند. مزیت روش قبلی این است که یک نفر موقع مطالعه بیش از حد مضطرب نمی شود؛ عیب این روش این است که کتاب را از بین می برد، و بر خواندن دومین بار زمان تاثیر می گذارد، همیشه فضای زیادی برای یادداشت ها در کتاب وجود ندارد. یک راه حل برای این مشکلات، نوشتن یادداشت های کوتاه در یک زمان با مداد هنگام خواندن میباشد، سپس کپی کردن آن ها و گسترش دادن آن ها در یک دفترچه یادداشت جداگانه می باشد. این ها هم چنین به یک فرد اجازه می دهد که یادداشتهای کوتاه استخراج شده از زمان که مهم هستند را کپی کند، و این به این معنا است که شما برای رجوع آینده تنها یادداشت های مربوط به آنچه که برای بار دوم پس از تمام شدن خواندن زمان درباره آن فکر کرده اید را ثبت می کنید.

(a) - ۱

(b) - ۲

(c) - ۳

(c) - ۴

Passage Five:

The Brazil nut tree is one of the Amazon's longest living trees, of an age 1,000 years. *Its* flowers depend on bees for pollination. Once pollinated, a coconut-sized seed containing some tiny 20 seeds, develops for over 15 months before falling to the forest floor. They are found exclusively in Amazon forests. Harvesting is exhausting, even for the strong. Apart from bees and the Brazil nut harvesters, the life of many other plants and animals is intertwined with this tree. The empty seeds fill with rainwater and provide breeding grounds for flies, frogs, all of which depend on these small ponds on the forest floor. The major threat to the trees is forest clearing. Sustainable harvesting of Brazil nuts is therefore vital way to provide protection of forests and saving the Amazon.

- 1. We can clearly understand from the passage that the Brazil nut -----.**
 - a. is only found in Amazon forests because harvesting it requires demanding work
 - b. is the only food bees show interest in
 - c. is the fruit of the longest living tree in Amazon region
 - d. must be harvested in 15 months after it has been planted
- 2. We can infer from the passage that when considered ecologically -----.**
 - a. seeds of the Brazil nut spread through many countries of the world through pollination
 - b. bees depend mainly on the flowers of Brazil nut trees to survive
 - c. the Brazil nut is important not only for some animals but also the Amazon's survival
 - d. the Brazil nut can only grow in places where there are flies and frogs
- 3. The word "its" in line 1 refers to -----.**
 - a. nut
 - b. tree
 - c. flower
 - d. Brazil nut tree
- 4. It is clearly pointed out in the passage that -----.**
 - a. since the Brazil nut tree only grows in the Amazon, it is the main attraction of this region
 - b. the reason why the Brazil nut is important for some animals is that its seeds serve like water ponds for them.
 - c. it is necessary to restrict the growth of the Brazil nut to save the Amazon
 - d. the first cultivation of the Brazil nut in the Amazon dates back 1000 years ago

درخت آجیل برزیلی یکی از قدیمی ترین درختان نارگیل زنده آمازون است که 1000 سال قدمت دارد. گل‌های آن به زنبورها برای گرده افشانی وابسته هستند. موقع گرده افشانی یک دانه تعداد 20 دانه کوچک را شامل می شود که به مدت بیش از 15 ماه قبل از افتادن به زمین جنگل، رشد می کند. آن ها به طور انحصاری در جنگلهای آمازون یافت می شوند. برداشت حتی برای افراد قوی، خسته کننده است، جدای از زنبور ها و ماشین های درو آجیل برزیل، زندگی بسیاری از گیاهان و حیوانات دیگر با این درخت درهم تنیده است. دانه خالی با آب باران پر میشود و زمینه های رشد برای مگس ها، قورباغه ها و همه آن هایی که به دریاچه های کوچک در زمین جنگل نیاز دارند، فراهم می کند. خطر اصلی برای درختان، پاکسازی جنگل است. بنابراین برداشت پایدار درخت های آجیل برزیل برای تامین حفاظت از جنگل ها و نجات جنگل های آمازون یک امر حیاتی است.

(a) - ۱

(c) - ۲

(d) - ۳

(b) - ۴

Passage Six:

Often mistaken for insects, spiders actually belong to a different classification of creatures, called arachnids. They're insects' worst enemies. Although a few species, such as the black widow and the brown recluse, are dangerous, the majority are harmless to humans. Moreover, they can be helpful. Pest control, for example is just one of the many ways spiders can help us. Because they kill far more pests than commercial insecticides do. In the future, perhaps if farmers employ armies of spiders to protect their fields, our grocery bills will be lower and our soil and water and food will have fewer pesticide remains.

1. Unlike many people think, -----.
 - a. the black widow is a dangerous species of the spider
 - b. spiders are the worst enemy of insects
 - c. same species of spiders are dangerous
 - d. a spider is not a kind of insect at all
2. The black widow and the brown recluse -----.
 - a. are often confused with other species of spiders
 - b. do the greatest harm to soil, water, and food
 - c. are two of the few dangerous species of spiders
 - d. are the most commonly used species of spiders in pest control
3. The word "they" in line 3 refers to -----.
 - a. insects
 - b. spiders
 - c. humans
 - d. black widow and brown recluse spiders
4. In the future, agricultural products might be cheaper and healthier if -----.
 - a. they found an effective way to get rid of spiders
 - b. some species of spiders weren't so harmful
 - c. armies of spiders are employed to protect the fields
 - d. insecticides destroy all the insects on the field

اغلب عنكبوت ها به اشتباه جزء حشرات محسوب می شوند. در واقع عنكبوت ها به طبقه بندی متفاوتی از موجوداتی که عنكبوتیان نام دارند متعلق هستند. آنها بدترین دشمنان حشرات هستند. اگرچه تعداد کمی از گونه ها مانند "بیوه سیاه" و "عنكبوت قهوه ای" خطرناک هستند اما اکثر آن ها برای انسان ها بی ضرر هستند. علاوه بر این، آن ها میتوانند مفید نیز باشند. برای مثال کنترل آفات، تنها یکی از راه هایست که عنكبوت ها میتوانند به ما کمک کنند. زیرا آنها آفات بسیار بیشتری را نسبت به آفت کش های تجاری نابود می کنند. در آینده، شاید اگر کشاورزان ارتش های عنكبوت را برای محافظت از مزارع خود استخدام کنند، صورت حساب هزینه های ما کاهش خواهد یافت و خاک و آب و غذا، آفت کش کمی خواهند داشت.

- ۱- (d)
- ۲- (c)
- ۳- (b)
- ۴- (c)

Passage Seven:

Today, millions of people want to learn or improve their English but it is difficult to find the Best method. Is it better to study in Britain or America or to study in your own country? The advantages of going to Britain seem **obvious**. Firstly, you will be able to listen to the language all the time you are in the country. You will be surrounded completely by the language wherever you go. Another advantage is that you have to speak the language if you are with other people. In Iran, it is always possible, in the class, to speak Persian if you want to and the learning is slower. On the other hand, there are also advantages to staying at home to study. You don't have to make big changes to your life. As well as this, it is also a lot cheaper than going to Britain but it is never possible to achieve the results of living in the UK. If you have a good teacher in Iran, you can learn in a more concentrated way than being in Britain without going to a school.

So, in conclusion, if you have enough time and enough money, the best choice is to spend some time in the UK. This is simply not possible for most people, so being here in Iran is the only practical option. The most important thing to do in this situation is to maximize your opportunities: to speak only English in class and to try to use English whenever possible outside the class.

1. One of the advantages of going to the UK to learn English is that -----.

- a. there are no Iranians in Britain
- b. you will have to speak English and not Persian
- c. the language schools are much better
- d. you will have more concentration

2. If you decide to learn English in Iran, -----.

- a. you will have better teachers
- b. you don't need to work too hard
- c. your life can continue as it was before
- d. you will be surrounded by the language

3. People who don't have a lot of time and money should -----.

- a. learn English in Britain
- b. try and speak English in class more often
- c. go to Iran to learn English
- d. make big changes to their life

4. The word 'obvious' in the first paragraph is closest in meaning to -----.

- a. natural
- b. popular
- c. necessary
- d. clear

امروزه میلیون ها نفر می خواهند زبان انگلیسی یاد بگیرند یا آن را بهبود ببخشند اما پیدا کردن بهترین روش سخت است. آیا بهتر است زبان را در بریتانیا، آمریکا و یا در کشور خود فرا گرفت؟ مزایای رفتن به بریتانیا به نظر واضح است. در ابتدا، شما می توانید هر لحظه که در آن کشور هستید، به زبان گوش فرا دهید. هرکجا که بروید، کاملاً با زبان احاطه شده اید. یکی دیگر از مزیت ها این است که وقتی با دیگران هستید، باید زبان انگلیسی صحبت کنید. در ایران، همیشه این امکان وجود دارد، در کلاس، که اگر بخواهید به زبان فارسی حرف بزنید و همچنین یادگیری کندتر است. از سوی دیگر، در منزل ماندن و زبان خواندن نیز مزایایی دارد. شما مجبور نیستید تغییرات بزرگی در زندگیتان ایجاد کنید. به علاوه، این روش نیز از رفتن به بریتانیا بسیار ارزان تر است، اما هرگز امکان دستیابی به نتایج زندگی کردن در انگلستان وجود ندارد. اگر شما یک معلم خوب در ایران داشته باشید، می توانید با تمرکز بیشتر از در بریتانیا بودن بدون رفتن به مدرسه بیاموزید.

بنابراین، در نتیجه، اگر شما وقت و پول کافی داشته باشید، بهترین انتخاب این است که مقداری زمان را در انگلستان بگذرانید. این روش برای اکثر مردم به سادگی امکان پذیر نیست، بنابراین تنها گزینه عملی یادگیری در ایران است. مهمترین چیز در این وضعیت این است که فرصت های خود را به حداکثر برسانید: فقط به زبان انگلیسی در کلاس صحبت کنید و تلاش کنید هر زمان که امکان داشت خارج از کلاس نیز از زبان انگلیسی استفاده کنید.

1- (b) یکی از مزایای رفتن به بریتانیا برای یاد گرفتن زبان انگلیسی این است که (مجبورید انگلیسی حرف بزنید و نه فارسی).

۲- (c) اگر تصمیم بگیرید که در ایران انگلیسی یاد بگیرید، (زندگی تان می تواند مثل قبل ادامه پیدا کند).

۳- (b) افرادی که وقت و پول زیادی ندارند باید (سعی کنند بیشتر در کلاس انگلیسی صحبت کنند).

۴- (d) معنی کلمه ای که زیر آن خط کشیده شده (واضح) است.

Passage Eight:

Which is the most difficult language to learn? Well, it's not easy to answer because there are many factors to take into consideration. A native speaker of Spanish, for example, will find Portuguese easier to learn than a native speaker of Chinese, for instance, because Portuguese is very similar to Spanish, while Chinese is very different, so first Language can affect learning a second language. The greater the differences between the second language and our first, the harder it will be to learn. Many people answer that Chinese is the hardest language to learn, possibly influenced by the thought of learning the Chinese writing system, and the pronunciation of Chinese does appear to be very difficult for many foreign learners.

However, for Japanese speakers, who already use Chinese characters in their own language, learning writing will be less difficult than for speakers of languages using the Roman alphabet. Teachers and the circumstances in which the language is learned also play an important role, as well as each learner's motivation for learning. If people learn a language because they need to use it professionally, they often learn it faster than people studying a language that has no direct use in their day to day life.

1. How hard a language is to learn depends on -----.

- a. how similar it is one's mother tongue whether b. it is Chinese or Portuguese
c. huge challenges faced by different learners how long d. it takes to master pronunciation

2. A Japanese speaker finds the Chinese writing system easier because -----.

- a. Chinese characters are not as complex as Roman alphabet
b. the two writing systems have many characters in common
c. Japanese and Chinese cultures are almost the same
d. they need to use the Chinese language professionally

3. The best topic for the above passage would be -----.

- a. The Hardest Language b. Learning A Language
c. Different Writing Systems d. Chinese Against Portuguese

4. The underlined word "circumstances" in paragraph ۲ is closest in meaning to -----.

- a. action b. condition c. occasion d. environment

سخت ترین زبان برای یادگرفتن چیست؟ خوب، جواب دادن به این سؤال آسان نیست، زیرا عوامل زیادی را باید مدنظر قرار داد. برای مثال، برای یک اسپانیایی زبان نسبت به یک چینی زبان، یادگیری زبان پرتغالی آسان تر است، زیرا زبان پرتغالی به زبان اسپانیایی شبیه تر است، در حالیکه زبان چینی بسیار متفاوت است، بنابراین زبان اول بر یادگیری زبان دوم می تواند تاثیر بگذارد. هر چه تفاوت بین زبان اول و دوم بیشتر باشد، یادگیری زبان دوم سخت تر است. بسیاری از مردم جواب میدهند که زبان چینی سخت ترین زبان برای یادگیری است، که احتمالاً این فکر متأثر از یادگیری سیستم نوشتاری و تلفظ زبان چینی است که برای زبان آموزان خارجی سخت است. اگرچه، برای ژاپنی ها، که در حال حاضر از کاراکترهای زبان چینی در زبانشان استفاده می کنند، یادگیری نوشتن کمتر دشوار است از کسانی که از الفبای رومی در زبانشان استفاده میکنند. همچنین معلمین و شرایطی که زبان یاد گرفته شده است، به اندازه انگیزه زبان آموز برای یاد گرفتن، نقش مهمی را ایفا می کنند. اگر مردم زبانی را فرا می گیرند، به دلیل اینکه می خواهند حرفه ای از آن استفاده کنند، معمولاً زبان را سریعتر از کسانی که مستقیم در زندگی روزمره از زبان استفاده نمی کنند، فرا می گیرند.

۱- (a) اینکه یادگیری یک زبان تا چه اندازه سخت است بستگی به این دارد که (چقدر به زبان مادری شخص نزدیک است).

۲- (b) برای یک ژاپنی سیستم نوشتاری زبان چینی آسان تر است چون (این دو سیستم نوشتاری حروف مشترک زیادی دارند).

۳- (b) اگر فقط چند خط اول را بخوانید شاید بگویید گزینه صحیح گزینه b است در حالیکه در ادامه و به خصوص در پاراگراف دوم میبینید متن اساساً می خواهد درباره یادگیری یک زبان صحبت کند.

۴- (d) به معنی محیط، دور و بر

Passage 1- (ریاضی ۹۵)

Mars is the fourth planet from the Sun and the second- smallest planet in the Solar System, after Mercury. It is often referred to as the “Red Planet” because the iron oxide prevalent on its surface gives it a reddish appearance. Mars is a terrestrial planet with a thin atmosphere, having surface features that look like the craters of the Moon and the valleys, deserts, and polar ice caps of Earth.

The rotational period and seasonal cycles of Mars are likewise similar to those of Earth, as is the title that produces the seasons. Mars is the site of Olympus Mons, the largest volcano and second-highest known mountain in the Solar System of Valles Marineris, one of the largest valleys in the Solar System. The smooth Borealis basin in the northern hemisphere covers 40% of the planet and may be a giant impact feather. Mars has two moons, Phobos and Deimos, which are small and irregularly shaped. These may be captured asteroids, similar to 5261 Eureka, a Mars Trojan.

- 1. Which of the following questions is the one the passage is primarily written to answer?**
 - a. How was Mars formed?
 - b. What life forms can Mars support?
 - c. What does the Planet Mars look like?
 - d. How big is Mars compared to other planets in the solar system?
- 2. The passage suggests that Olympus Mons -----.**
 - a. is the only volcano that we can find on Mars
 - b. plays a part in the creation of Martian seasons
 - c. is the second highest mountain in the universe
 - d. comes second in height in the whole solar system
- 3. The word “one” in paragraph 2 refers to -----.**

a. Valles Marineris	b. Olympus Mons
c. mountain	d. volcano
- 4. The passage provides enough information to answer which of the following questions?**
 - a. Why is the atmosphere of Mars thin?
 - b. Where has the iron oxide on Mars come from?
 - c. Why are the two moons of Mars irregularly shaped?
 - d. How many planets are closer to the Sun than Mars is?

Passage 2 – (٨٧ هنر)

In 1954 the American and Soviet governments announced that they would launch artificial satellites during the International Geophysical Year of 1957-58. The Russians were first mistaken about the unmarried satellites Sputnik 1 on 4 October 1957. (Sputnik is Russian for "traveling companion") Its capsule weighing 83.6 kilograms went into Earth orbit carrying a radio transmitter whose "bleeps" (pips) were received on the ground. Sputnik I was followed in November 1957 by the much bigger Sputnik 2, which weighed half a ton. It carried the dog Laika, which became the first living creature to orbit the Earth. The first American satellite, Explorer 1, weighed only 14 kilograms. It was launched in January 1958.

The Russians probe Luna 1 launched in 1959 flew past the Moon at a distance of about 6000 kilometers. In the same year, the Russians actually hit the Moon with Luna2, and Luna3 flew round the Moon and sent back the first photographs of the far side.

- 1. According to the passage, Sputnik 1 -----.**
 - a. was a satellite without anyone inside it
 - b. weighed 83.6 kilograms
 - c. carried a radio transmitter on the ground
 - d. was a capsule which went into earth orbit
- 2. The word "artificial" in the first paragraph is closest meaning to -----.**
 - a. special
 - b. economical
 - c. unnatural
 - d. unusual
- 3. Which sentence about Sputnik 1 is NOT true?**
 - a. Sputnik 1 was first launched by the Russians
 - b. Sputnik 1 was much bigger than Sputnik 2
 - c. The capsule of Sputnik 1 went into the Earth carrying a radio transmitter
 - d. Sputnik 1 was followed by another Sputnik carrying a dog
- 4. The passage point out that the Russians got to the Moon with -----.**
 - a. Luna 1
 - b. Luna 2
 - c. Luna 3
 - d. Luna 4
- 5. The best title for the passage would be -----.**
 - a. International Geophysics
 - b. Russian Sputniks
 - c. Types of Satellites
 - d. First Steps in Space

Passage 3 – (ریاضی ۸۷)

The railway made it possible to carry goods and people overlad for long distances at high speed. Railways were first built in Great Britain and in the 19th century, as the Industrial Revolution developed, the railways were the most important and fastest growing form of transport.

There were railways long before there were railway engines or " locomotives. As early as the 16th century, wagon-ways made of wooden rails were used to convey wagons loaded with coal from the mines in Durham and Northumberland in northeast. It was found that horses could pull heavier loads along a smooth track than a rough road.

Later, iron plates were used to protect the wood and around 1800 L-shaped rails came into use for guiding the wagon wheels. These " plate ways" and " tramways" were also used in South Wales and it was there in 1804 that the Cornish mine owner Richard Trevithick worked on a steam locomotive able to pull a load of 20 tones (22 US tons). With the development of the steam engine, the was open for the start of the railway age.

1: The passage is mainly about -----.

- a. the railway engine
- b. the wagon wheels
- c. the Industrial Revolution
- d. the development of railways

2. Which sentences about railways is NOT true?

- a. Railways carried people at high speed
- b. railways made it possible to carry things far away
- c. There were railways and then railway engines were made
- d. The railway was built in Great Britain long after the Industrial Revolution

3. The word "convey" in the 2nd paragraph is closest in meaning to -----.

- a) carry
- b) stretch
- c) control
- d) follow

4. As wagon-ways made of wooden rails were used , -----.

- a) iron plates were protected by the wood
- b) railways engines were used to convey the rails
- c) horses were found to pull heavier loads along smooth tracks
- d) the mines in Durham and Northumberland were found

5. What happened when the steam engine was made?

- a) The railway age began
- b) L-shaped rails came into use to guide the wagon wheels
- c) The " plate ways" and " tram ways" were used in South Wales until 1804
- d) Richard Trevithick worked on a steam locomotive weighing 20 tones

6. The passage is mainly about -----.

- a) the railway engine
- b) the wagon wheels
- c) the Industrial Revolution
- d) the development of railways

Passage 4 – (انسانی ۸۷)

Some children require programs of special education and may have to attend special schools, where what is taught and it is taught is different from what is available in regular schools. There are different types of special schools. Special schools exist for children who are deaf (or partially deaf); for the blind (or partially visually handicapped); for mentally related children; for physically handicapped children; and for children with behavioral problems. In some countries there are also schools for clever children, those who are either exceptionally intelligent or artistically or musically talented.

In Western Europe and the United States, the first programs of special education were developed during the late 18th and the 19th centuries, but were not widely available. These schools were residential (boarding) establishments, and were often in the countryside. These meant that the children who attended them rarely mixed with other children.

- 1. The first paragraph is mainly about -----.**
 - a. special schools
 - b. school programs
 - c. deaf and blind students
 - d. the uses of special education
- 2. According to the passage, which of the following is NOT true?**
 - a. There are some children who need to go to special school.
 - b. The method of teaching is different in the two kind of schools.
 - c. What is taught in special schools is different from that of regular schools.
 - d. There are some schools for especially clever children all over the world.
- 3. According to the passage, special schools are only for -----?**
 - a. deaf and blind children
 - b. handicapped or talented children
 - c. children who have artistic and musical abilities
 - d. children who have mental and behavioral problems
- 4. The first programs of special education in the West -----.**
 - a. lasted for 100 years
 - b. began in second half of the 18th century
 - c. were developed outside the United States
 - d. were free for most people to benefit from
- 5. Which one is NOT a feature of special schools?**
 - a. Everybody had access to them
 - b. They were often in the countryside
 - c. They were boarding schools
 - d. Children in such schools were rarely in contact with other children

Passage 5 – (انسانی ۸۹)

The Pre-Raphaelites wanted to paint naturally and study every detail carefully, as the early Netherlands painters had done; but they mostly turned away from the life around them. If they painted landscape, for instance, they were apt to go to distant places where no railways or factories were to be seen. Holman Hunt, for example, went to the Holy Land in order to paint scenes from the Bible with perfect accuracy.

In France the more revolutionary painters did the opposite. Instead of painting in great detail, they painted broadly, with great sweeps of the brush, and increasingly, they painted the life of France in their day. Gustavo Courbet, for instance, painted landscape, still-life, and every kind of scene from the life both of well-to-do farmers and of peasants. Jean Francois Millet painted mostly peasants, often working in the fields. A school of landscape painters settled at Barbizon, not far from Paris, and painted scenes in the forest around them. They were known as the Barbizon painters.

- 1. According to passage the early Netherlands painters-----.**
 - a. painted naturally
 - b. Paid attention to the life around them
 - c. copied the style of the Pre-Raphaelites
 - d. Painted much better than the Pre-Raphaelites
- 2. The word “apt” in the line 3 is closet in meaning to -----.**
 - a. safe
 - b. calm
 - c. aware
 - d. Ready
- 3. Which group of painters painted broadly?**
 - a. the early Netherlands
 - b. The Pre-Raphaelites
 - c. more revolutionary
 - d. Landscape painters
- 4. Gustavo Courbet is mentioned as an example of painters who -----.**
 - a. were rich and painted just for fun
 - b. showed interest in the life of France in their day
 - c. lived in forests to find good science for painting
 - d. considered landscape as unsuitable for painting
- 5. The passage is mainly about -----.**
 - a. some schools of painting
 - b. scenes from Bible
 - c. The Netherland painters
 - d. the Pre-Raphaelites painters

Passage 6 - (هنر ۸۹ - متن اول)

John Milton (1608-74) is usually thought of as the greatest of all English poets after Shakespeare. His most magnificent poem is *Paradise Lost* (1667), which tells the story of God's dealing with mankind, from the creation of the world, as told in Bible.

Milton was born in London and went to St. Paul's School, where he was so eager to learn that, he said, "From the twelfth year of my age I scarce ever went to bed before midnight". At 16 he went to Christ's College, Cambridge, and when he left after more than seven years, he settled down to continue studying in a Buckinghamshire village called Horton. Already he knew that he wanted to write a great poem and he believed that to do this he must be not only a learned man but also a good one.

Although he was not ready yet to begin his great task, Milton did write other poems while he lived at Horton. Among them were *L'Allegro* and *Il Penseroso* (both 1631-32). *L'Allegro* described the things that a cheerful man likes and *Il Penseroso* the thing a serious man likes. Also written at Horton were *Comus* (1634), a masque in praise of purity, and *Lycidas* (1637), a beautiful, sad poem lamenting the death of Edward King, a fellow-student who had been drowned.

1. The passage is mainly about -----.

- Milton's early life
- Milton's life and work
- the way the Bible influenced Milton
- why Shakespeare is considered a better poet than Milton

2. The passage points out that Milton started his school -----.

- when he was 10
- At St. Paul's school
- In Christ's College
- because he lived in London

3. From the sentence, "I scarce ever went to bed before midnight"

We conclude that Milton -----.

- had sleeping problems
- stayed up studying
- was not tired
- loved the night time

3. After more than seven years at Christ's College, John Milton -----.

- was not interesting in poems yet
- Believed that he had to be a learned man
- settled down to continue studying in Horton
- felt he needed peace and quiet

4. Which statement about Milton's poem is Not true?

- Milton did not write any poems while he was in Horton
- L'Allegro* described the things that a cheerful man likes
- Il Penseroso* described the things that a serious man likes
- He also wrote, *Comus*, a masque in praise of purity and *Lycidas*

Passage 7 – (هنر ۸۹ - متن دوم)

Even when asleep the body needs energy. The more active a person is; the more energy the body uses. The energy comes from the chemical "burning" of carbohydrates, fats, proteins, and certain other substances such as alcohol.

The energy values of different foods can be measured by burning them in a special small oven called a calorimeter. Energy in food is often measured in calories. One kilocalorie, usually written as kcal or Calorie (with a capital C), is the amount of energy required to raise the temperature of one kilogram of water by 1° Celsius. In fact, the Calorie is a unit of heat, not energy. In the modern system of measurements, energy is measured in joules. (1 Calorie equals 4.2 kilojoules.)

You can find the calorie content of almost any food by looking in a slimming magazine or book. An adult need, on average, a little under 3000 Calories a day. A manual worker would need 4000 or more, because of the energy used in physical activity. Children, who are growing and also very active, need extra Calories as well. As people become older they need fewer Calories, partly because they are physically less active and partly because some of their body tissues become chemically less active.

1. The best title for the passage is -----.
a. Carbohydrates
b. Energy and Food
c. Fats and Proteins
d. Chemical Burning
2. According to the passage, the energy values of foods can be measured by -----.
a. chemicals
b. the use of boiling water
c. the activity of the person
d. burning them in the calorimeter
3. The passage point out that Calorie is actually a unit of -----.
a. heat
b. joules
c. energy
d. Celsius
4. Which of the following is likely to need fewer Calories?
a. Adults
b. Manual workers
c. Women
d. Old people
5. 12.6 kilojoules equal ----- calories.
a. 1
b. 2
c. 3
d. 4

Passage 8 – (ریاضی ۸۸)

When people today speak of cartoons, they usually mean the comic drawing which appear in almost every newspaper and magazine, drawings of some scene or situation intended to be funny. Some newspaper cartoons, of course, especially the ones about politics, are critical; they explain a significant or interesting event of the moment in a way that shows up its importance. They often contain caricatures enlarged and comic portraits of real people (politicians for instance) – for if a cartoonist wants to criticize a political leader or show that he dislikes him, one of the best ways to make him look silly and funny in a cartoon.

Another use of the word cartoon means the kind of "strip cartoon" in newspapers and comics which tells a story in a set of little pictures. Some strip cartoons do not have words; others include conversations in the drawing in areas called "balloons". Cartoon film, such as those Walt Disney, are "animated cartoons", that is, they are films made from a great number of separate drawings photographed one after another and shown very quickly on the screen so that the figures on them seem to move.

- Which kind of cartoons has a more serious purpose?
 - portraits
 - politic cartoons
 - strip cartoons
 - cartoon film
- In the phrase "strip cartoon", "strip" means -----.
 - a balloon
 - drawing
 - without words
 - a narrow piece
- Which sentence about the passage is NOT true?
 - Comic drawings of some scene or situations make us laugh
 - Some cartoons explain a significant or interesting event
 - Some people believe that cartoons are anything which makes us laughs
 - Most cartons which appear in magazines or newspapers make us laugh
- The cartoon films made by Walt Disney are -----.
 - Cartoons strips
 - included in cartoons
 - not a number of moving figures
 - not based on one drawing
- The best title for the passage can be -----.
 - making Cartoons
 - kinds of cartoons
 - Newspaper Cartoons
 - Magazine Cartoons

Passage 9 – (انسانی ۸۸ متن اول)

Robert Adam was the son of an architect, William Adam, and he had three brothers who were also architects. The buildings he designed with them were simple and well-arranged outside, and the large rooms inside were beautifully shaped and decorated. He made the shape more interesting by having corners and curved walls, or sometimes a row of columns across one end. The ceilings and walls are beautiful patterns of plasterwork, which were painted in light colors. As well as designing the houses and decorating the rooms, Robert Adam also designed the furniture to go in the rooms. The furniture, the mantelpieces, the door handles and even the keyhole covers were all carefully designed and made. Much of his work was done inside existing houses, such as Syon House, near London. His best country houses, such as Kenwood, in London, and Harewood House, in Yorkshire, were built from 1760 to the early 1770s.

Adam studied architecture abroad while on the Grand Tour to Italy. He was especially interested in the houses in the Roman city of Pompeii and he copied their decoration in his designs. He established himself in London in 1758 and was later joined by his brother James. When Adam made a design for plasterwork decorations it could be used in several houses, since the moulds which shaped the plaster could be used again.

1. According to the passage, which sentence is NOT true?
 - a) Robert Adam used the Italian architecture
 - b) William Adam decorated buildings abroad
 - c) Adam studied architecture in a foreign country
 - d) The buildings Adam designed were curved in some parts
2. According to the passage, much of Adam's work was done -----.
 - a) from 1760 to 1770
 - b) in the Roman city
 - c) inside his best country houses
 - d) inside existing houses near London
3. Decoration in Adam's design was copied from -----.
 - a) his brother's work
 - b) the houses in Pompeii
 - c) the houses in London
 - d) the best houses in England
4. Adam was able to use the decoration designs more than one because he -----.
 - a) could establish them himself
 - b) designed them more than once
 - c) made several plasterwork decorations for houses
 - d) used the moulds which could be used many times
5. The best title for the passage could be -----.
 - a) The History of Architect
 - b) William's Adam's best work
 - c) Robert Adam as an Architect
 - d) The Best and Most Famous Architects

Passage 10 – (انسانی ۸۸ متن دوم)

Most shoes are made to the basic design of a thick under part known as the sole, which takes the wear and tear of walking, and a thinner upper part which encloses the foot. However, as shoes are made to suit people living in climates ranging from tropical to very cold, and as they are also made according to fashion, a tremendous variety of shoes has been produced throughout the ages.

Today it is mainly women's shoes that are made to different patterns from year to year- men's shoes change much less, although in past centuries they have varied as much as women's. Most of the people of the ancient world wore sandals with soles of leather or wood. They have been found in the tombs of the ancient Egyptians. The Greeks wore shoes for the bath and high boots for hunting. These were also worn by the Minoans of Crete and by Romans. In the middle ages, shoes were pointed but comfortable, for they were cut from soft leather or cloth to fit the shape of the foot.

- 1- The passage is mainly about -----.
 - a) shoes for men and women
 - b) the variety of fashionable shoes
 - c) shoes in different climates and periods
 - d) the designs of shoes in the ancient world

2. In the Middle ages -----.
 - a) shoes were as soft and sharp as leather
 - b) shoes were small but comfortable
 - c) people liked their feet to feel relaxed
 - d) people's feet were fit for shoes

3. According to the passage, which sentence is NOT true?
 - a) Women wore more shoes than men
 - b) Men's shoes are less various than women's
 - c) Shoes are different depending on climates
 - d) The Greeks wore different shoes for different purposes

4. The word "They" in line 6 refers to -----.
 - a. women's shoes
 - b. patterns
 - c. men
 - d. men's shoes

- 5- The word "tremendous" in line 4 is closest in meaning to -----.
 - a. small
 - b. beautiful
 - c. large
 - d. little

Passage 12 – (تجربی ۸۹)

Books that tell children about the lives of real people, or about real things in the world, are nowadays not at all dull and not at all like lesson books. One of the best of life stories, or biographies, of famous people is *Mother Teresa* by Ann Sebba. Other similar books are *A Hand Upon time* (about Charles Dickens) and *Mountbatten: Hero*. Some books are a part of a series, each title a separate biography of some famous person.

There are many books about people who live ordinary lives but who represent the changing face of the world. There are books about people who have led their countries through times of great stress, and about people who work for and within a particular belief. People have differing interests in life, and there are a great many books available to cover most hobbies and leisure activities. Subjects such as music, painting, camping and crafts are covered for various age – groups, so that readers should always be able to find something of interest.

91. What is the subject of the passage?

1. books
2. Real things in the world
3. Famous people
4. Biographies

92. According to the passage, *Mother Teresa* is -----.

1. a life story
2. not a biography
3. a character of a little book
4. a book about the life of common people

93. The word “represent” in the first paragraph is closest in meaning to -----.

1. enhance
2. include
3. produce
4. Show

94. Which sentence is NOT true?

1. There are many books about people who live ordinary lives but who represent world changes
2. There are books related to people’s hobbies
3. *A Hand Upon Time* is a book which is written by Charles Dickens
4. There are books about people who have led their countries in times of great stress

95. The writer believes that reason why there are books about music, etc. is that -----.

1. people have the same interests in life
2. there are a great many books available
3. people work for and within a particular belief
4. because readers do not have the same areas of interest

Passage 13 – (تجربی ۸۸ متن اول)

According to the modern western calendar, the year is divided into 12 periods known as months; some of them have 31 days, some 30 days, and One-February has 28 days, except in leap years, when it has 29. However, months have not always been 12 of them in the year. The word "month" is connected with the word "moon", and when the ancient people first made calendars a month was measured by the length of time from new moon- this is about 29.25 days. The month then began when the new crescent moon was first seen in the sky at sunset and the lengths of the months were either 29 or 30 days.

This did not produce an accurate calendar and, therefore, the system was dropped. Our present months, with their different numbers of days, do not correspond to any movements of the heavenly bodies. Sometimes when people use the word "month" they mean any period of 28 days which may easily occur in two different months so far as the calendar is concerned. Therefore, whenever it is necessary to distinguish between the two uses of the word, the months as shown on the calendar are often spoken of as calendar months.

1- Which sentence about the month is NOT true according to the passage?

- a. the days in a month range from 28 to 31
- b. There are often 28 days in February
- c. The year was once divided into twelve 29.25- day months
- d. There have been 12 months in a year since ancient times

2- According to the passage, the length of a month -----.

- a. is about 29.25 days
- b. is divided into 30 days
- c. has some connection with the length of the moon
- d. was related to new moon

3 - The word "correspond" in the 2nd paragraph is closest in meaning to -----.

- a) explain
- b) stretch
- c) relate
- d) include

4- When the new crescent moon was seen in the sky at sunset -----.

- a. the month did not last 31 days
- b. the system was dropped completely
- c. it did not produce an exact calendar
- d. our months were not in agreement with the movements of any heavenly bodies

5- The writer believes that calendar months are -----.

- a) any period of 28 days
- b) those seen on the calendar
- c) those which occur in two different months
- d) based on the way most heavenly bodies move

Passage 14 – (تجربی ۸۸ متن دوم)

In all societies of the population is labeled as "old". What is different from place to place is the age at which people are considered old, and the old way people are regarded. In modern industrialized societies, old age begins at 65- 70; in contrast, in the 19th century old age began at 55. In many poor countries, where people's life expectations are much lower, someone as young as 40 may be an old person. In some societies elderly people are thought of as wise and experienced, and they may even be the leaders of the community. But in the Western societies, the elderly is sometimes disregarded.

Having reached a certain age, somewhere between 60 and 70, they may be expected to retire from their jobs, even if they are still able to work efficiently. Gradually their ties with the community are released, and in many cases, they live in communities made up entirely of old people. The rapid ageing of the populations of all the industrialized countries is due not only to people living longer, but also to a sharp decline from the 1970s in the number of babies being born. Women tend to live longer than men, so that in 1985 for every 100 women over the age of 70, there were only 63 men. It is also true that the better-off members of the society can expect to live longer than the poorer, since they are generally better fed and have superior medical care.

1- According to the passage, -----.

- a. people are considered old depending on their country
- b. 200 years ago, an old person was at most 55
- c. Someone as young as 40 is usually called an old person
- d. People in modern industrialized societies die sometimes between 65 and 70

2- The phrase "retire from" in the 2nd paragraph is closet meaning to -----.

- a. do
- b. leave
- 3. transfer
- d. experience

3- According to the passage, the rapid ageing of the populations is -----.

- a. more related to women
- b. observed in industrialized
- c. common in poor societies
- d. specially observed in all Western societies

4- Which sentence is NOT true according to the passage?

- a. Women may live longer than men
- b. sometimes between 60 and 70, some people stop working
- c. very young population are decreasing in poor societies
- d. The better- off members of the society can expect to live longer than the others

5- The passage is mainly about -----.

- a. old age
- b. population size
- c. different kinds of societies
- d. the number of babies in different societies

Passage 15 – (تجربی ۸۷)

Before Columbus came to the New World, the only people there were Indians. Some of the early explorers treated the Indians very badly. But there were some who were good to them. Father Marquette was one who treated them well. Marquette was a French priest. He came to Canada as a missionary, a person teaching Christianity.

At first Father Marquette stayed at a mission near the east coast. He learned the language of several Indian tribes. Then he decided to go west and preach to the Indians who lived near the Great Lakes. From these Indians heard of great river farther west. The governor of New France, the French lands in the New World, had heard of this river, too.

He decided to send an expedition to find out about it. The governor chose Louis Joliet, a trader, to lead this expedition. He then asked Father Marquette to go with Joliet as a missionary. Joliet and Marquette reached the Mississippi by traveling down the Wisconsin River in light boats. They were pleased to see the great river. On their journey along it they stopped at many places. Everywhere the Indians were friendly.

1- According to the passage, which sentence is NOT true?

- a) Marquette favored religious beliefs.
- b) Father Marquette was kind of the Indians.
- c) Some of the early explorers treated the Indians badly
- d) Columbus was the only person who came to the New World before the Indians.

2- Father Marquette learned the language of several Indian tribes in order to -----.

- a) live near the Great Lakes
- b) go to the great river father west
- c) stay at a place near the east coast
- d) preach to the Indians near the Great Lakes

3. The word "expedition" in the 3rd paragraph is closest in meaning to

- a) journey b) occasion c) distance d) destination

4. When the governor of New France heard of the river, he ...

- a) made Louis Joliet stop expedition
- b) chose Marquette while the government chose Joliet
- c) decided to send a group of people to find out about it
- d) asked Marquette and Joliet to travel alone

5. The best title for the passage would be

- a) Marquette as a missionary b) Marquette in Canada
- d) The Governor of New France d) Columbus in New World

Passage 16 – (٩٤ هنر)

A very long time ago, people did not have money. They traded animals and crops for things they wanted. In China, in about 1200 B.C., People traded Shells and metal tools for the things they wanted. For example, they traded metal Knives and Shovels for the things they needed. Later for in china, people made metal money. In about 100 B.C., the Chinese made money of animal skin. The first paper money was made from white colored deer skin. It came from china about 900 years later.

In about 700 B.C., people made the first-round metal Coins. The coins were made of gold and silver. They looked very similar to the coins we use today. These coins came from Lydia. Lydia was located where the country called turkey is located today. After people made coins in Lydia, people in Rome, Iran, and Greece also began making coins. Coins were very durable – they were strong and could last a long time without becoming damaged. Wampum are necklaces made from beads and seashells. The beads had holes in them. People put beads on Strings. American Indians used wampum for money in the 1500's.

Money Changes what time. No matter what it is looks like, money is an idea. It is the thought that people can trade Something they have for something they want. Money makes trading easier.

1. what is the passage mainly about?

- a) History of money
- b) importance of money
- c) money in ancient China
- d) why people Spend money

2. where was the first paper money made?

- a) Rome
- b) Lydia
- c) China
- d) Greece

3. what does “them” in line 12 refers to?

- a) Holes
- b) Beads
- c) Wampum
- d) Seashells

4. which of the following words is defined in the passage?

- a) Deer
- b) Shovels
- c) Durable
- d) Strings

Passage 17 – (تجربی ۹۱)

The game is played for four quarters of 15 minutes each or two halves of 20 minutes each. Playing time may be Shortened for schools or for a series of matches Played in one day. Two referees control the game, keep the score, and keep time except in internationals.

To start the game, one of the centers passes the ball from small centers circle. This is called a center pass and is also used for restarting the game after a goal. One of the attacking teams (the team taking the center pass) must touch or receive the center pass within the center third. After that the ball is thrown from player to player until goal shooter or goal attack receives the ball is in the Shooting circle and tries to score.

The players may not walk or run while the ball in their possession, or hold it for more than three seconds. The ball may be thrown or bounced to another player but not rolled or kicked. A player may bounce or bat the ball once before catching it. the ball may be caught while it is in the air but a player may not take the ball out of another player's hands or contact (touch) his in any way. A player standing the correct distance away may block the movement of a player or the flight of the ball. the ball may not be thrown over a complete third of the court. If a player of one team sends the ball out of court, it is thrown in by one of the other team. When a rule is broken, either a free pass or a penalty pass is given to the other team.

- 1. The passage is primarily written to -----.**
 - a) explain some rules
 - b) advertise something
 - c) make some suggestions
 - d) describe the function of a game
- 2. When one of the centers passes the ball from the small center circle -----.**
 - a) the game actually begins
 - b) the game has to be repeated
 - c) the ball thrown from player to player in the shooting circle.
 - d) the team in the center circle touching the center pass within the center third.
- 3. How long are the players on the court playing the game?**
 - a) 55 minutes
 - b) 35 minutes
 - c) 80 minutes
 - d) 60 minutes
- 4. What happens after a goal is scored?**
 - a) a player may send the ball out court.
 - b) the ball is bounced to the goal shooter.
 - c) the ball is passage from the small center circle.
 - d) the team taking the center pass receives the center pass within the center third.

Passage 18 - (تجربی ۹۲)

The idea of being employed, or working in exchange for money paid as salary or wages, is a relatively recent one. It started fully with the industrial Revolution in the 1760s. thousands of years before then, when primitive tribes wandered the Earth, everyone – man, woman, and child – worked just to survive, by hunting, gathering food, making clothes, cooking, looking after babies, and handling the houses.

When the first civilizations developed, a form of employment was forced on people without their choice. It was called slavery. Slaves were not paid for their work, and were vital to the economy of early civilizations such as Egypt and Greece. In later centuries Slaves played a key role in the economy of European overseas colonies from the 16th. Century onwards, as well as in the cotton economy of the southern united State up to the American Civil war in 1861. Slaves were forced to work at anything their masters ordered them to, be it field work. Housekeeping, or road building. Slaves were often worked till dropped dead, and were beaten if they refused to work.

Another form of employment called farming emerged in the Middle Ages in Europe. Farmers were employed by lords to work the land for the lord's benefit. In return they received shelter and a small plot to farm for themselves. They could not leave the lord's estate nor change their employment if they wanted to. Like slaves they were not paid money in return for their Labor.

1. the passage is mainly about -----.

- a) the history of employment
- b) the industrial Revolution
- c) employment in the first civilizations
- d) slavery in the American civil War

2. According to the passage, in primitive time -----.

- a) Employees worked without force
- b) people worked by hunting animals
- c) were no longer important in the 16th century
- d) had on important role in European colonies

3. in the Middle Ages, farmers -----.

- a) were paid very little very little money
- b) were given places to live in
- c) could not have their own land
- d) were allowed to change their jobs

Passage 19 - (رياضی ۹۴)

Weather describes conditions, such as rain, wind, and sunshine, that occur during a short period of time in a particular place; climate is the overall pattern of weather in a region. From one moment to the next the weather can change. A warm, sunny day can be overtaken by a violent storm. Dark clouds form, high winds blow, and rain lashes the ground, yet it may be only a few minutes before the sunny weather returns. However, in some parts of the world, such as in parts of the tropics, the weather barely changes for months at a time. There it is always hot and heavy rains fall. Meteorologists are scientists who measure and forecast the weather.

They do this by studying clouds, winds, and the temperature and pressure of earth's atmosphere. But despite the use of satellites, Computers, and other technology in weather forecasting, weather remains a force of nature that is hard to predict. Several thousand weather stations on land, ships, and aircrafts measure weather conditions around the world. The stations contain instruments that record temperature, rainfall, the speed and direction of wind, air pressure, and humidity (the amount of water vapor in the air). Balloons called radiosondes carry instruments to take measurements high in the air. Weather satellites in space send back pictures of the clouds.

- 1. which of the following is TRUE about the difference between weather and climate?**
 - a) weather refers to predictable atmospheric conditions.
 - b) Climate refers to conditions such as rain and wind.
 - c) weather is a fixed climactic pattern in a region.
 - d) Climate refers to a more constant condition.
- 2. According to the passage, which of the following do meteorologists NOT do when forecasting weather?**
 - a) they study clouds.
 - b) they study winds.
 - c) they go high in the air in special balloons.
 - d) they examine the pressure of Earth's atmosphere.
- 3. what does the word "barely" in line 6 mean.**

a) Never	b) Often	c) Seldom	d) Occasionally
----------	----------	-----------	-----------------
- 4. which of the following is Not true?**
 - a) weather stations are not built on land only.
 - b) weather stations contain highly advanced equipment.
 - c) Radiosondes are balloons that take certain tools high in the air.
 - d) Computers and satellites make it possible to predict weather without any difficulty.

Passage 20 – (تجربی ۹۲)

Every cloud is made up of millions of tiny droplets of either water or particles of ice floating together in the air. The air always conditions a certain amount of water vapour (that is, water in the form of gas), which is invisible. The amount of water vapour that air can contain depends on the air's temperature; the cooler the air, the less water it can hold.

When air cools, some of the water vapour will eventually condense; that is, it will form tiny, visible water droplets. If these are on the ground, we call them dew, if near the ground we call them fog or mist, and if they are up in the sky, we call them clouds. When the water droplets are first reduced, they measure only a fiftieth of a millimeter across and are light enough to float in air. If the air goes on cooling, the drops get bigger and many falls as rain.

When air rises it cools, so when warm, moist air is forced to rise, clouds are likely to form. Mountains cause air to rise and thus mountainous lands are often cloudy. Air may also be forced upwards through intense heating of the land or by the meeting of two masses of air, one cold and the other warm and moist. The warm air rises up over the cold air, causing it to cool and clouds to form. Once clouds have formed, they will remain until the air is warmed or rain falls.

- 1. The amount of water vapour that air can hold depend on -----.**
 - a) tiny droplets
 - b) vapour's temperature
 - c) temperature of the air
 - d) particles of ice in the vapour
- 2. According to the passage, very small visible water droplets on the ground are called -----.**
 - a) dew
 - b) fog
 - c) rain
 - d) cloud
- 3. Which statement about clouds is NOT true?**
 - a) once clouds have formed, they will remain until the air is warmed and rain falls.
 - b) when air rises, it cools, so when warm, moist air is forced to rise, clouds are likely to form
 - c) when the air goes on cooling, water drops get bigger and may fall as rain.
 - d) when warm air rises up over the cold air, it gets warmer and clouds are formed.
- 4. According to the reading, mountainous areas are often cloudy because in these places -----.**
 - a) warm air rises up over cold the cold air
 - b) two masses of warm air meet
 - c) they are usually on the way of rain carrying winds
 - d) water droplets are of enough weight for cloud formation.

Passage 21 - (انسانی ۹۴)

Leonardo da Vinci was born in 1452 in the area of Florence, Italy. He did many things. He was a scientist, inventor, musician, mathematician, and architect. He knew about animals and plants, too. He could do many things well. Leonardo was famous for his painting, and many people know about them. He started working on the Last Supper in 1495 in Milan and finished it in 1498. He started working on the Mona Lisa in 1503 in Italy and finished it a short time before he died. It is now in France.

Leonardo's paintings were very good. He understood how human bodies worked. Besides, he knew how happy or sad people looked because he knew how emotion looked on people's faces. Since he understood nature, light, and shadow, his paintings looked real. Leonardo had many ideas for inventions. He drew plans for a helicopter as well as a tank. He even had an idea for a calculator. He had an idea for making solar power, which is power that comes from the sun. Leonardo lived at the same time as Michelangelo and Raphael. He was 27 years older than Michelangelo and 31 years older than Raphael. Leonardo died in 1619.

1. According to the passage, which of the following was Leonardo NOT good at?

- a) Art b) biology c) Chemistry d) Psychology

2. What does the word "them" in line 4 refer to?

- a) many people
b) Animals and plants
c) All Leonardo's paintings
d) Mona Lisa and The Last supper

3. Which of the following can be concluded from the passage?

- a) Mona Lisa took a longer time to finish than the Last Supper.
b) Leonardo painted Mona Lisa when he was still young.
c) Leonardo finished Mona Lisa in a short time.
d) Leonardo painted Mona Lisa in France.

4. Which of the following do we understand about Leonardo?

- a) He never thought of inventing something that could be used during war time.
b) He was interested in finding ways of obtaining energy from the sun.
c) He was aware of all-natural elements when made He an invention.
d) He died when the famous artist Michelangelo was only 27.

Passage 22 – (هنر ۹۳)

Before the invention of the postage Stamp, it was difficult to send a Letter to send to another country. The sender paid for the letter to travel in his or her own country. Then the person in the other country paid for the rest of the trip. If a letter crossed several countries, the problem was worse.

Ronald Hill, a British teacher, had the idea of a postage stamp with glue on the back. The British post office made the first stamp in 1840. They were the penny Black and the Two pence Blue. A person bought a stamp and put it on a letter. The post office delivered the letter. When people received letter, they didn't have to pay anything. The postage was prepaid. Postage stamps become popular in Great British immediately. Other countries started making their own postage very quickly.

There were still problems with international mail. Some countries did want to accept letters with stamps from other countries. Finally, in 1874, a German organized the universal postal Union (UPU). Each country in the UPU agreed to accept letters with prepaid postage from the other members. Today, the offices of the UPU are in Switzerland. Almost every country in the word is a member of this organization. It takes care of any international mail problems. Today, post offices in every country sell beautiful stamps. Collecting stamps is one of the most popular hobbies in the world, and every stamp Collector Knows about the penny Black and the Twopence blue.

1. It can be understood from the passage that sending letters to people in other countries -----.
 - a) was made possible after the invention of the postage stamp
 - b) is no longer a practical and economical way of communication
 - c) existed even before the invention of the postage stamp.
 - d) is the source of income for the universal postal union
2. The penny black -----.
 - a) appeared in the first half 19th century
 - b) appeared after the Twopence Blue turned out to be inefficient.
 - c) was designed to primarily solve the problem of sending letters from one country to another
 - d) made it possible for letter to be attached to the part of the envelope having glue on it
3. The UPU was started by -----.
 - a) a teacher
 - b) some European countries
 - c) Switzerland
 - d) a German citizen
4. The information in the passage is mainly organized based on -----.
 - a) listing positive and negative points of a development
 - b) describing events in the order of their happening
 - c) analyzing the effects of an invention
 - d) comparison and contrast

Passage 23 - (انسانی ۹۳)

No one knows who invented pencils or when it happened. A Swiss described a pencil in a book in 1565. He said it was a piece of wood with lead inside it. (Lead is a very heavy, soft, dark gray metal). Pencils weren't popular, and people continued to write with pens. They used bird feathers as pens.

Then, in 1795, someone started making pencils from graphite, they became very popular. Graphite is like coal. (coal is black, and we burn it for heat and energy.) today, people make pencils in the same way. They grind the graphite, make it into the shape of a stick, and bake it. Then they put it inside a piece of wood. One pencil can write 50,000 English words or make a line 55 Kilometers long.

People wrote with feather pens and then used pens with metal points. They had to dip the point into ink after every few letters. Next, someone invented a fountain pen that could hold ink inside it. A fountain pen can write several pages before you have to fill it again.

Two Hungarian brothers, Ladislaus and Georg Biro, invented the ballpoint pen. They left Hungary and started making ballpoint pens in England in 1943, during world war II. English pilots liked the pens. They couldn't write with fountain pens in airplanes because the ink leaked out. Later, a French company called Bic bought the Birus company.

Some people call ballpoint pens "Bics". Australians call them "biros". Whatever we call them, we use them every day.

1. What is the best title for the passage?

- a) Advantage of pens
- b) a Big Change in Writing Style
- c) A Brief History of Pencils and pens
- d) the Most important Human invention

2. Which one of the following Statements is TRUE about graphite, according to the passage?

- a) it is used to produce energy for warming people.
- b) it is a material from which coal is made.
- c) it naturally comes in the shape of sticks.
- d) it is used in the manufacture of pencils.

3. Why does the author mention "pilots" in the passage?

- a) To show an advantage of a specific kind of pen
- b) To introduce the true inventors of ballpoint pens
- c) To tell the reader that need is the mother of invention
- d) To discuss the role of writing in the development of airplanes

4. The phrase "the ink" in paragraph 4 is the ink -----.

- a) Inside the pens that were actually made by the two Hungarian brothers
- b) Inside the fountain pens pilots used for writing while flying their planes
- c) English pilots began to use after they got ballpoint pens
- d) produced and supplied by a French company Known as Bic

Passage 24 – (ریاضی ۹۳)

Weather forecasting is the use of sciences and technology to predicate the state of the atmosphere for a given location. Human beings have tried to predicate the weather informally for thousands of years, and formally since the nineteenth century. Weather forecasts are made by collecting quantitative data about the current state of the atmosphere on a given place and using scientific understanding of atmospheric processes to predict how the atmosphere will be on that place.

Once an all – human endeavor was mainly based upon changes in barometric pressure, current weather conditions, and sky condition. Weather forecasting now relies on computer – based model that considers atmospheric factors. Human input is still required to select the best possible forecast model to base the forecast upon, which involves pattern recognition skills, telecommunications, knowledge of model performance, and knowledge of model biases. The ever – changing nature of the atmosphere, the great computational power required to solve the equations that describe the atmosphere, error involved in measuring the initial conditions, and an incomplete understanding of atmospheric processes mean that forecasts became less accurate as the difference in current time and the time for which the forecasts is being made increases.

1. According to the passage, weather forecasting -----.

- a) is a new technology
- b) has a long history
- c) began less than 100 years ago
- d) is not as effective as it used to be

2. the passage is mainly concerned with -----.

- a) the reasons why human is attracted to weather forecasting
- b) the circumstances under which weathermen make mistakes
- c) a definition of weather forecasting and the way it is done
- d) the early methods used to predicate weather conditions

3. what does the passage state about the role of human in modern weather forecasting?

- a) Human work is a necessary
- b) There is no need for humans.
- c) Even people with no expert knowledge can do weather forecasting.
- d) It now depends more on human intervention than was the case in less modern weather forecasting models.

4. the word "which" near the end of paragraph 2 refers to -----.

- a) processes
- b) forecasts
- c) difference
- d) time

Passage 25 – (زبان ۹۴)

The collection of events that occur in a work of literature is called the plot. Gulliver's travels, for example, tells the story of Lemuel Gulliver, a Ship's surgeon. In the first part, Gulliver is shipwrecked in an imaginary land called Lilliput, where the people are only a couple of inches tall. In the second *tale*, he meets the giants of Brobdingnag, in the third story, Gulliver visits various strange lands. Finally, he is left among the Houyhnhnms – a race of horses that are wiser and more intelligent than their human servants, the Yahoos. Rejected by the Houyhnhnms, Gulliver returns to England, where he is no longer able to tolerate the company of other humans.

An essential part of most literature is the writer's description of the characters the people who take part in the plot. A writer portrays a character's personality by describing how they react to events in the story. For example, Jonathan Swift shows that Gulliver is a kind – hearted man by describing how he entertains the tiny Lilliputian people; "I would sometimes lie down, and let five or six of them play on my hand. And at last the boys and girls would venture to come and play hide and seek in my hair."

Writers use their plots and characters to explore key themes such as love, death, morality, and social or political issues. Gulliver's Travels seems like just an adventure story, but the underlying theme is 18th – century England, where the Lilliputians and other nationalities represent different types of people with their good and bad qualities.

1. What is the passage mainly about?

- a) What kind of people the Lilliputians were
- b) Why Jonathan Swift wrote Gulliver's Travels
- c) Gulliver's Travels as a great work of literature
- d) The most important elements in a work of literature

2. What does the word "*tale*" in paragraph 1 mean?

- a) Unit
- 2) Part
- 3) Story
- d) Section

3. Who were the Yahoos?

- a) Humans who served the horses.
- b) A group of wise, intelligent horses
- c) The people Gulliver met in Brobdingnag.
- d) The people that Gulliver could not tolerate.

4. What do you understand from the passage?

- a) Gulliver's Travels tells the history of 18th – century England.
- b) The Lilliputians were kind – hearted people who loved Gulliver.
- c) the Lilliputian and the Houyhnhnms are Characters created by Gulliver.
- d) Jonathan Swift did not write Gulliver's Travels only to entertain people.

Passage 26 – (ریاضی ۹۲)

Dhaka, the capital of Bangladesh, stands on the bank of one of the channels of the Ganges – Brahmaputra delta, about 100 Kilometers (60 miles) from the sea. The city is also Known as Dacca, there are separate articles on the Ganges and Brahmaputra Rivers. It is an ancient city with many monuments of the 17th century Mogul period. The Lal Bagh camp was begun by a son of the emperor Aurangzeb in 1684. There are more than 700 mosques, including one built as far back as 1456. A Christian church was built by a Portuguese mission in 1677 at a time when Dhaka was the capital of Bengal and a great center of trade, attracting English French, and Dutch traders.

In the 18th and 19th centuries Dhaka lost its importance as its chief trade, that is muslin (a soft cotton fabric), declined and another town became the capital of East Bengal for a time, and in 1947 it became Pakistan's eastern capital. When East Pakistan broke away in 1971 and announced its independence as Bangladesh, Dhaka was one of the first place taken over by the Pakistan army and one of the last to be Surrendered by it.

The capital has fine modern buildings, including a university, many schools, an airport and hotels. Many of the new buildings are grouped round the Ramna, a large park. An industrial area Stretches for 16 kilo meters (10 miles) to the river port of Narayanganj. Dhaka is the industrial center of Bangladesh and the city has always been noted for its cottage industries.

1. What is the best topic for the passage?

- a) Political History of Dhaka
- b) Geological location of Dhaka
- c) Dhaka in the 18th and 19th centuries
- d) The History of Dhaka from Past to present

2. Which statement about the passage is NOT true?

- a) Dacca is an ancient city whit so many 17th century monuments.
- b) The Lal Bagh camp was begun by the emperor Aurangzeb in 1684.
- c) There is more than 700 mosques. Including one built in the 15th century.
- d) The Christian Church was built by the Portuguese when Dhaka was economically important.

3. According to the passage, the city of Dhaka has always been noticed for its -----.

- a) Cottage industries
- b) modern buildings
- c) many schools
- d) airport and hotels

4. What happened to Dhaka in the 18th and 19th centuries?

- a) its main product lost businesses.
- b) it became the capital of East Bengal and a great center of trade.
- c) It was the capital of Bengal and a great center of trade.
- d) it attracted English, French, and Dutch traders.

Passage 27 - (تجربی ۹۳)

Although milk is made mainly of water, it contains nearly all the food substances needed by the body. That is why it is a valuable drink for Children and is used in so many different ways in our diet.

Milk looks white because it contains a protein (body – building substances) called casein. Through a microscope floating globule (Small drops) of fat can be seen in milk. The layer of cream which floats on the top of milk is made up of fat globules. As well as casein and fat, which can both be seen, milk also contains a type of sugar called lactose dissolved in it. Minerals, particularly calcium and phosphorus (which are important in forming bones and teeth) and most of the vitamins essential for life and health are also contained in milk.

Milk is Produced by all female mammals to feed their young for the first part of their lives. All young mammals, from whales to babies, have milk for their first food. Because milk is a useful food for adults as well as for babies and Children, people have kept animals for their milk from very early times.

Among most English – Speaking people the cow is the main provider of milk. In Spain and Greece, the sheep and the goat are the chief milk – producing animals. The camel provides milk to the desert tribes of Arabia, and in Egypt the water buffalo is a source. The reindeer furnishes milk to people living in Lapland. Mongolian tribes drink mare’s milk. In Peru the llama is a milk – Producing animal. In tippet the people get milk from the yak. However, in certain countries, notably china and japan, milk has never been an important part of the diet and dairy animals are not kept.

- 1. What basic question is paragraph 2 refers to -----.**
 - a) How is milk processed and produced?
 - b) Why does milk look like what it does?
 - c) What can be produced out of milk?
 - d) What does milk Consist of?
- 2. The word “it” in paragraph 2 refers to -----.**
 - a) sugar
 - b) fat
 - 3) milk
 - 4) casein
- 3. It can be understood from the passage that the value of milk -----.**
 - a) was made clear to men when they observed animals’ behavior
 - b) is not yet know to people of different ages
 - c) was brought to surface due to technology
 - d) was known to people of old times
- 4. According to the passage, all of the following are true EXEPT that -----.**
 - a) People in all European countries use the cow to get milk
 - b) There are countries in which milk is not an essential part of their people’s diet
 - c) the main animals that are used to provide milk may differ from country to country
 - d) the desert tribal people in Arabia actually use the camel as the source for the milk they consume

Passage 28 - (ریاضی ۹۳)

Zoo officials say that they are concerned about animals. However, most zoos remain “collections” of interesting “items” rather than protective habitats. Zoos teach people that it is acceptable to keep animals in captivity. However, animals in zoos are bored, limited, lonely, and far from their natural homes.

Zoos claim to educate people, but in fact, visitors don't learn anything meaningful about the natural behavior, intelligence, or beauty of animals. Most zoo areas are quite small, and visitors can rarely observe animals' normal behavior in these unnatural spaces, nor can they learn much from the labels on cages, which list only the species' name, diet, and where it normally lives.

The animals are kept together in small spaces. With no privacy and little opportunity for mental stimulation or physical exercise. This result in abnormal and self – destructive behavior called zoochosis. In a worldwide study of zoos, the born free foundation study found that zoochosis is common among animals in small spaces or cages. Another study found elephants spend 22 percent of their time engaging in abnormal behaviors, such repealed head movements or biting cage bars.

Bears spend 30 percent of their time walking back and forth. These are all signs of distress. Animals, such as big cats save animals from extinction. However, zoos that bread endangered animals, such as big cats and Asian elephants, do release them to the wild. Zoos talk a lot about their breeding programs. One reason is to ease people's worry about endangered species. The other reason is to attract a lot of customers who enjoy seeing baby animals. How many contests have we seen to name baby animals?

Ultimately, we will save endangered Species only if we save their habitats. We also need to stop people from killing them. instead of supporting zoos, we should support groups that work to protect animals and preserve their homes in the wild.

1. The author of the passage suggests that zoos -----.

- a) negatively affect the animals they shelter
- b) change animals' behavior as well as their natural diet
- c) are unfortunately necessary and we cannot do without
- d) should be brought under better control so that they would be useful

2. According to the passage, the information visitors get about animals from visiting them at zoos -----.

- a) is as much as they can get from observing animals in nature.
- b) meaningful enough to be of practical use.
- c) is absolutely wrong and misleading.
- d) is incomplete and limited.

3. All of the following are mentioned in the passage about animals kept in zoo EXEPT that such animals -----.

- a) lose their privacy
- b) are not physically active enough
- c) do not get the change to be mentally stimulated
- d) are often used as what researchers need to perform experiments

4. The last paragraph of the passage includes a number of -----.

- a) complaints
- b) comparison
- c) suggestions
- d) warnings

پاسخ کلیدی کلیدی متنهای کنکور سراسری: صفحه ۵۶۹ تا ۵۹۶

Passage 1	ریاضی ۹۵	1	C	2	D	3	A	4	D		
Passage 2	هنر ۸۷	1	A	2	C	3	B	4	B	5	D
Passage 3	ریاضی ۸۷	1	D	2	D	3	A	4	C	5	A
Passage 4	انسانی ۸۷	1	A	2	D	3	B	4	B	5	A
Passage 5	انسانی ۸۹	1	A	2	D	3	C	4	B	5	A
Passage 6	هنر ۸۹- متن اول	1	B	2	B	3	B	4	C	5	A
Passage 7	هنر ۸۹- متن دوم	1	B	2	D	3	A	4	D	5	C
Passage 8	ریاضی ۸۸	1	B	2	D	3	D	4	D	5	B
Passage 9	انسانی ۸۸ متن اول	1	B	2	D	3	B	4	D	5	C
Passage 10	انسانی ۸۸ متن دوم	1	C	2	C	3	A	4	D	5	C
Passage 11	ریاضی ۸۹	1	B	2	C	3	B	4	D	5	A
Passage 12	تجربی ۸۹	1	A	2	A	3	D	4	C	5	D
Passage 13	تجربی ۸۸ متن اول	1	D	2	D	3	C	4	A	5	B
Passage 14	تجربی ۸۸ متن دوم	1	A	2	B	3	B	4	C	5	A
Passage 15	تجربی ۸۷	1	D	2	D	3	A	4	C	5	A
Passage 16	هنر ۹۴	1	A	2	C	3	B	4	C		
Passage 17	تجربی ۹۱	1	A	2	A	3	D	4	C		
Passage 18	تجربی ۹۲	1	A	2	C	3	B				
Passage 19	ریاضی ۹۴	1	D	2	C	3	C	4	D		
Passage 20	تجربی ۹۲	1	C	2	A	3	D	4	A		
Passage 21	انسانی ۹۴	1	C	2	D	3	A	4	B		
Passage 22	هنر ۹۳	1	C	2	A	3	D	4	B		
Passage 23	انسانی ۹۳	1	C	2	D	3	A	4	B		
Passage 24	ریاضی ۹۳	1	B	2	C	3	A	4	D		
Passage 25	زبان ۹۴	1	D	2	C	3	A	4	D		
Passage 26	ریاضی ۹۲	1	D	2	B	3	A	4	A		
Passage 27	تجربی ۹۳	1	D	2	C	3	D	4	A		
Passage 28	ریاضی ۹۳	1	A	2	D	3	D	4	C		

افعال بی قاعده Irregular Verbs

افعال در زبان انگلیسی سه شکل دارند:

۱- شکل اول یا شکل ساده ۲- شکل دوم یا گذشته ۳- شکل سوم یا اسم مفعول

چنانچه فعلی از شکل اول، به شکلهای دیگر تبدیل شود، به آخر آن "ed" اضافه میکنیم. اما افعالی وجود دارند که از این قاعده پیروی نمیکنند و به جای گرفتن "ed"، تغییر شکل میدهند که باید آنها را حفظ کنیم. لیستی کامل از افعال نامنظم رایج انگلیسی به همراه معنی فارسی آنها در زیر قرار داده شده است:

<i>Persian Meanings</i>	Infinitive شکل اول یا ساده	Simple Past شکل دوم یا گذشته	Past Participle شکل سوم
بیدار شدن، بیدار کردن	<i>awake</i>	awoke	awaken
بودن	<i>be</i>	was / were	been
شدن	<i>become</i>	became	become
شروع کردن	<i>begin</i>	began	begun
خم شدن، خم کردن	<i>bend</i>	bent	bent
شرط بستن	<i>bet</i>	bet	bet
پیشنهاد دادن	<i>bid</i>	bid	bid
خون ریزی کردن	<i>bleed</i>	bled	bled
وزیدن	<i>blow</i>	blew	blown
شکستن، خرد کردن	<i>break</i>	broke	broken
آوردن	<i>bring</i>	brought	brought
پخش کردن	<i>broadcast</i>	broadcast	broadcast
ساختن، بنا نهادن	<i>build</i>	built	built
سوختن، سوزاندن،	<i>burn</i>	burnt	burnt
خریدن	<i>buy</i>	bought	bought
گرفتن، دستگیر کردن	<i>catch</i>	caught	caught
انتخاب کردن	<i>choose</i>	chose	chosen
آمدن، رسیدن	<i>come</i>	came	come
قیمت داشتن	<i>cost</i>	cost	cost
بریدن، قطع کردن	<i>cut</i>	cut	cut
رفتار کردن، معامله کردن	<i>deal</i>	dealt	dealt
انجام دادن	<i>do</i>	did	done
کشیدن، رسم کردن	<i>draw</i>	drew	drawn
خواب دیدن	<i>dream</i>	dreamt	dreamt
آشامیدن	<i>drink</i>	drank	drunk
راندن، رانندگی کردن	<i>drive</i>	drove	driven

<i>Persian Meanings</i>	شکل اول یا ساده	شکل دوم یا گذشته	شکل سوم
خوردن	<i>eat</i>	ate	eaten
زمین خوردن، سقوط کردن	<i>fall</i>	fell	fallen
غذا دادن به	<i>feed</i>	fed	fed
احساس کردن، لمس کردن	<i>feel</i>	felt	felt
جنگیدن، جنگ کردن	<i>fight</i>	fought	fought
پیدا کردن	<i>find</i>	found	found
پرواز کردن	<i>fly</i>	flew	flown
فراموش کردن	<i>forget</i>	forgot	forgotten
بخشیدن	<i>forgive</i>	forgave	forgiven
منجمد کردن، مسدود کردن	<i>freeze</i>	froze	frozen
به دست آوردن، فهمیدن	<i>get</i>	got	gotten
دادن (به)، بخشیدن	<i>give</i>	gave	given
رفتن	<i>go</i>	went	gone
رشد کردن، بزرگ شدن	<i>grow</i>	grew	grown
آویزان کردن	<i>hang</i>	hung	hung
داشتن	<i>have</i>	had	had
شنیدن	<i>hear</i>	heard	heard
پنهان کردن، پنهان شدن	<i>hide</i>	hid	hidden
زدن، ضربه زدن	<i>hit</i>	hit	hit
نگه داشتن	<i>hold</i>	held	held
آسیب زدن (به)	<i>hurt</i>	hurt	hurt
نگه داشتن، حفظ کردن	<i>keep</i>	kept	kept
دانستن، شناختن	<i>know</i>	knew	known
رهبری کردن، هدایت کردن	<i>lead</i>	led	led
یاد گرفتن	<i>learn</i>	learnt	learnt
ترک کردن، محول کردن	<i>leave</i>	left	left
قرض دادن	<i>lend</i>	lent	lent
اجازه دادن	<i>let</i>	let	let
گم کردن، از دست دادن، باختن	<i>lose</i>	lost	lost
ساختن، درست کردن	<i>make</i>	made	made
معنی دادن، منظور داشتن	<i>mean</i>	meant	meant

<i>Persian Meanings</i>	شکل اول یا ساده	شکل دوم یا گذشته	شکل سوم
ملاقات کردن	<i>meet</i>	met	met
پرداخت کردن	<i>pay</i>	paid	paid
گذاشتن ، قرار دادن	<i>put</i>	put	put
خواندن	<i>read</i>	read	read
سوار شدن، راندن	<i>ride</i>	rode	ridden
زنگ زدن	<i>ring</i>	rang	rung
دویدن ، اداره کردن	<i>run</i>	ran	run
دیدن	<i>see</i>	saw	seen
جستجو کردن	<i>seek</i>	sought	sought
فروختن	<i>sell</i>	sold	sold
فرستادن ، ارسال کردن	<i>send</i>	sent	sent
تیراندازی کردن، کشتن،	<i>shoot</i>	shot	shot
نشان دادن ، ابراز کردن	<i>show</i>	showed	shown
بستن، بسته شدن	<i>shut</i>	shut	shut
(آواز) خواندن	<i>sing</i>	sang	sung
غرق شدن، فرو رفتن	<i>sink</i>	sank	sunk
نشستن	<i>sit</i>	sat	sat
گذراندن، خرج کردن	<i>spend</i>	spent	spent
ایستادن	<i>stand</i>	stood	stood
دزدیدن	<i>steal</i>	stole	stolen
شنا کردن	<i>swim</i>	swam	swum
تاب خوردن، نوسان داشتن	<i>swing</i>	swung	swung

پیشنهادات و انتقادات:

09141800310

@Jamalahmadi1984